حضرت زهرا سلام الله علیها

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : حضرت زهرا سلام الله علیها/ جمعی از نویسندگان مجله مبلّغان

تنظیم: اکبر اسد علیزاده

با نظارت: هیئت تحریریه مجله مبلّغان (عبدالکریم پاک نیا، سید جواد حسینی، اکبراسدعلیزاده، محمد مهدی ماندگار، علی مختاری، ابوالفضل هادی منش، محمودمهدی پور، حسین ملانوری، محمدحسن نبوی)

مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، 1390.

مشخصات ظاهری : 659ص.

فروست : کتابهای مبلغان؛ 1.

یادداشت : چاپ اول.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- سوگواری ها

موضوع : فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- فضایل

موضوع : احادیث -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع : زندگینامه -- راهنمای آموزشی

موضوع : اسلام -- تبلیغات-- مجالس

رده بندی کنگره : BP27/2/م822ت2 1388

رده بندی دیویی : 297/973

شناسه افزوده : مبلغان (مجله)

شناسه افزوده : حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

ص: 1

معرفی

مقدمه

با گذشت 11 سال از انتشار مجله مبلّغان، مجموعه ارزشمندی از مقالات در موضوعات فرهنگ و سیره اهل بیت(ع)، آموزش تبلیغ، اخلاق مبلّغان، شبهه شناسی، پاسخ به سؤالات، معرفی چهره های تبلیغی، خاطرات و تجارب تبلیغی و... گرد آمده است که به نظر بسیاری از مبلّغان و مربیان محترم، گنجینه ارزشمندی جهت استفاده در عرصه تبلیغ می باشد.

برخی از مباحث در این نشریه به صورت سلسله مقالات چاپ شده و در بعضی از موضوعات، مقالات فراوانی از زوایای مختلف مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است. انتشار مقالات مرتبط با یک موضوع به صورت کتاب مستقل می تواند دسترسی مبلّغان و مربیان محترم به مقالات خاص را تسهیل نموده، آنان را در تبلیغ دین یاری رساند؛ از اینرو طرح انتشار کتابهای مبلّغان در جلسات هیئت تحریریه مجله مبلّغان مطرح و تصویب گردید. درخواستهای مکرّر خوانندگان مجله مبنی بر چاپ کتابهای مبلّغان نیز بر انگیزه دست اندرکاران افزود.

اولین کتاب از این مجموعه با عنوان «تبلیغ در محرم» منتشر گردید و مورد استقبال مبلّغان محترم قرار گرفت، و دومین کتاب با عنوان «امام مهدی(ع)» به چاپ رسید و سومین کتاب از سلسله کتابهای مجله مبلّغان با عنوان «حضرت زهرا(س)» در اختیار شماست.

ص: 2

یاد آوری این نکته را لازم می دانیم که مقالات ارائه شده جهت استفاده در سخنرانی است؛ ولی شکل سخنرانی و هماهنگ سازی مطالب با مخاطبان و گره زدن بحث با نیازها، ظرفیتها و شرایط خاص آنان، به عهده سخنوران عزیز می باشد. شایسته است مبلّغان و مربیان محترم با توجه به نیاز جلسه سخنرانی، با چینش مناسب و افزودن توضیحات و مواد لازم، محتوای مقالات را مطرح کنند.

امیدواریم نوشته حاضر که محصول زحمات نویسندگان و مجریان مجله مبلّغان است، مورد لطف و توجه خاص حضرت بقیهالله الاعظم(ع) قرار گیرد و مبلّغان و مربیان را در تبلیغ معارف اسلامی یاری رساند.

در پایان از برادر ارجمند جناب حجه الاسلام و المسلمین اکبر اسدعلیزاده که زحمت تنظیم این اثر را پذیرفتند و به خوبی از عهده آن برآمدند تقدیر و تشکر می کنیم و ضمن استقبال از نظرات ارزشمند مبلّغان و پژوهشگران گرامی، امیدواریم خوانندگان محترم، ما را از دعای خیر خویش محروم نفرمایند.

ص: 3

هیئت تحریریه مجله مبلّغان

ص: 4

پیشگفتار

حضرت فاطمه(س) محور درسهاست و در حیات شخصی، عبادت، نیایش، کار و تلاش، احساس تعهد و انجام مسئولیت، تکلیف نسبت به خود، خدا و جامعه، نظارت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه و حق طلبی الگو است.

آفرینش و زندگی زهرا(س) این نکته را به اثبات رساند که می توان احساسات و انعطاف زنانه را با شعور و درایت حماسی پیوند زد؛ می توان از محیط خانه منشأ تحولات اجتماعی و تاریخی شد؛ می توان در محراب عبادت با ملک همنوا گردید و از آنجا، پای به مسجد گذاشت و بلاغت را در ادبیات سیاسی و فرهنگی به اوج رساند؛ می توان اوج اقتدار زنانه را در خضوع به همسر، پرورش فرزند، خانه داری، توجه به علم و معرفت و حضور مؤثر در مهم ترین عرصه های حیات سیاسی و اجتماعی، تعریف کرد و عمر کوتاه زندگی مادی را تا همیشه تاریخ جاودانه ساخت. بازشناسی شخصیت فاطمه(س) از آن جهت اهمیت دارد که ادعا می کنیم جبران تحقیر تاریخی زن و نمایش توانمندی و ارزشمندی او، در سلوک مردانه و به خود بستن صفات مذکر نیست و باید اوج اقتدار زن را در بازبینی «هویت زنانه» جست. آن حضرت با حفظ هویت زنانه خود توانست در تمام ابعاد شخصیتی و انسانی به اوج کمالات دست یابد و به عنوان الگوی زنان عالم معرفی شود.

زنان بسیاری در طول تاریخ بشریت به مقامهای بالای معرفتی و جایگاه رفیع قرب الهی رسیده اند که حضرت زینب، حضرت معصومه، حضرت حوا، هاجر، ساره، همسر عمران یا مادر مریم – سلام الله علیهن – و ... از جمله این زنان هستند، لکن در میان این زنان نمونه و نامی، چهار زن مقدس به قله علم و معرفت صعود کرده و الگوی عالمیان شدند. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: می فرماید: خداوند متعال از میان زنان عالم چهار زن را برگزید: مریم(س)، آسیه(س)، خدیجه(س) و فاطمه(س). )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_5_1)(

ص: 5

1- . الخصال، ج1، ص225؛ بحارالانوار، ج96، ص383: وَاختَارَ مِنَ النِّسَاءِ أربَعاً مَریَمَ وَ آسِیۀَ وَ خَدِیجَۀَ وَ فَاطِمَۀ.

اما بر احدی پوشیده نیست که صدیقه طاهره، فاطمه زهرا(س) برترین بانوی مقرب درگاه خداوند و منشأ برکات بی پایان در عالم است. او دختر بهترین پیامبران، همسر برترین امامان، مادر سید و سالار شهیدان و یازده نور پاک آسمانی است که ولایتشان تا قیامت پابرجاست و وارثان همه فضیلتها و کمالات هستند.

در طول تاریخ بشریت، درباره هیچ بانویی تا این حد فضیلت، عظمت و بزرگی بیان نشده است، صدها روایت معتبر و متواتر در مناقب آن حضرت از پیامبر اکرم(ص) و دیگر معصومان(ع) رسیده است که نمونه های آن در این مجموعه با ارزش آمده است.

حضرت فاطمه(س) یکی از کلمات بی پایان خداوند است که زبان از شمارش فضایل او و قلم از نوشتن آن عاجز است. لذا بر ماست که قدر این الگوی الهی خود را بدانیم و بر محبت نسبت به او استوار مانیم و در زندگی مادی و معنوی خود سیره و سخن او را سرمشق سعادت و نجات قرار دهیم.

ص: 6

روش تدوین

آنچه در این مجموعه گردآمده نزدیک به پنجاه مقاله چاپ شده در مجله مبلغان است که در هشت فصل تنظیم و در اختیار مبلغان و محققان گرامی قرار می گیرد. در تنظیم این اثر اقدامات زیر انجام شده است:

1. ارائه طرح جامع برای موضوعات و عناوین مقالات و تنظیم منطقی آنها طبق طرح ارائه شده؛

2. یکسان سازی و ویرایش علمی در موارد لزوم؛

3. حذف مطالب تکراری؛

4. ادغام برخی از مقالات براساس موضوعات مرتبط و یا تبدیل برخی از مقالات به دو مقاله جداگانه؛

5. یکسان سازی منابع و مستندات مطالب مقالات؛

6. تصحیح و اعراب گذاری آیات و روایات و رفع اشکالات تایپی، و اضافه یا حذف متن آنها در موارد لزوم؛

7. مستند سازی برخی از آیات و روایات و مطالب علمی ارائه شده بدون سند؛

ص: 7

8. تلخیص و تکمیل برخی از موضوعات و مقالات؛

9. ارائه فهرست تفصیلی مطالب؛

10. ارائه فهرست منابع و مآخذ.

در پایان از تک تک محققین، اعضای هیئت تحریریه، سردبیر و مدیرمسئول محترم مجله مبلّغان، امور فنی و از تمامی برادرانی که در تنظیم و تدوین این اثر به ما یاری رساندند تقدیر و تشکر می کنم. امیدوارم این اثر ارزشمند مورد قبول حضرت باری تعالی قرار گیرد و همه ما از عنایات و توجهات ویژه حضرت فاطمه زهرا(س) و از شفاعت آن حضرت بهره مند گردیم.

آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

15 جمادی الاولی 1432 ق مطابق با 30 فروردین 1390

قم المقدسه / اکبراسد علیزاده

ص: 8

فصل اول: زندگینامه

کوثر محمد(ص)

شعر

باز امشب قدسیان سرمست بوی مکّه اند

"

شب نشینان فلک در گفتگوی مکّه اند

"

می رسد انسیه حورا که حوران بهشت

"

هر طرف دامن کشان مشتاق بوی مکّه اند

"

از گریبان سحر خورشید عصمت می دمد

"

زین جهت ذرّات عالم رو به سوی مکّه اند

"

کهکشانها در طواف کعبه اند امشب زشوق

"

تا سحر منظومه ها تسبیح گوی مکّه اند

"

مهبط وحی و نبوت پر شد از عطر بهشت

"

ص: 9

زین سبب گلواژه ها در جستجوی مکّه اند

"

با وجود زهره زهرا چه جای حیرت است

"

مریم و حوّا اگر مهمان کوی مکّه اند

"

در شب میلاد کوثر از شعف کرّوبیان

"

در نماز عشق و مستی رو بروی مکّه اند

"

یازده کوکب که از دامان او برخاستند

"

آبروی آفرینش آبروی مکّه اند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_10_1)(

"

ص: 10

1- . محمدجواد غفورزاده (شفق).

ولادت

فصل اول: زندگینامه

کوثر محمد(ص)

ولادت

بعد از چهل شبانه روز عبادت و کناره گیری رسول خدا(ص) از خدیجه کبری(س)، فرشته خدا از بهشت برای آن حضرت غذایی آورد. بعد از افطار با آن غذای بهشتی و روحانی، جبرئیل عرض کرد: «ای رسول خدا! امشب از نماز مستحبی درگذر و به سوی خانه خدیجه بشتاب! زیرا خداوند اراده نموده که از صلب تو فرزند پاکیزه ای بیافریند.» به دنبال این فرمان، نور فاطمه(س) از صلب پدر به رحم مادر انتقال یافت. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_11_1)(

بعد از مدتی جبرئیل به پیامبر(ص) اینگونه بشارت داد: «ای رسول خدا! فرزندی که در رحم خدیجه(س) آمد، دختر ارجمندی است که نسل تو از وی ادامه خواهد یافت. او مادر امامان و پیشوایان دین است که بعد از انقطاع وحی جانشین تو خواهند شد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_11_2)(

بعد از اتمام دوران بارداری حضرت خدیجه(س)، فرشتگان خدا، حوریان بهشتی و زنان آسمانی به یاری خدیجه شتافتند و بدین گونه، فاطمه عزیز؛ یعنی اختر فروزان آسمان نبوت پا به عرصه گیتی نهاد، و با نور تابناک خود، شرق و غرب عالم را روشن ساخت. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_11_3)(

ص: 11

1- . بحارالانوار، ج 16، ص 78 و ر. ک: بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی، ص 27.

2- . دلائل الامامه، ص 8.

3- . همان و ر. ک: بحارالانوار، ج 43، ص 2، و ج 16، ص 80.

امام صادق(ع) فرمود: «وقتی حضرت خدیجه(س) پیامبر اکرم(ص) را به همسری برگزید، زنان مکّه به دلیل دشمنی با آن حضرت، از او دور شدند، آنان نه تنها به خدیجه(س) سلام نمی کردند؛ بلکه حتّی از رفت و آمد زنان دیگر هم جلوگیری می نمودند. به این ترتیب وحشتی عجیب بر وجود خدیجه مستولی شد؛ البته او بیش تر از این می ترسید که به پیامبر(ص) آسیبی برسانند.

وقتی خدیجه(س) به فاطمه(س) حامله شد، فاطمه(س) در شکم مادر با او سخن می گفت و مونس مادر بود و او را به صبر توصیه می فرمود؛ امّا خدیجه(س) این حالت را از پیامبر(ص) مخفی می داشت تا آن روزی که حضرت داخل شد و شنید حضرت خدیجه با کسی سخن می گوید. حضرت به اطراف نگریست؛ امّا کسی را ندید، پرسید: «ای خدیجه! با چه کسی سخن می گویی؟» خدیجه(س) در پاسخ به کودکی که در شکم داشت، اشاره کرد و پاسخ داد: «فرزندی که در شکم دارم، با من سخن می گوید و مونس من است.» حضرت فرمود: «در همین لحظه جبرئیل به من خبر داد که این فرزند دختر است. او و نسل او طاهر، بابرکت و خجسته اند و خداوند نسل مرا از او به وجود خواهد آورد. از نسل او امامان دین متولّد می شوند و حق تعالی بعد از قطع وحی، آنها را جانشین خود در زمین قرار می دهد.» خدیجه(س) همواره در چنین حالتی بود تا آنکه موعد ولادت فرا رسید و درد زایمان را احساس کرد. شخصی را نزد زنان قریش و فرزندان هاشم فرستاد که به سوی او بشتابند؛ امّا همان فرستاده بازگشت و چنین جواب آورد که: تو به حرف ما گوش ندادی و به همسری یتیم عبدالله درآمدی؛ مردی که فقیر است و دارایی ندارد. حالا ما نیز به سخن تو گوش نمی دهیم و به خانه ات نمی آییم.

شنیدن این پیغام، خدیجه(س) را به شدت اندوهگین کرد؛ امّا در همان لحظات غم و اندوه به یک باره چهار زن گندمگون بلند بالا را دید که پیش رویش ایستاده اند. خدیجه(س) از مشاهدۀ آنان ترسید؛ امّا یکی از آن بانوان گفت: «ای خدیجه! نترس! ما فرستادۀ پروردگار و پشتیبان تو هستیم. من «ساره» همسر ابراهیم خلیل(ع)، دومی «آسیه» دختر مزاحم، رفیق تو و همسر شوهرت در بهشت، سومی «مریم» دختر عمران و چهارمی «کلثوم» خواهر موسی بن عمران(ع) هستیم. خداوند ما را فرستاد تا در وقت ولادت، نزد تو باشیم و تو را کمک کنیم، بعد از این گفتگو بانوان اطراف حضرت خدیجه(س) را گرفتند و فاطمه(س) پاک و پاکیزه به دنیا آمد.

ص: 12

هنگامی که حضرت فاطمه(س) متولّد شد، از او نوری ساطع شد، چنان که خانه های مکّه را روشن کرد و در مشرق و مغرب جایی نماند که از آن نور روشن نشود. ده حورالعین به آن خانه وارد شدند، هر یک دو ظرف پر از آب کوثر به دست داشتند. بانویی که پیش روی خدیجه بود، فاطمه را برداشت و با آب کوثر غسل داد. او لباس سفیدی را که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود، بیرون آورد. فاطمه(س) را در پارچه پیچید و پارچه دیگر را مقنعۀ او کرد. آن گاه با او سخن گفت. حضرت فاطمه(س) فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِی رَسُولُ اللَّهِ سَیِّدُ الْأَنْبِیَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِی سَیِّدُ الْأَوْصِیَاءِ وَ وُلْدِی سَادَهُ الْأَسْبَاطِ؛ گواهی می دهم به یگانگی خدا و اینکه پدرم رسول الله(ص)، بهترین پیامبران و همسرم بهترین جانشین پیامبران و فرزندانم بهترین فرزند زاده های پیغمبران هستند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_13_1)(

آنگاه به یکایک آن بانوان سلام کرد و هر یک را به اسم صدا زد. آن زنان نیز شادی کردند و حوریهای بهشتی خندان شدند و به یکدیگر بشارت دادند. اهل آسمانها نیز ولادت سیدۀ زنان عالمیان را به یکدیگر بشارت دادند. در آن لحظه، نور روشنی در آسمان پیدا شد که تا آن روز چنان نوری دیده نشده بود. این بار بانوان رو به خدیجه(س) کردند و گفتند: این دختر را بگیر که طاهر، مطهر و با برکت است. خداوند به او و نسل او برکت داده است،

ص: 13

1- . بحارالانوار، ج43، ص2.

خدیجه آغوش گشود و چون کودک دلبندش در دامن او جای گرفت، خوشحالی از سیمایش نمودار شد و سینه اش را در دهان فرزندش جای داد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_14_1)( و این چنین بود که فاطمه(س) دختر رسالت در سال پنجم بعثت، بیستم جمادی الثانیه به دنیا آمد. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_14_2)(

ص: 14

1- . امالی، شیخ صدوق، ص475.

2- . اصول کافی، ج 1، ص457، (سال تولد به نقل از روایت امام باقر(ع)) و کشف الغمّه، ج 2، ص76. شیخ طوسی و اکثر محقّقان بیستم جمادی الثانیه دانسته اند و در روز جمعه سال دوم بعثت، سال پنجم، پنج سال پیش از بعثت و... نیز نقل کرده اند؛ ولی نظریه قوی همان روایت امام باقر و صادق8 است که ما بیان کردیم.

پیوند آسمانی

فصل اول: زندگینامه

کوثر محمد(ص)

پیوند آسمانی

حضرت فاطمه(س) در خانۀ پدری متولّد شد که خود بهترین مربی و راهنمای بشریّت و از حیث کمالات شخصیتی اشرف انسانها بود، و مادرش خدیجه(س)، بانویی پاکدامن و دختر «خُویلد». وی از دوران طفولیّت تجربیات گرانسنگی اندوخته بود، و با ترتیب دادن کاروانهای تجارتی به کسب درآمد می پرداخت و با مدیریّت قوی و به دور از رباخواری که رسم زمانه بود به تجارت مضاربه ای روی آورده بود. برخی معتقدند قبل از روی آوردن به تجارت با «عقیق بن خالد مخزومی» و بعد از مرگ او با «ابن هاله بن منذر اسدی» ازدواج کرد و از وی صاحب فرزندی به نام «هند» شد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_15_1)(

تاریخ نگاران بارها از وی با عناوینی چون «امرأه حازمه لبیبه» بانوی دوراندیش و خردمند و «امرأه عاقله» بانوی عاقل یاد کرده اند: «کَانَت خَدِیجَهُ اِمرَأَهٌ عَاقِلَهٌ شَرِیفَهٌ مَعَ مَا اَرَادَ اللهُ بِهَا مِن الکَرَامَهِ وَ الخَیرِ وَ هِیَ یَومَئِذٍ اَفضَلُهُم نَسَبَاً وَ اَعظَمَهُم شَرَفَاً وَ اَکثَرَهُم مَالاً.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_15_2)(

ص: 15

1- . برخی معتقدند وی دوشیزه بود که با پیامبر(ص) ازدواج کرد. بحارالانوار، ج 8، باب زنان پیامبر از احمد بلاذری، خدیجه، علی محمد علی دخیل، دکتر فیروز حریرچی، ص11.

2- . تاریخ الخمیس، ج 1، ص263.

هرچند مدیریّت قوی و درایت بی نظیر وی در تجارت خود مقوله ای مهم است؛ امّا تابناک ترین صفحات زندگی او زمانی شکل می گیرد که با وجود زیبایی ظاهر و برخورداری از تمام صفات عالی زنانه، هرگز در جامعۀ فاسد آن روز خود را نباخت و به چنان درجه ای از کمال رسید که به وی لقب «طاهره» دادند. او از یاری فقرا روی بر نمی تافت و خانه اش مأمن و محل پناه بی سرپرستها و نیازمندان بود. کرم و سخاوت، دوراندیشی و درایت، عفت و پاکدامنی از وی بانویی پارسا ساخت و لقب «سیده نساء قریش» که در آن زمان به وی داده شد، از عمق نفوذ اجتماعی و نهایت احترام مردم به وی پرده برمی دارد.

کمالات روحی و عقلی و حسن ظاهر وی سبب شد گروه زیادی از مردان همچون «عقبه بن ابی معیط»، «صلت بن شهاب»، «ابوجهل» و «ابوسفیان» اندیشۀ همسری اش را در سر بپرورانند؛ اما خدیجه(س) تمام این درخواستها را رد کرد. او در بخشی از گفتگوی خود با «ورقه بن نوفل اسد بن عبدالعزی» پسر عمویش، نیافتن شخص مورد نظر را دلیل عدم تمایل به ازدواج می دانست. خدیجه(س) بر آیین حنیف ابراهیم(ع) باقی بود و از همین رو اوقاتی از روز را با علمای مذهبی به گفتگو می گذراند و از سخنان و معارف آنان بهره می برد. در این نشستها گاه صحبت از ظهور پیامبری از قریش به میان می آمد که خدیجه را سخت به فکر فرو می برد.

ص: 16

روزی همراه گروهی از زنان با یکی از علمای یهود گفتگو می کرد که رهگذری جوان و بلند قامت توجّهشان را جلب کرد. عالم یهودی از خدیجه(س) خواست او را به مجلس خود دعوت کند و او نیز رهگذر را به منزل آورد. عالم یهودی از جوان خواست که کتف خود را نشان دهد. رهگذر گوشه پیراهنش را کنار زد. او به دقّت نگریست. درخشش نور نبوّت را که در کتابهایشان بشارت داده بودند، در کتف او دید و گفت: این مُهر پیامبری است. خدیجه(س) بعد از سؤال از دلیل عالم یهودی و دریافت پاسخ، گفت: اگر عموهایش اینجا بودند، اجازه نمی دادند تو چنین کاری انجام دهی؛ زیرا به شدّت از وی مراقبت می کنند. عالم یهودی سخنانش را پی گرفت و گفت: این جوان با زنی از قریش که بزرگ قبیلۀ خود است ازدواج می کند...» خدیجه یک بار نیز در خواب دید که خورشید بالای مکه چرخید و در خانه اش فرود آمد. او این خواب را با پسرعمویش «ورقه» که مسیحی بود در میان گذاشت. وی که با کتب آسمانی آشنایی داشت در پاسخ گفت: با مردی بزرگ و صاحب شهرت جهانی ازدواج خواهی کرد.

این شواهد خدیجه(س) را به فکر انداخت و او نتیجه گرفت که با شیوه ای عاقلانه گمشده اش را به سوی خود بکشاند. پس شخصی را نزد محمّد فرستاد و پیام داد که با مقداری از اموال او به تجارت بپردازد. خدیجه(س) شرح موفّقیّت محمّد(ص) در تجارت را توسط غلام خود شنید و به این ترتیب جوانۀ مهر او را به دل نشاند. چنان که خود تقاضای ازدواج کرد و گفت: «ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندی، شرافت نسب تو در میان مردم، امانت، خوش اخلاقی و راستگویی ات به تو تمایل پیدا کرده ام.»

ص: 17

حضرت محمد(ص) پیشنهاد خدیجه(س) را پذیرفت و عمویش ابوطالب را از آنچه رخ داده بود، آگاه کرد. ابوطالب نزد «عمر بن اسد» عموی خدیجه(س) رفت و تقاضای ازدواج کرد و به این ترتیب خورشید مکّه که بیست وپنج سال از عمرش می گذشت (15 سال قبل از بعثت) با خدیجه(س) ازدواج کرد.

خدیجه(س) بارها علاقه اش به محمّد امین را به اثبات رساند و البته در کنار این، تلخیهایی را نیز به جان خرید. زنان آن روزگار عموماً با مفاهیمی چون: خوش رفتاری، راستگویی و امانتداری بیگانه بودند؛ لذا فلسفه ازدواج خدیجه(س) با یتیم عبدالله را نمی توانستند درک کنند. از این رو لب به طعنه می گشودند و خواسته و ناخواسته سرور زنان را در اندوه فرو می بردند، تا جایی که روابط خود را با او قطع کردند.

خدیجه(س) در مقام تذکّر به زنان قریش، بزرگ بانوان را گردآورد و گفت: «از زنان عرب شنیده ام شوهران شما بر من خرده می گیرند که چرا با محمّد(ص) وصلت کرده ام؟ اینک از شما می پرسم آیا مانند محمّد(ص) در جمال، خوش رفتاری، ویژگیهای پسندیده و فضل و شرف در اصل و نسب در مکّه و غیر آن سراغ دارید؟» و به این ترتیب ثبات خود را در مسیری که برگزیده بود به طور مستدل به آنان اطلاع داد.

ص: 18

تولّد کوثر نبی در روایات

فصل اول: زندگینامه

کوثر محمد(ص)

تولّد کوثر نبی در روایات

روایات فراوان و گوناگونی در باب چگونگی حمل، دوران حمل و... از سوی معصومان( نقل شده است که همه حکایت از اهمیّت موضوع تولد کوثر رسول(ص) دارند که تنها به تعدادی از این روایات اشاره می کنیم:

نور فاطمه(س) در دامان خدیجه(س)

پیامبر(ص) در جمع یارانی چون حضرت علی(ع)، عمار، حمزه و... نشسته بود که ناگهان فرشته وحی بر او نازل شد و پیام آورد که چهل شبانه روز از خدیجه(س) دوری کن. پیامبر(ص) به این دستور عمل کرد و به غار حرا رفت.

حضرت در این دورۀ چهل روزه، روزها را به روزه و شبها را به نیایش گذراند. به خدیجه(ص) نیز پیام فرستاد که «نیامدن من نه از روی بی مهری؛ که به حکم وظیفه و تکلیف الهی است».

به تدریج آخرین شب میقات فرا رسید، هنگام افطار غذایی بهشتی برایش نازل شد و حضرت با آن افطار کرد و دیگر بار برای عبادت برخاست؛ امّا فرمان الهی چنین رسید که: «به سمت خانه برو و با خدیجه(س) باش» و این چنین بود که پیامبر(ص) به سوی خانه آمد و نور فاطمه(س) در دامان خدیجه(س) جای گرفت. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_19_1)(

ص: 19

1- . بحارالانوار، ج 16، ص78؛ عوالم، ج 16، ص15. برای مطالعه بیش تر به زندگی حضرت خدیجه(س) در ماهنامه فرهنگ کوثر، ش اول، نوشته نگارنده مراجعه کنید.

رسول خدا(ص) خود در موقعیتهای مختلف از نحوۀ شکل گیری نور فاطمه(س) سخن می گفت و از تمام آنها به یک حقیقت واحد؛ یعنی، آسمانی بودن فاطمه تأکید می نمود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_20_1)(

نذر خدیجه(س)

هنگامی که حضرت خدیجه(س)، فاطمه(س) را باردار بود، مانند «حنّه» مادر مریم(س) چنین نذر کرد: «خدایا من از مادر مریم بهترم و محمّد(ص)، شوهرم، از عمران، شوهر مادر مریم(س)، برتر. این کودکی را که در رحم دارم، برای تو «مُحَرَّر» کردم. آزادش کردم که پس از رشد تا آخر عمر در خدمت مسجد و دین بماند و از عبادت کنندگان مسجد شود. جبرئیل از طرف خداوند بر پیامبر(ص) نازل شد و عرض کرد: «به خدیجه(س) بگو خداوند فرمود: «لا اعتاقَ قَبْلَ المُلکِ خَلّی بَینی و بین صَفِیّتی فَاِنّی اَمْلکُها و هی اُمُّ الائمهِ و عَتیقی من النارِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_20_2)( آزاد کردن قبل از ملکیت روا نیست. این فرزندِ برگزیده ام را به من واگذار. او مملوکۀ من و مادر امامان است و من او را از آتش آزاد کرده ام.» و البته این چنین مهر و علاقۀ مادری به واگذاری فرزندش جهت خدمت و بندگی خدا، خود گویای بُعدی دیگر از فضایل بی کران حضرت خدیجۀ کبری(س) است.

مونس مادر

ص: 20

1- . در طول سالهای حیات پیامبر(ص)، همچنین بعد از رحلت وی فاطمه( بارها به این سخنان استشهاد می کرد؛ ولی مخالفان هرگز پرده غفلت را از دیده خود کنار نزدند.

2- . ریاحین الشریعه، ج 2، صص 255 و 256.

همان گونه که شکل گیری وجود حضرت فاطمه(س) شگفت انگیز است، دوران حمل او نیز قضایای عجیبی را در پی داشت که سخن گفتن او با مادر از جملۀ این شگفتیهاست. از جمله زمانی که کفّار از پیامبر اسلام(ص) خواستند ماه را دو نیم کند، خدیجه(س) از چنین درخواست عجیبی هراسان شده بود و در دل احساس ناراحتی می کرد. او با خود گفت: «زهی تأسف برای کسانی که محمّد را تکذیب می کنند، با اینکه او از طرف پروردگار فرستاده شده است.»

در این لحظات که خدیجه(س) دلشوره عجیبی داشت، به ناگاه فاطمه(س) لب به سخن گشود و خدیجه(س) با تمام وجود صدای او را شنید که می گفت:

«ای مادر! نترس و محزون نباش، خدا با پدر من است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_21_1)(

ص: 21

1- . روض الفائق، ص214 نقل از 360 داستان از فضایل مصائب... عباس عزیزی. موضوع سخن گفتن حضرت زهرا(س) در رحم مادر را چند تن از محدّثان اهل سنّت نیز نقل کرده اند، از جمله «حسن بن مولوی» در «تجهیز الجیش»، علامه قندوزی و... . برای اطلاع بیش تر به «احقاق الحق» قاضی نور الله حسینی رجوع شود.

نامگذاری

روایات فراوان حکایت از آن دارند که نام آسمانی «فاطمه» از سوی خداوند متعال برای دختر رسول الله(ص) انتخاب شد و پیامبر(ص) بر این اساس نام او را فاطمه نهاد تا همه بدانند او از بدیها برکنار است، )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_22_1)( شیعیان راستین او در پناهش از آتش جهنّم محفوظ می مانند، )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_22_2)( به سبب او طمع دشمنان اسلام از وراثت پیامبر(ص) قطع می شود )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_22_3)( و دانش همراه شیر به او ارزانی می گردد. )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_22_4)(

یکی از روایاتی که بر آسمانی بودن این نام تأکید دارد، روایت پیامبر اکرم(ص) است که فرمود: «... جبرئیل آن سیب (خداوند نور فاطمه(س) را به شکل سیب در آورده بود) را از بهشت برای من آورد... و گفت: این سیبی است که خداوند به عنوان هدیه از بهشت برای تو فرستاده است. من سیب را گرفتم و به سینۀ خود چسباندم، جبرئیل به من گفت: خداوند می فرماید: این سیب را بخور! وقتی سیب را پاره کردم، نوری از آن برخاست که من ترسیدم.

جبرئیل پرسید: چرا نمی خوری؟ بخور و نترس. این نور کسی است که نام او در آسمان منصوره است و در زمین فاطمه. من از علّت آن پرسیدم، گفت: چون در زمین شیعیانش را از آتش جهنم و دشمنانش را از محبت خود قطع کرده و در آسمان دوستداران خود را یاری می کند. چنان که خدا می فرماید: (یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ یَنْصُرُ مَنْ یَشاءُ) )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_22_5)( ؛

ص: 22

1- . بحارالانوار، ج 43، ص10.

2- . بحارالانوار، ج 43، صص 12 و 14.

3- . بحارالانوار، ج 43، ص13.

4- . بحارالانوار، ج 43، ص13.

5- . روم/ 4 و 5؛ معانی الاخبار، ص396.

امام موسی بن جعفر(ع) دلیل این نامگذاری را چنین بیان می فرماید: «خداوند می دانست که پیامبرش از قبایل زیادی دختر خواهد گرفت و هر یک نیز در جانشینی او طمع خواهند کرد. به همین جهت وقتی فاطمه(س) به وجود آمد، او را فاطمه نامید؛ زیرا که خبر داد خلافت او در شوهر و فرزندان فاطمه(س) خواهد بود. به این ترتیب با ولادتش از دیگران نسبت به خلافت قطع طمع شد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_23_1)(

همچنین طبق فرمودۀ امام باقر(ع) این نام از سوی خداوند به پیامبر(ص) القا شد و او نام دخترش را فاطمه گذاشت. حضرت می فرماید: «وقتی حضرت سیده النساء(س) متولّد شد، خداوند فرشته ای را فرستاد، او بر زبان پیامبر(ص) جاری گردانید که آن حضرت را فاطمه بنامد. پس به فاطمه(س) خطاب کرد که: تو را به علم بریدم از جهل و تو را بریدم از حائض شدن....» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_23_2)(

ص: 23

1- . علل الشرایع، ص178.

2- . هم علل الشرایع، ص178.

نامها و القاب حضرت فاطمه(س)

فصل اول: زندگینامه

کوثر محمد(ص)

نامها و القاب حضرت فاطمه(س)

نامها و القاب حضرت فاطمه(س) هر یک بیان کنندۀ گوشه ای از شخصیت نورانی او هستند، از این روی می توان آشنایی با این نامها را سرفصل و منبعی مختصر و مطمئن برای شناخت همه جانبۀ او دانست. در این بخش برخی از نامها و القاب او را برمی شمریم.

سیده (بانو)، انیسه حوراء (انسان بهشتی)، نوریه (موجودی از نور)، حانیه (دلسوز فرزندان)، عذراء (دوشیزه)، کریمه (بزرگوار)، رحیمه (با محبت)، شهیده (شهید شده گواه)، عفیفه (پاکدامن)، قانعه (کم توقع)، رشیده (به حد رشد رسیده)، شریفه (شرافتمند)، حبیبه (دوست)، محرّمه (گرامی)، صابره (پایدار)، سلیمه (بی عیب)، مکرّمه (بزرگوار)، صفیّه (برگزیده)، عالمه (دانشمند)، علیمه (دانا)، معصومه (بی گناه)، مغصوبه (حقش غصب شده)، مظلومه، میمونه (با برکت)، منصوره (یاری شده)، محتشمه (با احترام)، جمیله، جلیله، معظّمه، حامله البلوی بغیر شکوی (بلاکش بی شکایت)، حلیفه العباده و التقوی (قسم خورده پرستش و پرهیزکاری)، حبیبه الله، بنت الصفوه (دختر برگزیده)، رکن الهدی (پایه هدایت)، آیه النبوّه، شفیعه العصاه (شفاعت کنندۀ گناهکاران)، أمّ الخیره (مادر نیکوکاران)، تفّاحه الجنّه (سیب بهشتی)، مطهّره، سیده النساء، بنت المصطفی(ص)، صفوه ربّها (برگزیدۀ پروردگارش)، موطن الهدی (جایگاه هدایت)، قرّه عین المصطفی (نور چشم پیامبر)، بضعه المصطفی(ص) (پارۀ تن پیامبر)، مهجه قلب المصطفی(ص)، بقیه المصطفی (بازمانده پیامبر)، حکیمه، فهیمه، محزونه، مکروبه (دل شکسته)، عابده، زاهده، قوامه (شب زنده دار)، باکیه (گریه کننده)، بقیه النبوه، صوّامه (بسیار روزه گیر)، عطوفه، رئوفه، حنّانه (غمخوار و با محبت)، بِرّه (نیکوکار)، شفیعه، انّانه (دردمند)، والده السبطین (مادر دو نواده پیامبر)، دوحه النبی (شاخسار پیامبر)، نور سماوی (نور آسمانی)، زوجه الوصی (همسر جانشین پیامبر)، بدر تمام (ماه شب چهارده)، غرّه غرّاء (سپیدروی نورانی)، روح ابیه، درّه بیضاء (گوهر تابناک)، واسطه قلاده الوجود (حلقه اتصال زنجیره هستی)، درّه بحر الشرف و الجود (درّ دریای شرف و سخاوت)، ولیّه الله (دوست خدا)، سرّالله، امینه الوحی (امین وحی الهی)، عین الله (دیدۀ خدایی)، مکینه فی عالم السماء (دارندۀ جایگاه در عالم آسمان)، جمال الآباء (موجب زیبایی پدران)، شرف الابناء، درّه بحر العلم و الکمال، جوهره العزّه و الجلال، قطب رحی المفاخر السّنیه (چرخ آسیای افتخارات والا)، مجموعه المآثر العلیه (گرد آورندۀ یادگارهای برین)، مشکوه نور الله (چراغدان نور خدا)، زجاجه (شیشه نور خدا)، کعبه امال اهل الحاجه، لیله القدر، لیله مبارکه، ابنه من صلّت به الملائکه، قرار قلب امّها، عالیه المحل (بلند جایگاه)، سرّ العظمه، مکسوره الضلع (پهلو شکسته)، رفیض الصدر (سینه شکسته)، مغصوبه الحق، خفیّ القبر، مجهوله القدر، ممتحنه (آزمایش شده)، المظلوم زوجها، المقتول ولدها و کوثر. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_24_1)(

ص: 24

1- . فاطمه زهرا، شادمانی دل پیامبر(ص)، ص 286 290.

دوران زندگی

فصل اول: زندگینامه

کوثر محمد(ص)

دوران زندگی

وقایع دوران کوتاه زندگی حضرت فاطمه زهرا(س) را می توان براساس واقعه، سال وقوع و سن فاطمه زهرا(س) به ترتیب زیر ترسیم کرد:

1. تولد فاطمه(س)، 20 جمادی الثانیه، پنجم بعثت، تولد فاطمه.

2. محاصرۀ شعب ابی طالب، سال هفتم بعثت، 2 ساله.

3. وفات ابوطالب وخدیجه، سال دهم بعثت، 5 ساله.

4. هجرت به مدینه، سال سیزدهم بعثت، 8 ساله.

5. ازدواج حضرت زهرا(س)، سال شانزدهم بعثت، 11 ساله.

6. وفات پیامبر(ص)، سال بیست و سوم بعثت، 18 ساله.

7. شهادت فاطمه(س)، 75 روز بعد از رحلت پیامبر(ص)، 18 ساله و... .

دورۀ کودکی (قبل از هجرت)

ص: 25

این دوره همزمان با اوج دعوت رسول خدا(ص) و از طرف دیگر فشارهای مشرکان مکه بود؛ زیرا حدود یک سال از دعوت علنی پیامبر(ص) می گذشت و مشرکان به دلیل رویکرد طبقۀ فقیر به پیامبر، بی اندازه به خشم آمده بودند. در صفحات تاریخ موارد زیادی از این آزار و اذیتها را می یابیم که گاه در حضور فاطمۀ زهرا(س) انجام می شده است که نمونه ای ذکر می شود.

«عبدالله بن مسعود» می گوید: «هیچ وقت رسول خدا(ص) را ندیده بودم که به قریش نفرین کند؛ مگر یک روز که پیامبر(ص) در حال نماز بود و عده ای از قریش نشسته بودند و نزدیک آن ها بچه دان شتری افتاده بود. آنها با خود گفتند: آیا کسی می تواند این بچه دان شتر را بردارد و بر پشت پیامبر(ص) بگذارد؟ یکی از آن جمع برخاست و بچه دان را برداشت و بر پشت پیامبر(ص) انداخت. در این لحظه پیامبر(ص) در حال سجده بود. فاطمه(س) خود را به پدر رساند و آن را از پشت پدر برداشت و سر و صورت او را تمیز کرد.

صحنه غمباری بود و پیامبر(ص) چنان از این بی حرمتی غمگین شد که بعد از نماز عرض کرد: خدایا! خودت به حساب اینها برس! آن گاه یک به یک اهانت کنندگان را اسم برد و فرمود: خدایا! بر توست جزای عتبه فرزند ربیعه، خدایا! بر توست جزای شیبه فرزند ربیعه، خدایا! خودت کار ابوجهل را تمام کن. خدایا! خودت به حساب عقبه فرزند ابی معیط برس. خدایا! خودت ابیّ بن خلف و امیّه بن خلف را نابود فرما.»

ص: 26

ابن مسعود در ادامه می گوید: «دعای پیامبر(ص) به اجابت رسید و در جنگ بدر همۀ این افراد به دست پیامبر(ص) و علی(ع) کشته شدند. جنازه های آنها را بعد از قتل به چاه ریختند و ابیّ و امیه چون قوی هیکل بودند، ابتدا پیکرشان را قطعه قطعه کردند، سپس در چاه انداختند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_27_1)(

در هر صورت فاطمه(س) سالهای آغازین رشد و نمو خود را در محیطی پر از خفقان، و هراس انگیز و ناامن می گذراند. او هنوز کودکی 2 ساله بود که واقعۀ تلخ شعب ابی طالب(ع) را تجربه کرد. براساس این واقعه که به توطئه ابوسفیان در جلسۀ مشورتی «دار الندوه» اتخاذ شد، آنان در سال هفتم هجری تعهدنامه ای نوشتند که به موجب آن قرار شد هیچ نوع مواد غذایی به محمّد و پیروانش نفروشند، هیچ چیز از آنها نخرند، هیچ نوع معامله ای با آنان ننمایند؛ و معاشرت و رابطه ای نداشته باشند، به آنها دختر ندهند و از آنان دختر نگیرند، و در هر حادثه ای که روی داد به طرفداری از مخالفان آنان برخیزند. جمعیّت حاضر بعد از امضای تعهدنامه برخاستند و به سوی کعبه رفتند. ورقۀ تعهدنامه را در داخل کعبه نهادند و در برابر بتها قسم یاد کردند که به پیمان خود وفادار بمانند. این پیمان موجب شد حتّی به مسلمانان آذوقه هم نفروشند. و عرصه را چنان برایشان تنگ کردند که آنان ناچار شدند، از مکّه خارج شوند و در درّه ای به نام شعب ابوطالب پناه گیرند.

ابوطالب، خدیجه(س)، فاطمه(س) و... در بین این جمع بودند. دوستان ابوطالب و خدیجه برایشان به طور مخفیانه غذا می آوردند و پیامبر(ص) این آذوقه را بین اصحاب تقسیم می کرد. این سکونت اجباری سه سال طول کشید و البته در تمام سختیها و گرفتاری ها فاطمۀ کم سن وسال نیز همراه پدر و شریک سختی های او بود. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_27_2)(

ص: 27

1- . ذخایر العقبی، ص47؛ صحیح مسلم، ج 3، ص167؛ بحارالانوار، ج 18، ص188.

2- . الخرایج و الجرائح، ج 1، ص80.

وفات مادر

به فاصله ای اندک از پایان محاصرۀ شعب ابوطالب، عموی پیامبر(ص) و خدیجه(س) وفات یافتند و فاطمه(س) در پنج سالگی مادر خود را از دست داد. آری آن شب دیگر چشمان مهربان خدیجه(س) نمی توانست چشم معصوم فاطمه(س) را ببیند، به همین جهت بانوان حاضر فاطمه(س) را بیرون بردند و به این ترتیب اولین بانویی که اسلام را پذیرفت، درگذشت.

امام صادق(ع) فرمود: «وقتی خدیجه(س) از دنیا رفت، فاطمه(س) نزد پدر آمد، او که مضطرب بود، پرسید: مادرم کجاست؟ حضرت به او جواب نداد؛ اما فاطمه(س) دست بردار نبود و پشت سرهم از مادر می پرسید. از اهل خانه نیز سراغ مادرش را می گرفت. در آن حال جبرئیل از جانب خداوند نازل شد و به پیامبر(ص) گفت: پروردگارت امر می کند به فاطمه(س) سلام برسان و بگو: مادر تو در خانه ای از خانه های بهشت است که از نی ساخته شده است و نیها را در طلا نصب کرده اند، ستون های آن از یاقوت سرخ است و در میان قصر آسیه(س)، زن فرعون، مریم(س)، دختر عمران هستند.

و این چنین بود که قلب فاطمه(س) آرام گرفت و گفت: حق تعالی سالم از نقص و عیب است و سلامتیها از اوست و سلامها به او برمی گردد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_28_1)(

ص: 28

1- . همان، ج 2، ص529؛ بحارالانوار، ج 43، ص28.

از آنجا که پیامبر(ص) دو تن از استوارترین حامیان خود را از دست داده بود، فرصتی طلایی برای آزار و اذیت و حتی نابودی حضرت پیامبر(ص) فراهم شده بود. در این شرایط فرزند خردسال رسول خدا(ص) با انبوهی از حزن و غم و مظلومیت پدر رو به رو شد. ابن هشام یکی از این مصیبتها را این گونه نقل می کند:

«پس از رحلت ابوطالب، روزی یکی از سفیهان جلوی پیامبر(ص) را گرفت و مقداری خاک بر سرش ریخت. رسول خدا(ص) همچنان که خاکها روی سرش بود، به خانه آمد. یکی از دختران که فاطمه بود برخاست و خاکها را از سر و روی پدر پاک کرد و گریست. رسول خدا(ص) او را دلداری داد و فرمود: دخترکم گریه نکن! خدا پدرت را محافظت خواهد کرد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_29_1)(

این فشارها همچنان ادامه داشت تا این که در سال سیزدهم بعثت پیامبر(ص) به مدینه هجرت کرد. حضرت بعد از خروج خود از مکه، به حضرت علی(ع) پیام فرستاد که فاطمه(س) و تعدادی از زنان را به مدینه بیاورد و مسلمانان را نیز به هجرت دعوت کند. وقتی پیام رسید، فاطمه(س) همراه «فاطمه بنت اسد(س)» و«فاطمه بنت زبیر» با کمک علی(ع) سوار بر شتر، عازم مدینه شدند.

ص: 29

1- . نقل از زندگانی حضرت فاطمه(س) و دختران آن حضرت با کمی تصرف، سید هاشم رسولی محلاتی، ص23؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص416.

البته در مسیر کفّار راه را بر کاروان بستند؛ امّا علی(ع) با رشادت یکی از مهاجمان را به هلاکت رساند و به این ترتیب کاروان سالم به منزل رسید. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_30_1)(

ص: 30

1- . بحار الانوار، ج 19، ص115.

فاطمه(س) بعد از هجرت

فصل اول: زندگینامه

کوثر محمد(ص)

فاطمه(س) بعد از هجرت

ازدواج با علی(ع)

در این دوره پیامبر اکرم(ص) با ام سلمه ازدواج کرد و سرپرستی و تربیت فاطمه(س) را به او سپرد؛ ولی فاطمه(س) نوری الهی بود که خود به دیگران نور می بخشید. ام سلمه می گوید: «به خدا قسم من از او ادب می آموختم و او را نیازی به آموختن آداب از من نبود و همه چیز را بهتر از من و دیگران می دانست.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_31_1)(

روایات فراوانی حاکی از عشق و علاقه و مهر پدری رسول خدا(ص) نسبت به فاطمه(س) در این دوره نقل شده است. ابراز علاقه ای که گاه تا ابراز حسادت برخی از همسران وی نیز می کشید؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_31_2)( امّا مهم ترین حادثه در این دوره را می توان ازدواج فاطمه(س) با علی(ع) دانست. شیخ مفید(ره) و ابن طاووس(ره) زمان ازدواج را شب پنج شنبه، بیست و یکم ماه محرم سال سوم هجری دانسته اند. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_31_3)(

خواستگاری علی(ع) از فاطمه(س)

ص: 31

1- . بحار الانوار، ج 43، ص10.

2- . علل الشرایع، ص183.

3- . بحارالانوار، ج 43، ص92. برای آگاهی بیش تر به کشف الغمۀ، ج 1، ص374 و امالی طوسی، ص43 مراجعه کنید.

ابوبکر، عمر و سعد بن معاذ در مسجد بودند که سخن از ازدواج فاطمه(س) به میان آمد. ابوبکر گفت: «بزرگان قریش از او خواستگاری کرده اند؛ ولی پیامبر(ص) جواب داده که امر او با پروردگار است. اگر بخواهد او را تزویج خواهد کرد؛ ولی این علی(ع) پیرامون خواستگاری تا به حال چیزی نگفته است. کسی هم به علی(ع) پیشنهادی نکرده است. فکر می کنم چیزی جز تنگدستی مانع تقاضای او نیست و البته می دانم خدا و پیامبر(ص) هم فاطمه(س) را فقط برای او نگاه داشته اند.» ابوبکر به عمر و سعد بن معاذ گفت: «برخیزید به نزد علی(ع) برویم و از او بخواهیم به خواستگاری برود و اگر تنگدستی را بهانه کرد، ما کمکش می کنیم.» سعد بن معاذ گفت: «بسیار درست گفتی.»

آن گاه برخاستند و به خانۀ علی(ع) رفتند؛ امّا او را در خانه اش نیافتند. در آن موقع روز علی(ع) شتر خود را برای آب کشی به باغ مردی از انصار برده بود تا اجرتی بگیرد. آنها نیز به باغ رفتند و خدمت حضرت رسیدند. ابوبکر گفت: «ای علی! هیچ ویژگی ای وجود ندارد که تو در آن از همه پیشی نگرفته باشی، رابطۀ تو با پیامبر(ص) از جهت خویشاوندی، همنشینی دایمی، یاری و روابط معنوی معلوم است. تمام بزرگان فاطمه(س) را خواستگاری کرده اند؛ ولی پیامبر(ص) هیچ یک را نپذیرفت و فرمود امر او با پروردگار است. پس چه مانعی وجود دارد که نمی توانی خواستگاری کنی؟ من گمان دارم خدا و پیامبر(ص)، او را برای تو نگاه داشته اند.»

ص: 32

امیر المؤمنین(ع) با شنیدن این جملات متأثر شد و فرمود: «... کیست که فاطمه(س) را نخواهد؛ امّا به خاطر تنگدستی از اظهار تمایل خود شرم دارم.» آن گروه به هر صورت بود او را راضی کردند. علی(ع) `جهاز` شتر خود را گشود و به خانه آورد. آن گاه نعلین پوشید و راهی منزل رسول خدا(ص) شد. تا علی(ع) در زد، ام سلمه پرسید: «کیستی؟» قبل از آنکه علی(ع) جواب دهد، پیامبر(ص) فرمود: «ای ام سلمه! برخیز و در را باز کن. او مردی است که خدا و رسول(ص) را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند.»

ام سلمه پرسید: «پدر و مادرم فدای تو باد! کیست که تو در حق او چنین می گویی، با اینکه او را هنوز ندیده ای؟» حضرت فرمود: «ساکت باش ای ام سلمه! که این مردی است که سفاهت ندارد و زود از جا به در نمی رود. این برادر و پسر عم من و محبوب ترین خلق خدا نزد من است.»

ام سلمه می گوید: «من جستم تا زود در را باز کنم که لباسم به پایم پیچید و چیزی نمانده بود به زمین بخورم. وقتی در را باز کردم، علی(ع) را دیدم. از حیا و شرم سر به زیر افکنده بود.

ص: 33

بعد از درخواست پیامبر(ص) پیرامون حاجت خود گفت: پدر و مادرم فدای تو باد! می دانی یا رسول الله! که وقتی من کودک بودم مرا از عموی خودت ابوطالب و فاطمه بنت اسد(س) گرفتی. از غذای خود به من دادی و با آداب خود مرا تربیت کردی. نسبت به من از پدر و مادر مهربان تر بودی. حق تعالی مرا به برکت تو هدایت کرد و... .

یا رسول الله! به درستی که تو ذخیرۀ من در دنیا و آخرت هستی. به آن کرامتها که حق تعالی به برکت تو نسبت به من کرده می خواهم همسر و خانه داشته باشم و نزد شما برای خواستگاری آمده ام.»

ام سلمه گفت: «در این هنگام چهرۀ رسول خدا(ص) از شنیدن آن سخنان شکفته شد و با تبسّم به او گفت: آیا خود چیزی داری که او را به تو تزویج کنم؟ حضرت پاسخ داد: پدر و مادرم فدایت! به خدا سوگند چیزی از دارایی من از شما پنهان نیست؛ شمشیری دارم و زرهی و شتری که با آن آب می کشم و مالک چیز دیگری نیستم. رسول خدا(ص) فرمود: شمشیر تو برای جهاد و شتر برای آب کشی نخلستان و رفع نیاز اهل خود و سفر لازم است. تو را به زره تزویج کردم و به آن راضی هستم. ای علی! می خواهی بشارتی به تو بدهم؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله! پیامبر(ص) فرمود: بشارت باد بر تو! به درستی که خداوند فاطمه(س) را به تو تزویج کرد در آسمان پیش از آنکه من او را به تو در زمین تزویج کنم... .» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_34_1)(

بعد از این امور، مراسم اعلام عمومی و تأیید پیامبر(ص) و سپس ولیمه دادن انجام شد، و بعد از یک ماه امام علی(ع) حضرت زهرا(س) را به خانه برد. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_34_2)(

ص: 34

1- . برگرفته از کشف الغمۀ، ج 1، ص363.

2- . برگرفته از امالی طوسی، ص40، در روایتی دیگر هست که وقتی پیامبر خواست حضرت زهرا(س) را به علی تزویج کند، نظر فاطمه(س) را جویا شد. (تفسیر قمی، ج 2، ص336.)

همسرداری فاطمه(س)

در حدیثی می خوانیم که پیامبر اسلام(ص) از علی(ع) پرسید: «کَیْفَ وَجَدْتَ أَهْلَکَ؟ قَالَ: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَی طَاعَهِ اللَّهِ، وَ سَأَلَ فَاطِمَهَ، فَقَالَتْ: خَیْرُ بَعْلٍ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_35_1)( (ای علی) فاطمه(س)، همسرت را چگونه یافتی؟ گفت: بهترین یار بر اطاعت `و بندگی` خداوند، و `سپس` از فاطمه(س) سؤال کرد: گفت: او بهترین شوهر است.»

حضرت فاطمه(س) در موقعیتی بسیار حساس و بحرانی در خانه حضرت علی(ع) زندگی می کرد؛ چرا که سپاه اسلام همیشه در حال آماده باش بود و در هر سال، چندین جنگ واقع می شد و امام علی(ع) در تمام یا اکثر آن جنگها شرکت داشت. هرگاه با پیکری خسته به خانه باز می گشت، از مهربانیها، دلگرمیها و نوازشهای همسر عزیزش کاملاً برخوردار می شد؛ زخمهای تنش را شستشو می کرد و لباسهای خون آلود او را می شست، )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_35_2)( فداکاریها و شجاعتهایش را می ستود، و بدین وسیله دلش را گرم و برای جنگ آینده آماده اش می نمود.

حضرت علی(ع) می فرماید: «وَ لَقَدْ کُنْتُ أَنْظُرُ إِلَیْهَا فَتَنْکَشِفُ عَنِّی الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَان؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_35_3)( به راستی همیشه این گونه بود که وقتی به او نگاه می کردم، و تمام غمها و غصه هایم برطرف می شد.»

ص: 35

1- . قاضی نورالله حسینی، احقاق الحق، ج 10، ص 401؛ و ر. ک: صفوری شافعی، نزهه المجالس، ج 2، ص 226.

2- . سیره ابن هشام، ج 3، ص 106، به نقل از ابراهیم امینی، بانوی نمونه اسلام، صص 78 - 79.

3- . بحارالانوار، ج 43، ص 134.

حضرت فاطمه(س) هرگز بدون اجازه علی(ع) از خانه خارج نشد و هیچ گاه او را غضبناک نکرد. او در ساعات وداع خویش به علی(ع) گفت: «یَا ابْنَ عَمِّ! مَا عَهِدْتَنِی کَاذِبَهً وَ لَا خَائِنَهً وَ لَا خَالَفْتُکَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِی فَقَالَ(ع) مَعَاذَ اللَّهِ أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبَرُّ وَ أَتْقَی وَ أَکْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفاً مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوَبِّخَکِ بِمُخَالَفَتِی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_36_1)( پسر عمو! هرگز مرا دروغگو و خائن نیافتی، از روزی که با من معاشرت کردی، با دستورات تو مخالفت نکردم. امام علی(ع) فرمود: `ای دختر پیامبر!` معاذ الله `که تو در خانه من بدرفتاری نموده باشی؛ زیرا` مراتب خداشناسی، نیکوکاری، پرهیز کاری، بزرگی و خداترسی تو به حدی است که جای ایراد و خرده گیری در مورد مخالفت با من ندارد.»

ص: 36

1- . بحار الانوار، ج42، ص 191، روایت 20.

حضرت فاطمه(س) و زندگی مشترک

فصل اول: زندگینامه

کوثر محمد(ص)

حضرت فاطمه(س) و زندگی مشترک

همان گونه که ازدواج فاطمه(س) و علی(ع) بر پایۀ ملاکهای انسانی و کمالات آسمانی شکل گرفت، ادامه و قوام زندگی آن دو نیز خود حکایت از ایثار، گذشت، فداکاری و خداجویی آنان دارد. در این بخش به برخی از ارزشها در زندگی حضرت زهرا(س) اشاره می کنیم:

رضایت شوهر

امیرمؤمنان(ع) می فرمود: «تا فاطمه(س) زنده بود کاری نکردم که او را به خشم آورد و بر هیچ کاری او را مجبور نکردم. او نیز هیچ گاه مرا به خشم نیاورد و در هیچ کاری از من نافرمانی نکرد. به راستی هر وقت به او نظر می کردم، غم و اندوهم برطرف می شد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_37_1)(

تقسیم کار

ص: 37

1- . بحار الانوار، ج 43، ص134؛ قرب الاسناد، ص52.

روزی حضرت علی(ع) و فاطمه(س) نزد پیامبر(ص) آمدند و تقاضا کردند کارهای خانه و زندگی را برای هریک معین کند. پیامبر(ص)، کارهای داخلی منزل را برای فاطمه(س) و بیرون از خانه را برای علی(ع) تعیین فرمود. حضرت فاطمه(س) عرض کرد: «فقط خدا می داند که من چقدر خوشحالم از اینکه رسول خدا(ص) مرا مأمور به کارهایی نکرد که فقط از عهده مردان بر می آید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_38_1)( در عمل نیز چنین شد. امام صادق(ع) می فرمود:

«رسم این بود که علی(ع) آب و هیزم می آورد و فاطمه(س) آرد آسیاب می کرد....» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_38_2)(

ساده زیستی

سلمان از ملاحظۀ لباسهای ساده، کم قیمت و کهنۀ حضرت زهرا(س) تعجب کرد. روزی حضرت(س) نزد رسول خدا(ص) رفت و عرض کرد: «یا رسول الله! سلمان از لباس من تعجّب کرده است. سوگند به خدایی که تو را به حق مبعوث کرد، من و علی(ع) پنج سال است که چیزی نداریم به جز پوست قوچی که روزها شترمان روی آن علف می خورد و شب آن را فرش خود می کنیم و نیز بالش ما چرمی است که از لیف خرما درست شده است.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_38_3)(

و اما سلمان خود می گوید: «روزی حضرت فاطمه(س) را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر دارد. در شگفت ماندم و گفتم: عجبا! دختران پادشاه ایران و قیصر روم بر کرسیهای طلایی می نشینند و پارچه های زربفت به تن می کنند و این دختر رسول خداست که نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباسهای زیبا. فاطمه(س) در جوابم فرمود: «ای سلمان! خدای بزرگ لباسهای زینتی و تختهای طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_38_4)(

ص: 38

1- . ناسخ التواریخ، حالت فاطمه(س)، ص417.

2- . فضائل الزهرا، ص77.

3- . عوالم المعارف، ج 11، ص130.

4- . تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص594.

تحمل سختی کار

روزی رسول خدا(ص) به خانه حضرت فاطمه(س) آمد، او را دید که لباسی از پشم شتر دارد و با دست آسیاب را می گرداند و در همان حال فرزند خود را شیر می دهد. پیامبر(ص) با دیدن این وضع، متأثر شد و گریست، و فرمود: «ای دخترگرامی! امروز تلخیهای دنیا را برای شیرینیهای آخرت بچش.»

فاطمه(س) عرض کرد: یا رسول الله! خدا را بر نعمت هایش حمد می کنم و بر کرامتهایش شکر می گذارم. آن گاه این آیه نازل شد: (وَ لَسَوْفَ یُعْطیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_39_1)( «حق تعالی در قیامت آن قدر به تو خواهد داد که راضی شوی.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_39_2)(

ص: 39

1- . ضحی/5.

2- . مناقب ابن شهرآشوب، ج 3، ص390.

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

اشاره

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

اشاره

شرح مظلومیّت حضرت فاطمه(س) از توان این قلم خارج است. بانوی آسمانی ای که گروهی دنیاطلب فرصت جوی به خاطر سیطرۀ چند روزه بر امور مسلمانان، او را به شهادت رساندند، خواننده را با عمق جفا و ظلم به ساحت کوثر محمدی، پس از رحلت پدر آشنا می کند.

ص: 40

شرح مظلومیّت

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

شرح مظلومیّت

حضرت فاطمه(س) سرور بانوان دو جهان و صاحب مقام و منزلتی بزرگ نزد خداوند و مخلوقاتش با انبوهی از غم و اندوه روبه رو می شود، وقایعی روی می دهد که موقعیّت او را کاملاً تغییر داده، غباری سنگین از مظلومیّت را بر سیمایش می نشاند. رحلت پیامبر(ص)، غصب خلافت، ماجرای فدک و... عنوانهای این حوادث اند که فاطمه(س) را سرانجام در بستر شهادت انداختند.

ص: 41

فراق پدر

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

فراق پدر

ابن عباس می گوید: «وقتی زمان وفات رسول خدا(ص) رسید، حضرت آن قدر گریست که آب دیده اش بر محاسن مبارکش جاری شد. پرسیدند: یا رسول الله! برای چه می گریید؟ پاسخ داد: برای فرزندانم و آنچه بدهای امت من، بعد از من نسبت به ایشان خواهند کرد. گویا می بینم فاطمه(س) دخترم را که بعد از من بر او ستم می کنند و او فریاد می کشد که «یا ابتاه، یا ابتاه» و کسی از امّت من او را یاری نمی کند. فاطمه(س) با شنیدن این سخنان گریست، پیامبر(ص) فرمود: دخترم! گریه نکن، فاطمه(س) پاسخ داد: برای آنچه با من خواهد شد، گریه نمی کنم؛ ولی از جدایی شما گریه می کنم. حضرت فرمود: بشارت باد تو را ای دخترم که زود به من ملحق خواهی شد و تو اولین شخص از اهل بیتم هستی که به من ملحق خواهد شد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_42_1)(

آری، رسول خدا(ص) در 28 صفر رحلت فرمود و فاطمه(س) را در میان حزن و اندوه فراوان تنها گذاشت. امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «پیامبر(ص) را در پیراهنش غسل دادم. فاطمه(س) همان پیراهن را از من خواست، وقتی آن را دید، بی هوش شد. به این خاطر آن را پنهان کردم.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_42_2)(

ص: 42

1- . امالی شیخ طوسی، ص188.

2- . بحار الانوار، ج 43، ص157.

«محمود بن لبید» می گوید: «پس از رحلت رسول خدا(ص)، دختر آن بزرگوار فاطمه زهرا(س) همواره کنار قبر شُهدای احد می رفت و از فراق پدر گریه می کرد. روزی برای زیارت قبر حضرت حمزه(ع) رفتم، فاطمه(س) را دیدم که با سوز و گداز مشغول گریه است، صبر کردم تا ساکت شد. گفتم: ای سرور زنان جهان! به خدا سوگند از گریه شما رگهای قلبم پاره شد، فرمود: ای ابا عمر! سزاوار است گریه کنم؛ زیرا با مصیبت رحلت بهترین پدرها رو به رو شده ام. آه! چقدر مشتاق دیدار رسول خدا(ص) هستم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_43_1)(

ص: 43

1- . داستانها و پندها، ج 4، ص174؛ بحار الانوار، ج 36 ص352. حکایت اذان بلال را نیز در «من لایحضره الفقیه»، ج 1، ص297 ببینید.

بیت الاحزان حضرت فاطمه(س)

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

بیت الاحزان حضرت فاطمه(س)

فضه، خادم فاطمه زهرا(س)، روشن ترین تصویر را از این غم جانکاه تصویر می کند. او در ملاقاتی با «ورقه بن عبدالله ازدی» می گوید: «از اهل زمین، اصحاب، نزدیکان و دوستان، کسی به اندازۀ مولایم فاطمه غمگین و گریان نبود. هر لحظه اندوهش تجدید می شد و گریه اش افزون تر. او هفت روز نشست، ناله اش خاموش نشد و هر روز گریه اش بیش تر از روز قبل شد. وقتی روز هشتم رسید... طاقت نیاورد، بیرون آمد و فریاد زد. گویی از زبان رسول خدا(ص) سخن می گفت. زنان رو به او کردند و پسران و دختران بیرون آمدند. مردم گریه می کردند، ضجّه می کشیدند و از هر گوشه ای آمده بودند. چراغها خاموش شد تا صورتهای زنان دیده نشود. زنان گمان کردند که رسول خدا(ص) از قبر برخاسته است. مردم در وحشت فرو رفتند و فاطمه ندا زد و ندبه کرد:

«وَا أَبَتَاهْ! وَا صَفِیَّاهْ! وَا مُحَمَّدَاهْ! وَا أَبَا الْقَاسِمَاهْ! وَا رَبِیعَ الْأَرَامِلِ وَ الْیَتَامَی! مَنْ لِلْقِبْلَهِ وَ الْمُصَلَّی وَ مَنْ لِابْنَتِکَ الْوَالِهَهِ الثَّکْلَی؛ وای پدر! وای برگزیده خدا! وای محمد! وای ابا القاسم! وای بهار بیوه زنان و یتیمان! چه کسی رو به قبله ایستد و نماز گذارد؟ چه کسی برای دختر مصیبت زده و حیران تو مائده است؟» آن گاه برگشت و از شدّت گریه دیگر چیزی را نمی دید، تا اینکه از قبر حضرت محمد(ص) دور شد. وقتی نگاهش به خانه افتاد، یک سمتش به سوی مأذنه قرار گرفت، قدمهایش را کوتاه کرد و همچنان ناله بر می آورد تا اینکه بیهوش شد. زنان به سویش شتافتند و آب به صورتش پاشیدند تا به هوش آمد و ادامه داد: پدر جان! قوّتم و خویشتن داریم را از دست داده ام، دشمن مرا سرزنش می کند، حزن و اندوه مرا می کشد. پدر جان! یکه و تنها باقی مانده و در کار خود سر گردانم. صدایم خاموش، پشتم شکسته، زندگی ام درهم ریخته و روزگارم تیره شده است. پدر جان! بعد از تو برای وحشتم مونس ندارم و مانعی برای گریه ام و یاوری برای ضعفم پیدا نمی کنم... پدر جان! بعد از تو روابط انسانها دگرگون شد و درها به روی من بسته شد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_44_1)( فاطمه به خانه اش برگشت. شب و روز گریست و اشکش قطع نشد. بزرگان مدینه جمع شدند، به نزد علی(ع) رفتند و گفتند: «ای ابا الحسن! فاطمه شب و روز گریه می کند و کسی از ما نیست که شب را به راحتی به صبح برساند... از او بخواه یا شب گریه کند یا روز.» علی(ع) به نزد فاطمه(س) رفت و تقاضای آنان را مطرح کرد. فاطمه(س) فرمود: «ای ابا الحسن! چقدر اندک است ماندن من در میان مردم و چقدر نزدیک است پنهان شدن من از جمعشان. سوگند به خدا هرگز سکوت نخواهم کرد، نه شب و نه روز، گریه ام را رها نمی کنم تا به پدرم رسول(ص) خدا بپیوندم.» از آن پس علی(ع) خانه ای برای فاطمه(س) در بقیع ساخت که به بیت الاحزان مشهور شد. فاطمه با حسن و حسین(ع) به آنجا می رفتند و بین قبرها گریان بودند. وقتی شب از راه می رسید، علی(ع) می آمد و او را به خانه می برد. وضع به همین صورت بود تا اینکه بیست و هفت روز گذشت و فاطمه(س) در بستر بیماری افتاد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_44_2)(

ص: 44

1- . نهج الحیاه، ص71.

2- . بحار الانوار، ج 43، ص178؛ بیت الاحزان، ص164؛ کوکب درّی، ج 1، ص242.

راز گریه فاطمه(س)

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

راز گریه فاطمه(س)

آنچه به این همه عزاداری عجیب و طولانی حضرت فاطمه(س) معنا می بخشد و او را در ردیف بسیار گریه کنندگان قرار می دهد، )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_45_1)( چیست، غیر از اینکه فاطمه(س) به عیان می دید که نفاق رخ نموده و بعد از رحلت رسول خدا(ص) اسلام و دین پدرش(ص) در معرض آسیب فراوان قرار گرفته است. آری، گریه فاطمه(س) برای انحراف اسلام بود که بعد از پدرش(ص) مردمانی نقاب دین بر چهره زده و به نابودی نسل محمد(ص) کمر همّت بسته بودند و مهم ترین جلوه این انحراف همانا غصب مقام خلافت امیرمؤمنان(ع) بود که بلافاصله بعد از وفات رسول خدا(ص) روی داد و فاطمه بخش اعظم عمر مختصرش را برای تصحیح این انحراف صرف کرد. این دوره از حیات مظلومه دو عالم را می توان بدین صورت تبیین کرد.

ص: 45

1- . خصال شیخ صدوق، ص272، از ذکر غسل و کفن و دفن و نماز بر پیامبر به دلیل طولانی شدن مقاله خودداری شد.

غصب خلافت

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

غصب خلافت

بعد از پایان مراسم حجه الوداع، به دستور فرشتۀ وحی، پیامبر(ص) در منطقۀ غدیر فرود آمد و او را با آیۀ (بَلِّغْ مَا اُنْزِلَ اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) مخاطب ساخت. لحن آیه از خطیر بودن آن حکایت می کرد. پیامبر(ص) نماز ظهر را خواند، بر بالای جهاز شتران رفت و فرمود: «هان ای مردم! بر قرآن و عترت من پیشی نگیرید و در عمل به هر دو کوتاهی نورزید که هلاک می شوید.» در این لحظه دست علی(ع) را بلند کرد، آن قدر که سفیدی زیر بغل هر دو دیده شد. حضرت او را به مردم معرفی کرد و فرمود: «سزاوارتر از مؤمنان بر خودشان کیست؟» همه گفتند: خدا و رسولش داناتر هستند، پیامبر فرمود: «خدا مولای من و من مولای مؤمنان هستم و بر آنها از خودشان اولی ترم. هان ای مردم! «مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِیٌّ(ع) مَوْلَاهُ» سپس سه بار تکرار کرد «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ وَ أَبْغِضْ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَیْثُ مَا دَار.»

اما موعد وفات پیامبر(ص) نزدیک می شد و منافقان سر از لاک خود بیرون می آوردند. یکی از راه هایی که شخص پیامبر(ص) جهت جلوگیری از ایجاد فتنه توسط این عده به کار برد این بود که دستور اعزام به سپاه «اسامه» را صادر کرد و بر آن تأکید ورزید؛ امّا سران منافقان که قبل از وفات پیامبر(ص) نقشه ربودن خلافت بعد از رسول را کشیده بودند و پیامبر(ص) آن را افشا کرده بود، با این حربه نیز از میدان به در نرفتند. آنان حتّی مانع نوشتن وصیّت نامۀ پیامبر(ص) شدند؛ چرا که می دانستند پیامبر(ص) چه می خواهد بنویسد.

ص: 46

پیامبر(ص) از نرفتن این عده به شدّت برآشفت و فرمود: «اَیُّهَا النَّاسُ سُعِّرَتِ النَّارُ وَاَقْبَلَتِ الْفِتَنُ کَقِطَعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ وَ اِنِّی وَاللَّهِ مَا تُمَسِّکُونَ عَلَیَّ بِشَی ءٍ اِنِّی لَمْ اُحِلَّ اِلَّا مَا اَحَلَّ الْقُرْآنُ وَلَمْ اُحَرِّمْ اِلَّا مَا حَرَّمَ الْقُرْآنُ؛ ای مردم! آتش (فتنه) برافروخته شده و فتنه ها مانند پاره های شب تاریک روی آورده و شما هیچ نوع دستاویزی بر ضد من ندارید. من حلال نکردم؛ مگر آنچه را که قرآن حلال کرده و تحریم نکردم؛ مگر آنچه را که قرآن حرام کرده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_47_1)(

پیامبر(ص) از اینکه مانع نوشتن نامه شدند به شدت ناراحت بود. او چاره ای اندیشید و با وجود بیماری سخت، خود را به پای منبر رساند و به طور شفاهی و علنی فرمود: «میان شما دو چیز گران بها می گذارم.» در این لحظه مردی برخاست و عرض کرد: منظورتان چیست؟ پیامبر(ص) برافروخت و فرمود: «خود می گویم؛ یکی قرآن و دیگری همان عترت من است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_47_2)(

ص: 47

1- . سیره ابن هشام، ج 2، ص654؛ طبقات ابن سعد، ج 2، ص216.

2- . بحار الانوار، ج 22، ص476.

ابن حجر می نویسد: پیامبر(ص) در یکی از این روزها دست علی(ع) را گرفت و فرمود: «هَذَا عَلِیٌ(ع) مَعَ القُرآنِ وَ القُرآنُ مَعَ عَلِیٍ(ع) لایَفتَرِقَانِ.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_48_1)(

شگفت آور اینکه با این همه تأکید، بعد از رحلت پیامبر(ص) گروه نفاق بلافاصله به سوی سقیفه شتافتند و در آنجا با تشریفات و حقه هایی خاص ابوبکر را خلیفه کردند و به زور از مردم برای او بیعت گرفتند. آری، این بود راز آن همه ناله های حضرت فاطمه(س)؛ زیرا بعد از این انحراف آشکار بود که تمام فتنه ها رخ نمود و حضرت از همۀ آنها آگاه بود.

حضرت فاطمه(س) که علاوه بر ملاحظۀ تأکیدهای فراوان رسول خدا(ص) دربارۀ ولایت علی(ع)، بنا بر تحقیق در «حجه الوداع» و به تبع آن در غدیر حضور داشت، )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_48_2)( در این برهه وظیفۀ حمایت از ولایت علی را بر دوش می کشد و سعی در افشای حقایق می نماید. برخی از این حمایتهای تبلیغی عبارتند از:

1. حضرت زهرا(س) روایات پیامبر(ص) پیرامون علی(ع) را برای مردم بازگو می کرد. از جمله فرمود: «از پدرم رسول خدا(ص) در مرضی که منجر به وفاتش شد، در حالی که حجره او مملو از اصحاب بود شنیدم که فرمود: ای مردم! نزدیک است که به زودی از میان شما رخت بربندم. آگاه باشید که در میان شما کتاب پروردگار عزّوجلّ و اهل بیتم را به یادگار می گذارم. آن گاه دست علی(ع) را گرفت و فرمود: این علی(ع) با قرآن است و قرآن با علی(ع)؛ این دو از هم جدا نمی گردند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. آن گاه است که از شما سؤال خواهم کرد: چرا از آن دو سرپیچی کردید؟»

ص: 48

1- . کشف الغمّۀ، ص43.

2- . مجموعه مقالات برگزیده پیرامون حضرت زهرا(س)، ص110؛ چشمه در بستر، ص317.

2. ابن قتیبه در کتاب «الامامه و السیاسه» می نویسد: «علی بن ابی طالب(ع) شبها فاطمه(س) را سوار بر مرکبی می کرد و به مجالس مدینه می برد و فاطمه(س) آنها را به یاری شوهرش می خواند؛ ولی آنها در پاسخ فاطمه(س) می گفتند: ای دختر رسول خدا! بیعت ما با این مرد (ابوبکر) پایان یافته و اگر شوهر تو پیش از ابوبکر به نزد ما می آمد، ما کسی را به او ترجیح نمی دادیم و با او بیعت می کردیم.

علی(ع) که این گفتار را می شنید، می فرمود: آیا جایز بود من جنازۀ پیامبر(ص) را در خانه اش بگذارم و برای منازعه بر سر خلافت بیرون آیم؟ سخن که به اینجا می رسید، فاطمه(س) می گفت: ابوالحسن کاری را که شایسته بود انجام داد، آنها نیز کاری کردند که مورد بازخواست خدای تعالی قرار خواهند گرفت.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_49_1)(

3. حضرت فاطمه(س) در ملاقات زنان که برای عیادت وی آمده بودند فرمود: «به خدا سوگند! اگر زمام مرکب خلافت را که رسول خدا(ص) به دست او سپرده بود، در دست او می گذاردند و از وی دفاع و پیروی می کردند، به خوبی آن را مهار می کرد، آن گاه به نرمی و راحتی آنان را به راهشان می برد و هدایت می کرد که او پایگاه اشرار و اساس محکم نبوت و مهبط روح الامین و در کار دنیا و آخرت خبیر بود. اینک روزگار آبستن است، پس بنگرید تا چه می زاید! آن گاه قدحهای بزرگ بیاورید و آنها را از خون تازه و زهر کشنده پر کنید.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_49_2)(

ص: 49

1- . الامامه و السیاسه، ج 1، صص 12 و 29 و 30؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 6، ص13 و ج11، ص14.

2- . هدایتگران راه نور، ص242.

4. محمود بن لبید حضرت زهرا(س) را در قبرستان شهدای احد ملاقات کرد. از حضرت پرسید: «آیا رسول خدا(ص) کسی را برای خلافت و رهبری تعیین کرد؟ فرمود: عجب! آیا روز غدیر را فراموش کردید؟ گفت: نه؛ ولی می خواهم سخنی ویژه از شما بشنوم. فاطمه(س) فرمود: خدا را گواه می گیرم که پیامبر(ص) فرمود: علی خیر من اخلّفه فیکم و هو الامام بعدی و سبطای و تسعه من صلب الحسین(ع) ائمه...؛ علی بهترین انسانی است که من او را در میان شما جانشین خود کردم. او امام بعد از من است و دو سبط من و نه نفر از صلب حسین(ع) امامان به حق هستند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_50_1)(

ص: 50

1- . بحار الانوار، ج 43، ص177.

اقدامات جبهه نفاق

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

اقدامات جبهه نفاق

امّا اقدامات جبهه نفاق نیز خود قابل مطالعه است. در این بخش به خلاصه ای از این اقدامات می پردازیم:

1. تلاش برای مجبور ساختن علی(ع) به بیعت

در پس اقدامات متعدد علی(ع) از جمله حضور شبانه او و همسرش فاطمه(س) در خانه های مردم جهت دعوت آنان به بیعت با علی(ع) تنها چهل و چهار یا بیست وچهار نفر حاضر به بیعت شدند. حضرت فرمود: «اگر راست می گویید، سرهای خود را بتراشید و اسلحه خود را بردارید و بامداد نزد من بیایید که به مرگ با من بیعت کنید؛ امّا فردا صبح تنها سلمان، ابوذر، مقداد و عمار (یا زبیر) آمدند.»

سه شب متوالی چنین برنامه ای اجرا شد؛ ولی کسی غیر از آن چهار نفر حاضر نشد. علی(ع) که به این ترتیب با مردم خدعه گر و دروغگو اتمام حجت نموده بود، رفت و درون خانه اش نشست و مشغول جمع آوری قرآن شد.

ص: 51

در همین ایّام بود که ابوبکر شخصی را فرستاد تا علی(ع) را به بیعت دعوت کند؛ امّا حضرت فرمود: «سوگند یاد کرده ام ردا بر دوش نگیرم؛ مگر برای نماز تا قرآن را جمع کنم.» چند روز بعد که قرآن جمع شد، آن را به مسجد آورد و فرمود: «ای مردم! وقتی رسول خدا(ص) از دنیا رفت، مشغول غسل و تجهیز و تکفین او شدم. بعد از آن مجموع قرآن را در این جامه جمع کردم و هیچ آیه ای نازل نشد؛ مگر اینکه حضرت بر من خوانده و تأویلش را به من گفته است. در قیامت نگویید که ما از این غافل بودیم و نگویید که من شما را به یاری خود نخواندم و حق خود را به یاد شما نیاوردم و شما را به کتاب خدا دعوت نکردم.»

حضرت بعد از این به خانه برگشت؛ ولی عمر به خلیفه گفت: «علی را بخواه تا بیعت کند؛ وگرنه ایمن نیستم.» و به این ترتیب بود که ابوبکر شخصی را فرستاد که بگوید: «خلیفه رسول خدا را اجابت کن!» علی(ع) در پاسخ فرمود: «چه زود دروغ بر پیامبر(ص) بستید. ابوبکر و جماعتِ دور او همه می دانند که خدا و رسول(ص) غیر مرا خلیفه نکرده اند...» آن شب نیز حضرت همسر و فرزندانش را برای اتمام حجت به در خانه اصحاب رسول(ص) برد که باز فقط چهار نفر حاضر به حمایت شدند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_52_1)(

ص: 52

1- . حق الیقین، ص162.

2. هجوم و احراق بیت فاطمه(س)

در پی نپذیرفتن پیشنهاد فرستاده خلیفه، مشاورش به او گفت: «چرا نمی فرستی علی(ع) را برای بیعت بیاورند؟» خلیفه پرسید: «چه کسی را بفرستم؟» او پاسخ داد: «قنفذ را بفرست که مردی درشت، غلیظ و بی شرم از قبیله بنی عدی است.» به این ترتیب قنفذ همراه عده ای به در منزل علی(ع) آمد؛ ولی علی(ع) اجازه ورود نداد و او بازگشت و گزارش عملیات ناموفق خود را به خلیفه داد. عمر از آنان خواست بی اجازه داخل شوند. این بار که آنان به در خانه علی(ع) آمدند، فاطمه(س) آنان را سوگند داد که بی اجازه به خانه اش وارد نشوند.

قنفذ ماند و بقیه برای مشاور خلیفه خبر بردند. او خشمگین شد و دستور داد هیزم جمع کنند، و به سوی خانه رفتند. او فریاد زد: «یا علی! بیرون بیا و با خلیفه رسول خدا بیعت کن؛ وگرنه خانه ات را آتش می زنم.» سپس حضرت فاطمه(س) برخاست و گفت: «از ما چه می خواهی؟» گفت: «در را باز کن؛ وگرنه خانه را با شما می سوزانم.» فاطمه(ص) فرمود: «از خدا نمی ترسی و می خواهی بی اجازه به خانه من وارد شوی؟» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_53_1)(

ص: 53

1- . سلیم بن قیس. بیت الاحزان، ص90.

فاطمه زهرا(س) خود می فرماید: «هیزم بسیار به خانه می آوردند تا خانه و اهلش را بسوزانند. من پشت در ایستاده بودم و آن قوم مهاجم را به خدا و رسولش سوگند دادم که دست از ما بردارند و ما را یاری نمایند. او تازیانه را از دست قنفذ، غلام آزاد شده ابوبکر گرفت و با آن به بازویم زد و اثر آن چون رگه های بازوبند در بازویم باقی ماند. آن گاه لگدی به در زد و در را به طرف من فشار داد. در این هنگام به صورت بر زمین افتادم؛ در حالی که فرزند در رحم داشتم. آتش زبانه می کشید و صورتم را می سوزانید. او با دستش مرا می زد، گوشواره ام قطع و پراکنده شد. درد مخاض مرا فرا گرفت. محسن من بی گناه سقط و کشته شد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_54_1)(

3و4. خارج کردن حضرت علی(ع) با اهانت از منزل و سقط جنین فاطمه

ص: 54

1- . بحار الانوار، ج 30، صص 348 و 349 به نقل از ارشاد القلوب.

اقدام دیگری که جبهه نفاق حاکم انجام داد این بود که به خانه حضرت ریختند و بعد از مقاومت حضرت علی(ع) او را گرفتند و کشان کشان به سوی مسجد حرکت دادند. فاطمه(س) بار دیگر مانع شد و گفت: «به خدا قسم نمی گذارم علی(ع) را به زور به مسجد ببرید» جمعیّت که دیدند چنین است، امام را رها کردند. عمر به قنفذ دستور داد که در صورت مقاومت فاطمه(س)، او را بزند. او فاطمه(س) را به تازیانه گرفت تا آنجا که اثرش در جسم او باقی ماند و فرزندش نیز سقط شد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_55_1)(

«سلیم بن قیس» می گوید: «عمر در یک سال نصف حقوق همه کارگزارانش را به عنوان غرامت و کمبود بیت المال کم کرد امّا از حقوق قنفذ چیزی نکاست.» و نیز می گوید: «به مسجد رسول خدا(ص) رفتم، گروهی را دیدم که در گوشه ای نشسته اند، همۀ آنها از بنی هاشم بودند جز سلمان، ابوذر، مقداد، محمد بن ابی بکر، عمر بن ابی سلمه و قیس بن سعد بن عباده... عباس عموی پیامبر به علی(ع) گفت: چرا عمر مانند همه کارگزاران از حقوق قنفذ نکاست؟ علی(ع) به اطراف نگاه کرد. قطرات اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود:

شَکَرَ لَهُ ضَرْبَهً ضَرَبَهَا فَاطِمَهَ(س) بِالسَّوْطِ فَمَاتَتْ وَ فِی عَضُدِهَا أَثَرُهُ کَأَنَّهُ الدُّمْلُج؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_55_2)( حقوق قنفذ را کم نکرد تا از او تشکر کند به خاطر ضربت تازیانه ای که بر فاطمه(س) نواخت که وقتی فاطمه وفات یافت، اثر آن همانند بازوبند بر بازوی او بود.»

ص: 55

1- . علم الیقین، فیض کاشانی، ج 2، ص687؛ حق الیقین، ص164.

2- . رنجها و فریادهای فاطمه، صص 143 و 144.

5. هتک حجاب

امام موسی بن جعفر(ع) به نقل از امام صادق(ع) فرمود: «پیامبر اکرم(ص) هنگام رحلت فرمود: آگاه باشید که درِ خانۀ فاطمه(س)، درِ خانۀ من و خانه اش خانۀ من است. هر کس او را هتک حرمت کند، حجاب خدا را دریده است.» عیسی که راوی این حدیث است می گوید: «حضرت موسی بن جعفر(ع) مدتی طولانی گریست و بقیۀ سخن حضرت رسول(ص) را قطع کرد و فرمود: «به خدا سوگند که حجاب خداوند هتک شد. به خدا سوگند حجاب خدا هتک شد. به خدا سوگند حجاب خدا هتک شد. ای مادر! درود خدا بر تو باد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_56_1)(

امام حسن(ع) در مجلس معاویه به مغیره بن شعبه فرمود: «تو بودی که فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) را زدی تا خون از بدن او جاری شد و آنچه که در شکم داشت سقط نمود و تو چیزی به جز خار کردن رسول الله(ص)، مخالفت با دستورهای وی و هتک حرمت او در نظر نداشتی. مگر رسول خدا(ص) به او نفرمود: تو سرور زنان اهل بهشتی؟ به خدا سوگند سرنوشت تو در آتش جهنم است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_56_2)(

غصب فدک

ص: 56

1- . بحار الانوار، ج 22، ص477.

2- . هدایتگران راه نور، ص252، سید محمدتقی مدرّسی. در روایات در مورد ضربت زدن مغیره به حضرت زهرا(س) به صورت مستقیم سخنی به میان نیامده است؛ ولی به عنوان شیطانی که افراد را علیه خاندان رسالت بر می انگیخت از او یاد کرده اند. ولذا نظر امام(ع) این است که او در این ضربت نقش اصلی را داشته است. البته بعضی نیز نقل کرده اند آن گاه که قنفذ با تازیانه بر حضرت زهرا(س) می زد، مغیره نیز با غلاف شمشیر بر بدن حضرت زهرا(س) ضربه می زد.

بعد از غصب خلافت در صدد بودند فدک را نیز از حضرت فاطمه(س) بگیرند. فدک چند قلعه بود که پیامبر آنها را بدون جنگ گرفته بود و حق تعالی آیۀ (وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_57_1)( را نازل کرد و جبرئیل گفت: «خداوند می فرماید: فدک را به فاطمه(س) بده که از برای او و فرزندان او باشد تا روز قیامت.» پیامبر(ص) به امر الهی آن را به فاطمه(س) داد و در تصرّف وکلای آن حضرت بود تا وقتی پیامبر(ص) درگذشت. خلیفه و مشاورش فکر کردند چون حاصل بلاد فدک مبلغ عظیمی است، اگر این مبلغ نزد اهل بیت باشد، مردم به طرف آنها متمایل خواهند شد؛ لذا اتفاق کردند که حدیثی جعل کنند که پیامبر فرموده: «ما پیامبران میراث از خود بر جای نمی گذاریم و هرچه از ما بماند برای همۀ مسلمانان تصدّق است.» و با این بهانه تراشی فدک را گرفتند.

طلب گواهی برای رد فدک

ص: 57

1- . اسراء/26.

وقتی خبر به فاطمه(س) رسید، با گروهی از زنان بنی هاشم نزد خلیفه آمد و فرمود: «می خواهی زمینی را که پیامبر(ص) به امر خدا به من داد و حضرت غیر از آن چیزی برای فرزندان خود نگذاشت، از من بگیری؟ مگر نشنیدی که رسول خدا(ص) فرمود: حرمت هر کس را باید در باب فرزندان او رعایت کرد؟ خلیفه از ترس تحریک مردم دوات خواست که نامه ای مبنی بر برگرداندن فدک بنویسد؛ ولی عمر مانع شد و گفت: تا گواه نیاورد ننویس، فاطمه فرمود: آیا حکمی که دربارۀ همۀ مسلمانان است دربارۀ من جاری می کنی که بیّنه را از مدّعی می خواهند؟ تو از من بیّنه و گواه می خواهی با اینکه فدک در تصرّف من است؟ تو که می خواهی فدک را از من بگیری باید گواه بیاوری. در هر صورت عمر مانع شد و گفت: بی گواه نمی دهم.

حضرت رفت و علی، حسن، حسین(ع)، ام ایمن را گواه آورد. عمر گفت: شهادت علی(ع) نفعی ندارد چون ذی نفع است، حسن و حسین(ع) کودک اند و ام ایمن اعجمی است و گواهیش اعتبار ندارد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_58_1)(

ص: 58

1- . کتاب سلیم بن قیس، 253 (با اندک اختلاف).

به روایت دیگر ابوبکر نامه ای برای فاطمه(ص) نوشت و فدک را رد کرد؛ امّا در راه به عمر برخورد و او نامه را گرفت و پاره کرد و به حضرت نیز اهانت نمود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_59_1)( فاطمه(س) نیز به عمر نفرین کرد.

ص: 59

1- . بحار الانوار، ج 29، ص129.

استدلال علی(ع) دربارۀ فدک

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

استدلال علی(ع) دربارۀ فدک

حضرت علی(ع) به مسجد نزد ابوبکر آمد. دید مهاجران و انصار در اطراف ابوبکر حلقه زده اند. به ابوبکر فرمود: «چرا فاطمه(س) را از ملک مورثی اش منع کردی، با اینکه پیامبر(ص) در زمان حیاتش آن را به فاطمه(س) داد؟ او گفت: فدک فی ء است و به همۀ مسلمانان تعلق دارد. اگر فاطمه(س) شاهد دارد، بیاورد!» علی(ع) فرمود: «تو دربارۀ ما بر خلاف حکم خدا در حق مسلمانان حکم می کنی؛ هرگاه مُلکی در دست مسلمانی باشد و در اختیار او قرار گرفته باشد و من ادعا کنم که آن ملک مال من است، از چه کسی بیّنه می طلبی؟»

گفت: «از تو،» علی(ع) فرمود: «پس چرا از فاطمه(س) که ملک در دست اوست بیّنه و گواه می خواهی؟» ابوبکر ساکت ماند. عمر گفت: «این سخنان را رها کن، گواه داری بیاور!» علی(ع) به خلیفه فرمود: «به من خبر بده این آیه در شأن چه کسی نازل شد. (إِنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً)؟» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_60_1)( خلیفه گفت: «در حق شما.» علی(ع) سؤال کرد: «اگر چند شاهد گواهی دهند که فاطمه(س) – نعوذ بالله - تکار بدی کرده، تو چه می کنی؟ گفت: «حد الهی بر او جاری می کنم.» علی(ع) فرمود: «در این صورت از کافران شده ای»، ابوبکر گفت: «چرا؟»

ص: 60

1- . احزاب/33.

علی(ع) فرمود: «چون گواهی خدا را در مورد پاکی فاطمه(س) رد کرده و گواهی مردم را پذیرفته ای، همان طور که حکم خدا و رسول(ص) را رد کردی، آنجا که رسول خدا(ص) به امر خدا فدک را به فاطمه(س) داد و فاطمه(س) در زمان حیات پدرش آن را در تصرّف داشت. این قرارداد را رد می کنی؛ امّا گواهی یک نفر اعرابی را که روی پاشنه اش بول می کند (اوس بن حدثان که گواهی داد پیامبر ارث نمی گذارد) می پذیری، با اینکه رسول خدا(ص) فرمود: گواهی بر مدعی و سوگند بر منکر است؟» در این لحظه مردم با قیافه های خشمگین به هم نگاه می کردند و گاه زمزمه می کردند که حق با علی(ع) است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_61_1)(

ص: 61

1- . رنجها و فریادهای فاطمه، صص 173 تا 175.

ایراد خطبۀ فدکیه

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

ایراد خطبۀ فدکیه

وقتی ابوبکر عزم خود را برای گرفتن فدک جزم کرد، حضرت فاطمه(س) روسری بر سر افکند و خود را در چادری پیچید و با گروهی از زنان به جانب مسجد رفت. ابوبکر نیز در مسجد نشسته بود. پرده ای آویختند، حضرت پشت آن قرار گرفت، ناله ای دلخراش سر داد که مسجد را لرزاند. اندکی سکوت کرد، آن گاه خطبه فدکیه را ایراد کرد. خطبه ای که کالبدشکافی نفاق مردم و علل آن بود.

در بخشی از این خطبه فرمود: «شما خیال می کنید ما هیچ ارثی از رسول خدا(ص) نمی بریم؟ آیا از احکام جاهلیّت پیروی می کنید؟ (أَ فَحُکْمَ الْجاهِلِیَّهِ یَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُکْماً لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_62_1)( آیا آنها حکم جاهلیّت را می خواهند؟ و چه کسی برای افراد با ایمان بهتر از خدا حکم می کند؟ آیا نمی فهمید؟ آیا تردید دارید که من دختر پیغمبر هستم؟ با اینکه چون آفتاب روشن است که من دختر پیامبرم؟ ای مسلمانان! آیا رواست که من از ارث خود محروم شوم؟

ای پسر أبی قحافه! آیا در قرآن است که تو از پدرت ارث ببری؛ ولی به عقیده تو من از پدرم ارث نبرم؟ کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی. آیا عمداً کتاب خدا را ترک کرده و احکام آسمانی را پشت سرانداختی؟ آنجا که خداوند فرمود: (وَ وَرِثَ سلیمانُ داودَ) و... آیا من و پدرم از افراد یک امت و آیین نیستیم؟ آیا شما در تشخیص عموم و خصوص و دلالت آیات از پدرم و پسر عمویم آگاه تر هستید؟ امروز چنین کنید؛ ولی فردای قیامت خدای بزرگ بین من و شما داوری می کند...» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_62_2)(

ص: 62

1- . مائده /50.

2- . رنجها و فریادهای فاطمه،ص194.

حضرت فاطمه(س) در بستر بیماری

فصل اول: زندگینامه

زندگی فاطمه زهرا(س) پس از رحلت پدر

حضرت فاطمه(س) در بستر بیماری

مجموعۀ آنچه گذشت حضرت فاطمه زهرا(س) را در بستر بیماری انداخت. حضرت علی(ع) خود پرستار همسرش بود و «اسماء بنت عمیس» نیز به او کمک می کرد؛ حتّی حضرت(س) از بانوانی که اطرافش بودند می خواست صورت او را برگردانند.

روزی خلیفه و مشاورش اجازه ورود خواستند. او اجازه داد. وقتی آمدند، حضرت زهرا(س) روی خود را پوشاند و حتّی جواب سلام آن دو را نداد و فرمود: «تا جواب سؤالم را ندهید، کلامی نخواهم گفت.» آن دو اعلام آمادگی کردند که پاسخ بگویند. حضرت پرسید: «آیا شما دو نفر شنیدید که پدرم فرمود: فاطمه(س) پارۀ تن من است. هرکس او را بیازارد، مرا آزرده و هر که مرا اذیّت کند، خدا را آزرده است؟» هر دو جواب دادند: «که به دفعات شنیده ایم.» فاطمه(س) فرمود: «خدایا! آگاه باش که اینها مرا اذیّت کردند و شکایتشان را به تو و رسول تو(ص) خواهم کرد. نه! هرگز از شما راضی نخواهم شد تا پدرم را ملاقات کنم و رفتار زشت شما را نزد او بازگویم تا بین ما قضاوت کند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_63_1)(

ساخت تابوت

ص: 63

1- . علل الشرایع، باب 148، ص187.

اسماء بنت عمیس می گوید: «فاطمه زهرا(س) هنگام وفات به من فرمود: مادر جان! من از این وضعی که دربارۀ حمل جنازۀ زنها مرسوم است شرم می کنم و خوش ندارم؛ جنازه زنان را روی تخته ای می گذارند و پارچه ای روی آن می اندازند و پستی و بلندی بدنش آشکار است.»

اسماء می گوید: «من دربارۀ تابوتی که در حبشه دیده بودم، توضیح دادم و آن را ساختم. فاطمه(س) با دیدن آن تبسّم کرد. او از روزی که رسول خدا(ص) از دنیا رفته بود، تا به آن روز تبسّمی نکرده بود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_64_1)(

سفارش حضرت فاطمه(س)

هنگام وفات، حضرت علی(ع) از او خواست هر وصیّتی دارد، بگوید. حضرت فاطمه(س) فرمود: «خدا پاداش نیک به تو بدهد ای پسر عموی رسول خدا! نخستین وصیّت من این است که پس از من با «امامه» دختر خواهرم ازدواج کن! چون او نسبت به فرزندان من همانند خودم مهربان است... وصیّت دیگرم این است که کسی از این مردم که به من ستم کردند و حق مرا گرفتند، در تشییع جنازه و دیگر مراسم من شرکت نکنند؛ زیرا اینان دشمن من و دشمن رسول خدا(ص) هستند... ای اباالحسن! مرا شب هنگام که همه خواب هستند، دفن کن!» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_64_2)(

کار در آخرین روز

ص: 64

1- . احقاق الحق، ج 10، ص474؛ کشف الغمّه، ج 2، ص126.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص191.

روز آخر حیات فاطمه(س) گاه نشسته و گاه ایستاده به طرف محلی رفت که در خانه برای شستشو بود، رخت و لباس اطفال را با دستهای لرزان خود شست. آن گاه یک یک کودکان را فرا خواند و شستشو داد.

حضرت علی(ع) وارد خانه شد... فاطمه زهرا(س) به او گفت: چون امروز آخرین روز عمر من است، خود برخاستم تا سر و لباس فرزندام را بشویم؛ زیرا آنان به زودی یتیم و بی مادر خواهند شد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_65_1)( آن گاه فاطمه(س) هنگام رحلت به مظلومیّت علی(ع) بعد از خود گریه کرد. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_65_2)( دربارۀ ام کلثوم و دادن اثاثیه به او به عنوان جهازیه توصیه کرد، و به زینب که دختری 5 ساله بود، سفارش نمود که از دو برادرش جدا نشود و از آنان نگهداری کند و برایشان به جای مادر باشد. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_65_3)(

در «علل الشرایع» روایت است که: «وقتی وفات فاطمه زهرا(س) نزدیک شد، به اسماء فرمود: آبی بیاور تا وضو سازم! بعد از وضو `یا غسل` عطر خوش زد و لباسی نو پوشید و فرمود: ای اسماء! جبرئیل در وقت وفات پدرم چهل درهم کافور از بهشت آورد. حضرت آن را سه قسمت کرد؛ یک بخشش را برای خود گذاشت. بخش دوم برای من و بخشی برای علی. آن کافور را بیاور! وقتی کافور را آورد، فرمود: نزدیک سر من بگذار! آن گاه پای خود را رو به قبله کرد و خوابید و پارچه ای روی سرش کشید و فرمود: ای اسماء! لحظاتی صبر کن، بعد مرا صدا بزن، اگر جواب ندادم، علی را بخواه و بدان من به پدرم ملحق شده ام. او نیز چنین کرد؛ هرچه صدا زد، فاطمه(س) جوابی نداد. او خود را روی حضرت انداخت. او را می بوسید و می گفت: وقتی به خدمت رسول خدا(ص) رفتی، سلام مرا به آن حضرت برسان!

ص: 65

1- . ترجمه بیت الاحزان، ص247.

2- . بحار الانوار، ج 43، ص218؛ رنجها و فریادهای فاطمه(س)، ص241.

3- . بطله کربلا، ص43.

در همان حال حسن و حسین8 وارد شدند و پرسیدند: ای اسماء! مادرمان در این وقت خوابیده است؟! اسماء گفت: مادرتان نخوابیده بلکه؛ به رحمت خدا رفته است. آن دو خود را روی مادر افکندند و هر یک با سوز دل سخن گفتند. اسماء گفت: ای جگر گوشه های رسول! نزد پدر بروید و او را مطّلع کنید. آن دو از خانه بیرون رفتند و چون نزدیک مسجد شدند، ناله شان بلند شد، و به پدر وفات مادر را خبر دادند. علی(ع) با شنیدن این خبر با خود می گفت: بعد از تو خود را به که تسلّی دهم؟» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_66_1)(

به سوی پدر

هفتاد و پنج، یا نود و پنج روز، بعد از رحلت پیامبر(ص) سرانجام حضرت فاطمه(س) نیز درگذشت. طبق وصیّت او، علی(ع) در همان ساعت شب مشغول تجهیز و تکفین او شد. پس از غسل و کفن، جنازه را بیرون آورد و او را به خاک سپرد. صبح هنگام، ابوبکر و عمر به عیادت حضرت فاطمه(س) آمدند. در راه مردی را دیدند. از او پرسیدند: «از کجا می آیی؟» گفت: «از تعزیت فاطمه!(س)» گفتند: «مگر وفات یافت؟» گفت: «بله.» آن دو از ترس مردم متغیّر شدند و نزد علی(ع) آمدند و عرض کردند: به خدا سوگند هیچ فرونگذاشتی از مکر و حیله و بد کردن با ما. اینها همه از کینه هایی است که از ما داری. این مثل آن است که حضرت رسول(ص) را غسل دادی و ما را خبر نکردی.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_66_2)(

ائمه و حضرت فاطمه(ع)

ص: 66

1- . برگرفته از علل الشرایع، ص185.

2- . کشف الغمّه، ج 2، ص122.

«بشار مکاری» می گوید: «در کوفه نزد امام صادق(ع) رفتم. دیدم طبقی از خرما برایش آورده اند و حضرت از آن می خورد، به من هم فرمود: بیا جلو و خرما بخور! عرض کردم: گوارا باد! در راه می آمدم، حادثه ای دیدم که غیرتم به جوش آمد و قلبم درد گرفت و گریه گلویم را فشرد. فرمود: به حقی که بر گردنت دارم، جلو بیا و بخور! جلو رفتم و خوردم، آن گاه فرمود: چه حادثه ای دیدی؟ عرض کردم: در راه یکی از مأموران حکومت را دیدم که برسر زنی می زند و او را به سوی زندان می برد و او با صدای بلند می گوید: پناه می برم به خدا و رسولش و به غیر خدا و رسولش پناهی ندارم.» امام صادق(ع) پرسید: چرا آن زن را می زدند و به زندان می بردند؟

گفتم: از مردم شنیدم که پای آن زن لغزید و به زمین افتاد و گفت: ای فاطمه! خداوند آنان را که به تو ظلم کردند از رحمت خود دور سازد! گماشتگان او را دستگیر کردند. امام تا این را شنید، از خرما دست کشید و گریه کرد، به گونه ای که دستمال، محاسن و سینه اش پر از اشک شد. سپس فرمود: ای بشّار! برخیز با هم به مسجد سهله برویم و برای نجات او دعا کنیم و از خدا بخواهیم او را حفظ کند! و با دعای امام بود که آن زن آزاد شد و آزاری به او نرسید. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_67_1)(

ص: 67

1- . برگرفته از رنجها و فریادهای فاطمه(س)، ص157.

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

مقام شفاعت حضرت فاطمه(س)

از مقامات حضرت زهرا(س) شفاعت و بشارت امت به نجات است.

در حدیثی آمده است: «روزی سلمان به پیامبر(ص) عرض کرد: ای مولای من! تو را سوگند به خدا از عظمت فاطمه(س) در روز قیامت تعریفی بفرما.»

پیامبر خدا(ص) با تبسم رو به سلمان کرد و فرمود: «سوگند به آن آفریدگاری که جانم در دست اوست، فاطمه(س) را در آن روز بر ناقه ای از ناقه های بهشت سوار می کنند، جبرئیل و میکائیل به ترتیب از راست و چپ او حرکت می کنند. علی(ع) در پیشاپیش و حسن و حسین(ع) از پشت سر وی را همراهی می کنند، تا بدین طریق فاطمه از صراط می گذرد و پس از گفتگوهای زیاد، خطاب می رسد: ای فاطمه(س)! هر چه می خواهی بخواه! دخترم عرض می کند:

أَسْأَلُکَ أَنْ لَا تُعَذِّبَ مُحِبِّی وَ مُحِبِّی عِتْرَتِی بِالنَّارِ فَیُوحِی اللَّهُ إِلَیْهَا یَا فَاطِمَهُ(س) وَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی وَ ارْتِفَاعِ مَکَانِی لَقَدْ آلَیْتُ عَلَی نَفْسِی مِنْ قَبْلِ أَنْ أَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِأَلْفَیْ عَامٍ أَنْ لَا أُعَذِّبَ مُحِبِّیکِ وَ مُحِبِّی عِتْرَتِکِ بِالنَّار؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_68_1)(

ص: 74

1- . سفینه البحار، ج 2، ص 375.

`بار الها` از تو می خواهم علاقه مندان خود و فرزندانم را در آتش نسوزانی. خداوند به او وحی می کند: ای فاطمه! به عزت و جلالم و به بلندی موقعیتم سوگند! دو هزار سال پیش از آنکه آسمانها و زمین را خلق کنم، بر خودم لازم کرده ام که علاقه مندان به تو و فرزندانت را با آتش عذاب نکنم.»

و در روایت دیگر فرمود: «وقتی روز قیامت شود، از باطن عرش ندا می رسد: ای اهل قیامت! چشمهای خویش را پایین افکنید تا اینکه فاطمه(س)، دختر محمد(ص) با پیراهن خضاب شده به خون حسین(ع) عبور کند. در آن عرصه حضرت فاطمه(س) پایه عرش را گرفته و عرضه می دارد: پروردگارا! تو جبار عادلی، بین من و کسانی که فرزندان مرا کشتند قضاوت فرما! رسول اکرم(ص) فرمودند: به حق خدای کعبه سوگند که پروردگارم به سنت من حکم خواهد فرمود.

آنگاه زهرا(س) عرضه می دارد: اَللَّهُمَّ اشفِعنِی فِیمَن بَکَی عَلَی مُصِیبَتِهِ؛ پروردگارا! به من اجازه شفاعت کسانی را بفرما که در مصیبت حسینم(ع) گریه کرده اند. و خدای تعالی اذن شفاعت آنان را به ایشان عنایت می فرماید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_69_1)(

ص: 75

1- . اسد الغابۀ، ج 5، ص 523؛ کفایه الطالب، ص212؛ میزان الاعتدال، ج 2، ص18؛ موده القربی، 104.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: «به حضرت باقر(ع) عرض کردم: فدایت شوم! یا بن رسول الله! برای من حدیثی در فضیلت جده ات فاطمه زهرا(س) بفرمایید تا هنگامی که آن را برای شیعیان بیان می کنم، خوشحال گردند. امام باقر(ع) فرمود: پدرم و او از جدم، از رسول خدا(ص) نقل می فرمود که: در روز قیامت برای انبیا و رسل منبرهایی از نور برپا می شود و منبر من در روز قیامت از همه بلندتر است. آنگاه خداوند می فرماید: خطبه بخوان! پس خطبه ای بخوانم که احدی از انبیاء و رسل مانند آن را نشنیده است. پس برای اوصیا نیز منبرهایی از نور برافراشته می شود و در میان آنها منبری برای وصی من، علی بن ابی طالب(ع) نصب می گردد که از همه بلندتر است؛ آنگاه خداوند به علی(ع) می فرماید: خطبه بخوان! پس خطبه ای می خواند که احدی از اوصیا مانند آن نشنیده است.

آنگاه برای فرزندان انبیا و رسل منبرهایی از نور نصب می گردد، پس برای دو فرزند و نوه و دو ریحانه ایام حیاتم (حسنین(ع)) منبری برپا می شود و به آنان گفته می شود: خطبه بخوانید! و آن دو خطبه هایی می خوانند که هیچ یک از فرزندان انبیا و رسل مانند آن را نشنیده اند.

ص: 76

آنگاه منادی که جبرئیل است ندا می دهد: فاطمه(س) دختر محمد(ص) کجاست؟ آنگاه فاطمه(س) برمی خیزد، `تا اینکه فرمود:` خدای تعالی می فرماید: ای اهل محشر! کرامت و بزرگواری از آن کیست؟ محمد و علی و حسنین(ع) عرض می کنند: برای خدای واحد قهار. آنگاه خداوند می فرماید: ای اهل محشر! من امروز کرامت وبزرگی را برای محمد و علی و فاطمه و حسنین(ع) قرار دادم. ای اهل محشر! سرها را پایین افکنده و چشمها را ببندید، این فاطمه(س) است که به سوی بهشت می رود.

آنگاه جبرئیل شتر بهشتی می آورد، در حالی که دو طرفش را دیباج آویزان کرده اند، و مهار آن از لؤلؤ تازه است. حضرت `فاطمه(س)` بر آن سوار می شوند و خدای متعال صدهزار فرشته را در طرف راست و صدهزار فرشته در سمت چپ وی می فرستد، و صدهزار فرشته را مأمور می فرماید تا حضرت فاطمه(س) را بر روی بالهای خود سوار کنند تا ایشان را به در بهشت برسانند. وقتی که به در بهشت می رسند، حضرتش می ایستد، خدای متعال می فرماید: ای دخت حبیب من! چرا توقف کردی و حال آنکه من تو را امر کرده بودم به بهشت من درآیی؟ حضرت صدیقه(س) عرض می کند: پروردگارا! دوست می دارم که ارزش و قدر و قیمت من در مثل چنین روزی شناخته شود.

خداوند می فرماید: یَا بِنْتَ حَبِیبِی! ارْجِعِی فَانْظُرِی مَنْ کَانَ فِی قَلْبِهِ حُبٌّ لَکِ أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ ذُرِّیَّتِکِ خُذِی بِیَدِهِ فَأَدْخِلِیهِ الْجَنَّهَ! ؛ ای دختر حبیب من! برگرد و بنگر! هر که در قلبش محبت تو و یا محبت یکی از فرزندان تو باشد، دستش را بگیر و او را داخل بهشت نما.»

ص: 77

آنگاه امام باقر(ع) به جابر فرمود: «ای جابر! به خدا سوگند فاطمه(س) در آن روز شیعیان و محبان خود را از صحرای محشر جدا می کند، همان طور که مرغ دانه خوب را از دانه بد جدا می کند. وقتی شیعیان فاطمه به در بهشت می رسند، حق تعالی به دل ایشان می اندازد که به پشت سر نگاه کنند. چون چنین می کنند، خداوند می پرسد: ای دوستان من! چرا به پشت سر نگریستید، با اینکه شفاعت فاطمه(س)، حبیب خودم را در حق شما پذیرفتم؟ آنها می گویند: پروردگارا! می خواستیم در این روز قدر ما نزد تو، بر اهل محشر معلوم شود، خداوند می فرماید: ای دوستان من! برگردید به سوی محشر و بنگرید که هر کسی را شما برای دوستی فاطمه(س) دوست دارید، و هر که شما را برای محبت فاطمه(س) غذا داده باشد، هر که جامه پوشانیده باشد برای محبت فاطمه(س) یا آب داده باشد برای محبت فاطمه(س)، و هر که از شما غنیمتی را رد کرده باشد به خاطر محبت فاطمه(س)، دست ایشان را بگیرید و داخل بهشت کنید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_72_1)(

حضرت فاطمه(س) وحی خداوند به پیامبر(ص)

ص: 78

1- بحارالانوار، ج 8، ص 51؛ تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی، ص 113.

در روایات زیادی به این مطلب اشاره شده است که نطفه فاطمه زهرا(س) از میوه بهشتی تکون یافته است. از آن جمله، روایتی است که در «امالی» صدوق( آمده که امام رضا(ع) فرمود: «پیامبر(ص) فرمود: وقتی به معراج رفتم، جبرئیل دست مرا گرفت و وارد بهشت نمود. پس رطب بهشتی به من داد که آن را خوردم و آن غذا در صلبم به نطفه تبدیل شد. پس چون به زمین آمدم، با خدیجه(س) هم بستر شدم و او به فاطمه(س) حامله شد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_73_1)(

همچنین از مناقب آن حضرت این است که پیامبر(ص) برای به وجود آوردن فاطمه(س) مأمور به چهل روز عبادت شد و عظمت این منقبت آنجا روشن می شود که حضرت موسی(ع) نیز برای آوردن تورات مأمور به چهل روز عبادت شده بود. اگر چه پیامبر اکرم(ص) برای آوردن قرآن مدتی را در غار حرا معتکف بود؛ ولی برای ایجاد فاطمه(س) مأمور به چنین عبادتی طولانی گردید.

علامه مجلسی(ره) روایت می کند: «روزی پیامبر گرامی اسلام(ص) در سرزمین ابطح نشسته بود و با او عمار، منذر بن ضخصاح، ابوبکر، عمر و عباس بودند. علی(ع) هم در آن جمع بود که جبرئیل به صورت اصلی بر حضرت نازل شد و عرض کرد: خدا به تو سلام رسانده، می فرماید: باید چهل روز از خدیجه(س) دوری کنی... پس چون چهل روز به پایان رسید، جبرئیل نازل شد وعرض کرد: خدایت سلام می رساند و می فرماید: خود را برای هدیه و تحفه ای آماده کن. حضرت فرمود: آن تحفه چیست؟ در جواب عرض کرد: از این تحفه خبری ندارم. بعد از آن، میکائیل فرود آمد و با او طبقی بود و حضرت روزه خود را با طعام درون طبق افطار کرد. بعد از آن، جبرئیل خطاب به پیامبر(ص) عرض کرد: خداوند به ذات خود سوگند یاد نموده که امشب از صلب تو ذریه ای طیب بیافریند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_73_2)(

ص: 79

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 4.

2- . بحارالانوار ، ج 16، صص80 - 78.

گوهر پاک بباید که شود قابل فیض

"

ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

"

شباهت فاطمه(س) به پیامبر خدا(ص)

ام سلمه می گوید: «فاطمه(س) شبیه ترین مردم از لحاظ صورت به پیامبر(ص) بود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_74_1)( و عایشه می گوید: «شبیه تر از فاطمه(س) در گفتار به پیامبر(ص) ندیدم.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_74_2)( و جابر می گوید: «هر گاه فاطمه(س) راه می رفت، به یاد حضرت رسول(ص) می افتادم.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_74_3)( پس فاطمه(س) شبیه ترین مردم به پیامبر(ص) بود صورتاً، سیرتاً و کلاماً.

فاطمه(س)؛ حجت خدا بر خلق

رسول الله(ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِیّاً وَ زَوْجَتَهُ وَ أَبْنَاءَهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ- وَ هُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِی أُمَّتِی- مَنِ اهْتَدَی بِهِمْ هُدِیَ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیم؛ )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_74_4)(

ص: 80

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 55.

2- . بحارالانوار ، ص 25؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص 167، ح 4732.

3- . بحارالانوار ، ص 53.

4- . عوالم العلوم، ج 11، ص 78.

خداوند متعال علی(ع)، همسر و فرزندانش را حجت بر مخلوقاتش قرار داده و آنان درهای علم در میان امت من هستند. هر کس به وسیله آنان هدایت جوید، به راه راست هدایت یافته است.»

ص: 81

علم فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

علم فاطمه(س)

از دیگر فضایل فاطمه زهرا(س) علم ایشان به آینده و حوادث قبل است. سلمان می گوید: «روزی عمار به من گفت: آیا خبر عجیبی به تو بدهم؟ گفتم: آری! عمار گفت: علی بن ابی طالب(ع) را دیدم که بر فاطمه(س) وارد شد؛ چون چشم فاطمه(س) بر او افتاد، گفت: اجازه می دهی از گذشته و حال و آینده تا روز قیامت خبر دهم؟ عمار می گوید: سپس دیدم که امیرمؤمنان(ع) به عقب برگشت، به مسجد رفت و به خدمت پیامبر(ص) رسید. پیامبر(ص) فرمود: «نزدیک بیا یا ابا الحسن! چون نزدیک پیغمبر(ص) رسید فرمود: «تو می گویی یا من بگویم؟» حضرت امیر(ع) عرض کرد: «حدیث شما و کلام شما بهتر است»، و آن گاه پیامبر(ص) جریان را بیان نمود... عمار می گوید: «سپس امیرمؤمنان(ع) از مسجد خارج شد و من هم با او بیرون رفتم، و حضرت بر فاطمه(س) وارد شد و او از آنچه علی(ع) به پیامبر(ص) گفته بود، خبر داد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_76_1)(

و نیز در روایتی از امام کاظم(ع) نقل شده است که فرمود: «فاطمه(س) از تمام صحابه داناتر بود، جز از شوهرش.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_76_2)( و مکرر می شد که پیامبر(ص) مردم را به فاطمه زهرا(س) ارجاع می داد و او به مردم پاسخ کافی می داد؛ چرا که آنچه را که دیگران نمی دانستند، او می دانست.

ص: 82

1- . برگرفته از بحارالانوار، ج 43، ص 8.

2- . برگرفته از زندگانی فاطمه زهرا(س)، ص 181.

روزی رسول خدا(ص) با عده ای از اصحاب نشسته بودند، حضرت رو به اصحاب کرده، فرمودند: «برای زنان چه چیزی بهتر است؟» آنها نتوانستند جوابی بگویند. حضرت علی(ع) این خبر را به فاطمه(س) رسانید و آن حضرت پاسخ داد که: «`شما نگفتید` بهترین چیز برای زن آن است که نه مردی او را ببیند و نه او مردی را ببیند؟»

علی(ع) این جواب را به رسول خدا(ص) عرض کرد. حضرت فرمودند: «چه کسی این جواب را به تو گفت؟» عرض کرد: «فاطمه(س).» حضرت فرمودند: «به راستی که او پاره تن من است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_77_1)( و چه بسیار اتفاق می افتاد که زنان مسائل خود را از حضرت فاطمه زهرا(س) می پرسیدند.

ص: 83

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 54.

ایمان کامل

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

ایمان کامل

در روایتی آمده است که: روزی ابوذر به خانه علی(ع) می رود و حضرت را صدا می زند؛ ولی کسی جواب نمی دهد، در حالی که سنگ آسیا خود به خود در حال چرخش بوده. پس جریان را به حضرت رسول(ص) خبر داد، پیامبر(ص) به او فرمود: «إِنَّ ابْنَتِی فَاطِمَهَ(س) مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِیمَاناً وَ یَقِیناً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_78_1)( خداوند قلب و جوارح دخترم فاطمه(س) را از ایمان و یقین پر نموده است.» بنابراین، چون خداوند ضعف فاطمه(س) را می داند، با فرستادن فرشته او را در زندگی یاری می دهد.

ابن صباغ در الفصول المهمه از پیامبر(ص) نقل می کند که فرمود: «کَمُلَ مِن الرِّجَالِ کَثیرٌ وَ لَم یَکمُل مِنَ النِّسَاءِ اِلا مَریَمَ بِنتَ عِمرَانِ(س) وَ آسیهَ بِنتِ مُزَاحِم(س) و اِمرَاَهَ فِرعَونَ وَ خَدیجَهَ بِنتِ خُوَیلد(س) وَ فَاطِمَهَ بِنتِ مُحَمَّدٍ(ص)؛ مردان بسیاری `از لحاظ ایمان` کامل شده اند؛ اما از زنان تنها مریم دختر عمران(س)، آسیه دختر مزاحم(س) و همسر فرعون، خدیجه دختر خویلد(س) و فاطمه(س) دختر محمد(ص) به کمال رسیدند.» این روایت را مسلم، بخاری و ترمذی نیز نقل نموده اند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_78_2)(

ص: 84

1- . بحارالأنوار، ج43، ص 29.

2- . الفصول المهمه، ص 137.

اولین بهشتی

حضرت فاطمه(س) از نخستین کسانی است که به بهشت می رود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_79_1)( در روایتی می خوانیم: «اَوَّلُ شَخصٍ یُدخِلُ عَلَی الجَنَّهِ فَاطِمَهُ بِنتِ مُحَمَّدٍ(ص)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_79_2)( اول کسی که وارد بهشت می شود، فاطمه دختر محمد(ص) است.»

ص: 85

1- . مستدرک حاکم، ج 3، ص 151؛ و فاطمه الزهراء، ص 28.

2- . الفصول المهمه، ص 137.

نزول مائده آسمانی بر فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

نزول مائده آسمانی بر فاطمه(س)

حضرت فاطمه(س) در پیشگاه خدا آن چنان عزیز بود که بارها مورد عنایت خاص خداوند قرار گرفت. روزی پیامبر عالی قدر اسلام به شدت گرسنه بود و ضعف و ناتوانی شدیدی به او روی آورده بود، به خانه دخترش فاطمه(س) رفت تا در آنجا مقداری غذا میل کند؛ ولی فاطمه(س) و فرزندانش نیز گرسنه بودند. رسول خدا(ص) خانه دخترش را ترک کرد و هنوز چند قدمی نگذشته بود که یکی از همسایگان او مختصر طعامی برای فاطمه(س) فرستاد. در این هنگام فاطمه(س) با خود گفت: «سوگند به خدا! خود و فرزندانم گرسنه می مانیم؛ ولی این مختصر غذا را برای پدرم نگاه می دارم.» بنابراین یکی از فرزندانش را به دنبال پدر فرستاد و حضرت را به خانه اش دعوت کرد. فاطمه(س) اهدایی همسایه را که دو تکه نان و مختصر گوشتی بود در ظرف سرپوشیده ای قرار داد و چون پدرش بازگشت آن را در مقابل حضرت قرار داد. در این هنگام فاطمه(س) دید ظرف پر از غذا شده است. از این رو تعجب کرد و خیره خیره به آن نگاه می کرد.

رسول خدا(ص) خطاب به دخترش فرمود: «ای فاطمه! این طعام را چگونه و از کجا بدست آورده ای؟ فاطمه(س) در جواب عرض کرد: (هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ) فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَکِ شَبِیهَهً بِسَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ فِی نِسَاءِ بَنِی إِسْرَائِیلَ فِی وَقْتِهِمْ فَإِنَّهَا کَانَتْ إِذَا رَزَقَهَا اللَّهُ تَعَالَی فَسُئِلَتْ عَنْهُ قالَتْ (هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِساب)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_80_1)( این از برکات الهی است که خداوند به هر کسی که بخواهد بدون محدودیت عطا می کند.

ص: 86

1- . آل عمران/37.

رسول خدا(ص) `چون سخن دخترش را شنید` فرمود: سپاس خدایی که تو را همانند مریم(س)، سرور زنان بنی اسرائیل قرار داده؛ زیرا او نیز هرگاه خداوند برایش چیزی می فرستاد و از او درباره آن سؤال می شد، می گفت: این طعام از جانب خداست و خداوند به هر کسی که بخواهد روزی بی حساب می دهد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_81_1)(

آنگاه رسول خدا(ص) علی(ع) را نیز به حضور فراخواند و همگی از آن غذا خوردند و سیر شدند و زنان و اهل بیت نیز دعوت شدند و خوردند، در حالی که غذا و مائده آسمانی به همان صورت باقی بود؛ حتی فاطمه(س) برای همسایگان نیز از طعام آسمانی که از الطاف خفیه الهی سرچشمه گرفته بود، ارسال داشت. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_81_2)(

در روایتی دیگر آمده است: روزی پیامبر اکرم(ص) به خانه فاطمه زهرا(س) رفت و وقتی وارد شد، دید چهره فاطمه(س) زرد است. از حال او سؤال کرد، جواب داد: «سه روز است که غذا نخورده ایم.» پیامبر(ص) وارد شد و حسن و حسین(ع) را بر پای راست و چپ خود نشاند. بعد از آن علی(ع) وارد شد. سپس پیامبر(ص) رو به آسمان کرد و فرمود: «إِلَهِی وَ سَیِّدِی وَ مَوْلَایَ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَیْتِی اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِیراً؛ ای خدا و آقا و مولای من! اینها اهل بیت من هستند. خدایا! پلیدی را از آنها ببر و آنها را حقیقتاً پاک گردان.»

ص: 87

1- . مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 339.

2- . فرائد السمطین، ج 2، ص 51 و 52.

بعد از آن فاطمه(س) برخاست و دو رکعت نماز گزارد و دستها را رو به آسمان برده، فرمود: «إِلَهِی وَ سَیِّدِی! هَذَا مُحَمَّدٌ(ص) نَبِیُّکَ وَ هَذَا عَلِیٌّ(ع) ابْنُ عَمِّ نَبِیِّکَ وَ هَذَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ(ع) سِبْطَا نَبِیِّکَ، إِلَهِی! أَنْزِلْ عَلَیْنا مائِدَهً مِنَ السَّماءِ کَمَا أَنْزَلْتَهَا عَلَی بَنِی إِسْرَائِیل؛ ای خدا و آقای من! این محمد(ص) پیامبر تو و این علی(ع) پسر عموی پیامبر تو و این دو حسن و حسین(ع)، دو فرزند پیامبر تو هستند. خدایا! مائده ای از آسمان بر ما نازل کن! همان گونه که بر بنی اسرائیل نازل فرمودی.» پس غذایی برای آنها فراهم شد و علی(ع) گفت: «این از کجا رسید؟» پیامبر(ص) فرمود: «ای اباالحسن! بخور و سؤال نکن! خدا را شکر که نمردیم و خدا فرزندی را به ما مرحمت کرد، مانند مریم(س) که (کُلَّما دَخَلَ عَلَیْها زَکَرِیَّا الْمِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقا)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_82_1)( «هرگاه زکریا(ع) بر او در کنار محراب وارد می شد، نزد او رزقی را مشاهده می کرد.»

ص: 88

1- . فرائد السمطین،جلد2، ص 73 و نیز ر. ک: فرائد السمطین،جلد2، ص 31، 50، 68 و 59.

همسری علی(ع)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

همسری علی(ع)

از دیگر افتخارات حضرت فاطمه(س) این است که پدری همچون رسول الله(ص) و همسری همچون علی ابن ابی طالب(ع) داشت و اگر علی(ع) نبود، هیچ همتایی برای فاطمه(س) نبود تا با او ازدواج کند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_83_1)(

در روایتی از رسول گرامی اسلام(ص) نقل شده است که فرمود: «به فاطمه(س) چهار چیز در دنیا داده شده است: پدری همچون من، شووهری همچون علی(ع)، فرزندانی همچون حسن و حسین(ع)... .» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_83_2)(

بضعه سید بشر ام ائمه غرر

"

کیست جز او که همسری با شه لافتی کند

"

ص: 89

1- . اصول کافی، با ترجمه سید جواد مصطفوی، ج 2، کتاب الحجه، باب مولد فاطمه الزهرا(س)، ص 360، ح 10.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص 57 و 58.

حبّ فاطمه(س) برابر با حبّ خدا و رسول او

حب و بغض معصومین(ع) - که از جمله آنها فاطمه زهرا(س) است، در بسیاری از روایات مورد تأکید قرار گرفته است؛ به طوری که پیامبر اکرم(ص) در روایتی فرمودند: «خدایا! تو خود شاهد باش که من دوستدار آن کسی هستم که آنها را دوست بدارد و دشمنم با آنکه آنها را دشمن می دارد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_84_1)( اما به طور خصوص در مورد محبت فاطمه(س) روایاتی نقل شده است که دلالت بر عظمت مقام آن بانوی یگانه می کند.

از جمله، سلمان روایت کرده است که پیامبر(ص) فرمود: «مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَهَ(س) ابْنَتِی فَهُوَ فِی الْجَنَّهِ مَعِی وَ مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِی النَّارِ یَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَهَ(س) یَنْفَعُ فِی مِائَهِ مَوْطِنٍ أَیْسَرُ تِلْکَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَ الْقَبْرُ وَ الْمِیزَانُ وَ الْمَحْشَرُ وَ الصِّرَاطُ وَ الْمُحَاسَبَهُ فَمَنْ رَضِیَتْ عَنْهُ ابْنَتِی فَاطِمَهُ(س) رَضِیتُ عَنْهُ وَ مَنْ رَضِیتُ عَنْهُ رَضِیَ اللَّهُ عَنْه؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_84_2)( هر کس فاطمه(س)، دخترم را دوست بدارد، او در بهشت با من خواهد بود و هر کس او را دشمن دارد، در آتش است. ای سلمان! محبت فاطمه(س) در صد جا سود می رساند که کم ترین آن هنگام مرگ، قبر، میزان، حشر، صراط و محاسبه اعمال است. پس دخترم فاطمه از هر کس راضی باشد، من از او راضیم و هر کس من از او راضی باشم، خداوند از او راضی است.»

این گوشه ای از فضایل آن گوهر یکتا بود که در این مقال به رشته تحریر در آمد و باید در وصف آن حضرت گفت:

ص: 90

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 25.

2- . بحارالانوار، ج 27، ص 116.

وصف تو بگذشت از قدر عقول

"

عقل در شرح شما شد بوالفضول

"

ص: 91

مزد رسالت، مودّت فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

مزد رسالت، مودّت فاطمه(س)

قرآن مجید محبت و مودت اهل بیت(ع) را مزد رسالت دانسته و چنین می فرماید: (قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_86_1)( «بگو من هیچ پاداشی از شما در برابر زحمات رسالتم به جز دوست داشتن اهل بیتم نمی خواهم.»

هنگامی که آیه فوق نازل شد، جمعی از صحابه از رسول خدا(ص) سؤال کردند: «ای پیامبر خدا! آنان چه کسانند که خداوند محبتشان را بر ما واجب نموده است؟» حضرت در جواب فرمودند: «علی و فاطمه و دو فرزندانشان(ع).» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_86_2)(

همچنین پیامبر اکرم(ص) محبت اهل بیت را اساس اسلام دانسته و می فرمایند:

ص: 92

1- . شوری/23.

2- . فرائد السمطین، ج 2، ص 13، ش 359.

«یَا عَلِی! الْإِسْلَامُ عُرْیَانٌ وَ لِبَاسُهُ التَّقْوَی ... وَ أَسَاسُ الْإِسْلَام حُبِّی وَ حُبُّ أَهْلِ بَیْتِی )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_87_1)( ؛ یاعلی! همانا اسلام عریان است و تقوا و پرهیزکاری لباس آن می باشد... و اساس اسلام محبت من و اهل بیت من است.» پس محبت فاطمه(س) نیز به عنوان اهل بیت پیامبر(ص) اساس اسلام می باشد.

در روایت دیگری حضرت رسول(ص) پیرامون مودّت دخترش فاطمه(س) و همسر و فرزندان او چنین می فرماید: «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُم (قَالَهُ لِعَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْن)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_87_2)( من دشمن کسی هستم که با شما دشمنی کند و یار کسی هستم که با شما از در مسالمت درآید.» (این مطلب را پیامبر اکرم(ص) به علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) فرمود).

همچنین آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید: «یَا سَلْمَانُ! مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَهَ(س) فَهُوَ فِی الْجَنَّهِ مَعِی وَ مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِی النَّارِ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_87_3)( ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه(س) را دوست بدارد، او در بهشت با من خواهد بود و چنانچه کسی او را به خشم آورد، جایگاهش آتش است.»

ص: 93

1- . کنز العمال، ج 12، ص 105.

2- . کنز العمال، ج 12، ص 97.

3- . کنز العمال، ج 2، ص 67.

فاطمه مُحدَّثه (س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

فاطمه مُحدَّثه (س)

دانشمندان شیعه و سنی بالاتفاق قائل به وجود محدث در اسلام می باشند و معتقدند که بعد از پیامبر اسلام یقیناً بشرِ محدّث وجود داشته است؛ منتهی در مصداق آن اختلاف است. در تعریف محدث می گویند: «الْمُحَدَّثُ یَسْمَعُ الصَّوْتَ وَ لَا یَرَی شَیْئاً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_88_1)( محدث صدای فرشته را می شنود؛ ولی آن را نمی بیند.»

امام صادق(ع) فرمود: «فَاطِمَهَ(س) بِنْتَ رَسُولِ اللَّه(ص) کَانَتْ مُحَدَّثَهً وَ لَمْ تَکُنْ نَبِیَّهً إِنَّمَا سُمِّیَتْ فَاطِمَهُ(س) مُحَدَّثَهً لِأَنَّ الْمَلَائِکَهَ کَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِیهَا کَمَا تُنَادِی مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ(س)...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_88_2)( فاطمه دختر رسول خدا(ص) محدثه بود، نه پیامبر. فاطمه(س) را از این جهت محدثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می شدند و با او همانند مریم(س)، دختر عمران گفتگو می کردند.»

حضرت صادق(ع) سخن خود را چنین ادامه می دهند: «شبی حضرت صدیقه(س) به فرشتگان هم صحبت خویش فرمود: «آیا آن زن که بر جمیع زنان عالم برتری دارد، مریم(س) دختر عمران نیست؟» جواب دادند: «نه؛ زیرا مریم(س) فقط سیده زنان عالم در زمان خودش بود؛ ولی خدای متعال تو را سیده زنهای اولین و آخرین قرار داده است.»

ص: 94

1- . بحارالانوار، ج 26، ص75 - 76.

2- . بحارالانوار، ج 14، ص 206 و ج 43، ص 78.

و باز فرمود: «فاطمه(س) بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) 75 روز بیش تر زنده نماند، و غم جانسوز داغ پدر قلب او را لبریز کرده بود، به این جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می رسید، و او را در عزای پدر تسلیت می گفت. جبرئیل گاه از مقام و منزلت پدر بزرگوارش وگاه از حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریه اش وارد می شد، خبر می داد. امیرالمؤمنین(ع) نیز آنچه جبرئیل گزارش می داد، می نوشت.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_89_1)( مجموعه این سخنان به «مصحف فاطمه(س)» معروف شده است.

در زیارتنامه حضرت فاطمه(س) نیز می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَهُ الْعَلِیمَه». )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_89_2)(

علم و عصمت فاطمه(س)

ص: 95

1- . اصول کافی، ج 1، ص 241 و بحارالانوار، ج 22، ص 546، و ج 26، ص 41.

2- . بحار، ج 97، ص 195.

در مقاله بعدی به این دو موضوع خواهیم پرداخت.

ص: 96

عطر گل یاس

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

عطر گل یاس

یاس بوی مهربانی می دهد

"

عطر دوران جوانی می دهد

"

یاس مثل عطر پاک نیت است

"

یاس استنشاق معصومیت است

"

یاس یک شب را گل ایوان ماست

"

یاس تنها یک سحر مهمان ماست

"

بعد روی صبح پرپر می شود

"

راهی شبهای دیگر می شود

"

یاس را آئینه ها رو کرده اند

"

ص: 97

یاس را پیغمبران بو کرده اند

"

یاسها یادآور پروانه اند

"

یاسها پیغمبران خانه اند

"

یاس خوشبوی محمد داغ دید

"

صد فدک زخم از گل این باغ دید

"

باید از فقدان گل خونجوش بود

"

در فراق یاس مشکی پوش بود

"

حضرت زهرا دلش از یاس بود

"

دانه های اشکش از الماس بود

"

داغ عطر یاس زهرا زیر ماه

"

ص: 98

می چکانید اشک حیدر را به چاه

"

اشک می ریزد علی مانند رود

"

بر تن زهرا گل یاس کبود )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_93_1)(

"

ص: 99

1- . نقل از کتاب کفشهای مکاشفه از: احمد عزیزی.

اشاره

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

اشاره

حضرت زهرا(س) هم به لحاظ نسب و خانواده و هم به جهت رفتار و منش شخصی و اوصاف فردی در اوج قله عظمت و بزرگی قرار دارد. و شهره جهان است. راستی کجا می توان خانواده ای یافت که مانند حضرت زهرا(س) پدرش معصوم، همسرش معصوم، فرزندان ذکورش معصوم و خودش نیز معصومه باشند؟ و کجا می توان خانه ای یافت که چنین انسانهای بزرگی در آن جمع شوند، جز خانه گلی فاطمه(س)؟ او در اوج طهارت و عصمت قرار دارد، به حدی که شناخت او جز برای ائمه(ع) غیرممکن است.

امام صادق(ع) فرمود: «وَ هِیَ الصِّدِّیقَهُ الْکُبْرَی وَ عَلَی مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَی؛ او صدیقه کبراست که بر محور شناخت او قرنهای گذشته دور زده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_94_1)(

ص: 68

1- . بحارالانوار، (بیروت، داراحیاء التراث العربی)، ج 43، ص 105.

شاعر عرب به همین نکته اشاره کرده و می گوید:

وَحُبُّهَا مِنَ الصِّفَاتِ الْعَالِیَهِ

"

عَلَیْهِ دَارَتِ الْقُرُونِ الْخَالِیَهِ

"

«دوستی او از صفات ارزنده است، و قرنهای گذشته بر محور او چرخیده.»

چگونه می توان او را شناخت، در حالی که خدای متعال به پیامبر اکرم(ص) فرموده است: «یَا اَحْمَدَ! لَوْلَاکَ لَمَّا خَلَقْتُ الْاَفْلَاکَ وَلَولَا عَلِی لِمَا خَلَقْتُکَ وَلَوْلَا فَاطِمَهُ لِمَا خَلَقْتُکُمَا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_95_1)( ای پیامبر! اگر تو نبودی هستی را نمی آفریدم، و اگر علی(ع) نبود تو را خلق نمی کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو نفر را به وجود نمی آوردم.»

و پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره او فرمود: «ولو کان الحسن شخصا لکان فاطمه بل هی اعظم؛ ان فاطمه ابنتی خیر اهل الارض عنصرا وشرفا وکرما؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_95_2)( اگر `خوبیها و` زیباییها به صورت انسانی درآید، او فاطمه خواهد بود؛ بلکه او برتر `از آن` است، براستی که دخترم فاطمه برترین انسان روی زمین از نظر عنصر و ذات، و از نظر شرافت و بزرگواری است.»

ص: 69

1- . ملتقی البحرین، ص 14؛ ر. ک: الجنه العاصمۀ، ص 148؛ کشف اللآلی، به نقل از فاطمه زهرا(س)، بهجه قلب المصطفی(ص)، (تهران، نشر المرضیه، دوم، 1372) ص 9.

2- . فرائد السمطین، ج 2، ص 68.

قطب عالم امکان، مهدی صاحب الزمان(ع) آنکه همه خوبیها در او جمع شده است، فاطمه(س) را الگو و مقتدای خویش می داند و درباره مادرش فاطمه اطهر(س) فرمود: «وَ فِی ابْنَهِ رَسُولِ اللَّهِ(ص) لِی أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ وَ سَیَتَرَدَّی الْجَاهِلُ رِدَاءَ عَمَلِهِ وَ سَیَعْلَمُ الْکَافِرُ لِمَنْ عُقْبَی الدَّارِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_96_1)( دختر رسول خدا(ص) زیباترین الگو برای من است، و به زودی نادان پستی عمل خویش را خواهد دید و کافران درمی یابند که پایان کار به نفع چه کسی می باشد.»

فاطمه(س)، لیله القدر ناشناخته است. امام صادق(ع) در تفسیر انا انزلناه فی للیله القدر فرمود: «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ اللَّیْلَهُ: فَاطِمَهُ(س) وَ الْقَدْرُ: اللَّهُ، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَهَ(س) حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَکَ لَیْلَهَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّیَتْ فَاطِمَهَ(س) لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_96_2)( `اینکه خداوند می فرماید:` ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، `مراد از` شب، فاطمه(س) و مراد از قدر، خداوند است. در نتیجه هر کسی فاطمه(س) را آنچنان که باید بشناسد، به حقیقت شب قدر را درک نموده است، و اینکه فاطمه(س)، فاطمه نامیده شده است، برای این است که مخلوق از `کنه` معرفت او عاجز است.»

حضرت زهرا(س) از نظر زندگی مادی؛ بشری همچون دیگران است؛ اما از جنبه معنوی بدانجا رسید که شناخت تمامی ابعاد شخصیتی آن حضرت بسی دشوار و دست یابی به تمام جوانب آن مشکل می نماید. مقامی که آن بزرگوار در اثر بندگی، شناخت و معرفت حضرت حق بدست آورد، مقامی بس عظیم و فضایل او بی شمار است.

ص: 70

1- . بحارالانوار، (پیشین)، ج 53، صص 179 - 180.

2- . بحارالانوار، (داراحیاء التراث العربی)، ج 43، ص 65.

پیامبر اسلام(ص) فرمود: «الویل، ثم الویل، الویل لمن شک فی فضل فاطمه(س)؛ وای `و عذاب باد،` سپس وای، وای بر کسی که در فضیلت حضرت زهرا(س) شک روا دارد.»

در طول تاریخ همواره درباره مناقب و فضایل یگانه گوهر عالم هستی و سرّ مستتر الهی فاطمه زهرا(س) کتابهای متعددی نوشته شده است که از آن جمله، می توان از کتب عامه به: «اتحاف السائل بمالفاطمه - رضی الله عنها - من الفضائل» از محمد حجازی شافعی؛ «الثغور الباسمه فی مناقب السیده فاطمه(س)» از جلال الدین سیوطی؛ «فضائل فاطمه الزهرا(س)»، از حاکم نیشابوری، و از کتب شیعیان به: «الروضه الزهراء(س) فی مناقب فاطمه الزهراء»، از محمد بن احمد خزاعی؛ «فضائل الزهراء(س)»، از احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی؛ «الاربعون حدیثا فی فضائل السیده فاطمه(س)»، از نجم الدین شریف عسکری، و دهها کتاب دیگر اشاره کرد.

علی محمد علی دخیل می گوید: «کتابخانه عمومی علمین در نجف به سال 1387 ه . ق از کسانی که در مورد فاطمه زهرا(س) کتاب یا مقاله ای نوشته اند، فراخوانی داده و این جانب حدود 300 کتاب که درباره ایشان نوشته شده بود، جمع کردم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_97_1)(

ص: 71

1- . فاطمه الزهراء(س)، از سلسله اعلام النساء (3)، علی محمد علی دخیل، ص 148.

ولایت حضرت فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

ولایت حضرت فاطمه(س)

خداوند در ضمن حدیث معراج به پیامبر(ص) می فرماید: «ای محمّد! تو، علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان حسین(ع) را از نور خودم آفریدم و ولایت شما را بر اهل آسمانها و زمین عرضه کردم، هر کس آن را پذیرفت، نزد من در جرگۀ مؤمنان داخل شده و آن که انکار کند نزد من از گمراهان خواهد بود. ای محمد! اگر بنده ای از بندگان من، آن قدر مرا بپرستد و عبادت کند که از کار بیفتد و از لاغری و ناتوانی مانند مشک فرسوده شود و بعد به هنگام ورود نزد من ولایت شما را انکار کند، او را نخواهم آمرزید تا اینکه اقرار به ولایت شما نماید. ای محمد! آیا دوست داری آنان را ببینی؟ پیامبر(ص) عرض کرد: آری، خداوند فرمود: نگاه کن! پیامبر اکرم(ص) می گوید: به طرف راست عرش نگاه کردم. نام خود، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن(ع) را دیدم و نام مهدی(ع) را در وسط دیدم که مانند ستاره ای می درخشید. خداوند فرمود: اینها حجتهای من بر آفریدگانم هستند... .» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_98_1)(

ص: 72

1- . تأویل الایات، ج 1، ص98.

آفرینش حضرت فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

شمه ای از فضایل و مناقب فاطمه زهرا(س)

آفرینش حضرت فاطمه(س)

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «خُلِقَ نُورُ فَاطِمَهَ(س) قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ: یَا نَبِیَّ اللَّهِ فَلَیْسَتْ هِیَ إِنْسِیَّهً فَقَالَ فَاطِمَهُ(س) حَوْرَاءُ إِنْسِیَّه؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_99_1)( نور فاطمه(س) قبل از خلقت زمین و آسمان آفریده شد، بعضی از مردم عرض کردند: ای پیامبر خدا! پس زهرا(س) از آدمیان نیست؟ فرمود: فاطمه(س) حوریه بشری است.»

در جای دیگر فرمود: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّهَ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ وَجْهِهِ ثُمَّ أَخَذَ ذَلِکَ النُّورَ فَقَذَفَهُ فَأَصَابَنِی ثُلُثُ النُّورِ وَ أَصَابَ فَاطِمَهَ(س) ثُلُثُ النُّورِ وَ أَصَابَ عَلِیّاً(ع) وَ أَهْلَ بَیْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِکَ النُّورِ اهْتَدَی إِلَی وَلَایَهِ آلِ مُحَمَّدٍ(ص) وَ مَنْ لَمْ یُصِبْهُ مِنْ ذَلِکَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلَایَهِ آلِ مُحَمَّد(ص)؛ خداوند بهشت را از نور وجود خود آفرید، سپس آن را برگرفته و رها کرد. پس یک سوم آن به من `پیامبر(ص)` و یک سوم آن به فاطمه(س)، و ثلث باقیمانده به علی(ع) و اهلبیت او رسید. پس هر کس که از آن نور به او برسد، به ولایت آل محمد(ص) رهنمون می شود، و هر کس از آن نور به او نرسد، از ولایت آل محمد(ص) گمراه شده است `و به بیراهه خواهد رفت`.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_99_2)(

ص: 73

1- . عوالم العلوم، ج 6، ص 9.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص 44.

علم و عصمت حضرت فاطمه زهرا(س)

مقدمه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

علم و عصمت حضرت فاطمه زهرا(س)

مقدمه

ناطقه مرا مگر روح قدس مدد کند

"

تا که ثنای حضرت سیّده نسا کند

"

نفخه قدس بوی او، جذبه انس خوی او

"

منطق او خبر ز «لا ینطق عن هوی» کند

"

«مفتقرا» متاب رو از در او به هیچ سو

"

زان که مس وجود را فضّه او طلا کند )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_100_1)(

"

علم و دانش انسانهای معمولی و غیر معصوم اکتسابی است، که بر اثر تعلّم و رفتن به مکتب، مدرسه، دانشگاه و یا حوزه به دست می آید؛ ولی علم انبیا، امامان و اولیای الهی برگرفته از علم الهی و به اصطلاح «علم لدنّی» است.

قرآن درباره حضرت آدم(ع) می فرماید: «سپس همه علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید! عرض کردند: تو منزهی! چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم. تو دانا و حکیمی.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_100_2)(

ص: 100

1- . دیوان محمدحسین غروی اصفهانی، متخلص به مفتقر.

2- . بقره/ 31 و 32.

آری، علم آدم، علم مکتبی و مدرسه ای نبود؛ چرا که در آن زمان مکتب و مدرسه ای وجود نداشت؛ بلکه برگرفته از علم خداوند و تعلیم داده شده توسط ذات الهی بود.

قرآن کریم در مورد حضرت خضر(ع) می فرماید: (وَعَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنّا عِلْماً)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_101_1)( «علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.» اصطلاح «علم لَدُنّی» نیز برگرفته از همین آیه مبارکه است.

آنچه پیش رو دارید، گزارش مختصری است از علم لَدُنّی حضرت فاطمه زهرا(س)، تا در پرتو آن، قدری از شأن و مقام علمی آن بانو تبیین گردد. و در صدد بیان این نکته هستیم که تمام رفتار و حرکات آن بانوی مطهر، از سر آگاهی و برگرفته از علم الهی همراه با عصمت بوده و مقایسه آن بانوی بزرگوار و بی همتا با زنان عالم، کاری عبث و ناستودنی است.

ص: 101

1- . کهف / 65.

علم سرشار

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

علم و عصمت حضرت فاطمه زهرا(س)

علم سرشار

علمی که به ذات الهی وصل باشد، و از ذات لایزال او به کسی افاضه گردد، زمان و مکان نمی شناسد و محدود به گذشته و حال نخواهد بود؛ بلکه تا برپایی قیامت پیش می رود. علم حضرت فاطمه(س) از این سنخ بوده است.

سلمان می گوید: «عمار به من گفت: آیا از امر تعجب آوری برای تو خبر دهم! گفتم: بگو. عمار گفت: `روزی` همراه علی(ع) نزد فاطمه زهرا(س) وارد شدیم. هنگامی که نگاه زهرا(س) به علی(ع) افتاد، گفت: «اُدْنُ لاِحَدِّثَکَ بِما کانَ وَبِما هُوَ کائِنٌ وَبِما لَمْ یَکُنْ اِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ حِیْنَ تَقُومُ السّاعَه؛ `علی جان!` نزدیک بیا تا تو را از آنچه که در گذشته بوده `و اتفاق افتاده` و آنچه در حال به وقوع پیوستن است و آنچه که به وقوع نپیوسته `و در آینده رخ خواهد داد` تا روز قیامت؛ زمانی که محشر برپا می شود، خبر دهم.»

دیدم امیر مؤمنان(ع) به عقب برگشت و نزد پیامبر اکرم(ص) مشرّف شد. حضرت(ص) فرمود: ای ابا الحسن! نزدیک بیا. علی(ع) نزدیک پیامبر(ص) نشست. بعد از اینکه آرام گرفت؛ پیامبر اسلام(ص) فرمود: من خبر دهم یا خود خبر می دهی؟ عرض کرد: خبر دادن از شما زیباتر است. آنگاه حضرت جریانی را که بر علی(ع) گذشته بود، شرح داد. علی(ع) عرض کرد: آیا نور فاطمه(س) از نور ما می باشد؟ حضرت فرمود: مگر نمی دانی؟ آنگاه علی(ع) سجده شکر انجام داد.

ص: 102

سپس حضرت علی(ع) نزد فاطمه(س) آمد و او خطاب به علی(ع) گفت: «کَاَنَّکَ رَجَعْتَ اِلی اَبِی(ص) فَاَخْبَرْتَهُ بِما قُلْتُهُ لَکَ؛ گویا نزد پدرم رفتی. پس آنچه را گفته بودم، به او خبر دادی؟» علی(ع) فرمود: چنین است ای فاطمه! «فَقالَتْ: اِعْلَمْ یا اَبَا الْحَسَنِ اِنَّ اللّهَ خَلَقَ نُورِی... وَاَنَا مِنْ ذلِکَ النُّورِ اَعْلَمُ ما کانَ وَما یَکُونُ وَما لَمْ یَکُنْ یا اَبَا الْحَسَنِ اَلْمُؤْمِنُ یَنْظُرُ بِنُورِ اللّهِ تَعالی؛ آنگاه فاطمه(س) فرمود: بدان ای ابا الحسن! خداوند نور من را آفرید... من از همان نورم، گذشته و آینده و حال را می دانم. ای ابا الحسن! مؤمن با نور خدای تعالی نظر می کند (و از امور پنهانی آگاهی می یابد).» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_103_1)(

در حدیث دیگری از امام صادق(ع) چنین رسیده است:

ص: 103

1- . بحارالانوار، ج43، ص8.

«إِنَّ فَاطِمَهَ(س) مَکَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ(ص) خَمْسَهً وَ سَبْعِینَ یَوْماً وَ قَدْ کَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِیدٌ عَلَی أَبِیهَا وَ کَانَ جَبْرَئِیلُ(ع) یَأْتِیهَا فَیُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَی أَبِیهَا وَ یُطَیِّبُ نَفْسَهَا وَ یُخْبِرُهَا عَنْ أَبِیهَا وَ مَکَانِهِ وَ یُخْبِرُهَا بِمَا یَکُونُ بَعْدَهَا فِی ذُرِّیَّتِهَا وَ کَانَ عَلِیٌّ(ع) یَکْتُبُ ذَلِکَ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_104_1)(

فاطمه(س) پس از رحلت رسول خدا، هفتاد و پنج روز زندگی کرد و `در این ایام` بسیار محزون بود. در طول این مدت جبرئیل به حضورش می رسید، او را در عزای پدر تسلیت می گفت و دلش را از غصه ها پاک می ساخت و او را از پدرش و جایگاه عظیم او آگاه می کرد، حتی اخبار آینده را در مورد فرزندانش به اطلاع او می رساند و امیرالمؤمنین(ع) آنها را می نوشت.»

چنانچه از حدیث ص 81 بر می آید؛ حضرت فاطمه(س) با جبرئیل ارتباط مستقیم و مداوم داشت و اخباری را از دنیا و آینده و عالم برزخ از او دریافت می کرد. بدین وسیله میزان علم، اطلاع و آگاهیش محدود به زمان و مکان خود نبوده است؛ بلکه علم او بسیار گسترده بود و از علم الهی سرچشمه می گرفت.

ص: 104

1- . اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج 1، ص 458.

حضرت فاطمه زهرا(س) بر اموری اشراف داشتند که نزد دیگران پوشیده و پنهان بود. از جمله این موارد، علم حضرت به زمان مرگ خویش بود! چنانچه در روایتی «اسماء بنت عمیس» چنین می گوید: «حضرت زهرا(س) هنگام وفات به من فرمودند: هنگام وفات پیامبر(ص)، جبرئیل مقداری کافور بهشتی برای رسول خدا(ص) آورد. پیامبر آن را سه قسم کرد؛ یک قسم آن را برای خود برداشت؛ قسم دیگر را برای علی(ع) و قسم آخر را برای من گذاشت. ای اسماء! آن مقدار کافور را بیاور و کنار سرم بگذار، اندکی صبر کن و در انتظار من باش، پس مرا صدا بزن، اگر جوابت را ندادم؛ بدان که به پدرم رسول خدا(ص) ملحق شده ام.

اسماء می گوید: اندکی صبر کردم و آنگاه فاطمه(س) را صدا زدم، جوابی نشنیدم، دانستم که فاطمه(س) به ملکوت اعلی پیوسته است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_105_1)( »

ص: 105

1- . نهج الحیاه فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص 236.

ابن عباس دربارۀ تفسیر آیه شریفه (فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْر)؛ «بپرسید از صاحبان ذکر!» او می گوید: «هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ( وَ هُمْ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعَقْلِ وَ الْبَیَانِ وَ هُمْ أَهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّهِ» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_106_1)(

همچنین «سلمی امّ بنی رافع» نقل می کند: «در واپسین لحظه های عمر حضرت زهرا(س) که من در محضر آن بزرگوار بودم، ایشان از من آبی برای غسل و شستشوی بدنش خواست. آب را آماده کردم، سپس فرمود: لباسهای نو را نیز بیاور! چنین کردم. آن بزرگوار پس از غسل، آن لباسها را بر تن کرد و در بستر رو به قبله خوابید. آنگاه خطاب به من فرمود: ای سلمی! من در همین لحظه قبض روح می شوم و به سوی پروردگارم خواهم رفت، بعد از مرگ من هیچ کس این لباس مرا از تن برنگیرد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_106_2)(

ص: 106

1- . احقاق الحق، ج 3، ص482.

2- . احقاق الحق، ص 228.

هم صحبتی با فرشتگان

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

علم و عصمت حضرت فاطمه زهرا(س)

هم صحبتی با فرشتگان

حضرت فاطمه زهرا(س) نه تنها در آغاز با علم لدُنّی از مسائل آگاه بود؛ بلکه در طول حیاتش ملائکه با او حرف می زدند و او را از مسائل آینده آگاه می کردند.

حضرت صادق(ع) در این باره می فرمایند: «فاطِمَهُ(س) بِنْتُ رَسُولِ اللّهِ(ص) کانَتْ مُحَدَّثَهً وَلَمْ تَکُنْ نَبِیَّهً اِنَّما سُمِّیَتْ فاطِمَهُ(س) مُحَدَّثَهً لاَِنَّ الْمَلائکَهَ کانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّماءِ فَتُنادِیها کَما تُنادی مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرانَ...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_107_1)( فاطمه، دختر رسول خدا، محدّثه بود؛ نه پیامبر. فاطمه را از این جهت محدّثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می شدند و با او همانند مریم دختر عمران گفتگو داشتند.»

امام صادق(ع) سخن خود را چنین ادامه می دهد که «شبی حضرت صدیقه به فرشتگان هم کلام خویش فرمود: آیا آن زن که بر جمیع زنان عالم برتری دارد، مریم دختر عمران نیست؟ جواب دادند: نه؛ زیرا مریم فقط سیده زنان عالم در زمان خودش بود؛ ولی خدای متعال تو را سیده زنهای عالم خودت و هم عالم زمان مریم(س) و اوّلین و آخرین قرار داده است (یعنی تو را بانوی بانوان جهان قرار داد).»

ص: 107

1- . بحارالانوار، ج43، ص55.

همچنین فرمود که فاطمه بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) 75 روز بیشتر زنده نماند و غم جانسوز داغ پدر قلب او را لبریز کرده بود. به این جهت، جبرئیل پی درپی به حضورش می رسید و او را در عزای پدر تسلیت می گفت. آن حضرت در ادامه فرمود: «وَیُخْبِرُها عَنْ اَبِیها وَمَکانَهُ، وَیُخْبِرُها بِما یَکُونُ بَعْدَها فی ذُرِّیَتِها وَکانَ عَلِیٌّ(ع) یَکْتُبُ ذلِکَ فَهذا مُصْحَفُ فاطِمَهَ(س) ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_108_1)( و او را از پدرش و مقام و منزلتش `در بهشت` و نیز به حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریه اش وارد خواهد گشت، خبر می داد. علی(ع) نیز آنچه را جبرئیل گزارش می داد، می نوشت. پس این `مجموعه` همان مصحف `معروف `فاطمه زهرا است.»

در زیارتنامه حضرت فاطمه(س) می خوانیم: «السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَهُ الْعَلِیمَهُ؛ سلام بر تو ای محدّثه دانا.»

ص: 108

1- . الکافی، ج1، ص241.

خطبه های غرّا و بلیغ

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

علم و عصمت حضرت فاطمه زهرا(س)

خطبه های غرّا و بلیغ

علم الهی و وسیع حضرت زهرا(س) را از خطبه های او نیز می توان فهمید. از آن حضرت پنج خطبه در منابع تاریخی و کتب روایی نقل شده است که هر یک دریایی از علم و دانش و معرفت است. ما در این بخش فقط عناوین اصلی این خطبه ها را نام می بریم و بحث تفصیلی آن را به فرصت دیگری واگذار می کنیم.

خطبه اوّل

اوّلین خطبه آن حضرت(س) سخنرانی ایشان است که بعد از غصب خلافت امیر المؤمنین(ع) و غصب فدک )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_109_1)( حضرت زهرا(س) ایراد شد. در این خطبه، به عناوین ذیل اشاره شده است:

1) ضرورت شکر و سپاس الهی؛

ص: 109

1- . کشف الغمّۀ، ج 2، ص 40

2) لزوم خداشناسی و بیان گوشه هایی از اوصاف الهی؛

3) فلسفه بعثت پیامبر خاتم(ص)؛

4) فواید و ره آورد بعثت پیامبر اکرم(ص)؛

5) ویژگیهای قرآن و اهل بیت(ع)؛

6) بیان فلسفه فروع و امامت؛

7) مردم در عصر جاهلیّت؛

8) ویژگیها و نقش امام علی(ع) در راه پیشرفت اسلام؛

9) نکوهش بی تفاوتیهای دیروز و تشنگان قدرت امروز؛

10) علل انحراف مردم پس از پیامبر اکرم(ص) ؛

11) اثبات ارث خود (فدک) با براهین محکم قرآنی؛

12) نکوهش از سستی و بی تفاوتی انصار؛

13) دادخواهی از مسلمین؛

14) علل سستی مردم در دین یا حمایت از علی(ع)؟؛

15) علل روی گردانی مردم از قرآن؛

ص: 110

16) علل سیر ارتجاعی و عقب گرد مردم.

خطبه دوم

این خطبه به سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار اختصاص دارد و شامل نکات مهم و اساسی است. مهم ترین عناوین آن از این قرارند:

1) نکوهش مردم از سیر ارتجاعی و عقب گردی؛

2) علل مظلومیّت امام علی(ع) و غصب خلافت او؛

3) نکوهش از انحراف مهاجران و انصار؛

4) هشدار از آینده ای خونین و فتنه های خطرناک.

خطبه سوم

آنگاه که کودتاگران تصمیم گرفتند به خانه ولایت هجوم برند، حضرت در خطبه مختصری فرمودند: «من ملّتی را مثل شما نمی شناسم که این گونه عهدشکن و بدبرخورد باشند. جنازه رسول خدا(ص) را روی دست گذاشته و رها کردید، و عهد و پیمانهای میانتان را بریدید و فراموش نمودید، و ولایت و رهبری امام علی(ع) و ما اهل بیت را انکار کردید و حق مسلّم ما را باز نگرداندید. گویا از آنچه رسول خدا(ص) در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید؟ سوگند به خدا که رسول گرامی اسلام(ص) در آن روز ولایت و رهبری علی(ع) را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت طلبان را قطع نماید؛ ولی شما رشته های پیوند معنوی میان پیامبر(ص) و خودتان را پاره کردید. این را بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_111_1)(

خطبه چهارم

ص: 111

1- . بحار الانوار، ج 28، ص205؛ الاحتجاج، ص51، ح 80؛ الامامه والسیاسه، ج 1، ص12.

این خطبه در نکوهش پیمان شکنان و مردمان بی تفاوت و ساکت ایراد شده است. در بخشی از آن می خوانیم: «... و چه بد رأیی دادید که حق را از اهلش گرفتید و به دست نااهلان دادید، و چه بد گناه و ستمی کردید، گران خواهید یافت و در آن روز که پرده از کار شما برداشته شود، سرانجامش را سخت و دشوار خواهید دید....» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_112_1)(

خطبه پنجم

این خطبه در مقابل مهاجمان بیت وحی ایراد شده است که در بخشی از آن آمده است:

«اَیُّهَا الضّالُّونَ الْمُکَذِّبُون! ماذا تَقُولُون؟ وَاَیُّ شَیءٍ تُرِیدُون؟ یا عُمَرُ! اَما تَتَّقِی اللّه؟ تَدْخُلُ عَلی بَیْتی؟...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_112_2)( شما ای گمراهان و دروغگویان! چه می گویید و چه می خواهید؟ ای عمر! آیا از خدا پروا نداری که داخل خانه من می شوی؟....»

فصاحت و محتوای این خطبه ها و همین طور روایات فراوانی که از حضرت نقل شده است، همگی نشان دهنده آگاهی و دانش ژرف آن بانوی بی همتا است.

ص: 112

1- . احتجاج، ص 106؛ عوالم، ج 11، ص 476

2- . اصول کافی، ج 1، ص 460؛ ارشاد دیلمی، ص 176؛ الوافی، ج 2، ص 188

نمونه هایی از علم الهی

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

علم و عصمت حضرت فاطمه زهرا(س)

نمونه هایی از علم الهی

بر اثر همین علم بی نهایت الهی است که حضرت حوادث آینده را به خوبی می دانست؛ چنانکه در موارد متعددی از امور غیبی و حوادث تلخ آینده خبر داد که به نمونه هایی چند اشاره می شود:

1. خبر از مصائب آینده

هنگام وفات جانسوز پیامبر اکرم(ص) وقتی سخنان پدر را شنید که فرمود: «أَبْکی لِذُرِّیَّتی؛ برای فرزندانم گریه می کنم.» حضرت زهرا(س) به شدت گریست. رسول خدا(ص) فرمود: «دخترم گریه مکن، آرام باش!»

حضرت فاطمه(س) پاسخ داد: «لَسْتُ اَبْکی لِما یُصْنَعُ بی مِنْ بَعْدِکَ؛ وَلکِنّی لِفِراقِکَ یا رَسُولَ اللّهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_113_1)( `پدرم!` برای آنچه بعد از تو بر من روا می دارند، گریه نمی کنم؛ بلکه از فراق و دوری تو ای رسول خدا(ص) می گریم.»

در این جمله حضرت به صورت سربسته به تمام مصائبی که بعد از رحلت پدرش بر او وارد می شود، اشاره نموده است؛ از آتش زدن در گرفته تا اهانت به شخص آن حضرت و شهادتش.

ص: 113

1- . صحیح ترمذی، ج 13، ص249؛ صحیح بخاری، ج 5، ص21؛ ج 6، ص10؛ فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، محمد دشتی، ص171.

2. خبر از شهادت امام حسین(ع)

سالها قبل از شهادت امام حسین(ع) حضرت زهرا(س) به این مسئله در موارد متعددی اشاره نموده است، از جمله در اشعاری چنین فرمود:

اَمْسَوْ اِجباعاً وَهُمْ اَشْبالی

"

اَصْغَرُ هُمْ یُقْتَلُ فِی الْقِتالِ

"

بِکَرْبَلا یُقْتَلُ بِاغْتِیالٍ

"

لِقاتِلِیهِ الْوَیْلُ مَعَ وَبالٍ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_114_1)(

"

«فرزندانم دیشب را گرسنه به روز آوردند. کوچک ترین آنان `حسین(ع)` در میدان جنگ کشته می شود. در کربلا فرزندم را با حیله و تزویر شهید می کنند. نکبت و عذاب بر قاتلانش باد.»

آن حضرت(س) در لحظات آخر عمرش خطاب به امام علی(ع) عرضه داشت:

ص: 114

1- . امالی صدوق، ص258؛ عوالم، ج11، ص588؛ فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص170.

اِبْکِنی وَابْکِ لِلْیَتامی وَلا تَنْسَیْ

"

قَتِیلَ الْعِدا بِطَفِّ الْعِراقِ

"

فارَقُوا اَصْبَحُوا یَتامی حَیاری

"

اَخْلَفُوا اللّهَ فَهُوَ یَوْمُ الْفِراقِ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_115_1)(

"

«بر من و بر یتیمانم گریه کن؛ اما کشته دشمنیها را در سرزمین عراق فراموش نکن. در حالی جدا می شوند که یتیمان با حالت سرگردانی صبح می کنند و در حالی که به خدا سوگند می خورند، پس آن روز روز جدایی است.»

3. خبر از شهادت خویش

حضرت نسبت به شهادت خویش گزارشهای گوناگون و خبرهای لحظه به لحظه داد است:

ص: 115

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 174 – 178.

الف) اوّلین میهمان پیامبر(ص)

حضرت فرمود: «یا اَبَا الْحَسنَ! اِنَّ رَسُولَ اللّهِ عَهِدَ اِلَیَّ وَحَدَّثَنی اَنّی اَوَّلُ اَهْلِهِ لُحُوقاً بِهِ وَلابُدَّ مِنْهُ فَاصْبِرْ لاَِمْرِ اللّهِ تَعالی وَارْضَ بِقَضائِهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_116_1)( ای ابا الحسن! به راستی رسول خدا(ص) با من پیمان بسته و خبر داده است که من اوّل کسی خواهم بود که به آن حضرت می پیوندم و گریزی از آن نیست. پس در برابر اوامر و خواست خداوند بزرگ بردبار و به حکم او راضی باش!»

ب) خبر از نزدیک شدن شهادت

در ساعات آخر، این گونه امام علی(ع) را از شهادت و مرگ خویش خبر داد: «یا اَبَا الْحَسَنِ! رَقَدْتُ السّاعَهَ فَرَأَیْتُ حَبِیبی رَسُولَ اللّهِ(ص) فی قَصْرٍ مِنَ الدُّرِّ الاَْبْیَضِ فَلَمّا رَانی قالَ(ص) : «هَلُمّی اِلَیَّ یا بُنَیَّهَ فَاِنّی اِلَیْکِ مُشْتاقٌ» فَقُلْتُ وَاللّهِ اِنّی لاََشَدُّ شَوْقا مِنْکَ اِلی لِقائِکَ، فَقالَ: «اَنْتِ اللَّیْلَهَ عِنْدی» وَهُوَ الصّادِقُ لِما وَعَدَ وَالْمُوْفی لِما عاهَدَ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_116_2)( ای ابا الحسن! قدری به خواب رفتم. حبیبم رسول خدا(ص) را در قصری از مروارید سفید دیدم. پس زمانی که مرا دید، فرمود: دخترم! به نزد من بشتاب که سخت مشتاق توام. پس جواب دادم: به خدا قسم اشتیاق من برای زیارت و ملاقات شما شدیدتر است. در این هنگام `پدرم` فرمود: «تو امشب در پیش من خواهی بود.» و او هر چه وعده دهد، راست است و به عهد خود وفا می کند.»

ج. لحظه شهادت

ص: 116

1- . صحیح ترمذی، ج13، ص249؛ صحیح بخاری، ج5، ص21؛ فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، ص171.

2- . بحار الانوار، ج43، ص179، ح15؛ عوالم، ج11، ص491.

ابن عباس نقل می کند: «حضرت زهرا(س) در لحظه های واپسین شهادت، دست حسن و حسین(ع) را گرفت و به طرف قبر رسول خدا(ص) شتافت. سپس بین قبر و منبر پیامبر(ص) دو رکعت نماز خواند. پس از نماز، حسنین(ع) را در آغوش خود فشرد و با آنها وداع نمود و فرمود: پدرتان علی(ع) در حال نماز خواندن است، پیش پدر بمانید. آن گاه خود به سوی منزل حرکت کرد. «اسماء»، همسر جعفر طیّار را صدا زد و فرمود: «لا تُضاقِدِیْنی فَإِنّی فی هذَا الْبَیْتِ واضِعَهٌ جَنْبی ساعَهً، فَاِذا مَضَتْ ساعَهٌ وَلَمْ اَخْرُجْ فَنادینی فَاِنْ اَجَبْتُکِ فَادْخُلی وَاِلاَّ فَاعْلَمی اَنّی اُلْحِقْتُ بِرَسُولِ اللّهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_117_1)( `ای اسماء!` از من جدا مشو! به راستی من در این اتاق ساعتی استراحت می کنم. پس از گذشت ساعتی، اگر `از اتاق` خارج نشدم، مرا صدا بزن. اگر جوابت دادم، وارد شو؛ امّا اگر پاسخی نشنیدی، بدان که به رسول خدا(ص) پیوسته ام.»

تمام رفتار و حرکات آن بانوی مطهر، از سر آگاهی و برگرفته از علم الهی همراه با عصمت بوده و مقایسه آن بانوی بزرگوار و بی همتا با زنان دیگر، کاری ناروا و ناستودنی است.

ص: 117

1- . وسائل الشیعه، ج2، ص31؛ کشف الغمّۀ، ج2، ص62.

همچنین سَلْمی، امّ بنی رافع، نقل می کند: در لحظه های واپسین زندگانی حضرت زهرا(س) در محضرش بودم. آبی برای غسل و شستشوی بدن خواست. فورا آماده کردم. سپس فرمود: لباسهای تازه مرا بیاورید. لباسهای آن حضرت را آوردم. آنها را پوشید و وارد اتاق خود شد و در بستر استراحت رو به قبله قرار گرفت. آنگاه خطاب به من فرمود: «یا اُمّاهُ اِنّی مَقْبُوضَهٌ اَلاْآنَ اِنّی قَدْ فَرَغتُ مِنْ نَفْسی وَاِنّی قَدِ اغْتَسَلْتُ فَلا یَکْشِفْنی اَحَدٌ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_118_1)( ای مادر! به راستی من در همین لحظه قبض روح می شوم `و به سوی پروردگارم خواهم رفت.` به درستی که از جانم فارغ شدم و غسل کرده ام `و بدنم را شستشو داده ام.` پس کسی لباس از تن من برنگیرد.»

عصمت فاطمه(س)

ص: 118

1- . بحار الانوار، همان، ج43، ص183؛ مناقب ابن شهرآشوب، ج3، ص364.

در شأن نزول آیه تطهیر، روایات متواتری در دست است و حکایت از آن دارد که آیه تطهیر در خانه «ام سلمه» نازل شده است. هنگام نزول آیه، رسول خدا(ص)، فاطمه زهرا(س)، علی(ع) و حسنین(ع) حضور داشتند. پیامبر(ص) عبای خویش را بر سر آنان افکند و بدین ترتیب آنان از باقی اهل خانه جدا و مشخص شدند. آن گاه حضرت رسول(ص)، دستها را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «خدایا! اینان اهل بیت من هستند، پس بر اهل بیت و آل من درود فرست!» خداوند عزوجل این آیه را در شأن آنان نازل فرمود )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_119_1)( : (إِنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_119_2)( «همانا خداوند اراده فرمود که زشتیها و پلیدیها را از شما اهل بیت دور سازد و شما را پاک و مطهر گرداند.»

ص: 119

1- . فاطمه( در آینه کتاب، ص 10 - 11، موسسه نشر الهادی قم.

2- . احزاب/33.

استدلال به آیه تطهیر

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

علم و عصمت حضرت فاطمه زهرا(س)

استدلال به آیه تطهیر

چون خلیفه اول، پس از رحلت پیامبر خدا(ص)، فدک را غصب کرد و حضرت فاطمه زهرا(س) با او به محاجّه و مناظره پرداخت. امیرالمؤمنین علی(ع) نیز پس از خطبه فاطمه زهرا(س) در مسجد، به آنجا رفت و در سخنانش خطاب به ابوبکر فرمود: «یا ابابکر! بگو ببینم قرآن خوانده ای؟!» ابوبکر گفت: «بلی، خوانده ام.» علی(ع) فرمود: «بگو ببینم آیا آیه تطهیر (إِنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً) در حق ما نازل شده است یا در حق دیگران!؟» ابوبکر گفت: «در حق شما نازل شده.»

علی(ع) فرمود: «اگر کسی شهادت دهد که فاطمه(س) نعوذ بالله کار بدی انجام داده، چه می کنی؟ آیا شهادت او را می پذیری یا نه؟» ابوبکر گفت: «بله می پذیرم و برای فاطمه(س) مانند دیگران حد جاری می کنم.»

ص: 120

علی(ع): «در این صورت در پیشگاه خداوند کافر می شوی.»

ابوبکر: «چرا؟!»

علی(ع): «زیرا در این فرض تو شهادت خدا را که به پاکی فاطمه(س) گواهی داده، قبول نکرده و گواهی مردم را پذیرفته ای، همان طور که شهادت خدا و پیامبر(ص) را در این مورد نادیده گرفته و فدک را از فاطمه(س) به یغما برده ای! ای ابوبکر! مگر فدک در دست فاطمه(س) نبود؟ چرا و چگونه چیزی را که در دست او است برای اثبات مالکیتش از او بینه و شاهد می خواهی!؟»

مردم چون این مناظره و سخنان علی(ع) و ابوبکر را شنیدند، به یکدیگر نگاه کرده، گفتند: «صَدَقَ وَالله عَلِیُ بن اَبِی طَالِب(ع)؛ سوگند به خدا که علی(ع) راست می گوید.»

در اینجا علی(ع) با استفاده از آیه تطهیر بر عصمت فاطمه(س) استدلال نمود و مهاجر و انصار نیز آنرا پذیرفته و مورد تایید قرار داده اند.

ص: 121

عایشه می گوید: «بامداد یکی از روزها رسول خدا(ص) بالاپوش خود را به دوش انداخت و خواست به بیرون از خانه برود. در این موقع حسن، حسین، فاطمه و سپس علی(ع) وارد شدند. هر یک که می آمدند، پیامبر(ص) عبای خود را بر سر او می گذاشت تا اینکه همه زیر عبا جمع شدند. در این لحظه پیامبر(ص) آیه تطهیر را تلاوت کرد. در این موقع ام سلمه، یکی از همسران پیامبر(ص)، نیز خواست به آنها ملحق شود که پیامبر(ص) مانع شد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_122_1)(

ص: 122

1- . صحیح ترمذی، ج 2 ص308 و 209؛ مستدرک حاکم، ج 3، ص150.

گواهی ملائکه بر عصمت فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

علم و عصمت حضرت فاطمه زهرا(س)

گواهی ملائکه بر عصمت فاطمه(س)

از روایات متعددی استفاده می شود که جبرئیل و سایر ملائکه آسمانها، بر حضرت فاطمه(س) نازل شده و با وی به مکالمه و مصاحبه پرداخته و در ضمن سخنان خود، در مورد فضایل و مناقب آن بانوی گرامی مطالبی می گفتند که عصمت آن بزرگوار از آنها ثابت می شود. در حدیثی از رسول گرامی اسلام(ص) آمده است: «... ابْنَتِی فَاطِمَهَ(س) وَ إِنَّهَا لَسَیِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ فَقِیلَ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! أَ هِیَ سَیِّدَهُ نِسَاءِ عَالَمِهَا؟ فَقَالَ(ص): ذَاکَ لِمَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ فَأَمَّا ابْنَتِی فَاطِمَهُ(س) فَهِیَ سَیِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ، وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِی مِحْرَابِهَا فَیُسَلِّمُ عَلَیْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ مِنَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ یُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِکَهُ مَرْیَمَ فَیَقُولُونَ یَا فَاطِمَهُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصْطَفاکِ عَلی نِساءِ الْعالَمِین؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_123_1)( ... دخترم فاطمه(س) سرور زنان جهان است. گفته شد: یا رسول الله! آیا او سرور زنان زمان خویش است؟ فرمودند: این `امتیاز محدود`، مربوط به مریم(س) دختر عمران است، ولی دخترم فاطمه(س) برترین زنان عالمیان از اولین تا آخرین است. بر او در محراب عبادتش، هفتاد هزار فرشته از مقربین درگاه الهی سلام می دهند و او را با آن جمله ای که مریم(س) را مخاطب قرار داده بودند، مخاطب قرار می دهند و چنین می گویند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر تمام زنان عالمیان برتری داده است.»

فرشتگان به وضوح طهارت و عصمت فاطمه زهرا(س) را بیان نموده اند.

ص: 123

1- . عوالم العلوم، ج 11، ص 99.

همچنین از شیعه و سنی نقل شده است که حضرت رسول(ص) فرمودند: «فَاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنِّی مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ آذَانِی فَقَدْ آذَی اللَّهَ؛ فاطمه(س) پاره تن من است، هر کس او را آزار دهد، مرا آزار داده، و هر کس مرا اذیت کند، خدا را اذیت نموده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_124_1)(

آنچه که از این احادیث در رابطه با عصمت حضرت زهرا(س) می توان استفاده کرد این است که اگر فاطمه(س) معصومه نبود، چگونه پیامبر خدا(ص) به طور مطلق خشم او را خشم خدا و رضای او را رضای الهی معرفی می کند؟ ! مگر می توان رضا و خشم اشخاص غیر معصوم را به طور مطلق، با رضا و خشم خدا مرتبط دانست!؟

ص: 124

1- . محجه البیضاء، ج 4، ص 210؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 16، ص 273.

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

مقدمه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

مقدمه

درباره حضرت فاطمه زهرا(س) اسمها، القاب و صفات فراوانی در آیات قرآن و احادیث وارد شده است.

امام صادق(ع) فرمود: «لِفَاطِمَهَ(س) تِسْعَهُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاطِمَهُ وَ الصِّدِّیقَهُ وَ الْمُبَارَکَهُ وَ الطَّاهِرَهُ وَ الزَّکِیَّهُ وَ الرَّضِیَّهُ وَ الْمَرْضِیَّهُ وَ الْمُحَدَّثَهُ وَ الزَّهْرَاءُ ثُمَّ قَالَ(ع) تَدْرِی لِأَیِّ شَیْ ءٍ سُمِّیَتْ فَاطِمَهَ(س) قُلْتُ أَخْبِرْنِی یَا سَیِّدِی قَالَ فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_125_1)(

برای فاطمه(س) نزد خدای متعال نُه اسم است: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا. آنگاه فرمود: معنی و تفسیر فاطمه را می دانی؟ گفتم: آقای من! شما بفرمایید. فرمود: فاطمه(س) را از آن جهت فاطمه گویند که از شر به دور است.»

ص: 125

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 10.

همچنین برای وجه تسمیه فاطمه(س) وجوه دیگری نقل شده است که عبارتند از:

1. فاطمه از اسم خداوند؛ یعنی فاطر گرفته شده است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_126_1)(

2. چون دوستان و شیعیان او از آتش جهنم در امان اند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_126_2)(

3. چون از عادت ماهانه بریده و منقطع بوده است. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_126_3)(

ما در این مقاله به جهت اختصار به تعدادی از آن متذکر می شویم .

ص: 126

1- . بحارالانوار، ج 43،ص 65.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص 16.

3- . بحارالانوار، ج 43، ص 16.

کوثر

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

کوثر

(إِنَّا أَعْطَیْناکَ الْکَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ \* إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_127_1)(

زمانی که پیامبر اکرم(ص) دو تن از فرزندان پسر خود (عبدالله قاسم) را از دست داد، دشمنان او لب به کنایه و شماتت گشودند. از جمله «عاص بن وائل»، )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_127_2)( حضرت را «ابتر» (مقطوع النسل) خواند. چنین شماتتی برای پیامبر(ص) سخت آزار دهنده بود؛ لذا خداوند به وسیلۀ نزول سورۀ کوثر پیامبرش را خشنود کرد. برای «کوثر» بیست وپنج معنا ذکر کرده اند و علامۀ طباطبایی معتقد است با توجّه به معنای آخرین آیه که دشمن پیامبر(ص) را ابتر معرفی می کند، فقط «کثرت نسل پیامبر(ص)» منظور خواهد بود. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_127_3)(

امام فخر رازی مفسّر بزرگ و متعصّب اهل سنّت نیز می نویسد: «مراد از کوثر، فرزندان پیامبر(ص) است؛ چون این سوره در رد کسی که بر پیامبر اکرم(ص) طعن زد و گفت: او فرزند ندارد، نازل شد. پس معنای کوثر آن است که خداوند نسلی به او عطا کرد که در گذر زمان باقی می ماند...» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_127_4)(

ص: 127

1- . کوثر /1 3.

2- . الدر المنثور، ج 6، ص402.

3- . المیزان، ج 7، ص370.

4- . تفسیر کبیر، ج 32، ص122.

مطهَّره

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

مطهَّره

(إِنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_128_1)(

ام سلمه، همسر گرامی پیامبر(ص) می گوید: «روزی فاطمه(س) در حالی که ظرف سفالی در دست داشت و حسن و حسین(ع) در کنارش بودند، نزد پیامبر(ص) آمد. حضرت فرمود: پسر عمویت را نیز صدا کن! علی(ع) نیز آمد. پیامبر امام حسن(ع) را روی زانوی راست و امام حسین(ع) را روی زانوی چپ نشاند. علی و فاطمه(ع) هم یکی در پشت سر و دیگری در جلو نشستند. رسول خدا(ص) فرمود: بار الها! اینها اهل بیت من هستند. تمام پلیدیها را از اینها برطرف کن و آنان را پاکیزه کن.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_128_2)(

در منابع اهل سنت نیز به طرق مختلف از ام سلمه (با تفاوتهایی در متن حدیث) روایت شده است که این آیه در خانۀ او نازل شده است. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_128_3)( این مضمون در بیش از هفتاد روایت که در میان آنها راویان اهل سنت بیش از شیعه هستند، نقل شده است. فخر رازی نیز می نویسد: «در جریان مباهلۀ پیامبر(ص) با علمای نجران، رسول اکرم(ص) بعد از بازگشت از مباهله، آیۀ تطهیر را در حق علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) تلاوت فرمود.» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_128_4)(

ص: 128

1- . احزاب/ 33.

2- . بحار الانوار، ج 17، ص359.

3- . البرهان، ج 3، ص38.

4- . تفسیر کبیر، ج 8، ص85.

محبوبه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

محبوبه

(قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فیها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُور)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_129_1)(

ابن عباس می گوید: «چون اسلام پس از هجرت به مدینه استحکام یافت، انصار گفتند نزد پیامبر(ص) برویم وبگوییم در گرفتاریهایی که پیش می آید، اموال ما در اختیار تو است و می توانی استفاده کنی. آیۀ شریفه نازل شد که: بگو من جز مودت و دوستی خویشاوندانم اجر و پاداشی از شما نمی خواهم و هر که کار نیکو کند، ما بر نیکویی او می افزاییم که خدا بسیار آمرزنده و پذیرندۀ شکر بندگان است.»

محی الدین عربی در تفسیر این آیه می نویسد: «معنای آیه به طور کلی نفی پاداش خواستن است؛ زیرا ثمرۀ دوستی و محبت اهل بیت نصیب دوستداران آنان است. روشن است که محبت اقتضای تناسب روحانی بین محب و محبوب دارد و سبب حشر آنان با یکدیگر است... بنابراین دوستدار آنان جز کسی که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند، نیست؛ چرا که اگر محبوب خدا نبودند، رسول الله(ص) هم آنان را دوست نمی داشت. مراد از اهل بیت همان چهار نفری هستند که در روایت ذکر شده اند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_129_2)( سپس روایت ابن عباس را ذکر می کند که: از رسول خدا(ص) پرسیدیم: «قربی» که دوست داشتن شان بر ما واجب شده است چه کسانی هستند؟ فرمود: «علی، فاطمه و دو فرزندش(ع).» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_129_3)(

ص: 129

1- . شوری/ 23.

2- . تفسیر القرآن الکریم، ج 2، ص433.

3- . کشاف، ج 4، ص219.

علامۀ طبرسی نیز می نویسد: «رسول خدا(ص) فرمود: خداوند پیامبران را از درختان مختلفی آفرید و من و علی از یک درخت آفریده شدیم. من ساقۀ درختم و علی شاخۀ آن، فاطمه شکوفه، حسن و حسین(ع) میوه های آن و پیروان ما برگهای آن، هرکس به شاخه ای از شاخه های آن دست گیرد، نجات می یابد و آنکه انحراف یابد، سقوط خواهد کرد؛ حتی اگر بنده ای هزار سال عبادت کند و هزار سال دیگر و هزار سال دیگر هم عبادت کند، چنان که چون مشک کهنه شود؛ ولی ما را دوست نداشته باشد، خداوند او را با سر در آتش می افکند سپس آیۀ مودّت را تلاوت فرمود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_130_1)(

ص: 130

1- . مجمع البیان، ج 5، ص29.

برّ (نیکوکار)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

برّ (نیکوکار)

(إِنَّ الْأَبْرارَ یَشْرَبُونَ مِنْ کَأْسٍ کانَ مِزاجُها کافُوراً عَیْناً یَشْرَبُ بِها عِبادُ اللَّهِ یُفَجِّرُونَها تَفْجیراً یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ یَخافُونَ یَوْماً کانَ شَرُّهُ مُسْتَطیراً وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکیناً وَ یَتیماً وَ أَسیراً)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_131_1)(

ابن عباس می گوید: «حسن وحسین(ع) مریض شدند. پیامبر اکرم(ص) همراه تعدادی از یاران به عیادت آنان آمده، خطاب به علی(ع) فرمود: خوب بود برای شفای فرزندان خود نذر می کردی!

علی، فاطمه (بنابر قولی حسن و حسین(ع)) و فضه نذر کردند که اگر آن دو شفا یابند، سه روز روزه بگیرند. چندی نگذشت که آن دو شفا یافتند. خانواده نیز به نذر خود عمل کردند و چون در منزل چیزی نبود، علی(ع) سه مَن جو قرض کرد. فاطمه(س) یک سوم آن را آسیاب کرد و به تعداد اعضای خانواده نان پخت؛ امّا لحظۀ افطار مسکینی آمد و تقاضای نان کرد. آنها نیز نان خود را به او دادند. روز دوم یتیم و روز سوم نیز اسیری آمد و آنان باز طعام خود را به آنها دادند و خود با آب افطار کردند. روز بعد علی(ع) دست فرزندانش را گرفت و نزد رسول خدا(ص) رفت. پیامبر(ص) مشاهده کرد که آنان از شدت گرسنگی بر خود می لرزند. فرمود: چقدر ناراحت شدم که شما را این گونه دیدم. آن گاه برخاست و به همراه آنان به خانۀ دخترش فاطمه(س) آمد. فاطمه(س) را دید که از شدت گرسنگی شکمش به پشت چسبیده؛ ولی با این حال در محراب عبادت است. در این لحظه جبرییل نازل شد و گفت: بگیر ای محمد! خداوند تو را دربارۀ خاندانت تبریک می گوید و آن گاه حضرت را به خواندن آیاتی از سوره دهر واداشت. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_131_2)(

ص: 131

1- . دهر/ 5 8.

2- . الغدیر، ج 3، ص107 به بعد، که علامه امینی نام 34 نفر از اهل سنت را که با تفاوتهای اندک این شأن نزول را نقل کرده اند، می نویسد.

بحر

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

بحر

(مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیانِ \* بَیْنَهُما بَرْزَخٌ لا یَبْغِیان) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_132_1)(

علامۀ بحرانی می نویسد: «مراد از بحرین علی و فاطمه(ع) هستند که هیچ گاه بر یکدیگر سرکشی نمی کنند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_132_2)(

ابن عباس معتقد است: «برزخ میان آن دو مهر و محبتی است که از بین رفتنی نیست. بعضی دیگر از روایات «بحرین» را دو دریای علم علی(ع) و حلم فاطمه(س) دانسته اند.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_132_3)(

ص: 132

1- . الرحمن/19 و 20.

2- . تفسیر البرهان، ج 4، ص265.

3- . تفسیر البرهان، ج 4، ص265

مشکوه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

مشکوه

(اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاهٍ فیها مِصْباحٌ \* الْمِصْباحُ فی زُجاجَهٍ \* الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ زَیْتُونَهٍ لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ...) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_133_1)(

طبق روایت امام صادق(ع) «مشکوه» بر فاطمه(س) تطبیق شده است و او را ستارۀ درخشان در آسمان زنان دنیا، زنان بهشت و زنان دو عالم و «کوکبٌ دریٌ بین نساءِ العالَمین» شمرده اند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_133_2)(

ص: 133

1- . نور/35.

2- . تفسیر برهان، ج 3،ص 136.

ذریه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

ذریه

(وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیَّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_134_1)(

ابوسعید خدری به نقل از پیامبر(ص) در معنای این آیه می نویسد: «منظور از «أَزْواجِنا» خدیجه، «ذُرِّیَّاتِنا» فاطمه و «قُرَّهَ أَعْیُنٍ» حسنین و (امام) علی است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_134_2)(

ص: 134

1- . فرقان/ 74؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص539.

2- . تأویل الآیات الظاهره، ص381.

سیده نساء العالمین

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

سیده نساء العالمین

(فَمَنْ حَاجَّکَ فیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَی الْکاذِبینَ) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_135_1)(

شأن نزول این آیه چنین است که: مسیحیان نجران که عیسی را فرزند خدا می دانستند و تولّد فرزند را بدون پدر باور نمی کردند، به سخنان پیامبر(ص) دربارۀ تولّد حضرت عیسی(ع) ایراد می گرفتند. پس از لجاجت آنها دستور مباهله نازل شد.

پیامبر(ص) فرمود: طرفین دست به سوی آسمان بلند کنیم و از خدا بخواهیم حق را پیروز و باطل را ریشه کن کند. پس از قرار مباهله، اسقف نجران به نمایندگانش رو کرد و گفت: اگر دیدید محمد تنها با فرزندان و اهل بیت خود آمد، مباهله نکنید. همین طور هم شد و روز موعود آنها پیامبر(ص) را به همراه فاطمه، علی، حسن و حسین(ع) دیدند. پیامبر فرمود: «اللهم هؤلاء اهلی.»

ص: 135

1- . آل عمران/ 61.

سپس حضرت به آنها فرمود: «وقتی دعا کردم، آمین بگویید!» وقتی رئیس گروه نجرانیها آنها را شناخت، به همراهانش گفت: «ای جماعت نصاری! صورتهایی را می بینم که اگر از خدا بخواهند، کوهی را از زمین برکند، به دعای آنان این کار را می کند. با اینان مباهله نکنید که هلاک خواهید شد و تا روز قیامت دیگر هیچ نصرانی روی زمین نخواهد ماند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_136_1)(

مفسران شیعه و سنی در اینکه مراد از «انفسنا» علی(ع) و «ابناءنا» حسن و حسین(ع) و «نساءنا» فقط فاطمه(س) است، اتفاق نظر دارند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_136_2)(

نکته ظریف این است که دعوت آیۀ شریفه شامل تمام فرزندان، زنان و جانها می شود )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_136_3)( و در عین حال پیامبر(ص) فقط این چهار نفر را آورد و این دلیل برتری آنها بر همه فرزندان، زنان و جانهای دیگر است. و البته در مواردی دیگر پیامبر اکرم(ص) فرموده بود: «ابْنَتِی فَاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ؛ دخترم فاطمه(س) بانوی زنان عالم است.» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_136_4)(

ص: 136

1- . تفسیر کبیر، ج 8، ص85.

2- . نور الثقلین، ج 1، ص349، ح 163.

3- . کلمه جمع (ابناء، نساء، انفس) اگر اضافه شود (به ضمیر نا اضافه شده اند) شامل تمامی افراد می شود.

4- . بحار الانوار، ج 43، ص22.

صدیقه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

صدیقه

صدیقه به کسی می گویند که هرگز دروغ نگوید و سخنش را با عمل خود تصدیق کند، می گویند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_137_1)(

عایشه می گفت: «کسی را از فاطمه(س) راستگوتر، جز پدرش، ندیدم.» هرگاه بین فاطمه(س) و عایشه مطلبی رخ می داد، عایشه می گفت: «ای رسول خدا! از فاطمه(س) سؤال کن. او دروغ نمی گوید.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_137_2)(

رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: «سه چیز به تو داده شده است که به هیچ کس؛ حتی به من داده نشده:

اول، تو داماد رسول خدا(ص) هستی و من داماد کسی نیستم که پدرزنم مانند پدر زن تو باشد.

دوم، همسری صدیقه مانند دختر من داری که من چنین همسری ندارم.

ص: 137

1- . لسان العرب.

2- . چهل حدیث در فضایل محمد، ص44.

و سوم، فرزندانی مانند حسن و حسین(ع) داری که من ندارم. با این وصف شما از من و من از شما هستم، )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_138_1)(

«علّت اینکه فاطمه(س) را علی(ع) غسل داد، این بود که فاطمه(س) صدیقه بود و صدیقه را جز صدیق نباید غسل دهد. همان طور که مریم را حضرت عیسی(ع) غسل داد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_138_2)(

ص: 138

1- . فاطمه زهرا(س) من المهد الی اللحد، ص59.

2- . علل الشرایع، باب 148، ص22.

محدثه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

اسما و صفات فاطمه زهرا(س)

محدثه

ابن بابویه از امام صادق(ع) نقل کرده است: «حضرت فاطمه(ع) را به این سبب محدثه می گفتند که ملائکه از آسمان فرود می آمدند و او را ندا می دادند، همان طور که مریم(س) دختر عمران را ندا می دادند، سپس می گفتند: خداوند عالمیان تو را برگزیده و مطهر و معصوم گردانیده است و تو را اختیار کرده است بر زنان عالمیان. ای فاطمه! عبادت کن و برای پروردگار خود خاضع شو. و سجود و رکوع کن با رکوع کنندگان. پس او با ملائکه سخن می گفت و ملائکه با او سخن می گفتند. پس شبی به ملائکه گفت: آیا کسی مثل مریم، دختر عمران برگزیده زنان عالمیان نیست؟ ایشان گفتند: مریم(س) بهترین زنان زمان خود بود؛ اما خدای تعالی تو را بهترین زنان زمان خود و زمان مریم و بهترین زنان اولین و آخرین قرار داد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_139_1)(

ص: 139

1- . ه علل الشرایع، باب 148، ص22.

فاطمه(س) مخزن اسرار پیامبر(ص)

مقدمه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

فاطمه(س) مخزن اسرار پیامبر(ص)

مقدمه

موقعیت ممتاز حضرت فاطمه زهرا(س) این فرصت را به حضرتش داد تا معارف اسلامی را بدون واسطه از پدر بزرگوارش فرا گیرد. معارفی که جز او و فرزندانش کسی دیگر به کنه و عمق آن نرسید. از حضرت فاطمه زهرا(س) به روایت از پیامبر(ص) احادیثی شامل مطالب اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و تفسیری، از قبیل احترام به همسر، رعایت حقوق همسایگان و مطالبی دیگر پیرامون فضائل علی(ع) و شیعیان و پیروان آن حضرت، برخی از پیشگوییها، برخی از دعاها، موقع استجابت دعا و... رسیده است. واقعاً جای تأسف است که امت آن زمان از این گوهر ناشناخته پس از پیامبر(ص) استفاده نکرده، به جای آنکه از طریق این بانوی با عظمت به مسائل مهم جامعه زنان دست یافته و درسهای زیبا و شیرینی را نسبت به راه و روش زندگی از دو لب مبارکش بیاموزد، به غیر از خون دل دادن به حضرتش کار دیگری نکردند.

ص: 140

فاطمه(س) و احادیث پیامبر(ص)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

فاطمه(س) مخزن اسرار پیامبر(ص)

فاطمه(س) و احادیث پیامبر(ص)

از برخورد حضرت فاطمه(س) نسبت به حفظ و نگهداری احادیث پیامبر(ص) چنین بر می آید که وی به این احادیث و آثار بیش از هر چیز اهمیت می داد، تا جایی که روزی برای لحظاتی یکی از همان احادیث را در کنار خود ندید، سخت برآشفته و از خادمه خود خواست تا هر چه زودتر آن را پیدا نموده و حاضر سازد.

«شقیق بن سلمه» از ابن مسعود نقل کرده است: «مردی به حضور فاطمه(س) رسید. گفت: ای دختر رسول خدا! آیا از پیامبر(ص) چیزی نزد شما مانده است که به من مرحمت کنید! حضرت به خدمتکار خود فرمود: آن جریده را بیاور. خدمتکار به جستجو پرداخت؛ ولی آن را پیدا نکرد.

حضرت فاطمه(س) فرمود: وای بر تو، آن جریده نزد من با حسن و حسین(ع) برابری می کند. خدمتکار پس از جستجوی بسیار آن را پیدا کرده و به خدمت حضرت(س) آورد. معلوم شد موقع جارو کردن آن را در ظرف خاکروبه انداخته است. و در این جریده چنین نوشته بود:

ص: 141

حضرت محمد(ص) فرمود: «لَیْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ مَنْ لَمْ یَأْمَنْ جَارُهُ بَوَائِقَهُ وَ مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا یُؤْذِی جَارَهُ وَ مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلْیَقُلْ خَیْراً أَوْ یَسْکُتُ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْخَیِّرَ الْحَلِیمَ الْمُتَعَفِّفَ وَ یُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبَذَّاءَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ إِنَّ الْحَیَاءَ مِنَ الْإِیمَانِ وَ الْإِیمَانَ فِی الْجَنَّهِ؛ از مؤمنین نیست کسی که همسایه از آزار وی در امان نباشد و هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه اش را آزار نمی دهد و هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید سخن خوب بگوید؛ وگرنه ساکت باشد. خدای متعال اهل خیرِ بردبارِ عفیف را دوست و شخص بد زبان، سست و لجوج را دشمن می دارد. حیا از ایمان است و صاحب ایمان در بهشت.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_142_1)(

ص: 142

1- . اخلاق حضرت فاطمه(س)، ص58؛ مسند فاطمه زهرا(س)، ص585؛ سفینه البحار، ج 1، ص229 و دلائل الامامه، ص1.

علت کمی احادیث نقل شده از حضرت فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

فاطمه(س) مخزن اسرار پیامبر(ص)

علت کمی احادیث نقل شده از حضرت فاطمه(س)

این امر ممکن است چند جهت داشته باشد: یکی اینکه ایشان نمی توانستند همانند سایر معصومین(ع) آزادانه به نقل حدیث بپردازند. بدین جهت احادیث نقل شده از ایشان کم می باشد؛ ولی این احتمال به دو جهت صحیح نیست: اولا راویان مرد از حضرتش روایت کرده اند و ثانیاً مگر روایت فقط به مردان منحصر بوده و زنان حق روایت نداشته اند؟

علت دیگر: ظلم آشکاری که پس از پیامبر(ص) به اهل بیت آن حضرت شد، بزرگ ترین مانع از نشر و گسترش احادیث اهل بیت(ع) علی الخصوص از حضرت فاطمه زهرا(س) بود، تا آنجا که آنهایی هم که از او روایتی شنیده بودند، به خاطر ترس و وحشتی که حاکم بود، از نقل آنها خودداری کرده، در سینه های خود پنهان کردند. «ابوهریره» در این رابطه می گوید: تا زمانی که عمر زنده بود، ما جرأت نداشتیم یک حدیث از پیامبر(ص) نقل کنیم. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_143_1)(

و ممکن است چون بسیاری از این احادیث در فضل اهل بیت(ع) خاصه علی بن ابی طالب(ع) بوده، آنها را شنیده اند؛ اما از روی دشمنی و کینه ای که با اهل بیت و خصوصاً با علی(ع) داشتند، از بیان آن احادیث خودداری کرده اند.

ص: 143

1- . الغدیر، ج 6، ص295.

راویان حدیث از حضرت فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

فاطمه(س) مخزن اسرار پیامبر(ص)

راویان حدیث از حضرت فاطمه(س)

عده نسبتاً زیادی از حضرت زهرا(س) حدیث نقل کرده اند که علاوه بر امیرمؤمنان، امام حسن، امام حسین، حضرت زینب و ام کلثوم(ع) افراد زیر به نقل حدیث از حضرتش پرداخته اند:

1 - سلمان فارسی 2 - ابوذر غفاری 3 - جابر بن عبدالله انصاری 4 - عبدالله بن مسعود 5 - یحیی بن جعده 6 - حکم بن ابی نعیم 7 - عمرو بن الشرید 8 - حذیفه بن یمان 9 - ربعی بن حراش 10 - انس بن مالک 11 - ابوسعید خدری 12 - ابن ابی ملیکه 13 - ابو ایوب انصاری 14 - ابوهریره 15 - بشیر بن زید 16- سهل بن سعد انصاری 17 - 18 - شبیب بن ابی رافع 19 - عباس بن عبدالمطلب 20 - عبدالله بن عباس 21 - عوانه بن الحکم 22 - قاسم بن ابی سعید خدری 23 - هشام بن محمد 24 – زینب، دختر ابو رافع 25 - عایشه 26 - ام سلمه 27 - اسماء بنت عمیس 28 - سلمی ام رافع و غیر از اینها که می توان به روایات این عده در: دلائل الامامه، بشاره المصطفی(ص) لشیعۀ المرتضی، امالی شیخ طوسی، کفایه الاثر، مسند فاطمه(س) و ده ها کتاب دیگر دست یافت.

ص: 144

گلایه ای از مسندنویسان و سخنی با احمد

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

فاطمه(س) مخزن اسرار پیامبر(ص)

گلایه ای از مسندنویسان و سخنی با احمد

با توجه به شمار قابل توجه راویان حدیث از حضرت زهرا(س) این گلایه را از مسندنویسان به ویژه «احمد بن حنبل» داریم که چرا نسبت به دختر پیامبر(ص) آن همه بی توجهی کرده اند.

اما سخنی که با احمد داریم این است که: اگر ما به جلد ششم مسند نگاهی بیفکنیم، خواهیم دید که وی از عایشه در حدود دویست و پنجاه و سه صفحه حدیث نقل کرده؛ ولی از حضرت فاطمه(س) حدود یک صفحه و نیم که جمعاً ده حدیث می شود، نقل کرده است که حدیث اول و دوم و هشتم به یک مضمون اشاره شده، منتهی با این تفاوت که یکی را به صورت مجمل و دیگری را با تفصیل بیش تری آورده است.

حال سؤال ما این است که آیا عایشه تا موقع رحلت آن حضرت نزد رسول خدا(ص) بیش تر بوده یا حضرت فاطمه(س)؟ مگر به قول مورخین عامه، حضرت زهرا(س) پنج سال پیش یا پس از بعثت پیامبر(ص) به دنیا نیامده است؟ و آیا مگر همسری عایشه با رسول خدا(ص) در مدینه صورت نگرفته؟ حداقل هجده سال )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_145_1)( حضرت فاطمه(س) در کنار پدر بوده است. حال سؤال ما این است که آیا در این هجده سال، سالی یک حدیث هم حضرت فاطمه(س) از پدر روایت نکرده که حداقل هجده روایت از دوران مکه و مدینه برای فاطمه(س) از پیامبر(ص) نقل شود؟ ما اگر حضور ده ساله پیامبر(ص) را در مدینه حساب کنیم، حضور و درک محضر پیامبر اکرم(ص) توسط فاطمه(س) بیش تر می باشد یا عایشه؟ با توجه به اینکه پیامبر(ص) با حضرت فاطمه(س) بیش تر همدم و همراز بوده، حضرت فاطمه(س) می باید تعداد بیش تری روایت داشته باشد یا عایشه؟ آیا ملاقات پیامبر(ص) با حضرت فاطمه(س) بیش تر بوده یا با عایشه که از هر چند شب یک شب پیامبر(ص) نزد او بوده است؟

ص: 145

1- . بنا به قول کلبی (ذخائر العقبی، ص52) که فاطمه(س) در سن سی و پنج سالگی از دنیا رفته، باید گفت: حدود بیست و پنج سال در مکه در خدمت پدر بوده است.

از «احمد بن حنبل» باید پرسید: مگر پیامبر(ص) در این مدت نُه سال به خانه زهرا(س) رفت و آمد نداشته است؟ آیا به هنگام ملاقات این دو کاملاً سکوت می کردند تا بگوییم فقط نه یا ده روایت از پدرش نقل کرده است؟ آیا چنین چیزی باورکردنی است؟ آیا به هنگام میلاد امام حسن، امام حسین و حضرت زینب کبری(ع)، آن حضرت جهت تبریک به خانه زهرا(س) نرفته و چیزی نفرموده است که وی آنها را ضبط و نقل کند؟ آیا به هنگام رحلت و روزهای بیماری، فاطمه(س) به عیادت پدر نرفته و هیچ حدیث و روایتی از او نقل نکرده است؟ آیا این ظلم آشکاری نیست؟ و آیا از یک عالم حدیث شناس چنین ظلمی بخشودنی است؟

ص: 146

سخنی با سیوطی

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

فاطمه(س) مخزن اسرار پیامبر(ص)

سخنی با سیوطی

اما سخنی که با سیوطی (م. 911 ه. ق) داریم این است که: وی مسندی برای حضرت فاطمه(س) جمع کرده است که خواننده در ابتدا فکر می کند که او دویست و هشتاد و چهار حدیث از احادیثی را که حضرت فاطمه(س) نقل کرده، در این کتاب آورده است؛ اما بعد روشن می شود که چنین خبری نیست؛ زیرا از نام گذاری خود کتاب مشخص است که مؤلف بین روایاتی که حضرت فاطمه(س) نقل کرده و روایاتی که در فضل و مقام حضرت فاطمه(س) نقل شده، جمع کرده است و نام آن را مسند گذاشته.

و از دویست و هشتاد و چهار شماره ای که در مقابل احادیث زده شده، فقط سی و چهار حدیث را حضرت فاطمه(س) نقل کرده است که دو حدیث از آنها با دیگری اشتراک در نقل داشته و با این بیان به نظر می رسد اگر نام کتاب را «احادیث فی فضل فاطمه(س)» می گذاشت، بهتر بود؛ زیرا چیزی که در آن بسیار کم به چشم می خورد، مسند فاطمه است. ثالثاً از سی و چهار حدیث یاد شده، دو روایت سه بار تکرار شده و هفت حدیث نیز دو بار، که با حذف احادیث مکرر فقط بیست و چهار حدیث باقی می ماند. و بقیه احادیث نقل شده، جز یک حدیث که از تیغ محقق کتاب جان سالم به در برده، به نظر آقای «فواز احمد زمرلی» محقق کتاب مسند فاطمه سیوطی، یا ضعیف هستند یا مجهول یا مرفوع یا مرسل و سرانجام برای هر کدام عیبی تراشیده که در نتیجه به نظر ایشان از حضرت فاطمه(س) هیچ حدیث صحیحی از پدرش نرسیده است. آیا بی انصافی و ظلمی بیش از این قابل تصور است؟

ص: 147

گسترش فرهنگ کوثر به توسط معصومین(ع)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

فاطمه(س) مخزن اسرار پیامبر(ص)

گسترش فرهنگ کوثر به توسط معصومین(ع)

اگر چه دشمنان اهل بیت(ع) دست به تلاش وسیع و گسترده ای زدند تا جلوی گسترش فرهنگ کوثر را بگیرند و متأسفانه در برخی زمینه ها نیز موفق گردیدند و در برخی کتابهای حدیثی اثر منفی خود را گذاشته اند؛ اما امامان معصوم(ع) با جدیت تمام تا حدودی توانستند مانع گسترش این کار شوند. از این رو مشاهده می کنیم که از زبان حضرت فاطمه(س) به وسیله هر یک از آنها مطالب فراوانی به دست ما رسیده است و آن چه را که دشمن در پی از بین بردن یا تضعیف آنها بود، اهل بیت(ع) احیا کرده اند و مطالب گوناگونی از قبیل: مناقب، فضایل، سیره، سنت و رفتار حضرت فاطمه(س) در زندگی نه ساله اش، برخوردها و گفتگوهای وی با پیامبر(ص) در بسیاری از مسائل اخلاقی، اجتماعی، معنوی و ده ها موضوع دیگر را به عنوان میراث اصیل حضرت فاطمه(س) برای آیندگان به یادگار گذاشتند که در کتابها و منابع دسته اول شیعه فراوان به چشم می خورد، بدین جهت باید احادیث حضرت فاطمه(س) را از لابلای گفته های امامان معصوم(ع) به دست آورد و از اندیشه های والایش بهره برد.

ص: 148

چهل حدیث درباره حضرت زهرا(س)

روایات

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

چهل حدیث درباره حضرت زهرا(س)

روایات

ارزش شناخت فاطمه(س)

1. امام صادق(ع) می فرمایند: «... فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَکَ لَیْلَهَ الْقَدْر؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_149_1)( هر کس به شناخت حقیقی فاطمه(س) دست یابد، بی گمان شب قدر را درک کرده است.»

آثار محبت به فاطمه(س)

2. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَهَ ابْنَتِی فَهُوَ فِی الْجَنَّهِ مَعِی وَ مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِی النَّار؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_149_2)( هر کس فاطمه(س) دخترم را دوست بدارد، در بهشت با من است، و هر کس با او دشمنی ورزد، در آتش `دوزخ` است.»

اطاعت از فاطمه(س)

ص: 149

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 65.

2- . بحارالانوار، ج 27، ص 116.

3. امام باقر(ع) می فرمایند:

«... و لقد کانت(س) مفروضه الطاعه علی جمیع من خلق الله من الجن والانس والطیر والوحش والانبیاء والملائکه... ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_150_1)( اطاعت از فاطمه(س) بر تمامی آفریدگان خدا از جن و آدمیان و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است.»

دستورهای فاطمه(س)

4. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «...یَا عَلِیُّ انْفُذْ لِمَا أَمَرَتْکَ بِهِ فَاطِمَهُ فَقَدْ أَمَرْتُهَا بِأَشْیَاءَ أَمَرَ بِهَا جَبْرَئِیلُ(ع)...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_150_2)( ای علی! آنچه را فاطمه(س) بدان امر می کند، انجام ده؛ زیرا من چیزهایی را به او امر کرده ام که جبرئیل(ع) به آنها امر کرده است.»

خلقت فاطمه(س)

ص: 150

1- . دلائل الامامه، ص 28.

2- . بحارالانوار، ج 22، ص 484.

5. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «إِنَّ فَاطِمَهَ خُلِقَتْ حُورِیَّهً فِی صُورَهِ إِنْسِیَّه... ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_151_1)( بی شک فاطمه(س) حوریه ای است که به صورت انسان آفریده شده است.»

چرا نام فاطمه(س)

6. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «إِنَّمَا سُمِّیَتْ ابْنَتِی فَاطِمَهَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّار؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_151_2)( من نام دخترم را فاطمه(س) گذاشتم؛ زیرا خدای - عزوجل - فاطمه(س) و هر کس که او را دوست دارد، از آتش دوزخ دور نگه داشته است.»

آثار نام فاطمه(س)

7. امام کاظم(ع) می فرمایند: «لَا یَدْخُلُ الْفَقْرُ بَیْتاً فِیهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِیٍّ أَوِ الْحَسَنِ أَوِ الْحُسَیْنِ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَهَ مِنَ النِّسَاء؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_151_3)( در خانه ای که نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله و یا از میان زنان، فاطمه باشد، فقر `و تنگدستی` وارد نمی شود.»

احترام به نام فاطمه(س)

ص: 151

1- . بحارالانوار، ج 78، ص 112.

2- . عیون اخبار الرضا(ع)، ج 2، ص 46.

3- . کافی، ج 6، ص 19.

8. امام صادق(ع) به شخصی که نام دخترش را فاطمه گذاشته بود، فرمود: «...إِذَا سَمَّیْتَهَا فَاطِمَهَ فَلَا تَسُبَّهَا وَ لَا تَلْعَنْهَا وَ لَا تَضْرِبْهَا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_152_1)( حالا که نام او را فاطمه گذاشته ای، پس دشنامش مده، نفرینش مکن و کتکش مزن.»

الگوی نمونه

9. امام زمان(ع) در یکی از نامه هایشان می فرمایند: «فِی ابْنَهِ رَسُولِ اللَّهِ(ص) لِی أُسْوَهٌ حَسَنَه ... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_152_2)( در دختر پیامبر خدا(ص) برای من الگوی نیکویی است.»

یاور خوب

10. پیامبر اکرم(ص) از حضرت امیرالمؤمنین، علی(ع) درباره حضرت فاطمه زهرا(س) پرسیدند، حضرت پاسخ دادند: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَی طَاعَهِ اللَّه؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_152_3)( `فاطمه(س)` خوب یاوری در راه اطاعت و بندگی خداست.»

عزیزترین مردم

ص: 152

1- . کافی، ج 6، ص 48.

2- . بحارالانوار، ج 53، ص 180.

3- . بحارالانوارجلد53، ص 117.

11. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «... فَاطِمَهُ أَعَزُّ الْبَرِیَّهِ عَلَیّ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_153_1)( ؛ فاطمه(س) عزیزترین مردم در نزد من است.»

نور چشم و میوه دل من

12. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «... إِنَّ فَاطِمَهَ بَضْعَهٌ مِنِّی وَ هِیَ نُورُ عَیْنِی وَ ثَمَرَهُ فُؤَادِی... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_153_2)( فاطمه(س) پاره تن و نور چشم و میوه دل من است.»

خشم و خشنودی حضرت فاطمه(س)

13. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ لَیَغْضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَهَ وَ یَرْضَی لِرِضَاهَا؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_153_3)( بی شک خداوند با خشم فاطمه(س) به خشم می آید و با خشنودی او خشنود می شود.»

دشمن فاطمه(س) در دوزخ

ص: 153

1- . الامالی، شیخ مفید، ص 259.

2- . الامالی، شیخ مفید، ص 259.

3- . الامالی، شیخ مفید، ص 259، ص 94.

14. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «... یَا فَاطِمَهُ! لَوْ أَنَّ کُلَّ نَبِیٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ وَ کُلَّ مَلَکٍ قَرَّبَهُ- شَفَعُوا فِی کُلِّ مُبْغِضٍ لَکِ غَاصِبٍ لَکِ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ النَّارِ أَبَداً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_154_1)( ای فاطمه! اگر تمام پیامبرانی که خدا برانگیخته و تمام فرشتگانی که مقرب درگاه خود گردانده است، برای هر کینه توزی که حق تو را غصب نموده است، شفاعت کنند، هرگز خدا او را از آتش `دوزخ` خارج نمی سازد.»

اختر تابناک

15. امام صادق(ع) می فرمایند: «... فَاطِمَهَ کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ بَیْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْیَا...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_154_2)( فاطمه(س) اختری تابناک در میان زنان دنیاست.»

سرور زنان

ص: 154

1- . بحارالانوار، ج 76، ص 354.

2- . کافی، ج 1، ص 195.

16. امام صادق(ع) می فرمایند: «... فَاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِین؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_155_1)( فاطمه(س) سرور زنان جهانیان از اولین تا آخرین است.»

تسبیحات حضرت زهرا(س)

17. امام باقر(ع) می فرمایند: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَیْ ءٍ مِنَ التَّحْمِیدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِیحِ فَاطِمَه(س)... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_155_2)( خداوند در حمد و ستایش به چیزی برتر از تسبیح فاطمه(س) عبادت نشده است.»

درود بر فاطمه(س)

18. امام رضا(ع) می فرمایند: «أَوَّلُ مَنْ جُعِلَ لَهُ النَّعْشُ- فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّد، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهَا وَ عَلَی أَبِیهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیهَا؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_155_3)( نخستین کسی که پیش از مرگش برای او تابوت ساخته شد، فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) بود؛ درود و صلوات خدا بر او و پدر و شوهر و فرزندانش باد.»

نفرین الهی برای دشمنان فاطمه(س)

ص: 155

1- . معانی الاخبار، ص 107.

2- . کافی، ج 3، ص 343.

3- . بحارالانوار، ج 78، ص 249.

19. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ یَظْلِمُ بَعْدِی فَاطِمَهَ ابْنَتِی وَ یَغْصِبُهَا حَقَّهَا وَ یَقْتُلُها... ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_156_1)( مورد نفرین است، مورد نفرین است هر کس پس از من به فاطمه(س) دخترم ستم کند و حقش را غصب نماید و او را بکشد.»

زیارت فاطمه(س)

20. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «... مَنْ زَارَ فَاطِمَهَ فَکَأَنَّمَا زَارَنِی... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_156_2)( هر کس فاطمه(س) را زیارت کند، مانند این است که مرا زیارت کرده است.»

نماز مخصوص فاطمه(س)

21. امام صادق(ع) می فرمایند: «مَنْ صَلَّی أَرْبَعَ رَکَعَاتٍ فَقَرَأَ فِی کُلِّ رَکْعَهٍ خَمْسِینَ مَرَّهً قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ کَانَتْ صَلَاهَ فَاطِمَه(س)... ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_156_3)( هر کس چهار رکعت نماز بخواند `هر دو رکعت به یک سلام` و در هر رکعت `پس از سوره حمد` پنجاه مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند، این نماز، نماز فاطمه(س) است.»

هستی پیامبر و فاطمه8

ص: 156

1- . بحارالانوار، ج 73، ص 354.

2- . هبحارالانوار، ج 43، ص 58.

3- . من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 564.

22. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «یا فَاطِمَه... أَنْتَ مِنِّی وَ أَنَا مِنْکَ... ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_157_1)( ای فاطمه! تو از من هستی و من از تو هستم.»

جان پیامبر(ص)

23. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «... فِدَاکِ أَبُوک یا فَاطِمَه ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_157_2)( پدرت به قربان تو باد ای فاطمه(س)!»

بوی بهشت

24. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «... فَفَاطِمَهُ حَوْرَاءُ إِنْسِیَّهٌ فَکُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَی رَائِحَهِ الْجَنَّهِ شَمِمْتُ رَائِحَهَ ابْنَتِی فَاطِمَه(س)؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_157_3)( فاطمه(س) حوریه ای است به صورت انسان که من هرگاه مشتاق بوی بهشت می شوم، دخترم فاطمه(س) را می بویم.»

فاطمه(س) قلب محمد(ص)

ص: 157

1- . بیت الاحزان، ص 19؛ بحارالانوار، ج 43، ص 32.

2- . بحارالانوار، ج 22، ص 490.

3- . التوحید، شیخ صدوق، ص 117.

25. حضرت امیرالمؤمنین، علی(ع) می فرمایند: «... إِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ سِبْطَا هَذِهِ الْأُمَّهِ وَ هُمَا مِنْ مُحَمَّدٍ کَمَکَانِ الْعَیْنَیْنِ مِنَ الرَّأْسِ وَ أَمَّا أَنَا فَکَمَکَانِ الْیَدَیْنِ مِنَ الْبَدَنِ وَ أَمَّا فَاطِمَهُ فَکَمَکَانِ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَد...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_158_1)( حسن و حسین(ع) دو سبط این امت هستند، و آن دو برای محمد(ص) همانند دو چشم برای سرند، و من `برای محمد(ص)` همانند دست برای بدن هستم، و فاطمه(س) `برای محمد(ص)` همانند قلب برای بدن.»

افتخار علی(ع) به فاطمه(س)

26. حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می فرمایند: «... أَنَا زَوْجُ الْبَتُولِ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِین... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_158_2)( من همسر بتول(س) هستم؛ همان کسی که سرور زنان جهانیان است.»

ص: 158

1- . بحارالانوار، ج 39، ص 352؛ کتاب سلیم بن قیس، ص 830.

2- . معانی الاخبار، ص 58.

فاطمه(س) زهره است

27. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «أَنَا الشَّمْسُ وَ عَلِیٌّ(ع) الْقَمَرُ وَ فَاطِمَهُ الزُّهَرَهُ وَ الْفَرْقَدَانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْن؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_159_1)( من خورشیدم و علی(ع) ماه و فاطمه(س)، زهره (ناهید) است و حسن و حسین(ع) دو ستاره نور افشان فرقدان هستند.»

ایمان فاطمه(س)

28. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «یَا سَلْمَانُ! إِنَّ ابْنَتِی فَاطِمَهَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِیمَاناً إِلَی مُشَاشِهَا تَفَرَّغَتْ لِطَاعَهِ اللَّه ... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_159_2)( ای سلمان! به راستی که خداوند قلب و اعضای فاطمه(س) تا استخوانهایش را از ایمان و یقین آکنده ساخته است؛ به گونه ای که در طاعت خدا جدیت دارد.»

زیارت شهیدان

ص: 159

1- . بحارالانوار، ج 24، ص 74؛ معانی الاخبار، ص 114.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص 46؛ مناقب، ج 3، ص 337.

29. امام صادق(ع) می فرمایند: «إِنَّ فَاطِمَهَ(س) کَانَتْ تَأْتِی قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِی کُلِّ غَدَاهِ سَبْت... ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_160_1)( فاطمه(س) در هر بامداد شنبه به مزار شهیدان می رفت.»

بوی خوش فاطمه(س)

30. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «رَائِحَهُ الْأَنْبِیَاءِ رَائِحَهُ السَّفَرْجَلِ وَ رَائِحَهُ الْحُورِ الْعِینِ رَائِحَهُ الْآسِ وَ رَائِحَهُ الْمَلَائِکَهِ رَائِحَهُ الْوَرْدِ وَ رَائِحَهُ ابْنَتِی فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ رَائِحَهُ السَّفَرْجَلِ وَ الْآسِ وَ الْوَرْد... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_160_2)( بوی پیامبران بوی به و بوی حورالعین بوی آس و بوی فرشتگان بوی گل سرخ است؛ ولی بوی دخترم فاطمه(س) بوی به و آس و گل سرخ با هم است.»

علی(ع) کفو فاطمه(س)

ص: 160

1- . وسائل الشیعه، ج 2، ص 879.

2- . بحارالانوار، ج 66، ص 177.

31. امام صادق(ع) می فرمایند: «... لَوْ لَا أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ(ع) تَزَوَّجَهَا لَمَا کَانَ لَهَا کُفْوٌ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَه؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_161_1)( به راستی اگر امیرالمؤمنین(ع) فاطمه(س) را به ازدواج خود در نیاورده بود، تا روز قیامت بر روی زمین از آدم تا پس از آدم برای فاطمه(س) همتایی نبود.»

پیوند آسمانی

32. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «مَا زَوَّجْتُ فَاطِمَهَ إِلَّا لَمَّا أَمَرَنِی اللَّهُ بِتَزْوِیجِهَا؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_161_2)( من فاطمه(ع) را به ازدواج در نیاوردم؛ مگر پس از آنکه خداوند مرا به ازدواج او فرمان داد.»

انجام کارهای سخت خانه

ص: 161

1- . خصال، ج 2، ص 414.

2- . عیون اخبار الرضا(ع)، ج 2، ص 59.

33. حضرت امیرالمؤمنین(ع) درباره حضرت فاطمه زهرا(س) می فرمایند: «أَنَّهَا اسْتَقَتْ بِالْقِرْبَهِ حَتَّی أَثَّرَ فِی صَدْرِهَا وَ طَحَنَتْ بِالرَّحَی حَتَّی مَجِلَتْ یَدَاهَا وَ کَسَحَتِ الْبَیْتَ حَتَّی اغْبَرَّتْ ثِیَابُهَا وَ أَوْقَدَتِ النَّارَ تَحْتَ الْقِدْرِ حَتَّی دَکِنَتْ ثِیَابُهَا فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِکَ ضَرَرٌ شَدِید؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_162_1)( حضرت فاطمه زهرا(س) آن قدر با مشک آب کشید که اثر آن در سینه اش آشکار شد و چندان با دست خود آسیاب کرد که دستهایش پینه زد و آن قدر خانه را جارو کرد که لباسهایش خاک آلود گردید. و چندان آتش در زیر دیگ روشن کرد که لباسهایش سیاه و دود آلود شد، و از این کارها رنج و سختی زیادی به او رسید.»

فاطمه(س) مطیع دائم علی(ع)

ص: 162

1- . علل الشرایع، ج 2، ص 366.

34. حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) می فرمایند: «فَوَ اللَّه ... وَ لَا أَغْضَبَتْنِی وَ لَا عَصَتْ لِی أَمْراً وَ لَقَدْ کُنْتُ أَنْظُرُ إِلَیْهَا فَتَنْکَشِفُ عَنِّی الْهُمُومُ وَ الْأَحْزَان؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_163_1)( سوگند به خدا که فاطمه(س) هیچ گاه مرا خشمگین نکرد و در هیچ کاری از من سرپیچی ننمود. و من هرگاه به فاطمه(س) نگاه می کردم، غم و اندوه از من زدوده می شد.»

نور فاطمه(س) برگرفته از نور خدا

35. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «... نُورُ ابْنَتِی فَاطِمَهَ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَ ابْنَتِی فَاطِمَهُ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْض... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_163_2)( نور دخترم فاطمه(س) از نور خداست، و دخترم فاطمه(س) برتر از آسمانها و زمین است.»

فاطمه(س) بر بالین آدمی

ص: 163

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 134.

2- . بحارالانوار ، ج 15، ص 10.

36. امام باقر و امام صادق(ع) می فرمایند: «حَرَامٌ عَلَی رُوحٍ أَنْ تُفَارِقَ جَسَدَهَا حَتَّی تَرَی الْخَمْسَهَ؛ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً وَ فَاطِمَهَ وَ حَسَناً وَ حُسَیْناً بِحَیْثُ تَقَرُّ عَیْنُهَا أَوْ تَسْخَنُ عَیْنُهَا... ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_164_1)( بر روح آدمی حرام است که از بدنش جدا شود؛ مگر آنکه پنج تن را ببیند: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین(ع)، و آن هم به گونه ای است که یا چشم آدمی روشن و یا تاریک و محزون می شود.»

فاطمه(س) شهیده

37. امام کاظم(ع) می فرمایند: «إِنَّ فَاطِمَهَ(س) صِدِّیقَهٌ شَهِیدَه... ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_164_2)( فاطمه(س) بانوی بسیار راست گویی است که او را به شهادت رساندند.»

اشتیاق بهشت به فاطمه(س)

ص: 164

1- . کشف الغمه، ج 1، ص 414.

2- . کافی، ج 1، ص 458.

38. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «اشْتَاقَتِ الْجَنَّهُ إِلَی أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ آسِیَهَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ زَوْجَهِ فِرْعَوْنَ وَ خَدِیجَهَ بِنْتِ خُوَیْلِدٍ وَ فَاطِمَهَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ(ص)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_165_1)( بهشت مشتاق چهار زن است: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم و زن فرعون، خدیجه دختر خویلد و فاطمه(س) دختر محمد(ص).»

حضرت فاطمه(س) و خردسالان

39. امام صادق(ع) می فرمایند: «إِنَّ أَطْفَالَ شِیعَتِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِینَ تُرَبِّیهِمْ فَاطِمَهُ(س)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_165_2)( بی شک خردسالان شیعه ما از مؤمنان را (که قبل از بلوغ از دنیا می روند) فاطمه(س) پرورش می دهد.»

شفاعت فاطمه(س)

ص: 165

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 53.

2- . همان، ج 6، ص 229؛ تفسیر علی بن ابراهیم، ج 2، ص 332.

40. پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «... یَا فَاطِمَهُ الْبُشْرَی فَلَکِ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ تَشْفَعِینَ فِیهِ لِمُحِبِّیکِ وَ شِیعَتِک؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_166_1)( ای فاطمه(س) مژده باد! که در پیشگاه خدا مقامی شایسته داری که در آن مقام برای دوستان و شیعیانت شفاعت می کنی.»

ص: 166

1- . بحارالانوار، ج 76، ص 359.

تسبیحات حضرت فاطمه(س)

مقدمه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

تسبیحات حضرت فاطمه(س)

مقدمه

تسبیح حضرت فاطمه زهرا(س) مشتمل بر سه جمله است و آنها عبارت اند از:

«اللَّهُ اَکْبَرُ» 34 بار.

«اَلْحَمْدُ لِلَّهِ» 33 بار.

«سُبْحانَ اللَّهِ» 33 بار.

البته در برخی از روایات، جمله «سُبْحانَ اللَّهِ» قبل از «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ» ذکر شده است. اگر چه در جملات تسبیح فاطمه(س)، «تکبیر» و «تحمید» نیز وجود دارد؛ ولی از باب تغلیب، مجموع سه جمله به عنوان «تسبیح» نامیده شده است.

دلیل نامیده شدن این اذکار به «تسبیح فاطمه زهرا(س)» این است که: روزی حضرت فاطمه(س) از پیامبر اکرم(ص) درخواست کرد که کنیزی به او بدهد تا در کارهای خانه او را کمک کند. پیامبر(ص) در جوابش فرمود: «یا فاطِمَهُ! اُعْطِیکِ ما هُوَ خَیْرٌ مِنْ ذلِکَ تُکَبِّرِینَ اللَّهَ بَعْدَ کُلِّ صَلاهٍ اَرْبَعاً وَثَلاثِینَ تَکْبِیرَهً وَتَحْمَدِینَ اللَّهَ ثَلاثاً وَثَلاثِینَ تَحْمِیدَهً وَتُسَبِّحِینَ اللَّهَ ثَلاثاً وَثَلاثِینَ تَسْبِیحَهً ثُمَّ تَخْتِمِینَ ذلِکَ بِلا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ فَذلِکَ خَیْرٌ مِنَ الدُّنِیا وَما فِیها وَمِنَ الَّذِی اَرَدْتِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_167_1)( ای فاطمه! چیزی بهتر از آن به تو عطا می کنم، `و آن این است که ` بعد از هر نماز 34 بار تکبیر خدا، 33 بار حمد خدا و 33 بار تسبیح خدا را می گویی و آن را با ذکر لا اِلهَ اِلَّا اللَّه ختم می کنی. و این بهتر است از دنیا و هر چه در آن است و بهتر از آن چیزی (کنیزی) است که می خواستی.»

در پایان حدیث، این مطلب اضافه شده است: «پس فاطمه(س) بعد از هر نماز به گفتن این ذکرها مداومت کرد، تا این ذکرها به آن حضرت منسوب شد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_167_2)(

ص: 167

1- . دعائم الاسلام، ج 1، ص168؛ بحار الانوار، ج 82، ص336.

2- . دعائم الاسلام، ج 1، ص168؛ بحار الانوار، ج 82، ص336.

مفهوم ذکر

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

تسبیحات حضرت فاطمه(س)

مفهوم ذکر

از «مفردات راغب» استفاده می شود که ذکر، دو معنای اصلی دارد:

الف) ذکر، یک حالت نفسانی است که انسان به وسیله آن می تواند معلومات خود را نگهداری نماید. ذکر، در این معنا شبیه «حفظ» می باشد، با این تفاوت که به اعتبار نگهداری یک مطلب در حافظه «حفظ» گفته می شود و به اعتبار حاضر کردن و به خاطر آوردن آن «ذکر» نامیده می شود.

ب) ذکر، عبارت است از حاضر کردن چیزی در قلب یا زبان و گفتار، از این رو گفته اند: ذکر، یا با زبان است، یا با قلب، و هر کدام از آنها یا پس از نسیان و فراموشی است که به معنای اوّل می باشد و یا ادامه حفظ و توجه قلبی، بدون اینکه فراموش کرده باشد، در این صورت به معنای دوم خواهد بود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_168_1)(

ص: 168

1- . مفردات الفاظ القرآن، ص328.

تفاوت ذکر با علم و خاطر

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

تسبیحات حضرت فاطمه(س)

تفاوت ذکر با علم و خاطر

«ابی هلال عسکری» در فرق «ذکر» و «علم» می گوید: «اگرچه ذکر، نوعی علم و دانستن است؛ ولی به هر علمی ذکر گفته نمی شود. تنها آن علمی که پس از فراموشی یادآوری شود، ذکر نامیده می شود. و فرق دیگر اینکه علم در مقابل «جهل» قرار دارد؛ ولی ذکر در مقابل «سهو» قرار می گیرد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_169_1)(

وی در بیان فرق ذکر و خاطر نیز می گوید: «خاطر عبارت است از خطور و مرور معنا در قلب که گاهی این خطور ابتدایی بوده و بدون فراموشی قبلی است و گاهی پس از فراموشی قبلی می باشد؛ ولی ذکر عبارت است از حضور معنا در نفس پس از فراموشی و غیبت آن، که این مفهوم ذکر در مقابل «نسیان» قرار می گیرد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_169_2)(

از ملاحظه سخنان اهل لغت به این نتیجه می رسیم که ذکر به معنای یاد کردن از یک حقیقت و فراموش نکردن آن است؛ البته در موضوع بحث ما، منظور از ذکر، یا دکردن خدا و فراموش نکردن و غافل نشدن از او است.

ص: 169

1- . معجم فروق اللغویه، ص242، شماره 946.

2- . معجم فروق اللغویه، ص209، شماره 820 و 821.

مراتب ذکر خدا

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

تسبیحات حضرت فاطمه(س)

مراتب ذکر خدا

ذکر خدا مراتب متعدّدی دارد، از جمله آنها مرتبه ذکر زبانی و قلبی می باشد که ارزش ذکر قلبی به مراتب بالاتر از ذکر زبانی است؛ البته ذکر زبانی نیز ارزشمند است و از مقدمات ذکر قلبی محسوب می شود؛. ولی هدف اصلی آن است که بنده در قلب خود به خدا توجه داشته باشد و از او غافل نباشد و در سایه این توجه قلبی، دستورات خدا را انجام دهد و از نافرمانی او اجتناب ورزد.

ص: 170

ذکر کثیر

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

تسبیحات حضرت فاطمه(س)

ذکر کثیر

«ذکر کثیر» به معنای بسیار به یاد خدا بودن و از خدا غافل نشدن است، و به معنای واقعی کلمه؛ یعنی توجه به خدا با تمام وجود و نه تنها با زبان می باشد.

کسی را می توان اهل ذکر کثیر دانست که در هر حال و در هر شرایط به یاد خدا باشد و پرده های غفلت از خدا را کنار بزند و وسوسه های شیاطین را دور سازد و اگر لغزشی از او سر زند، فوراً در مقام توبه و جبران در آید، تا از صراط مستقیم الهی فاصله نگیرد.

مقام اهل ذکر کثیر مقامی رفیع است. همان گونه که در روایت «ابو سعید خدری» آمده است که: از پیامبر اسلام سؤال شد: «در قیامت، مقام کدام یک از بندگان خدا از همه برتر است؟» حضرت فرمود: «اَلذَّاکِرُونَ اللَّهَ کَثِیراً؛ کسانی که خدا را بسیار یاد می کنند.»

ابو سعید می گوید: عرض کردم: آیا آنها از رزمندگان در راه خدا نیز والامقام ترند؟ فرمود: «لَوْ ضَرَبَ بِسَیْفِهِ فِی الْکُفَّارِ وَالْمُشْرِکِینَ حَتّی یَنْکَسِرَ وَیَخْتَضِبَ دَماً لَکانَ الذَّاکِرُونَ اللَّهَ اَفْضَلَ دَرَجَهً مِنْهُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_171_1)( اگر `رزمنده ` با شمشیرش آن قدر بر پیکر کفّار و مشرکین بزند که شمشیرش بشکند و با خون رنگین شود، باز هم مقام ذاکران خدا از مقام او برتر است.»

ص: 171

1- . تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ج 17، ص278؛ به نقل از المیزان، ج 16، ص353.

در این حدیث، مقام اهل ذکر کثیر از مقام رزمندگان اسلام نیز بالاتر و برتر معرفی شده است. دلیل آن نیز این است که جهاد خالصانه، بدون یاد خدا و توجّه به او ممکن نیست.

در کلمات مفسّران قرآن و روایات اسلامی برای ذکر کثیر تفسیرهای گوناگونی بیان شده است که ظاهراً تمام آنها از قبیل بیان مصداق بوده، مفهوم وسیع ذکر کثیر (بسیار به یاد خدا بودن) شامل تمام آنها می شود.

بعضی از مفسّران گفته اند: «ذکر کثیر آن است که در حال قیام و قعود و به هنگامی که به بستر می رود، یاد خدا کند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_172_1)(

ودر کلمات بعضی از مفسّران قرآن، ذکر کثیر به ذکر صفات علیا و اسماء حسنی و تنزیه پروردگار از آنچه شایسته او نیست، یا مانند آن تفسیر شده است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_172_2)(

در حدیثی از پیامبر اسلام(ص) چنین نقل شده است: «اِذا اَیْقَظَ الرَّجُلُ اَهْلَهُ مِنَ اللَّیْلِ وَتَوَضَّئا وَصَلَّیْا کُتِبا مِنَ الذاکِرِینَ اللَّهَ کَثِیراً وَالذَّاکِراتِ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_172_3)( هرگاه مرد همسرش را شبانگاه بیدار کند و هر دو وضو بگیرند و نماز (شب) بخوانند، از مردان و زنانی خواهند بود که بسیار یاد خدا می کنند.»

ص: 172

1- . تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ج 17، ص335.

2- . تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ج 17، ص278.

3- . همان، ص334 و 335؛ به نقل از مجمع البیان، ج 8، ص358.

در تفسیر آیاتی از قرآن که به ذکر کثیر دستور داده یا آن را از صفات مؤمنان شمرده اند، روایاتی وارد شده است که آن آیات را با تسبیح فاطمه(س) تطبیق داده و از مصادیق ذکر کثیر شمرده اند؛ البته درست است که ذکر کثیر به معنای توجه قلبی به خدا و بلکه توجّه با تمام وجود به او است، و تسبیح فاطمه(س) در ظاهر تنها چند ذکر لفظی و زبانی است که در مجموع صد بار تکرار می شود، ولی اگر همین ذکرهای زبانی، با توجه کامل ادا شود، می تواند مقدمه توجّه قلبی قرار گیرد، همان گونه که در نماز و امثال آن نیز مطلب از این قرار است.

در ادامه ضمن ارائه برخی از آیات که درباره ذکر نازل شده است، به روایاتی از ائمه(ع) اشاره می کنیم که مصداق ذکر کثیر را تسبیح حضرت زهرا(س) معرفی کرده اند.

ص: 173

تسبیح فاطمه(س) از مصادیق ذکر کثیر

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

تسبیحات حضرت فاطمه(س)

تسبیح فاطمه(س) از مصادیق ذکر کثیر

1. خدای مهربان، پس از بیان بزرگ ترین نعمت الهی؛ یعنی رسالت پیامبر عظیم الشأن اسلام(ص) که مردم را با تعلیم و تزکیه به راه صحیح هدایت می کند، می فرماید: (فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ وَ اشْکُرُوا لِی وَ لَا تَکْفُرُونِ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_174_1)( «پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم، و شکر مرا گویید و (در برابر نعمتهایم) کفران نکنید.»

بدیهی است که منظور از این آیه، وجود حالتی عاطفی میان خدا و بندگان نیست، آن گونه که در میان انسانها معمول است که به همدیگر می گویند: «به یاد ما باشید تا به یاد شما باشیم»؛ بلکه اشاره به اصلی تربیتی و تکوینی است؛ «به یاد من باشید» یعنی به یاد ذات پاکی که سرچشمه تمام خوبیها و نیکیها است، باشید، و بدین وسیله روح و جان خود را پاک و آماده پذیرش رحمت پروردگار سازید. توجه به این ذات پاک، بنده را در فعالیتهایش مخلص تر، متحدتر و نیرومندتر می سازد. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_174_2)(

منظور از «ذکر خدا» تنها یادآوری به زبان نیست؛ بلکه منظور این است که بنده با تمام دل و جان به ذات پاک خدا توجه داشته باشد؛ توجهی که انسان را از گناه بازمی دارد و به اطاعت از دستورات او دعوت می کند.

ص: 174

1- . بقره/152.

2- . تفسیر نمونه، ج 1، ص585.

در ذیل این آیه «محمّد بن مسلم» از امام باقر(ع) روایت کرده است که فرمود: «تَسْبِیحُ فاطِمَهَ(س) مِنْ ذِکْرِ اللَّهِ الْکَثِیرِ الَّذِی قال اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_175_1)( «تسبیح فاطمه(س) از `اقسام ` ذکر بسیار است که خدا `به آن دستور داده و` فرموده است که: به یاد من باشید تا به یاد شما باشم.»

از این حدیث چنین استنباط می شود که تسبیح حضرت فاطمه زهرا(س)، مصداقی از ذکر کثیر خدا است. شاید منظور این باشد که اگر گفتن تسبیح فاطمه(س) همراه با توجّه قلبی باشد، مصداق ذکر کثیر است.

2. قرآن کریم پس از مذمّت شاعران بی هدف، می فرماید: (إِلَّا الَّذِینَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّلِحَتِ وَ ذَکَرُوا اللَّهَ کَثِیرًا وَانتَصَرُواْ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُواْ)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_175_2)( «مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند و خدا را بسیار یاد کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع شوند، به دفاع از خویشتن `و مؤمنان` برخیزند `و از شعر در این راه کمک گیرند`.»

ص: 175

1- . وسائل الشیعۀ، شیخ حرّ عاملی، ج 6، ص441.

2- . شعراء/227.

در این آیه شریفه چهار صفت شاعران با هدف بیان شده است: 1) ایمان. 2) عمل صالح. 3) بسیار به یاد خدا بودن. 4) با نیرو گرفتن از قدرت شعر، در برابر ستمها به پا خواستن.

در تفسیر این آیه آمده است: شخصی از امام صادق(ع) پرسید: «مراد از ذکر کثیر در این آیه چیست؟» حضرت فرمود: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِیحَ فاطِمَهَ(س) فَقَدْ ذَکَرَ اللَّهَ الذِّکْرَ الْکَثِیرَ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_176_1)( هر کس با تسبیح فاطمه(س) تسبیح گوید، در حقیقت خدا را با ذکر کثیر یاد کرده است.»

3. خداوند در قرآن کریم می فرماید: (إِنَّ الْمُسْلِمینَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْقانِتینَ وَ الْقانِتاتِ وَ الصَّادِقینَ وَ الصَّادِقاتِ وَ الصَّابِرینَ وَ الصَّابِراتِ وَ الْخاشِعینَ وَ الْخاشِعاتِ وَ الْمُتَصَدِّقینَ وَ الْمُتَصَدِّقاتِ وَ الصَّائِمینَ وَ الصَّائِماتِ وَ الْحافِظینَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ وَ الذَّاکِرینَ اللَّهَ کَثیراً وَ الذَّاکِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَهً وَ أَجْراً عَظیماً)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_176_2)( «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.»

جمعی از مفسران گفته اند: «هنگامی که «اسماء بنت عمیس» همراه شوهرش «جعفر بن ابی طالب» از «حبشه» بازگشت و به دیدن همسران پیامبر آمد، یکی از سؤالاتی که مطرح کرد این بود که: آیا چیزی از آیات قرآن درباره زنان نازل شده است؟ آنها در پاسخ گفتند: نه!

ص: 176

1- . وسائل الشیعۀ، ج 4، ابواب تعقیب، باب 8، ص1023، ح 5.

2- . احزاب/35.

«اسماء» به خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است! پیامبر فرمود: چرا؟ عرض کرد: به خاطر اینکه در اسلام و قرآن فضیلتی درباره آنها همانند مردان نیامده است. اینجا بود که آیه فوق نازل شد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_177_1)( و به زنها اطمینان داد که زن و مرد در پیشگاه خدا از نظر قرب و منزلت یکسان اند. مهم آن است که از نظر اعتقاد و عمل و اخلاق اسلامی واجد فضیلت باشند.

در رابطه با اینکه منظور از ذکر کثیر در این آیه چیست، در روایات اسلامی و کلمات مفسّرین، تفسیرهای گوناگونی بیان شده است؛ ولی همان گونه که در گذشته نیز گفته شد، ظاهراً تمام آن تفسیرها از قبیل بیان مصداق است و مفهوم وسیع این کلمه، شامل همه آنها می شود.

در حدیثی از امام صادق(ع) چنین روایت شده است: «مَنْ باتَ عَلی تَسْبِیحِ فاطِمَهَ(س) کانَ مِنَ (الذَّاکِرِینَ اللَّهَ کَثِیراً وَالذَّاکِراتِ)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_177_2)( کسی که با تسبیح فاطمه(س) بخوابد، از `مصادیق این آیه شریفه است که می فرماید:` «مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند.» ملاحظه می شود که در این حدیث، گوینده تسبیح فاطمه(س) - اعم از مرد و زن - از مصادیق بسیار ذکر کنندگان شمرده شده است.

ص: 177

1- . تفسیر نمونه،ج 17، ص330 و 331.

2- . وسائل الشیعۀ، ج 4، ابواب تعقیب، باب 11، ص1023، ح 4.

4. قرآن کریم می فرماید: (یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْرًا کَثِیرًا وَ سَبِّحُوهُ بُکْرَهً وَ أَصِیلاً)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_178_1)( «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید، و صبح و شام او را تسبیح گویید.»

این آیه مؤمنان را موظّف می کند که در تمام احوال به یاد خدا باشند؛ یعنی ای مؤمنان! به هنگام عبادت او را یاد کنید و حضور قلب و اخلاص داشته باشید. به هنگام حضور در صحنه های گناه، او را یاد کنید و چشم بپوشید. اگر لغزشی روی داد، توبه کنید و به راه حق بازگردید.

به هنگام نعمت، او را یاد کنید و شکرگزار باشید. به هنگام بلا و مصیبت او را یاد کنید و صبور و شکیبا باشید. خلاصه، یاد او را در هیچ صحنه ای از صحنه های زندگی فراموش نکنید.

همان گونه که از سیاق آیات استفاده می شود؛ منظور از «تسبیح خدا در هر صبح و شام» همان دوام تسبیح است، و ذکر خصوص این دو وقت، به عنوان آغاز و پایان روز می باشد. و اینکه بعضی آن را به نماز صبح و عصر و یا مانند آن تفسیر کرده اند، باز از قبیل ذکر مصداق است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_178_2)(

ص: 178

1- . احزاب/41 و 42.

2- . ر.ک: تفسیر نمونه، ج 17، ص377 و 378.

«اسماعیل بن عمار» می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم که حدّ و اندازه ذکر کثیر (ذکر بسیار) که خداوند در قرآن فرموده، چقدر است؟ حضرت فرمود: «اِنَّ رَسُولَ اللَّهِ(ص) عَلَّمَ فاطِمَهَ(س) اَنْ تُکَبِّرَ اَرْبَعاً وَثَلاثِینَ تَکْبِیرَهً وَتُسَبِّحَ ثَلاثاً وَثَلاثِینَ تَسْبِیحَهً وَتُحَمِّدَ ثَلاثاً وَثَلاثِینَ تَحْمِیدَهً فَاِذا فَعَلْتَ ذَلِکَ بِاللَّیْلِ مَرَّهً وَبِالنَّهارِ مَرَّهً فَقَدْ ذَکَرْتَ اللَّهَ ذِکْراً کَثِیراً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_179_1)( رسول خدا(ص) به فاطمه(س) یاد داد که 34 بار تکبیر، 33 بار تسبیح و 33 بار تحمید بگوید. پس اگر تو یک بار شب و یک بار روز این کار را انجام دهی، در حقیقت خدا را با ذکر بسیار یاد کرده ای.»

البته باید توجه داشت که منظور از ذکر کثیر این نیست که شخصی آن را فقط به زبان بگوید؛ ولی در زندگی یادی از خدا نکند و مرتکب گناه شود؛ بلکه همان گونه که در گذشته اشاره شد، منظور از ذکر کثیر آن است که بنده در تمام احوال به یاد خدا باشد و هرگز او را فراموش نکند. تسبیح فاطمه(س) نیز در مرحله لفظ و ذکر زبانی از مصادیق ذکر کثیر است که خود مقدمه ذکر قلبی و به یاد خدا بودن است و آن نیز مقدمه انجام وظایف بندگی و ترک معصیت می باشد.

ص: 179

1- . مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج 5، ص 37.

ذکر و تسبیح فاطمه(س)

از امام علی(ع) نقل شده است که: «یکی از پادشاهان عجم برده ای به پیامبر(ص) هدیه نمود، من به فاطمه گفتم: نزد رسول خدا برو و خدمتگزاری برای خود درخواست کن! زهرا(س) نزد رسول خدا(ص) رفته و این موضوع را با ایشان در میان گذارد. پیامبر(ع) فرمودند: فاطمه جان! چیزی به تو می دهم که برایت از خادم و آنچه در دنیاست بهتر باشد؛ بعد از نماز، 34 بار الله اکبر، و 33 مرتبه الحمدلله و 33 بار سبحان الله بگو. آنگاه این اذکار سه گانه را با «لا اله الا الله» پایان بخش، و این برای تو از آنچه خواسته ای و ازدنیا و آنچه در دنیاست بهتر خواهد بود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_180_1)(

حضرت فاطمه زهرا(س) مقید بود که این تسبیحات را بعد از هر نماز بگوید و به همین علت تسبیحات فاطمه زهرا(س) نامیده شده است.

ص: 180

1- . فاطمه الزهراء(س) از ولادت تا شهادت، ص 224.

فضیلت تسبیحات فاطمه(س)

درباره اهمیت تسبیح فاطمه زهرا(س) و فضیلت آن روایات زیادی از معصومین(ع) وارد شده است، در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

1) امیر مؤمنان علی(ع) فرمودند: «فَوَ اللَّهِ ما تَرَکْتُهُنَّ مُنْذُ عَلَّمَنِیهِنَّ رَسُولُ اللَّهِ؛ به خدا سوگند! از آن روزی که رسول خدا آن ذکرها را به من یاد داده است، هیچ گاه ترک نکرده ام.»

شخصی پرسید: «حتّی در شبهای جنگ صفین هم ترک نکرده ای؟!» فرمود: «نَعَمْ وَلا لَیْلَهَ صِفَّیْنِ؛ آری! حتی در شبهای جنگ صفین هم ترک نکردم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_181_1)(

2) امام باقر(ع) فرمودند: «ما عُبِدَ اللَّهُ بِشَیْی ءٍ مِنَ التَّحْمِیدِ اَفْضَلَ مِنْ تَسْبِیحِ فاطِمَهَ(س) وَلَوْ کانَ شَیْی ءٌ اَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ فاطِمَهَ(س)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_181_2)( از جهت حمد و ذکر، خدا با چیزی بهتر از تسبیح حضرت فاطمه زهرا(س) عبادت نشده است. اگر عملی بهتر از آن بود، پیامبر خدا آن را به حضرت زهرا(س) عطا می کرد.»

در روایت دیگر فرمودند: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِیحَ فاطِمَهَ(س) ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفِرَ لَهُ وَهِیَ مِائَهٌ بِالّلِسانِ وَاَلْفٌ فِی الْمِیزانِ وَتَطْرُدُ الشَّیْطانَ وَتُرْضِیَ الرَّحْمَنَ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_181_3)( هر کس تسبیح حضرت فاطمه زهرا(س) را بگوید و بعد از آن استغفار نماید، بخشیده می شود. و آن در زبان صد ذکر است؛ ولی در میزان اعمال هزار به حساب می آید. شیطان را دور می کند و خدا را راضی می نماید.»

ص: 181

1- . فاطمه(س) تجلیگاه انوار آفرینش، ج 1، ص373 و 374؛ به نقل از احقاق الحق، ج 10، ص278.

2- . وسائل الشیعۀ، ج 4، ابواب تعقیب، باب 9، ص1024، ح 1.

3- . وسائل الشیعۀ، ج 4، ابواب تعقیب ، باب 8، ص1023، ح 3.

3) امام صادق(ع) فرمود: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِی دُبُرِ الْفَرِیضَهِ تَسْبِیحَ فاطِمَهَ الْمِائَهَ مَرَّهً وَاَتْبَعَها بِلا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ مَرَّهً غُفِرَ لَهُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_182_1)( هر کس پس از نماز واجب، با تسبیح فاطمه(س) صد بار به تسبیح خدا بپردازد، و به دنبال آن یک بار «لا اِلهَ اِلَّا اللَّه» بگوید، آمرزیده می شود.»

و نیز فرمودند: «تَسْبِیحُ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ(س) - مِنَ الذِّکْرِ الْکَثِیرِ الَّذِی قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ- : (اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثِیرا)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_182_2)( تسبیح فاطمه زهرا(س) مصداق ذکر کثیری است که خداوند فرمود: خدا را یاد کنید، یاد کردنی بسیار است.»

و در حدیث دیگری فرمود: «تَسْبِیحُ فاطِمَهَ(س) فِی کُلِّ یَوْمٍ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلاهٍ اَحَبُّ اِلَی اللَّهِ مِنْ صَلاهِ اَلْفِ رَکْعَهٍ فِی کُلِّ یَوْمٍ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_182_3)( تسبیح فاطمه زهرا(س) هر روز بعد از هر نماز، از هزار رکعت نماز در هر روز نزد خدا محبوب تر است.»

ص: 182

1- . وسائل الشیعۀ، ج 4، ابواب تعقیب ، باب 7، ص1021، ح 3.

2- . وسائل الشیعۀ، ج 4، ص 1022.

3- . وسائل الشیعۀ ، باب 9، ص1024، ح 2.

«مَنْ سَبَّحَ تَسْبِیحَ فاطِمَهَ الزَّهْراءِ(س) فِی دُبُرِ الْفَرِیضَهِ قَبْلَ اَنْ یَثْنِیَ رِجْلَیْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_183_1)( هر کس بعد از نماز واجب، پیش از آنکه پاهای خود را جفت کند (قبل از به هم خوردن حالت جلوس تشهد و سلام)، تسبیح فاطمه زهرا(س) بگوید، خداوند او را می آمرزد.»

از این احادیث معلوم می شود که گفتن تسبیح حضرت فاطمه زهرا(س) ارزش فوق العاده ای دارد و بهترین زمان گفتن آن، بعد از نماز واجب، بدون فاصله و پیش از به هم خوردن حالت نماز است.

ص: 183

1- . وسائل الشیعۀ ، باب 7، ص1022، ح 4.

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

مقدمه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

مقدمه

کرامت عبارت است از «انجام کار خارق العاده با قدرت غیر عادی و بدون ادعای نبوت و یا امامت.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_184_1)(

به عقیده اکثریت علمای مذاهب اسلامی - جز گروه اندکی از معتزلیها - صدور کرامت از اولیای خداوند و به دست آنها ممکن است. به قول دانشمندان: «اَدَلُّ دَلِیلٍ عَلَی اِمْکَانِ الشَّیءِ وُقُوعُهُ؛ بالاترین دلیل بر امکان چیزی، وقوع و انجام آن چیز است.»

در تاریخ نمونه های زیادی از کرامات اولیای خداوند نقل شده است. مثل: سرگذشت حضرت مریم(س) و جریان ولادت فرزندش حضرت عیسی(ع)، نزول میوه های بهشتی در محراب عبادت برای او و نیز داستان «عاصف بن برخیا» و انتقال تخت ملکه سبأ از یمن به فلسطین در یک چشم به هم زدن و داستانهایی که شیعه و سنی درباره کرامات حضرت علی(ع) نقل کرده اند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_184_2)( به شرح ذیل است:

ص: 184

1- . بدایه المعارف، ج 1، ص239.

2- . کشف المراد، ص 351.

سخن گفتن با مادر در دوران جنینی

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

سخن گفتن با مادر در دوران جنینی

در دوران بارداری خدیجه کبری، فاطمه(س) درون شکم مادر با وی سخن می گفت که به برخی روایات در این زمینه اشاره می کنیم:

الف) از حضرت خدیجه(س) نقل شده است: «در زمانی که به فاطمه(س) حامله شدم، وی در شکمم با من صحبت می کرد.»

«لَمَا حَمَلَت بِفَاطِمَه کَانَت حَملَاً خَفِیفَاً تُکَلِّمُنِی مِن بَاطِنِی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_185_1)( زمانی که فاطمه(س) را باردار بودم، حملی سبک بود و از باطنم با من سخن می گفت.»

ب) دهلوی نقل می کند: «آن زمان که خدیجه به فاطمه(س) حامله گردید، وی در درون شکم مادر، با وی سخن می گفت و خدیجه(س) این مطلب را از رسول خدا پنهان می کرد. روزی رسول خدا(س) بر خدیجه(س) وارد شد، دید با کسی سخن می گوید، بدون اینکه شخصی نزد او باشد. فرمود: با چه کسی سخن می گفتی؟ عرض کرد: با کسی که در شکم دارم. حضرت فرمود: «ابشری یا خدیجه! هذه بنت جعلها الله ام احد عشر من خلفائی یخرجون بعدی وبعد ابیهم؛ بشارت باد را ای خدیجه! این `را که در شکم داری` دختری است که خداوند او را مادر یازده تن از جانشینان من قرار داده است، که ایشان پس از من و پدرشان `علی(ع) به عنوان امام` خارج می شوند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_185_2)(

ص: 185

1- . نزهه المجالس، ج 2، ص 227.

2- . عیون المعجزات، ص 51.

آمدن حور العین و زنان بهشتی هنگام ولادت حضرت زهرا(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

آمدن حور العین و زنان بهشتی هنگام ولادت حضرت زهرا(س)

حضرت خدیجه(س) به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که زمان وضع حمل من نزدیک است، مرا در این امر یاری نمایید؛ ولی آنان پاسخ دادند: «ای خدیجه! چون تو در ازدواجت از سخنان ما سرپیچی نمودی، و محمد(ص) یتیم را به همسری برگزیدی، ما نیز تو را یاری نمی کنیم.» خدیجه(س) از این جواب سخت غمگین و ناراحت شد، در این هنگام چهار زن، همانند زنان بنی هاشم وارد شدند، در حالی که خدیجه از دیدن آنان هراسان شده بود. یکی از آن چهار زن به خدیجه گفت: «غمگین مباش! پروردگارت ما را برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم. من «ساره» هستم، این «آسیه، دختر مزاحم» رفیق بهشتی تو است و این هم «مریم، دختر عمران» و این یکی «کلثوم، خواهر موسی بن عمران» خدا ما را برای کمک به تو فرستاده است تا یاور و پرستار تو باشیم.»

یک نفر از آن چهار زن در سمت راست خدیجه(س)، دومی در طرف چپ او، سومی در پیش رویش، و چهارمی در پشت سر او نشستند و فاطمه(س) پاک و پاکیزه تولد یافت.

ص: 186

پس از تولد آن حضرت، ده نفر حور العین که در دست هر یک ظرفی بهشتی پر از آب کوثر و یک طشت بهشتی بود، وارد شدند و حضرت فاطمه(س) را با آب کوثر شستشو دادند و سپس در میان پارچه ای که از شیر سفیدتر، و از مشک و عنبر خوشبوتر بود پیچیدند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_187_1)(

حضرت فاطمه(س) در هنگام ولادتش حور العین و بانوان عالی مقام یاد شده را کاملاً شناخت و با ذکر نام به تک تک آنها سلام کرد. این کرامت نشان می دهد که ملاقات و آشنایی آن حضرت با آنان بی سابقه نبوده، و آن وجود مقدس قبلا عوالمی را طی کرده و در مسیر ملکوتی خویش، آن فرستادگان آسمانی را دیده و شناخته است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_187_2)(

ص: 187

1- . بحار الانوار، ج 16، ص 80 و ج 43، ص 2 - 4؛ امالی صدوق، ص 475 - 476. و مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 304.

2- . بحار الانوار، ج 26، ص117 - 132.

نورانی شدن مکه و جهان با نور ولادت فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

نورانی شدن مکه و جهان با نور ولادت فاطمه(س)

کرامت دیگری که برای آن بانوی بزرگ اسلام ذکر شده، این است که چون آن مولود مقدس پا به دنیا نهاد، نوری از طلعت او ساطع شد که پرتو آن به تمام خانه های مکه وارد گردید، و در شرق و غرب زمین محلی نماند که از نور او بی بهره باشد، چنان که در روایتی از امام صادق(ع) می خوانیم: «فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَی الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_188_1)( زمانی که `فاطمه(س)` به دنیا آمد، نور از او ساطع گشت.»

در قسمت دیگری از این روایت می خوانیم: «وَ بَشَّرَ أَهْلُ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلَادَهِ فَاطِمَهَ(س) وَ حَدَثَ فِی السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِکَهُ قَبْلَ ذَلِکَ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_188_2)( بعضی از اهالی آسمان به برخی دیگر ولادت حضرت زهرا را بشارت می دادند، و نور بسیار درخشانی در آسمان حادث شد که فرشتگان قبل از آن نظیرش را ندیده بودند.»

ص: 188

1- . بحار الانوار، ج 16، ص 80 - 81؛ ج 43، ص 2.

2- . بحار الانوار، ج 43، ص 3.

در روایت اهل سنت نیز آمده است: «فلمّا تم امد حملها وانقضی وضعت فاطمه فاشرق بنور وجهها الفضاء )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_189_1)( ؛ آن هنگام که مدت حمل فاطمه تمام شد، خدیجه او را به دنیا آورد، و به نور جمال او، فضا روشن و منور گردید.»

این نور در روز قیامت آشکارتر خواهد شد، چنانکه از ابن عباس نقل شده است که: «در روز قیامت، اهل بهشت ناگهان متوجه می شوند که بهشت همانند روشنی روز توسط خورشید روشن شد، سؤال می کنند: خدایا! فرمودی در بهشت خورشیدی وجود ندارد، )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_189_2)( پس این نور چیست؟ جبرئیل جواب می دهد: این نور خورشید نیست؛ بلکه نور خنده فاطمه و علی(ع) است.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_189_3)(

ص: 189

1- . شعیب بن سعد مصری، ص 214.

2- . انسان/13.

3- . روض الفائق، بحارالانوار، ج 35، ص 241 و امالی صدوق، ص 333، ح 11.

سجده هنگام ولادت

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

سجده هنگام ولادت

کرامت دیگر آن حضرت این است که به هنگام ولادت به سجده افتاد، چنانکه از حضرت خدیجه کبری نقل شده است: «فولدت فاطمه، فوقعت علی الارض ساجده رافعه اصبعها )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_190_1)( ؛ هنگامی که فاطمه(س) به دنیا آمد، به روی زمین به حال سجده افتاد، در حالی که انگشت خویش را بالا گرفته بود.»

ص: 190

1- . ینابیع الموده، قندوزی، ص 198 و الصراط المستقیم، علی بن یونس عاملی، ص 170.

گفتن شهادتین هنگام ولادت

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

گفتن شهادتین هنگام ولادت

کرامت دیگر آن حضرت این است که هنگام ولادت، به توحید، رسالت و ولایت شهادت داد. امام صادق(ع) در این رابطه می فرماید: «فَلَمَّا سَقَطَتْ... فَنَطَقَتْ فَاطِمَهُ(س) بِالشَّهَادَتَیْنِ وَ قَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِی رَسُولُ اللَّهِ سَیِّدُ الْأَنْبِیَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِی سَیِّدُ الْأَوْصِیَاء ِوَ وُلْدِی سَادَهُ الْأَسْبَاطِ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_191_1)( ؛ بعد از اینکه پا به دنیا گذاشت... سخن خود را با شهادتین آغاز نمود و گفت: شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست، و پدرم فرستاده خدا و سید و سالار پیامبران است و همسرم سید اوصیاء، و فرزندانم سید و سالار نوادگان رسول خدا(ص) هستند.»

روایت فوق، اولا نشان می دهد که آن حضرت به هنگام تولد سخن گفته و دیگر اینکه از آینده و همسری خود با علی(ع) و امامت فرزندان خود خبر داشته است.

ص: 191

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 3.

جامه بهشتی

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

جامه بهشتی

از «ابن جوزی» نقل شده است: «در هنگام زفاف فاطمه(س) (بعد از دادن جامه عروسی خود به فقیر) جبرئیل به محضر رسول خدا(ص) آمده، عرض کرد: یا رسول الله! پروردگارت سلام می رساند، و مرا نیز فرمان داده که به فاطمه(س) سلام برسانم و برای فاطمه(س) جامه ای از دیبای سبز و از جامه های بهشتی فرستاده است. فاطمه(س) بعد از پوشیدن لباس نزد پدر آمد، حضرت با عبای خود، و جبرئیل با بالهای خود آن جامه را پوشاندند تا نور آن باعث آزار دیدگان نشود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_192_1)(

روزی بعضی از یهودیان خدمت پیامبر(ص) رسیده، عرض کردند: «ما حق همسایگی داریم، درخواست می کنیم دخترت فاطمه(س) را به عروسی ما بفرستی تا مجلس جشن ما به قدوم آن حضرت زینت گیرد.» پیامبر(ص) فرمود: «فاطمه، زن علی بن ابیطالب(ع) است و در اطاعت او می باشد.» اما آنها اصرار کردند که تو شفاعت کن که علی(ع) به او اجازه دهد. بعد از اجازه، یهودیان خود را به هر آنچه از لباسهای خوب و فاخر و جواهرات داشتند، آراستند و گمان می کردند که فاطمه(س) با لباس فقیری می آید و او را استهزا می کنند؛ اما جبرئیل نازل شد و لباسی بهشتی با جواهرات بی نظیری - که چشم روزگار مانند آن را ندیده بود - با خود آورد و فاطمه(س) آن را پوشید و به مجلس عروسی رفت و زنان چون این منظره را دیدند، به سجده افتاده، مسلمان شدند و به سبب آن بسیاری دیگر از یهودیان نیز مسلمان شدند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_192_2)(

ص: 192

1- . احقاق الحق، ج 10، ص 401.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص 30.

هم صحبتی با ملائکه

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

هم صحبتی با ملائکه

دانشمندان شیعه و سنی معتقدند که بعد از پیامبر اکرم(ص) یقیناً انسانهایی بوده اند که هم سخن ملائکه قرار می شدند؛ منتهی در مصداق آن اختلاف دارند. از کرامتهای مهم حضرت این بود که بعد از پدر، با ملائکه هم صحبت بود.

امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ(ص) کَانَتْ مُحَدَّثَهً وَ لَمْ تَکُنْ نَبِیَّهُ إِنَّمَا سُمِّیَتْ فَاطِمَهُ مُحَدَّثَهً لِأَنَّ الْمَلَائِکَهَ کَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِیهَا کَمَا تُنَادِی مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَان )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_193_1)( ؛ فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص)، محدثه بود، ولی پیامبر نبود. فاطمه(س) از این جهت محدثه نامیده شده است که فرشتگان از آسمان نازل می شدند و با او همانند مریم دختر عمران گفت وگو داشتند.»

فاطمه بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) 75 روز بیشتر زنده نماند و غم جانسوز داغ پدر، قلب او را لبریز کرده بود، به این جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می رسید و او را در عزای پدر تسلیت می گفت )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_193_2)( و تسلی بخش خاطر غمین زهرا بود، و گاه از مقام و منزلت پدر بزرگوارش سخن می گفت و گاه از حوادثی که بعد از رحلت او بر فرزندانش وارد می گردد، خبر می داد. امیرالمؤمنین(ع) نیز آنچه جبرئیل املاء می کرد، همه را به رشته تحریر در می آورد و مجموعه این سخنان در کتاب ویژه ای جمع آوری شده، که به نام «مصحف فاطمه» یاد می شود. در زیارت نامه حضرت می خوانیم: «السلام علیک ایتها المحدثه العلیمه. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_193_3)( »

ص: 193

1- . بحار الانوار، ج 26، ص 75.

2- . اصول کافی، ج 1، ص 241؛ بحار الانوار، ج 22، ص 546 و ج 26، ص 41.

3- . بحار الانوار، ج 97، ص195.

گردش آسیاب

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

گردش آسیاب

میمونه می گوید: «پیامبر(ص) مقداری گندم را توسط من نزد فاطمه فرستاد تا با دستاس آن را آرد نماید. گندم را نزد حضرت بردم، دیدم حضرت ایستاده (ظاهراً نماز می خواند)؛ ولی آسیاب می چرخد و حرکت می کند. این خبر را به پیامبر(ص) عرض کردم، فرمود: خداوند ناتوانی و ضعف جسمانی فاطمه(س) را می داند؛ لذا به آسیاب و دستاس دستور می دهد که خود دور بزند، او هم می گردد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_194_1)(

ص: 194

1- . لسان المیزان، ج 5، ص 65؛ میزان الاعتدال، ج 3، ص 468.

حرکت گهواره

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

حرکت گهواره

در روایتی می خوانیم: «رُبَّمَا اشْتَغَلَتْ بِصَلَاتِهَا وَ عِبَادَتِهَا فَرُبَّمَا بَکَی وُلْدُهَا فَرَأَی الْمَهْدَ یَتَحَرَّکُ وَ کَانَ مَلَکٌ یُحَرِّکُه )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_195_1)( ؛ گاهی حضرت مشغول خواندن نماز و عبادت بود، فرزندش گریه می کرد، گهواره به حرکت درمی آمد، و فرشته ای بود که آن را حرکت می داد.»

ص: 195

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 45.

غذای بهشتی

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

غذای بهشتی

روزی امام علی(ع) دیناری قرض گرفته بود که با آن چیزی تهیه کند، تا شدت گرسنگی را از فاطمه(س) و فرزندانش رفع نماید. مقداد را دید که از گرسنگی شدید اهل و عیالش خبر می دهد. حضرت دینار را به او بخشید. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر، پیامبر(ص) فرمود: «ای ابالحسن! آیا شما چیزی در منزل دارید تا به منزل شما بیایم؟» امام علی(ع) بر اثر خجالت و حیا از پیامبر(ص) عرض کرد: «تشریف بیاورید.» پیامبر اکرم(ص) دست علی(ع) را گرفته و با هم وارد خانه زهرا(س) شدند، او در حال نماز بود و پشت سر وی ظرفی بود که از آن بخار برمی خاست.

وقتی صدای پیامبر(ص) را شنید، از محراب نماز خارج شده و به پدر بزرگوار خویش سلام کرد. پیامبر اکرم(ص) بعد از جواب سلام فرمودند: «برای ما غذایی بیاور، خداوند رحمتش را بر تو نازل کند.»

ص: 196

فاطمه(س) ظرف غذا را آورده، در مقابل پیامبر(ص) و علی(ع) نهاد. علی(ع) سؤال کرد: «ای فاطمه! این طعام از کجاست؟ من هرگز طعامی به این خوشرنگی ندیده و خوش بوتر از آن بویی استشمام نکرده و خوش مزه تر از آن نخورده ام.» رسول اکرم(ص) دست مبارک خود را بین دو کتف علی(ع) نهاد، مختصری فشرد و فرمود: «این پاداش دیناری است که تو در راه خدا دادی.»

آن گاه اشک رسول خدا(ص) جاری شد و فرمود: «سپاس خدای را که ابا می کند شما را بدون مزد و پاداش از دنیا ببرد. ای علی! پروردگارت می خواهد آنچه را که بر زکریا(ع) جاری فرموده، بر تو نیز جاری نماید.

آنگاه رو به حضرت زهرا(س) کرد و فرمود: «وَ یَجرِیکَ یَا فَاطِمَهُ فِی المَجرَی الَّذِی اَجرَی فِیهِ مَریَمَ (کُلَّمَا دَخَلَ عَلَیهَا زَکَریَا المِحرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزقَاً قَالَ یَا مَریَمُ اَنِّی لَکِ هَذَا؟ قَالَ: هُوَ مِن عِندِاللهِ)؛ و تو را ای فاطمه(س) در همان مسیری که مریم را حرکت داد، پیش برد. `چنان که قرآن می گوید:` «هر گاه زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آنجا می دید، از او می پرسید: ای مریم، این را از کجا آورده ای؟! می گفت: این از سوی خداست.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_197_1)(

ص: 197

1- . ذخائر العقبی، ص 45 - 47.

قابل دقت است که هرچند این غذا پاداش عطای امام علی(ع) است و کرامتی برای او به حساب می آید؛ ولی برای فاطمه(س) نیز کرامت محسوب می شود؛ چرا که خداوند به احترام او چنین میوه ای را از بهشت فرستاده است.

ص: 198

زیان نرساندن آتش به بدن فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

زیان نرساندن آتش به بدن فاطمه(س)

انس می گوید: «حجاج بن یوسف از این حدیث که عایشه دیده بود فاطمه(س) با دست خود، غذای داغ دیگ را به هم می زند، پرسید. گفتم: بله، عایشه بر فاطمه زهرا(س) وارد شد، در حالی که غذا برای حسنین(ع) آماده می کرد، ظرف غذا کاملاً می جوشید، دید فاطمه با دست خود (بدون هیچ وسیله ای) دیگ جوشان را به هم زد. هراسان و فریاد زنان نزد پدر خود (ابوبکر) رفت، ماجرا را تعریف کرد، ابوبکر گفت: این صحنه را کتمان کن `و با کسی مطرح نکن`؛ زیرا امر بسیار بزرگی است.

این خبر به پیامبر(ص) رسید، حضرت بالای منبر رفت، بعد از حمد و ثنای الهی، فرمود: ماجرای دیگ و آتش فاطمه زهرا(س) را خیلی بزرگ و عجیب تلقی می کنند... «لَقَد حَرَّمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ النَّارَ عَلَی لَحمِ فَاطِمَهَ وَ دَمِهَا وَ عُصبِهَا وَ شَعرِهَا وَ فَطَمَ مِن النَّارِ ذُرِّیَّتِهَا وَ شِیعَتِهَا... الوَیلُ ثُمَّ الوَیلُ، الوَیلُ لِمَن شَکَّ فِی فَضلِ فَاطِمَه )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_199_1)( ؛ خداوند آتش را بر گوشت و خون و رگ و موی زهرا(س) حرام نموده است (هرگز به او زیانی نمی رساند) و شیعیان و فرزندان او را از آتش `جهنم` به دور داشته است.... وای بر شما، خشم و عذاب خدا بر کسی که در فضیلت فاطمه(س) شک کند.»

ص: 199

1- . فاطمه الزهراء، ص 102.

این نوع کرامت، ریشه قرآنی هم دارد؛ چرا که خداوند آتش را بر ابراهیم(ع) سرد و گلستان قرار داد: (قُلْنا یا نارُ کُونی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهیمَ) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_200_1)( پس بُعدی ندارد که بدن فاطمه(س) را که انبیا به او توسل جسته اند، بر آتش حرام گرداند.

ص: 200

1- . انبیاء/69.

گریه هستی بر گریه زهرا(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

گریه هستی بر گریه زهرا(س)

کرامت دیگر آن حضرت، همراهی هستی با رفتار او و از جمله گریه اوست. وقتی در لحظات آخر عمر پدر بزرگوارش اشک می ریخت، پیامبر اکرم(ص) فرمود: «وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ لَقَدْ بَکَی لِبُکَائِکِ عَرْشُ اللَّهِ وَ مَا حَوْلَهُ مِنَ الْمَلَائِکَهِ وَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضُونَ وَ مَا فِیهِمَا؛ قسم به آن کسی که مرا به رسالت برانگیخت، همانا از گریه تو عرش خدا و ملائکه و آسمانها و زمین و تمام موجودات گریستند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_201_1)(

ص: 201

1- . بحار الانوار، ج 22، ص 491 - 484.

عطای فاطمه(س)

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

عطای فاطمه(س)

بهترین و برترین انفاق آن است که از محبوب ترین چیز انفاق شود و انفاقهای فاطمه(س) چنین بود، که به دو نمونه اشاره می شود:

الف) گلوبند پربرکت

«جابر بن عبدالله انصاری» می گوید: «روزی نماز عصر را با پیغمبر(ص) خواندیم، ناگاه پیرمردی خدمت حضرت رسید که لباس کهنه ای پوشیده بود، و از شدت پیری و ناتوانی نمی توانست بر جای خود قرار گیرد. عرض کرد: یا رسول الله! گرسنه ام، سیرم کن! برهنه ام لباسی، به من عطا کن! تهیدستم، چیزی به من بده! رسول خدا(ص) فرمود: من که اکنون چیزی ندارم؛ ولی تو را به جایی راهنمایی می کنم، شاید حاجتت برآورده شود. سپس به بلال فرمود: پیرمرد ناتوان را به خانه فاطمه(س) هدایت کن. او بعد از ورود به خانه زهرا(س) سلام کرد، حضرت جوابش را داد و فرمود: کیستی؟ خود را معرفی نمود... فاطمه(س) گلوبندی را که پسر عمویش به وی اهداء نموده بود، به او داد و فرمود: به فروش رسان و زندگی خودت را بدان اصلاح کن.

پیرمرد برگشت و جریان را خدمت پیغمبر(ص) عرض کرد. آن حضرت گریست و فرمود: گردنبند را به فروش رسان تا خدا به برکت عطای دخترم برای تو گشایشی فراهم سازد... پیرمرد بعد از فروختن گردنبند، به پیامبر(ص) عرض کرد: به برکت عطای فاطمه(س) بی نیاز شدم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_202_1)(

ص: 202

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 56.

ب) پیراهن شب عروسی

«صفوری شافعی» از «ابن جوزی» نقل می کند که: «رسول خدا(ص) در شب عروسی فاطمه(س) برای او پیراهن تازه ای آماده کرد. جامه ای کهنه و وصله دار نیز در نزد ایشان بود. سائلی در زد و گفت: از خانه رسول خدا(ص) جامه ای کهنه می خواهم. فاطمه(س) می خواست جامه کهنه را بدهد؛ ولی سخن خدا به یادش آمد که می فرماید: (لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّی تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) ؛ «به نیکویی نخواهید رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید.»

پس جامه نو را به وی داد. وقتی که هنگام زفاف حضرت شد، جبرئیل به محضر رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! پروردگارت سلام می رساند، و مرا نیز فرمان داده که به فاطمه(س) سلام برسانم و برای فاطمه(س) توسط من جامه ای از دیبای سبز و جامه های بهشتی فرستاده است.

ص: 203

کرامات بعد از شهادت

فصل دوم: فضایل، مناقب و کرامات حضرت فاطمه(س)

گوشه ای از کرامات حضرت زهرا(س)

کرامات بعد از شهادت

1. بیرون آمدن دست های زهرا(س) از کفن

پس از آنکه امام علی(ع) بدن زهرا(س) را کفن کرد، وقتی خواست بندهای کفن را ببندد، فرزندان خود را صدا زد و فرمود: «هلموا تزودوا من امکم؛ بیایید از دیدار مادرتان توشه بگیرید.» حسن و حسین(ع) فریادزنان مادر را صدا می زدند، و می گفتند: وقتی که به حضور جدمان رسیدی، سلام ما را به او برسان وبگو: بعد از تو در دنیا یتیم ماندیم. آه! آه! چگونه شعله غم دل از فراق پیامبر(ص) و مادرمان خاموش گردد؟!

امیرمؤمنان(ع) می فرماید: «إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّهَا قَدْ حَنَّتْ وَ أَنَّتْ وَ مَدَّتْ یَدَیْهَا وَ ضَمَّتْهُمَا إِلَی صَدْرِهَا مَلِیّاً؛ من خدا را گواه می گیرم که فاطمه(س) ناله جان کاه کشید و دستهای خود را باز کرد و فرزندانش را مدتی به سینه اش چسبانید.»

ص: 204

ناگاه شنیدم هاتفی در آسمان ندا داد: «یَا أَبَا الْحَسَنِ! ارْفَعْهُمَا عَنْهَا فَلَقَدْ أَبْکَیَا وَ اللَّهِ مَلَائِکَهَ السَّمَاوَات...؛ ای علی(ع)! حسنین(ع) را از روی سینه مادرشان بردار. سوگند به خداوند که فرشتگان آسمان را به گریه انداختند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_205_1)(

2. نام زهرا(س) و نزول آب بهشتی

امام صادق(ع) فرمود: «از ام ایمن نقل شده است که: در راه مکه به جحفه به عطش شدیدی دچار شدم، تا آنجا که جانم به خطر افتاد، پس رو به آسمان نموده، عرض کردم: ای پروردگار من! مرا دچار تشنگی نموده ای، در حالی که من خادمه دختر پیغمبرت می باشم؟ آن گاه دیدم که سطلی از آب بهشتی ظاهر شد، از آن نوشیدم. قسم به خانمم فاطمه زهرا(س) که بعد از آن تا هفت سال گرسنگی و تشنگی بر من عارض نشد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_205_2)(

3. شفا دادن به بیماران لا علاج

ص: 205

1- . بیت الاحزان، ص 154.

2- . بحارالانوار، ج 62، ص102؛ مستدرک الوسائل، ج 5، ص135، ح 41.

یکی از ذاکرین نقل می کرد: «در محضر آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی بودم. مرد و زنی آلمانی همراه دختر خود وارد شدند، پس از تعارفات معمول گفتند: ما آمده ایم به شرف اسلام نائل شویم. آیت الله میلانی علّت را پرسید. آن مرد گفت: پهلوی دخترم در اثر حادثه ای شکست و استخوانهایش خورد شد، چنان که پزشکان از معالجه آن عاجز شدند، و گفتند: باید عمل شود؛ ولی خطرناک است. دخترم راضی نشد و گفت: اگر در خانه بمیرم، بهتر از این است که زیر عمل جان دهم.

به هر حال او را به خانه آوردیم. ما خدمتکاری ایرانی داشتیم که او را بی بی صدا می زنیم. دخترم به او می گوید: حاضرم تمام دارایی خود را بدهم تا سلامت خود را بازیابم؛ ولی می دانم که چنین چیزی نمی شود.

السلام است که پهلوی او را به ظلم شکستند. تو با دل شکسته بگو: یا فاطمه! مرا شفا بده.

ص: 206

دخترم با دل شکسته شروع می کند به صدا زدن و از آن بانو یاری خواستن. بی بی هم در گوشه ای از اتاق گریه می کند و می گوید: «یا فاطمه زهرا! این بیمار آلمانی را با خود آورده ام و شفای او را از شما می خواهم. مادر جان! کمکم کن و آبرویم را حفظ فرما.

من هم از دیدن این صحنه منقلب شدم و در گوشۀ اتاق با خود زمزمه کردم: یا فاطمۀ پهلوی شکسته! دیدم دخترم ساکت شد، ناگاه مرا صدا زد و گفت: بابا! بیا که دردم آرام شد. جلو رفتم و دیدم کاملاً شفا یافته است. دخترم گفت: الان بانوی مجلّله ای نزد من آمد و دست به پهلویم کشید، پرسیدم شما کیستید؟ فرمود: من همانم که او را صدا می زدی. دخترم برخاست و راهی شد و دانستم که اسلام حق است. آیت ا... میلانی از این معجزه مسرور شد و اسلام را به آنان آموخت.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_207_1)(

برای حضرت زهرا(س) کرامات بسیاری نقل شده است که به دلیل ضیق مقال، به همین مقدار بسنده می کنیم.

ص: 207

1- . فضایل الزهرا(س)، ص109.

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

امام شناسی حضرت فاطمه زهرا(س)

اشاره

سرمایه محبت زهراست دین من

"

من دین خویش را به دو دنیا نمی دهم

"

گر مهر و ماه را به دو دستم دهد قضا

"

یک ذره از محبت زهرا نمی­دهم

"

شناخت امام و امامت از مهم ترین مسائلی است که در قرآن و منابع روایی بدان اشاره شده است. قرآن کریم مقام امامت را بالاتر از نبوت دانسته؛ لذا به حضرت ابراهیم(ع) بعد از مقام نبوت به عنوان ترفیع درجه مقام امامت عطا می شود )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_208_1)( و به پیغمبر اکرم(ص) ابلاغ می شود که اگر امام بعد از خود را به جامعه معرفی نکند، انجام رسالت بیست و سه ساله اش هدر رفته است )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_208_2)( و آن روز که امام بعد از خود را معرفی کرد، دین اسلام کامل گشت و نعمتها به حد نهایی رسید و خداوند متعال با مهر تأیید ابدی و نهایی مکتب اسلام را امضا کرد. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_208_3)(

آن روزی که پیامبر اکرم(ص) در «یوم الدار» بعثت خویش را علنی کرد، اولین دغدغه ای که داشت، تعیین امامت بعد از خود بود و در طول عمر رسالت خویش، بارها بر این مسئله پای فشرد و آخرین و جامع ترین سخن خویش را در این باب در «غدیر خم» بیان کرد. یکی از جملاتی که در باب امامت از آن حضرت رسیده، جمله «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِف اِمَامَ زَمَانِهِ...» است.

ص: 208

1- .بقره/124: ]اِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ اِمَاماً[؛ «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم.»

2- . مائده/67: ]بَلِّغ مَا اُنْزِل الیکَ مِنْ رَبِّک وَ اِنْ لَمْ تفْعل فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَه[؛

3- .مائده/5: ]الیَوْم اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُم[؛

آنچه پیش رو دارید، در گام اول بررسی این حدیث در منابع شیعه و اهل سنت است و در گام بعدی، این مسأله را مورد بررسی قرار می دهیم که حضرت فاطمه زهرا(س) که بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) با فاصله کمی از دنیا رفت و به شهادت رسید، امام خویش را چگونه شناخت؟ و چه کسی را به عنوان امام خویش معرفی کرد؟

ص: 209

بررسی حدیث

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

امام شناسی حضرت فاطمه زهرا(س)

بررسی حدیث

الف) در منابع شیعه

حدیثی که بدان اشاره شد، در منابع شیعه، از طرق مختلف و با بیانهای گوناگونی از طریق شخص پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) نقل شده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

پیامبر اکرم(ص)

رسول خدا(ص) در بیان معروف خود فرمود : «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِف اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهَ الجَاهِلِیَّهً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_210_1)( هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

در بیان دیگر به عنوان ذکر مصداق فرمود : «مَنْ اَنْکَرَ القَائِمَ مِنْ وُلْدِی فِی زَمَانِ غَیْبَتِهِ مَاتَ مِیتَهَ الجَاهِلِیَهً؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_210_2)( هر کس قائم از اولادم را در دوران غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلیت مرده است.»

امام حسن(ع)

ص: 210

1- . بحار الانوار، ج1، ص362، ح39؛ کمال الدین و تمام النعمۀ، ص409؛ کفایه الاثر، ص292 و الاحقاق الحق، ج13، ص86.

2- .روزگار رهایی، ص81، و شبیه آن: بحار الانوار، ج7، ص20؛ اختصاص مفید، ص268؛ منتخب الاثر، ص492.

از آن حضرت فقط در یک مورد شبیه همان چیزی که از پیامبر اکرم(ص) نقل شده، روایت شده است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_211_1)(

امام حسین(ع)

وقتی از حضرت حسین بن علی(ع) درباره معرفت خداوند سؤال شد، حضرت فرمود: «مَعْرِفَهُ اَهْلِ کُلِّ زَمَانٍ اِمَامَهُم الَّذی یَجِب عَلَیْهِم طَاعَته؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_211_2)( شناخت اهل تمام زمانها امامشان را که اطاعت او بر آنها واجب است.»

امام باقر(ع)

از امام باقر(ع) سؤال شد: «هَلْ مَعْرِفه الاِمَامِ مِنْکُم وَاجِبهٌ عَلَی جَمِیعِ الخَلْقِ؛ آیا شناخت امام از شما، بر مردم واجب است؟ فرمود: خدای تبارک و تعالی حضرت محمد(ص) را به پیامبری به سوی تمام جهانیان برانگیخت. هر کس به خدا و محمد(ص) ایمان بیاورد و او را پیامبر خدا بداند و از او پیروی کند، بر او واجب است که امامی از ما را بشناسد:

«فَاِنَّ مَعْرِفَه الاِمَامِ مِنَّا وَاجِبَهٌ عَلَیْهِ....»

ص: 211

1- . روزگار رهایی، ص85.

2- . منتخب میزان الحکمۀ، ص33، ح 365؛ روزگار رهایی، ج 1، ص90، ح 57 و اُصول کافی، ج1، ص255، ح3.

و همچنین به سند معتبر در محاسن نقل شده است که حضرت باقر(ع) فرمود: «هر کس بمیرد و امام نداشته باشد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. و مردم `در پیشگاه الهی` معذور نیستند؛ مگر اینکه امام خود را بشناسند. هر کس امام خود را بشناسد و بمیرد، ضرر نمی کند... .» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_212_1)(

حضرت صادق(ع)

امام صادق(ع) در این باره بیانات مختلف و شیوایی دارد و گاه کلام پیامبر اکرم(ص) را تفسیر و تبیین کرده است؛ چنآنکه در روایت صحیحه ای از آن حضرت سؤال شد که مراد از مردن جاهلی در کلام پیامبر اکرم(ص) چیست؟ فرمود: «جَاهِلِیّه کُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_212_2)( جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی مراد است.»

و در جای دیگر، در تبیین کلام پیامبر اکرم(ص) به بیان مصداق پرداخته و فرموده است: «پس شما را باد به اطاعت امام خود! به راستی دیدید اصحاب امیرمؤمنان(ع) را که از آن حضرت متابعت نکردند، سرانجام کارشان به کجا منتهی شد، و شما کسی را که در نشناختن او معذور نمی باشید، پیروی کنید... .» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_212_3)(

ص: 212

1- . المحاسن، ح 1، ص 254؛ ر.ک: حیوه القلوب، ج 5، ص80.

2- . بحار الانوار، ج 8، ص362، ح 39.

3- . محاسن برقی، ج 1، ص251؛ حیوه القلوب، ج 5، ص79.

و همچنین فرمود: «...بلی، اگر مردم متابعت علی بن الحسین(ع) را می کردند `و امام زمان خود را می شناختند` و عبدالملک بن مروان را ترک می کردند، هدایت می یافتند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_213_1)(

و در تعبیر دیگر، آن حضرت تفسیر و تعبیر رساتری بیان فرموده، می فرماید: «مَنْ بَاتَ لَیْلَهً لَا یَعْرِفُ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتهً جَاهِلِیَّهً؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_213_2)( هر کس شبی را به صبح آورد، در حالی که امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»

امام موسی بن جعفر(ع)

از آن حضرت به این صورت نقل شده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِف اِمَامَ حَیٍّ یَعْرِفُهُ مَاتَ مِیتَهَ الجَاهِلِیَّهً؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_213_3)( هر کس بمیرد و امام زنده ای را نشناسد، با مرگ جاهلی مرده است.»

امام رضا(ع)

ص: 213

1- . حیوه القلوب، ج5، ص80؛ محاسن برقی، ج 1، ص252.

2- . روزگار رهایی، ج 1، ص85، غیبت نعمانی، ص62؛ الزام الناصب، ص127.

3- . روزگار رهایی، ج 1، ص85؛ اختصاص مفید، ص268.

در« کمال الدین» به سند معتبر نقل شده است که از حضرت رضا(ع) پرسیدند: هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمود : «بلی، هر کس در امامت امام `زمان خویش` شک و توقف کند، کافر است و هر کس انکار یا اظهار عداوت کند، مشرک است؛ یعنی مانند بت پرست است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_214_1)(

و در روایتی طولانی که آن حضرت در جواب مأمون نگاشته و امامان معصوم را معرفی کرده اند، می فرماید: «مَنْ مَاتَ لَا یَعْرِفُهُم وَ لَا یَتَوَلَّاهُمْ بِاَسْمَائِهِم وَ اَسْمَاءِ آبَائِهِم مَاتَ مِیتَهَ الجَاهِلِیّهً؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_214_2)( کسی که بمیرد و آنها (امامان) را با نامشان و نام پدرانشان نشناسد و دوست ندارد، به مرگ جاهلی مرده است.»

در این روایت، مصداق امامان بیان شده و شناخت نام پدران آنها و محبت به آنها نیز لازم شمرده شده است.

ص: 214

1- . کمال الدین، ص668؛ حیوه القلوب، ج 5، ص80 81.

2- . بحار الانوار، ج 1، ص361، ادامه روایت 2.

آنچه بیان شد، ار اهم منابع شیعه بود که روایت مذکور را با بیانهای مختلف بیان کرده اند و از آنها استفاده می شود که نه تنها شناخت امام هر زمان لازم است؛ بلکه شناخت تمامی آنها با نام و نشان و مقامات شان واجب بوده است و حتی یک شب را با عدم شناخت امام سر کردن، باعث مرگ جاهلی می شود.

ب) منابع اهل سنت

حدیث مذکور را برخی از علمای اهل سنت به همان صورت معروف، یعنی: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِف اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیّهً» نقل کرده اند )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_215_1)( . البته برخی از آنها تفسیر نامناسبی کرده اند که مراد از امام، قرآن است و حال آنکه این تفسیر اولاً خلاف ظاهر است و ثانیاً اضافه زمان به ضمیر (زمانه) ظاهر در این است که در هر زمانی امامی وجود دارد؛ و قرآن مشترک بین همه زمانهاست. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_215_2)(

«فخر رازی» در جایی نقل کرده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِف اِمَامَ زَمَانِهِ فَلْیَمُتْ اِنْ شَاءَ یَهُودِیّاً وَ اِنْ شَاءَ نَصْرَانِیّاً؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_215_3)( کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، پس باید به خواست خودش یا یهودی یا نصرانی بمیرد `ولی مسلمان از دنیا نخواهد رفت`.»

ص: 215

1- . ینابیع الموده، ج3، ص546؛ تفسیر طبری، ج 8، ص116؛ تفسیر کشاف، ج 2، ص682؛ تفسیر فخر رازی، ج 21، ص17 و شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ص300، کلام 122.

2- . حیوه القلوب، ج 5، ص79.

3- . مجموعه الرسائل، چاپ مصر، 1328، المسائل الخمسون، ص384.

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» حدیث مذکور را به طرق مختلفی از علمای اهل سنت نقل کرده است که فشرده و خلاصه آن چنین است:

احمد حنبل: «مَنْ مَاتَ بِغَیْرِ اِمَامٍ مَاتَ مِیتَهَ الجَاهِلِیّهً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_216_1)( کسی که بدون امام بمیرد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.» و همین طور حافظ هیثمی )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_216_2)( و ابو داوود طیاسی )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_216_3)( نقل کرده اند.

تفتازانی، عقائد النسفی، و قاری و مسلم به این صورت نقل کرده اند :« مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِف اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیّهً» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_216_4)( .

ابو جعفر اسکافی در نقض کتاب العثمانیه )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_216_5)( ، هیثمی در مجمع الزوائد )[(6)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_216_6)( به صورت: «مَنْ مَاتَ وَ لَا یَعْرِف اِمَامَهُ مَاتَ مِیتَهَ الجَاهِلِیَّهً» نقل کرده اند. )[(7)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_216_7)(

حال با توجه به این روایت که از طرق مختلف و بیانهای گوناگون در کتب شیعیان و اهل سنت نقل شده است، این سؤال رخ می نماید که آیا فاطمه زهرا(س) امام زمان خویش را شناخت و از دنیا رفت، و یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش سه راه داریم:

ص: 216

1- . مسند، ج 4، ص 96.

2- . مجمع الزوائد، ج 5، ص 218.

3- . مسندش، ص 259.

4- . شرح مقاصد، ج 2، ص 275؛ مرقاه، ج 2، ص 509؛ صحیح مسلم، ج 6، ص 21.

5- . نقض کتاب العثمانیه، ص 26.

6- . مجمع، ج 5، ص 224 و 235.

7- . الغدیر، ج 10، ص358 360 با تلخیص. مرحوم علامه افراد دیگری را نیز نام برده که ما از نقل آن خودداری کردیم.

الف) بگوییم روایات پیش گفته هیچ کدام اعتبار ندارند. در نتیجه، هیچ لزومی ندارد که حضرت فاطمه زهرا(س) امامی بعد از پیغمبر(ص) را شناخته باشد و با او بیعت کرده باشد. این راهی است نرفتنی؛ چرا که روایات مذکور از طریق شیعه و سنی نقل شده و در برخی صحاح نیز موجود است و امت نیز آن را تلقی به قبول کرده است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_217_1)(

گذشته از این، لزوم شناخت امام و پایبندی به اطاعت از او فقط از طریق روایات پیشین ثابت نشده است؛ بلکه دلایل و براهین عقلی و نقلی فراوانی داریم که در جای خود مطرح شده است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_217_2)(

ب) راه دوم این است که العیاذ بالله بگوییم: صدیقه طاهره یک ضروری از ضروریات دین پدر را زیر پا گذاشته و از پذیرش امام و شناخت او سر باز زده و بر خلاف گفته پدر خویش قدم برداشته است! این راه نیز به هیچ وجه رفتنی و پذیرفتنی نیست که پاره تن رسول خدا(ص) و همسر وصی مصطفی ضرورتی از ضروریات دین پدر خویش را انکار کرده باشد. این را نه عقل می پذیرد، )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_217_3)( و نه عصمت کبرای او این اجازه را می دهد؛ چرا که شمول آیه تطهیر به اتفاق سنّی و شیعه، نسبت به فاطمه زهرا(س) حتمی است. نکته مورد بحث این است که آیا اهل بیت شامل همسران پیغمبر هم می شود یا نه؟ که شیعه این را انکار می کند و برخی از مفسران اهل سنت ادعا دارند که اهل بیت، زنهای آن حضرت را نیز شامل می شود. )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_217_4)(

حال باید دید که حضرت فاطمه زهرا(س) با چه کسی بیعت کرده و چه فردی را به عنوان امام خویش شناخته بود؟ یقیناً حضرت زهرا(س) با ابابکر بیعت نکرد؛ چرا که تا آخرین لحظه با او حرف نزد و اگر او و علی(ع) و همراهان آن دو که در خانه علی(ع) تحصن کرده بودند، بیعت می کردند که در خانه زهرا(س) را آتش نمی زدند.

ص: 217

1- . الغدیر، ج 10، ص361.

2- . ر.ک:.ولایت و امامت، مهدی نجفی؛ امامت و رهبری، مرتضی مطهری و....

3- . الغدیر، ج 10، ص361.

4- . الکشاف، ج 3، ص538.

سلطان الواعظین شیرازی از صحیح مسلم، ج5، ص9 و صحیح بخاری، ج 7، ص 87 و از محمد بن یوسف گنجی شافعی در باب 99 کفایه نقل کرده است که اینها نوشته اند: «فاطمه(س) در حال خشم و غضب ابی بکر را ترک کرد و بر او غضبناک ماند و با او حرف نزد تا وفات کرد و علی(ع) شبانه بر او نماز گزارد و دفنش کرد و ابی بکر را خبر نداد که بر جنازه او حاضر شود و نماز گزارد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_218_1)(

و همین طور عبد الله بن مسلم بن قتیبه دینوری )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_218_2)( ، نقل کرده است که: فاطمه زهرا(س) از بستر بیماری خطاب به ابی بکر و عمر فرمود : «اِنِّی اُشْهِدُ الله وَ مَلائِکَتَهُ اَنَّکُمَا اَسْخَطْتُمَانِی وَ مَا اَرْضَیْتُمَانِی وَ لَئِنْ لَقِیتُ النَّبِیَّ(ص) لَاَشْکُوَنَّکُمَا؛ خدا و ملائکه را شاهد و گواه می گیرم که شما دو نفر (ابوبکر و عمر) مرا به غضب آوردید و رضایت مرا جلب نکردید. اگر پیغمبر را ملاقات کنم، از دست شما دو نفر شکایت می کنم.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_218_3)(

در منابع روایی شیعه می خوانیم که حضرت فاطمه(س) به آن دو فرمود: «سوگند به خدا! بعد از این با شما دو نفر حتی یک کلمه نیز سخن نمی گویم تا به ملاقات خدا بشتابم و شکایت شما دو نفر را به نزد خدا می برم و توضیح خواهم داد که شما با من چه کردید و چه اعمالی را مرتکب شدید.» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_218_4)(

ص: 218

1- . شبهای پیشاور، ص700.

2- . الامه السیاسیه، ص14.

3- . الامه السیاسیه، ص700.

4- . فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص211، ح 176؛ علل الشرایع، ج1، ص185.

و در خصوص ابو بکر فرمود: «وَاللهِ لا اُکَلِّمَکَ اَبَداً وَ اللهِ لاَدْعُوَنَّ اللهَ عَلَیْکَ فِی کُلِّ الصَّلاهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_219_1)( سوگند به خدا! از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت. سوگند به خدا! `شکایت تو را به خداوند خواهم کرد و` در هر نماز تو را نفرین خواهم کرد.»

و فرمود «ای ابوبکر! چه زود کینه های پنهانی خود را علیه اهل بیت رسول خدا(ص) ظاهر کردید؟» و فرمود: «وَ اللهِ لَا اُکَلِّمُ عُمَرَ حَتَّی اَلقَی الله؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_219_2)( و سوگند به خدا! تا زنده ام با عمر سخن نخواهم گفت تا با خدا ملاقات کنم.»

در ادامه بحث باید به سراغ کلمات فاطمه زهرا(س) رفت که او امام خود را چه کسی می داند و شناخت او درباره امامش چگونه است؟

شهادت به امامت علی(ع) هنگام ولادت

ص: 219

1- . الغدیر، ج 7، ص230 ؛ اعیان الشیعۀ، ص318 ؛ فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص211.

2- . فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص212 ؛ الغدیر، ج 7، ص77 ؛ بحار الانوار، ج28، ص322، ح 339.

حضرت زهرا(س) که پارۀ تن رسول خدا(ص) و صدیقه مطهره است، نمی تواند نسبت به مسائل مهم اعتقادی خویش بی خبر و بی تفاوت باشد. او لحظه ای که پا به عرصه زمین خاکی گذاشت، لب به سخن گشود و فرمود: «اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ الَّا الله وَ اَنَّ اَبِی رَسُولُ الله سَیِّدُ الاَنْبِیاءِ وَ اَنَّ بَعْلِی سَیِّدُ الاَوْصِیاء وَ وُلْدِی سَادَهُ الاَسْبَاط؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_220_1)( شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست و به راستی پدرم رسول خدا، بزرگ پیامبران، و شوهرم بزرگ اوصیا است و فرزندانم سادات و بزرگان امت هستند.»

نام علی(ع) در صحیفه فاطمه(س)

«جابر بن عبد الله انصاری» نقل می کند که: «خدمت زهرا(س) رسیدم و صحیفۀ نورانی سفید و روشنی را در دستان مبارک آن حضرت مشاهده کردم. پرسیدم: این چه کتابی است؟ فرمود: «هَذَا لَوْحٌ اَهْدَاهُ اللهُ اِلی رَسُولِهِ(ص) فِیهِ اِسْمُ اَبِی وَ اِسْمُ بَعْلِی وَ اِسْمُ ابْنَیَّ وَ اَسْمَاءُالاَوْصِیاءِ مِنْ وُلْدِی...؛ این کتابی است که خدا آن را به پیامبر(ص) اهدا فرمود. در این کتاب نام پدرم، شوهرم و اسم دو فرزندم و امامانی که همگی از فرزندان من می باشند، وجود دارد.»

ص: 220

1- . بحارالانوار، ج 43، ص3؛ فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص221؛ امالی صدوق، ص475.

بعد فرمود: رسول خدا(ص) آن را به من عطا فرمود تا خوشحالم کند.» جابر گفت: دوازده نامی که در این کتاب است، چه کسانی می باشند؟ فرمود: اینها نام جانشینان پیامبر است که اول آنها علی(ع) و یازده نفر دیگر که همه از نسل من می باشند و آخرین آنها حضرت قائم(ع) است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_221_1)(

اعلام امامت علی(ع) توسط پیامبر(ص)

حضرت فاطمه زهرا(س) در کنار قبر حضرت حمزه در احد عزاداری می کرد. «محمود بن لبید» عرض کرد: آیا برای امامت علی(ع) از سخنان رسول گرامی اسلام(ص) می توان دلیل اقامه کرد؟ حضرت زهرا(س) فرمود: «... سَمِعْتُ رَسُولِ الله یَقُولُ: عَلِیٌّ خَیْرُ مَنْ اَخْلَفَهُ فِیکُمْ وَ هُوَ الاِمَامُ وَ الخَلِیفَهُ بَعْدِی وَ سِبْطَایَ وَ تِسْعَه مِنْ صُلْبِ الحُسَیْن(ع) اَئِمَهٌ اَبْرارٌ...؛ شنیدم که رسول خدا(ص) فرمود : علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می دهم و او امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم (حسن و حسین(ع)) و نُه نفر از فرزندان حسین(ع) امامانی نیک اند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_221_2)(

امام علی(ع) امام ربانی

ص: 221

1- بحار الانوار، ج36، ص194؛ فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص175؛ کمال الدین، ص178؛ عیون اخبار الرضا، ص25.

2- بحار الانوار، ج36،ص 353، ح 224؛ فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص23.

حضرت فاطمه(س) در برابر یکی از افراد نادان مدینه که خفاش صفت در برابر آفتاب وجود امام زبان به سرزنش گشوده بود، فرمود: «وَ هُوَ الاِمامُ الرَّبَّانِی وَ الهَیْکل النُّورانِی قُطْبُ الاَقْطَاب وَ سُلَالَهُ الاَطْیَاب النَّاطِقُ بالصَّوَاب نُقْطَهٌ دَائِرَهٌ الاِمَامَه وَ اَبُو بَنِیهِ الحَسَنِ وَ الحُسَیْنِ...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_222_1)( علی امامی ربانی و هیکلی نورانی و مرکز توجه تمام عارفان و خدا پرستان و فرزندی از خاندان پاکان، گوینده به حق و صواب، محور امامت و پدر حسن و حسین8 است.»

غصه غصب خلافت

حضرت زهرا(س) نه تنها امامت علی(ع) را شناخت و آن را ابراز کرد؛ بلکه در اوج غصه های خود که رحلت پیامبر اکرم(ص) بود، غصه اصلی اش این بود که خلافت علی(ع) غصب شده است.

ام سلمه می گوید: خدمت حضرت زهرا(س) رسیدم و پرسیدم: ای دختر رسول خدا! شب را چگونه صبح کردی؟ (حالت چگونه است؟) فرمود: «اَصْبَحْتُ بَیْنَ کَمَد وَ کَرْب فُقِدَ النَّبِیُّ وَ ظُلِمَ الوَصِیُّ هُتِکَ وَ اللهِ حِجَابُهُ...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_222_2)( صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر از دست رفته، و وصی او مظلوم واقع شده و سوگند به خدا! پرده `حشمت و عظمت` او دریده و نابود شده است....»

ص: 222

1- فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص27، ح 20؛ ریاحین الشریعه، ج1، ص93.

2- . بحار الانوار، ج43، ص175؛ فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص147؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج 2، ص205.

وصیت حضرت فاطمه(س) درباره غاصبان خلافت

حضرت در تداوم مبارزه منفی و حمایت از امامت امام خویش در کاغذی نوشت: «لَا تُصَلِّی عَلَیَّ اُمَّهٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللهِ وَ عَهْدَ اَبِی رَسُولُ اللهِ(ص) فِی اَمِیرِ المُومِنِینَ عَلِیٍ(ع)...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_223_1)( امتی که عهد و پیمان خدا و پیامبرش(ص) را در `ولایت و رهبری` امیرمؤمنان، علی(ع) شکستند، حق ندارند بر من نماز بگذارند.»

دفاع از امام تا پای جان

حضرت فاطمه(س) امام خویش را شناخت و هم با گفتار خویش از او حمایت کرد و هم تا پای جان در مقابل دشمنان امام ایستاد و سرانجام جان خویش را فدا کرد و شهید راه امامت شد. آن حضرت در لحظه غمباری که علی(ع) را با زور به طرف مسجد می بردند، فریاد کشید: «وَ اللهِ لَا اَدَعُکُم تَجُرُّونَ اِبْنِ عَمِّی ظُلْماً...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_223_2)( به خدا سوگند! نمی گذارم پسر عمویم را ظالمانه بکشانید.»

از آنچه بیان داشتیم، به خوبی به دست آمد که حضرت فاطمه(س) از آغاز امام خویش امیرمؤمنان علی(ع) را شناخت و در موارد مختلف از امامت او تبلیغ کرد و با غاصبان خلافت او درگیر شد و تا پای جان از مقام امامت علی(ع) دفاع کرد.

ص: 223

1- . بحار الانوار، ج43، ص204؛ فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص213؛ علل الشرایع، ج1، ص176.

2- . فرهنگ سخنان فاطمه(س)،ص 106و شبیه آن در بحار الانوار، ج43، ص47، ح46.

اگر این نتیجه را با آنچه در بخش اول بیان گشت، همراه کنیم که «هر کس امام خویش را نشناخت، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.» نتیجه گران سنگی به دست می آید که می تواند تاریخ اسلام را عوض کند و باید کسانی که چنین امامی را نشناختند، به تاریخ اسلام و بشریت جواب دهند و از چنین انحرافی در پیشگاه الهی عذر تقصیر بیاورند.

آن روز تمام آسمان نیلی بود

"

بر دوش علی بیعت تحمیلی بود

"

وقتی ثمر باغ فدک قسمت شد

"

ای وای که سهم فاطمه سیلی بود

"

ص: 224

حضرت فاطمه(س) و رسالتهای اجتماعی

مقدمه

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

حضرت فاطمه(س) و رسالتهای اجتماعی

مقدمه

حضرت زهرا(س) در این دنیا عمر زیادی نکرد و قسمت عمده زندگانیش همراه وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) بود. طبیعی است با وجود آن دو بزرگوار خصوصاً پیامبر اکرم(ص) جایی برای درخشش شخصیت دیگری نخواهد بود، آن هم در عصری که هنوز نگاه به زن نگاهی منفی بود، و عرصه ای برای تجلی توانمندیهای مثبت و مفید زنان کارآمد وجود نداشت.

البته تعالیم عالیه اسلام و آموزه های علمی و عملی پیامبر اکرم(ص) نسبت به شخصیت دادن به زن توانست زمینه ساز رشد و شکوفایی شخصیت این قشر باشد. بانوی بزرگوار اسلام که در چنین مکتبی پرورش یافته و خود نیز از علم و آگاهی و معرفت بالایی برخوردار است، توانست در عمر کوتاه خود، در عرصه های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی در کنار پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) بدرخشد نماید و منشأ خیر و برکت برای تمام بشریت باشد.

بخشی از فعالیتهای اجتماعی آن بانوی گرانقدر را می توان در موارد زیر تبیین کرد:

ص: 225

مرجعیت فکری، فرهنگی

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

حضرت فاطمه(س) و رسالتهای اجتماعی

مرجعیت فکری، فرهنگی

در اینکه حضرت زهرا(س) در بین جامعه آن روز مورد مراجعه مردم بود و در امور مختلف اجتماعی نقش داشت، شکی نیست، چنانکه «علامه سید جعفر مرتضی عاملی» می نویسد:

«تأکیدهای مکرر و مداوم پیامبر اکرم(ص) در گفتار و رفتار، به علاوه مقام و موقعیت حضرت زهرا(س) سبب شد تا ایشان مورد مراجعه مردم باشند و از درجه و موقعیت خاصی برخوردار گردند. چنانکه منزل ایشان پایگاه و پناهگاهی برای کسان زیادی بود که به آنجا رفت و آمد می کردند. علاوه بر زنان همسایه، دیگر بانوان مدینه نیز به آن حضرت مراجعه کرده و به منزلش رفت و آمد داشتند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_226_1)(

و نیز می نویسد: «مردم جهت کسب معرفت و مطالب علمی از محضر حضرت، به خدمت ایشان مشرف می شدند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_226_2)(

ص: 226

1- . ماساه الزهراء(س)، ص53 و شرح نهج البلاغه، ج 9، ص193 و 197.

2- . ماساه الزهراء(س)، ص53 و شرح نهج البلاغه، ج 9، ص54.

الف) بیان احکام شرعی بانوان:

زنان مدینه خدمت آن حضرت می رسیدند و پرسشهای شرعی خود را از محضرش می پرسیدند و ایشان نیز با صبر و حوصله به پاسخ آنها می پرداخت، چنانکه حضرت امام حسن عسکری(ع) می فرماید:

«زنی به حضور فاطمه(س) رسید و عرض کرد: من مادری ناتوان دارم که نسبت به مسائل و احکام نمازش دچار شبهه و اشتباهی شده است، مرا نزد شما فرستاده تا آن را بپرسم. حضرت به پرسش او پاسخ گفت. وی مسئله ای دیگر پرسید و حضرت پاسخ گفت. پرسش سومی مطرح کرد و همین طور تا ده پرسش و حضرت نیز پاسخ گفتند. آن زن از اینکه پرسشهایش زیاد شد، خجالت کشید و عرض کرد: ای دختر پیامبر! شما را زحمت ندهم. حضرت فرمودند: هر وقت خواستی بیا و هر چه می خواهی بپرس... .» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_227_1)(

ب) حل اختلاف در مسائل دینی

ص: 227

1- . بحارالانوار، ج2، ص3.

امام حسن عسکری(ع) می فرماید: «دو زن که در یکی از مباحث دینی با هم اختلاف داشتند، خدمت حضرت زهرا(س) آمدند. بحث آن دو به نزاع و دعوا کشید. یکی از آن دو با ایمان بود و دیگری معاند و مخالف با اسلام. حضرت به زن مسلمان در گفتن دلایل و ادله خود کمک کرد تا بتواند مطالب حق خود را ثابت کند. او که توانست حرف خود را اثبات کند، از این جهت خیلی خوشحال شد. حضرت زهرا(س) فرمودند: «اِنَّ فَرَحَ الْمَلائِکَهِ بِاسْتِظْهارِکِ عَلَیْها اَشَدُّ مِنْ فَرَحِکِ وَ اِنَّ حُزْنَ الشَّیْطانِ وَ مَرَدَتِهِ بِحُزْنِها اَشَدُّ مِنْ حُزْنِها؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_228_1)( خشنودی فرشتگان از پیروزی تو بر او بیش از خشنودی تو می باشد، چنانکه غمگین شدن شیطان و پیروانش بیش از ناراحتی و حزن آن زن می باشد.»

ج) بیان معارف الهی

ص: 228

1- . همان، ص8؛ الاحتجاج، ج1، ص18، ح 15.

از رسالتهایی که آن حضرت در اجتماع آن روز، خود را عهده دار آن می دانست، بیان معارف الهی بود، هر چند حوادث بعد از پیامبر اکرم(ص) و کوتاهی عمر آن حضرت، جامعه را از کسب فیض بیش تر محروم ساخت.

«ابن مسعود» از بزرگان اصحاب پیامبر اکرم(ص) می گوید: «مردی به نزد حضرت فاطمه(س) آمد و عرض کرد: آیا رسول خدا(ص) چیزی نزد شما گذاشته است که من نیز از آن بهره مند شوم؟ آن حضرت به خدمتکار منزل فرمود که برود آن دستمال ابریشمی را بیاورد. او هر چه به دنبال آن گشت، آن را پیدا نکرد. حضرت زهرا(س) فرمودند: حتماً آن را پیدا کن؛ زیرا به اندازه حسن و حسین(ع) برایم ارزش دارد. خدمتکار پس از جستجو آن را پیدا کرد. در آن صحیفه و نوشته ای بود که بر آن چنین نوشته شده بود:

«قال محمد النبی(ص) : لَیْسَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ مَنْ لَمْ یَأْمَنْ جارُهُ بَوائِقَهُ. مَنْ کانَ یُؤْمِنُ بِاللّه ِ وَ الْیَوْمِ الاْخِرِ فَلایُؤْذی جارَهُ. وَ مَنْ کانَ یُؤْمِنُ بِاللّه ِ وَ الْیَوْمِ الاْخِرِ فَلْیَقُلْ خَیْرا اَوْ یَسْکُتْ. اِنَّ اللّه َ یُحِبُّ الخَیِّرَ الْحَلیمَ الْمُتَعَفِّفَ وَ یُبْغِضُ الْفاحِشَ الضَّنینَ السَّئّال المُلْحِف. اِنَّ الْحَیاءَ مِنَ الایمانِ وَ الایمانُ فِی الْجَنَّهِ وَ اِنَّ الْفُحْشَ مِنَ الْبَذاءِ وَ الْبَذاءُ فِی النّارِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_229_1)( پیامبر اکرم(ص) فرمودند: کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد، از مؤمنان نیست. هر کس به خداوند و روز قیامت ایمان دارد، همسایه اش را آزار ندهد. کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد: یا سخن نیکو بگوید، یا سکوت کند. همانا خداوند انسان نیکوکار بردبار و پاکدامن را دوست دارد و انسان زشت کار بخیل و بسیار سؤال کننده و بی حیا را مبغوض. همانا حیا از ایمان است و با ایمان نیز در بهشت جای دارد و فحش `و ناسزاگویی` از بی حیایی است و `آدم` بی حیا در آتش.»

ص: 229

1- . دلائل الامامه، ج 1؛ مستدرک الوسایل، ج 12، ص81؛ سفینه البحار، «انتشارات اُسوه»، ج 2، ص112.

در مواردی بعضی از مؤمنان همسران خود را خدمت آن بانوی بزرگ می فرستادند تا پرسشهای خود را از محضر آن بزرگوار بپرسند، چنانکه مردی همسرش را فرستاد تا به نزد حضرت برود و از ایشان بپرسد که: آیا او از شیعیان و پیروان شما می باشد یا خیر؟ او به حضور حضرت آمد و چنین پاسخ شنید که: به شوهرت بگو: «اِنْ کُنْتَ تَعْمَلُ بِما اَمَرْناکَ وَ تَنْتَهی عَمّا زَجَرْناکَ عَنْهُ فَاَنْتَ مِنْ شیعَتِنا وَاِلاّ فَلا؛ اگر به آنچه که به شما امر کرده ایم عمل می کنی و از آنچه که نهی کرده ایم دوری می کنی، از شیعیان ما هستی؛ وگرنه خیر.»

مرد بعد از شنیدن پاسخ آن حضرت مضطرب شد و به خود گفت: «وای بر من! چه کسی پیدا می شود که از گناه و خطا به دور باشد؟ پس من همواره در جهنم خواهم بود؛ زیرا هر کس از شیعیان آنان نباشد، در آتش جهنم جاودان است.»

ص: 230

همسرش به حضور حضرت برگشت و سخنان شوهر را بازگو کرد. حضرت فرمودند: «قُولی لَهُ لَیْسَ هکَذا، شیعَتُنا مِنْ خیارِ اَهْلِ الْجَنَّهِ وَ کُلُّ مُحبّینا وَ مُوالی اَوْلیاءِنا وَ مُعادی اَعْدائِنا وَ الْمُسْلِمُ بقَلْبِهِ وَ لِسانِهِ لَنا. لَیْسُوا مِنْ شیعَتِنا اِذا خالَفُوا اَوامِرَنا وَ نَواهینا فی سائِرِ الْمُوبِقاتِ وَ هُمْ مَعَ ذلِکَ فِی الْجَنَّهِ وَ لکِنْ بَعْدَما یُطَهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهمْ بِالْبَلایا وَ الرَّزایا اَوْ فی عَرَصاتِ القیامَهِ بِاَنْواعِ شَدائِدِها اَوْ فِی الطَّبَقِ الاَْعْلی مِنْ جَهَنَّم بِعَذابِها اِلی اَن نَسْتَنْقِذَهُمْ بِحُبِّنا وَ نَنْقُلَهُمْ اِلی حَضْرَتِنا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_231_1)(

به او بگو: این چنین نیست. شیعیان ما از بهترین اهل بهشتند و تمام دوستان ما و دوستداران دوستان ما و دشمنانِ دشمنان ما و هر کس با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت باشد. اگر با اوامر و نواهی ما یا دیگر گناهان مخالفت کنند، از شیعیان `واقعی` ما نخواهند بود؛ ولی در عین حال آنها نیز در بهشت خواهند بود؛ البته پس از آنکه در این دنیا به بلایا و گرفتاریها و یا در عرصه های قیامت به انواع شدائد و سختیها و یا در طبقه بالای جهنم گرفتار عذاب شدند، تا ما به خاطر محبت `دوستی` که با ما داشته اند، نجاتشان دهیم و آنان را به نزد خود منتقل کنیم.»

ص: 231

1- . بحارالانوار، ج68، ص155؛ نهج الحیاه، ص217، ح 121.

در عرصه سیاست

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

حضرت فاطمه(س) و رسالتهای اجتماعی

در عرصه سیاست

در اوایل بعثت، حفظ جان پیامبر(ص) و دفاع و حمایت از آن حضرت از مهم ترین رسالتهای جامعه نو پای اسلام و وظیفه خطیر کسانی بود که علیرغم مشکلات و تنگناهای موجود، به حقانیت پیامبر و آیین او ایمان آورده بودند. تعداد انگشت شماری نیز با استفاده از موقعیت اجتماعی، سیاسی و تواناییهای دیگر خود، بیش تر به این امر می پرداختند که از جمله آنها حضرت زهرا(س) بود. بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) نیز با پیش آمدن حوادث ناگوار، این رسالت ابعاد دیگری به خود گرفت و از جمله آنها، حمایت و دفاع از امامت و جانشینی به حق پیامبر اکرم(ص) بود. تنی چند از مسلمانان راستین و بیش تر از همه آنها بانوی عالی مقام جهان اسلام بود که در انجام این رسالت نهایت تلاش را نمود.

الف) دفاع و حمایت از پیامبر اکرم(ص)

ص: 232

از هنگامی که رسول خدا(ص) به رسالت مبعوث شدند، تا زمانی که به مدینه هجرت کردند، در مکه مورد اذیت و آزارهای فراوانی قرار گرفتند. بزرگان قریش و حتی عموهای پیامبر اکرم(ص) علاوه بر تشویق و تحریک مردم و حتی کودکان به اذیت و آزار پیامبر، خود نیز به طور مستقیم از هیچ تلاشی در این کار دریغ نداشتند. گاهی خاک بر سر پیامبر می ریختند و زمانی سنگ بارانش می کردند و یا در کنار کعبه و هنگام نماز، شکمبه حیوانات بر سر و پشت حضرت می گذاشتند. در این دوران مردانی مانند حمزه سیدالشهدا به دفاع از پیامبر(ص) برمی خاستند؛ اما تاریخ نام بانویی بزرگوار را که در آن وقت 5 تا 8 سال بیش تر نداشته است نیز در کنار مدافعان پیامبر ضبط و ثبت کرده است، )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_233_1)( او علاوه بر اینکه در منزل و خصوصاً بعد از رحلت مادر بزرگوارش خدیجه(س) پرستاری پدر را بر عهده داشت، بیرون از منزل نیز همیشه مراقب پدر بود.

«ابوبکر بیهقی» می نویسد: «روایت شده است که مشرکان قریش در حجر اسماعیل(ع) گردآمده بودند و می گفتند: چون محمد(ص) عبور کند، هر یک از ما به او ضربه ای خواهیم زد و چون فاطمه(س) این را شنید نزد مادر رفت و سپس این مطلب را به اطلاع پیامبر رساند... .» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_233_2)(

ص: 233

1- . جهت اطلاع بیش تر ر.ک: دلائل النبوه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج 2، ص41 47؛ بحارالانوار، ج 18، باب 8 از ابواب معجزات پیامبر و باب 1 از ابواب احوال آن حضرت.

2- . دلائل النبوه، ج 2، ص43.

آن بانوی بزرگوار در مواردی نیز علاوه بر اطلاع و پیشگیری از اقدام آنان، خود مستقیماً به صحنه می رفت و به حمایت و دفاع از پیامبر عزیز می پرداخت.

«عبداللّه بن مسعود» می گوید: «با پیامبر اکرم(ص) در کنار کعبه بودیم، حضرت در سایه خانه خدا مشغول نماز بود، گروهی از قریش و از جمله ابوجهل در گوشه ای از مکه چند شتر نحر کرده بودند، شکمبه آنها را آوردند و بر پشت پیامبر(ص) گذاشتند، فاطمه(س) آمد و آنها را از پشت پدرش برداشت.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_234_1)(

ب) دفاع و حمایت از امام علی(ع)

حضرت زهرا(س) مقام، موقعیت و جایگاه امام علی(ع) را خوب شناخته بود و از تواناییهای ذاتی، خدادادی و شایستگیهای ایشان نیز مطلع بود. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_234_2)( دیدگاههای پیامبر اکرم(ص) را نسبت به امام به صورت مرتب شنیده بود و بدان ایمان و اعتقادی راسخ داشت و صلاح و مصلحت جامعه نوپای اسلام را در رهبری و امامت امام علی(ع) می دانست )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_234_3)( و جایگزین دیگری را با وجود ایشان برای این مقام و منصب جایز نمی دید. از این رو برای اثبات و تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نکرد و تا آخرین لحظه دست از حمایت و دفاع از امام(ع) و مقام امامت بر نداشت.

در بیعت با خلیفه اول سه گروه امتناع کردند:

ص: 234

1- . بحارالانوار، ج 18، ص57؛ دلائل النبوه، ج2، ص44.

2- . برای آشنایی با ویژگیهای حضرت امام(ع) از نگاه حضرت زهرا(س) ر.ک: خطبه حضرت در جمع زنان مدینه. برای استفاده از متن شرح و تفسیر دو خطبه آن حضرت که یکی را در مسجد مدینه و دیگری در جمع زنان مدینه ایراد فرمود، ر.ک: الاحتجاج، ج1، ص253 293 و شرح نهج البلاغه، ج16، ص210 به بعد و شرح خطبه حضرت زهرا، در دو جلد؛ و قطره ای از دریا.

3- . ویژگیها، آثار و برکات رهبری امام(ع) را در خطبه حضرت در جمع زنان مدینه ببینید، در ادامه بحث چند مورد در حد اشاره بیان خواهد شد.

اول: گروه انصار، که در سقیفه حضور داشتند و هر چند در ابتدا از بیعت با ابوبکر خودداری کردند؛ ولی مسائلی موجب شد تا بیش تر آنها در همان جلسه به ابوبکر دست بیعت دهند.

دوم: بنی امیه و در رأس آنها ابوسفیان، که منتظر رسیدن به پست و مقام و منصب بودند و در عصر جاهلیت، مقداری از آن برخوردار بودند.

سوم: بنی هاشم و تعدادی دیگر از مسلمانان مانند: عمار، سلمان، مقداد، ابوذر و دیگران.

مشکل انصار تا حد زیادی به نفع خلیفه حل شد. بنی امیه نیز با تطمیع مالی و مقام و منصب حکومتی بیعت کردند؛ اما مشکل بنی هاشم همچنان باقی بود، هر چند حزب حاکم در جلب رأی و نظر آنان نیز تلاش زیادی کرد و حتی چند شب بعد از بیعت در سقیفه به منزل «عبداللّه بن عباس» رفتند و پیشنهاد پست و حکومت به او و دیگر افراد خانواده اش داده اند؛ اما مورد قبول او قرار نگرفت و ابن عباس مسئله را به امام علی(ع) واگذار کرد و هیچ یک از بنی هاشم تا امام بیعت نکرد دست بیعت به ابوبکر ندادند و تا حضرت زهرا(س) زنده بود، امام نیز بیعت نکرد. به همین جهت حزب حاکم چاره دیگری اندیشید و به فکر تهدید افتاد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_235_1)(

ابتدا مدافعان امام علی(ع) که در منزل حضرت زهرا(س) اجتماع کرده بودند، به دنبال تهدید جدی حکومت و شاید مصلحت اندیشی امام(ع) متفرق شدند، سپس طرفداران حکومت برای جلب امام(ع) به جهت بیعت با خلیفه به منزل آن حضرت حمله ور شدند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_235_2)( بانوی بزرگوار اسلام خود در مقابل مهاجمان ایستاد و با آنان صحبت کرد و فرمود:

ص: 235

1- . ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج2، ص21 به بعد و ج 6، ص5 52؛ الامامه و السیاسه، ج 1، ص32 33؛ فروغ ولایت، بخش چهارم وپنجم، ص145 193.

2- . برای اطلاع بیش تر از چگونگی بردن امام به مسجد جهت بیعت و اهانت به اهل بیت پیامبر و آتش زدن در منزل حضرت زهرا(س) ر.ک: فروغ ولایت، بخش چهارم، فصل سوم، ص179 194؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 6، ص47 49؛ امام علی بن ابی طالب، ج 1، فصل 15، ص321 328.

«اَیُّهَا الضّالُّونَ الْمُکَذِّبُونَ ماذا تَقُولُونَ وَ اَیُّ شَیْ ءٍ تُریدُونَ؟ یا عُمَرُ اَما تَتَّقِی اللّه َ؟ تَدخُلُ عَلی بَیْتی؟ اَبِحِزْبِکَ الشَّیْطان تُخَوِّفُنی وَ کانَ حِزبُ الشَّیْطانِ ضَعیفاً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_236_1)( ای گمراهان و دروغگویان! چه می گویید و چه می خواهید؟ ای عمر! آیا از خدا نمی ترسی؟ می خواهی وارد خانه من شوی؟ آیا با حزبت که حزب شیطان است مرا می ترسانی، در حالی که حزب شیطان ناتوان است.»

و هنگامی که امام(ع) را با زور به طرف مسجد می بردند، حضرت زهرا(س) با اینکه صدمه دیده بود خود را به میان آنان و امام(ع) رساند و فرمود: «وَاللّه ِ لااَدَعُکُمْ تَجُرُوّنَ اِبنَ عَمّی ظُلْماً؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_236_2)( به خدا سوگند! نمی گذارم پسر عموی مرا `ظالمانه به سوی مسجد` بکشانید.»

و بعد از آنکه امام(ع) را آنچنان به مسجد بردند، حضرت وارد مسجد شد و با تهدیدی جدی فرمود:

ص: 236

1- . بحارالانوار، ج 53، ص18.

2- . نهج الحیاه، ص152، ح 68.

«خَلُّوا عَنْ اِبْنِ عَمّی فَوَالَّذی بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ تُخِلُّوا عَنْهُ لاََنْشُرَنَّ شَعری وَ لاَضَعَنَّ قمیصَ رَسُولِ اللّه(ص) عَلی رَأسی وَ لاََصْرُخَنَّ اِلَی اللّه ِ تَبارَکَ وَ تَعالی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_237_1)( پسر عمویم را رها کنید. قسم به آن خدایی که محمد(ص) را به حق برانگیخت، اگر از او دست برندارید گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا(ص) را بر سرافکنده و در برابر خدا فریاد خواهم زد `و نفرین خواهم کرد`.»

و هنگامی که سلمان فارسی با اشاره امام(ع) از آن بانوی بزرگوار خواست تا نفرین نکند و به منزل برگردد، خطاب به سلمان این چنین فرمود: «یُریدُونَ قَتْلَ عَلِیٍّ(ع) وَ ما عَلی عَلِیٍّ(ع) صَبْرٌ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_237_2)( می خواهند علی(ع) را به قتل برسانند و `من` بر قتل علی(ع) صبر ندارم.»

خلیفه و دیگران که مرعوب دفاع و حمایت جدی آن بانوی بزرگوار از امام(ع) شدند، به ناچار امام(ع) را آزاد کردند و حضرت زهرا با دیدن امام(ع) به او چنین عرض کرد: «روُحی لِروُحِکَ الْفِداءُ وَ نَفْسی لِنَفْسِکَ الْوَقاءُ یا اَبَاالْحَسَنِ اِنْ کُنْتَ فی خَیْرٍ کُنْتُ مَعَکَ وَ اِنْ کُنْتَ فی شَرٍّ کُنْتُ مَعَکَ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_237_3)( جانم فدای جان تو! روحم سپر بلاهای جان تو، ای ابوالحسن! اگر تو در خیر و نیکی بودی با تو خواهم بود و اگر در سختی و بلاگرفتار شدی `باز هم` با تو خواهم بود.»

ص: 237

1- . بحارالانوار، ج 43، ص47؛ روضه کافی، ج 8، ص238 با اندکی تفاوت.

2- . تفسیر عیاشی، ج2، ص66 و 67.

3- . نهج الحیاه، ص159، ح 75.

ج) اعتراض و انتقاد

آن حضرت می دید که با خروج رهبریِ امت از محور خود، چه بسا ممکن است امور مهم دیگری نیز دچار این آفت شود و هر گونه ساکت ماندن نوعی تأییدی بر کارهای ناروا باشد، و چه بسا حتی برای همیشه کاری قانونی جلوه داده شود و نشانی بر حقانیت مدعیان خلافت تلقی گردد. بدین جهت حضرت زهرا(س) در مواردی مخالفت خود را با اعتراض، انتقاد و شِکوه به اثبات رساند.

د) اعتراض به غصب فدک

بعد از آنکه حضرت چند بار برای گرفتن فدک )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_238_1)( که حق آن حضرت بود به خلیفه اول مراجعه کرد )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_238_2)( و او نیز با استناد به حدیثی که کسی غیر از او آن را از پیامبر اکرم(ص) نشنیده و نقل نکرده است و بعد از استناد حضرت زهرا(س) به آیاتی از قرآن و بیانات پیامبر اکرم(ص) و حتی شهادت شاهدان، از باز گرداندن فدک به آن حضرت خودداری کرد، آن بانوی بزرگوار با اعتراض چنین فرمود:

«وَاللّه ِ لاَدْعُوَنَّ اللّه َ عَلَیْکَ وَ اللّه ِ لا اُکَلِّمُکَ بِکَلِمَهٍ ما حَیَیْتُ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_238_3)( سوگند به خدا تو را نفرین می کنم و به خدا قسم تا زنده هستم با تو یک کلمه سخن نخواهم گفت.»

ص: 238

1- . جهت اطلاع بیش تر از فدک، ارزش و مقدار درآمد آن، چگونگی بخشش آن توسط پیامبر اکرم(ص) به فاطمه(س) و سرنوشت آن و... ر.ک فروغ ولایت، 195 258 و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 16، ص210 286.

2- . هدف اصلی حضرت زهرا(س) از باز گرفتن فدک استفاده مادی از آن نبود؛ بلکه اثبات و احقاق حق خود بود؛ چون همان سالهایی نیز که فدک در اختیار ایشان بود، تنها به اندازه نیاز اولیه خود از آن برمی داشت و بقیه را بین فقرا تقسیم می کرد و تا هنگام رحلت پیامبر(ص) نیز این چنین بود. ر.ک: بحارالانوار، ج29، ص118 به نقل از: چشمه در بستر، ص269؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج16، ص216.

3- . شرح نهج البلاغه، ج16، ص214.

ه ) اعتراض به یورش به خانه حضرت

بعد از آنکه تعدادی به در منزل حضرت علی(ع) آمدند و با تهدید خواستند امام(ع) را با اجبار به بیعت وادارند و یا متعرض اهل خانه شوند، و خانه را به آتش بکشانند که متأسفانه این کارها نیز به انجام رسید )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_239_1)( حضرت زهرا(س) در مسجد و خطاب به خلیفه اول فرمود:

«یا اَبابَکْر! ما اَسرَعَ ما اَغَرْتُمْ عَلی اَهْلِ بَیْتِ رَسُولِ اللّه(ص) وَ اللّه ِ لااُکَلِّمُ عُمَرَ حَتّی اَلْقَی اللّه َ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_239_2)( ای ابوبکر! چه زود کینه های پنهانی خود را علیه اهل بیت رسول خدا(ص) ظاهر کردید، سوگند به خدا! تا زنده ام با عمر سخن نخواهم گفت.»

و) اعتراض به بی حرمتی به امام(ع)

ص: 239

1- . جهت اطلاع بیشتر ر.ک الاحتجاج، ج1، ص209 213.

2- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج6، ص49.

بعد از آنکه امام علی(ع) را به طرز نامناسبی به مسجد بردند، حضرت زهرا(س) خود را به مسجد رساند و اعتراض خود را به مهاجمان و دیگر کسانی که آنجا بودند ابلاغ کرد. از جمله خطاب به خلیفه دوم که نقش اصلی را در این کارها داشت فرمود:

«طُغْیانُکَ یا عُمَر اَخْرَجَنی اَلْزَمَکَ الْحُجَّهَ وَ کُلَّ ضالٍّ غَوِیٍّ. اَما وَاللّه ِ یَابْنَ الْخَطّابِ لَوْلا اَنّی اَکْرَهُ اَنْ یُصیبَ الْبَلاءُ مَنْ لاذَنْبَ لَهُ لَعَلِمْتَ اَنّی سَأقْسِمُ عَلَی اللّه ِ ثُمَّ اَجِدُهُ سَریعَ الاِْجابَهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_240_1)( ای عمر! طغیان تو مرا `از خانه` بیرون کشید و حجّت را بر تو و دیگر گمراهان اغوا شده تمام کرد. ای پسر خطاب! سوگند به خدا! چون کراهت دارم که بی گناهان دچار بلا و گرفتاری شوند `از نفرین دست برمی دارم. اگر چنین نبود` می دانستی که بر خدا سوگند یاد `و نفرین` می کردم و سپس خدا را سریع الاجابه می یافتم.»

ز) اعتراض به مردمان ساکت و خاموش

ص: 240

1- . اصول کافی، ج1، ص460، ح 5.

فرازهایی از خطبه حضرت زهرا(س) در مسجد مدینه گواهی گویا بر این مطلب است که آن حضرت با دلی پر خون از حوادث ناگوار پیش آمده، با زبان شکوه و اعتراض خطاب به انصار فرمودند:

«یا مَعْشَرَ النَّقیبَهِ وَ اَعْضادَ الْمِلَّهِ وَ حَصَنَهَ الاِْسْلامِ! ما هذِهِ الْغَمیزَهُ فی حَقّی وَ السِّنَهُ عَنْ ظُلامَتی؟؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_241_1)( ای انجمن نقبا! ای بازوان ملّت! ای حافظان اسلام! سکوت شما در مورد حق من چیست؟ و چرا در برابر دادخواهی من سهل انگارید؟»

در فراز دیگری ضمن بیان علتهای سستی و تساهل مردم فرمودند:

«اَلا وَقَدْ اَری اَنْ قَدْ اَخْلَدْتُمْ اِلیَ الخَفْضِ وَ اَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ اَحَقُّ بالبَسْطِ وَ الْقَبْضِ وَ خَلَوْتُمْ بِالدَّعَهِ وَ نَجَوْتُمْ مِنَ الضّیقِ بِالسَّعَهِ فَمَجَجْتُم ما وَعَیْتُمْ وَ دَسَعْتُمُ الَّذی تَسَوَّغْتُم؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_241_2)( می بینم که به تن آسایی خو کرده اید، و کسی که سزاوارتر `به زمامداری` بود با شادی و دنیاطلبی دور کردید، و با رفاه و آسایش خلوت کرده؛ از سختی زندگی به راحتی و خوشگذرانی رسیده اید؛ به همین جهت آنچه را که حفظ کرده بودید از دست دادید و آنچه را که فرو بردید، استفراغ کردید.»

ح) اعتراض به عملکرد خلیفه اول و دوم

ص: 241

1- . الاحتجاج، ج1، ص269؛ دلائل الامامه، ص36.

2- . الاحتجاج، ج1، ص272 و 273.

در روزهای آخر عمر حضرت زهرا(س) هنگامی که آن دو با اجازه امام علی(ع) به ملاقات آن بانوی بزرگوار رفتند، آن حضرت صورت خود را به سوی دیوار برگرداند و از آنان پرسید: شما را به خدا سوگند می دهم، آیا شنیده اید که رسول خدا(ص) فرمود: «فاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنّی، مَنْ آذاها فَقَدْ آذانی، رِضا فاطِمَهَ مِنْ رِضایَ وَ سَخَطُ فاطِمَهَ مِنْ سَخَطی؛ فاطمه(س) پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است، رضایت فاطمه(س) از رضایت من و خشم فاطمه(س) از خشم من است.»؟

گفتند. آری شنیده ایم. حضرت فرمودند: «فَاِنّی أُشْهِدُ اللّه َ وَ مَلائِکَتَهُ اَنَّکُما اَسْخَطْتُمانی وَ ما اَرَضَیْتُمانی وَ لَئِن لَقیتُ النَّبِیَّ(ص) لاَشْکُوَنَّکُما اِلَیهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_242_1)( پس خدا و فرشتگانش را به شهادت می گیرم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید `و آزار دادید` و موجبات خشنودی مرا فراهم نکردید. اگر با `پدرم` رسول خدا(ص) ملاقات کنم، شکایت شما را نزد او خواهم برد.»

ص: 242

1- . الامامه و السیاسه، ص13 و 14؛ بحارالانوار،، ج28، ص356 و ج29، ص627 و ج43، ص203 و 204.

با همسایگان

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

حضرت فاطمه(س) و رسالتهای اجتماعی

با همسایگان

حضرت زهرا(س) که تربیت یافته مکتب پیامبر اکرم(ص) بود، نسبت به همسایگان توجه خاصی داشت. برخی از موارد توجهات حضرت زهرا(س) درباره همسایگان را می توان در امور زیر جستجو کرد:

الف) دعا در حق همسایگان

امام حسن(ع) چنین نقل می کنند: «رَأَیْتُ اُمّی فاطِمَهَ(س) قامَتْ فی مِحْرابِها لَیْلَهَ جُمْعَتِها فَلَمْ تَزَلْ راکِعَهً ساجِدَهً حَتّی اِتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُها تَدْعُو لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ تُسَمّیهِمْ وَ تَکْثُرُ الدُّعاءَ لَهُمْ وَ لاتَدْعُو لِنَفْسِها بِشَیْ ءٍ فَقُلْتُ لَها: یا أُمّاهُ! لِمَ لاتَدعِیَنَّ لِنَفْسِکِ کَما تَدْعینَّ لِغَیْرِکِ؟ فَقالَتْ: یا بُنَیَّ الْجارُ ثُمَّ الدّارُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_243_1)(

مادرم فاطمه(س) را شب جمعه ای دیدم که در محراب خود ایستاده و پیوسته به رکوع و سجده می رفت تا سپیدی صبح آشکار شد و شنیدم که در حق مردان و زنان مؤمن دعا می کرد و اسم آنها را می برد و برای آنها بسیار دعا کرد؛ اما برای خودش دعا نفرمود. عرض کردم: ای مادر! چرا برای خودت چون دیگران دعا ننمودی؟ فرمود: پسرم! اول همسایه، سپس خانه.»

ص: 243

1- . بحارالانوار، ج43، ص82 و ج 86، ص313.

امام صادق(ع) نیز این سیره و روش حضرت را چنین بیان فرموده است:

«کانَتْ فاطِمَهُ(س) اِذا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ لاتَدْعُو لِنَفْسِها فَقیلَ لَها فَقالَتْ: اَلْجارُ ثُمَّ الدّارُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_244_1)( فاطمه(س) چنین بود که هر گاه دعا می کرد، برای مردان و زنان مؤمن دعا می کرد؛ ولی برای خودش دعا نمی کرد. به او گفته شد `و از او علت این ماجرا سؤال شد`، پس فرمود: همسایه و سپس خانه.»

چنانکه از این دو حدیث بر می آید، حضرت زهرا(س) هنگام دعا برای همسایگان، آنها را با نام دعا می کرده است و این بیانگر ارتباط آن بانوی بزرگوار با مردم و همسایگان می باشد.

ب) سرکشی و کمک به همسایه ها

ص: 244

1- . بحارالانوار، ج 90، ص388.

حضرت زهرا(س) هم به عیادت مریضهای همسایه می رفت و هم به جهت تعزیت و تسلیت در مورد اموات آنها در بعضی از مجالس شرکت می کرد، چنانکه نوشته اند: «کانَتْ تَعُودُ مَرْضاهُمْ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_245_1)( از مریضهایشان عیادت می کرد.» و «خَرَجَتْ فی تَعْزِیَهِ بَعْضِ جیرانِها؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_245_2)( در عزای بعضی از همسایگانش `از خانه `خارج شد.»

در سیره آن بانوی گرانقدر آمده است: حضرت زهرا(س) فقیران و بینوایان را اطعام می داد و به همسایگان مستضعف خود رسیدگی می کرد و به زنان و اطفال مخصوصاً یتیمان توجه می کرد و به آنها رسیدگی می نمود و غذا می داد تا جایی که اثر گرسنگی بر صورت مبارکش آشکار می شد. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_245_3)(

حتی آن زمانی که خانواده بزرگوار زهرای مرضیه(س) سه روز پی در پی غذای خود را به یتیم و فقیر و مسکین دادند )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_245_4)( و خداوند به در تشکر از این کار، غذایی برای آنها فرستاد، فاطمه(س) از آن غذا نیز بین همسایگان توزیع و تقسیم کرد. در این ماجرا، رسول خدا(ص) اهل بیت خود را جمع کرد و به آنها غذا داد تا سیر شدند و قدری از غذا باقی ماند و حضرت زهرا(ع) آن را به همسایگانش بخشید. )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_245_5)(

ص: 245

1- . اعلموا انی فاطمه، ج 4، ص534.

2- . بحارالانوار، ج 57، ص216.

3- . ر.ک: «اعلموا انّی فاطمه»، ج4، ص217. به نقل از فاطمه الزهراء، ص130 و تفسیر کشاف زمخشری.

4- . دهر/ 7 8 ؛ بحارالانوار، ج35، ص237 به بعد.

5- . بحارالانوار، ج35، ص255 و ج47، ص27.

ایثار و انفاق

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

حضرت فاطمه(س) و رسالتهای اجتماعی

ایثار و انفاق

با هجرت پیامبر اکرم(ص) به مدینه، مسلمانان و پیروان حضرت نیز به این شهر مهاجرت کردند. تنگناهای اقتصادی و سیاسی مسلمانان را در شرایط بسیار سختی قرار داد. انصار هر چه داشتند به دستور پیامبر(ص) در نهایت اخلاص و فداکاری با مهاجران تقسیم کردند. غنیمتهای جنگی نیز که گاهی به دست می آمد آنقدر نبود که نیاز جامعه نوپای اسلام را بر طرف سازد. پیامبر بزرگوار(ص) مسلمانان و فقرای مسلمان را بر خود و خانواده و بستگانش ترجیح می داد، و حضرت علی و فاطمه(ع) نیز در اجرای این رسالت اخلاقی اجتماعی بیش از توان معمول بر خود سخت می گرفتند. آنها علاوه بر تحمل مشکلات طاقت فرسا، در ایثار و انفاق نیز بر همگان پیشی گرفته بودند.

خانه حضرت فاطمه(س) محل مراجعه نیازمندان و فقیران بود. هر کس به آنجا مراجعت می کرد، ناامید برنمی گشت و پیامبر اکرم(ص) نیز در موارد زیادی نیازمندان را به ایشان ارجاع می داد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_246_1)(

ص: 246

1- . مأساه الزهراء(س)، ج 1، ص54.

جابر بن عبداللّه انصاری می گوید: نماز عصر را با پیامبر اکرم(ص) به جا آوردیم، حضرت هنوز در محراب نماز نشسته بودند که پیر مردی از مهاجران عرب که لباسی کهنه و مندرس به تن داشت وارد شد، پیامبر اکرم(ص) احوال او را پرسید و از او دلجویی کرد. آن مرد گفت: «ای رسول خدا! شکمم گرسنه است، غدایم بده، تنم برهنه است، لباسم بپوشان، تهیدستم، بی نیازم فرما.»

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «ما اَجِدُلَکَ شَیْئاً، اِنْطَلِقْ اِلی مَنْزِلِ مَنْ یُحِبُّ اللّه َ وَ رَسُولَهُ وَ یُحبُّهُ اللّه ُ وَ رَسُولُهُ، یُؤْثِرُ اللّه َ عَلی نَفْسِهِ، اِنْطَلِقْ اِلی حُجْرَهِ فاطِمَهَ؛

«چیزی برای تو نمی یابم، به در خانه کسی برو که هم او خدا و رسولش را دوست دارد و هم خدا و رسولش او را دوست دارند، او خدا را بر خودش مقدم می دارد، برو به خانه فاطمه(س).»

ص: 247

آنگاه پیامبر به بلال فرمود که او را به منزل فاطمه(س) برسان. بلال با او آمد و قضیه را به عرض زهرای مرضیه(س) رساند. حضرت زهرا(س) گردن بندی را که دختر عمویش فاطمه دختر حمزه سیدالشهداء به او هدیه داده بود، از گردن درآورد و به آن مرد فقیر داد و فرمود: «خُذْهُ وَبِعْهُ فَعَسَی اللّه ُ اَنْ یُعَوِّضَکَ بِهِ ما هُوَ خَیْرٌ مِنْهُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_248_1)( این را بگیر و بفروش. امید است خداوند در مقابل آن چیزی به تو دهد که از آن بهتر است.»

همچنین ابن عباس نقل می کند: برای عرب تازه مسلمان شده ای تهیه کند، به خانه زنان پیامبر اکرم(ص) رفت؛ اما چیزی نیافت، چشمش به خانه حضرت زهرا(س) افتاد و با خود گفت: اگر خیری باشد، از خانه فاطمه(س)، دختر پیامبر(ص) خواهد بود. رفت و در خانه آن حضرت را کوبید و قضیه را به عرض ایشان رساند. آن حضرت فرمود: «وَالَّذی بَعَثَ مُحَمَّدا(ص) بِالْحَقِّ نَبِیّا اِنَّ لَنا ثَلاثا ما طَعِمْنا وَ اِنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ قَدِ اضْطَرَبا عَلَیَّ مِنْ شِدَّهِ الْجُوعِ.... وَلکِنْ لا اَرُدُّ الْخَیْرَ اِذا نَزَلَ الْخَیْرُ بِبابی؛ سوگند به آن کسی که محمد(ص) را به حق به پیامبری بر انگیخت، سه روز است که چیزی نخورده ایم و حسن و حسین(س) از شدت گرسنگی می لرزیدند `تا اینکه خوابشان برد....` اما خیری را که به در خانه ام آمده است، برنمی گردانم.»

حضرت(س) پیراهن خود را به سلمان داد تا ببرد و از شمعون یهودی مقداری خرما و جو بگیرد. سلمان آنها را گرفت و آورد. آن حضرت بلافاصله آنها را آسیاب کرد، نان پخت و به سلمان داد تا برای آن مرد فقیر ببرد. سلمان عرض کرد: یک قرص از این نانها را برای حسن و حسین(ع) بردارید. حضرت فرمودند: «یا سَلْمانُ! هذا شَیْءٌ اَمْضَیناهُ للّه ِِ عَزَّوَجَلَّ لَسْنا نَأْخُذُ مِنْهُ شَیْئاً؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_248_2)( اینها را که در راه خدای عزیز و بزرگ داده ایم، چیزی از آن برنمی داریم.»

ص: 248

1- . بحارالانوار، ج 43، ص56 58، ح 50.

2- . تفصیل این قضیه: بحارالانوار، ج 43، ص69 75.

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

مقدمه

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

مقدمه

بدون تردید وجود مقدس حضرت زهرا(س) و سیره، رفتار و گفتار آن گرامی برای تمام زنان مسلمان مایه مباهات و اسوه کامل می باشد. بانوی بزرگواری که حضرت خاتم الانبیاء(ص) در ستایش او فرمود: «أَنَّ ابْنَتِی فَاطِمَهَ سَیِّدَهُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_249_1)( دخترم فاطمه(س) سرور بانوان بهشتی است.»

طبق این گفتار ارزشمند نبوی(ص)، حضرت زهرا(س) سرآمد تمام زنان سعادتمند عالم است که در اثر کوشش در راه حق به مقامات عالیه معنوی نائل شده اند.

رسول گرامی اسلام(ص) در گفتار دیگری به عظمت و بزرگواری حضرت زهرا(س) اشاره کرده و به او فرموده است: «یَا فَاطِمَهُ! أَ لَا تَرْضَیْنَ أَنْ تَکُونِی سَیِّدَهَ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ و سَیِّدَهَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّه و سَیِّدَهَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_249_2)( ای فاطمه! آیا `به این کرامتی که خداوند به تو داده` خشنود نیستی که تو سرور زنان جهان و سرور زنان این امت و سرور بانوان اهل ایمان باشی؟»

ص: 249

1- . بحار الانوار، ج 37، ص 39.

2- . مستدرک حاکم، ج 3، ص 156.

آری، حضرت زهرا(س) جلوه ای کامل از تمام کمالاتی است که یک زن در طول حیات خود ممکن است به آن نایل شود. حضرت امام خمینی; در این باره می فرماید: «تمام ابعادی که برای زن متصور است، برای یک انسان `کامل` متصور است، در فاطمه زهرا(س) جلوه کرده و بوده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_250_1)(

امام خمینی; برای شناساندن ویژگی یک بانوی کمال یافته با اشاره به وجود مقدس حضرت زهرا(س) می فرماید: «آن بزرگوار یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان. او موجودی ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است. زنی که تمام خاصه های انبیا در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود، به جای رسول الله(ص) بود. معنویات، جلوه های ملکوتی، جلوه های الهی، جلوه های جبروتی، همه در این موجود مجتمع است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_250_2)(

با توجه به این ویژگیهای کم نظیر، بهترین کسی که می تواند درس زندگی را به بانوان عصر ما بیاموزد، شخص حضرت زهرا(س) است. از این رو، در این مقال بخشهایی از سیره و سخن آن بزرگوار را که قابلیّت الگو برداری و درس آموزی برای زنان مسلمان دارد، تقدیم می کنیم. به امید آنکه بتوانیم در عصری که از هر سو دشمنان اسلام و شیاطین وسوسه گر، ایمان و ارزشهای اصیل جامعه و امنیت اخلاقی جوانان و زنان را هدف گرفته اند و با هر وسیله ای برای تضعیف باورهای دختران و زنان مسلمان تلاش می کنند رفتارهای خود را با آن حضرت هماهنگ نماییم و درسهایی از آن بانوی مخدّره فرا گیریم.

ص: 250

1- . صحیفه امام، ج 7، ص 337.

2- . صحیفه امام، ج 7، ص 337.

قناعت، سادگی و شکرگزاری

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

قناعت، سادگی و شکرگزاری

هر زن مسلمانی در پرتو تعالیم قرآن و اهل بیت(ع) همواره ساده زیستی را نصب العین خود قرار داده، و تمام همت خود را برای تربیت فرزندان صالح و حرکت به سوی کمال بکار می گیرد؛ چرا که دلدادگی به دنیا و مظاهر فریبنده آن مانع رشد و ترقی معنوی و کمال انسانی است. زنی که فقط به دنبال تشریفات، دنیاگرایی، زندگی شاهانه و اشرافی و لباسهای آن چنانی باشد، نمی تواند به اهداف والای زندگی پاک معنوی دست یابد و فرزندانی شایسته تربیت کند. به همین جهت، حضرت زهرا(س) با اینکه دختر بزرگ رهبر جهان اسلام بود و می توانست از موقعیت خود بهره برداری مادّی بکند؛ امّا چنین نکرد.

سلمان فارسی می گوید: روزی حضرت فاطمه(س) را دیدم که چادری ساده بر سر داشت. با تعجب عرضه داشتم: عجبا! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسیهای طلایی می نشینند و پارچه های زربافت و اشرافی به تن می کنند؛ امّا دختر رسول خدا(ص) که عظمت و جلالتش از همه آنها بالاتر و بیش تر است، نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباسهای فاخر و زیبا! حضرت زهرا(س) فرمود: «یَا سَلْمَانُ! اِنَّ اللَّهَ ذَخَّرَ لَنَا الثِّیَابَ وَ الْکَرَاسِیَّ لِیَوْمٍ آخِرٍ؛ ای سلمان! خداوند `بزرگ` لباسهای `زینتی` و تختهای `طلایی` را برای روز قیامت ما ذخیره کرده است.»

ص: 251

آن گاه حضرت فاطمه(س) به محضر رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: «یا رسول الله! سلمان از لباس ساده من تعجب کرد. قسم به خدایی که تو را به رسالت در راه حق بر انگیخت! من و همسرم علی(ع) همواره زندگی ساده را پیشه خود کرده ایم. فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها شترمان بر روی آن علف می خورد و شبها بر روی آن می خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_252_1)(

همچنین روزی رسول خدا(ص) وارد منزل حضرت زهرا(س) شد و دخترش را مشاهده کرد که روی زمین نشسته، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته، شیر می دهد و با دست دیگر با آسیاب دستی گندمها را آرد می کند. از دیدن زندگی ساده؛ امّا گرم و پرعاطفه حضرت فاطمه(س) اشک در چشمان رسول خدا(ص) حلقه زد و فرمود: «یَا بِنْتَاهْ! تَعَجَّلِی مَرَارَهَ الدنیا بِحَلاوَهِ الْآخِرَهِ؛ دخترم! مشکلات دنیا را به یاد شیرینی `و حلاوت زندگی در` جهان آخرت بر خود هموار ساز و تحمل کن!»

حضرت فاطمه(س) نیز عرضه داشت: «یَا رَسُولَ اللَّهِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی نَعْمَائِهِ وَ الشُّکْرُ لِلَّهِ عَلَی آلَائِهِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_252_2)( ای رسول خدا! حمد و سپاس خداوند را در مقابل این همه نعمتی که به ما داده است.»

ص: 252

1- . بحار الانوار، ج 8، ص 303.

2- . مکارم الاخلاق، ص 117.

البته ساده زیستی بانوی مسلمان به این معنا نیست که ژولیده، آلوده و بد لباس زندگی کند؛ بلکه سادگی او باید توأم با پاکی و تمیزی باشد.

ص: 253

کار و تلاش و خیرخواهی

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

کار و تلاش و خیرخواهی

یک زن با ایمان همواره در راه احیای ارزشهای الهی و پیشرفت جامعه و خانواده اش تلاش می کند و حضرت زهرا(س) نمونه بارزی از بانوان پر تلاش در طول تاریخ است. آن حضرت علاوه بر تلاشهای معنوی، در عرصه های عبادت و تقوا، خانواده داری و تربیت فرزندان نیز الگویی تمام عیار می باشد. کار شبانه روزی برای تعالی و استحکام خانواده، تربیت و پرورش فرزندان شایسته، آموزش علم برای تشنگان دانش، ایراد خطابه و روشنگری مردم در صحنه اجتماع و در یک کلام، حرکت با تمام وجود به سوی رشد و کمال، از ویژگیهای بارز آن سرور بانوان عالم است.

حضرت زهرا(س) در گزارشی که در مورد کوششهایش در خانه و خانواده اش برای رسول خدا(ص) بیان می کند، چنین عرضه می دارد: «لَیْلَتِی جَمِیعاً اُدِیرُ الرَّحَی حَتَّی اُصْبِحَ وَ اَبُو الْحَسَنِ یَحْمِلُ حَسَناً وَ حُسَیْنا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_254_1)( شب تا صبح به آرد کردن گندم مشغول بودم، در حالی که ابوالحسن، `فرزندانم` حسن و حسین(ع) را نگه داری می کرد.»

ص: 254

1- . کنز العمال، ج 15، ص 507.

مهمان نوازی

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

مهمان نوازی

پذیرایی از مهمان از زیباترین آموزه های دین ماست، و این مهمان نوازی را که یکی از این اوصاف بزرگوارانه است، می توان به شکلی زیبا و شایسته در سیره حضرت زهرا(س) به نظاره نشست. روزی حضرت علی(ع) مهمانی را به همراه خود به منزل آورد و از حضرت زهرا(س) پرسید: «آیا غذایی در منزل داریم که این مهمان گرسنه را سیر کنیم؟» حضرت زهرا(س) با کمال بزرگواری فرمود: «مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوتُ الصِّبْیَهِ وَ لَکِنَّا نُوءْثِرُ بِهِ ضَیْفَنَا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_255_1)( در خانه ما فقط به اندازه خوراک یک دختر بچه هست؛ امّا `امشب` ایثار کرده، `گرسنگی را تحمل می کنیم و` این مقدار غذا را به مهمان می بخشیم.»

ص: 255

1- . فرهنگ سخنان فاطمه(س) ، ص 98.

تواضع و همدلی با شوهر

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

تواضع و همدلی با شوهر

از دیگر ویژگیهای یک بانوی مسلمان، همراهی و همدلی با شوهر است. او برای گرم نگه داشتن کانون خانواده، و استحکام روابط بین اعضای آن، همواره کنار همسر و پشتیبان اوست. امام باقر(ع) فرمود: «علی(ع) و فاطمه زهرا(س) برای همدلی بیش تر در نظام خانواده به حضور رسول خدا(ص) رفتند تا رهنمودی بگیرند. رسول خدا(ص) حضرت فاطمه(س) را به کارهای درون خانه گماشت و کارهای بیرون را به علی(ع) واگذار کرد. بعد از این رهنمود شایسته، حضرت زهرا(س) با خوشحالی اظهار داشت: «فَلَا یَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِی مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِإِکْفَائِی رَسُولُ اللَّهِ(ص) تَحَمُّلَ رِقَابِ الرِّجَالِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_256_1)( جز خداوند متعال کسی نمی داند که از این تقسیم کار چقدر خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا(ص) مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت.»

حضرت زهرا(س) چنان به همسر گرامی خود علاقمند بود و با آن حضرت همدلی داشت که بعد از وقایع تلخ ماجرای سقیفه و فدک که دل زهرا(س) را شکستند و به خانه اش حمله کردند، آن گاه که حضرت علی(ع) وارد منزل شد و فرمود: «فاطمه جان! ابوبکر و عمر در پشت در اجازه ملاقات می خواهند؟ نظرت دراین باره چیست؟ حضرت با آن همه خون دلی که از آنان داشت، با کمال تواضع فرمود: «الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَ الْحُرَّهُ زَوْجَتُکَ افْعَلْ مَا تَشَاءُ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_256_2)( `علی جان!` خانه خانه توست و من همسر تو هستم؛ هرآنچه می خواهی انجام بده!»

ص: 256

1- . بحار الانوار، ج 43، باب 4، ح 1.

2- . کتاب سلیم بن قیس، ص 868، ح 48.

مهم ترین راز موفقیت در همسرداری

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

مهم ترین راز موفقیت در همسرداری

از امتیازات یک بانوی مسلمان، توفیق او در امر همسرداری است. اگر در میان زن و شوهر، یکی از آنان فداکاری و گذشت بیش تری داشته باشد، مطمئناً کار به مشاجره و نزاع خانوادگی منجر نخواهد شد. بنابراین، کم توقع بودن، گلایه نکردن، صبر و استقامت در سختیهای زندگی توسط زنان با ایمان می تواند به استحکام ارکان خانواده کمک شایانی بکند. فرازی از زندگی و سخنان حضرت زهرا(س) در این زمینه راهکار جالبی برای همسران شایسته می باشد.

در یکی از روزهای پر مشقت، غذا در منزل امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) کمیاب شده بود. امام از همسرش پرسید: فاطمه جان! غذایی داری که مقداری تناول کنیم؟ فاطمه(س) پاسخ داد: سوگند به آن خدایی که مقام و عظمت تو را بالا برد! سه روز است که غذای کافی در منزل نداریم و مقدار اندکی هم که داشتیم به شما بخشیدم و خودم رنج گرسنگی را تحمل کردم.

ص: 257

امام علی(ع) فرمود: چرا به من اطلاع ندادی؟» حضرت زهرا(س) پاسخ داد:

«کَانَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) نَهَانِی أَنْ أَسْأَلَکَ شَیْئاً فَقَالَ: لَا تَسْأَلِی ابْنَ عَمِّکِ شَیْئاً إِنْ جَاءَکِ بِشَیْءٍ عَفْواً وَ إِلَّا فَلَا تَسْأَلِیهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_258_1)( رسول خدا(ص) مرا نهی فرموده است که از تو چیزی بخواهم و به من سفارش کرده است که: از پسر عمویت چیزی درخواست نکن! اگر خودش چیزی آورد، بپذیر؛ وگرنه خودت درخواست نکن!»

ص: 258

1- . تفسیر عیاشی، ج 1، ص 171.

پاسدار حریم عفت و حیا

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

پاسدار حریم عفت و حیا

از زیباترین درسهایی که حضرت زهرا(س) به بانوان آموخت، حفظ عفت، عصمت و حجاب بود. روزی مردی نابینا برای ورود به منزل علی(ع) اجازه خواست. حضرت زهرا(س) با ورود وی به پشت پرده رفت و حجاب خود را کامل کرد. رسول خدا(ص) که در آنجا حضور داشت، پرسید: ندخترم! او که نابیناست و تو را نمی بیند، چرا پشت پرده رفتی و حجاب خود را کامل کردی؟» حضرت فاطمه(س) پاسخ داد: «إِنْ لَمْ یَکُنْ یَرَانِی فَإِنِّی أَرَاهُ وَ هُوَ یَشُمُّ الرِّیحَ؛ اگر او مرا نمی بیند، من او را می بینم و او بو`ی زن نامحرم` را حس می کند.» رسول خدا(ص) فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّکِ بَضْعَهٌ مِنِّی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_259_1)( گواهی می دهم که تو پاره تن منی.»

بنابراین، بانوان محترم باید به مسئله محرم و نامحرم با تمام وجود دقت کرده، آن را رعایت کنند؛ چراکه در صورت عدم رعایت، فرجام ناشایست آن دامنگیرشان خواهد شد. اساساً امنیت اخلاقی جامعه در گرو حفظ حریم زنان و مردان نامحرم است. حفظ ایمان، آرامش درونی، سلامت جسمانی، استحکام بنیان خانواده ها، عزت و سربلندی جامعه و جلوگیری از بزهکاریها و مفاسد متعدد اخلاقی از جمله دستاوردهای حفظ حجاب و رعایت حریم زنان از معرض دید نامحرمان می باشد. به همین جهت، رسول خدا(ص) طبق فرمان الهی دستور داد که: بَاعِدُوا بَیْنَ اَنْفاسِ النِّساءِ وَ اَنْفاسِ الرِّجالِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_259_2)( میان زنان و مردان `نامحرم` فاصله ایجاد کنید!»

ص: 259

1- . دعائم الاسلام، ج 2، ص 214.

2- . مواهب الجلیل، ج 2، ص 578.

بالاترین ارزش

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

بالاترین ارزش

از منظر حضرت زهرا(س) نزدیک ترین حالات زن به خداوند متعال هنگامی است که خود را از دید نامحرمان دور نماید و در منزل خود به خانه داری و تربیت فرزند و پذیرایی از همسر خود بپردازد. امام صادق(ع) به نقل از حضرت فاطمه(س) دراین باره فرمود: «أَنَّ أَدْنَی مَا تَکُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَیْتِهَا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_260_1)( نزدیک ترین حالات یک زن به خداوند متعال زمانی است که در منزل می ماند `و به امور خانه داری و تربیت فرزند می پردازد`.»

آری، یک زن مسلمان هرگز فرمان خداوند متعال را در مورد حفظ عفت و عصمت خود فراموش نمی کند و در طول زندگی حجاب خود را همانند گوهری گرانبها پاس می دارد. این سخن معروف حضرت زهرا(س) که ضامن پایداری جوامع و مایه استحکام خانواده هاست، همواره باید در معرض دید بانوان مسلمان به ویژه دختران جوان باشد که فرمود: «خَیْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا یَرَیْنَ الرِّجَالَ وَ لَا یَرَاهُنَّ الرِّجَالُ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_260_2)( بهترین و نیکوترین عمل زنان آن است که `بدون ضرورت` مردان `نامحرم` را نبینند و مردان `نامحرم` نیز آنان را ننگرند.»

ص: 260

1- . نوادر راوندی، ص 14.

2- . وسائل الشیعه، ج 20، ص 67.

به راستی خوشبختی و سعادت زن و جامعه بهترین و نیکوترین عمل زنان آن است که `بدون ضرورت` مردان `نامحرم` را نبینند و مردان `نامحرم` نیز آنان را ننگرند. در همین جمله نهفته است که زن تا می تواند از نامحرمان دوری کند و کم ترین ارتباطی را با آنان داشته باشد؛ امّا متأسفانه در عصر ما شیاطین وسوسه گر و دشمنان اسلام تلاش می کنند به هر وسیله و عنوانی زنان مسلمان را از هویت خود جدا کنند و به مجامع عمومی و معرض دید نامحرمان بکشانند و به این وسیله آنان را از اهداف اصلی خلقتشان بازدارند.

ص: 261

کلام «فرانس فانون» نویسنده فرانسوی

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

درسهایی از فاطمه(س) برای زنان

کلام «فرانس فانون» نویسنده فرانسوی

وی می گوید: «نیروهای اشغالگر در کشور مسلمان الجزایر مأموریت داشتند تا هویت و اصالت فرهنگی ملت الجزایر را نابود سازند و در این راه حداکثر کوشش خود را در تخریب مسئله حجاب و چادر زنان متمرکز کرده بودند؛ زیرا آن را نشانه مهم اصالت ملی زنان الجزایری تلقی می کردند. از دیدگاه استعمارگران هجوم به تار و پود جامعه اسلامی الجزایر ابتدا باید از تحت تأثیر قرار دادن زنان آغاز می شد. دستگاه استعماری فرانسه برای مبارزه با حجاب زنان و بیرون کشیدن آنان از کانون خانواده، مبالغ هنگفتی اختصاص داده بود. آنها بر این باور بودند که حجاب زن سدّ محکم و دژ عظیمی در برابر نفوذ غربیهاست. هر چادری که کنار گذاشته شود، افق جدید و گام بلندی در تسلط استعمارگران بر کشورهای اسلامی است. پس از دیدن هر زن مسلمانی که حجاب را کنار گذاشته است، امید تسلط آنان ده برابر می گردد. با هر چادری که رها می گردد، گویی جامعه اسلامی برای پذیرش و تسلیم در برابر استعمارگران آماده تر می شود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_262_1)(

ص: 262

1- . فلسفه چادر حجاب برتر، ص 95.

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

مقدمه

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

مقدمه

دلدادگی به خوبان، انسان را در رسیدن به کمال مطلق و سرچشمه رستگاری یاری می کند و امری پسندیده و لازم است؛ چرا که انسان بدون محبت و علاقه هیچ گاه به مقصد دلخواه نخواهد رسید. به همین جهت، امام باقر(ع) فرمود: «هَلِ الدِّینُ إِلَّا الْحُبُّ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_263_1)( آیا دین به غیر از محبت است؟»

اساساً مهم ترین رمز توفیق رهبران دینی به ویژه حضرت محمد(ص) بهره گیری از بهترین راهکار تربیتی؛ یعنی ابزار محبت به دیگران بوده است. در حقیقت، مهرورزی در تمام مراتب خود در طول محبت به خداوند قرار دارد؛ یعنی تمام محبتها به عشق الهی ختم می شود. دوست داشتن دیگران و خانواده و به خصوص عشق به اهل بیت(ع) در همین راستاست. امام صادق(ع) فرمود: «اگر دوستیها دشمنیها و بذل و بخششهای کسی برای خدا باشد، او به بالاترین درجات ایمان رسیده و ایمانش کامل شده است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_263_2)( ابراز محبت و اظهار مهر آن چنان اهمیت دارد که دلهای مشتاق را صید کرده، آتش کینه ها و اختلافات را خاموش نموده، افسردگیها را معالجه می کند و سخت ترین شرایط زندگی را تحمل پذیر می سازد.

در این مقال، برآنیم که گوشه هایی از سیره حضرت فاطمه(س) در طول زندگی هجده ساله اش را در عرصه مهرورزی بیان کنیم و زیباترین صحنه های ابراز محبت وی برای خدا و در راه او را به نظاره بنشینیم.

ص: 263

1- . الکافی، ج 8، ص 79، ح 35.

2- . الکافی، ج 2، ص 101.

در دامن مهر و وفا

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

در دامن مهر و وفا

اگر با دیده حق بین بنگریم، تمام زوایای زندگی یگانه دخت رسالت می تواند برای تمام انسانهای سعادت طلب، درس آموز و راهگشا باشد؛ زیرا آن سرور بانوان عالم در مهد وحی و رسالت پرورش یافته و از سینه وفا و نجابت تغذیه کرده است. آن حضرت تمام عوامل و زمینه های تربیتی را در راه رسیدن به کمال تجربه کرده و بهترین بهره را در این زمینه برده است.

امروزه محققان علوم تربیتی می کوشند تا عوامل پیدا و پنهان ساختار شخصیت انسان و شاکله وجودی وی را بررسی کنند و در تلاش اند که به تمام زمینه ها، عوامل و موانع تربیت دست یابند و در جهت پیشرفت علوم تربیتی آن را به کار گیرند. اگر از این زاویه به مراحل تکوین، رشد و بالندگی دوران زندگی حضرت زهرا(س) نگاهی داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که هر اندازه علوم تربیتی پیشرفت کند و قدم به سوی تعالی بگذارد، شخصیت والای کوثر ولایت و مادر امامت را بیش تر خواهند شناخت و انوار زهرای مرضیه(س) بهتر جلوه خواهد کرد.

آنان در این مسیر، نمونه ای شاخص تر از وجود آن حضرت نخواهند یافت. آری، حضرت فاطمه(س) افزون بر دارا بودن تمام زمینه ها و عوامل رشد و تربیت، در آغوش موفق ترین مربّی دنیای بشریت؛ حضرت خاتم الانبیاء(ص) پرورش یافته است.

ص: 264

حضرت فاطمه(س) مهربانیها، گذشتها و بردباریهای مادر فداکار خویش را در سالهای نخستین عمر خود شاهد بود و رفتارهای مهرآمیز پیامبر(ص) نسبت به همسر و فرزندانش را نیز به نظاره نشسته بود، و این چنین بود که خاندان رسالت، بنیان مهر و وفا را در منطقه ای که به غیر خشونت و بربریّت چیز دیگری حاکم نبود، به روابط عاطفی و احیای آیین مهرورزی تبدیل ساخت.

حضرت زهرا(س) در اوج بی مهریهای انسانهای جاهل به دخترانشان، بیش ترین محبت را از پدر بزرگوارش احساس کرد و تمام آن را در زندگی به دیگران بخشید. حضرت(س) را «حانیه» نامیدند؛ یعنی بانویی که با شوهر و فرزندانش بسیار مهربان و دلسوز بود. «حبیبه» گفتند؛ یعنی دوستدار و محبوب رسول خدا(ص) بود. «امّ ابیها» لقب گرفت؛ چراکه برای پدر گرامی اش نیز نه تنها یک دختر؛ بلکه چون مادر بود.

حضرت زهرا(س) بر این باور بود که: «بِشْرٌ فِی وَجْهِ الْمُؤْمِنِ یُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّهَ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_265_1)( خوش رویی مؤمن موجب می شود که او به بهشت برود.»

ص: 265

1- . فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)، ص 26.

همدم مادر

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

همدم مادر

آن حضرت در مدت 5 سالی که با مادر فداکار خویش زندگی کرد، همواره به آن بانوی بهشتی از عمق جان عشق می ورزید. هنگامی که احساس کرد زمان فراق فرا رسیده و حضرت خدیجه(س) در فراق او و پدر ارجمندش شدیداً ناراحت است و نگران تنهایی و بی یاوری حضرت ختمی مرتبت(ص) می باشد، مادرش را دلداری داد و گفت: «یَا اُمَّاهْ! لَا تَحْزَنِی وَ لَا تَرْهَبِی فَاِنَّ اللَّهَ مَعَ اَبِی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_266_1)( مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش؛ زیرا خداوند متعال یار و یاور پدرم می باشد.»

او آن چنان با مادر گرامی اش ارتباط قلبی و عاطفی داشت که وقتی پس از وفات حضرت خدیجه(س) به پدر بزرگوارش می گفت: «یَا اَبَتِ اَیْنَ اُمِّی؛ پدر جان! مادرم کجاست؟» جبرئیل نازل شد و عرضه داشت: «یا رسول الله! خداوند می فرماید: سلام ما را به فاطمه(س) برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه(س) در خانه های بهشتی با آسیه و مریم(ع) زندگی می کند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_266_2)(

ص: 266

1- . فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)، ص 164.

2- . امالی شیخ طوسی، ص 175.

بعد از رحلت حضرت خدیجه(س)، فاطمه(س) دامان پر مهر مادری عزیز را از دست داد و دختر 5 ساله ای بود که از آن به بعد می بایست جای خالی مادر را در کانون خانواده پیامبر(ص) پر کند. حضرت فاطمه(س) خود در مورد مقام مادر فرموده است: «اِلْزَمْ رِجْلَهَا فَاِنَّ الْجَنَّهَ تَحْتَ اَقْدَامِهَا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_267_1)( همواره در کنار مادر باش! زیرا بهشت زیر پای مادر است.»

ص: 267

1- . صحیفه الزهراء(س)، ص 288.

غمخوار پدر

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

غمخوار پدر

دلدادگی حضرت فاطمه(س) به حضرت رسول(ص) از واضح ترین صفحات زندگی آن بزرگوار است. زمانی که مسلمانان از محاصره اقتصادی رهایی یافتند، روزی پیامبر اکرم(ص) سر به سجده نهاده بود و با پروردگار خویش راز و نیاز می کرد که در همین حال، افرادی از قریش به وی نزدیک شدند و شکمبه شتر را بر سر و روی مبارک حضرتش انداختند. فاطمه(س) که نظاره گر این صحنه دردناک بود، پیش آمد و سر و صورت پدر گرامی اش را پاک کرد؛ ولی اندوهی عمیق قلب او را فرا گرفت. به همین جهت، رسول خدا(ص) می فرمود: «فاطمه، انسانی فرشته خوست. هر گاه دلم می خواهد عطرهای بهشتی را ببویم، دخترم فاطمه را می بویم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_268_1)(

ص: 268

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 4 و صحیح مسلم، ج 3، ص 167.

عمق صمیمیت با پیامبر(ص)

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

عمق صمیمیت با پیامبر(ص)

حضرت فاطمه(س) فرمود: «هنگامی که آیه (لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعاءِ بَعْضِکُمْ بَعْضاً) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_269_1)( ؛ «پیامبر را به هنگام خطاب مانند خودتان صدا نکنید؛ `بلکه او را با عبارت یا رسول الله مخاطب قرار دهید!`.» نازل شد، من نیز سعی کردم به این آیه عمل کنم و آن حضرت را به جای ای پدر! «یا رسول الله!» خطاب کنم. رسول گرامی(ص) دو سه بار چیزی نفرمود، تا اینکه یک بار به من فرمود: «یَا فَاطِمَهُ! إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِیکِ وَ لَا فِی أَهْلِکِ وَ لَا فِی نَسْلِکِ أَنْتِ مِنِّی وَ أَنَا مِنْکِ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِی أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ الْغِلْظَهِ مِنْ قُرَیْشٍ أَصْحَابَ الْبَذَخِ وَ الْکِبْرِ قُولِی یَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْیَا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَی لِلرَّبِّ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_269_2)( ای فاطمه! آن آیه در مورد تو و خانواده و نسل تو نازل نشده است؛ زیرا تو از منی و من از توام. آن آیه برای جفاکاران و درشتخویان قریش نازل شده است که اهل گردنکشی و تکبرند. تو همچنان مرا بابا صدا کن که این، دل را زنده تر و خدا را خشنودتر می سازد.»

این در حالی است که پیامبر اکرم(ص) را هر کس با لقب «یا رسول الله!» صدا می کرد، چهره اش می شکفت و با اشتیاق تمام پاسخ می داد: «لَبَّیْکَ وَ سَعْدَیْکَ!» به خلاف کسانی که پیامبر(ص) را با نام یا کنیه صدا می کردند که آن حضرت بی تفاوت بود.

ص: 269

1- . نور / 63.

2- . المناقب، ج 3، ص 320.

حضرت فاطمه(س) آن چنان به پدر بزرگوارش مهر می ورزید که حاضر نبود ذرّه ای آثار ناراحتی در سیمای حضرتش مشاهده کند. «احمد بن حنبل» می نویسد: «هر گاه رسول خدا(ص) به مسافرت می رفت، آخرین کسی را که با او وداع می کرد، دخترش فاطمه(س) بود و چون از سفر برمی گشت، نخستین کسی را که ملاقات می کرد، فاطمه(س) بود. روزی پیامبر(ص) از جنگی برگشت و طبق معمول به خانه فاطمه(س) رفت. دید که پرده ای به در خانه آویخته اند و حضرت فاطمه(س) در وضع ظاهری منزل تغییراتی داده است. آن حضرت از همان جا بازگشت و قدم به خانه ننهاد. فاطمه(س) همان لحظه از سیمای پدر، ناراحتی او را فهمید و سریعاً تمام لوازمی را که تهیه کرده بود، به حضور پدر فرستاد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_270_1)(

ص: 270

1- . مسند احمد، ج 5، ص 275.

شیفته رسول خدا(ص)

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

شیفته رسول خدا(ص)

فاطمه(س) چنان به پیامبر دل بسته بود که جدایی از آن حضرت برایش غیر قابل تحمل بود. به همین جهت، بعد از رسول خدا(ص) دیگر کسی شادی و لبخند فاطمه(س) را مشاهده نکرد. آخرین لبخند آن گرامی قبل از وفات پدرش زمانی بود که پیامبر(ص) در حال احتضار افتاده بود و اعضای خانواده اش دور بسترش را گرفته بودند. از همه بیش تر فاطمه(س) بی تابی می کرد و فراق پیامبر(ص) را نمی توانست تصور و تحمل کند.

عایشه می گوید: «من کسی را به پیامبر شبیه تر از فاطمه(س) ندیدم؛ سخن گفتن و سایر حرکاتش یادآور شخصیت پیامبر(ص) بود. هر گاه فاطمه(س) به حضور رسول خدا(ص) وارد می شد، حضرت (ص) به احترام او تمام قامت بلند می شد، برایش جا باز می کرد، با کمال خوشحالی به او خوشآمد و مرحبا می گفت، دستش را می بوسید و در کنار خود می نشاند. در آستانه رحلت پیامبر(ص)، زهرا(س) به کنار بسترش آمد، و گریه نمود. پیامبر(ص) به صورت خصوصی با او صحبت کرد سپس دوباره با دخترش نجوا کرد و چهره فاطمه(س) باز و خندان شد.

بعد از وفات رسول الله(ص) از فاطمه(س) علت گریه و خنده اش را پرسیدم و او گفت: پدرم بار اول فرمود: فاطمه جان! من از میان شما خواهم رفت. و من گریه کردم. سپس به من فرمود: دخترم! ناراحت نباش! تو اولین کسی از خاندانم هستی که به من خواهد پیوست؛ لذا خوشحال شدم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_271_1)(

ص: 271

1- . بشاره المصطفی(ص) لشیعه المرتضی(ع)، ص 253.

معلم مهربان

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

معلم مهربان

حضرت فاطمه(س) به عنوان مربی و معلم انسانهای ظلمت زده و غوطه ور در جهل و نادانی، با زیباترین شیوه ها آنان را آموزش می داد. آن بانوی فرهیخته چنان مردم را جذب می کرد که ساعات تعلیم و تعلم برای دانش طلبان لذت بخش ترین لحظات به شمار می آمد. گزارش زیر، یکی از جلسات آموزشی حضرت فاطمه(س) را نشان می دهد که به نقل از امام حسن عسکری(ع) آمده است:

«روزی زنی نزد حضرت صدیقه طاهره(س) وارد شد و گفت: خانم! من مادری پیر و ناتوان دارم که برخی از مسائل نماز را به درستی نمی دانست. مرا نزد شما فرستاده تا پرسشهای دینی وی را مطرح کنم و پاسخ صحیح آنها را به نزد او ببرم. حضرت زهرا(س) فرمود: بپرس! آن زن یک به یک سؤالات را می پرسید و پاسخ دریافت می کرد تا اینکه به ده پرسش و پاسخ رسید. او از کثرت سؤالات خجالت کشید و دیگر نپرسید و با کمال شرمندگی گفت: ای دختر رسول خدا! دیگر به شما زحمت نمی دهم. حضرت فاطمه(س) با کمال خوش رویی فرمود: هر سؤالی داری، بپرس و خجالت نکش! اگر شخصی اجیر شود که بار سنگینی را در یک روز از زمین به بالای پشت بام ببرد و در مقابل صد هزار دینار طلا بگیرد، آیا چنین شخصی از کار خود خسته می شود؟ آن بانوی پرسشگر گفت: نه.

حضرت زهرا(س) فرمود: مثل من نیز همانند آن شخص اجیر است؛ من در نزد خداوند اجیر شده ام که در مقابل هر سؤالی که به تو پاسخ می دهم، مزد ارزشمندی را بگیرم. مزد من بیش تر از مرواریدهایی است که فاصله زمین و آسمان را پر می کند. آیا با این مزد بسیار و ارزشمند، من از پاسخ خسته می شوم؟ پس من شایسته ترم تا در برابر پاسخ به پرسشهای تو احساس رنج و زحمت نکنم.

ص: 272

از پدرم شنیدم که فرمود: «إِنَّ عُلَمَاءَ شِیعَتِنَا یُحْشَرُونَ فَیُخْلَعُ عَلَیْهِمْ مِنْ خِلَعِ الْکَرَامَاتِ عَلَی کَثْرَهِ عُلُومِهِمْ وَ جِدِّهِمْ فِی إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّی یُخْلَعَ عَلَی الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفِ حُلَّهٍ مِنْ نُورٍ؛ دانشمندانی که پیرو مکتب ما هستند، هنگامی که در روز قیامت محشور می شوند، نسبت به زیادی علوم و معارفی که کسب کرده اند و به اندازه کوششها و تلاشهایی که در راه هدایت و ارشاد بندگان خدا به کار برده اند، بر ایشان لباسهای کرامت و پوششهای آسمانی پوشانیده می شود، به طوری که وجود هر یک از آنان به وسیله یک میلیون لایه و پوشش نورانی آراسته شود.»

آن گاه از جانب خدای متعال در میان اهل محشر ندا داده می شود: ای گروهی که سرپرستی یتیمان آل محمد(ص) را پذیرفته اید (یتیمانی که پدران روحانی و رهبران دینی خود را از دست داده اند و سایه پیشوایان معصوم(ع) از بالای سرشان کوتاه شده است)! اینان شاگردان شمایند در دنیا و همان یتیمانی هستند که شما تکفّل کرده اید و وجود آنان را با دانش آراسته اید و آنان نیز به نوبه خود شاگردان دیگری را پرورش داده و لباس علم به اندامشان پوشانده اید. آن گاه خداوند دستور می دهد که بر پاداش چنین دانشمندانی بیفزایند و در حد کمال به آنان تکریم کنند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_273_1)(

ص: 273

1- . تفسیر امام عسکری(ع)، ص 340.

پناه شیعیان

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

جلوه های محبت در سیره حضرت فاطمه(س)

پناه شیعیان

از ویژگیهای حضرت زهرا(س) می توان لطف و عنایت آن گرامی به امت اسلام، به ویژه شیعیان امیرالمؤمنین علی(ع) ذکر کرد. در هنگام ازدواج حضرت فاطمه(س) وقتی مقدار مهریّه معین شد و آن بزرگوار از مبلغ مورد نظر آگاهی یافت، خطاب به پیامبر(ص) عرض کرد: «یَا رَسُولَ اللَّهِ! اِنَّ بَنَاتَ النَّاسِ یَتَزَوَّجْنَ بِالدَّرَاهِمِ فَمَا الْفَرْقُ بَیْنِی وَ بَیْنَهُنَّ؟ اَسْألُکَ اَنْ تَرُدَّهَا وَ تَدْعُوا اللَّهَ اَنْ یَجْعَلَ مَهْرِی الشَّفَاعَهَ فِی عُصَاهِ اُمَّتِکَ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_274_1)( ای رسول خدا! دختران مردم با درهمها ازدواج می کنند، پس چه فرقی بین من و آنها خواهد بود؟ تقاضا دارم مهریه مرا باز گردانی و از خداوند `متعال` بخواهی که مهریه مرا «شفاعتِ» گناهکاران امت تو قرار دهد.»

در آن لحظه جبرئیل(ع) نازل شد، در حالی که در دستش پارچه ای لطیف ابریشمین قرار داشت و روی آن نوشته شده بود: «جَعَلَ اللَّهُ مَهْرَ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاء شَفَاعَهَ الْمُذْنِبینَ مِنْ اُمَّهِ اَبِیهَا؛ خداوند متعال مهریه فاطمه زهرا(س) را شفاعت از گناهکاران امت پدرش قرار داد.»

ص: 274

1- . فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)، ص 240.

هنگامی که فاطمه(س) به حال احتضار رسید، وصیت کرد که آن پارچه را روی سینه و زیر کفنش قرار دهند و فرمود: آن گاه که در روز قیامت محشور شدم، این نوشته را با دستم بلند کرده، در مورد گناهکاران امت پدرم شفاعت می کنم. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_275_1)(

«اسماء بنت عمیس» می گوید: در آخرین لحظات زندگی حضرت فاطمه(س) حضور داشتم. آن سرور بانوان عالم غسل کرده، لباسهایش را عوض کرد و در گوشه منزل به راز و نیاز مشغول شد. پیش رفتم تا از نجواهای آن بزرگوار با حضرت حق آگاه باشم. فاطمه(س) را دیدم که رو به قبله نشسته و دستها را به سوی آسمان برده و با کمال خلوص زمزمه می کند: «إِلَهِی وَ سَیِّدِی! اَسْئَلُکَ بِالَّذینَ اصْطَفَیْتَهُمْ وَ بِبُکاءِ وَلَدَیَّ فی مُفارِقَتی اَنْ تَغْفِرَ لِعُصاهِ شیعَتی وَ شِیعَهِ ذُرِّیَتِی؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_275_2)( خداوندا! ای آقای من! تو را قسم می دهم به حق انسانهایی که برگزیده ای و به ناله های دو فرزندم (حسن و حسین) در فراق من! از تو درخواست می کنم که از گناه شیعیان من و پیروان فرزندانم درگذری `و آنان را مورد عفو و رحمت خود قرار دهی`!»

آن حضرت نه تنها در لحظات حساس و سرنوشت ساز زندگی خویش همچون هنگام ازدواج و در آستانه رحلت به فکر مردم مسلمان و شیعیان بود؛ بلکه در قیامت نیز به پیروان خود عنایت خاصی خواهد داشت.

ص: 275

1- . صحیفه الزهراء(س)، ص 274.

2- . صحیفه الزهراء(س)، ص 111.

«جابر بن عبد الله انصاری» از رسول خدا(ص) نقل می کند که: «در روز قیامت، دخترم فاطمه(س) با تمام جلال و شکوه و عزت و احترام در میان خیل عظیم فرشتگان آسمان وارد عرصات محشر می شود. در آن لحظه، منادی خداوند با صدای رسایی ندا می دهد که: ای اهل محشر! چشمان خود را ببندید که فاطمه(س) دختر محمد(ص) می خواهد عبور کند. در آن روز پیامبران، اولیای الهی، صدّیقان، شهیدان و تمام خلایق چشمان خود را می بندند تا اینکه دخترم فاطمه(س) در میانهاله ای از نور از صفوف محشر رد می شود و به مقابل عرش الهی می رسد. در آنجا عرضه می دارد: «إِلَهِی وَ سَیِّدِی ذُرِّیَّتِی وَ شِیعَتِی وَ شِیعَهُ ذُرِّیَّتِی وَ مُحِبِّیَّ وَ مُحِبِّی ذُرِّیَّتِی؛ بارالها! ای آقای من! فرزندانم و شیعیانم و پیروان فرزندانم و دوستانم و دوستان فرزندانم `را نجات بده`!» در آن لحظه، خداوند فرمان می دهد: کجایند فرزندان، شیعیان و دوستان فاطمه(س) و دوستان فرزندان فاطمه(س)؟ آنان به پیش می آیند، در حالی که فرشتگان الهی و ملائکه رحمت گرداگردشان را گرفته اند. فاطمه(س) تمام آنان را داخل بهشت می برد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_276_1)(

ص: 276

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 220؛ امالی صدوق، ص 18.

دعا در رفتار و گفتار فاطمه(س)

نقش دعا

فصل سوم: درسهایی از فاطمه(س)

دعا در رفتار و گفتار فاطمه(س)

نقش دعا

انسان موجودی سراسر نیاز است که هر چه برای رفع آن کوشیده، بیش تر متوجه فقر خود شده است. انسان برای ادامه حیات محتاج صدها نعمت الهی است و روانش بیش تر از تن، نیازمند هزاران عنایت الهی.

خداوند بی نیاز نیز تمام نعمتها را در پرتو تلاشها و خواستنها، همراه با لطف بی منتهای خود در اختیار بندگان قرار داده است. ارتباط با آن ذات بی نیاز و کریم بی نهایت، برای درخواست حاجتهای جسمی و روحی در اتصال به مبدأ بی نهایت قدرت است، که اگر هم حاجتی برآورده نشود و دعایی مستجاب نگردد، خود این ارتباط و اتصال، آرامش بخش، نشاط آور و نشانه توفیقی است که خداوند به دعاکننده عطا کرده است.

گفت آن اللّه تو لبیک ماست وآن نیاز و درد و سوزت پیک ماست

ص: 277

هر چه زمان می گذرد، احساس نیاز به دعا و معنویات بیش تر می شود. دعا، هم نیاز فطری انسان برای یافتن تکیه گاه است و هم برآورنده نیازها؛ اما چگونه باید دعا کرد و با خدای بی نیاز چگونه باید حرف زد؟

برای درک این چگونگی دست به دامن معصومانی می شویم که راههای ارتباط با خدا را به خوبی دانسته، و در زندگی خویش بهترین و بیش ترین بهره ها را از دعا برده اند. آنچه پیش روست، سیری در رفتار و گفتار حضرت فاطمه زهرا(س) پیرامون دعا و نیایش است.

الف) اهمیّت دعا از دیدگاه حضرت فاطمه(س)

روزی رسول گرامی اسلام(ص) به فاطمه(س) فرمود: دخترم! آیا دوست داری دعایی به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی خواند؛ مگر آنکه خواسته هایش تحقق می پذیرد؟ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_278_1)( فاطمه(س) در پاسخ پدر عرض کرد: «یا اَبَه! لَهَذا اَحَبُّ اِلیَّ مِنَ الدُّنْیا وَ ما فیها؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_278_2)( پدر جان! چنین چیزی از دنیا و آنچه در آن است نزد من محبوب تر است.»

جمله فوق، جمله بلندی در اهمیت دعا است که جز قدم گزارندگانِ این وادی کسی عمق آن را درک نمی کند.

ص: 278

1- . بحارالانوار، ج 92، ص 405، ذیل روایت 35.

2- . بحارالانوار، ج 92، ص 405، ذیل روایت 35

ب) سفارش به دعا

نه تنها صدیقه طاهره خود اهل دعا و راز و نیاز بود؛ بلکه دیگران را نیز بدان سفارش می نمود. پس از وفات رسول اکرم(ص)، زنان بنی هاشم در منزل آن حضرت اجتماع و گریه زاری می کردند و افتخارات گذشته را بر می شمردند. حضرت زهرا(س) به آنان فرمود: «اُتْرُکْنَ التَّعْدادَ وَ عَلَیْکُنَّ بِالدُّعاءِ؛ دست از شمارش `افتخارات` بردارید و به دعا بپردازید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_279_1)(

حضرت نه تنها در زمان حیات به این مسئله اهمیت می داد بلکه پس از شهادت خویش نیز سفارش کرد برایش دعا کنند؛ چرا که انسان پس از مرگ نیز نیازمند دعاست.

حضرت زهرا(س) در وصیت خویش به علی(ع) فرمود: «اِذا أَنَامِتُّ فَتَولِّ اَنْتَ غُسْلی وَجَهِّزْنی وَصَلِ عَلَیَّ وَاَنْزِلْنی قَبْری وَاَلْحِدْنی وَسَوِّ التُّرابَ عَلَیَّ وَاجْلِسْ عِنْد رَاْسی قُبالَهَ وَجْهی فَاَکْثِر مِنْ تِلاوهِ الْقُرْآنِ وَالدُّعاءِ فَاِنَّها ساعَهً یَحْتاجُ فیها اِلی اُنْسِ الْاَحْیاءِ...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_279_2)( وقتی من وفات کردم، تو غسل و کفن مرا بر عهده گیر و بر من نماز بگزار و مرا درون قبر قرار ده، دفنم کن و سنگ قبر را بر روی قبرم گذار `و خاک بر آن بریز` و آن را هماهنگ و صاف نما، آن گاه بالای سرم روبروی من بنشین، و زیاد قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه هایی `میت` به انس گرفتن با زندگان `سخت` محتاج است!»

ص: 279

1- . همان، ج 2، ص 522؛ وسائل الشیعۀ، ج 2، ص 892؛ فروع کافی، ج 3، ص 218 و خصال صدوق، ج 2، ص 159.

2- . وسائل الشیعۀ، ج 2، ص 892؛ فروع کافی، ج 3، ص 218 و خصال صدوق، ج 79، ص 27.

ج) دعاهای حضرت فاطمه(س)

دعاهای آن حضرت را می توان به چهار دسته تقسیم نمود که هر یک برطرف کننده بخشی از نیازهای زندگی انسان است:

1. در عظمت و صفات خداوند

در دعای معروف حضرت می خوانیم: «بِسْمِ اللّه ِ النُّورِ، بِسْمِ اللّه ِ الَّذی یَقولُ لِشَیْ ءٍ کُنْ فَیَکونُ، بِسْمِ اللّه ِ الَّذی یَعْلَمُ خائِنَهَ الْاعْیُنِ وَماتُخْفیِ الصُّدُورُ، بِسْمِ اللّه ِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّور، بِسْمِ اللّه ِ الَّذی هُوَ بِالْمَعْروفِ مَذْکور، بِسْمِ اللّه ِ الَّذی اَنْزَلَ النُّورَ عَلَی الطُّورِ بِقَدَرٍ مَقْدورٍ، فی کِتابٍ مَسْطورٍ، عَلی نَبِیِّ مَحْبورِ؛ به نام خدای نور، به نام خدایی که به هر چیزی بگوید باش، می باشد، به نام خدایی که چشمها و نگاههای پنهان در سینه ها را می داند. به نام خدایی که نور را از نور آفرید. به نام خدایی که به نیکی یاد می شود. به نام خدایی که نور را بر کوه طور به اندازه معین نازل کرد در نوشته ای بر پیامبری عظیم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_280_1)(

دعاهایی که پیامبر اکرم(ص) به فاطمه(س) تعلیم فرموده نیز از همین دسته است، مانند: دعایی که با این جمله شروع شده است: «یا اَعَزَّ مذْکورٍ وَاَقْدَمَه قَدَماً فی الْعِزِّ و الْجَبَروتِ...» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_280_2)( و یا دعایی که با جمله «اللَّهمَّ رَبَّنا وَرَبَّ کُلِّ شی ءٍ» شروع می شود. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_280_3)(

ص: 280

1- . همان، ج 92، ص 39، مهج الدعوات، ص 7 و ص 140 و دلائل الامامه طبری، ص 28.

2- . بحارالانوار، ج 92، ص 405.

3- . بحارالانوار، ص 406، روایت 37.

همین طور دعایی که آن حضرت از پیامبر اکرم(ص) برای قبل از خواب نقل نموده است: خواندن سوره توحید سه مرتبه، صلوات بر محمد و پیغمبران، استغفار برای مؤمنان و گفتن این جمله: «سُبْحان اللّه ِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ الاّ اللّه ُ وَاَللّه ُ اکْبر.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_281_1)(

2. درخواست کمالات معنوی

گاه انسان در ضمن دعا یک سلسله کمالات معنوی و اخروی را از خداوند می خواهد. این نوع درخواست، گاه درخواست کمالات به صورت غیرمستقیم، از طریق عذرخواهی، مناجات و طلب عفو است و گاهی درخواست کمالات به صورت مستقیم و صریح، مانند: «...اللّهُمَّ فَرِّغْنی لِما خَلَقْتَنی لَهُ، وَلاتَشْغَلْنی بِما تَکَفَّلْتَ لی بِهِ، وَلاتُعَذِّبْنی وَ اَنااَسْتَغْفِرُکَ، وَلاتَحْرِمْنی وَ اَنا أسْئَلُکَ أللّهُمَ ذَلِّلْ نَفْسی وَعَظِّمْ شَأْنَکَ فی نَفْسی وَاَلْهِمْنی طاعَتَکَ وَالْعَمَلَ بِما یُرْضیکَ وَالتَّجَنُّبَ لِما یَسْخَطُکَ...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_281_2)( خدایا! مرا برای آنچه آفریده ای (عبادت و بندگی) آماده کن، و به آنچه خود عهده دار آن هستی و برایم تضمین نموده ای (رزق و روزی) مشغولم نکن، و عذابم ننما، در حالی که استغفار می کنم! و محرومم نفرما، در حالی که درخواست می نمایم! خدایا! نفسم را `پیش خودم` خوار کن و مقامت را در نفسم بزرگ جلوه ده، و طاعت خود و عمل به آنچه رضای تو در آن است و دوری از غضب را به من الهام نما.»

3. نیازمندیهای زندگی

ص: 281

1- . منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج 1، ص 99.

2- . بحارالانوار، ج 92، ص 406، حدیث 36.

نوع سوم، دعاهایی است که در آن نیازمندیهای زندگی دنیوی درخواست می شود، مانند: رزق و روزی فراوان، پیشرفت در کارها، گشایش سختیها، شفای بیماران و خلاصه همه: بیمار و سالم، فقیر و غنی، گرفتار و غیر گرفتار... نیازمند دعا هستند و محتاج عنایت خدای بی نیاز، چنان که قرآن می فرماید: (أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_282_1)( ؛ «شما همه نیازمند خدا هستید و تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است.»

حضرت فاطمه زهرا(س)، فرزندش امام حسن(ع) را که بیمار شده بود، خدمت رسول خدا برد و عرض کرد: «یا رَسُولَ اللّه!ِ اُدْعُ اللّه َ لِابْنِکَ اَنْ یَشْفِیَهُ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_282_2)( ای رسول خدا! خدا را بخوان برای فرزندت، تا او را شفا دهد.»

همین طور حضرت در دعاهای دیگرش گاه خواسته های دنیوی نیز دارد، از جمله در دعایی از آن بانو می خوانیم: «اَللّهُمَّ قَنِّعْ بِما رَزَقْتَنی وَاسْتُرْنی وَعافِنی اَبَدا مااَبْقَیْتَنی...؛ خدایا! مرا به آنچه رزقم داده ای، قانع کن، و بپوشان و تا زنده ام عافیتم ده.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_282_3)(

ص: 282

1- . فاطر/15.

2- . بحارالانوار، ج 59، ص 104و مستدرک الوسائل، ج 1، ص 300.

3- . بحارالانوار، ج 92، ص 406، حدیث 36.

4. دعا در حق دیگران

در نوع چهارم از دعا، انسان از حیطه خود و خواسته های خویش پا را فراتر نهاده و به دنبال کمالات معنوی است و نیازمندیهای مادی و رفع گرفتاری کل جامعه مسلمین را مدّ نظر دارد. در این مرحله انسان از خداوند برآورده شدن نیازها و رفع گرفتاریهای تمام انسانها را می خواهد. این گونه دعا، هم در زندگی دیگران اثر مستقیم دارد آنجا که دعا مستجاب و مورد قبول واقع می شود و هم نسبت به کل افراد اثری غیر مستقیم دارد، تا در مورد نیازمندیهای معنوی و مادی مردم در صورت توان و قدرت کوتاهی نکند. در منابع دینی، بر این گونه دعاها بسیار سفارش شده است، از جمله رسول خدا(ص) فرمود:

«اِذا دَعا اَحَدٌ فَلْیُعِمَّ فَاِنَّهُ اَوْجَبُ لِلدُّعاءِ وَ مَنْ قَدَّم اَرْبَعْینَ مِنْ اِخْوانِهِ قَبْلَ اَنْ یَدْعُوَ لِنَفْسِهِ اُسْتُجیْبَ لَهُ فِیِهمْ وَ فِی نَفْسِه؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_283_1)( هرگاه فردی خواست دعا کند، برای عموم دعا نماید؛ زیرا عامل استجابت دعا می شود و کسی که چهل نفر از برادران خود را در دعا قبل از خودش مقدم بدارد، دعای او در حق آنان و خودش پذیرفته می شود.»

ص: 283

1- . بحارالانوار، ج 93، ص 313، ح 17 و منتخب میزان الحکمۀ، ص 184، حدیث 2143.

در «شرح لمعه» از مرحوم کلینی، از علی بن ابراهیم و او از پدرش نقل شده است که: «عبداللّه بن جندب» را در عرفات دیدم، در حالی که دستهایش به سوی آسمان بلند بود و به قدری اشک ریخته بود که زمین زیر پایش گل شده بود. وقتی مردم پراکنده شدند، گفتم: ای أبا محمد! هیچ موقفی را بهتر از موقف تو ندیدم. گفت: به خدا قسم! دعا نکردم جز برای برادران دینی ام ؛ چرا که از موسی بن جعفر )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_284_1)( شنیدم که فرمود:

«مَنْ دَعا لِاَخیْهِ بِظَهْرِ الْغَیْبِ نُودیَ مِنَ الْعَرْشِ وَلَکَ مِأهُ اَلْفِ ضِعْفٍ مِثْلُهُ؛ کسی که برای برادر `دینی اش` در پشت سر دعا کند، از عرش الهی ندا می رسد که برای توست صد برابر `آنچه دعا کردی`.» و من دوست ندارم که صدهزار را به خاطر یک دعا `برای خودم` که نمی دانم مستجاب می شود یا نه! ترک کنم.

حضرت فاطمه زهرا(س) خود بنیان گذار چنین مکتب و فرهنگی است؛ لذا نمی تواند در حق دیگران دعا نداشته باشد.

ص: 284

1- . شرح لمعه، ص 242.

امام حسن مجتبی(ع) شب جمعه ای مادر را دید که برای همسایگان، مؤمنان، و... دعا می کند و برای خود دعا نمی نماید. عرض کرد: مادر جان! چرا برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود:

«اَلْجارُ ثُمَّ الدّارُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_285_1)( پسرم! اول همسایه سپس خانه `خود`.»

حضرت فاطمه(س) در آخرین لحظه های عمر خویش، هنگام جدایی از همسر و فرزندان خویش در حق شیعیانش دعا می کرد. اسماء، همسر جعفر طیار نقل می کند: در لحظه های پایانی زندگانی حضرت زهرا(س) متوجه آن بزرگ زن عالم بودم که ابتدا غسل کرد و لباسها را عوض نمود و در خانه مشغول راز و نیاز با خدا شد. فاطمه را دیدم که رو به قبله نشسته و دستها را به سوی آسمان برآورده، چنین دعا می کند:

«اِلهی وَسَیِّدی! أسْئَلُکَ بِالَّذینَ اصْطَفَیْتَهُمْ وَبِبُکاءِ وَلَدَیَّ فی مُفارِقَتی اَنْ تَغْفِرَ لِعُصاه شیِعَتی وَشیِعَهِ ذُرّیَتِی؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_285_2)( خدای من! و آقای من! به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه های دو فرزندم حسن و حسین(ع) در فراق من، از تو می خواهم از گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان من درگذری.»

ص: 285

1- . بحارالانوار، همان، ج 42، ص 82؛ کشف الغمّه، اربلی، ج 2، ص 25 و علل الشرایع، ج 1، ص 183.

2- . ذخائرالعقبی، ص 53، فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص 111، روایت 76.

راستی این نهایت غمخواری و مهربانی است که دراوج غصه ها و گرفتاریهای خویش، از درد پهلو گرفته تا مظلومیت امامش، این همه به فکر شیعیان خود باشد و در حق آنان دعا کرده و خود را فراموش نماید!

د) تقسیمی دیگر

تقسیم دیگر برای دعا این است که دعا یا با زبان «قال» و حرف زدن است که غالب دعاهای مردم این گونه می باشد. اگر این نوع دعا با شرایط باشد، به استجابت می رسد و اگر هم به اجابت نرسد، باز هم قابل توصیه است؛ چرا که ذکر خدا و ارتباط با ذات بی نهایت او محسوب می شود.

نوع دیگر دعا، دعا با زبان «حال» است؛ یعنی دعا در حالی که اشک جاری، دل شکسته و قلب متوجه خدای متعال است. اثر این نوع دعا بیش تر و برد اجابتش بالاتر است.

نوع دیگر دعا، دعا با زبان استعداد می باشد، به این معنی که انسان در اثر انجام کار خیر و عمل صالح، استعداد دریافت کمال را می یابد و قطعاً آن کمال به او داده می شود. در قرآن کریم می فرماید: (وَ ءَاتَیکُمْ مِنْ کُلِّ ما سَاَلْتُمُوهُ) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_286_1)( ؛ «و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد.»

ص: 286

1- . ابراهیم /34.

در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است: خداوند به داود وحی کرد: «یا داوُدُ! اِنَّهُ لَیْسَ عَبْدٌ مِنْ عِبادِی یَطیِعُنِی فیِما آمُرُهُ اِلاّ اَعْطَیْتُهُ قَبْلَ اَنْ یَسْأَلَنی، وَاسْتَجیِبُ لَهُ قَبْلَ اَنْ یَدْعُوَنی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_287_1)( ای داود! اگر بنده ای از بندگان دستورات مرا اطاعت کند، به او عطا می کنم، قبل از آنکه درخواست کند و برای او اجابت می کنم، پیش از آنکه دعا نماید.»

رسول خدا(ص) می فرماید: خداوند فرمود: «مَنْ شَغَلَهُ ذِکْری مِنْ مَسْألَتی أعْطَیْتُهُ فَوْقَ مااُعْطیَ السّائِلیِنَ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_287_2)( هر کس به خاطر مشغول شدن به یاد من از درخواست از من باز ماند، به او بیش از درخواست کنندگان عطا می کنم.»

این همان دعا به زبان استعداد است. حضرت صدیقه کبری(س) علاوه بر دعاهای مقالی و زبانی، و افزون بر دعاهای حالی، دعاهایی با زبان استعداد نیز داشت و غرق در کمال و جمال الهی بود؛ به گونه ای که گاه از درخواست باز می ماند.

ص: 287

1- . ترجمه آیهالله العظمی مکارم شیرازی.

2- . بحارالانوار، ج 93، ص 376، حدیث 16 و منتخب میزان الحکمۀ، ص 185.

روزی پیامبر اسلام(ص) به دخترش فرمود: «هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است تا هرچه بخواهی تحقق پذیرد! ای فاطمه! چه درخواست و حاجتی داری؟» آن بانوی عارفه پاسخ داد: «شَغَلَتنی عَنْ مَسْئَلَتِهِ لَذَّهُ خِدْمَتِهِ لاحاجَهَ لی غَیْرُ النَّظَرِ اِلی وَجْهِهِ الْکَریم؛ لذتی که از خدمت او (حضرت حق) می برم مرا از خواهش باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال والای خدای کریم باشم»! )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_288_1)(

پروردگارا! از زندگی خسته و روی گردان شده ام و از بندگان دنیا، بلاها و مصیبتهای ناگوار دیدم! خدایا! مرا به پدرم ملحق گردان و مرگم را به سرعت برسان.»

این همان دعا با زبان استعداد است که هر کس به آن مرحله رسید، لب باز نکرده خدا به او عطا می کند. نکته در خور دقت این است که دعای مقالی و حالی گام به گام بر استعداد درونی انسان می افزاید و او را به درجه بالاتر سوق می دهد.

ص: 288

1- . همان، ص 185، حدیث 2156 و تنبیه الخواطر، ج 2، ص 108.

ه ) زمان استجابت دعا

برای استجابت دعا، مکانها و زمانهای خاصی توصیه شده است. در بین زمانها، ماه رمضان، شبهای قدر، شب جمعه، لحظه نزول باران و روبرو شدن لشکریان حق با باطل و... دیده می شود. یکی از زمانها عصر جمعه است که در سخن نقل شده از حضرت فاطمه زهرا(س) بدان توصیه شده است. آن بانو از رسول گرامی اسلام(ص) نقل نموده است که:

«اِنَّ فی الْجُمْعَهِ لَساعَهً لایُوافِقُها رَجُلٌ مُسْلِمٌ یَسْألُ اللّه عَزَّوَجَلَّ فیِها خَیْرا اِلاّ اَعْطاهُ اِیّاهُ فَقُلْتُ یا رَسُولَ اللّه ِ اَیُّ ساعَهٍ هِیَ؟ قالَ اِذا تَوَلّی نِصْفُ عَیْنِ الشَّمْسِ لِلْغُروب؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_289_1)( به راستی در روز جمعه ساعتی است که مرد مسلمان در آن ساعت چیزی را از خدا می خواهد و خداوند عطا می کند `و دعایش مستجاب می شود`. پرسیدم: ای رسول خدا! آن کدام ساعت است؟ فرمود: آنگاه که نصف قرص خورشید در افق پنهان می شود.»

از آن پس، حضرت فاطمه زهرا(س) در این ساعت از غروب جمعه در دعا و خیرخواهی مسلمانان همت می نمود و فردی را می گماشت تا این لحظه را به او اطلاع دهد.

ص: 289

1- . ریاحین الشریعه، رسولی محلاتی، ج 1، ص 105 و فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص 69.

و) دعای مستجاب

حضرت فاطمه زهرا(س) برای امت اسلامی دعا می کرد؛ اما روزگاری رسید که برای خویش نیز دعا نمود و چه زود آن دعا مستجاب شد! آری، غمهای بی شماری چون: آتش کشیده شدن در خانه، شکستن پهلو، ورم کردن بازو، و... آن چنان طاقت فرسا بود که حضرت فاطمه(س) را از پا در آورد، تا آنجا که در حق خود چنین دعا کرد:

اَلّلهُمَّ عَجِّلْ وَفاتِی سَریِعاً قَدْ نَقَضْتُ الْحیوهَ یا موْلائی )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_290_1)(

«خدایا! وفاتم را با سرعت نزدیک گردان؛ چرا که از زندگی `خسته و` نا امید شده ام، ای آقای من!»

پیامبر اکرم(ص) نیز از دعاهای جانسوز حضرت زهرا(س) خبر داد و به اصحابش فرمود: دخترم در امواج بلاها و مصیبتها آن چنان غمناک و نگران می شود که دست به دعا برداشته، از خدا آرزوی مرگ و شهادت می کند و می گوید: «یا رَبِّ! أنّی قَدْ سَئِمْتُ الْحَیاهَ وَتَبَرَّدْتُ بِاَهْلِ الدُّنْیا فَاَلْحِقْنی بِاَبی اِلهی عَجِّلْ وَفاتی سَریِعاً؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_290_2)( پروردگارا! از زندگی خسته وروی گردان شده ام و از بندگان دنیا، بلاها و مصیبتهای ناگوار دیدم! خدایا! مرا به پدرم ملحق گردان و مرگم را به سرعت برسان.»

ص: 290

1- . معانی الاخبار صدوق، ص 399، دلائل الامامه، ص 4، فرهنگ سخنان فاطمه(س)، ص 115.

2- . بیت الاحزان، ص 260.

به فصل جوانی زغم پیر گشتم

"

ز عمر گرانمایه ام سیر گشتم

"

خدایا نخواهم دگر زندگانی

"

رسان مرگ زهرا به فصل جوانی

"

چه رنجی کشیدم من از جور امّت

"

که دیگر نمانده برایم سلامت

"

زد آتش عدو بر در خانه من

"

زکین کُشته شد طفل دردانه من

"

مرا سینه پر خون شد از ضرب مسمار

"

شکست استخوانم از آن درب و دیوار

"

ص: 291

ز مسمار و از ضربت تازیانه

"

کنم گریه شبها ولی مخفیانه )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_292_1)(

"

و... چیزی نگذشت که دعای حضرت فاطمه(س) به اجابت رسید و بهار جوانی زهرا(س) و زندگانی علی(ع) و فرزندانشان به خزان تبدیل شد و ناباورانه جنازه او را در شب به خاک سپردند!

شبی در عمق تاریکی نشسته

"

زمین و آسمان با هم گریسته

"

روان در کوچه ها تابوت غربت

"

در آن تابوت یاقوت شکسته

"

ص: 292

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 177؛ احقاق الحق، ج 19، ص 160 و فرهنگ سخنان فاطمه، ص 148.

فصل چهارم: مبارزات سیاسی

محورهای اساسی مبارزات سیاسی حضرت زهرا(س)

مقدمه

پس از رحلت نبی اکرم(ص)، امیرالمؤمنین(ع) سیاست سکوت اعتراض آمیز و در عین حال توأم با همکاری حساب شده با خلفا را به عنوان بهترین راه نجات امت اسلامی از هلاکت و گمراهی برگزید. دلیل این امر را در موارد زیر می توان یافت:

1. مردم به دلیل تعصبات قومی حاضر نبودند بار دیگر فردی از بنی هاشم حاکمیت را به دست گیرد، چنان که نقل شده است: «عمر به ابن عباس گفت: قریش مایل نبودند نبوت و خلافت توأماً در خاندان شما (بنی هاشم) جمع شود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_293_1)(

2. برخی از مردم روی شخص امام علی(ع) حساسیت خاصی داشتند؛ چراکه آن حضرت در خلال جنگهای صدر اسلام، بسیاری از سران قریش را به هلاکت رسانده بود، از این رو از ایشان کینه ای عمیق به دل داشتند. در دعای ندبه نیز کینه های جنگهای بدر و حنین به عنوان یکی از علل دشمنی برخی مردم با امیرالمؤمنین(ع) مطرح شده است.

ص: 293

1- . تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 578.

3. رقبای امام علی(ع) در امر خلافت، به هیچ قیمتی حاضر به چشم پوشی از مسند خلافت نبودند و اگر حضرت مخالفت علنی می کرد، آنها قبایل حامی خود را علیه بنی هاشم بسیج کرده، جنگ قبیلگی تمام عیاری شروع می شد و وحدت و انسجام امت پیامبر(ص) در همان روزهای نخست از دست می رفت و هسته مرکزی نظام اسلامی به شدت تضعیف می شد.

این اختلاف چند پیامد مهم داشت:

الف) با این درگیریها زمینه به قدرت رسیدن بنی امیه فراهم می آمد. پس از ماجرای سقیفه، ابوسفیان، سرکرده بنی امیه سعی کرد آتش درگیری و نزاع را در میان اصحاب برافروزد؛ لذا نزد امام علی(ع) آمد و گفت: «سوگند به خدا! اگر بخواهی این شهر را علیه ابوبکر پر از سواره و پیاده می کنم»؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_294_1)( ولی امام علی(ع) با فراست خاص و بینش عمیق سیاسی و اجتماعی خویش پی برده بود که اگر این نزاع بین اصحاب به وقوع بپیوندد، سرانجام به پیروزی ابوسفیان و فرزندانش ختم خواهد شد؛ لذا به او فرمود: «تو در پی کاری هستی که ما اهل آن نیستیم )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_294_2)( ، تو مدتها بدخواه اسلام و مسلمانان بوده ای.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_294_3)(

ب) اختلاف میان اصحاب، سرکوب مرتدین را به تأخیر می انداخت و حتی موجب نومیدی مردم بلاد تازه مسلمان جزیره العرب و هرج و مرج روزافزون می شد و خطر سقوط حکومت مدینه و از بین رفتن مجاهدتهای پیامبر(ص) برای گسترش اسلام در جزیره العرب را در پی داشت.

ص: 294

1- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 45.

2- . الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، سید علی خان مدنی، ص 87.

3- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 2، ص 45.

4- اعتراض امام علی(ع)، به عنوان تلاشی برای به دست آوردن قدرت و منفعت فردی تلقی می شد؛ زیرا جامعه کوته نظر و آلوده به تعصبات جاهلی آن روز، نمی توانست به نیت پاک امیرمؤمنان(ع) ایمان پیدا کند؛ لذا زمینه مناسبی برای معارضین حضرت فراهم می آمد تا ایشان را به خودکامگی و ریاست طلبی متهم سازند و بگویند: علی(ع) خواسته خویش را بر رأی و تصمیم امت مقدم می دارد و مستبدانه عمل می کند!

بنابراین، امیرمؤمنان(ع) به ناچار سکوتی تلخ و شکننده را تحمل کرد و بدین وسیله، از بروز شکاف در امت اسلامی جلوگیری نمود. آن حضرت در فلسفه سکوت خود فرمود: «فَرَأَیْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَی ذَلِکَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِیقِ کَلِمَهِ الْمُسْلِمِینَ، وَ سَفْکِ دِمَائِهِمْ، وَ النَّاسُ حَدِیثُو عَهْدٍ بِالْإِسْلَامِ، وَ الدِّینُ یَمْخَضُ مَخْضَ الْوَطْبِ یُفْسِدُهُ أَدْنَی وَهْنٍ، وَ یَعْتِکُهُ أَقَلُّ خُلْفٍ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_295_1)( ؛ دیدم صبر بر این حادثه، بهتر از ایجاد تفرقه میان مسلمانان و ریختن خونشان است. مردم، تازه مسلمانند و دین مانند مشک شیر به هم زده می شود و کوچک ترین سستی آن را فاسد و کم ترین پیمان شکنی آن را واژگون می سازد.»

سکوت امیرالمؤمنین(ع) موجب وحدت امت اسلام و کوتاه شدن دست بدخواهان و تحکیم حکومت اسلامی گردید؛ اما یک مشکل اساسی باقی ماند و آن اینکه سکوت حضرت علی(ع) موجب می شد انحراف در امر خلافت نادیده گرفته شود. اگر همین روند از سوی خاندان اهل بیت(ع) ادامه می یافت، بیم آن می رفت که اندک اندک زشتی انحرافِ پدید آمده در مسیر خلافت، در میان اصحاب، تابعین و مسلمانان نسلهای آینده از بین برود و خط ولایت و تشیع در طول تاریخ محو گردد.

ص: 295

1- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 308.

اهل بیت(ع) مأمور بودند در مقابل انحراف جامعه اسلامی از مسیر اسلام ناب ایستادگی نموده و همواره خط اسلام ناب را برای مسلمانان ترسیم کنند. در میان اهل بیت پیامبر(ص)، علی(ع) به دلایلی که ذکر شد مأمور به سکوت بود. امام حسن، امام حسین، حضرت زینب و ام کلثوم(ع) به خاطر صغر سن، پذیرش مردمی جهت اقدام گسترده را نداشتند. تنها کسی که از موقعیت اجتماعی و قداست بسیار بالایی برخوردار بوده و می توانست با ایستادگی در برابر جریان حذف علی(ع) حقایق را برای حق طلبان روشن کند، حضرت زهرا(س) بود؛ لذا بی درنگ این بار سنگین را بر دوش گرفت و علی(ع) نیز با سکوت خویش، رضایت خود را از فریاد فاطمه(س) اعلان فرمود.

ص: 296

موقعیت اجتماعی حضرت فاطمه(س)

فصل چهارم: مبارزات سیاسی

محورهای اساسی مبارزات سیاسی حضرت زهرا(س)

موقعیت اجتماعی حضرت فاطمه(س)

زهرای اطهر(س) به شدت مورد علاقه رسول اکرم(ص) بود، به طوری که آن حضرت پیوسته در گفتار و کردار خود یگانه دخترش را می ستود و از او تجلیل می کرد، او را سیده زنان عالم، و پاره تن و جگر گوشه خود معرفی کرده، رضای او را رضای الهی و سخط او را مایه سخط خداوند می دانست.

رسول خدا(ص) در بیان فضایل امام علی(ع) محدودیت داشت؛ چون موجب حسادت برخی از سران اصحاب و تفرقه بین مسلمانان می شد. از این رو، برای حفظ وحدت و اقتدار جامعه، از بیان کمالات، مناقب و جایگاه ممتاز حضرت علی(ع) در مجامع عمومی و در حد گسترده خودداری می کرد؛ اما در مورد زهرای اطهر(س) این مشکل چندان مطرح نبود؛ یعنی تجلیل آن حضرت از دختر بزرگوارش خطری برای حکومت و جامعه به وجود نمی آورد، هرچند موجب اعتراض برخی از همسرانش می شد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_297_1)(

از این رو رسول خدا(ص) از هر فرصتی استفاده می کرد و شخصیت والای حضرت زهرا(س) را به اصحابش معرفی می فرمود. بسیاری از فضایل حضرت زهرا(س) از زبان افرادی نقل شده است که جزء خاندان پیامبر(ص) نبوده اند. این حقیقت نشان می دهد که پیامبر(ص) عمداً فضایل حضرت فاطمه(س) را برای یارانش شرح می داد تا برکات وجود آن بزرگوار را معرفی کرده و شأن و منزلت والایش را در جامعه تثبیت نماید.

ص: 297

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 42.

سعد بن ابی وقاص می گوید: از پیامبر(ص) شنیدم که فرمود: «فَاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنِّی مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِی وَ مَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِی فَاطِمَهُ أَعَزُّ الْبَرِیَّهِ عَلَیَّ؛ فاطمه(س) پاره تن من است، هرکس او را مسرور کند مرا خوشحال کرده و هر کس به او بدی کند به من بدی کرده است. فاطمه(س) عزیزترین خلق نزد من است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_298_1)(

ابوهریره با آن همه بی مهریش نسبت به اهل بیت(ع) می گوید: رسول خدا(ص) فرمود: «أَوَّلُ شَخْصٍ تَدْخُلُ الْجَنَّهَ فَاطِمَه؛ اولین کسی که وارد بهشت می شود، فاطمه است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_298_2)(

رفتار پیامبر(ص) با فاطمه(س) نیز موجب افزایش قدر و منزلت اجتماعی آن بانوی بزرگوار می شد. وقتی رسول خدا(ص) از مسافرت بر می گشت، قبل از اینکه به خانه خود برود، بر حضرت فاطمه(س) وارد می شد و مدت زیادی نزد آن حضرت مکث می کرد. گاه اصحاب همچنان پشت در خانه فاطمه(س) می ماندند تا پیامبر(ص) از خانه خارج شود )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_298_3)( . و یا دستهای دختر گرامی اش را می بوسید )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_298_4)( .

ص: 298

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 39.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص 42.

3- . بحارالانوار، ج 43، ص 20، به نقل از امالی شیخ صدوق.

4- . بحارالانوار،جلد43،ص 25، به نقل از امالی شیخ طوسی.

تعریفهای مکرر رسول خدا(ص) از فاطمه زهرا(س) به گوش تمام اصحاب رسید، به طوری که تقریباً همه اصحاب نامدار و اهل نظر جامعه اسلامی می دانستند که حضرت فاطمه(س) از محبوب ترین افراد نزد پیامبر(ص) است. افرادی مثل: ابو سعید خدری، )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_299_1)( بریده )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_299_2)( و حتی عایشه )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_299_3)( در تاریخ به این حقیقت گواهی داده اند.

از این رو، اصحاب پیامبر برای آن حضرت احترام ویژه ای قایل بودند. به علاوه، نفس افتخار فرزندی پیامبر، خود موجب محبوبیت و منزلت اجتماعی حضرت زهرا(س) بود؛ لذا مواضع، دیدگاه ها و خواسته های آن بزرگوار به عنوان تنها یادگار باقی مانده از رسول خدا(ص)، تداعی کننده خواسته ها و دیدگاه های پیامبر اکرم(ص) بود.

علاوه بر اینها، حساسیتهایی که قریش نسبت به علی(ع) داشتند، در مورد حضرت فاطمه(س) نداشتند؛ لذا شرایط به گونه ای بود که در میان اهل بیت(ع) هیچ کس به اندازه حضرت فاطمه(س) در مبارزه با انحرافات پدید آمده پس از رحلت رسول خدا(ص) موفقیت نداشت. از این رو، آن مبارز خستگی ناپذیر به طور غیرمترقبه وارد میدان مبارزه با خلفا و اساساً کل جامعه اسلامی مدینه شد، و ظرف هفتاد و پنج یا نود و پنج روز چنان حماسه آفرید که عرصه را بر خلفا تنگ نمود، و آنان را به اظهار ندامت و عذرخواهی واداشت. و از آن مهم تر مسیر اسلام ناب را که در جریان سکوت تحمیلی بر امیرالمؤمنین(ع) و زیاده طلبیها و فرصت طلبیهای سران اصحاب تیره و تار شده بود، روشن ساخت. ما در حد گنجایش این مقاله به برخی راهکارها و اهداف اساسی مبارزات سیاسی آن حضرت اشاره خواهیم کرد.

ص: 299

1- . بحارالانوار،جلد43،ص 40، به نقل از مناقب ابن شهر آشوب.

2- . بحارالانوار،جلد43، ص 38.

3- . بحارالانوار،جلد43،ص38

محورهای اساسی مبارزات سیاسی حضرت زهراء(س)

فصل چهارم: مبارزات سیاسی

محورهای اساسی مبارزات سیاسی حضرت زهرا(س)

محورهای اساسی مبارزات سیاسی حضرت زهراء(س)

1. اعلان عدم مشروعیت خلافت ابوبکر

زهرای اطهر(س) با مخالفتهای همه جانبه خویش با خلفا، مخصوصاً با مقاومت حیرت انگیزش در مقابل اصرار ابوبکر و عمر برای بیعت گرفتن از امام علی(ع)، به همگان اعلان کرد که خلافت ابوبکر غیر مشروع است.

جناح پیروز سقیفه پس از بیعت گرفتن از برخی اصحاب، به سرعت سراغ امام علی(ع) آمدند تا در اسرع وقت از آن بزرگوار بیعت بگیرند و سند مشروعیت حکومت خود را به امضا رسانند. آنها می دانستند که امام علی(ع) به خاطر حفظ اسلام و پیشگیری از تفرقه و اختلاف، به جنگ متوسل نخواهد شد و بیعت او باب مخالفت سایر بنی هاشم و حامیان اهل بیت(ع) را مسدود خواهد کرد و در نتیجه پایه خلافتشان مستحکم خواهد شد. از این رو، آن بزرگوار را تحت فشار سختی قرار دادند و زشت ترین برخوردها را در نخستین روزهای رحلت پیامبر(ص) با آن حضرت کردند و تا سرحد کشتن آن حضرت پیش رفتند )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_300_1)( .

برای آنان بیعت امیرالمؤمنین(ع) اهمیت بسزایی داشت؛ چراکه تأخیر امام علی(ع) در بیعت، بیانگر آن بود که خلافت ابوبکر از دیدگاه شخصیت برگزیده پیامبر(ص) مورد قبول نمی باشد. این مسئله بنیان حکومت ابوبکر را در مدینه متزلزل می کرد. به علاوه اگر خبر این نارضایتی به مناطقی چون یمن می رسید و یا مسلمانانی که از بلاد اسلامی در غدیر خم حضور داشتند متوجه این موضوع می شدند، مشروعیت خلافت آنان کاهش می یافت.

ص: 300

1- . الامامه و السیاسه، ج 1، ص 31.

خلیفه و طرفدارانش در صدد بودند به هر طریق ممکن؛ ولو به قیمت کشتن، امام علی(ع) را به پذیرش حاکمیت خود وادار کنند؛ اما با مقاومت شدید حضرت زهرا(س) مواجه شدند. شخصیتی که هنوز جملات پیامبر(ص) در شأن و منزلت او در فضای جامعه طنین انداز بود، و سفارشهای رسول خدا(ص) در حفظ حرمت و مودّتش فراموش نشده بود.

مبارزه حضرت فاطمه(س) کار خلفا را بسیار دشوار ساخت؛ زیرا آنان می دانستند چنانکه تسریع در بیعت گرفتن از امام علی(ع) موجب تثبیت حکومتشان می شود، جسارت زیاد نسبت به دختر پیامبر(ص) نیز پایه حکومتشان را سست خواهد کرد. طبق نقل مسعودی، تا حضرت زهرا(س) در قید حیات بود، آنها نتوانستند از علی(ع) بیعت بگیرند. بنی هاشم نیز پس از شهادت زهرای اطهر(س) با ابوبکر بیعت کردند )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_301_1)( . همین امر به عنوان سندی روشن بر عدم مشروعیت خلافت ابوبکر از دیدگاه امیرمؤمنان و حضرت فاطمه(س) و بنی هاشم در تاریخ ثبت گردید.

روایات و اسناد تاریخی مربوط به مقاومتهای حضرت زهرا(س) فراوان است و ما تنها به ذکر برخی از فرازهای یک سند نسبتاً مفصل و هماهنگ از کتاب «الامامه و السیاسه» اکتفا می کنیم. دینوری می نویسد: «ابوبکر از کسانی که از بیعت با او سرباز زده و نزد علی(ع) گرد آمده بودند پرس و جو کرد و عمر را به دنبال آنها فرستاد. عمر آنها را صدا زد؛ ولی آنها بیرون نیامدند؛ لذا هیزم خواست و گفت: یا بیرون می آیید و یا خانه را با اهلش به آتش می کشم!

ص: 301

1- . مروّج الذهب، ج 2، ص 308.

به او گفته شد: ای اباحفص! در این خانه فاطمه هست. گفت: اگر چه او (فاطمه) باشد... !

در این هنگام حضرت فاطمه پشت در ایستاد و فرمود: «لَا عَهْدَ لِی بِقَوْمٍ أَسْوَأَ مَحْضَراً مِنْکُمْ تَرَکْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ(ص) جَنَازَهً بَیْنَ أَیْدِینَا وَ قَطَعْتُمْ أَمْرَکُمْ فِیمَا بَیْنَکُمْ وَ لَمْ تُؤَمِّرُونَا وَ لَمْ تَرَوْا لَنَا حَقّا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_302_1)( من امتی بد برخوردتر از شما نمی شناسم، جنازه رسول خدا(ص) را روی دست ما رها کردید و کار `خلافت` خود را `بین خودتان` سامان دادید، از ما طلب امر نکردید و حق را به ما باز نگرداندید.»

طبق گزارش دینوری، برخورد تند و علنی حضرت زهرا(س) موجب خوف آنها شد؛ زیرا نمی خواستند مردم مدینه خشم حضرت زهرا(س) بر آنها را بدانند. بار دوم و سوم خودشان نیامدند؛ بلکه قنفذ را فرستادند تا از امام علی(ع) بخواهد نزد ابوبکر بیاید و بیعت کند؛ ولی حضرت نپذیرفت. وقتی پیغام آنان بی نتیجه ماند، به ناچار بار دیگر عمر با عده ای به طرف خانه حضرت فاطمه(س) آمدند، دق الباب کردند، وقتی فاطمه(س) سر و صدایشان را شنید، این بار حمله اش را متوجه شخص ابوبکر و عمر کرد، با صدای بلند فریاد زد: «یَا اَبَتِ!ً یَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا ذَا لَقِینَا بَعْدَکَ مِنِ ابْنِ الْخَطَّابِ وَ ابْنِ أَبِی قُحَافَهَ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_302_2)( ای پدر! ای رسول خدا! ما پس از تو از پسر خطاب و پسر ابی قحافه چه کشیده ایم؟!»

ص: 302

1- . بحارالانوار، ج28، ص304.

2- . بحارالانوار ، ج28، ص356.

این سخن که از سینه ای مالامالِ درد و رنج برخاسته بود، دلهای عده زیادی از اطرافیان عمر را لرزانید، به طوری که وقتی ناله حضرت فاطمه(س) و گریه اش را شنیدند، گریه کنان برگشتند؛ اما عمر و عده ای ایستادگی کردند، امام علی(ع) را از خانه بیرون آوردند و نزد ابوبکر بردند. درهمین هنگام حضرت زهرا(س) به دنبال امیرمؤمنان وارد مجلس شد.

آنها به امام علی(ع) گفتند: بیعت کن! حضرت علی(ع) فرمود: «فَإِنْ أَنَا لَمْ أَفْعَلْ فَمَهْ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_303_1)( اگر بیعت نکنم، چه خواهید کرد؟»

گفتند: در این صورت گردنت را می زنیم. ابوبکر همچنان ساکت بود و حرف نمی زد. لحظه، لحظه سرنوشت سازی بود. اگر ابوبکر کوچک ترین اشاره ای می کرد، علی(ع) به شهادت می رسید؛ ولی حضور زهرای اطهر(س) حداقل یکی از علل پرهیز از قتل امام علی(ع) بود.

طبق گزارش دینوری: عمر از ابوبکر خواست علی(ع) را به زور مجبور به بیعت کند؛ ولی ابوبکر گفت: مادامی که فاطمه در کنار اوست، او را به کاری مجبور نمی کنم. ظاهراً هدف عمر از مجبور کردن، تهدید به قتل بود؛ زیرا علی(ع) پس از گفتگوی آن دو کنار قبر رسول خدا(ص) رفت و در حالی که فریاد می زد و می گریست، قبر را در آغوش گرفته، این آیه را خواند: (قالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونی وَ کادُوا یَقْتُلُونَنی)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_303_2)( «ای فرزند مادر! این قوم مرا ضعیف انگاشتند و نزدیک بود مرا به قتل برسانند.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_303_3)(

ص: 303

1- . بحارالانوار ، ج28، ص227.

2- . اعراف/150.

3- . بحارالانوار، ج 1، ص 30 و 31.

از این گزارش به دست می آید که صدیقه طاهره نه تنها با خطبه های آتشین خود اعتبار خلافت ابوبکر را زیر سؤال برد؛ بلکه با حضور فعال خود در خط مقدم مبارزه، همچون سپر محکمی از جان امام علی(ع) و حامیانش محافظت کرد و فضای مناسبی را برای بنی هاشم فراهم نمود تا بیعت را به تأخیر بیندازند.

البته شیوه حضرت فاطمه(س) برای اعلان عدم مشروعیت حکومت ابوبکر تنها در مبارزه علنی روزهای نخست رحلت پیامبر(ص) خلاصه نمی شد. آن حضرت تا آخرین روز رحلتش همواره با قطع رابطه و ابراز ناراحتی و اندوه، افکار عمومی را متوجه مسئله سقیفه و غصب خلافت می کرد و نمی گذاشت این مهم به فراموشی سپرده شود. زنان مهاجرین و انصار برای عذر خواهی به عیادت آن بزرگوار آمدند؛ ولی حضرت فاطمه(س) نه تنها از آنان تشکر نکرد؛ بلکه در جواب احوال پرسی آنان فرمود: «أَصْبَحْتُ وَ اللَّهِ عَائِفَهً لِدُنْیَاکُنَّ قَالِیَهً لِرِجَالِکُنَّ لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ سَئِمْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ ... وَیْحَهُمْ أَنَّی زَعْزَعُوهَا عَنْ رَوَاسِی الرِّسَالَهِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّهِ وَ الدَّلَالَه؛ به خدا قسم! صبح کردم، در حالی که نسبت به دنیای شما بی میل و نسبت به مردان شما ناراحتم. آنان را از دهان خود بدور افکندم، بعد از اینکه آنها را آزمودم، و با آنان بد شدم بعد از آنکه آنها را سنجیدم... وای بر آنها! چگونه خلافت را از `پایه های رسالت و` بنیادهای نبوت و ارشاد دور ساخته اند؟» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_304_1)(

در آخرین روزهای زندگی حضرت، وقتی ابوبکر وعمر تقاضای ملاقات کردند، ابتدا حضرت فاطمه(س) نپذیرفت و زمانی که امیرمؤمنان از آن حضرت تقاضا کرد، به احترام شوهر بزرگوارش پذیرفت؛ ولی چنان برخورد سردی با آنها کرد که گزارش آن دیدار به یک سند تاریخی گویا برای اثبات خشم آن حضرت نسبت به خلفا تبدیل گردید. آنها قصد داشتند با دلجویی از زهرای اطهر(س) بر اعمال زشت خویش سر پوش بگذارند؛ ولی حضرت فاطمه(س) هنگام ورود آنان به اتاق، رویش را از آنها برگرداند و بعد از آنکه ابوبکر اظهار پوزش و عذر خواهی کرد، فرمود: «نشدتکما الله الم تسمعا رسول الله یقول: رضا فاطمه من رضای و سخط فاطمه من سخطی؛ شما را به خدا قسم! آیا از رسول خدا نشنیده اید که فرمود: رضایت فاطمه(س) از رضایت من و غضب فاطمه(س) از غضب من است؟»

ص: 304

1- . کشف الغمه، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، ج 1، ص 492 ؛ الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری و هادی به، ج 1، ص 286 و 287 و بحارالانوار، ج 43، ص 158 و 160.

گفتند: آری، از رسول خدا(ص) شنیده ایم. وقتی از آنها اقرار گرفت، با جملاتی حساب شده و در عین حال تند و تکان دهنده برائت همیشگی خود را نسبت به آن دو اعلان کرد و فرمود: «فَإِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ وَ مَلَائِکَتَهُ أَنَّکُمَا أَسْخَطْتُمَانِی وَ مَا أَرْضَیْتُمَانِی وَ لَئِنْ لَقِیتُ النَّبِیَّ(ص) لَأَشْکُوَنَّکُمَا إِلَیْهِ ... وَ اللَّهِ لَأَدْعُوَنَّ اللَّهَ عَلَیْکَ فِی کُلِّ صَلَاهٍ أُصَلِّیهَا؛ من خداوند و ملائکه اش را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا خشمناک کرده و خشنود نساخته اید، اگر با پیامبر(ص) ملاقات کنم نزد خداوند از شما شکایت خواهم کرد... قسم به خدا! در هر نمازی که می گذارم نزد خدا شما را نفرین می کنم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_305_1)(

مهم ترین ضربه ای که حضرت فاطمه(س) بر بنیان خلافت ابوبکر و سپس عمر وارد ساخت، وصیت آن حضرت به مخفی ماندن مرقد مطهرش بود. آن حضرت در سفارشهایش به امیرمؤمنان(ع) فرمود: «أُوصِیکَ أَنْ لَا یَشْهَدَ أَحَدٌ جِنَازَتِی مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِینَ ظَلَمُونِی وَ أَخَذُوا حَقِّی فَإِنَّهُمْ عَدُوِّی وَ عَدُوُّ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَا تَتْرُکُ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَیَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ لَا مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَ ادْفِنِّی فِی اللَّیْلِ إِذَا هَدَأَتِ الْعُیُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَار؛ تو را وصیت می کنم هیچ یک از آنان که به من ظلم کردند و حق مرا غصب نمودند، نباید در تشییع جنازه من شرکت کنند؛ زیرا آنها دشمن من و دشمن رسول خدا(ص) هستند و اجازه نده احدی از آنها و پیروانشان بر من نماز گذارد، و مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشمها آرام گرفته و دیده ها به خواب فرو رفته باشند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_305_2)(

ص: 305

1- . الامامۀ و السیاسۀ، ج 1، ص 31 و رک: بحارالانوار، ج 43، ص 198 و 199.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص 192و نهج الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه(س))، ص 330، ح 6.

این وصیت، ضربه سهمگینی بر پیکر ابوبکر و عمر وارد ساخت. ضربه ای که تا قیام قیامت استمرار خواهد داشت و سندی زنده و ماندگار در محکومیت حکومت خلفا و غیر عادلانه بودن آن از منظر زهرای مرضیه(س) به شمار می آید.

2. مقابله با توطئه ترور شخصیت امام علی(ع)

مخالفان امیرمؤمنان پس از رحلت پیامبر(ص)، آن بزرگوار را به شدت تحت سانسور تبلیغاتی قرار دادند، به طوری که در جریان سقیفه، هیچ یک از سران مهاجر نامی از امام علی(ع) به عنوان فرد لایق خلافت به میان نیاورد. اصحاب سابقه دار و متنفذ به کلی خدمات و ایثارگریهای امام علی(ع) را مسکوت گذاشتند و حتی با آن بزرگوار در مورد خلافت مشورت نکردند و به دور از چشم امام(ع) ابوبکر را به خلافت برگزیده و برای او بیعت گرفتند.

امام علی(ع) به خاطر محذوراتی که ذکر برخی از آنها گذشت، نمی توانست از حقوق خود دفاع کند. در چنین شرایطی حضرت زهرا(س)، با توجه به شناخت دقیقش از توطئه حذف امام علی(ع) از خاطره ها، و پیامدهای ناگوار آن، معرفی شخصیت والا و ممتاز امام علی(ع) را سرلوحه اهداف مبارزاتی خود قرار داد. آن بانوی بزرگوار در شرایطی که هیچ کس جرأت نمی کرد از امام علی(ع) سخنی به میان آورد، سوابق درخشان امیرمؤمنان را در خطبه های خود مطرح کرده و چهره ممتاز آن حضرت را به تازه مسلمانان معرفی نمود.

ص: 306

گاه از مجاهدتهای امام علی(ع) در لحظه های سرنوشت ساز جنگهای صدر اسلام یاد می کرد و رشادتها، جانبازیها و دلاوریهای حضرت را به خاطر مردم می آورد و می فرمود:

«کُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّیْطَانِ، وَ فَغَرَتْ فَاغِرَهٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِی لَهَوَاتِهَا، فَلَا یَنْکَفِئُ حَتَّی یَطَأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِهِ، وَ یُخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَیْفِه؛ هرگاه آتش جنگ را برافروختند، خدا آن را خاموش کرد. یا هرگاه شاخ شیطان سر برآورد، یا اژدهایی از مشرکین دهان باز کرد، `رسول خدا(ص)` برادرش `علی بن ابی طالب(ع)` را در کام `اژدها و شعله فتنه ها` افکند، و `علی(ع)` هم باز نمی گشت؛ مگر آنکه گردن سرکشان را پایمال شجاعت خود سازد و آتش آنان را با `آب` شمشیرش خاموش کند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_307_1)(

و گاه از شأن و منزلت امام علی(ع) در پیشگاه الهی و نزد پیامبر(ص) سخن به میان می آورد )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_307_2)( و بدین وسیله با صدای بلند و فریادی رسا اعلان می داشت آن کسی که او را خانه نشین کرده اند، پس از رسول خدا(ص) بیش ترین حق را در اعتلای کلمه الله و احیای حاکمیت اسلام داشته است، به طوری که هرگاه اسلام به خطر می افتاد، نبی اکرم(ص) به کمک او اسلام را از خطر می رهاند.

ص: 307

1- . الاحتجاج، ج 1، ص 262 و السقیفه و فدک، تحقیق محمد هادی الامینی، ص 141، با کمی حذف و تغییر و شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ح 16، ص 250.

2- . الاحتجاج، ج 1، ص 262 و 263.

حضرت زهرای مرضیه(س) حکومت امام علی(ع) را همان حکومت پیامبر(ص) و استمرار نبوت و رسالت می دانست. خانه امیرالمؤمنین(ع) را مهبط وحی و شخصیت آن حضرت را شخصیتی دانا به امور دنیا و آخرت معرفی می نمود و کنار زدن آن بزرگوار را خسارتی بزرگ و روشن می شمرد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_308_1)(

3. شناساندن مخالفین و علت مخالفتشان

یکی دیگر از اقدامهای روشنگرانه آن حضرت، افشای ماهیت جریان براندازی و بیان ریشه های سیاست ستیز با امام علی(ع) بود. آن حضرت معتقد بود کسانی که علی(ع) را از صحنه بیرون کرده اند، از شدت عمل او در برابر مخالفان دین و قاطعیتش در مقابل دشمنان اسلام و زیاده خواهان و افزون طلبان بیم دارند، آنان می دانند امام(ع) در اجرای عدالت ذره ای کوتاهی نخواهد کرد و در راه تحقق احکام الهی از مرگ نمی هراسد. از این رو، او را کنار زدند تا به آسانی به اهداف شخصی و خواسته های نفسانی شان دست یابند.

دختر پیامبر(ص) می فرمود: «وَ مَا الَّذِی نَقَمُوا مِنْ أَبِی الْحَسَن؟! نَقَمُوا وَ اللَّهِ مِنْهُ نَکِیرَ سَیْفِهِ وَ قِلَّهَ مُبَالاتِهِ لِحَتْفِهِ وَ شِدَّهَ وَطْأَتِهِ وَ نَکَالَ وَقْعَتِهِ وَ تَنَمُّرَهُ فِی ذَاتِ اللَّهِ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_308_2)( ؛ به چه دلیلی از ابوالحسن انتقام گرفته اند؟ به خدا قسم! به خاطر سختی شمشیرش و بی باکی نسبت به مردنش و شدت تاختنش `بر آنان` و مجازات `کردن با` آسیب زدنش در جنگ، و خشم کردن او در راه خدا، از او انتقام گرفتند.»

ص: 308

1- . همان، ص 287 و بحارالانوار، ج 43، ص 160.

2- . الاحتجاج، ج 1، ص 288 و بحارالانوار، ج 43، ص 160.

شاید آن روزها بسیاری از اصحاب و تابعین و کسانی که تازه مسلمان شده بودند نمی توانستند باور کنند دستهایی که امام علی(ع) را کنار زده اند، از سر هواپرستی چنین ظلمی را مرتکب شده باشند ؛ چون آنها نیز ظاهراً سالها در رکاب نبی اکرم(ص) شمشیر زده و به اسلام گرویده بودند. به علاوه، برخی از آنها جزء دانشمندان جامعه به حساب می آمده اند؛ لذا کسی جرأت نمی کرد به آنان گمان بد برده و آنها را به بی دینی و خیانت متهم نماید.

مردم دو دسته بودند: یک دسته از ریشه دشمنی و مخالفت با امام علی(ع) خبر نداشتند و دسته دیگر شهامت بیان حقایق را نداشتند؛ ولی حضرت زهرا(س) با کمال شجاعت ماهیت کینه توزانه آنان را افشا کرد و ریشه های فاسد عداوت با امام مولی را برملا ساخت. حضرت فاطمه(س) با این حرکت خود تحلیل وقایع پیچیده سقیفه را آسان کرد و رمز و راز غربت و مظلومیت امام علی(ع) را گشود.

4. مبارزه با تساهل خواص

ص: 309

توطئه کنار زدن اهل بیت(ع) و غصب حقوق سیاسی، مالی و اجتماعی آنان، تنها به وسیله فرصت طلبی چند تن از اصحاب شکل نگرفت؛ بلکه حقیقت آن است که تساهل و تسامح برخی از اصحاب موجب شد تا برخی عناصر جاه طلب و زیاده خواه، اهل بیت(ع) را از حقوق مسلم الهی شان محروم سازد. اگر انصار و سایر علاقمندان خاندان پیامبر(ص) از مهاجرین و قبایل قریش، به صورت فعال در صحنه حضور داشتند و به طور جدی خواهان خلافت امام علی(ع) و حقوق مالی حضرت زهرا(س) می شدند، هرگز آن حوادث تلخ رخ نمی داد.

آنها با عنوان اصحاب نامدار و خواص جامعه با سکوت خود برای شکل گیری و به بار نشستن توطئه ها بستر مناسبی فراهم آوردند. از این رو، حضرت زهرا(س) آنان را توبیخ کرده، مورد سرزنش و ملامتهای آشکار خویش قرار داد. و بدین وسیله حجیت اجماع خواص اصحاب در بیعت با خلیفه را از بین برد.

صدیقه طاهره(س) با این اقدام، اندیشه عدالت صحابه را باطل اعلان نمود و اجماع اهل حل و عقد را در تشخیص حق و باطل نادرست شمرد. اگر اندیشه عدالت صحابه و حجیت و اجماع اهل حل و عقد تثبیت می شد، اثبات حقانیت امام علی(ع) و عدم مشروعیت خلافت ابوبکر و دو خلیفه بعد از او بسیار دشوار بود.

ص: 310

از نگاه حضرت فاطمه(س) اگر اصحاب متساهل، کاهلی را کنار نهاده و به طور جدی در برابر انحرافها ایستادگی می کردند، مشکلات برطرف می شد و امور طبق روال صحیح جریان می یافت؛ لذا در میان احتجاجات خود علیه خلیفه به خاطر غصب فدک، رو به انصار فرمود:

«یَا مَعْشَرَ النَّقِیبَهِ وَ أَعْضَادَ الْمِلَّهِ وَ حَضَنَهَ الْإِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْغَمِیزَهُ فِی حَقِّی وَ السِّنَهُ عَنْ ظُلَامَتِی؟ أَ مَا کَانَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) أَبِی یَقُولُ: «الْمَرْءُ یُحْفَظُ فِی وُلْدِه» سَرْعَانَ مَا أَحْدَثْتُمْ وَ عَجْلَانَ ذَا إِهَالَهٍ وَ لَکُمْ طَاقَهٌ بِمَا أُحَاوِلُ وَ قُوَّهٌ عَلَی مَا أَطْلُبُ وَ أُزَاوِلُ؛ ای گروه نقبا، و بازوان ملت و حافظان اسلام! این چشم پوشی در مورد حق من و این سهل انگاری از دادخواهی من برای چیست؟ آیا پدرم، رسول خدا(ص) نمی فرمود: `حرمت` هرکس در فرزندان او حفظ می شود؟ چقدر با سرعت مرتکب این اعمال شده اید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغش فرو ریخت، در صورتی که شما می توانید مرا در آنچه چاره جویی می کنم کمک کنید و قدرت `حمایت مرا` در آنچه مطالبه می کنم و قصد کرده ام دارید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_311_1)(

هنگامی که زنان مهاجرین و انصار به عیادتش آمدند، تقریباً از ابتدا تا انتهای سخنانش شوهرانشان را به شدت ملامت فرمود و در پایان بیاناتش عواقب شوم بی توجهی آنان به وصایای پیامبر(ص) در مورد خلافت را متذکر شده و آنان را از آینده ای پر از زورگویی و هرج و مرج بیمناک ساخت و فرمود: «ابشروا بسیف صارم وسطوه معتد غاشم، و بهرج شامل واستبداد من الظالمین، یدع فیئکم زهیدا، و جمعکم حصیدا فیا حسره لکم و انی بکم ؛ بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و حمله متجاوز ستمکار، و به هرج و مرج عمومی و استبداد ستمگران، که حقوقتان را اندک داده و اجتماع شما را `به وسیله شمشیرهایشان` درو خواهند کرد، پس بر شما حسرت باد که کارتان به کجا می رسد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_311_2)(

ص: 311

1- . الاحتجاج، ج 1، ص 269 و 270.

2- . الاحتجاج، ج 1، ص 291 و بحارالانوار، ج 43، ص 161.

«سوید بن غفله» می گوید: «زنها سخنان فاطمه(س) را برای شوهرانشان نقل کردند و آنها برای عرض پوزش نزد آن حضرت آمده و برای توجیه کار خود گفتند: اگر ابوالحسن قبل از بیعت با دیگری این مطالب را برای ما می گفت، کسی را بر او ترجیح نمی دادیم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_312_1)(

حقیقت آن است که آنها در برتری امام علی(ع) شکی نداشتند و در غدیر خم با آن حضرت بیعت کرده بودند؛ ولی این بار با اتخاذ سیاست تساهل و تسامح عهد خویش را شکستند؛ لذا حضرت زهرا(س) عذر آنان را نپذیرفت )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_312_2)( و در فرازی از سخنان خویش فرمود: «`شما در حالی با ابوبکر بیعت کرده اید` که زهرای اطهر(س) با مخالفتهای همه جانبه خویش با خلفا، مخصوصاً با مقاومت حیرت انگیزش در مقابل اصرار ابوبکر و عمر برای بیعت گرفتن از امام علی(ع)، به همگان اعلان کرد که خلافت ابوبکر غیر مشروع است.

هنوز از عهد و قرار شما `یعنی بیعت غدیر خم` چیزی نگذشته بود و شکاف زخم عمیق بود و دهانه زخم هنوز به هم نیامده و بهبود نیافته بود، هنوز پیامبر(ص) دفن نشده بود که هرچه خواستید کردید و بهانه آوردید که از فتنه می ترسیم، اما در آتش فتنه سقوط کردید و راستی که جهنم بر کافران احاطه دارد. شما کجا و فتنه خواباندن کجا؟» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_312_3)(

ص: 312

1- . الاحتجاج، ج 1، ص 261.

2- . الاحتجاج، ج 1،ص261

3- . الاحتجاج، ج 1، ص 265.

دخت گرامی پیامبر(ص) با محکوم نمودن سیاست تساهل و مدارای بی جای اصحاب، هیبت پوشالی خواص منحرف را شکست و راه گذر از رأی اکثریت متساهل را باز کرد. این اقدام بزرگ زهرای مرضیه(س) موجب شد فلسفه سیاسی اسلام از خطر تحریف و تأویل مصون گردیده و خط سرخ ولایت در تاریخ زنده بماند. گرچه از سقیفه تا به امروز خیل عظیمی از مسلمانان عالم در اثر ضعف و تغافل و تجاهل از اسلام علوی فاصله گرفته و امام علی(ع) را به عنوان خلیفه بلافصل پیامبر(ص) نپذیرفتنه اند؛ اما مجاهدتهای حضرت صدیقه(س) راه شناخت حق و باطل را در فتنه سقیفه آسان کرده و اهداف و عوامل به قدرت رسیدن خلفا را روشن ساخت.

گرچه مبارزات سیاسی حضرت فاطمه(س) به قیمت شهادتش در سن جوانی تمام شد؛ لکن سه دستاورد گرانقدر را به همراه داشت:

ص: 313

اولاً: اعتبار خلافت و بنیان حکومت ابوبکر را سست کرد.

ثانیاً: امیرمؤمنان را به عنوان حاکم بر حق و شایسته ای معرفی نمود که حقش به طور ظالمانه ای غصب شده است.

ثالثاً: با سرزنش رأی دهندگان به ابوبکر، اعتبار رأی اکثریت را در مشروعیت بخشیدن به حکومت خلیفه از بین برد.

ص: 314

دورنمای فتنه های سقیفه از نگاه حضرت فاطمه زهرا(س)

اشاره

فصل چهارم: مبارزات سیاسی

دورنمای فتنه های سقیفه از نگاه حضرت فاطمه زهرا(س)

اشاره

«... ثمّ اسْتَنْهَضَکم فَوَجَدَکُمْ خِفافاً، وَاَحْمَشَکُمْ فَاَلْفاکُمْ غضاباً فَوَسَمْتُمْ غَیر اِبِلِکُمْ وَ وَرَدْتُمْ غیرَ مَشْرَبِکُمْ هذا والعَهْدُ قَریبٌ، والکَلْمُ رحیبٌ، والجَرْحُ لَمّا یَنْدَمِل، والرّسول لمّا یُقْبَرُ، إبْتِدارا زَعَمْتُمْ خَوفَ الْفِتْنَهِ، (ألا فِی الْفِتْنَهِ سَقَطوا وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحیطَهٌ بِالْکافِرینَ)... )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_315_1)( ؛

سپس شیطان از شما خواست که برخیزید، آن گاه دریافت که شما افراد سبکی هستید، او شما را تحریک و عصبانی کرد و شما را غضبناک یافت. آن گاه شما شترهای دیگران را داغ نمودید `علامت مالکیت زدید` و `برای نوشیدن آب` از غیر راه خود وارد شدید... و این `اعمال شما` در حالی صورت گرفت که عهد شما `نسبت به پیامبر(ص)` نزدیک، و جراحتی که `به واسطۀ رحلت پیامبر` وارد شده، هنوز وسیع `و تازه` است، و جراحتی که `بر ما` وارد شده، هنوز التیام پیدا نکرده است. و رسول خدا(ص) هنوز دفن نشده `خیلی با عجله این کار را کردید` خیال کردید که `اگر این کار را نکنید` فتنه پدید می آید. آگاه باشید که در فتنه سقوط کردند، و حتماً جهنم کافران را احاطه می کند...» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_315_2)( .

آنچه در بالا خواندید، بخشی از خطبۀ فدکیۀ حضرت فاطمه(س) است که به دنبال تصرف فدک توسط خلیفۀ اول توسط بانوی بزرگوار، در برابر خلیفه و حضور مهاجران و انصار ایراد فرمود. گرچه این خطبه به مناسبت غصب فدک ایراد شده است؛ امّا محور بخشهایی از آن، موضوع خلافت و رهبری جامعۀ اسلامی است.

ص: 315

1- . این جمله از آیه 49 سوره توبه گرفته شده و به صورت «درج» از آن استفاده شده است. خداوند در آیه یاد شده سخن یکی از منافقان را که به بهانه فریفته شدن به دختران و زنان زیباروی رومی، نمی خواست در جنگ تبوک شرکت کند، نقل می کند و می فرماید: ]و منهم من یقُول ائذن لی و لا تفتّنی[؛ «و بعضی از آنان می گویند: مرا `در ماندن در شهر `اجازه بده و مرا به فتنه مینداز.» آن گاه خدواند در پاسخ او می گوید: ]الا فی الفتنه سقطوا و انّ جهنّم لمحیطه بالکافرین[؛ «هشدار که آنان خود به فتنه در افتاده اند، و بی تردید جهنّم بر کافران احاطه دارد.» (تفسیر نمونه، ج 7، ص438)

2- . الإحتجاج، ص61 66.

دختر گرامی پیامبر(ص) در سخنان تند و عتاب آمیز خود، کسانی را که وصیّ و برادر پیامبر(ص) را از صحنۀ رهبری کنار زده، خود زمام امور مسلمانان را در دست گرفتند، مورد انتقاد قرار داده، که آلت دست شیطان شده اند و به حوزۀ «خلافت» وارد گشته اند که حق آنان نبوده و هنوز سوگ رسول(ص) خدا فراموش نشده، شتاب زده دست به اقدامی زدند (ماجرای سقیفه) که آنان را در گرداب فتنه افکند.

ص: 316

فتنه افکنی، یا دستاویز گریز از فتنه!

فصل چهارم: مبارزات سیاسی

دورنمای فتنه های سقیفه از نگاه حضرت فاطمه زهرا(س)

فتنه افکنی، یا دستاویز گریز از فتنه!

نکته ای که در این بخش از سخنان حضرت فاطمه(س) جلب توجّه می کند، این است که توجیه نادرست صحنه گردانان سقیفه در مورد انتخاب خلیفه را افشا کرده، عواقب زیانبار آن را بیان می کند و می گوید: «خیال کردید `اگر این کار را نکنید` فتنه پدید می آید، آگاه باشید که در فتنه سقوط کردید.»

در اینجا این سؤال پیش می آید که آنان کدام فتنه را دستاویز قرار دادند و مقصودشان از فتنه چه بود؟ و مقصود حضرت زهرا(س) از اینکه آنان در فتنه سقوط کردند، چیست؟

چنان که در کتب تاریخ اسلام مطرح شده و قرائن نیز آن را تأیید می کند، مقصود آنان از فتنه، ارتداد امت، آشوب و هرج و مرج و از هم گسیختن نظام اسلامی به دنبال انتشار خبر رحلت رسول خدا(ص)، و پیدایش خلأ قدرت در مرکز حکومت اسلامی بود. آنان به این عنوان که از چنین فتنه ای جلوگیری کنند، پیش از آنکه پیکر پاک پیامبر عظیم الشأن اسلام(ص) را به خاک بسپارند، و در حالی که امام علی(ع) و بنی هاشم سرگرم مراسم غسل پیامبر(ص) بودند، به سقیفه شتافته، در صدد تعیین خلیفه و زمامدار مسلمانان برآمدند!

ص: 317

امّا مگر آن تشریفات چه قدر وقت می خواست که در آن مدت، بیم فتنه می رفت؟ آیا در همان مدت اندک، خبر رحلت رسول خدا(ص) (با نبودن وسایل ارتباطی امروزی) در سراسر کشور اسلامی منتشر می شد و همه چیز به هم می ریخت؟ این سؤالها در صحّت و درستی نگرانی از فتنه ایجاد تردید می کند. از این رو، حضرت فاطمه(س) با تعبیر، «زَعم» پندار و خیال از آن یاد کرده است.

امّا اینکه آنان چگونه در فتنه سقوط کردند که موضوع اصلی این نوشتار است پاسخ این است که آنان با این اقدام خود منشأ اختلاف، دو دستگی و شکاف در جامعه اسلامی شدند. شکافی که تاکنون نیز پر نشده است. گرچه آن روزها با بیعت مردم با ابوبکر، کار تعیین زمامدار به ظاهر پایان یافت؛ امّا این انتخاب عواقبی را به دنبال داشت که هر چه مسلمانان از آن سال ها دورتر شدند، آثار نامطلوب آن بیش تر پدیدار گشت. خاطرۀ اختلاف و کشمکشهای مسلمانان بر سر امامت و خلافت، خاطره ای تلخ و غم انگیز است. کدام فتنه ای بزرگ تر از قرنها اختلاف، کشمکش و خونریزی که سنگ زیر بنای آن در سقیفه گذاشته شد؟

شهرستانی می نویسد: «هرگز در اسلام هیچ شمشیری به خاطر یک بنیاد دینی، چون شمشیری که به خاطر امامت کشیده شد، آهیخته نگردید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_318_1)(

ص: 318

1- . الملل و النحل، ج 1، ص30.

پرده های دیگری از فتنه ها

فصل چهارم: مبارزات سیاسی

دورنمای فتنه های سقیفه از نگاه حضرت فاطمه زهرا(س)

پرده های دیگری از فتنه ها

حضرت فاطمۀ زهرا(س) در خطبۀ دیگری، پرده های دیگری از فتنه های ناشی از سقیفه را فاش ساخته است. دختر پیامبر(ص)، این خطبه را هنگامی ایراد کرد که گروهی از زنان مهاجران و انصار برای عیادت و احوال پرسی از او که در اثر حمله به خانه اش مصدوم و بیمار بود، رفته بودند.

آن بانوی بزرگ در فرازی از این خطبه فرمود: «آگاه باشید، به جانم سوگند! این حکومتی که پدید آوردند، تازه آبستن شده است. پس صبر کنید تا ببینید چه ثمره ای به بار می آورد. آن گاه از آن به اندازۀ ظرفهای بزرگ `به جای شیر` خون تازه و سمّ کشنده بدوشید! اینجا است که کسانی که به راه باطل رفته اند، زیانکار می شوند و آیندگان، عاقبت آنچه را که گذشتگان تأسیس کردند، خواهند دید. `اکنون که به مراد خود رسیدید` از بابت دنیای خود خوش باشید و قلباً برای فتنه هایی که خواهد آمد، مطمئن باشید. و بشارت باد بر شما به شمشیرهای برنده ای که به دنبال آن می آید و قدرت متجاوزی که حداکثر ظلم و تعدّی را روا می دارد و به هرج و مرجی فراگیر که همه جا را شامل می شود و به استبدادی از ظالمین که مقدار اندکی از بیت المال را باقی می گذارد، به گونه ای که کسی در آن رغبت نمی کند و جمعیت شما را درو می کند `همه را قتل عام می کند`، پس حسرت و اندوه با شما باد، و به کدامین سو می روید؟....» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_319_1)(

در این سخنان کوتاه؛ امّا رسا و گویا، حوادث تلخ و اندوه بار چند دهه پس از رحلت رسول خدا(ص) به روشنی ترسیم شده است که ریشه در سقیفه داشت؛ زیرا با روشی که در انتخاب خلیفه پیش گرفته شد، افراد دیگری نیز که خود را از خلفای اولیّه کم تر نمی دانستند، به فکر خلافت افتادند و کشمکش و رقابت بر سر خلافت در گرفت و به جنگها و خونریزیها منتی شد.

ص: 319

1- . الإحتجاج، ص66؛ بحار الأنوار، ج 43، ص160.

از طرف دیگر، مسیری که در مورد خلافت پیش گرفتند، موجب شد که با فراهم شدن تدریجی زمینه و موافقت عملی خلیفه دوم و سوم، بنی امیه به حکومت برسند و با ظلم و ستمی که بر هیچ مورخی پوشیده نیست با مردم رفتار کنند و بیت المال مسلمین را به یغما برند. با توجه به این حوادث، سخنان حضرت فاطمه(ع) در این زمینه، از نظر تحلیل اجتماعی و سیاسی در تاریخ اسلام بسیار ارزنده و تکان دهنده است.

ص: 320

شاخصه ای گویا از فتنه ها

فصل چهارم: مبارزات سیاسی

دورنمای فتنه های سقیفه از نگاه حضرت فاطمه زهرا(س)

شاخصه ای گویا از فتنه ها

چنانکه اشاره شد، ماجرای سقیفه، افرادی از صحابۀ بزرگ رسول خدا(ص) را به فکر خلافت افکند. به ویژه شورای شش نفری خلافت که توسط خلیفۀ دوم طراحی شد و خود دنبالۀ سقیفه بود اعضای شورا را به فکر خلافت انداخت و آنان خود را برای این منصب شایسته یافتند )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_321_1)( و پس از آغاز خلافت امام علی(ع) به مخالفت برخاستند، و این موضوع، به اضافه قدرت یافتن معاویه با موافقت دو خلیفۀ قبلی، موجب بروز جنگهای جمل، صفین و نهروان شد و تلفات سنگینی به بار آورد که هیچ فتنه ای با آن قابل مقایسه نمی باشد.

برای آنکه به عمق فتنه پی ببریم، کافی است به آمار تلفات سه جنگ یاد شده توجه کنیم: به گفتۀ یعقوبی: «در جنگ جمل بیش از سی هزار نفر `از طرفین` کشته شدند و تلفات جنگ نهروان بالغ بر چهار هزار بود.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_321_2)(

ص: 321

1- . سعد بن ابی وقاص با امام علی(ع) بیعت نکرد و این، علتی جز این نداشت که او پس از شورای شش نفری، خود را رقیب علی(ع) و شایسته خلافت می دانست؛ زیرا او از اعضای این شورا بود. (الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ج 3، ص191) از امام علی(ع) نقل شده است که می فرمود: «طلحه و زبیر به من گفتند: با این شرط با تو بیعت می کنیم که در خلافت با تو شریک باشیم، من به آن دو گفتم: شما شریک من به هنگام توانایی، و یار من به هنگام ناتوانی باشید... طلحه، امید حکومت یمن و زبیر امید حکومت عراق را داشت.» (بحارالأنوار، بیروت، دار الرضا، ج 30، ص17) طلحه و زبیر نیز از اعضای شورای شش نفری بودند!

2- . تاریخ یعقوبی، نجف، المکتبه الحیدریه، 1384 ه، ج 2، ص172، ص182. مرحوم شیخ مفید می نویسد: «درباره شمار کشتگان در جنگ بصره (جمل) روایات مختلف است: در برخی آمده است که شمارشان بیست و پنج هزار بوده است. از «عبدالله بن زبیر» هم روایت شاذّی نقل شده که شمار آنان پانزده هزار بوده است. شاید هم سخن ابن زبیر صحیح تر باشد؛ ولی از آنچه همه اهل علم در این باره گفته اند، فاصله دارد و نمی توان آن را پذیرفت. اخبار رسیده درباره کسانی که در آن جنگ دست و پایشان جدا شده و بعد از آن جراحت مرده اند، مشهور است که شمارشان حدود چهارده هزار تن بوده است (نبرد جمل، ترجمه و تحشیه دکتر محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران، نشر نی، 1367، ص251)

و به اعتقاد مسعودی، مجموع کشته شدگان جنگ صفین از عراقیها و شامیها، هفتاد هزار نفر بود که بیست و پنج هزار نفر آن عراقی و چهل و پنج هزار نفر شامی بودند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_322_1)(

عمق فاجعه هنگامی آشکارتر می شود که بدانیم مجموع کشتگان در جنگهای زمان رسول خدا(ص) را (از طرفین) حدود هزار و پانصد نفر تخمین زده اند، در حالی که در آن زمان، جنگ با کفار و مشرکان بود؛ اما در سه جنگ یاد شده، جنگ، جنگ مسلمان با مسلمان و جنگ اهل قبله با اهل قبله بود!.

ص: 322

1- . مروج الذهب، ج 2، ص394.

حمله به خانۀ حضرت فاطمه(س) از نظر علمای اهل سنت

فصل چهارم: مبارزات سیاسی

دورنمای فتنه های سقیفه از نگاه حضرت فاطمه زهرا(س)

حمله به خانۀ حضرت فاطمه(س) از نظر علمای اهل سنت

در اینجا به مناسبت بحث، لازم است گفته شود که مدرک و مأخذ حمله به خانۀ حضرت فاطمه(س) تنها منابع و مدارک شیعی نیست؛ بلکه در تعدادی از منابع اهل سنت نیز به این معنا تصریح شده است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_323_1)(

به عنوان نمونه «طبری» مورّخ نامدار اهل سنت، از ابوبکر نقل می کند که: به هنگام احتضار از نُه چیز اظهار ندامت می کرد و یکی از آنها این بود که می گفت:... «کاش دستور ورود به خانۀ فاطمه را نداده بودم، هر چند آن را به قصد جنگ بسته بودند....» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_323_2)(

«ابن قتیبه دینوری» نیز در مورد آتش زدن در خانۀ حضرت فاطمه(س) می نویسد: «و إن ابابکر رضی الله عنه قفقد قوما تخلّفوا عن بیعته عند علیّ کرّم اللّه وجهه، فبعث الیهم عمر، فجاء فناداهم و هم فی دار علیّ، فأبَوا ان یخرجوا فدعا بالحطب و قال: والذی نفس عمر بیده، لتخرجنّ او لأحرقنّها علی من فیها، فقیل له: یا ابا حفص ان فیها فاطمه؟ فقال: و إن....؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_323_3)( «ابوبکر» که از عمل آنها بر آشفته و برای اینکه آنان هم با وی بیعت کنند، به «عمر» دستور داد تا آنها را به بیعت خود دعوت کند. «عمر» طبق مأموریتی که داشت به خانه حضرت علی(ع) آمد و آنها را به بیعت با «ابوبکر» دعوت کرد. متحصّنان از بیرون آمدن از خانه حضرت علی(ع) امتناع کردند. «عمر» دستور داد هیزم حاضر کنند و فریاد زد به خدائی که جان «عمر» در دست اوست، یا از خانه علی(ع) بیرون بیایید، و یا خانه را با کسانی که در آن هستند، آتش خواهم زد!! یکی از حاضران خطاب به او، گفت: ای ابا حفص! در این خانه فاطمه(س) است! «عمر» پاسخی که در شأن خودش بود به وی داد.»

ص: 323

1- . برای آگاهی بیش تر در این زمینه، ر.ک: مأساه الزهراء، بیروت، درا السیره، ج 2.

2- . «... فوددت انی لم اکشف بیت فاطمه عن شیی ء و ان کانوا قد غلقوه علی الحرب...»، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دارالقاموس الحدیث، ج 4، ص52.

3- . الأمامه والسیاسه، ج 1، ص30.

همچنین نظّام )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_324_1)( که یکی از علمای برجستۀ معتزله بوده در این باره می گوید: «ان عمر ضرب بطن فاطمه یوم البیعه حتی القت الجنین من بطنها، و کان یصیح: احرقوا `دار` ها بمن فیها، و ما کان فی الدار غیر علی و فاطمه و الحسن و الحسین؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_324_2)(

ص: 324

1- . ابراهیم بن سیار بن هانی نظّام.

2- . الملل و النحل، ج 1، ص59.

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

گزارشی از خانه حضرت زهرا(س)

درآمد

در مدینه منوره، شهر پیامبر(ص)، تنها یک خانه بود که رسول الله(ص) به آن عشق می ورزید و اهلش را به شدت دوست می داشت. در و دیوار و فضای این خانه از معنویت و نورانیتی خاص حکایت داشت.

این خانه روز و شب محل نزول و عروج فرشتگان الهی بود. پیامبر(ص) آن قدر به این خانه احترام می گذاشت که بدون اجازه وارد آن نمی گردید، هر صبح و شام به آنجا می رفت و پس از کوبیدن در آن، با صدای بلند بر اهلش سلام می داد.

هنگام خارج شدن از شهر، آخرین نقطه توقفش در مدینه آن خانه بود و پس از مراجعت، اول به سراغ همان خانه می رفت. آن خانه، خانه فاطمه(س) بود که این نوشتار کوتاه به وصف آن خواهد پرداخت.

ص: 325

ویژگیهای خانه حضرت فاطمه(س)

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

گزارشی از خانه حضرت زهرا(س)

ویژگیهای خانه حضرت فاطمه(س)

1- موقعیت جغرافیایی

این خانه در طرف شرق مسجد پیامبر(ص)، هم ردیف دیگر حجره های رسول الله(ص) و در وسط آنها قرار داشت. به گفته برخی صاحب نظران: «با توجه به دیگر گفته های ثبت شده، مسلم است که خانه فاطمه(س) بین مربع قبر و ستون تهجد بوده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_326_1)(

مردی به «عبد الله بن عمر» گفت: «درباره علی بن ابی طالب(ع) برایم سخن بگو. عبد الله گفت: اگر می خواهی بدانی که مقام و منزلت علی(ع) نزد رسول الله(ص) چه اندازه بوده، پس نظر کن به خانه اش نسبت به خانه های پیامبر(ص)، سپس با دست خود به خانه علی و فاطمه(ع) اشاره کرد و گفت: این خانه اوست که در وسط خانه های پیامبر خدا(ص) قرار گرفته است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_326_2)(

2- مساحت خانه حضرت فاطمه(س)

ص: 326

1- . مدینه شناسی، ص73.

2- . سفینه البحار، ج 1، ص115.

بتنونی می نویسد: «طول خانه فاطمه(س) از طرف جنوب 5/14، از طرف شمال 14 و از طرف شرق و غرب 5/7 متر بوده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_327_1)(

3- اهدایی خدا و رسول(ص)

پیامبر بزرگوار(ص) از همان ابتدای ورود به مدینه در فکر احداث چنین حجره ای برای حضرت فاطمه(س) بود. بدین جهت زمانی که حجره هایی را در طرف شرق مسجد برای همسران خود احداث کرد، برای فاطمه(س) این حجره را ساخت.

ام سلمه در روایتی که درباره عروسی حضرت فاطمه(س) است، می گوید: «...آن گاه پیامبر(ص) دختر خود، فاطمه(س) و همچنین علی(ع) را پیش خود خواند و دست علی(ع) را در دست راست و دست فاطمه(س) را در دست چپ گرفت و به سینه خود گذارد و میان دو چشم آن دو را بوسه زد. آن گاه به علی(ع) فرمود: علی جان! خوب همسری داری. و به فاطمه(س) فرمود ای فاطمه! تو هم خوب همسری داری. سپس از جای برخاسته و پیشاپیش آن دو راه افتاد تا اینکه آن دو را به خانه ای که از پیش برای آنها ساخته بود، وارد کرد.

سپس هنگام خروج از خانه، در حالی که دستگیره در را گرفته بود، فرمود: «طَهَّرَکُمَا اللهُ وَ طَهَّرَ نَسْلَکُمْ...؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_327_2)( خداوند شما و نسلتان را پاک گرداند.»

ص: 327

1- . الرحله الحجازیه، ص327.

2- . مناقب خوارزمی، ص247.

4- موقعیت درِ خانه حضرت فاطمه (س)

از دیگر ویژگیهای این خانه این بود که هیچ گونه راهی به بیرون جز از طریق مسجد نداشت. بدون شک در این کار عنایتی بود. شاید راز این عمل برای مسلمانان آشکار نگردید.

سید محمد باقر نجفی می نویسد: «همگی مورخان اذعان دارند که خانه علی(ع) در دیگری جز آنچه که به سوی مسجد باز می شد، نداشت.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_328_1)(

5- خانه رفیع و پر نور

از دیگر ویژگیهای این خانه این است که همانند دیگر مساجد و خانه های پیامبران، از نورانیت، جلال و شکوه خاصی برخوردار و از خانه هایی بود که قرآن مجید درباره آنها فرمود:

(فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُه؛) )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_328_2)( ؛ «در خانه هایی که خدا رخصت داده که `قدر و منزلت` آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود.»

ص: 328

1- . مدینه شناسی، ص119 و تفسیر فرات کوفی، ص125.

2- . نور/36.

در روایتی که در ذیل آیه فوق آمده است، «انس» از «بریده» نقل می کند: «هنگامی که پیامبر(ص) این آیه را تلاوت می کرد، مردی از جای برخاست و گفت: مقصود از این خانه ها کدام خانه هاست؟ پیامبر(ص) فرمود: خانه های پیامبران.»

ابوبکر گفت: «هَذَا الْبَیْتُ مِنْهَا وَ أَشَارَ إِلَی بَیْتِ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ(ع) قَالَ: نَعَمْ، مِنْ أَفْضَلِهَا؛ در حالی که با دست خود به خانه علی و فاطمه(ع) اشاره می کرد، گفت: آیا این خانه از جمله آن خانه ها است؟ حضرت فرمود: آری؛ بلکه افضل از همه آنها است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_329_1)(

6- محل نماز و عبادت پیامبر(ص)

خانه فاطمه(س) استراحت گاه موقت پیامبر(ص) هنگام دیدار از یگانه گوهرش بوده. جای جای این خانه قدمگاه، محل نشستن، نماز، عبادت و سجده گاه وجود مقدس نبی اکرم(ص) بود.

ص: 329

1- . سفینه البحار، ج 1، ص114 و مجمع البحرین، ص138.

حضرت علی(ع) فرمود: «روزی پیامبر(ص) به دیدار ما آمد، ما نیز حریره ای )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_330_1)( برایش آماده کردیم و ام ایمن هم ظرفی از ماست، کره و مقداری خرما به ما هدیه کرد. پیامبر(ص) از جای برخاست، وضو ساخت، به سوی قبله ایستاد و مدتی دعا کرد. آن گاه با چشمانی پر از اشک، سر به سجده گذارد.

هیبت و عظمت پیامبر(ص) مانع شد که علت گریه اش را بپرسیم. فرزندم حسن(ع)، از جای جست و گفت: پدر جان! کارهایی را دیدم انجام دادی که پیش از این انجام نداده بودی. پیامبر(ص) فرمود: فرزندم! من امروز با دیدن شما آن قدر خوشحال شدم که پیش از این، چنین شادمانی به من دست نداده بود. اینک جبرئیل آمد و به من خبر داد که همه شما کشته خواهید شد و محل دفن شما هم دور از یکدیگر خواهد بود.

با شنیدن این خبر برای شما دعا کردم. امام حسین(ع) عرض کرد: ای رسول خدا! با این وصف که قبرهای ما از هم جدا می باشد، پس چه کسی به زیارت قبور ما می آید؟

ص: 330

1- . غذایی است که با آرد و شیر یا روغن می پزند. فرهنگ جدید، ص91.

پیامبر(ص) فرمود: گروهی از امتم که کمک و صله مرا دوست می دارند. پس در روز قیامت به زیارت این دسته خواهم رفت و بازوانشان را گرفته و آنها را از گرفتاریها و سختیهای روز قیامت نجات خواهم داد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_331_1)(

7- زادگاه امام حسن و امام حسین(ع)

تردیدی نیست که زادگاه امام حسن، امام حسین، زینب کبری و ام کلثوم(ع) در این خانه است؛ اما نسبت به سایر امامان(ع) بعید به نظر می رسد که زادگاهشان در خانه حضرت فاطمه(س) بوده باشد؛ زیرا در زمان «عبد الملک بن مروان» که حسن بن حسن(ع) در آنجا سکونت داشت، او را از خانه حضرت فاطمه(س) بیرون نمودند و خانه را به بهانه توسعه مسجد پیامبر(ص)، ویران کردند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_331_2)(

همچنین بعید است که امام زین العابدین(ع) هم در آنجا دیده به جهان گشوده باشد؛ زیرا آن حضرت در سال (38 ه. ق) به دنیا آمد و پدرش امام حسین(ع)، در آن سال همراه حضرت علی(ع) در کوفه بود. بنابراین به نظر می رسد که امام سجاد(ع) در کوفه به دنیا آمده باشد؛ اما چنین سخنی را کسی نگفته است.

ص: 331

1- . بشاره المصطفی(ع) لشیعۀ المرتضی(ع)، ص195؛ عوالم العلوم و المعارف، ج 7، ص123 و کامل الزیاراه، ص58.

2- . سفینه البحار، ج 1، ص115.

بنابراین احتمالها که حضرت امام سجاد(ع) در سال (34، 35 یا 36 ه. ق) به دنیا آمده باشد، می توان گفت:حضرت در مدینه به دنیا آمده؛ اما باز هم بعید است که در خانه حضرت فاطمه(ع) بوده باشد؛ زیرا امام حسین(ع) در آن وقت در خانه حضرت فاطمه(ع) زندگی نمی کرد.

8- محل رفت وآمد فرشتگان

امام باقر(ع) فرمود: «خانه علی(ع) و فاطمه(س) بخشی از حجره پیامبر(ص) است و سقف آن خانه، عرش پروردگار و محل فرود وحی و رفت و آمد فرشتگانی که هر صبح و شام، و هر ساعت و لحظه، با آوردن پیام در حال آمد و شد هستند. آنجا خانه ای است که هرگز رفت و آمد فرشتگان در آن پایانی ندارد. گروهی فرود می آیند و گروه دیگر بالا می روند. پروردگار عالمیان پرده را از آسمانها برای حضرت ابراهیم(ع) کنار زد و به نور باصره اش قوت بخشید، تا نگاهش به عرش افتاد. همچنین خداوند به دید چشم محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین(ع) قدرت بیش تری داد، و آنها عرش پروردگار را از خانه های خود می دیدند و هرگز سقفی برای خانه هایشان جز عرش پروردگار نمی دیدند....» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_332_1)(

آری، بسیاری از آیات الهی به وسیله امین وحی در همین خانه بر پیامبر(ص) نازل گشت. جریان «حدیث کساء» و آمدن جبرئیل نیز در همین خانه بود. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_332_2)(

ص: 332

1- . سفینه البحار، ج 1، ص115

2- . سند حدیث شریف کساء، ص6.

9- سلام پیامبر(ص) بر اهل خانه

پس از آنکه آیه: (وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاهِ وَ اصْطَبِرْ عَلَیْها)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_333_1)( «ترجمه» بر پیامبر(ص) نازل گشت، آن حضرت چهل روز )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_333_2)( ، شش ماه )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_333_3)( ، هشت ماه )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_333_4)( یا نه ماه )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_333_5)( در هر صبح و شام به سوی خانه حضرت فاطمه(س) می رفت و دستگیره در خانه را می گرفت و پس از سلام بر اهل آن خانه، به دستور آیه عمل می نمود و می فرمود: «الصلاه! یَرْحَمُکُمُ اللَّه» )[(6)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_333_6)( و سپس این آیه را تلاوت می فرمود: (إِنَّما یُریدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیرا)؛ )[(7)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_333_7)( « ترجمه»

ابو الحمراء می گوید: «چهل روز پیامبر(ص) را دیدم که هر روز صبح به طرف در خانه علی و فاطمه(ع) می آمد و دستگیره در را می گرفت و می فرمود: «السَّلَامُ عَلَیْکُمْ اهل البیت وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُه الصَّلَاهَ یَرْحَمُکُمُ اللَّهُ إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً؛ )[(8)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_333_8)(

ص: 333

1- . طه / 132.

2- . امالی طوسی، ص251.

3- . سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص434.

4- . بحارالانوار، ج 43، ص53.

5- . ینابیع الموده، ص174 و مناقب خوارزمی، ص23.

6- . امالی طوسی، ص251.

7- . بحارالانوار، ج 43، ص53.

8- . ینابیع الموده، ص174.

«قندوزی» حنفی پس از ذکر این حدیث، می گوید: «این حدیث از 300 نفر از صحابه و یاران پیامبر روایت شده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_334_1)(

10- بسته شدن در خانه ها جز در خانه حضرت فاطمه(س)

آن گاه که یاران رسول خدا(ص) می بینند در خانه علی(ع) و فاطمه(س) به مسجد باز می شود، هر یک از خانه خود دری به مسجد باز می کنند. دیری نگذشت که فرمان رسول خدا(ص) آمد که تمام درها باید بسته شود، جز در خانه علی(ع). موج اعتراض بالا گرفت؛ اما پیامبر(ص) قاطعانه بر موضوع پافشاری کرد و تمام درها؛ حتی پنجره ها، جز برای خانه علی(ع) را بست.

«زید بن ارقم» می گوید: «برخی از یاران از حضرت خواستند که اجازه دهد درها همچنان باز بماند. پیامبر(ص) از جای برخاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: به من دستور داده شد که تمام درها، جز در خانه علی(ع) را ببندم. حال می بینم که برخی از شما سخن گفته اید؛ اما این را بدانید که سوگند به خدا! این من نبودم که در خانه ای را بسته یا باز کرده باشم؛ بلکه دستوری بود که من از آن پیروی کردم.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_334_2)(

حدیث یاد شده از احادیث مسلم شیعه و سنی است و تاکنون کسی بر صحت آن اشکال نگرفته، جز «ابن جوزی» که آن را در ردیف احادیث موضوعه و ساخته رافضیها خوانده است؛ اما «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری؛ فی شرح صحیح البخاری» در رد گفته ابن جوزی اظهار می دارد:

ص: 334

1- . ینابیع الموده، ص174

2- . ذخائر العقبی، ص77.

«اخطأ فی ذلک شنیعاً فانه سلک فی ذلک رد الاحادیث الصحیحه بتوهّمه المعارضه؛ وی دراین کتاب خطای زشتی را مرتکب شده است؛ زیرا به بهانه تعارض، بسیاری از احادیث صحیح را رد کرده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_335_1)(

11- احترام ویژه امامان

گرچه در زمان معصومین(ع) به ویژه از اواخر زمان امام سجاد(ع) به بعد، خانه حضرت فاطمه(س) را به بهانه توسعه مسجد ویران کردند؛ اما جایگاه خانه معلوم و مشخص بود و مردم بدون هیچ تقیه ای، نسبت به خانه حضرت فاطمه(س) احترام ویژه ای قائل بودند.

امام جواد(ع) هر روز مقارن اذان ظهر، نخست به زیارت رسول الله(ص) می رفت، سپس به طرف خانه حضرت فاطمه(س) می رفت و کفشهای خود را بیرون می آورد و وارد خانه حضرت فاطمه(س) می گشت و در آنجا نماز می گذارد. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_335_2)(

نگاهی دیگر

ص: 335

1- . مدینه شناسی، ص117.

2- . سفینه البحار، ج 2، ص375.

نگاه دیگری که به این خانه می افکنیم، حیرتمان بیش تر می شود؛ چرا که در این خانه هرگز از زخارف دنیا و تجمل گرایی چیزی یافت نمی شود؛ خانه ای بسیار ساده، نه فرش قابل ذکری دارد و نه وسایل گران قیمتی. اشتباه نشود، خیال نکنید که حضرت علی(ع) فقیر و تهی دست بود؛ بلکه آورده اند که از دسترنج خود هزار بنده را آزاد کرد. این خانواده نمی خواستند غیر از زندگی زاهدانه راه دیگری را در پیش گیرند، بدین جهت آنچه داشتند یا وقف فقرا و تهیدستان می کردند یا به دیگران می دادند و خود در نهایت ساده زیستی زندگی می کردند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_336_1)(

اینک به وسایل این خانه - که در حقیقت همان جهیزیه حضرت فاطمه(س) بود و در آن چند سال هیچ به آن اضافه نگشته بود – نیم نگاهی خواهیم داشت.

ص: 336

1- . سفینه البحار، ج 2، ص54.

در این خانه علاوه بر چوبی که حضرت علی(ع) به دو طرف اطاق جهت آویزان کردن لباس نصب کرده بود، یک پوست گوسفند که در کف اطاق انداخته، یک بالش که داخلش را از لیف خرما پر کرده بود، چیز دیگری جز جهیزیه حضرت فاطمه(س) نبود و ریز آن به قرار زیر است:

1- یک قواره پیراهن به قیمت هشت درهم.

2- یک عدد روسری بزرگ به قیمت چهار درهم.

3- یک حوله سیاه خیبری.

4- یک تخت خواب که با برگ درخت خرما بافته شده بود.

5- دو عدد تشک کتانی از کتانهای مصر که در درون یکی از آنها لیف خرما و دیگری از پشم گوسفند پر شده بود.

6- چهار عدد بالش از پوست میش مکه که از گیاه خوشبویی به نام اذخر پر شده بود.

7- یک تخته پرده پشمی.

ص: 337

8- یک قطعه حصیر.

9- یک عدد دستاس.

10- یک طشت مسی برای شستن لباس.

11- یک عدد مشک چرمی برای آبکشی.

12- یک بادیه بزرگ برای دوشیدن شیر.

13- یک ظرف چرمی برای آب.

14- یک آفتابه گلی لعابی شده.

15- یک سبوی گلی سبز.

16- دو عدد کوزه سفالین.

17- یک قطعه پوست چرمی برای فرش.

18- یک چادر از پارچه های بافت قطر. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_338_1)(

ص: 338

1- . زندگانی حضرت فاطمه(س)، ص56.

سرنوشت خانه حضرت فاطمه(س)

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

گزارشی از خانه حضرت زهرا(س)

سرنوشت خانه حضرت فاطمه(س)

متأسفانه این خانه و ساکنانش پس از رحلت پیامبر اسلام(ص)، مورد بی مهری امت قرار گرفت و دست خوش حوادث ناگواری شد.

خانه ای که از در و دیوارش بوی رسول الله(ص) به مشام می رسید و زمین و محرابش یادآور سجده های طولانی یگانه یادگار پیامبر خدا(ص) بود، نه تنها فقط در آن خانه را بستند و بر خلاف سفارش آن حضرت مردم را از فیض برکات آن خانه و اهلش محروم ساختند؛ بلکه برای بیعت گرفتن از علی(ع) مورد هجوم ناجوانمردانه عده ای کینه توز و فرصت طلب قرار گرفت و سرانجام در زمان عبدالملک بن مروان، به بهانه توسعه مسجد، ساکنان آن را بیرون کردند و خانه را ویران ساختند.

تعجب اینجا است که آنها با مشاهده آن همه عطوفت و مهرورزیها و احترام فوق العاده پیامبر(ص) نسبت به اهل بیت خود، به ویژه نسبت به حضرت فاطمه(س) چگونه مردان کینه توز و فرصت طلب را جهت بیعت گرفتن از علی(ع) روانه خانه فاطمه(س) ساختند؟ آنان مگر حضرت فاطمه(س) را نمی شناختند که با بردن آتش )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_339_1)( هم در خانه را سوزاندند )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_339_2)( و پهلو )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_339_3)( شکستند )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_339_4)( ، هم حرمت صاحب خانه را زیر پا نهادند. )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_339_5)(

ص: 339

1- . العقد الفرید، ج 5، ص13 و الامامه و السیاسه، ص20.

2- . اثبات الوصیه، ص124.

3- . اثبات الوصیه، ص124

4- . تفسیر عیاشی، ج 2، ص67.

5- . بحارالانوار، ج 53، ص14.

در این خانه که آن را هاله ای از غم و مظلومیت فرا گرفته، دو قبر مجهول و گمشده و یک محراب قرار دارد. قبر اول، قبرمحسن، پنجمین فرزند حضرت علی و فاطمه(ع) است وگویا در پای درِ خانه دفن گردید. قبر دوم، احتمالاً قبر فاطمه(س) و یک محراب است که برای همگان قابل رؤیت می باشد و روزی این محراب محل نماز، سجده و دعای حضرت فاطمه زهرا(س) بود.

جای بسی تعجب است که آن خانه ای که در زمان عبد الملک بن مروان به بهانه توسعه مسجد پیامبر خراب می شود، امروزه در محاصره نرده های آهنین قرار گرفته است.

ص: 340

تهاجم به خانه وحی در منابع اهل سنت

اشاره

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

تهاجم به خانه وحی در منابع اهل سنت

اشاره

قضاوت دربارۀ یک واقعۀ تاریخی، به ویژه دربارۀ مسئله ای که در باورهای یک ملت بزرگ نقش بسته است، به تحقیق عمیق و گسترده ای نیازمند است. تبرئه کردن متهم و سرپوش نهادن بر یک واقعیت دردناک و بزرگ، و کوچک جلوه دادن آن، هنر نیست. هنر آن است که انسان با تحقیق کامل و به دور از هر گونه تمایلات نفسانی و با عدل و انصاف، مسئله را بررسی کند و واقعیات را بر اساس آنچه نقل شده است، بدون تحریف تبیین کند؛ از این رو ما به دور از هر نوع تعصب، مسئله را با استناد به منابع معتبر اهل سنّت بررسی می کنیم و قضاوت را بر عهده خوانندگان محترم می گذاریم.

در منابع اهل سنّت، دربارۀ تهاجم عمر، خلیفه دوم به خانۀ فاطمه زهرا(س) روایات مختلفی وارد شده است که برای اختصار به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

ص: 341

1. در کتابهای «عقد الفرید»، «تاریخ ابوالفداء» و «اعلام النساء» در این باره این گونه آمده است:

«ابوبکر گروهی را به سرکردگی عمر بن خطاب به سوی خانۀ علی(ع) گسیل داشت و به سرکردۀ آنان گفت: اگر در برابر فرمانت سر فرود نیاوردند، با آنان پیکار کن.» عمر با مشعلی حرکت کرد تا خانۀ وحی و رسالت را به آتش بکشد. در این گیر و دار بود که دخت فرزانۀ پیامبر(ص) با او روبه رو شد و فرمود: هان! ای پسر خطّاب! آیا آمده ای تا خانۀ ما را به آتش بکشی؟ عمر پاسخ داد: آری، مگر اینکه همان را بپذیرید که امّت گردن نهاده اند و با خلیفۀ انتخابی ما دست بیعت دهید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_342_1)(

2. مدائنی از سلمۀ بن محارب، از سلیمان تیمی، از ابن عون روایت کرده است: «ابابکر برای بیعت گرفتن از علی(ع) به دنبال وی فرستاد. پس علی(ع) بیعت نکرد. در این هنگام عمر با مشعلی از آتش، روانۀ خانۀ علی(ع) شد. فاطمه(س) در پشت درب با او این گونه سخن می گفت: ای پسر خطاب! آیا تو را در حال آتش زدن خانه ام می بینم؟!»

ص: 342

1- قال ابن عبد ربۀ الاندلسی: «الذین تخلفوا عن بیعۀ ابی بکر: علی و العباس و الزبیر فقعدوا فی بیت فاطمۀ، حتی بعث ابوبکر عمر بن الخطاب لیخرجهم (لیخرجوا) من بیت فاطمۀ و قال له: ان أبو افقاتلهم فاقبل بقیس من نار علی ان یضرم علیهم الدار فلقیته فاطمۀ فقالت یا بن الخطّاب! اجئت لتصرف دارنا؟! قال: نعم او تدخلوا فیما دخلت فیه الأمۀ.» تاریخ ابی الفداء، دار المعرفه، لبنان، ج 1، ص56. - العقد الفرید، ج 4، ص 259. - اعلام النساء، ج 3، ص 1207. - کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج 3، ص 149.

عمر گفت: «آری! و آن چنان به این امر مصرّ و محکم هستم که پدرت بر دینی که آورده بود، محکم بود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_343_1)(

3. مؤلف «الامامۀ و السیاسۀ» معروف به «تاریخ خلفا»، تحت عنوان چگونگی بیعت امام علی(ع) می نویسد: «ابوبکر در پی جویی کسانی برآمد که از بیعت سرباز زده و نزد علی(ع) جمع شده بودند. از این رو، عمر را به سوی خانۀ علی(ع) روانه داشت تا آنان را برای بیعت با وی احضار کند. عمر به در خانۀ فاطمه(س) آمد و آنان را ندا کرد؛ اما آنان از آمدن و دست بیعت دادن به ابوبکر خودداری کردند. عمر به همراهان خود دستور داد تا هیزم بیاورند، و فریاد کشید: به خدایی که جان عمر در دست اوست یا باید از خانه بیرون بیایید یا اینکه خانه را با هر کسی که در آن است به آتش می کشم! به او گفتند: ای ابا حفص (عمر)! آیا می دانی که فاطمه (دختر و پارۀ تن رسول خدا(ص)) در این خانه است؟ گفت: گرچه او هم باشد. در این هنگام، فریاد فاطمه(س) بلند شد: بابا! ای رسول الله! آیا می بینی بعد از تو ابن خطّاب و ابن أبی قحافه (ابوبکر) با ما چه می کنند؟» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_343_2)(

4. روایت شده است زمانی که پیامبر(ص) از دنیا رحلت فرمود، عباس(ص) نزد امیرمؤمنان(ع) رفت و گفت: دستت را بده تا با تو بیعت کنم. پس امیر مؤمنان(ع) با عدّه ای از پیروان و شیعیانش در منزلش به مبارزه `منفی` روی آوردند؛ چون پیامبر به وی چنین دستور داده بود. در این هنگام، عدّه ای به خانه علی(ع) حمله ور شدند و به آنجا هجوم آوردند و در خانه اش را به آتش کشیدند و او را به زور از خانه خارج کردند. آنها سیدۀ زنان، حضرت فاطمه(س) را پشت در، فشار سختی دادند، به حدّی که محسن را سقط کرد. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_343_3)(

ص: 343

1- . انساب الأشراف، ج 1، ص 586، ح 1184.

2- . «ان ابابکر تَفْتَدَّ قَوماً تخلفوا عن بیعته عند علیّ کَرَمَ الله وجهه فبعث الیهم عمر، فجاء فناداهم و هم فی دار علی(ع)، فابو اَنْ یخرجوا، فدعا بالخطب و قال: و الّذی نفس عمر بیده، لتخرجنّ اَوْلَا حرقنها علی من فیها! فقیل له: یا ابا حفص! انّ فیها فاطمه(س)؟ فقال: و ان! فقالت فاطمۀ: یا ابتا یا رسول الله! ما ذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن أبی قحافۀ؟!» (الامامۀ و السیاسۀ، منشورات الرضی، چاپ جدید، 1388 ق، ص12.)

3- . اثبات الوصیه، علی بن حسین بن علی مسعودی، ص 42.

5. «ابی الهجاء شبل الدّولۀ حنفی» می گوید: «بعد از آنکه ابوبکر از مردم برای خود بیعت گرفت، عمر را همراه قنفذ، خالد بن ولید، ابوعبیدۀ جراح و جماعت دیگری از منافقان به سوی خانۀ علی و فاطمه(ع) فرستاد.

خلیفۀ دوم هیزم را بر در خانۀ فاطمه(س) جمع کرد و آن را آتش زد و فاطمه(س) به طرف در آمد که از ورود آتش به خانه جلوگیری کند. در این هنگام، عمر و همراهانش در را با فشار باز کردند و فاطمۀ زهرا(س) بین در و دیوار ماند. آن چنان فشاری بر آن حضرت وارد شد که مسمارهای در به سینۀ فاطمه(س) فرو رفت و فرزندش را از شدت فشار سقط کرد و فریاد کشید: ای پدرجان! ای رسول الله! ببین بعد از تو عمر و ابوبکر با من چه کردند؟

در این هنگام، عمر به اطرافیان خود گفت: فاطمه(س) را بزنید. پس، آن از خدا بی خبران با شلاق، حبیبۀ رسول خدا(ص) و پارۀ تن او را زدند، به حدّی که آثار صدمات و شلاق بر جسم مبارک آن حضرت نمایان شد. فاطمه(س) بر اثر این ضربات مریض شد و عاقبت به شهادت رسید. پس فاطمه(س) شهیدۀ خانه نبوّت است و سبب قتل او عمر بن خطاب بوده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_344_1)(

ص: 344

1- . «و جمع عمر الخطب علی بیت فاطمۀ و احرق الباب بالنار و لما جاءت فاطمه خلف الباب لتردّ عمر و حزبه، عصر عمر فاطمۀ بین الحائط و الباب عصرۀ شدیدۀ قاسیۀ حتی أسقطت جنینها و نبت مسمار الباب فی صدرها و صاحت فاطمۀ: یا أبتاه! یا رسول الله! انظر ماذا لقینا بعدک من ابن الخطّاب و ابن ابی قحافه! فانفت عمر الی من حوله و قال: اضربوا فاطمۀ، فانهالت السیاط علی حبیبۀ رسول الله(ص) و بضعته حتی أدموا جسمها، و بقیت آثار العصرۀ القاسیۀ و الصدمۀ المریرۀ تنخر فی جسم فاطمه(س)، فأصبحت مریضۀ علیلۀ حزینۀ حتی فارقت الحیاۀ بعد ابیها بأیام، ففاطمۀ شهیدۀ بیت النبوۀ، فاطمۀ قتلت بسبب عمر بن الخطاب.»؛ (ابی الهجاء الحنفی، ایران، چاپ سوم، 1399 ق، ص 63 به نقل از: السقیفه، و الامامۀ و السیاسۀ، و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 2، ص 19.)

اینها تنها نمونه هایی از نقل جریان حملۀ عمر به خانۀ فاطمه(س) بودند.

ص: 345

مضروب شدن حضرت زهرا(س) و شهادت فرزندش

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

تهاجم به خانه وحی در منابع اهل سنت

مضروب شدن حضرت زهرا(س) و شهادت فرزندش

روایات دربارۀ مضروب شدن حضرت فاطمۀ زهرا(س) و شهادت فرزند آن حضرت فراوان است. به سبب اختصار فقط به نمونه هایی از آن اکتفا می کنیم که در منابع اهل سنّت وارد شده است:

1. شمس الدین ذهبی (م. 748. ق) از مورخین مشهور اهل سنت و ابن حجر عسقلانی (م. 852. ق) از علمای مشهور اهل سنّت با ذکر سند می گویند: «اِنَّ عُمَرَ رَفَسَ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_346_1)( فَاطِمَهَ حَتَّی اَسْقَطَتْ بِمُحْسِنٍ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_346_2)( همانا عمر لگدی به فاطمه(س) زد که محسن از او سقط شد.»

2. قاضی عبدالجبار معتزلی (م. 415. ق) و ابن ابی الحدید معتزلی (م. 656. ق) از قول جاحظ معتزلی (م. 255. ق) نقل می کنند: «اِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ فَاطِمَه(س) بِالسُّوطِ وَ قَصدَ مَنْزِلَهُ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_346_3)( عمر با تازیانه به فاطمه(س) زد و می خواست وارد منزلش شود.»

ص: 346

1- قاموس المحیط می گوید: «الرفس: الصدمۀ بالرجل فی الصّدر؛ رفس: صدمه زدن با پا بر سینه است.»

2- . میزان الاعتدال، شمس الدین ذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، ج1، ص139، شماره 522؛ و سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، تحقیق: ابراهیم الزییق، ج15، ص578، شماره 349؛ لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج 1، ص 268، ح 824.

3- . المغنی، عبدالجبار معتزلی، تحقیق: محمود محمدقاسم و ابراهیم مدکور، ج20، ص335؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج 16، ص 271.

3. شهرستانی (م. 548. ق) یکی از متکلمان اهل سنت، از ابراهیم بن نظام معتزلی نقل می کند که: «اِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بِبَطْنِ فَاطِمَهَ یَوْمَ الْبِیْعَهِ حَتَّی أَلْقَتِ الْجَنِینَ مِنْ بَطْنِهَا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_1)( عمر در روز بیعت به پهلوی فاطمۀ زهرا(س) زد؛ به گونه ای که او سقط جنین کرد.»

4. صلاح الدین صَفَدی (م. 548. ق) می نویسد: «نظّام معتزلی می گوید: بدون شک عمر در روز بیعت، چنان به فاطمه(س) لگد زد که محسن(ع) را سقط کرد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_2)(

5. اخلاق خلیفه )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_3)(

توجه به اخلاق خلیفه می تواند حتی اذهان دیر باور را دربارۀ این وقایع قبیح که ادله مسلّم هم دارد، قانع کند. یکی از خصوصیات روحی خلیفه که در کار فکری، سیاسی و اجرایی او نیز تأثیر شدیدی داشت، تند مزاجی او بود )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_4)( و از نظر فکری نیز افراطی بود. او مدیریت را عبارت از نوعی سخت گیری می دید و می کوشید با این سخت گیری، اعراب بدوی را تحت کنترل درآورد. تبلور این امر در افکار و رفتار او، در همان حیات رسول خدا(ص) آشکار بود. به یاد داریم که او در بدر اصرار داشت تا رسول خدا(ص) تمامی اسیران «بدر» را به قتل برساند. شدت و حدّت او در برخورد با «سهیل بن عمرو»، در جریان صلح حدیبیه، در منابع تاریخی آمده است. او حتی دربارۀ صلح حدیبیه، موضع تندی داشت. عمر در همان روز نخستِ خود اعتراف کرد: «خدایا! من تندخو هستم. مرا نرم فرما!» )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_5)( او نخستین خلیفه ای بود که دِرّه (شلاق) در دست گرفت. )[(6)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_6)( دربارۀ چوب دستی او گفته شده است که ترسناک تر از شمشیر حجاج بوده است. )[(7)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_7)( گذشت که طلحه به دلیل خلق تند عمر به ابوبکر اعتراض کرد که چرا وی را بر آنان می گمارد. )[(8)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_8)(

به نقل از ابن شبه: شخصی به عمر گفت: «مردم از تو خشمگین و متنفرند. وی پرسید: برای چه؟ آن مرد گفت: از زبان و عصای تو!» )[(9)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_347_9)(

ص: 347

1- . الملل و النحل، ج 1، ص 57.

2- «اِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بَطْنَ فاطِمَهَ یَوْمَ الْبَیْعَهِ حَتّی أَلْقَتْ المُحْسِنَ»: الوافی بالوفیات، ص 17، حروف الف از روایت ابراهیم بن سیّار، شماره 2444.

3- ر.ک: تاریخ خلفا، رسول جعفریان، ص65-67.

4- . ابن ابی الحدید می نویسد: «و کان فی اخلاق عمر و الفاظه جفاء و عنجهیۀ ظاهرۀ.»: شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 183.

5- طبقات الکبری، ج 3، ص274 و السنه، عطیه الزهرانی، الریاض، دار الرایه، 1415 ق، ص 318: «اَللَّهُمَّ إِنّی غَلیظٌ فَلَیِّنِی.»

6- تاریخ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 4، ص 209؛ تاریخ الخلفاء، مصر، 1371 ق، ص 137 و طبقات الکبری، ج 3، ص 282: اولین کسی که از این دره کتک خورد، ام فروه، خواهر ابوبکر بود، آن هم زمانی که پس از درگذشت ابوبکر برای او گریه می کرد و عمر گریه کردن برای مرده را نادرست می دانست. (ر.ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 1، ص 181.)

7- ربیع الابرار و نصوص الاخبار، ج 3، ص 188؛ حیاۀ الحیوان، ج 1، ص 51؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 188؛ طبقات الکبری، ج 3، ص 281.

8- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 6، ص343 و ج 1، ص 164 و حیاۀ الصحابه، دار الدعی، حلب، 1391 ق، ج 2، ص 128 – 130.

9- تاریخ المدینۀ المنورۀ، ج 2، ص 858.

روزی غلام زبیر بعد از نماز عصر به نماز ایستاد. در همان آن متوجه شد که عمر با دِرّۀ (شلاق) خود به طرف او می آید. او بی درنگ از آنجا فرار کرد. عمر در پی وی رفت تا او را یافت. غلام گفت: «دیگر چنین نخواهم کرد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_348_1)(

عبدالرزاق صنعانی و ابراهیم نخعی می گویند: «عمر در صفوف زنان می گشت. ناگهان بوی عطری از آنان به مشامش رسید. در آن حال گفت: اگر می دانستم این بو از کیست، با او چه و چه می کردم. زنان باید خود را برای شوهرانشان معطر کنند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_348_2)( ابراهیم می افزاید: «زنی که در آنجا خود را معطر کرده بود، از ترس بول کرد.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_348_3)( و هم چنین نوشته اند: «زنی با دیدن او سقط جنین کرد.» معمولاً کسی که قصد سؤالی از عمر داشت، شهامت این کار را نمی یافت؛ بلکه از طریق عثمان یا شخص دیگری سؤال خود را مطرح می کرد.» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_348_4)(

این اخلاق سبب شده بود تا او در انتخاب فرمانداران خود نیز معیار خشونت را معیاری اساسی تلقی کند. )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_348_5)( وی در برخورد با افراد خاطی، از هر طایفه ای که بودند، گذشت نمی کرد و اسلام را تنها از زاویه سخت گیری می شناخت. همین رفتارش سبب شد تا «جبله بن ایهم» از شاهان شام که مرتکب خطایی شده بود، از مکه به شام بگریزد و از اسلام روی برتابد. )[(6)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_348_6)(

ص: 348

1- المعرفۀ و التاریخ، ج 1، ص 364–365.

2- المصنف، ج 4، ص 343 – 344.

3- جامع بیان العلم و فضله، ج 2، ص103 و شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 174.

4- ترجمه الفخری فی الاداب السلطانیه والدول الاسلامیه، ص 106.

5- العقد الفرید، ابن عبدربه، ج 1، ص 15.

6- ر.ک: طبقات الکبری، ج 1، ص265؛ الفتوح، ج2، ص 302 – 304 و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 183. درباره او داستان متفاوتی نقل شده است که آن نیز به نحوی مربوط به برخورد عمر و ندامت او درباره روش برخورد با اوست. (ر.ک: تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 147.)

فرمانداران و فرزندان خلیفه نیز از این سخت گیری در امان نماندند. زمانی که یکی از فرزندانش لباس زیبایی پوشیده بود، از خلیفه کتک مفصلی خورد، تا اندازه ای که فرزند او به گریه افتاد. وقتی حفصه به وی اعتراض کرد، عمر گفت: او خود را گرفته بود، من او را زدم تا تحقیرش کرده باشم. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_349_1)( او فرزند دیگرش را که شرب خمر کرده بود، به حدی کتک زد که درگذشت. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_349_2)(

گویا عمرو بن عاص، فرزند عمر را به همین دلیل در مصر حد زده بود؛ اما وقتی به مدینه آمد پدرش نیز وی را زد و همین سبب مرگش شد. زمانی که فرزند خلیفه در بستر مرگ افتاده بود، به پدرش گفت: تو مرا کشتی. عمر گفت: اگر خدا را ملاقات کردی، به او بگو که ما حد را جاری می کنیم. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_349_3)(

شدت این برخوردها اعتراض مردم را برانگیخت. آنان از عبدالرحمن بن عوف خواستند تا در این باره با عمر سخن گفته، به او بگوید که دختران در خانه نیز از او هراس دارند. عمر در برابر این اعتراض گفت: مردم جز با این روش اصلاح پذیر نیستند و در غیر این صورت، لباس مرا نیز از تنم بیرون خواهند آورد. )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_349_4)( او خودش تأیید می کرد که مردم از تندی او ترسیده و وحشت کرده اند. )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_349_5)( در اصل، همین برخوردها می توانست مانعی بر سر راه اعتراضات مردم به عملکرد او باشد. )[(6)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_349_6)( پیش از آن، زمانی که رسول خدا(ص) فرمود: مردها همسرانشان را نزنند، عمر از آن حضرت خواست تا اجازه دهد تا مردان همسران خود را بزنند؛ اما آن حضرت نپذیرفت. )[(7)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_349_7)(

ص: 349

1- المصنف، عبدالرزاق، ج 1، ص 416.

2- حیوۀ الحیوان، ج 1، ص 49 و نسب قریش، ص 356.

3- . تاریخ المدینۀ المنوره، ج 2، ص 841.

4- . نثر الدر، ج 2، ص 35 و عیون الاخبار، ج 1، ص 12.

5- . حیوۀ الحیوان، ج 1، ص 49.

6- . نثر الدر، ج 4، ص 34 – 35.

7- . طبقات الکبری، ج 8، ص 205.

اعتراف به ضرب و اذیّت فاطمه(س)

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

تهاجم به خانه وحی در منابع اهل سنت

اعتراف به ضرب و اذیّت فاطمه(س)

در کتابهای معتبر اهل سنت آمده است: «فَقَالَ عُمَرُ لِاَبی بَکْر: اِنْطَلِقْ بِنَا اِلَی فَاطِمَه فَاِنّا قَدْ اَغْضَبْنَاهَا! فَانْطَلَقَا جَمِیعاً فَاسْتَأْذَنَا عَلَی فَاطِمَه فَلَمْ تَأْذَنْ لَهُمْ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_350_1)( عمر به ابوبکر گفت: بیا به دیدار فاطمه رویم `و رضایتش را جلب کنیم`؛ زیرا ما وی را به خشم آورده ایم. و آنان به خانۀ آن حضرت آمدند و اجازه ورود خواستند؛ ولی آن حضرت اجازه ورود `به خانه را` به آنها نداد.»

چون چنین دیدند، دست به دامان علی(ع) شدند و با فشار و اصرار، نظر او را جلب کردند که از فاطمه(س) اجازه بگیرد؛ ولی حضرت زهرا(س) اجازه نداد. امام علی(ع) فرمود: «ای دختر رسول خدا(ص)! آنان نا رضایتی و اجازه ندادن تو را از چشم من می بینند و من به آنان قول داده ام که از تو اجازه بگیرم.» سرانجام فاطمه(س) گفت: «من در اختیار تو هستم.»

ص: 350

1- . الامامۀ والسیاسۀ، ابن قتیبه الدینوری، ج 1، ص 14 و شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج16، ص 281.

شیخین وارد خانۀ فاطمه زهرا(س) شده و بر او سلام کردند؛ ولی آن حضرت(س) جواب سلام آنها را نداد و صورتش را از آنان به سوی دیوار برگرداند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_351_1)( اصرار و سماجت به جایی نرسید. ابوبکر خیلی ناراحتی می کرد و می گفت: ای کاش من به جای پیامبر می مردم. فاطمه(س) گفت: «اگر حدیثی را از پیامبر خدا(ص) بخوانم، مرا تأیید می کنید؟» گفتند: «بلی.» فرمود: «اَلَمْ تَسْمَعَا رَسُولَ الله(ص) یَقُولُ: فَاطِمَه بِضْعَه مِنِّی مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِی، رِضَا فَاطِمَه مِنْ رِضَای وَ سَخَطُ فَاطِمَه مِنْ سَخَطِی، فَمَنْ اَحَبَّ فَاطِمَه اِبْنَتِی فَقَدْ اَحَبَّنِی، وَ مَنْ اَرْضَی فَاطِمَه فَقَدْ اَرْضَانِی؟ قَالَا: نَعَمْ. قَالَتْ: فَإِنِّی قَدْ اُشْهِدُاللهَ وَ مَلاَئِکَتَهُ اَنَّکُمَا اَسْخَطْتُمَانِی وَ مَا اَرْضَیْتُمَانِی وَ لَئِنْ لَقَیْتُ النَّبِیّ(ص) لَاَ شْکُوَنَّکُمَا إلَیْهِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_351_2)( آیا از رسول خدا(ص) نشنیده اید که می فرمود: فاطمه(س) پاره تن من است، هر کس او را بیازارد، مرا آزرده است. و رضایت فاطمه(س) رضایت من و خشم او خشم من است و هر کس فاطمه(س)، دخترم را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس او را راضی کند، مرا راضی کرده است؟» گفتند: آری. فرمود: «من، خدا و ملائکه اش را شاهد می گیرم که شما مرا به خشم آورده اید و مرا راضی نکردید و هنگامی که پیامبر(ص) را دیدار کنم، از شما به او شکایت خواهم کرد.

ابوبکر پس از شنیدن این سخنان به گریه افتاد و با تمام ناراحتی، خانه حضرت فاطمه(س) را همراه عمر ترک کرد و به مردم گفت: «من از خلافت کنار می روم و حاجتی به بیعت شما ندارم.» و فاطمه(س) نیز اظهار داشت: «من در تعقیب هر نماز شما را نفرین خواهم کرد.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_351_3)(

ص: 351

1- فَلَمََّا قَعَدَا حَوَّلَتْ وَجْهَهَا اِلَی الْحَائِطِ فَسَلَّمَا عَلَیْهَا فَلَمْ تَرِدْ(س).

2- این نوع احادیث درباره فاطمه زهرا(س) از زبان پیامبر اسلام(ص) با عبارتهای مختلف در منابع اهل سنت وارد شده است.

3- . الامامۀ و السیاسۀ، ج1، ص 13 و 14.

ناراضی بودن حضرت زهرا(س) از خلیفۀ اول و دوم

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

تهاجم به خانه وحی در منابع اهل سنت

ناراضی بودن حضرت زهرا(س) از خلیفۀ اول و دوم

دانشمندان اهل سنت در تاریخهای خود می نویسند: «فاطمه(س) آن چنان از دو خلیفه اول و دوم ناراضی و ناراحت بود که با آنان قهر کرد و از ستم آن دو رو به سوی قبر پدر کرد و فرمود:

1. «یَا اَبَتَاه! یَا رَسُولَ اللهِ! مَاذَا لَقِینَا بَعْدَکَ مِنْ اِبْنِ الْخََطَّابِ وَ ابْنِ اَبِی قُحَافَهِ؟!؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_352_1)( ای پدر و ای رسول خدا! ما بعد از تو چه `روزگار سیاهی` از پسر خطاب و پسر ابو قحافه داشته ایم؟!»

2. طبری می نویسد: «فَحَجَرَتْهُ فَاطِمَه(س) فَلَمْ تُکَلِّمْهُ فِی ذَلِکَ حَتَّی مَاتَتْ، فَدَفَنَهَا عَلِیٌّ کَیْلاً؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_352_2)( `بعد از جریان تهاجم به خانۀ فاطمه(س) و اذیت آن حضرت به دست خلیفۀ اول و دوم` حضرت از آنها روی گردان شد و تا آخر عُمر با آنان سخن نگفت، تا اینکه از دنیا رفت و علی(ع) شبانه او را دفن کرد.»

ص: 352

1- . همان، ج 1، ص 12 و 13 و تاریخ طبری، ج 3، ص 210.

2- تاریخ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 236.

3. حضرت زهرا(س) خطاب به ابوبکر فرمود: «وَاللهِ! لَاکَلَّمْتُکَ اَبَداً، وَالله لَاَدْعُوَنَّ اللهَ عَلَیْکَ فِی کُلِّ صَلَوهٍ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_353_1)( سوگند به خدا! از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت. سوگند به خدا! در هر نماز تو را نفرین خواهم کرد.»

4. ابن ابی الحدید (امام معتزلی) پس از تحقیق و بررسی دربارۀ واکنش حضرت فاطمه(س) به ستمهای وارده از سوی حکومت وقت می نویسد: «وَالصَّحیحُ عِنْدِی اَنَّهَا مَاتَتْ وَاجِدَه عَلَی اَبِی بَکْرٍ وَ عَمَرَ وَ اَنَّهَا اَوْصَتْ اَلّا یُصَلِّیَا عَلَیْهَا؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_353_2)( به نظر من، حق این است که فاطمه(س) با دل پر درد از ابوبکر و عمر از دنیا رفت و وصیت کرد: آن دو بر جنازه اش نماز نخوانند.»

اینها نمونه هایی از روایات و مطالبی است که از نارضایتی فاطمۀ زهرا(س) از خلیفۀ اول و دوم حکایت دارد. فاطمه ای که پیامبر اسلام(ص) رضایت او را رضایت خدا و غضبش را غضب خداوند می شمرد. آنجا که می فرماید: «یَا فَاطِمَهُ! اِنَّ اللهَ لَیَغْضِبُ لِغَضَبِکِ وَ یَرْضَی لِرضَاکِ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_353_3)( ای فاطمه! همانا خداوند با غضب تو غضبناک و با رضایت تو راضی می شود.»

ص: 353

1- الامامۀ و السیاسۀ، ج 1، ص 14.

2- .شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 6، ص50 و ج 16، ص 281.

3- این حدیث را جمعی از علما و محققان اهل سنّت در کتابهای خودشان آورده اند؛ از جمله: الف) الذریۀ الطاهرۀ النبویه، الکویت، 1407 ق، چاپ اول، ص 168، ح226. ب) الکامل، دارالفکر، بیروت، چاپ دوم، 1409 ق، ج2، ص351، شماره 112/481. ج) تاریخ مدینه دمشق، دار الفکر، بیروت، چاپ 1415 ق، ج3، ص156. د) ینابیع الموده لذوی القربی، دار الاسوه، چاپ اول، قم، 1416 ق، ج2،ص132، ح375. ه) کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، 1409 ق، ج12، ص111، ح34238. و در روایت دیگر می فرماید: «فمن اغضبها فقد اغضبنی.» ابن ابی الحدید، ج 16، ص 272.

اکنون با توجه به این حدیث چگونه می توان نارضایتی حضرت فاطمۀ زهرا(س) را از آن دو (عمر و ابوبکر) توجیه کرد؟ از این احادیث چه نتیجه ای می توانیم بگیریم؟ پاسخ این سؤالات برای همه روشن است، چه رسد به افراد تحصیل کرده و آزموده. برای بیش تر روشن شدن پاسخ، به این حدیث توجه فرمایید:

«جوینی» از محدثان بزرگ اهل سنت، حدیثی را از ابن عباس نقل می کند که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «وَ أَمَّا اِبْنَتِی فَاطِمَه فَإِنَّهَا سَیِّدَه نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ آلَاخِرینَ وَ هِیَ بِضْعَه مِنِّی وَ هِیَ نُورُ عَیْنِی وَ هِیَ ثَمَرَه فُؤَادِی وَ هِیَ رُوحِی. اِلَی اَنْ قَالَ: اَللَّهُمَّ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَهَا وَ عَاقِبْ مَنْ غَصَبَهَا وَ ذَلّّلْ مَنْ أَذَلَّهَا وَ خَلِّدْ فِی نَارِکَ مَنْ ضَرَبَ جَنْبَهَا حَتَّی أَلْقَتْ وَلَدَهَا فَتَقُولُ الْمَلَائِکَه عِنْدَ ذَلِکَ آمِین؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_354_1)( اما دخترم فاطمه، او سیّدۀ زنان دو عالم از اولین و آخرین است و او پاره تن من می باشد. او نور چشم و میوۀ دلم است. فاطمه(س) روح و جان من می باشد، تا اینکه فرمود: خدایا! کسانی که به او ظلم کنند، لعنت کن و کسانی که حقش را غصب کنند، عذاب فرما و کسی که او را خوار می کند، خوار کن. خدایا! آن کس که بر پهلوی دخترم فاطمه(س) زند، به طوری که بچه اش سقط شود، جایگاهش را در آتش جهنّم قرار بده، و ملائکه ای که نزد پیامبر بودند، آمین گفتند.»

ص: 354

1- فرائد السمطین، ج 2، ص 35.

نتیجه

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

تهاجم به خانه وحی در منابع اهل سنت

نتیجه

بی بی دو عالم، حضرت صدیقه کبرا(س) اولین حامی ولایت و امامت، در راه مبارزۀ خود از جان و مالش گذشت، به طوری که در راه دفاع از حق و حقیقت به خانه اش هجوم آوردند و آنجا را به آتش کشیدند. خانه ای که محل نزول وحی و ملائکه بود و هیچ کس بدون اجازه وارد این خانه نمی شد؛ ولی دنیاطلبان و مقام پرستان بعد از به آتش کشیدن درِ خانۀ وحی، وارد خانه شدند و دختر نبوت را با تازیانه مجروح ساختند، به طوری که تورّم شدیدِ بازو، سقط جنین، بیماری و دیگر مسایل، به شهادت آن بانوی نمونۀ اسلام انجامید؛ ولی با تحمّل این مظلومیتها غاصبان حق امام علی(ع) را – که در حقیقت همان دشمنان خدا و رسولش هستند – رسوای تاریخ کرد و بر مشروعیت حکومت غاصبانۀ آنان خط بطلان کشید و عالی ترین سند مظلومیت امامش (حضرت علی بن ابی طالب(ع)) و نیز حقّانیت افکار و عقاید شیعۀ امامیه را بر صفحه تاریخ حک کرد.

آن حضرت با مخفی داشتن قبر خود و اجازه ندادن مراسم تشییع پیکر پاکش به دست غاصبان، تمام تلاش بداندیشانی را که سعی در پاک کردن دامن جنایتکاران تاریخ صدر اسلام داشتند، نقش بر آب کرد و آنها را رسوای تاریخ ساخت.

ص: 355

در طول تاریخ، کم خردان، کوته نظران و مغرضان سعی کرده اند این قطعۀ تاریخ را که از جمله بزرگ ترین حربۀ تبلیغاتی شیعه است، از دست پیروان این مکتب درآورند. فرزندان و شیفتگان اهل بیت( همواره با ارائۀ اسناد و مدارک تاریخی که امروزه در فرهنگ جهانی حرف اول را می زند، اجازه نخواهند داد معاندان و شبهه پراکنان، این پرونده جنایی را مختومه اعلام کنند و در حد توان از حریم امامت و ولایت دفاع خواهند کرد.

از تمام مطالب گذشته روشن می شود که موارد ذیل از امور مسلّم تاریخی است:

1. تهاجم عمر با عدّه ای به خانۀ فاطمه زهرا(س).

2. به آتش کشیدن درِ خانۀ حضرت و وارد شدن به داخل آن.

ص: 356

3. واقع شدن فاطمۀ زهرا(س) میان در و دیوار و مضروب شدن و آزار دیدن آن حضرت به دست عمر با تازیانه و لگد و در نتیجه، سقط محسن و شهادت حضرت زهرا(س).

4. اعتراف و اظهار تأسف دو خلیفه به اذیت حضرت فاطمه(س) و تلاش برای عذرخواهی از آن حضرت.

5. ناراضی بودن حضرت زهرا(س) از آن دو و وصیت به شرکت نداشتن آنها در تشییع جنازه، نماز و دفن آن حضرت و تصریح به نفرین کردن بر ابوبکر بعد از هر نماز.

6. حمله ور شدن امام علی(ع) به عمر در دفاع از حضرت زهرا(س) و زمین کوبیدن او و منصرف شدن از کشتن وی به سبب وصیت پیامبر اکرم(ص) هنگام حضور عمر و عده ای برای مکشوف کردن قبر حضرت زهرا(س) به بهانه نماز خواندن بر جنازه آن حضرت.

ص: 357

تهاجم به خانه وحی در منابع شیعه

اشاره

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

تهاجم به خانه وحی در منابع شیعه

اشاره

زهرا که غمش جدا زدلها نشود

"

ظلمی که به او رسیده احصا نشود

"

بخشند اگر به او گناه همه را

"

یک جو دیه صورت زهرا نشود

"

حوادث پس از «سقیفه» از تلخ ترین و دردناک ترین حوادث تاریخ اسلام و زندگانی امیرمؤمنان(ع) و فاطمه زهرا(س) می باشد.

واقع گویی و بیان واقعیات تلخ آن دوران باعث دلگیری و رنجش گروهی است که نسبت به رهبران آن حوادث تعصب خاص ورزیده، و تا جایی که امکان دارد، می خواهند گردی بر دامن آنها ننشیند. از طرف دیگر، پوشاندن حقایق و وارونه جلوه دادن حوادث، خیانت بزرگی به تاریخ و نسلهای آینده بشری و جامعه مسلمین است که هرگز وجدان آگاه و دردمند به خود اجازه چنین خیانت و پا گذاشتن روی حقیقت را نمی دهد. بزرگ ترین حادثه تاریخی پس از غصب خلافت موضوع هجوم و یورش به خانه وحی، و منزل فاطمه زهرا(س) است که برای بیرون آوردن متحصنان و معترضان به غصب خلافت انجام گرفت.

از دستورات ارزنده و حیاتی اسلام این است که هیچ مسلمانی حق ندارد بدون اجازه و رضایت صاحب خانه به منزل کسی وارد شود و اگر صاحب خانه معذور بود و از پذیرفتن مهمان عذرخواهی کرد، وظیفه دارد از همانجا بدون رنجش برگردد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_358_1)(

ص: 358

1- . نور/27 - 28.

خصوصاً که برخی از خانه ها از مقام و منزلت خاصی برخوردارند، همچون خانه هایی که در آن خداوند مورد پرستش قرار می گیرد: (فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصال) )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_359_1)( ؛ «در خانه هایی که خداوند اجازه داده است که دیوارهای آن را بالا برند و نام خدا در آنها برده شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می گویند.»

در این میان خانه پیامبر اکرم(ص) از احترام ویژه ای برخوردار است؛ لذا قرآن کریم در این باره دستور مخصوصی می دهد، آنجا که می فرماید: (یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُم) )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_359_2)( ؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه های پیامبر وارد نشوید؛ مگر زمانی که به شما اذن `ورود` داده شود.»

بدون هیچ شکی خانه حضرت فاطمه(س) از آن خانه های رفیع و محترمی است که در درون آن زهرا و علی و فرزندان آن دو(ع) خدا را به بهترین وجه عبادت و تقدیس نموده اند.

ص: 359

1- . نور/36.

2- احزاب/53.

اکنون باید دید که مأموران دستگاه خلافت احترام خانه حضرت زهرا(س) را تا چه حد رعایت کردند؟ آنچه از منابع «فریقین» استفاده می شود این است که دستگاه خلافت نه تنها حرمت خانه زهرا و علی(ع) را نگه نداشتند؛ بلکه بدترین جسارتها را بر آنان روا داشتند. در مقاله گذشته حادثه یورش به خانه وحی از نگاه تاریخ نویسان اهل تسنن مفصل بررسی شد. در اینجا حادثه یاد شده را فقط از منابع شیعه مورد بحث قرار می دهیم .

هنگامی که به روایات و کتابهای دانشمندان شیعه مراجعه می کنیم، جریان را روشن تر و گویاتر می یابیم، که به نمونه هایی اشاره می شود:

1. سلیم بن قیس و عیاشی نقل کرده اند: طبق فرمان عمر، قنفذ با جماعتی به در خانه علی(ع) رفتند تا او را برای بیعت با ابابکر دعوت کنند. حضرت علی(ع) در را باز نکرد. سرانجام عمر با جمعی بر در سرای زهرا(س) آمدند، عمر فریاد برآورد که: یا علی! از خانه بیرون آمده، با خلیفه رسول خدا بیعت کن؛ وگرنه آتش بدین سرای می زنم. فاطمه(س) برخواست و فرمود: ای عمر! این چه دشمنی ای است که با ما داری؟ او جواب داد: در را باز کنید؛ والا خانه را به آتش می کشم! فاطمه زهرا(س) فرمود: ای عمر! از خدا نمی ترسی؟...

ص: 360

«ثم دعا عمر بالنار فاضرمها فی الباب فاحرق الباب؛ آن گاه عمر فرمان داد تا آتش بیاورند، پس آن را در میان در افکنند و در `خانه` را به آتش کشید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_361_1)(

2. امام صادق(ع) فرمودند: «وَ اللَّهِ مَا بَایَعَ عَلِیٌّ(ع) حَتَّی رَأَی الدُّخَانَ قَدْ دَخَلَ بَیْتَهُ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_361_2)( به خدا سوگند! علی(ع) بیعت نکرد؛ مگر زمانی که دید دود وارد خانه اش شده است.»

3. مفضل به امام صادق(ع) عرض کرد: گریه چه پاداش و ثوابی دارد؟ حضرت فرمودند: اگر گریه بر حق باشد، ثواب آن قابل احصا نیست. آنگاه مفضل گریه شدید و طولانی نمود و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! روز انتقام شما `از جنایتکاران` بزرگ تر از روز محنت و غصه شما خواهد بود. پس حضرت صادق(ع) فرمودند: «ولا کیوم محنتنا بکربلاء، وان کان یوم السقیفه واحراق النار علی باب امیرالمؤمنین والحسن والحسین وفاطمه وزینب وام کلثوم و فضه وقتل محسن بالرفه اعظم وادهی وامر لانه اصل یوم النداب؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_361_3)( نه چون روز محنت ما در کربلا، و گر چه روز سقیفه `و غصب خلافت` و سوزاندن و آتش بر در `خانه` امیرمؤمنان و حسن و حسین و فاطمه و زینب و ام کلثوم(ع) زدن و کشته شدن محسن(ع) بر اثر فشار، بزرگ تر، دردناک تر و تلخ تر است؛ زیرا اساس روز ندبه ها همان بود.»

4. پیامبر اکرم(ص) در یکی از سخنان خویش که از حوادث آینده خبر می داد، فرمود: «وَ أَمَّا ابْنَتِی فَاطِمَهُ فَإِنَّهَا سَیِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ ... وَ أَنِّی لَمَّا رَأَیْتُهَا ذَکَرْتُ مَا یُصْنَعُ بِهَا بَعْدِی کَأَنِّی بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الذُّلُّ بَیْتَهَا وَانتُهِکَت حُرمَتُها وَ غُصِبَ حَقَّهَا وَ کُسِرَ جَنْبُهَا وَ أَسْقَطَتْ جَنِینَهَا وَ هِیَ تُنَادِی یَا مُحَمَّدُ فَلَا تُجَابُ وَ تَسْتَغِیثُ فَلَا تُغَاثُ؛ )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_361_4)( و اما دخترم فاطمه(س)، سیده زنان جهانیان `از ابتدا تا انتهای آفرینش` است... و من آن گاه که فاطمه ام را می بینم، به یاد آنچه که با او رفتار می شود `از ستمها و اهانتها` می افتم. گویا می بینم که خواری به خانه او راه یافته، و حرمتش هتک، و حقش غصب شده است، و `از` ارثش جلوگیری به عمل آمده، پهلویش شکسته و فرزندش سقط شده است و او ناله می زند: یا محمدا! پس جواب داده نمی شود، و کمک می خواهد، پس کمک نمی شود.»

ص: 361

1- . تفسیر العیاشی، ج 2، ص 66 - 68؛ کتاب سلیم بن قیس، ص 249 - 253؛ ریاحین الشریعه، ج 1، ص 260 و 270.

2- . بحار الانوار، ج 28، ص 390؛ تلخیص الشافی، ج 3، ص 76.

3- . نوائب الدهور، ص 192.

4- . بحارالأنوار، ج 43، ص 172 - 173، ح 13؛ فرائد السمطین، ج 2، ص 36.

خداوندا چرا دلها گرفته

"

جهان را ماتمی عظما گرفته

"

چرا سرها بود بر زانوی غم

"

سحاب تیره عالم را گرفته

"

چه غوغایی به یثرب گشته برپا

"

که موج فتنه ها بالا گرفته

"

زجور امت و هجران بابا

"

دل صدیقه کبری گرفته

"

زدند آتش به درب مهبط وحی

"

که دودش گنبد خضرا گرفته

"

امیرمؤمنان سردار اسلام

"

ص: 362

غم عالم بقلبش جا گرفته

"

فدک را از کف دخت پیمبر

"

ریاکاران بی پروا گرفته

"

چه رخ داده مگر از بهر زهرا

"

که روی خویش از مولا گرفته

"

مه برج نبوت منخسف شد

"

که قرص صورت زهرا گرفته

"

سیه کرده است قنفذ بازویش را

"

به دستوری که زان رسوا گرفته

"

گلویش را فشار غصه و غم

"

زدست بی وفائیها گرفته

"

ص: 363

امید از زندگی ببریده دیگر

"

زدنیای دنی دل وا گرفته

"

نه تنها سوخت «فولادی» از این درد

"

که غم بر دهر و مافیها گرفته )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_364_1)(

"

یکی از سؤالات اساسی در ماجرای آتش زدن خانه حضرت علی(ع) و اهانت به آن بزرگوار این است که: آیا چنان که شیعیان می گویند، به ساحت حضرت فاطمه زهرا(س) نیز جسارت کردند و بر آن حضرت صدماتی وارد شد که به شهادت او و فرزندش منجر گردد یا خیر؟

برخی از دانشمندان اهل سنّت برای حفظ موقعیّت خلفا از بازگو کردن این قطعه از تاریخ خودداری نموده اند؛ از جمله ابن ابی الحدید در شرح خود می گوید: «جساراتی را که مربوط به فاطمه زهرا(س) نقل شده، در میان مسلمانان تنها شیعه آن را نقل کرده است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_364_2)( برخی از سنّی زدگان معاصر نیز در این نظر با آنان همراه شده، مصایبی را که متوجه بانوی دو جهان شده است، انکار نموده اند. برای روشن شدن حادثه جسارت به بانوی دو جهان، بحث را از دو منظر پی می گیریم.

ص: 364

1- . حسین فولادی.

2- . شرح نهج البلاغه، ج2، ص60.

منابع اهل سنّت

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

تهاجم به خانه وحی در منابع شیعه

منابع اهل سنّت

برخی از دانشمندان و مورّخان اهل سنّت، در این بخش، از بیان واقعیات تاریخی شانه خالی کرده اند؛ چنان که سید مرتضی رحمه الله در این زمینه می گوید:

«در آغاز کار، محدثان و تاریخ نویسان از نقل جسارتهایی که به ساحت دختر پیامبر گرامی(س) وارد شده امتناع نمی کردند. این مطلب در میان آنان مشهور بود که مأمور خلیفه با فشار، درب را بر فاطمه(س) زد و او فرزندی را که در رحم داشت سقط نمود و قنفذ به امر عمر، زهرا(س) را زیر تازیانه گرفت تا او دست از علی بردارد؛ ولی بعدها دیدند که نقل این مطالب با مقام و موقعیت خلفا سازگاری ندارد؛ لذا از نقل آنها خودداری نمودند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_365_1)(

با این حال، برخی از آنها به این حقیقت تلخ اعتراف کرده اند که به نمونه هایی اشاره می کنیم:

ص: 365

1- . تلخیص شافی، ج3، ص76، تلخیص شیخ طوسی.

1. مسعودی: در قسمتی از آنچه در بخش اول مقاله از این مورّخ اهل سنت نقل کردیم، آمده است: «فَوَجَّهُوا اِلی مَنْزِلِهِ فَهَجَمُوا عَلَیْهِ وَ اَحْرَقُوا بابَهُ... وَ ضَغَطُوا سَیِّدَهَ النِّساءِ بِالْبابِ حَتّی اَسْقَطَتْ مُحْسِنا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_366_1)( پس `عمر و همراهان` به خانه علی(ع) رو کردند و هجوم برده، خانه آن حضرت را به آتش کشیدند؛ با در به پهلوی سیده زنان عالم زدند؛ چنان که محسن(س) را سقط نمود.»

2. نظّام، طبق نقل عبدالکریم بن احمد شافعی شهرستانی (548 - 479 ق.) می گوید: «اِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بَطْنَ فاطِمَهَ یَوْمَ الْبَیْعَهِ حَتّی اَلْقَتْ اَلْجَنینَ مِنْ بَطْنِها؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_366_2)( به راستی عمر در روز بیعت، ضربتی به فاطمه(س) وارد کرد که بر اثر آن، جنین خویش را سِقط نمود.»

همین قول را اسفرائینی (متوفای 429 ق.)، به نظّام نسبت داده و گفته است که او قائل بود: «اَنَّ عُمَرَ ضَرَبَ فاطِمَهَ وَ مَنَعَ میراثَ الْعِتْرَهِ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_366_3)( عمر فاطمه(س) را زد و از ارث اهل بیت(ع) جلوگیری کرد.»

ص: 366

1- . اثبات الوصیه، (چاپ بیروت) ص153 و در برخی چاپها ص23 24.

2- . الملل و النحل، ج1، ص57.

3- . اَلفرقُ بین الفرق، ص107.

3. صفدی یکی دیگر از علمای اهل سنّت می گوید: «اِنَّ عُمَرَ ضَرَبَ بَطْنَ فاطِمَهَ یَوْمَ الْبَیْعَهِ حَتّی اَلْقَتْ اَلْمُحْسِنَ مِنْ بَطْنِها؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_367_1)( به راستی عمر آنچنان فاطمه(س) را در روز بیعت `اجباری برای ابوبکر` زد که محسن(ع) را سِقط نمود.»

4. مقاتل بن عطیّه می گوید: ابابکر بعد از آنکه با تهدید و ترس و شمشیر از مردم بیعت گرفت، «اَرْسَلَ عُمَرَ وَ قُنْفُذا وَ جَماعَهً اِلی دارِ عَلیٍّ وَ فاطِمَهَ(ع) وَ جَمَعَ عُمَرُ الْحَطَبَ عَلی دارِ فاطِمَهَ وَ اَحْرَقَ بابَ الدّارِ وَ لمّا جائَتْ فاطِمَهُ خَلْفَ الْباب تَعَدَّدَ عَمَرُ وَ اَصْحابُهُ وَ عَصَرَ عُمَرُ فاطِمَهَ(س) خَلْفَ البابِ حَتّی اَسْقَطَتْ جَنینَها وَ نَبَتَ مِسْمارُ الْبابِ فی صَدْرِها وَ سَقَطَتْ مَریضهً حَتّی ماتَتْ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_367_2)( `ابابکر` عمر و قنفذ و جماعتی را به درب خانه علی و زهرا(ع) فرستاد. عمر هیزم را درِ خانه فاطمه جمع نمود و درب خانه را به آتش کشید، هنگامی که فاطمه زهرا(س) پشت در آمد، عمر و اصحاب او جمع شدند و عمر آنچنان حضرت فاطمه(س) را پشت در فشار داد که فرزندش را سقط نمود و میخ در به سینه حضرت فرو رفت `و بر اثر آن صدمات` حضرت به `بستر` بیماری افتاد تا آنکه از دنیا رفت.»

5. ابن ابی الحدید نقل نموده است: «ابو العاص، شوهر زینب، دختر پیامبر اکرم(ص) در جنگ از طرف مسلمانان به اسارت گرفته شد؛ ولی بعدا مانند اسیران دیگر آزاد شد.

ص: 367

1- . الوافی بالوفیات، ج5، ص347 ر.ک: سفینه البحار، ج2، ص292.

2- . الامامه والخلافه، ص160 161.

ابو العاص به پیامبر(ص) وعده داد که پس از مراجعت به مکّه، وسائل مسافرت دختر پیامبر را به مدینه فراهم سازد. پیامبر(ص) به زید حارثه و گروهی از انصار، مأموریت داد که در هشت مایلی مکّه توقف کنند و هر موقع کجاوه زینب به آنجا رسید، او را به مدینه بیاورند. قریش از خروج دختر پیامبر از مکّه آگاه شدند. گروهی تصمیم گرفتند که او را از نیمه راه باز گردانند. جبّار بن الاسود (یا هبّار ابن الاسود) با گروهی خود را به کجاوه زینب رساند و نیزه خود را بر کجاوه دختر پیامبر کوبید. از ترس آن، زینب، کودکی را که در رحم داشت، سقط کرد و به مکّه بازگشت. پپامبر(ص) از شنیدن این خبر سخت ناراحت شد و در فتح مکّه (با اینکه همه را بخشید و آزاد نمود) خون قاتل فرزند زینب را مباح شمرد.»

ابن ابی الحدید می گوید:

ص: 368

«من این جریان را برای استادم ابو جعفر نقیب خواندم، او گفت: وقتی که پیامبر(ص) خون کسی که دخترش زنیب را ترسانید و او سقط جنین کرد را مباح شمرد، قطعا اگر زنده بود خون کسانی را که دخترش فاطمه(س) را ترسانیدند که باعث شد فرزندش `محسن(ع)` را سقط کند، حتما مباح می شمرد.»

ابن ابی الحدید می گوید، به استادم گفتم:

«آیا از شما نقل کنم آنچه را مردم می گویند که فاطمه(س) بر اثر ترس `و ضرباتی که بر او وارد شد` فرزندش را از دست داد؟

پس گفت: نه! از طرف من نقل نکن! و همین طور رد و بطلان آن را نیز از طرف من نقل نکن! چون اخبار در این زمینه متعارض است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_369_1)(

این قصّه، به خوبی نشان می دهد که اخبار موافق با نظریات شیعه در بین روایات اهل سنّت نیز وجود داشته و خود ابن ابی الحدید نیز در قسمتی از کلامش اعتراف می کند؛ آنجا که می گوید: «عَلی اَنَّ جَماعَهً مِنْ اَهْلِ الحَدیثِ قَدْ رَوَوْا نَحوَهُ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_369_2)( گروهی از اهل حدیث `از اهل سنّت نیز` مانند آنچه را شیعیان می گویند نقل کرده اند.»

ص: 369

1- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج14، ص193/ ر.ک: زندگی علی(ع)، ص252.

2- . شرح نهج البلاغه، ج2، ص21.

6. سکونی یکی از راویان اهل سنت است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_370_1)( او می گوید: «نزد امام صادق(ع) رفتم؛ در حالی که غمگین و ناراحت بودم. امام صادق(ع) فرمود: ای سکونی! چرا ناراحتی؟! گفتم: خداوند فرزند دختری به من داده `از اینکه فرزندم پسر نبوده و دختر است ناراحتم.` پس حضرت فرمود: ای سکونی، سنگینی دخترت را زمین برمی دارد و روزی او بر خداوند است و بر غیر اجل شما زندگی می کند و از رزق شما نمی خورد `پس چرا ناراحتی؟`.»

سکونی می گوید: `با کلمات امام صادق(ع)` غمم رفت. آن گاه فرمود:

«ما سَمَّیْتَها؟ قُلْتُ: فاطِمَهَ. قالَ: آهْ آهْ ثُمَّ وَضَعَ یَدَهُ عَلی جَبْهَتِهِ وَ کَانّی بِهِ قَدْ بَکی وَ قالَ: اِذا سَمَّیْتَها فاطِمَهَ فَلا تَسُبَّها وَلا تَضْرِبْها وَلاتَلْعَنْها. هذَا الاِْسْمُ مُحْتَرَمٌ عِنْدَاللّه ِ عَزَّوَجَلَّ وَ هُوَ اِسْمٌ اِشْتَقَّ مِنْ اِسْمِهِ لِحَبیبَتِهِ الصّدیقه وَ کانَ الاِمامُ لَمّا سَمِعَ بِاسْمِ فاطِمَهَ ذکر جَدَّتَهُ وَ مَصائبَها وَلَمْ یَزَلْ یَذْکُرُ وَ یَقُولُ: وَ کانَ سَبَبُ وَفاتِها اَنَّ قُنْفُذَ مَوْلی فُلان؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_370_2)( چه نامی بر او گذاردی؟ گفتم: فاطمه: فرمود: آه آه. سپس دست خود را بر پیشانی اش گذاشت و گویا گریه می کرد و فرمود: حال که او را فاطمه نامیدی به او ناسزا نگو؛ او را `کتک` نزن و نفرینش نکن `چرا که` این نام در نزد خداوند با عظمت محترم است؛ و آن نامی است که خداوند از اسم خود برای حبیبه خود صدّیقه گرفته است. `آنگاه سکونی می گوید.` همیشه امام صادق(ع) این گونه بود که وقتی نام فاطمه را می شنید به یاد جدّه اش `فاطمه(س)` و مصیبتهای او می افتاد و همیشه تذکر می داد و می گفت: سبب وفات `و شهادت` فاطمه(س) `ضربتی بود` که قنفذ، غلام فلانی `یعنی عمر بر او وارد ساخت`.»

توجّه دارید که سکونی با همه وثاقتی که دارد، اینجا تعصب سنّی گری خویش را نشان داده و ذیل کلام امام صادق(ع) را حذف و تحریف نموده است. با این حال، مطلب روشن است که سبب شهادت فاطمه زهرا(س) همان ضرباتی بود که به دست قنفذ و عمر بر آن حضرت وارد شد.

ص: 370

1- . سه نفر از راویان اهل سنّت، از امامان شیعه(ع) روایت نقل نموده اند که علمای شیعه آنان را ثقه می دانند و به سخن آنان اطمینان دارند و روایات آنها را می پذیرند: سَکُونی؛ نَوْفِلی؛ خَلُوقی.

2- . شجره طوبی، محمدمهدی حائری، ص417، (منشورات شریف رضی).

چنان که ابابصیر از امام صادق(ع) متن کامل کلام حضرت را به این صورت نقل نموده است:

«... وَ کانَ سَبَبُ وَفاتِها اَنَّ قُنْفُذَ مَوْلی عُمَرَ لَکَزَها بِنَعْلِ السَّیْفِ بِاَمْرِهِ فَاَسْقَطَتْ مُحْسِنا وَ مَرِضَتْ مَرَضا شَدیدا وَلَمْ تَدَعْ اَحَدا مِمَّنْ آذاها یَدْخُلُ عَلَیْها؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_371_1)( سبب فوت فاطمه(س) ضرباتی بود که قنفذ، غلام عمر با غلاف شمشیر بر آن حضرت به فرمان عمر زد؛ پس محسن(ع) را از دست داد و به شدت بیمار شد و هیچ یک از آزار دهندگان خویش را راه نداد `که به دیدن او بیایند`.»

ص: 371

1- . بحار الانوار، ج43، ص170.

منابع شیعه

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

تهاجم به خانه وحی در منابع شیعه

منابع شیعه

نظر دانشمندان شیعه و روایات نقل شده از سوی آنان چنین است:

هنگامی که خواستند امام علی(ع) را به مسجد ببرند با مقاومت حضرت فاطمه(س) روبه رو شدند و حضرت فاطمه(س) برای جلوگیری از بردن همسر گرامی اش صدمه های روحی و جسمی فراوانی دید که بیان تمام آنها از توان زبان و قلم خارج است؛ فقط به گوشه ای از آن در یک نقل تاریخی اشاره می کنیم؛ وگرنه در این موضوع، نقلهای تاریخی فراوانی وجود دارد.

خلاصه ماجرا همان است که در نامه خود عمر به معاویه آمده است. در بخشی از آن چنین می نویسد:

«... وقتی در خانه را آتش زدم `آنگاه داخل خانه شدم`؛ ولی فاطمه(س) در خانه را حجاب خود قرار داد و مانع از دخول من و اصحابم شد. با تازیانه آن چنان بر بازوی او زدم که مانند دملج (بازوبند) اثر آن بر بازوی او ماند. آن گاه صدای ناله او بلند شد، چنان که نزدیک بود به حال او رقت کنم و دلم نرم شود؛ ولی به یاد کشته های بدر و اُحد که به دست علی کشته شده بودند... افتادم، آتش غضبم افروخته تر شد وچنان لگدی بر در زدم که از صدمه آن جنین او (به نام محسن) سقط شد. «فَعِنْدَ ذلک صَرَخَتْ فاطِمَهُ صَرْخهً... فَقالَتْ یا اَبَتاهُ یا رَسُولَ اللّه ِ هکَذا کانَ یُفْعَلَ بِحَبیبَتِکَ وَ اِبْنَتِکَ... ؛ در این هنگام، فاطمه(س) چنان ناله زد، پس فریاد زد: ای پدر! ای رسول خدا! این چنین با عزیز دل و دخترت رفتار کردند.» سپس فریاد کشید: «فضّه به فریادم برس که فرزندم را کشتند.» سپس به دیوار تکیه داد و من او را به کنار زده، داخل خانه شدم. فاطمه در آن حال می خواست مانع `بردن علی` شود، من از روی روسری چنان سیلی به صورت او زدم که گوشواره از گوشش به زمین افتاد... .» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_372_1)(

ص: 372

1- . بحار الانوار، ج30، ص293 و ریاحین الشریعه، ج1، ص267.

آنچه که بیان شد و قلم با صد شرمساری آن را بر صفحه کاغذ آورد، تنها گوشه ای از ستمهایی است که بر آن بانوی دو جهان رفته است.

بر خردمندان و منصفان اهل سنّت و همین طور برخی از خودیهای هماهنگ و هم آوا با آنها است که در این روایات تأمّل و تعمّق نموده، کاری کنند و تصمیمی بگیرند که فردای قیامت نزد رسول اکرم(ص) و یگانه دختر معصومه اش، بانوی دو سرا، مرضیه کبری شرمنده نشوند.

ص: 373

چرا به خانه حضرت زهرا(س) هجوم بردند؟

اشاره

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

چرا به خانه حضرت زهرا(س) هجوم بردند؟

اشاره

شیطان به بیت وحی تعالی چه می کند؟

"

آتش به گرد جنت اعلا چه می کند؟

"

از باغ خلد دُود چرا می شود بلند

"

بر روی حُور سیلی اعدا چه می کند؟

"

رویش سیاه گردد و دستش شکسته باد

"

قُنفذ کنار خانه مولا چه می کند؟

"

دارالزیاره نبی وآستان وحی

"

ای وای من! مغیره در آنجا چه می کند؟

"

ص: 374

باید زتازیانه بپرسم که در بهشت

"

آثار خون به قامت طوبی چه می کند؟

"

گیرم رواست سوختن خانه، میخ در

"

بر سینه شکسته زهرا چه می کند؟

"

طبق مدارک و منابع شیعه و اهل سنت، هجوم به خانه وحی انجام گرفته است و طی این هجوم در خانه حضرت زهرا(س) را آتش زدند و به شخص فاطمه زهرا و امام علی(ع) اهانت کردند و فرزند آن دو را به شهادت رساندند.

حال جای پرداختن به این سؤال باقی است که چه شد و چه پیش آمد که در شهر مدینه، خانه علی و زهرا(س) توسط مسلمانان و حتی کسانی که بارها پشت سر پیغمبر اکرم(ص) نماز خوانده بودند و کراراً توصیه ها و سفارشهای آن حضرت را درباره امیرمؤمنان(ع) و یگانه دختر معصومه او شنیده بودند، آن گونه مورد تهاجم واقع شد و آن چنان به این دو شخصیت آزار و اذیت رساندند که حضرت زهرا(س) بعد از75 و یا 95 روز، بر اثر صدمات وارده از این دنیا رحلت کرد.

از نظر روحی و روانی چگونه قابل تحلیل است که هنوز آب کفن پیامبر(ص) خشک نشده وهنوز پارچه سیاه عزاداری بر تن زهرا(س) باشد و عده ای از امت پیامبر و مسلمانان مدینه بیایند و آن جنایات را ایجاد کنند که همواره تاریخ نگاران از نوشتن آن احساس خجلت می کنند و قلم بر خود می لرزد؟ این عده چه مراحلی را طی کرده بودند که سرانجام به اینجا رسیدند؟

ص: 375

آن گاه که کودتاگران تصمیم گرفتند به خانه ولایت و امامت تهاجم برند و فریب خوردگان نیز دور خانه امام علی(ع) گرد آمده و تسلیم توطئه ها شدند، دختر رسول خدا(ص) از خانه بیرون آمد و در کنار در ورودی منزل ایستاد و بر سر آنان فریاد کشید: «من ملتی را `مثل شما` نمی شناسم که این گونه `عهد شکن و` بد برخورد باشند. جنازه رسول خدا(ص) را بر روی دست ما گذاشتید و رها کردید و امر خود را در بین خود گذراندید و از ما طلب فرمان نکردید و حق ما را به ما ندادید. گویا از آنچه رسول خدا(ص) در روز غدیر فرمود، آگاهی ندارید!

سوگند به خدا! که رسول گرامی(ص) در آن روز ولایت و رهبری را به او (علی(ع)) پیوند زد `و از مردم بیعت گرفت` تا امید شما `فرصت طلبان تشنه قدرت` را از امامت قطع نماید؛ ولی شما رشته های پیوند `معنوی` میان پیامبر(ص) وخودتان را پاره کردید. `این را بدانید که` خداوند در دنیا و آخرت میان ما و شما داوری خواهد کرد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_376_1)(

ص: 376

1- . احتجاج، ج1، ص108، امالی، شیخ صدوق، ص384

این ناله ها و فریادهای حضرت زهرا(س) که دل سنگ را آب می کرد، بر دل مهاجمان اثر نکرد و آنها را به تأمل و اندیشه و یا عقب نشینی وا نداشت. «عبدالفتاح عبدالمقصود» درباره آن لحظه که مهاجمین با حضرت زهرا(س) روبه رو شدند، جملات سوزناکی دارد که وقتی انسان بعد از قرنها آن صحنه را تصور می کند، نمی تواند متأثر نشود و اشکش جاری نگردد. او می نویسد:

«... فَاِذَا وَجْهٌ کَوَجْهِ رَسُولِ اللهِ یَبْدُو بِالبابِ حَائلاً مِنْ حُزْن عَلَی قَسِمَاتِهِ خُطُوطُ آلامِ وَ فِی عَیْنِهِ لَمَعَاتُ دَمْعِ وَ فَوْقَ جَبِینِهِ عَبَسَهُ غُضَب فَائِرٍ وَ خُلْق ثَائِرٍ.. وَ تَوَقَّفَ عُمَرمِن خَشْیَه...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_377_1)( پس ناگاه `مقابل خود` چهره ای بسان چهره رسول خدا(ص) را دیدند که از پشت در ظاهر شد، در حالی که هاله ای از اندوه آن را فراگرفته و آثار رنج و ألم از خطوط صورتش نمایان بود و در چشمش روشنایی اشک وجود داشت و فراز جبینش را گرفتگی خشمی عمیق و احساساتی پرگداز فراگرفته بود... و عمر از ترس در جا ایستاد....»

بعد ادامه می دهد: «فشاری که به در خانه وارد شده بود، تدریجاً گسترش می یافت. یارانش که با او آمده و پشت سرش در مقابل در ایستاده بودند، ناگاه مقابل خود چهره رسول خدا(ص) را نگریستند که از میان سیمای حبیبه اش زهرا(س) به آنها نگاه می کند.... ناگاه آهنگ لطیف و اندوهبارش را سرداد. به تدریج آهنگ او اوج گرفت. او محمد را از میان گور فرا می خواند و با صدای ناله ای آمیخته با سرشکی تلخ بار فریاد می کشید: بابا! یا رسول الله!....

ص: 377

1- . الغدیر، ج3، ص103 و104.

گویی زمین در زیر پای این گروه ستمگر از بیم و هراس فریاد او می لرزید. هنوز سخنش به آخر نرسیده بود که دلها از اندوه او گرفت و دیدگان بر او سرشک همی بارید. مردانی از آن میان با خود حدیث می کردند که ای کاش می توانستند زمین را شکافته و در خفایای آن پنهان گردند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_378_1)(

حال باید دید ریشه اصلی ماجرا و عوامل پشت پرده این اهانت چه چیز بوده است؟ در این زمینه، احتمالاتی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

ص: 378

1- . ترجمه الغدیر، ج5، ص185.

چهره نفاق

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

چرا به خانه حضرت زهرا(س) هجوم بردند؟

چهره نفاق

یک تحلیل این است که تصمیم مهاجمان خانه وحی و غاصبان خلافت از روز اولِ مسلمان شدنشان بر این بوده که در آینده خلافت را تصاحب نمایند؛ یعنی ایمان آنها واقعی نبوده وحالت نفاق داشته اند. به ظاهر اسلام آوردند؛ ولی در باطن بر حالت کفر پیشگی خود باقی مانده بودند. در نتیجه آن حالت درونی نفاق اقتضا می کرد که بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) و تصاحب خلافت، اولین انتقامها را از علی و زهرا(س) بگیرند که هم محبوب پیامبر اکرم(ص) بودند و هم سد بزرگ و مانع مهمّی برای ادامه غصب خلافت.

هر آنکس داشت با من دشمنی اول تو را می زد

"

ص: 379

شهید انتقام جنگ بدر و حنین و خیبرم بودی

"

این احتمال برخی شواهد قرآنی و روایی دارد که نمونه هایی ذکر می شود:

آیات قرآن:

در قرآن آیات زیادی داریم که بیانگر نفاق عده ای از اصحاب و یاران پیامبر اکرم(ص) می باشد. پیامبر اکرم(ص) در بخشی از خطبه غدیریه می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ (آمِنُوا بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الذی اُنْزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّهَا عَلَی اَدْبَارِهَا اَوْ نَلْعَنَهُم کَمَا لَعَنَّا اَصْحَابَ السَّبْتِ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_380_1)( ای مردم! به خدا ورسولش و به نوری که همراه او نازل شده است، ایمان آورید، قبل از آنکه صورتهایی را محو کنیم و آن صورتها را به پشت بر گردانیم، یا آنان را مانند اصحاب سبت هلاک کنیم.»

آن گاه فرمود: «بِاللهِ مَا عَنی بِهَذهِ الآیَه الَّا قَوْماً مِنْ اَصْحَابِی اَعْرِفُهُم بِاَسْمَائِهِم وَ اَنْسَابِهِم وَ قَدْ اُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُم فَالیَعْمَلْ کُلُّ اَمْری عَلَی مَا یَجِدُ لِعَلِیٍّ فِی قَلْبِهِ مِنَ الحُبِّ وَ البُغْضِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_380_2)( به خدا قسم! خداوند از این آیه قصد نکرد؛ مگر گروهی از اصحابم که آنان را به اسم و نسبشان می شناسم؛ ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم. پس هر کس باید مطابق آنچه در قلبش از حب یا بغض نسبت به علی(ع) می باشد، عمل کند.»

ص: 380

1- . نساء/47.

2- .بحارالانوار، ج37، ص240؛ الغدیر، ج1، ص340؛ معانی الاخبار، ص65-68.

آیه فوق به همراه سخن پیامبر اکرم(ص) به خوبی نشان می دهد که گروهی از اصحاب از همان اول حالت نفاق و دورویی داشتند و بدین وسیله اهداف پشت پرده خود را دنبال می کردند.

روایات:

حادثه اعتراض «حارث فهری» در روز غدیر خم به نصب امیرمؤمنان(ع)، آغاز انحرافها و توطئه ها بود که خبر از آینده ای تاریک و فتنه انگیز می داد و نشانی بود از نفاقهای پشت پرده که بعد از رحلت خاتم پیامبران(ص) دامن امت اسلامی را گرفت و خلافت از خط اصلی خویش خارج شد و به دست غاصبان افتاد و به شخص علی و فاطمه زهرا(ع) آن همه اهانت روا داشته شد.

حضرت زهرا(س) در خطبه آتشین خود فرمودند: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللهُ لِنَبِیِّهِ دَارَ اَنْبِیائِهِ وَ مَأْوَی اَصْفِیَائِهِ ظَهَرَ فِیکُمْ حَسِیکَهُ النِّفَاقِ وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّینِ...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_381_1)( چون پروردگار متعال برای پیامبرش خانه انبیا (آخرت) و آرامگاه برگزیدگانش را اختیار نمود `و او را به سوی سفر آخرت برد` در سینه های شما خار نفاق ظاهر و جامعه دین کهنه `و بی اهمیت` گردید.»

ص: 381

1- . خطبه آتشین حضرت زهرا(س)، ص34.

هواهای نفسانیِ کنترل نشده و تخلفات پیشین

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

چرا به خانه حضرت زهرا(س) هجوم بردند؟

هواهای نفسانیِ کنترل نشده و تخلفات پیشین

جواب دوم این است که بگوییم: هواهای نفسانی، ریاست طلبیها و اعمال ناشایست پیشین سران سقیفه آنها را به اینجا رساند که حتی حاضر شدند برای حفظ و تداوم خلافت غصب شده، فدک را نیز غصب کنند و خانه حضرت زهرا(س) را آتش بزنند و به شخص امیر مؤمنان و فاطمه زهرا(س) نیز اهانت کنند.

این تحلیل مبتنی بر این پیش فرض است که این گروه از اوّل مسلمان بودند و اسلامشان نیز واقعی بوده است و در راه اسلام نیز فداکاری کرده و در جنگها شرکت داشته اند؛ اما چون نتوانستند خود را واقعاً بسازند، اطاعت از هواهای نفسانی و روحیه مقام خواهی از یک طرف و سرپیچی از فرامین پیامبر اکرم(ص) و گناهان متعدد از طرف دیگر آنها را به این مرحله رساند که چنان جنایاتی را مرتکب شوند.

این تحلیل، هم شاهد روایی دارد و هم شاهد عینی و خارجی؛ اما به عنوان شاهد روایی، دو روایت ذکر می شود:

ص: 382

1. در لحظه ای که خواستند از حضرت علی(ع) اجباراً برای ابوبکر بیعت بگیرند، حضرت آنان را از هواپرستی بر حذر داشتند و فرمودند: «وَ نَحْنُ اَحَقُّ بِهَذا الاَمْر مِنْکُم مَا کَانَ فِینَا القَارِئُ لِکِتَاب اللهِ الفَقِیه فِی دِینِ اللهِ العَالِمُ بِسُنَنِ رَسُولِ اللهِ المُضْطَلِعِ بِامْرِ الرَّعْیَهِ وَ الله اِنَّه لَفِینا فَلَا تَتَّبِعُوا الهَوی فَتَضِلُّوا عَنْ سَبِیلِ الحَقِّ فَتَزْدَادُوا مِنَ الحَقِّ بُعْداً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_383_1)( و ما سزاوار این امر (خلافت) هستیم نسبت به شما تا وقتی خواننده `آگاه به` قرآن، آگاه در دین خدا و دانای به سنتهای رسول خدا(ص) و چیره و توانا به امر رعیّت (و مردم) در بین ما باشد. به خدا سوگند ! به حقیقت چنین فردی در بین ما وجود دارد، پس از هوا `برای درخواست بیعت از من` پیروی نکنید که از راه حق گمراه می شوید و از حق بیش تر فاصله می گیرید.»

این روایت به خوبی دلالت دارد که آنچه سران سقیفه را به بیعت گرفتن اجباری و غصب خلافت و اهانت به امیرمؤمنان و زهرا8 وادار کرد، پیروی از هواهای نفسانی و ریاست طلبیها است.

ص: 383

1- . بحار الانوار، ج28، ص185، احتجاج، ج1، ص74.

بعد از آنکه آن همه جسارت نسبت به حضرت فاطمه زهرا(س) و امام علی(ع) روا داشته شد و خلافت غصب گردید، به «محمود بن لبید» فرمود : «آگاه باش ! قسم به خدا! اگر حق را به اهلش واگذار و از عترت رسول خدا(ص) اطاعت می کردند، دو نفر هم `درباره حکم خدا` با یکدیگر اختلاف نمی کردند و امامت را گذشته ای از گذشته ای به ارث می برد.»

آن گاه درباره راز انحرافات فرمود: «وَاخْتارُوا بِشَهْوَتِهِم وَ عَمِلُوا بِآرَائِهِم تَبَّاً لَهُمْ اَو لَمْ یَسْمَعُوا الله یَقُولُ (وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَ یَخْتَارُ مَا کَانَ لَهُم الخِیَرَهُ)... هَیْهَات بَسَطُوا فِی الدُّنْیَا آمَالَهُم وَ نَسُوا آجَالَهُم فَتَعْساً لَهُمْ وَ اَضَلَّ اَعْمَالَهُم؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_384_1)( آنها هوا پرستی و شهوت را برگزیدند و بر اساس رأی و نظر شخصی عمل کردند. هلاکت و نابودی بر آنان باد ! آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود : «پروردگار تو آنچه را که می خواهد، خلق می کند و هر چه بخواهد، اختیار می کند و برای آنان اختیاری نیست.»؟ افسوس `که سران سقیفه` آرزوها `و هوسهای` خود را در دنیا تحقق بخشیدند و اجلهای خود را فراموش کردند! خدا آنان را نابود کند و اعمالشان را تباه سازد!.»

جملات فوق به خوبی نشان می دهد که اقدامات سران سقیفه برای رسیدن به خلافت و برخورد اهانت آمیز با خاندان وحی از سر هوا پرستی و مقام خواهی بوده و تمام مسایل پیش گفته ریشه در هواهای نفسانی و ریاست خواهی آنها داشته است.

ص: 384

1- . بحار الانوار، ج36، ص353، ر.ک: احقاق الحق، ج21، ص26.

در کنار هوا پرستی، برخی اعمال زشت نیز انسان را وادار به اعمال زشت تر می کند؛ یعنی اگر شخص بر انجام گناه اصرار بورزد، مرتکب گناه بزرگ تر و بیش تری خواهد شد. این معنی، در آیات پیش گفته )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_385_1)( به خوبی نمایان است.

این عامل نیز در رفتار سران سقیفه دیده می شود؛ چرا که آنها در طول همراهی با پیامبر اکرم(ص) بارها از دستورات آن حضرت سرپیچی کردند و همین تخلفات بود که از غصب خلافت و اهانت به خانه وحی و شخصی امام علی و زهرا(ع) سر درآورد.

اینک به برخی از نمونه های سرپیچی و پیروی از هوای نفس در رفتار سران سقیفه به صورت فهرست وار اشاره می شود؛ با این تذکر که این گناهان قطع نظر از رفتارهای فردی و اخلاقی این افراد است که در طول زندگی داشته اند و آنچه مد نظر است، برخی تخلّفات اجتماعی و گناهان عمومی آنان است.

1. فرار در صحنه جنگ احد و نافرمانی از پیامبر اکرم(ص) آن گاه که فرمان بازگشت صادر فرمود. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_385_2)(

ص: 385

1- . توبه/77 و روم/10.

2- . سیره ابن هشام، ج2، ص83.

2. سرپیچی از شرکت در لشکر «اسامه بن زید» با اینکه صریحاً پیامر(ص) دستور داده بود که در مدینه نمانند و به لشکر اسامه بپیوندند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_386_1)(

3. تخلف از آوردن قلم و دوات در آخرین لحظات عمر پیامبر اکرم(ص) برای نوشتن وصیت و همین طور متهم کردن حضرت به هذیان گویی )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_386_2)( و....

اینها و سایر گناهان، سران سقیفه را تا آنجا پیش برد که حاضر شدند برای تحکیم خلافت غصب شده، به خانه حضرت زهرا(س) هجوم برند و به حضرت آسیب رسانند.

ص: 386

1- . الطبقات الکبری، ج2، ص190؛ المراجعات، ص30-31؛ النص و الاجتهاد، ص15-19.

2- . صحیح بخاری، ج1، ص22، و ج2، ص14؛ صحیح مسلم، ج2، ص14،؛ مسند احمد، ج1، ص325.

درس و نتیجه

فصل پنجم: خانه فاطمه زهرا(س)

چرا به خانه حضرت زهرا(س) هجوم بردند؟

درس و نتیجه

عبرتی که از دو تحلیل گذشته می توان گرفت این است که در این زمان نیز از خطر سه گروه در امان نیستیم و همیشه باید مواظب خطرات آنها باشیم:

منافقان کوردل:

در هر قیام، انقلاب و نهضتی منافقان بیش از همه به پیکر آن قیام و مکتبش ضربه وارد کرده اند. اگر در صدر اسلام عده ای به جمع مسلمانان پیوستند تا از پشت به اسلام و مسلمین خنجر بزنند و از درون، جبهه حق را متلاشی کنند. امروزه هم کم نبوده و نیستند کسانی که در جبهه انقلاب و نظام نفوذ کرده اند تا از پشت به پیکر اسلام و دین ضربه بزنند و از درون ایجاد اختلاف و انحراف کنند.

هواپرستان:

ص: 387

دنیا طلبان، ریاست خواهان و قدرت جویان همیشه انبیا، امامان و هدایت گران را مانع تحقق هواهای نامشروع خود دانسته و با آنها سخت به مبارزه برخواسته اند. امروزه هم همینها با اشاعه فرهنگ فساد و فحشا، تجمل گرایی، اسراف و تبذیر، به دنبال فساد در جامعه و در نتیجه، رسیدن به قدرت و ریاست می باشند. از اینها نیز نباید غافل بود.

اهل گناه:

در طول تاریخ افرادی مانند: طلحه و زبیر بوده اند که از اول از نظر اندیشه و رفتار خوب ظاهر شده اند؛ ولی عادت به برخی گناهان و داشتن برخی صفات رذیله، سر انجام آنها را به جبهه باطل کشانده است. امروزه نیز از چنین کسانی نباید غافل باشیم. فقط سابقه درخشان کافی نیست؛ بلکه تا آخر خط ماندن، شرط اساسی است.

بعد از وفات پیامبر اکرم(ص) این سه جریان دست به دست هم دادند و آن حوادث تلخ را آفریدند و سر انجام آن بانوی با عظمت با کوله باری از رنج و غم دنیا را وداع کرد و در آخرین لحظات زبان حالش این بود:

ص: 388

شهادت از سرا پایم نمایان است ای فضّه

"

کتاب عمر زهرا(س) رو به پایان است ای فضّه

" به زحمت قتلگاه محسنم را می کنم جارو

"

گلاب قتلگاهش اشک چشمان است ای فضّه

"

ص: 389

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

طلیعه سخن

دل غریب من از گردش زمانه گرفت

"

به یاد غربت زهرا شبی بهانه گرفت

"

شبانه بغضِ گلوگیر من کنار بقیع

"

شکست و دیده زدل اشک دانه دانه گرفت

"

زپشت پنجره ها دیدگان پراشکم

"

سراغ مدفن پنهان و بی نشانه گرفت

"

نشان شعله و درد و نوای زهرا را

"

توان هنوز زدیوار و بام خانه گرفت

"

مصیبتی است علی را که پیش چشمانش

"

ص: 390

عدو امید دلش را به تازیانه گرفت

"

فراق فاطمه را بوتراب باور کرد

"

شبی که چوبه تابوت را به شانه گرفت

"

در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_391_1)( بوی بهشت مکه مکرمه را فراگرفت، گویی که موجودی بهشتی به زمین آمده است. آری، نوری از انوار الهی از میان عرشیان به جمع فرشیان آمده بود تا با شعاع نورانی خود انسانها را بهره مند سازد و از تاریکیهای ظلمت برهاند. او کسی جز «فاطمه(س)» نبود.

زنان مکه حضرت خدیجه(س) را به خاطر ازدواج با فرزند یتیمی به نام محمد(ص) ترک گفته بودند و خیال می کردند که او در تنهایی و بی کسی وضع حمل خواهد کرد، غافل از اینکه عده ای از زنان بهشتی (ساره همسر ابراهیم، آسیه دختر مزاحم، مریم دختر عمران و کلثوم خواهر موسی بن عمران) به همراه عده ای از فرشتگان به امر پروردگار به زمین آمده و فاطمه(س) را با آب کوثر شستشو داده اند و لباسهای خوشبو و معطّر بر تن او کردند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_391_2)(

البته مورخین اهل سنّت تاریخ ولادت حضرت فاطمه(س) را پنج سال قبل از بعثت می دانند؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_391_3)( یعنی سالی که قریش خانه کعبه را می ساختند؛ ولی قرینه ای وجود دارد که قول شیعه را تقویت می کند و آن اینکه وقتی پیامبر گرامی اسلام(ص) پس از بعثت از معراج برگشتند، فرمودند: در آن شب سیبی بهشتی به من دادند و نطفه دخترم زهرا از آن میوه تکوین یافت. )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_391_4)( پس معلوم می شود که تولد آن حضرت پس از بعثت و بعد از واقعه معراج بوده است.

ص: 391

1- . بحارالأنوار، ج43، ص7؛ کشف الغمّه، ج2، ص75.

2- . أمالی، مجلس 87، ح1؛ بحارالأنوار، ج43، ص3.

3- . الطبقات الکبری، دارصادر، ج8، ص19.

4- . بحارالأنوار، ج43، ص5.

در هر حال آن بانوی بزرگ در زمانی به دنیا آمد که جز اندکی از یاران و اصحاب، اکثر قبایل عرب با پیامبر(ص) مخالفت و دشمنی می کردند و حتی در پاره ای اوقات درصدد قتل آن حضرت بودند. این ماجرا گویای این حقیقت بود که حضرت فاطمه(س) روزگار سختی را پیش رو خواهد داشت.

ص: 392

غربت و مظلومیت

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

غربت و مظلومیت

با کمی مطالعه و بررسی متون تاریخی و روایی شیعه و اهل سنت می توان به جایگاه رفیع و والای زهرای اطهر(س) به عنوان برترین بانوی جهانیان پی برد، چنان که دانشمندان بزرگ فریقین در مقابل این عظمت سر تعظیم فرود آورده اند و زبان به تحسین گشوده اند، برای نمونه «ابن حجر عسقلانی» از دانشمندان بزرگ اهل سنّت می گوید: «ومَناقِبُها کَثیرَهٌ جِدّا؛ فضایل فاطمه(س) بسیار زیاد است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_393_1)( همچنین «ذهبی» از مورخین بزرگ اهل سنت می نویسد: «وَمَناقِبُها غَزِیرَهٌ وکانَتْ صابِرهً دَیّنهً خَیّرهً صیِّنهً قانِعهً شاکِرهً للّه ِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_393_2)( فضیلتهای حضرت فاطمه(س) بسیار است و همانا `ایشان بانویی` صابر، متدیّن، نیکوکار، عفیف، قانع و شکرگزار خداوند بود.»

پیامبر گرامی اسلام(ص) برای آن بانوی شریف احترام ویژه ای قائل بودند و پیوسته در مورد ایشان به اصحاب خویش سفارش می کردند. ذهبی نقل می کند: «وَقَدْ کانَ النَّبیُّ یُحِبُّها وَ یُکْرِمُها وَ یُسِرُّ الَیها؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_393_3)( پیامبر(ص) او را دوست می داشت و ایشان را اکرام و احترام می نمود و اسرارش را با وی در میان می گذاشت.»

ص: 393

1- . تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج12، ص391.

2- . سیر أعلام النبلاء، ذهبی، ج2، ص119.

3- . سیر أعلام النبلاء، ذهبی، ج2، ص119.

همچنین «بخاری» از علمای به نام اهل سنّت نقل می کند: رسول خدا(ص) فرمودند: «فاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنّی فَمَنْ أَغْضَبَها أَغْضَبَنی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_394_1)( فاطمه(س) پاره تن من است، پس هر کس او را غضبناک کند، همانا مرا غضبناک کرده است.»

اما برخلاف تصوّر، زندگی آن حضرت(س) از دوران کودکی تا لحظه شهادت سراسر درد و رنج، مصیبت و مظلومیت بود و به همین دلیل برای ایشان القابی همچون: مظلومه، مغصوبه (حقش غصب شده)، حاملهُ البلوی (حمل کننده سختی و بلا)، محزونه، مکروبه (دل شکسته) و باکیه گریه کننده ذکر شده است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_394_2)(

حضرت زهرا(س) علاوه بر مصائب و رنجهایی که از دوران طفولیت تا وفات رسول گرامی اسلام(ص) تحمّل کردند و از آزمایش الهی سربلند بیرون آمدند، در دوران کوتاه؛ ولی پر درد و رنج بعد از وفات پدر مهربانشان نیز سختیها و محنتهای بسیاری را متحمّل شدند. در این زمان کسانی که خود را از صحابه و نزدیکان رسول اللّه(ص) معرفی می کردند و توصیه ها و سفارشها آن حضرت(ص) را درباره فاطمه(س) شنیده بودند، به عللی هم چون حسادت، حب مال و مقام پرستی، دیدگان خود را بر تمام حقایق بستند و چنان ظلم و ستمی در حق آن بانوی مظلوم روا داشتند که اگر بر کوههای بزرگ وارد می شد، متلاشی می گردید؛ ولی حضرت فاطمه(س) که از پدر بزرگوار خویش درس صبر و استقامت را به خوبی آموخته بود، در مقابل تمام ظلمها و سختیها صبری جمیل پیشه کرد و هر از گاهی در خطبه ها و سخنان پر از غم و اندوه خویش دشمنان را از سرانجام شومشان آگاه ساخت. از این رو در این نوشتار برآنیم تا گوشه هایی از ابعاد غربت و مظلومیت آن بانوی دل شکسته را از تولد تا شهادت بازگو کنیم و برای تسکین دلِ پر از اندوه خویش اشک غم جاری سازیم.

ص: 394

1- . صحیح بخاری، ج5، ص26.

2- . مناقب آل ابی طالب، ج3، ص133.

دوران کودکی

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

دوران کودکی

حضرت فاطمه(س) در زمانی به دنیا آمد که پیامبر گرامی اسلام(ص) دعوت خویش را علنی ساخته و تمام قبایل و ملل را به دین اسلام فراخوانده بود. قریش که به دلیل تسلط بر مکّه و تجارت در این منطقه و حفاظت از نظام دینی جاهلی، سروری عرب را به دست آورده بود، موقعیت خویش را در خطر می دید و به پیامبر(ص) می گفت: «بد یُمن تر از تو برای قومش در میان عرب ندیدیم، تو جماعت ما را متفرق کرده، امور ما را درهم ریخته، از دین ما عیب جویی کرده و ما را در میان عرب مفتضح کرده ای.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_395_1)( از این رو به جز اندکی از اصحاب و یاران، اکثر قبایل عرب با آن حضرت مخالفت و دشمنی می کردند و حتی در پاره ای اوقات درصدد قتل ایشان بودند.

این وقایع گویای این حقیقت بود که حضرت فاطمه(س) از همان ابتدای تولد روزگار سختی را در پیش رو خواهد داشت و رنجها و محنتهای بسیاری را متحمّل خواهد شد. برای نمونه، هنوز دو سال از تولّد ایشان نگذشته بود که واقعه شعب ابی طالب به وقوع پیوست و قریش پیمانی بر ضدّ بنی هاشم منعقد کرد که بر طبق آن کسی حق ازدواج، خرید و فروش و رابطه با آنان را نداشت. مورخین عرب در مورد شعب می نویسند: «قَطَعُوا عَنْهُمْ المادَّهَ والْمَیْرَهَ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_395_2)( راه ورود غذا و آب را به روی آنان بستند.» این امر سبب شد که فرزندان آنان (از جمله حضرت فاطمه(س)) به قدری دچار سختی شوند که صدای ناله آنها از بیرون شعب شنیده می شد. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_395_3)(

ص: 395

1- . المصنف فی الأحادیث والآثار، ج14، ص296.

2- . الطبقات الکبری، ج1، ص209.

3- . الطبقات الکبری، ج1، ص209

حضرت علی(ع) در نامه ای به معاویه به وقایع تلخ شعب اشاره می کند و می فرماید: «وَهَمُّوا بِنَا الْهُمُومَ وفَعَلُوا بِنَا الأَفاعیلَ وَمَنَعُونَا العَذْبَ وأحْلَسُونا الخَوْفَ واضطَرُّونا اِلی جَبَلٍ وَعْرٍ... فَعَزَمَ اللّه ُ لَنا عَلَی الذَّبِّ عن حَوْزَتِهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_396_1)( `قریش` غم و اندوه را به `جانهای` ما ریخت و هر چه می توانست درباره ما `بدی` انجام داد و ما را از زندگانی خوش و راحت باز داشت و ترس و خوف را با ما قرین گردانید و ما را به پناه بردن به کوه صعب العبور مجبور ساخت...؛ ولی خداوند اراده نمود که به وسیله ما شریعتش را نگهداری کند.»

ص: 396

1- . نهج البلاغه، نامه9.

فراق مادر

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

فراق مادر

در سال نهم بعثت که مسلمانان با موفقیت و سربلندی از شعب ابی طالب خارج شدند، امید آن بود که از رنجها و سختیهای آنان کاسته شود؛ اما چیزی نگذشته بود که در سال دهم بعثت فاطمه با مصایبی بزرگ مواجه شد؛ مرگ مادرش خدیجه و ابوطالب برای او آزمایش سختی بود؛ امّا او در مکتب پدر آموخته بود که: (وَبَشِّرِ الصّابِرینَ الّذینَ إذا أَصابَتْهُمْ مُصیبَهٌ قالُوا إنّا للّه ِ وإنّا إلیهِ راجِعُونَ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_397_1)( «و به استقامت کنندگان بشارت ده! کسانی که هر گاه مصیبتی به آنان رسد، می گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم.»

در این هنگام فاطمه(س) که از فراق مادر مهربانش غمگین و افسرده است، باید جای خالی او را نیز پر کند تا مبادا پیامبر(ص) احساس تنهایی کند. او دیگر تنها دختر خانواده نیست؛ بلکه جانشین ابوطالب، عبداللّه و خدیجه(ع) است. به همین دلیل بر طبق نقل مورخین شیعه و اهل سنت، او را «أمّ أبیها؛ مادر پدرش» نامیدند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_397_2)(

ص: 397

1- . بقره /155 156.

2- . مناقب آل ابی طالب، ج3، ص132؛ تهذیب الکمال، ج35، ص247؛ تهذیب التهذیب، ج12، ص391.

از طرف دیگر چون وفات حضرت خدیجه(س) با وفات ابوطالب، عموی پیامبر نزدیک بود، رسول گرامی اسلام(ص) بزرگ ترین حامیان خود را از دست داد و این امر سبب شد که قریش بر آزار و اذیت پیامبر(ص) بیافزایند، به حدّی که در این دوران روزی فاطمه(س) که کودکی خردسال بود، از شدّت اندوه دشمنانِ پدر را نفرین می کند. بخاری می نویسد: در هنگامی که پیامبر(ص) در سجده بود و عده ای از قریش اطراف ایشان بودند، «عقبه بن أبی معیط» که شکنبه شتری (یا گوسفندی) به همراه داشت، آمد و آن را بر پشت پیامبر پاشید، آن حضرت سر از سجده برنداشتند تا اینکه فاطمه(س) آمد و آنها را از پشت آن حضرت برداشت و بر کسی که چنین کاری کرده بود، نفرین کرد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_398_1)(

ص: 398

1- . صحیح بخاری، ج5، ص57.

شریک غمهای پدر

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

شریک غمهای پدر

رسول گرامی اسلام(ص) در دوران حیات شریفشان رنجها و آزار و اذیتهای بسیاری را تحمّل نمودند تا بتوانند نهال نوپای اسلام را آبیاری نمایند و آن را به ثمر بنشانند. از آن حضرت نقل شده است که فرمودند: «ما أوُذِیَ نَبِیٌّ مِثْلَ ما أوُذِیْتُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_399_1)( هیچ پیامبری به اندازه ای که من اذیت شدم، اذیت نشد.» در چنین شرایطی و مخصوصاً بعد از وفات حضرت خدیجه و ابوطالب(ع) که سخت ترین دوران زندگی آن حضرت سپری می شد، فاطمه(س) بهترین یار و حامی و شریک غمهای پدر بود و حتی در هنگام جنگها ایشان را تنها نمی گذاشت.

مورخین نوشته اند: «وقتی در جنگ احد صورت نازنین رسول خدا(ص) مجروح و خون آلود شد و خبر آن به حضرت فاطمه(س) رسید، به همراه عده ای از بانوان به راه افتاد و خود را به پیامبر(ص) رساند، پس چون فاطمه(س) مشاهده نمود که خون بند نمی آید، در حالی که او خون را شستشو می داد و علی(ع) بوسیله سپر آب بر روی آن می ریخت، قطعه حصیری را سوزاند تا به خاکستر تبدیل شد، سپس آن را بر زخم پدر ریخت و خون قطع شد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_399_2)(

ص: 399

1- . جواهر المطالب، ج2، ص360.

2- . کشف الغمّه، همان، ج1، ص195؛ المغازی، ج1، ص249؛ انساب الأشراف، ج1، ص396؛ الکامل فی التاریخ، ج1، ص554.

همچنین نقل شده است که در جریان جنگ احزاب، که از پر رنج ترین غزوات اسلامی بود، فاطمه(س) به کنار خندق آمد و برای پدر که چند روزی گرسنه مانده بود، غذا آورد، و در جریان فتح مکّه برای پدر خیمه زد و برای شستشو آب آماده نمود تا گرد و غبار از تن بشوید و لباس پاکیزه بپوشد و رهسپار مسجدالحرام شود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_400_1)(

ص: 400

1- . زندگانی حضرت فاطمه زهرا(س)، ص43.

فقر و تنگدستی

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

فقر و تنگدستی

با وجود اینکه حضرت فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) بود و تصوّر می شود که در زندگی از رفاه نسبی برخوردار بوده؛ ولی برخلاف تصور، آن بانوی صبور در زندگی با فقر و تنگدستی مواجه بود و دوران سختی را می گذراند؛ به حدّی که «ابن سعد» از مورخین اهل سنّت از قول امام علی(ع) این گونه نقل می کند: «لَقَدْ تَزَوَّجْتُ فاطِمَهَ وَمالی وَلَها فِراشٌ غیرُ جِلْدِ کَبْشٍ ننامُ عَلَیْهِ بِاللَّیْلِ ونَعْلَفُ عَلَیْهِ النّاضِحَ بِالنَّهارِ ومالی وَلَها خادِمٌ غَیْرُها؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_401_1)( همانا با فاطمه(س) ازدواج کردم، در حالی که برای من و او هیچ فرشی نبود؛ مگر پوست گوسفندی که شب بر روی آن می خوابیدیم و در روز به شتر آبکش خود روی آن علوفه می دادیم و به جز این شتر خدمتگذاری نداشتیم.»

همچنین «اسکافی» معتزلی می نویسد: «روزی علی(ع) از فاطمه(س) پرسید: آیا طعامی در خانه هست؟ فاطمه(س) پاسخ داد: نه، به خدا سوگند سه روز است که برای خود و فرزندانمان حسن و حسین(ع) چیزی نداریم. علی(ع) فرمود: پس چرا به من خبر ندادی. ایشان فرمودند: «إنّی لَأَسْتَحْیی مِنْ رَبّی أَنْ أُکَلِّفکَ ما لاتَقْدِرُ عَلَیْهِ؛ من از خدایم شرم می کنم از تو چیزی بخواهم که توانایی آماده کردن آن را نداشته باشی.»

ص: 401

1- . الطبقات الکبری، ج8، ص22.

در این هنگام علی(ع) از خانه بیرون آمد و دیناری قرض گرفت. در میان راه مقداد را دید که از شدت گرما آستین خود را روی سرش گذاشته بود، حضرت فرمود: «ما أَخْرَجَکَ فی هِذهِ الْحال وأَراکَ کَالْحیرانِ؛ چه چیزی در این حال (هوای گرم) تو را `از خانه` خارج نموده و اکنون تو را حیران و سرگردان می بینم.» مقداد گفت: مرا معذور بدار و از من چیزی نپرس؛ ولی با اصرار آن حضرت گفت: همانا دیدم که فرزندانم از شدّت گرسنگی گریه و زاری می کنند و من نتوانستم گریه آنها را تحمّل کنم. در این هنگام امیرمؤمنان علی(ع) آن دینار را به مقداد داد و سپس به طرف مسجد آمد و بعد از اینکه رسول خدا(ص) از نماز فارغ شد، ماجرا را برای ایشان تعریف نمود و به همراه ایشان به سوی فاطمه(س) آمدند.

هنگامی که رسول خدا(ص) وارد خانه شد، فرمود: «هاتی ما عِنْدَکِ یا فاطِمَهُ، قال(ع) : فأَخْرَجَتْ الینا مائدهً عَلَیْها طَعامٌ طَیِّبٌ لَمْ أَرَ أَحْسَنَ مِنْهُ لَوْنا ولا أطْیَبَ رِیْحاً؛ ای فاطمه! آنچه را که نزد توست بیاور. علی(ع) می فرماید: فاطمه(س) برایمان سفره ای گسترد که در آن طعامی پاکیزه و طاهر بود، که تاکنون غذایی به خوشرنگی و خوشبویی آن ندیده بودم. در این موقع پیامبر(ص) به علی(ع) فرمود: «هذا رِزْقٌ مِنَ اللّه ِ بَدَلُ دِینارِکَ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_402_1)( این رزق از طرف پروردگار است، عوض دیناری که بخشیدی.»

ص: 402

1- . المعیار والموازنه، ص236.

گریه رسول خدا(ص)

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

گریه رسول خدا(ص)

رسول گرامی اسلام(ص) می دانست که بعد از او چه ظلمها و ستمهایی در حق اهل بیت(ع) انجام خواهد شد، از این رو برای اتمام حجّت در مواضع مختلف به اصحاب، یاران و نزدیکان سفارشاتی می نمود و در مواردی نیز خود اهل بیت(ع) را از وقایع آینده باخبر می ساخت. از جمله «عبداللّه بن عباس» نقل کرده است: هنگامی که رسول خدا(ص) در اواخر عمر شریفشان در بستر بیماری بودند، شروع به گریستن نمودند، به حدّی که «بَلَّتْ دُمُوعُهُ لِحْیَتَهُ؛ اشکهای ایشان محاسنشان را خیس کرد.» به ایشان عرض کردند: ای رسول خدا! برای چه گریه می کنید؟ ایشان فرمودند: «أَبْکی لِذُریّتی وما تَصْنَعُ بِهِمْ شِرارُ أُمَّتی مِنْ بَعْدی کَأَنّی بفاطِمَهَ بِنْتی وَقَدْ ظُلِمَتْ بَعْدی وَهِیَ تُنادی یا أَبَتاهُ فَلا یُعینُها أحدٌ مِنْ أُمَّتی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_403_1)( برای ذرّیه ام گریه می کنم و آنچه که أشرار امتم بعد از من در مورد آنان انجام می دهند. گویا دخترم فاطمه(س) را می بینم که بعد از من مورد ظلم و ستم واقع می شود، در حالی که ندا سر می دهد: ای پدر! ولی هیچ کس از امتم او را یاری نمی کند.»

در حدیث دیگری از امیرمؤمنان نقل شده است: «من و فاطمه و حسن و حسین(ع) نزد رسول خدا(ص) بودیم، آن حضرت به ما نگریست و اشک از چشمانش جاری شد. از ایشان پرسیدم: ای رسول خدا! برای چه گریه می کنید؟ ایشان فرمودند: «أَبْکی مِمّا یُصْنَعُ بِکُمْ بَعْدی؛ برای آنچه بعد از من در مورد شما انجام خواهد شد گریه می کنم.» از ایشان پرسیدم: چه اموری؟ فرمودند: «أَبْکی مِنْ ضَرْبَتِکَ عَلَی القَرَنِ ولَطْمِ فاطمهَ خَدِّها وطَعْنَهِ الحَسَنِ فِی الفَخْذِ وَالسَّمِ الّذی یُسقی وقَتْلِ الحُسَیْنِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_403_2)( گریه می کنم بخاطر ضربه ای که بر فرق سرت زده می شود، و آسیب دیدن صورت فاطمه(س) و ضربه ای که به ران پای حسن(ع) زده می شود و سمّی که به او خورانده می شود و کشته شدن حسین(ع).»

ص: 403

1- . امالی شیخ صدوق، مجلس 28، ح2؛ بحارالأنوار، ص156.

2- . امالی شیخ صدوق، مجلس 28، ح2؛ مناقب آل ابی طالب، ج2، ص51.

فراق پدر

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

فراق پدر

به راستی أوج مصایب و محنتهای حضرت فاطمه(س) از زمانی شروع شد که پیامبر اسلام(ص) به دیدار حق شتافت و آن بانوی گرامی غریب و تنها در کنار همسر وفادارش علی(ع) آماج طعنه ها و کینه هایی قرار گرفت که از جنگهای بدر، اُحد، حنین، احزاب و فتح مکّه نسبت به رسول اللّه(ص) و علی(ع) بوجود آمده بود، و در زمان حیات رسول خدا(ص) در دلهای مشرکان و منافقان مخفی مانده بود. زهرای أطهر(س) در مقابل تمام این نامهربانیها صبر و بردباری از خود نشان می داد و در خلوت خود اشک غم جاری می ساخت، به حدّی که در زمره کسانی که بسیار گریه می کردند نام برده شد. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: «البَکّاؤُونَ خَمْسَهٌ: آدمُ ویَعقوبُ وَیُوسفُ وفاطمهُ بنتُ محمّدٍ وعلیُّ بن الحسینِ(ع)؛ بسیار گریه کنندگان پنج نفرند: آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه دختر رسول خدا و علی فرزند حسین(ع).»؛ امّا آدم گریه کرد بخاطر بهشت به طوری که بر گونه های او جای جاری شدن اشک باقی مانده بود، و یعقوب آنقدر برای یوسف گریست که بینایی اش از دست رفت و یوسف آنقدر برای پدرش یعقوب گریست که اهل زندان به ستوه آمده، گفتند: یا روزها گریه کن و شب را برای استراحت ما بگذار و یا شبها گریه کن و روز را برای استراحت ما بگذار.

«وَأَمّا فاطِمَهُ فَبَکَتْ عَلی رَسُولِ اللّه ِ حَتَّی تَأَذّی بِهِ أَهْلُ المَدینَهِ فَقالُوا لَها: قَدْ آذَیْتِنا لِکَثْرهِ بُکائِکِ فکانَتْ تَخْرُجُ إِلَی الْمقابِرِ، مقابرِ الشُّهَداء فَتبْکِی حتّی تَقْضِی حاجَتَها ثَمَّ تَنْصَرِفُ؛ و اما فاطمه(س) آن قدر برای پدرش گریست که مردم مدینه در سختی قرار گرفتند و به ایشان گفتند: با زیادی گریه ات ما را اذیت کردی، از این رو آن بانوی گرامی به مقابر شهدا (در بیت الأحزان که علی(ع) برای ایشان مهیّا نموده بود) می رفت و می گریست و پس از آنکه حاجتش محقق می شد، بازمی گشت.» و اما علی بن الحسین(ع) برای پدرش امام حسین(ع) می گریست.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_404_1)(

ص: 404

1- . أمالی شیخ صدوق، مجلس 29، ح5؛ کشف الغمّه، همان، ج1، ص124؛ بحارالأنوار، همان، ص155.

شدت غم و اندوه فاطمه(س) در این دوران به حدّی بود که مورخین نوشته اند: «انّها ما زالَتْ بَعْدَ أَبیها مُعَصَّبَهَ الرَّأْسِ ناحِلَهَ الْجِسْمِ مُنْهَدَّهَ الرُّکْنِ باکِیَهَ الْعَیْنِ مُحْتَرَقَهَ القَلْبِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_405_1)( همانا فاطمه(س) بعد از رحلت پدرش پیوسته (بخاطر زیادی مصیبت) شال بر سر بسته بود و جسم او ضعیف و رنجور شده و پهلویش شکسته و چشمهایش گریان بود و قلبی سوزان داشت.»

ص: 405

1- . مناقب آل ابی طالب، همان، ج3، ص137.

هجوم به خانه زهرا(س)

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

هجوم به خانه زهرا(س)

هنوز از وفات رسول اللّه(ص) چند لحظه ای بیش نگذشته بود و وجود شریف آن حضرت کفن و دفن نشده بود که فریب خوردگان دنیا گرد هم جمع شدند و برخلاف وصایا و سفارشات پیامبر(ص) به تعیین خلیفه اقدام کردند. پس از این واقعه، برای گرفتن بیعت از علی(ع) و فاطمه(س) به طرف خانه آنها آمدند. علمای متعصّب اهل سنّت که بسیاری از حقایق را مخفی کرده اند، نوشته اند: «عمر شعله ای از آتش در دست داشت و تهدید کرد که: اگر با ابوبکر بیعت نکنید، خانه را به آتش خواهم کشید. فاطمه(س) فرمود: اگر چه خانه دختر رسول خدا باشد؟ عمر گفت: آری.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_406_1)(

در ادامه این رویداد «ابن جریر طبری» می نویسد: «سبب شهادت فاطمه(س) این بود که قنفذ، غلام عمر به دستور عمر با غلاف شمشیر به ایشان ضربه ای وارد کرد که در اثر آن فرزندش محسن را سقط کرد و دچار بیماری سختی شد و بعد از آن به أحدی از کسانی که او را مورد آزار و اذیت قرار دادند اجازه نداد تا بر او داخل شوند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_406_2)(

ص: 406

1- . الامامه والسیاسه، ج1، ص18؛ العقد الفرید، ج3، ص63؛ تاریخ الامم والملوک، همان، ج3، ص202؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج2، ص56.

2- . دلائل الامامه، ص134؛ بحارالأنوار، ص170.

واقعه غمبار فدک

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

واقعه غمبار فدک

طبق نقل مورخین فدک قریه ای آباد و حاصل خیز در سرزمین حجاز و نزدیکی خیبر بود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_1)( هنگامی که رسول خدا(ص) از فتح خیبر باز می گشت، خداوند رعب و وحشت را در قلوب اهل فدک که از یهودیان سرسخت بودند، افکند و آنان به خاطر ترس از کشته شدن با پیامبر(ص) صلح نامه ای را امضا نمودند و براساس آن نیمی از فدک را به آن حضرت(ص) بخشیدند و چون برای بدست آوردن فدک جنگی انجام نشده و سربازان اسلام هیچ دخالتی در آن نداشتند، مشمول عنوان غنیمت نگشته و «فِیْ ءْ» محسوب می شد که اختیار آن با پیامبر بوده است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_2)( به همین دلیل وقتی برخی از سران مسلمین از پیامبر(ص) درخواست کردند که فدک را مانند دیگر غنائم بین آنها تقسیم کند، این آیه نازل شد: (وَما أفاءَ اللّه ُ علی رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَما اَوْجَفْتُمْ عَلَیْهِ من خَیْلٍ وَلارِکابٍ ولکنَّ اللّه َ یُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلی مَنْ یَشاءُ وَاللّه ُ عَلی کُلِّ شی ءٍ قَدیرٌ)؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_3)( «آنچه را خدا به رسولش از آنها (یهود) باز گرداند، چیزی است که شما برای بدست آوردن آن نه اسبی تاختید و نه شتری؛ ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلط می سازد و خدا بر هر چیز قادر است.»

از این رو پس از اینکه آیه (وَآتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ) )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_4)( ؛ «حق خویشاوندان نزدیک خود را بده.» نازل شد، پیامبر(ص) فدک را به حضرت فاطمه(س) بخشید. دانشمندان بزرگ اهل سنّت همچون: ابی یعلی موصلی )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_5)( ، ذهبی )[(6)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_6)( ، سیوطی )[(7)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_7)( ، هیثمی )[(8)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_8)( ، خوارزمی )[(9)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_9)( و حاکم حسکانی )[(10)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_407_10)( نقل می کنند که: وقتی آیه فوق نازل شد «دَعَا النَّبیُّ فاطمهَ وأَعْطاها فَدَکَ؛ پیامبر(ص) فاطمه(س) را فرا خواند و فدک را به او اعطا نمود.»

ص: 407

1- . معجم البلدان، مادّه «فدک.»

2- . ر.ک: سیره النبویه، ج3، ص353.

3- . حشر/6.

4- . اسراء/ 26.

5- . مسند ابی یعلی موصلی، ج2، ص334.

6- . میزان الأعتدال، ج2، ص228.

7- . الدر المنثور، ذیل آیه فوق.

8- . مجمع الزوائد، ج7، ص49.

9- . مقتل الحسین(ع)، ج1، ص71.

10- . شواهد التنزیل، ج1، ص438.

از مطالب بیان شده روشن می شود که «فدک» ملک شخصی حضرت فاطمه(س) بوده و ابوبکر به زور و بدون هیچ مدرک معتبری و به صرف یک حدیث جعلی دالّ بر اینکه پیامبران از خود ارثی به جای نمی گذارند )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_408_1)( ، آن را غصب کرد. نقل شده است که بعد از وفات رسول خدا(ص) حضرت فاطمه(س) نزد ابوبکر رفت و فرمود: «یا اَبابَکْرٍ مَنْ یَرِثُکَ إذامُتَّ؛ ای ابابکر! هنگامی که بمیری چه کسی از تو ارث می برد؟» ابوبکر گفت: أهل و فرزندانم. ایشان فرمودند: «فمالی لاأرثُ رسولَ اللّه ِ؛ پس چگونه است که من از رسول خدا ارث نمی برم؟» و سپس فرمودند: «واللّه ِ لاأُکَلِّمُکَ بِکَلِمَهٍ ما حَیَیْتُ؛ به خدا قسم تا وقتی که زنده ام کلامی با تو سخن نخواهم گفت.» و لذا تا وقتی که ایشان زنده بود، با او سخن نگفت )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_408_2)( .

البته «فدک» اگر چه از نظر اقتصادی برای اهل بیت(ع) مهم بود؛ ولی از آنجا که سند مشروعیت و حقانیت و قرب معنوی آنان به رسول خدا(ص) محسوب می شد، دشمنان اسلام سعی داشتند به هر نحوی که شده آن را در اختیار گیرند و به کار خود (غصب) مشروعیت بخشند. شاهد گویا بر این مطلب این است که «ابن ابی الحدید» دانشمند اهل تسنّن می گوید: از استادم «علی بن فارقی» پرسیدم: آیا فاطمه راستگو و صادق بود؟ پاسخ داد: آری. گفتم: پس چرا ابوبکر «فدک» را به ایشان برنگرداند؟ استادم لبخندی زد و گفت: اگر در آن روز فدک را به فاطمه(س) داده بود، در روز بعد فاطمه(س) خلافت شوهرش را ادّعا می کرد و ابوبکر نمی توانست هیچ عذری بیاورد؛ چرا که یقین داشت فاطمه(س) در مورد خلافت شوهرش راست می گوید. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_408_3)(

ص: 408

1- . تاریخ المدینه، ج1، ص197 198.

2- . کشف الغمّه، ج1، ص103.

3- . شرح نهج البلاغه، ج16، ص284.

آری، این هم ظلم و مصیبتی دیگر؛ امّا فاطمه(س) که در کوران حوادث تلخ روزگار همچون کوهی پرصلابت و استوار ایستادگی نموده بود، از حقّ مسلم خود گذشت و همچون دیگر موارد صبر و پایداری نمود و دردهای خود را با خالق خویش در میان گذاشت و این سخن پیامبر(ص) در ذهن او تداعی می کرد که: «اِلَی اللّه ِ أَشکُو ظالِمیکِ مِنْ أُمَّتی؛ نزد خداوند از ستمکاران امتم که در حق تو ظلم می کنند شکایت می کنم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_409_1)(

ص: 409

1- . کشف الغمّه، ج1، ص123؛ بحارالأنوار، ج28، ص27.

در بستر بیماری

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

در بستر بیماری

پس از این وقایع دردناک، حضرت فاطمه(س) بیمار و رنجور در بستر بیماری، در انتظار فرا رسیدن وعده پدر و ملحق شدن به ایشان بود و هر زمان که بر سر قبر رسول خدا(ص) می رفت، با او چنین نجوا می نمود: «یا أَبَتاهُ! بَقیتُ والِههً وَحَیْرانَهً فَریدَهً قَدِ انْخَمَدَ صَوْتی وانْقَطَعَ ظَهْری؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_410_1)( پدر جان! `بعد از تو` بی کس و تنها شدم، حیران و محروم مانده ام، صدایم به خاموشی گرائید و پشتم شکست.»

و همچنین در شعری که منسوب به آن حضرت(س) است می فرماید:

صُبَّتْ عَلَیَّ مَصائِبُ لَوْ أَنَّها صُبَّتْ عَلَی الأَیّامِ صِرْنَ لَیالِیا

ص: 410

1- . بحارالأنوار، ج43، ص175.

«`بعد از تو ای پدر` آنقدر مصایب بر من فرو ریخت که اگر بر روزگار `روشن` فرو می ریخت، به صورت شبها `ی تیره و تار` در می آمد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_411_1)(

هنگامی که آن بانوی مظلوم در بستر بیماری بود، عده ای از زنان مدینه به دیدارش آمدند و حال ایشان را جویا شدند. در پاسخ فرمود: «أَصْبَحْتُ وَاللّه ِ عائِفَهً لِدُنیا کُنَّ قالِیَهً لِرِجا لِکُنَّ لَفَضْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وشَنَأتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحا لِفُلُولِ الحَدِّ واللَّعْبِ بَعْدَ الجِدِّ وقَرْعِ الصَّفاهِ وصَدْعِ القَناهِ وخَطَلِ الآراءِ وزُلَلِ الاْءَهواءِ وَبِئْسَما قَدَّمَتْ لَهُمْ أنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللّه ُ عَلَیْهِمْ وفِیِ العَذابِ خالِدُونَ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_411_2)( به خدا سوگند! شب را به صبح رساندم، در حالی که از دنیای شما متنفّرم. مردان شما را دشمن می شمرم و از آنها بیزارم. آنها را آزمودم و دور افکندم، و امتحان کردم و مبغوض داشتم. چقدر زشت است شکسته شدن شمشیرها (سکوت در برابر غاصبان) و بازی کردن بعد از جدیت (و به شوخی گرفتن سرنوشت اسلام و مسلمین) و کوبیدن بر سنگ (کار بی حاصل کردن) و شکافته شدن نیزه ها (تسلیم در برابر دشمن) و گمراهی افکار و لغزش اراده ها و چه بد چیزی پیش از خویش (برای سرای آخرت) فرستادند که خدا بر آنها غضب کرد، و در عذاب الهی جاودانه خواهند بود.»

«إربلی» از مورخین بزرگ شیعه در این باره می گوید: سخنان حضرت فاطمه(س) در بستر بیماری نشان دهنده شدت اندوه، بزرگی مصیبت و نهایت شکوه ایشان از کسانی است که در حق او ظلم کردند و او را از حقش منع نمودند. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_411_3)(

ص: 411

1- . زندگانی فاطمه زهرا(س)، ص144.

2- . بحارالانوار، ج43، 159؛ أمالی طوسی، مجلس 13، ح55.

3- . کشف الغمّه، ص132.

پایان رنجها

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس کبود

پایان رنجها

در نهایت زهرای أطهر(س) پس از تحمّل مصایب، محنتها و بی وفاییهای بسیار، در اثر بیماری و تألمی که از ضربات دشمنان بر بدن مبارکشان حاصل شده بود، به شهادت رسیدند و به دیار حق و ملاقات پدر شتافتند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_412_1)( پس از آن طبق وصیت آن حضرت(س) جسد شریفشان شبانه غسل داده و کفن شد )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_412_2)( و آن گاه غریبانه به خاک سپرده شد، بدون اینکه کسی از محل دفن آگاهی یابد.

از «واقدی» نقل شده است: «انّ فاطِمَهَ لَمّا حَضَرَتْها الوَفاهُ أَوصَتْ عَلیّا أنْ لایُصَلِّی عَلَیْها أَبُوبَکْرٍ وَ عُمَرُ فَعمِلَ بِوَصِیَّتِها؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_412_3)( هنگامی که فاطمه(س) در بستر شهادت بود، به علی(ع) وصیت فرمود که ابوبکر و عمر بر جنازه اش نماز نگذارند و امیرمؤمنان نیز به وصیت ایشان عمل نمود.»

در روز بعد، وقتی این خبر به عمر و ابوبکر رسید، به سرعت خودشان را به بقیع رساندند و وقتی نتوانستند قبر را پیدا کنند، عمر به امیرمؤمنان(ع) گفت: «به خدا قسم قبر او را پیدا کرده و نبش خواهیم کرد و بر بدن او نماز خواهیم گذاشت.» آن حضرت با چهره ای غضبناک فرمود: «یَا ابْنَ السَّوْداءِ أَمّا حَقّی فَقَدْ تَرَکْتُهُ مَخافَهَ أَنْ یَرْتَدَّ النّاسُ عَنْ دِیْنِهِمْ، أَمّا قَبْرُ فاطِمَهَ فَوَ الَّذی نَفْسُ عَلِیٍّ بِیَدِهِ لَئِنْ رُمْتَ وَأَصْحابُکَ شَیْئا مِنْ ذلکَ لاَءَسْقِیَنَّ الأَرْضَ مِنْ دِمائِکُمْ؛ ای فرزند سوداء (زن سیاه رو)! اما از حق خودم (خلافت) گذشتم تا مبادا مردم از دینشان خارج شوند؛ امّا در مورد قبر فاطمه(س)، قسم به کسی که جان علی در دست اوست، اگر تو و یارانت قصد چنین کاری داشته باشید، هر آینه زمین را از خونهای شما سیراب خواهم کرد.» در این هنگام ابوبکر قسم یاد کرد که چنین کاری انجام ندهد، و سپس آنجا را ترک کردند و مردم متفرق شدند. )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_412_4)(

ص: 412

1- . در تاریخ شهادت ایشان اختلاف زیادی وجود دارد؛ ولی مشهورترین اقوال از نظر شیعه 75 یا 90 روز بعد از رحلت رسول گرامی اسلام(ص) است. ر.ک: مناقب آل ابی طالب، ج3، ص132؛ بحارالانوار، ج43، ص188؛ کشف الغمّه، ج1، ص128.

2- . کشف الغمّه، ص120.

3- . مناقب آل ابی طالب، ج3، ص362.

4- . دلائل الأمامه، ص134؛ بحارالأنوار، ج43، ص171.

آری، فاطمه(س) از میان شعله های ظلم و نامهربانی رهایی یافت؛ امّا علی(ع) و یتیمان فاطمه(س) غریب و تنهاتر از گذشته راه سخت و دشواری را در پیش رو داشتند. با شهادت آن بانوی بزرگ امیرمؤمنان شریک روزهای تلخ و پر درد زندگی خویش را از دست داد و زندگی برای او دشوارتر گردید. در این هنگام بود که این شعر را انشا نمود:

نَفْسی عَلی زَفَراتِها مَحْبُوسَهٌ یا لَیْتَها خَرَجَتْ مَعَ الزَّفَراتِ

لاخَیْرَ بَعْدَکِ فِی الحَیاهِ وإنَّما أبْکی مَخافَهَ أَنْ تَطُولَ حَیاتی

«جان من در بین نَفَسهایش حبس شده، ای کاش جانم به همراه آنها `از بدنم` خارج می شد. بعد از تو هیچ خیری در زندگی `دنیا` وجود ندارد و من در حالی گریه می کنم که می ترسم `بعد از تو` عمرم طولانی شود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_413_1)(

ص: 413

1- . مقتل الحسین(ع)، ج1، ص84.

ای کاش می آمد زتن من جان من

"

برون همراه ناله های اسف خیز زار من

"

از سوز دل بنالم و ترسم که از قضا

"

گردد دراز زندگی رنجبار من

"

امیرمؤمنان(ع) هنگام دفن زهرای مرضیّه، در حالی که با فاطمه(س) وداع می نمود، وداع با پیامبر را به یاد آورد و به حضرتش(ص) چنین گفت: «قَلَّ یا رَسُولَ اللّه ِ عن صَفِیَّتِکَ صَبْری وَرَقَّ عَنْها تَجَلُّدی... فلَقَدِ استُرْجِعَتِ الوَدیعَهُ وأُخِذَتِ الرَّهینَهُ، أَمّا حُزْنی فَسَرْمَدٌ وأمّا لیلی فَمُسَهَّدٌ إلی أَنْ یَخْتارَ اللّه ُ لی دارَکَ الّتی أَنْتَ بِها مُقیمٌ وَسَتُنَبِّئُکَ ابْنَتُکَ بتَضافُرِ أُمّتِکَ عَلی هَضْمِها، فأحفِها السُّؤالَ وَاستَخْبِرْهَا الْحالَ، هذا ولم یَطُلِ العَهْدُ ولَمْ یَخْلُ مِنْکَ الذِّکْرُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_414_1)( ای پیامبر خدا! از فراق دختر برگزیده ات صبرم کم شده و طاقتم از دست رفته است... امانت باز گردانده شد و آنچه در دست من بود گرفته شد؛ اما اندوهم همیشگی است و شبهایم همراه بیداری، تا آن دم که خداوند سر منزل تو را که در آن اقامت گزیده ای برایم انتخاب کند. به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت که امّتت در ستم کردن به وی اجتماع کرده بودند. سرگذشت وی را از او بپرس و چگونگی حال را از وی خبر گیر. وضع این چنین است، در حالی که هنوز فاصله ای از زمان حیات تو نگذشته و یادت فراموش نگردیده است.»

ص: 414

1- . نهج البلاغه، خطبه 202.

سوگنامه یاس

اشاره

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس

اشاره

فاطمیه قصه گوی رنجهاست

"

بهترین تفسیر سوز مرتضی است

"

فاطمیه شعر داغ لاله است

"

قصه زهرای هجده ساله است

"

فاطمیه آتش افروز دل است

"

احتجاجش یک کتاب کامل است

"

فاطمیه سینه چاک دردهاست

"

شاهد نامردی نامردهاست

"

فاطمیه سوز دل را ساز کرد

"

دفتر داغ علی را باز کرد

"

ص: 415

فاطمیه ماه گل افشردن است

"

فتح باب تازیانه خوردن است

"

فاطمیه قفل غم را شد کلید

"

چونکه دارد هم شهیده هم شهید

"

حضرت فاطمه زهرا(س) در بیستم جمادی الاولی سال پنجم بعثت )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_416_1)( به دنیا آمد. آن کوثر الهی در زمانی چشم به جهان گشود که طوفانی ترین روزگار پیامبر اسلام(ص) بود و امواج مهیب حوادث و تلخیها، زندگانی رسول خدا(ص) را در چنگال خویش درهم می فشرد. فاطمه(س) از همان لحظه ای که چشم به زندگی باز کرد با مشکلات، فضای سخت و تنگ دستی مواجه بودند.

هنوز تقریباً دو ساله بود که همراه پدر گرامی و مادر مهربانش در محاصره اقتصادی کفار قریش قرار گرفت و سه سال در شعب ابوطالب در تحمل سخت ترین شرایط گرسنگی و مشکلات شرکت داشت.

ص: 416

1- . اصول کافی ج 1، ص 458؛ بحارالانوار، ج 43، ص 9.

در سال دهم بعثت؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_417_1)( یعنی اندکی پس از نجات از شعب، )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_417_2)( مادر گرامی خویش را - که رنجهای ده سال مبارزه و به ویژه تحمل سختیهای محاصره اقتصادی رنجورش ساخته بود - از دست داد و از آن پس تنها فاطمه(س) بود که جای خالی مادر را در کانون خانواده پر می کرد.

خدیجه(س)، همسر پیغمبر(ص) از دنیا می رود و فاطمه(س) که کودکی نورس و سرگرم بازی است همین که گریه و بی تابی پدر را در مرگ مادر می بیند، در غم و اندوه فرو می رود و در مرگ مادر اشکها می ریزد و این مصیبت و اندوه بزرگ در دل فاطمه(س) تاثیر عمیقی می بخشد و تا پایان عمر از او جدا نمی شود. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_417_3)(

وفات خدیجه هرچند برای فاطمه سخت رنج آور و مصیبت بار بود؛ اما بیش از پیش او را درکنار پدر و در دامان تربیت پیامبر(ص) قرار داد.

ص: 417

1- . بحارالانوار، ج 1، ص 8 و 13.

2- . کشف الغمه، ج 2، ص 79.

3- . فاطمه(س) الگوی زن مسلمان ص 70 به نقل از: زندگانی حضرت فاطمه(س)، ص 86.

رحلت پدر

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس

رحلت پدر

سخت ترین و جانگدازترین روز تاریخ زندگانی فاطمه(س) روزی است که پدر وی از دنیا رفته است. از آن ساعت که پیامبر(ص) در بستر بیماری افتاد، تا هنگامی که چشم از دنیا فروبست، حضرت زهرا(س)، کم تر از بالین پدر جدا شد. تأثر و ناراحتی فاطمه(س) وقتی شدت یافت که پدرش خبر مرگ خود را به او داد؛ ولی گویا پیامبر(ص) در این لحظه نیز نمی توانست دختر خود را اندوهناک و دل شکسته ببیند؛ زیرا به او مژده داد که تو نخستین کسی هستی که به من خواهی پیوست. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_418_1)(

سرانجام پیامبر(ص) که پشتوانه محکمی برای زهرا(س) بود، از دنیا رفت. چگونه زهرای مرضیه(س) می تواند جای خالی او را ببیند؟ شدت اندوه زهرا(س) در فراق پدر آن چنان بود که هر چیز نشانی از پیامبر(ص) داشت او را گریان و بی طاقت می ساخت و تا زنده بود در غم فقدان او نالان و گریان بود. امام باقر(ع) فرمودند: «مَا رُئِیَتْ فَاطِمَهُ(س) ضَاحِکَهً قَطُّ مُنْذُ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) حَتَّی قُبِضَت؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_418_2)( فاطمه(س) پس از وفات رسول خدا(ص) هرگز خندان دیده نشد، تا اینکه بدین حال از دنیا رفت.»

ص: 418

1- . بحارالانوار ج 43، ص 156؛ امالی طوسی، ج 1، ص 191.

2- . بحارالانوار، ج 43، ص 196.

بعد از رحلت پیامبر(ص)

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس

بعد از رحلت پیامبر(ص)

حضرت فاطمه(س) بعد از رحلت پدر گرامیش 75 روز یا 95 روز )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_419_1)( بیش تر زنده نماند. در این مدت کوتاه چه مصیبتها و آزار و اذیتها که از امت پیامبر(ص) ندید و چه بی احترامیها که در حق او و شوی مکرمش علی(ع) روا نداشتند. مناسب است توصیف این ایام را از زبان خود حضرت بشنویم. بی بی دو عالم می فرماید:

«صُبَّتْ عَلَیَّ مَصائِبُ لَوْ أَنَّها صُبَّتْ عَلَی الأَیّامِ صِرْنَ لَیالِیا؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_419_2)( `بعد از رحلت پدرم` چنان مصیبتهایی بر من فرریخت که اگر بر روزهای روشن فرود می آمد، به شبهای ظلمانی و تاریک تبدیل می شد.»

او از غربت اهل بیت(ع) در میان امت اسلام چنین شکوه می کند: «فَهَیْهَاتَ مِنْکُمْ وَ کَیْفَ بِکُمْ وَ أَنَّی تُؤْفَکُون؛ این کارها از شما بعید بود، چگونه چنین نمودید و به کجا بازمی گردید؟»

ص: 419

1- . اگر روز شهادت حضرت سیزدهم جمادی الاولی باشد، حضرت 75 روز بعد از پدر گرامیشان زنده مانده اند و اگر روز شهادت، سوم جمادی الثانی باشد، حضرت 95 روز بعد از پدرشان زنده بوده اند. در این زمینه اقوالی وجود دارد. به ناسخ التواریخ، ج 4، کتاب دوم، ص 189 رجوع شود.

2- . الغدیر، ج 5، ص 147.

و در ادامه فرمود: «نَصْبِرُ مِنْکُمْ عَلَی مِثْلِ حَزِّ الْمُدَی، وَ وَخْزِ السِّنَانِ فِی الْحَشَا؛ ما در برابر `این آزار و `اذیتهای` شما صبر پیشه می داریم، به مانند صبوری آن کس که خنجری بر گلویش خلیده و تیغ سنان بر دلش نشسته است.»

شگفتا! چقدر فاطمه(س) آن یگانه یادگار پیامبرِ رأفت و مهربانی از زندگانی در میان چنان مردمی خسته و آزرده شده بود که در عنفوان جوانی مرگ را بر حیات ترجیح می دهد و از خدای متعال تمنای خلاصی می نماید: «خدایا! مرگ مرا زودتر مقرر فرما؛ زیرا زندگی دنیا بر من تیره و تار شده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_420_1)(

آری، در این مدت بسیار کوتاهی که بعد از وفات پیامبر اکرم(ص) دخت رسالت در میان امت بود، چنان عرصه زندگی را بر او، شوهر و فرزندانش تلخ و سخت نمودند که امام علی(ع) بعد از دفن او با پیامبر اکرم(ص) چنین اندوهش را درمیان می گذارد:

ص: 420

1- . احقاق الحق، ج 19، ص 160؛ شبهای پیشاور، ص 713 - 714.

«وَ سَتُنْبِئُکَ ابْنَتُکَ بِتَظَافُرِ أُمَّتِکَ عَلَی هَضْمِهَا فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ فَکَمْ مِنْ غَلِیلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَی بَثِّهِ سَبِیلا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_421_1)( به زودی دخترت با تو باز خواهد گفت که پس از تو امتت با وی چه روا داشتند. از او سؤال نما و شرح حال بخواه تا پرده از راز دل فرو اندازد و شرح حال را با خون دل بر تو بازگو سازد.»

ص: 421

1- . نهج البلاغه، خطبه 202؛ اصول کافی، ج 1، ص 381، باب مولد الزهراء(س).

یاس در آتش

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس

یاس در آتش

پس از رحلت پیامبر(ص) در آن هنگامه غم و اندوه، در حالی که حضرت علی(ع) و خانواده اش مشغول تجهیز و تدفین پیامبر(ص) بود، کودتاچیان منافق و دنیاپرست در سقیفه جانشینی رسول اکرم(ص) را غصب نمودند و از مردم بر این خلافت نامیمون بیعت گرفتند. تنها پایگاهی که به آسانی موفق به فتح آن نشدند، خانه وحی بود. آنان خوب می دانستند که خلافتشان بدون بیعت آنان استحکام ندارد؛ لذا تصمیم گرفتند که ولی و جانشین بر حق پیامبر(ص) را احضار و از او بیعت بگیرند.

بر این اساس به «قنفذ» گفته شد: به نزد علی(ع) برو و بگو: خلیفه رسول خدا(ص) از تو خواسته است که برای بیعت در مسجد حاضر شوی. قنفذ چندین مرتبه نزد حضرت علی(ع) رفت و آمد کرد؛ ولی آن حضرت از حضور نزد خلیفه امتناع ورزید. یکی از سرکردگان کودتا به اتفاق «خالد بن ولید»، قنفذ و جماعت دیگری رهسپار خانه حضرت زهرا(س) شدند. او در خانه را کوفت و گفت: ای علی! در را باز کن. فاطمه(س) با سر بسته و تن رنجور از مصیبت رحلت پدرش پشت در آمد و فرمود: با ما چکار داری؟ چرا نمی گذاری به کار خودمان مشغول باشیم؟ چرا دست از ما برنمی داری، با اینکه عزادار هستیم؟

او بانگ زد: در را باز کن؛ والا خانه را آتش می زنم. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_422_1)( فاطمه(س) هر چه او را نصیحت کرد، او از تصمیم خود منصرف نشد. سپس آتش طلبید و در خانه را آتش زد، آن گاه در نیم سوخته را فشار داد و بدن نازنین فاطمه(س) بین فشار در و دیوار قرار گرفت.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_422_2)(

ص: 422

1- . شرح ابن ابی الحدید، ج 2، ص 56، ج 6، ص 48؛ عقد الفرید، ج 5، ص 12؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 586.

2- . بیت الاحزان، ص 90.

جریان جنایت را از زبان خود این کودتاچی بشنوید: «به فاطمه(س) که پشت در بود گفتم: اگر علی(س) از خانه `برای بیعت` بیرون نیاید، هیزم فراوانی به اینجا بیاورم و آتشی برافروزم و خانه و اهلش را بسوزانم، و یا اینکه علی(ع) را برای بیعت به سوی مسجد می کشانم. آن گاه تازیانه قنفذ را گرفتم و فاطمه(س) را با آن زدم و به خالد بن ولید گفتم: تو و مردان دیگر هیزم بیاورید و به فاطمه(س) گفتم: خانه را به آتش می کشم... هماندم دستش را از در بیرون آورد تا مرا از ورود به خانه بازدارد، من او را دور نموده و با شدت در را فشار دادم و با تازیانه بر دستهای او زدم تا در را رها کند، از شدت درد تازیانه، ناله کرد و گریست، ناله او به قدری جانکاه و جگرسوز بود که نزدیک بود دلم نرم شود و از آنجا منصرف شوم؛ ولی به یاد کینه های علی(ع) و حرص او بر کشتن قریشیان (مشرکین) افتادم. با پای خودم لگد بر در زدم؛ ولی او همچنان در را نگه داشته بود که باز نشود. وقتی که لگد بر در زدم صدای ناله فاطمه(س) را شنیدم که گمان کردم این ناله مدینه را زیر و رو کرد. در آن حال فاطمه(س) می گفت: «یَا رَسُولَ اللَّهِ! هَکَذَا کَانَ یُفْعَلُ بِحَبِیبَتِکَ وَ ابْنَتِکَ، آهِ یَا فِضَّهُ إِلَیْکِ فَخُذِینِی فَقَدْ وَ اللَّهِ قُتِلَ مَا فِی أَحْشَائِی مِنْ حَمْلٍ؛ ای پدرجان! ای رسول خدا! بنگر که این گونه با حبیبه و دختر تو رفتار می شود. آه! ای فضه بیا و مرا دریاب که سوگند به خدا فرزندم که در رحم من بود کشته شد.»

در عین حال در را فشار دادم، در باز شد، وقتی وارد خانه شدم، فاطمه(س) با همان حال روبروی من ایستاد؛ ولی شدت خشم، مرا به گونه ای کرده بود که گویی پرده ای در برابر چشمم افتاده بود، چنان با سیلی روی روپوش به صورت فاطمه(س) زدم که به زمین افتاد...» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_423_1)(

ص: 423

1- . سوگنامه آل محمد(ص)، ص 27 به نقل از دلایل الامامۀ، ج 2، و بیت الاحزان، ص 96 و 97.

تا در بیت الحرم از آتش بیگانه سوخت

"

کعبه ویران شد حرم از سوز صاحبخانه سوخت

"

آه از آن پیمان شکن کز کینه خم غدیر

"

آتشی افروخت تا هم خم و هم خمخانه سوخت

"

بالاخره علی(ع) را دستگیر کردند تا به جانب مسجد ببرند. حضرت زهرا(س) هنگامی که به خود آمد، دید علی(ع) را به جانب مسجد می برند، شجاعانه پیش رفت، و دامنش را محکم گرفت و گفت: نمی گذارم همسرم را ببرید. قنفذ دید دست از علی(ع) برنمی دارد، آنقدر با تازیانه به دست نازنین دختر پیامبر(ص) زد که بازویش ورم کرد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_424_1)(

نخلی که شکسته ثمرش را نزنید

"

ص: 424

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 198.

مرغی که زمین خورده پرش را نزنید

"

دیدید اگر که دست مردی بسته

"

دیگر در خانه همسرش را نزنید

"

ص: 425

واپسین روزها

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس

واپسین روزها

حضرت فاطمه(س)، پاره تن پیامبر(ص)، سیده زنان عالم، همسر فداکار علی(ع) و کوثر، امامت در سن جوانی به بستر بیماری افتاد و روزهای آخر عمر خود را می گذراند، نزدیک است آفتاب عمرش غروب کند و فریادهای مظلومانه اش خاموش شود.

به شوهر مظلومش علی بن ابی طالب(ع) گفت: «پسر عموی مهربان! آثار و علایم مرگ را در خودم مشاهده می نمایم. گمان می کنم به زودی به پدرم ملحق گردم. می خواهم وصیت کنم.» علی(ع) در کنار بستر فاطمه(س) نشست و اطاق را خلوت کردند. فرمود: «ای دختر پیغمبر! آنچه می خواهی وصیت کن و یقین داشته باش که به وصیت تو عمل خواهم کرد.» علی(ع) بر چهره پژمرده و چشمهای فرو رفته همسرش نگاه می کرد و اشک می ریخت. فاطمه(س) برگشت و با دیده های فرو رفته اش نگاهی به صورت غمناک شوهر مهربانش انداخت و فرمود: «پسر عمو! تا کنون در خانه ات دروغ نگفته، مرتکب خیانت نشده ام، و هیچگاه از اوامر و دستوراتت تخلف نکردم.»

امام علی(ع) فرمود: «مقام خداشناسی و پرهیزکاری تو به قدری عالی است که احتمال خلاف درباره ات نمی رود. به خدا سوگند! مفارقت و جدایی تو بر من بسیار گران است؛ اما چه کنم که مرگ را چاره ای نیست. به خدا قسم! مصیبتهای مرا تازه کردی، مرگ نا به هنگام تو حادثه دردناکی است، (انا لله وانا الیه راجعون). چه مصیبت دردناک و جانسوزی است؟ به خدا سوگند! این مصیبت جانکاه را هرگز فراموش نخواهم کرد و هیچ چیزی نمی تواند تسلی بخش من باشد.» آن گاه ساعتی را با هم گریستند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_426_1)(

ص: 426

1- . بحارالانوار، ج 43، ص 178.

احساسات و عواطف دو یار مهربان چنان تحریک شد که نتوانستند از گریه خودداری کنند. به یاد زحمات طاقت فرسا و فداکاریها و گرفتاریهای همدیگر ناله کردند. آن گاه که آرام تر شدند، علی بن ابی طالب سر همسرش را در دامن گرفت و فرمود: هرچه می خواهی وصیت کن که آنچه بفرمایی به عمل می آورم.

فاطمه(س) شروع به وصیت نمود و موضوعاتی را بیان فرمود. از جمله آن موضوعات مسئله تجهیز و دفن خود بود که در این رابطه چنین فرمود: «حَنِّطْنِی وَ غَسِّلْنِی وَ کَفِّنِّی بِاللَّیْلِ وَ صَلِّ عَلَیَّ وَ ادْفِنِّی بِاللَّیْل...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_427_1)( مرا شبانه حنوط کن، غسل بده و کفن کن و شبانه بر من نماز بخوان و به خاک بسپار. اجازه نده اشخاصی که حقم را غصب کردند و اذیت و آزارم نمودند بر من نماز بخوانند و یا در تشییع جنازه ام حاضر شوند.»

ص: 427

1- . همان، ص 192؛ بیت الاحزان، ص 152.

عروج غم انگیز یاس

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس

عروج غم انگیز یاس

آخرین لحظات عمر پربرکت کوثر امامت، و مادر ایمان و دخت نبوت است. به «اسماء بنت عمیس» فرمود: آبی بیاور. اسماء آب را حاضر نمود. حضرت زهرا(س) با آن وضو ساخت و به روایتی غسل کرد. بوی خوش طلبید و خود را خوشبو گردانید و جامه های نو پوشید. آنگاه فرمود: اسماء! جبرئیل هنگام وفات پدرم چهل درهم کافور از بهشت آورد. حضرت آن را سه قسمت کرد، قسمتی برای خود گذاشت و یک قسمت برای من و قسمتی هم برای علی(ع). آن کافور را بیاور که مرا به آن حنوط کنند. چون کافور را آورد، فرمود: نزدیک سر من بگذار.

پس پای خود را به قبله کرد و خوابید و جامه را بر روی خود کشید و فرمود: اسماء! مدتی صبر کن، بعد از آن مرا بخوان، اگر جواب نیامد، علی را طلب کن و بدان که من به پدرم ملحق گردیده ام.

ص: 428

اسماء لحظاتی انتظار کشید، آن گاه حضرت را ندا کرد و صدایی نشنید. گفت: ای دختر مصطفی! ای دختر بهترین فرزندان آدم! ای دختر بهترین کسی که بر روی زمین گام نهاده است! ای دختر آن کسی که در شب معراج به مرتبه (قاب قوسین او ادنی) رسیده است! چون جواب نشنید، جامه را از روی مبارکش برداشت، دید مرغ روحش به ریاض جنت پرواز کرده است. خود را به روی حضرت انداخته، او را می بوسید و می گفت: سلام اسماء بنت عمیس را به خدمت رسول خدا(ص) برسان.

در این حال حسنین(ع) از در آمدند و گفتند: ای اسماء! مادر ما چرا در این وقت به خواب رفته است؟ اسماء گفت: مادرتان به خواب نرفته؛ بلکه به رحمت الهی واصل گردیده است. امام حسن(ع) خود را به روی آن حضرت افکند و روی انور مادر را می بوسید و می گفت: مادر! با من سخن بگو، پیش از آنکه روحم از بدنم جدا شود. امام حسین(ع) بر روی پای مادر افتاد و می بوسید و می گفت: مادر! منم حسین تو، با من سخن بگو، پیش از آنکه دلم شکافته شود و از دنیا مفارقت کنم.

اسماء گفت: ای دو جگرگوشه رسول خدا! بروید و پدر بزرگوار خود را خبر کنید و خبر وفات مادرتان را به او برسانید. آن دو بزرگوار بیرون رفتند. چون نزدیک مسجد رسیدند، صدا به گریه بلند کردند. پس صحابه به استقبال ایشان دویدند و گفتند: ای فرزندان رسول خدا! چرا گریه می کنید؟ حق تعالی هرگز شما را گریان نگرداند. فرمودند: مادر ما از دنیا رفته است. چون حضرت امیرالمؤمنین(ع) این خبر جانسوز را شنید، بیهوش شد. آب به صورت آن حضرت پاشیدند تا به هوش آمد و فرمود: بعد از تو خود را به که تسلی دهم؟ تا زنده بودی مصیبتم را به تو تسلیت می دادم، اکنون بعد از تو چگونه آرام گیرم؟

ص: 429

بِمَنِ الْعَزَاءُ یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ کُنْتُ بِکِ أَتَعَزَّی فَفِیمَ الْعَزَاءُ مِنْ بَعْدَکِ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_430_1)(

ص: 430

1- . کشف الغمه، ج 2، ص 122، فصول المهمه، ص 148؛ منتهی الآمال، ج 1، ص 336 - 338.

وداع آخر

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس

وداع آخر

پاسی از شب گذشته بود. دلاور خیبر مثل ابر بهاری می گرید و در اوج غربت و تنهایی یادگار پیامبر را غسل می دهد. اسماء آب می ریزد و علی(ع) غسل می دهد.

بریز آب روان اسماء

"

به جسم اطهر زهرا

"

ولی آهسته آهسته

"

همه خواب و علی بیدار

"

سرش بنهاده بر دیوار

"

بگرید با دل خونبار

"

ولی آهسته آهسته

"

بعد از اتمام غسل، آن گاه که بدن بی جان یار مهربانش را کفن می کرد، وقتی که خواست بند کفن را ببندد، صدا زد: «یا ام کلثوم! یا زینب! یا سکینه! یا فضه! یا حسن! یا حسین! هلموا تزودوا من امکم فهذا الفراق واللقاء فی الجنه؛ ای ام کلثوم! زینب! سکینه! فضه! حسن! حسین(ع)! بیایید از مادرتان توشه برگیرید که وقت فراق و جدایی است و ملاقات به قیامت موکول می شود.»

ص: 431

حسن و حسین(ع) آمدند و خود را بر روی جنازه مادر انداختند و صدا می زدند: سلام ما را به جدمان رسول خدا(ص) برسان. امیرمؤمنان می فرماید: «إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّهَا قَدْ حَنَّتْ وَ أَنَّتْ وَ مَدَّتْ یَدَیْهَا وَ ضَمَّتْهُمَا إِلَی صَدْرِهَا مَلِیّا؛ خدا را گواه می گیرم که فاطمه ناله اندوهگینی کشید و دستهای خود را گشود و فرزندان را مدتی در آغوش گرفت.» آن حضرت ادامه داد: در همین حال شنیدم هاتفی در آسمان صدا زد: «یَا أَبَا الْحَسَنِ! ارْفَعْهُمَا عَنْهَا فَلَقَدْ أَبْکَیَا وَ اللَّهِ مَلَائِکَهَ السَّمَاوَاتِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_432_1)( ای علی! حسن و حسین(ع) را از روی سینه مادرشان بلند کن که سوگند به خدا این حالت آنها فرشتگان آسمان را به گریه انداخت.»

ص: 432

1- . بیت الاحزان، ص 154؛ سوگنامه آل محمد(ص)، ص 34 - 35.

یار بر مزار یاس

فصل ششم: سوگنامه

سوگنامه یاس

یار بر مزار یاس

نیمه های شب علی مظلوم به همراه حسن و حسین(ع) غمدیده، عمار، مقداد، عقیل، زبیر، ابوذر، سلمان، بریده و گروهی از بنی هاشم بر حضرت زهرا(س) نماز گزاردند و در همان شب او را دفن کردند. حضرت امیر(ع) دور قبر حضرت زهرا(س) هفت قبر دیگر ساخت و بر چهل قبر آب پاشید تا قبر آن مظلومه مخفی بماند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_433_1)( در آن شب ماتم علی(ع) ماند و غربت، علی ماند و کوهی از مصایب. آری، شب بود و افقها مات و تیرگی سنگینی خود را بر روی شهر افکنده بود و فضا را از اندوه آکنده، سایه نخلهای قامت افراشته که دیگر از بلندای خود شرم داشته و چونان ملامت زده سر فرو انداخته بودند، بر دیوارهای تکیده شهر بوی سوگ به مشام می رساند.

در نزدیکی خانه های شهر که رنگ مرگ گرفته بودند، سوگناله ای برمی خاست که برای همیشه، تاریخ و روزگار را بهت زده و انگشت بر دهان واگذاشت، که آن مرد، همان که در نبردگاه های بدر، احد، خیبر و... در برابر دشمنان چونان شیر غران به پیش می تاخت و از کشته های مشرکین پشته می ساخت، اینک در غم هجرانی جانگداز، بی تاب و در سوز و ساز است. بر فراز مزاری که از آن شب تا کنون و تا ناپیدای زمان، دیگر تاریخ از آن خبر ندارد. تنها غم سروده آن مرد را به یاد دارد که با اندوهی در سینه خفته و بغضی در گلو نهفته زمزمه کرد: «ای پیامبر خدا! درودت باد از جانب من و از سوی دخترت که اینک از سرای فانی رخت بربسته و در پی دیدار به تو پیوسته و زودتر به تو رسیده، پس از او صبرم از دست رهیده و تاب تحملم به پایان رسیده؛ اما همان سان که در فراق تو صبرپیشه کردم، در هجران دخترت نیز شکیبایی می ورزم. اینک امانت به دست صاحبش رسید و زهرا(س) از دستم جدا شد و به جانب تو آمد. وای که پس از او دیگر نه افلاک را آرایشی است، و نه خاک را پیرایشی.

ص: 433

1- . منتهی الآمال، ص 338 - 339؛ به نقل از روضه الواعظین، ج 1، ص 151 و دلائل الامامۀ، ص 46.

از اندوه، خواب در دیدگانم نیاید و از غم، عقده دلم نگشاید، تا آن هنگام که خداوند مرا در جوار تو ساکن نماید. مرگ زهرا بر دلم تیر غم نشاند و جماعت ما را به جدایی و دل پریشانی کشاند. از این غم به خدا شکوه می برم. به زودی دخترت با تو بازخواهد گفت که پس از تو امتت با وی چه روا داشتند.

امام صادق(ع) از پدران خود نقل می فرماید: «پس از آنکه امیرمؤمنان(ع) فاطمه(س) را در میان قبر نهاد و قبر را پوشانید، مقداری آب روی قبر پاشید و سپس در کنار قبر گریان و نالان نشست تا اینکه عمویش عباس آمد و دست علی(ع) را گرفت و او را به خانه اش برد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_434_1)(

و ما آرزومندان زیارت قبر آن مظلومه شهیده سوگمندانه عرض می کنیم: ای دخت رسالت! ای همسر ولایت! ای کوثر امامت! ای مادر ایمان و حقیقت، نخلهای خاک آلود فدک هنوز از ستمی که بر تو روا داشتند، می گریند. زندگی تو گواه مظلومیت همه دودمان هابیل است، همچنان که وجود تو گواه قدس و عظمت خدا بود.

ص: 434

1- . بیت الاحزان، ص 156.

تازیانه ای که بر پیکر نازنین تو فرو کوفتند، تبری بود که بندگان بت به انتقام نابودی اصنام بر پیکر توحید ابراهیم فرود آوردند. همواره شرمسار باد دستی که بر گونه خداگون تو سیلی زد. دریغا! دل اگر در غم تو پاره شود شگفت نیست؛ چراکه شکستن پهلوی تو عظیم تر از تخریب دیوار کعبه بود.

چون قامت استوار تو را به ستم خاک نشاندند، دین از پای افتاد، و چون تو را کشتند، انسانیت بی مادر شد، و علی(ع) تنها ماند و بشریت در گرداب فاجعه افتاد.

ص: 435

جلوه هایی از اشعار فاطمه زهرا(س)

اشاره

فصل ششم: سوگنامه

جلوه هایی از اشعار فاطمه زهرا(س)

اشاره

شعر تعبیری لطیف از یک اندیشه یا احساس در عباراتی موزون است که مقصود را به نیکوترین وجه به روح شنونده القاء می کند و از قدیمی ترین آفریده های روح بشری است و اولین شعر از زبان اولین انسان سروده شد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_436_1)( می گویند: «سبب آن بود که هابیلِ مظلوم را قابیلِ مشئوم بکشت و آدم را داغ غربت و ندامت تازه شد. در مذمّت دنیا و در مرثیه فرزند شعر گفت.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_436_2)(

انسان شعر را برای آن گفت تا خود در سخنِ خویش پنهان گردد و احساس یا اندیشه خویش را به همه جا ببرد. و الحق و الانصاف، شعر این رسالت را به نحوِ احسن انجام داده و در شنونده تأثیر خوبی گذاشته است.

مرحوم محقق حلی که از مراجع تقلید و از فقهای بزرگ اسلامی است، درباره شعر عرب و تأثیر آن می گوید: «شعر از بهترین نشانه های ادب و از زیباترین افتخارهای عرب است. با شعر بزرگواریها درخواست می شود و طبیعتهای خودرأی نرم می گردد. اندیشه ها را تیز می کند و کینه ها را از بین می برد و تباهی اندیشه ها را اصلاح می کند و همتهای راکد را به ثمر می نشاند.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_436_3)(

ص: 436

1- . سفینه البحار، انتشارات اسوه، 1416، ج 4، ص447.

2- . تذکره الشعراء، ص24.

3- . سفینه البحار، ج 4، ص453.

و چه خوب حضرت رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «اِنَّ مِنَ الشِّعرِ لَحِکَماً وَ اِنَّ مِن البَیانِ لَسِحراً؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_437_1)( همانا پاره ای از اشعار حکیمانه و پاره ای از بیانها سحرآمیز است.»

در روایات نیز آمده است که: وقتی آیه و (الشُّعَراءُ یَتَّبِعُهُمُ الغاوُون)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_437_2)( «و شاعران را مردم جاهل گمراه پیروی می کنند.» نازل شد، گروهی از شاعران خدمت حضرت رسول(ص) آمده، عرض کردند: تکلیف ما چیست و درباره شاعران چه می گویید؟

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اِنَّ المُؤمِنَ یُجاهِدُ بِسَیفِهِ وَ لِسانِهِ وَ الَّذی نَفسی بِیَدِهِ لَکَأَنَّما بِوَجهِهِم مِثلَ نَضجِ النَّبلِ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_437_3)( همانا مؤمن با شمشیر و زبانش جهاد می کند و قسم به خدایی که جانم به دست اوست! `بر اثر شعر شما` صورت کفار همچون شکافته شده به تیر است.»

و نیز از حضرت(ص) نقل شده است که: «لَمَّا نَزَلَت (وَ الشُّعَراءُ) اَلآیَهَ جاءَ عَبدُ اللهِ بنِ رَواحَهِ وَ کَعبُ بنُ مالِکِ وَ حَسَّانُ بنُ ثابِتِ وَ هَم یَبکونَ فَقالوا: یَا رَسولَ الله!ِ لَقَد اَنزَلَ اللهُ هذِهِ الآیَهَ وَ هُوَ یَعلَمُ اَنَّا شُعَراءُ أَهَلَکنا؟ فَاَنزَلَ اللهُ (اِلّا الَّذینَ آمَنوا وَ عَمِلِوا الصَّالِحاتِ) فَدَعاهُم رَسُولُ اللهِ فَتَلاهُ عَلَیهِم؛ )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_437_4)( وقتی آیه نازل شد، عبدالله بن رواحه و کعب بن مالک و حسان بن ثابت `که هر سه شاعر بودند` در حالی که گریان بودند، خدمت پیامبر(ص) رسیدند و عرضه داشتند: یا رسول الله! خداوند این آیه را نازل کرد و او می داند که ما شاعریم، آیا ما هلاک شدیم؟ پس خداوند آیه (إِلاَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ)؛ «مگر آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند» را نازل کرد. پس پیامبر(ص) آنان را خواند و آیه را بر آنها تلاوت کرد.»

ص: 437

1- . وسائل الشیعۀ، ج 7، ص404، ح 9694.

2- . شعراء / 224.

3- . میزان الحکمه، دار الحدیث، چاپ اول، 1416، ج 2، ح 1462.

4- . در المنثور فی التفسیر المأثور، ج 6، ص335.

با بررسی زندگانی معصومین(ع) اشعاری نغز و بسیار زیبا می یابیم که ائمه اطهار(ع) آنها را برای هدفهای مختلفی سروده و با آن، اندیشه یا احساسات خود را به دیگران فهمانده و تأثیر لازم را در افکار مختلف گذاشته اند. حضرت فاطمه زهرا(س) نیز در مدت کوتاه عمر خود، در جاهای مختلف و زمانهای گوناگون اشعاری سروده است که به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

ص: 438

الگو دهی به کودکان

فصل ششم: سوگنامه

جلوه هایی از اشعار فاطمه زهرا(س)

الگو دهی به کودکان

روحش کودکان به آهنگ و موسیقی متمایل است؛ و لذا برای آموزش و پرورش کودکان همواره از شعر استفاده می کنند و آموزشها را در قالب شعر می ریزند و در تبلیغات وسایل یا خوراکیها برای کودکان از آهنگها و سرودهای متنوع بهره می گیرند. همچنین مادران برای آرام کردن یا خواباندن کودکان خود از شعر و ریتم موسیقایی آن استفاده می کنند.

در روایتی آمده است: هرگاه فاطمه زهرا(س) فرزندش حسن را حرکت می داد و بالا و پایین می برد، می فرمود:

أَشْبِهْ أَبَاکَ یَا حَسَنُ وَ اخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنَ

وَ اعْبُدْ إِلَهاً ذَا مِنَنٍ وَ لَا تُوَالِ ذَا الْإِحَنِ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_439_1)(

ص: 439

1- . بحار الانوار، ج 43، ص286.

معنای شعر این است: ای حسن! مانند پدرت باش و ریسمان از گردن حق باز، حقایق را اظهار و خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد کینه توز دوستی مکن!»

علامه مجلسی در توضیح مصرع دوم بیت اوّل (واخلع عن...) می فرماید:

«حق یا به فتح حاء است، پس کنایه از اظهار اسرار است، یا به ضمّ حاء، جمع حُقّه `به معنای ظرف است`، پس کنایه از سخاء و جود است و یا به کسر حاء به معنای بچه شتر و کنایه از تصرف در امور است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_440_1)(

و آن حضرت به فرزندش حسین(ع) می فرمود:

انتَ شَبیهٌ بِأَبی لَستَ شَبیهاً بِعَلی )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_440_2)(

«`و ای حسین!` تو شبیه به پدرم (رسول الله ص) هستی و به پدرت علی شبیه نیستی.»

ص: 440

1- . بحار الانوار، ج 43، ص287.

2- . بحار الانوار، ج 43، ص287.

مدح امام علی(ع)

فصل ششم: سوگنامه

جلوه هایی از اشعار فاطمه زهرا(س)

مدح امام علی(ع)

حضرت زهرا(س) لب به ستایش شوهرش علی(ع) می گشود و می فرمود:

«أَضحَی الفِخارُ لَنا وَ عِزٌّ شامِخٌ وَ لَقَد سَمَونا فی بَنی عَدنانِ نِلتَ العُلا وَ عَلَوتَ فی کُلِّ الوَری وَ تَقاصَرَت عَن مَجدِکَ الثَّقَلانِ أعنی عَلِیّاً خَیرَ مَن وَ طَأَ الثَّری ذَ المَجدِ وَ الاِفضالِ وَ الاِحسانِ فَلَهُ المَکارِمُ وَ المَعالی وَ الحِبا ما ناحَتِ الأَطیارُ فی الأَغصانِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_441_1)(

افتخار و عزت والا از آن ما شد، و ما در میان فرزندان عدنان سربلند شدیم.

تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه آفریده ها والاتر شدی و جن و انس از عظمت تو عقب ماندند.

ص: 441

1- . نهج الحیاۀ (فرهنگ سخنان فاطمه(س))، ص184.

مقصودم علی(ع) است. بهترین کس که گام بر خاک نهاد. بزرگوار و دارای احسان و نیکی.

والاییهای اخلاقی و بزرگیها از آن اوست، تا آن گاه که مرغان بر شاخه ها به ترنّم مشغولند.»

ص: 442

مبارزه سیاسی

فصل ششم: سوگنامه

جلوه هایی از اشعار فاطمه زهرا(س)

مبارزه سیاسی

حضرت فاطمه زهرا(س) در برابر جریاناتی که بعد از رحلت رسول مکرم اسلام(ص) به وجود آمد، ساکت ننشست و دست به مبارزه سیاسی زد و با سخنرانیهای افشاگرانه و سرودن اشعاری به بیانِ ماهیت غاصبان خلافت و مصیبتهای وارده به وسیله آنها پرداخت.

فضّه، خادمه آن حضرت نقل می کند: گریه فاطمه زهرا(س) در روز هشتم بیش تر شد و به سوی قبر حضرت رسول(ص) حرکت کرد و گروهی نیز به همراه ایشان بودند. در آنجا حضرت چند بیت نوحه ای سرودند که در قسمتی از آن این چنین آمده است:

«لَو تَری المِنبَرَ الَّذی کُنتَ تَعلُوهُ عَلاهُ الظَّلامُ بَعدَ الضِّیاءِ یا إلهی! عَجَّل وَفاتی سَریعاً فَلَقَد تَنَغَّصَتِ الحَیاهُ یا مَولائی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_443_1)(

ص: 443

1- . بحار الانوار، ج 43، ص177.

`پدر جان`! اگر به منبری که بالای آن قرار می گرفتی، بنگری `خواهی دید که` تاریکی بعد از روشنایی بر آن بالا رفته. خدایا! مرگ مرا نزدیک گردان که حیات و زندگی بر من تاریک شده است، ای مولای من!»

و در جای دیگر فرمود:

«قُل لِلمُغَیِّبِ تَحتَ أَطباقِ الثَّری إِن کُنتَ تَسمَعُ صَرخَتی وَ نِدائِیاً صُبَّت عَلَیَّ مَصائِبٌ لَو اَنَّها صُبَّت عَلَیَّ الاَیَّامِ صِرنَ لَیالِیاً قَد کُنتُ ذاتَ حِمیً بِظِلِّ مُحَمَّدٍ لا اَخشُ مِن ضَیمٍ وَ کانَ جَمالیاً فَالیَومَ أخشَعُ لِلذَّلیل وَ اتَّقی ضَیمی وَ اَدفَعُ ظالِمی بِرِدائِیاً؛

بگو به آن که در زیر طبقات زمین پنهان است: اگر صدا و ناله مرا می شنوی،

ص: 444

من در سایه حمایت محمد(ص) بودم و از هیچ دشمنی و ظلمی نمی ترسیدم و او جمال من بود.

اما امروز در برابر ذلیلی ترس دارم و باک دارم به من تعدی شود و من ظالم را با پیراهنم دفع می کنم.»

به جانم ریختند چندان غم و درد مصیبتها

"

که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها

"

«ابن طیفور» روایتی را نقل می کند که چون فدک را غصب کردند، آن حضرت به سراغ ابوبکر رفت و فرمود: «آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث بری و من از پدرم ارث نبرم؟» بعد از آن نزد قبر پدر رفته، فرمود:

قَد کانَ بَعدَکَ اَنبَاءٌ وَ هَنبَثَهٌ لَو کُنتَ شاهِدَها لَم یَکبُرِ الخَطبُ إنّا فَقَدناکَ فَقدَ الأَرضِ وابِلَها وَ اختَلَّ قَومُکَ فاشهَدهَم فَقَد نَکَبوا وَ کُلُّ أَهلٍ لَهُ قُربی وَ مَنزِلَهٌ عِندَ الإّلَهِ عَلَی الأَدنَینِ مُقتَرِبٌ أَبدَت رِجالٌ لَنا نَجوی صُدُورِهِم لَمّا مَضَیتَ وَ حالَت دونَکَ التُّرابُ تَجَهَّمَتنا رِجالُ وَ استُخِفَّ بِنا لَمّا فُقِدتَ وَ کُلُّ الأَرضِ مُغتَصَبٌ... إِنّا رُزینا بِما لَم یُرزَ ذُو شَجَنٍ مِنَ البَرِیَّهِ لا عَجَمٌ وَ لا عَرَبٌ سَیَعلَمُ المُتَوَلِّی الظُّلمِ حامَتَنا یَومَ القِیامَهِ أَنِّی سَوفَ یَنقَلِبُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_445_1)(

ص: 445

1- . بلاغات النساء، بیروت، ص12. البته در این کتاب تنها دو بیت از این شعر نقل شده است و سایر ابیات آن در این منابع آمده است: بحار الانوار، ج 29؛ الاحتجاج، اسوه، ایران، چاپ دوم، 1416، ص239؛ الغدیر، ج 7، ص79 و 192؛ تفسیر القمی؛ طبقات ابن سعد؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید.

بعد از تو خبرها و مسائل مختلف پیش آمده که اگر تو بودی آن چنان بزرگ جلوه نمی کرد. ما تو را از دست دادیم، مانند از دست دادنِ سرزمین، باران را و قوم تو مختلّ ماند و بنگر که چگونه از راه منحرف شده اند. هر خاندانی که نزد خداوند قرب و منزلتی داشت، بر بیگانگان مقدم بود `در حالی که به ما ظلم کردند و حرمت ما را شکستند`.

آن زمان که رفتی و خاک میان ما و تو فاصله انداخت، مردانی اسرار سینه های خود را برای ما آشکار کردند. و به ما هجوم آوردند و ما کوچک شمرده شدیم. آن زمان که تو از میان ما رفتی و هر زمینی غصب شد، به ما مصیبتی رسید که در دنیا، نه در عرب و نه در عجم، هیچ کس بدان مبتلا نشد.

به زودی در روز قیامت آن کس که سبب ظلم به ما بود، خواهد دانست به کجا می رود.»

ص: 446

این بود گوشه ای از اشعار آن بانوی نمونه اسلام. ان شاء الله خداوند توفیق آشنایی بیش تر با معارف آن بزرگواران را به ما عنایت فرماید!

ص: 447

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

مقدمه

فصل ششم: سوگنامه

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

مقدمه

حضرت فاطمه و امام علی(ع) دو یار همراه و دو ستاره آسمانی اند که برای نشان دادن راه آسمان چند روزی به زمین آمدند و سپس به آسمان بازگشتند. آن دو یار مهربان، نامهربانیها و بی مهری های بی حسابی از خاکیان دیدند و بزرگوارانه از کنار مزاحمتهای شب پره های مزاحم گذشتند. از این بی مهریها و مزاحمتها حکایات فراوانی گفته اند و شنیده ایم؛ اما در این اوراق معدود، برآنیم تا از زبان تنها همتای زهرا(س)، گوشه ای اندک از تلخیهای رفته بر آن عزیز را بخوانیم و بدانیم. ابتدا جملاتی چند در بلندای مقام آن زهره درخشنده از زبان امام علی(ع) نقل می کنیم و سپس به بیان رنجهای حضرت زهرا(س) می پردازیم.

ص: 448

حضرت فاطمه(س)، برترین بانو

فصل ششم: سوگنامه

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

حضرت فاطمه(س)، برترین بانو

معاویه در نامه ای که به امام علی(ع) می نویسد، به فخر فروشی در مقابل امام می پردازد. امام در پاسخ به نامه او به بیان فضیلتهای بنی هاشم و فضیحتهای بنی امیه می پردازد و می فرماید:

«أَنَّی یَکُونُ ذَلِکَ کَذَلِکَ وَ مِنَّا النَّبِیُّ وَ مِنْکُمُ الْمُکَذِّبُ وَ مِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَ مِنْکُمْ أَسَدُ الْأَحْلَافِ وَ مِنَّا سَیِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ وَ مِنْکُمْ صِبْیَهُ النَّارِ وَ مِنَّا خَیْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ مِنْکُمْ حَمَّالَهُ الْحَطَبِ فِی کَثِیرٍ مِمَّا لَنَا عَلَیْکُمْ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_449_1)( ؛

شما چگونه و کجا با ما برابرید؟ که از میان ما پیامبر(ص) برخاست و دروغ زن (ابوجهل) از شما، واسد الله (حمزه سید الشهدا) از ما و اسد الاحلاف (شیر سوگندها؛ اسد بن عبد العزی) از شما، و از ماست دو سید جوانان اهل بهشت (حسن(ع) و حسین(ع)) و از شما است کودکانی )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_449_2)( که آتش نصیب آنان گردید. و از ما است بهترین زنان جهان (فاطمه(س)) و از شماست آن که هیزم کشد برای دوزخیان (ام جمیل، همسر ابی لهب) )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_449_3)( و بیش از این ما را فضیلتها و شما را فضیحتها است.»

ص: 449

1- . نهج البلاغه، نامه 28، ترجمه دکتر شهیدی.

2- . اشاره به جمله رسول خدا(ص) است. وقتی آن حضرت پس از جنگ بدر دستور کشتن «عقبه بن ابی معیط» را داد، عقبه گفت: «من للصبیه یا محمد؛ چه کسی برای کودکان خواهد ماند؟» حضرت فرمود: «النار؛ آتش.»

3- . ام جمیل، خواهر ابوسفیان، زن ابولهب و عمه معاویه بود.

علی و فاطمه(ع) از زبان یکدیگر

فصل ششم: سوگنامه

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

علی و فاطمه(ع) از زبان یکدیگر

پیامبر گرامی اسلام(ص) پس از ازدواج حضرت علی و فاطمه(ع) و سپری شدن مراسم عروسی، ابتدا از علی(ع) پرسید: همسرت فاطمه(س) را چگونه یافتی؟ امام پاسخ داد: «نَعَم العُونُ عَلَی طَاعَهِ الله؛ در اطاعت کردن از خدا خوب یار و یاوری است.» سپس از دختر خود، فاطمه(س) پرسید: شوهرت را چگونه یافتی؟ آن حضرت پاسخ داد: «خیر بعل؛ بهترین شوهر است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_450_1)(

ص: 450

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 117 و 133.

زحمات حضرت فاطمه(س) در منزل

فصل ششم: سوگنامه

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

زحمات حضرت فاطمه(س) در منزل

به دنبال تقسیم کار پیامبر(ص) بین حضرت زهرا(س) و علی(ع) و واگذاری کارهای داخل منزل به فاطمه(س)، گرچه علی(ع) نیز در کمک به همسرش از هیچ کوششی دریغ نمی کرد؛ اما در عین حال انجام تمام کارهای منزل برای فاطمه(س) باری گران بود. برای کاهش زحمتهای منزل، امام(ع) راه حلی به فاطمه پیشنهاد می کند. آن حضرت بعدها این ماجرا را چنین نقل فرمود: «فاطمه زهرا(س)، عزیزترین عزیزان رسول خدا(ص) در خانه من بود. فاطمه(س) آنقدر با آسیاب آرد کرد تا دستهایش پینه بسته بود و آنقدر از چاه آب کشید که اثر آن بر سینه اش باقی مانده بود و به اندازه ای خانه را روبید تا اینکه لباسهایش غبار آلود شده بود، و آن قدر زیر دیگ آتش بر افروخت تا لباسش کثیف و گردآلود گردیده بود و به همین علت، به سختی و زحمت افتاد. روزی شنیدم چند غلام خدمت پیامبر(ص) آورده اند. به فاطمه گفتم: وقتی خدمت پدر رفتی از او خادمی بخواه تا در کارها مدد رسان تو باشد و از این همه رنج و محنت آسوده شوی.

فاطمه زهرا(س) خدمت رسول خدا(ص) رفت. ملاحظه کرد که گروهی با ایشان مشغول بحث و گفتگو هستند؛ لذا بدون اینکه با پدر سخنی بگوید، از شرم و حیا بازگشت. چون رسول خدا(ص) می دانست که فاطمه(س) برای حاجت و نیازی مراجعه کرده است، خود به منزل ما آمد. ما در بستر استراحت بودیم، وی بالای سر فاطمه(س) نشست و فاطمه(س) از جهت شرم و حیا سر خود را زیر رخت خواب کرد.

ص: 451

حضرت فرمود: فاطمه جان! برای چه منظوری نزد من آمدی؟ او دو مرتبه سؤال فرمود و فاطمه ساکت بود.

عرض کردم: ای رسول خدا! من علت را برای شما عرض می کنم. فاطمه آن قدر سنگ آسیاب را چرخانده که دستش پینه بسته و آن قدر آب کشیده که بر سینه اش اثر آن باقی مانده و آن قدر خانه را جارو کرده که لباسش خاک آلود شده و آن قدر آتش در زیر دیگ افروخته که پیراهن او کثیف شده و بوی دود گرفته است. شنیدیم که غلامان و خادمان چندی را خدمت شما آورده اند، به فاطمه(س) گفتم: به سراغ پدر خود رفته، از ایشان خدمت کاری بخواه تا تو را کمک کند.

رسول خدا(ص) فرمود: «الا ادلکما علی خیر ممّا سألتما. اذا اخذتما مضاجعکما تکبرا اربعا وثلاثین وتسبحا ثلاثا وثلاثین وتحمدا ثلاثا وثلاثین فهو خیر لکما من خادم یخدمکما؛ شما را از مطلبی آگاه کنم که برای شما از خادمی که خواستید بهتر است؟ وقتی از خواب برخاستید (در بعضی روایات آدمده است وقتی به رختخواب رفتید) سی و چهار مرتبه «الله اکبر»، سی و سه بار «سبحان الله» و سی و سه بار «الحمد لله» بگویید، این برای شما از خادمی که به شما خدمت کند بهتر است.»

ص: 452

آنگاه فاطمه سر خود را بیرون آورد و سه بار فرمود: «رضیت عن الله ورسوله؛ از خدا و رسول او راضی و خشنود شدم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_453_1)(

ص: 453

1- . حلیه الاولیاء، ج 2، ص 41؛ بحار الانوار، ج 43، ص 82.

عیادت ناتمام

فصل ششم: سوگنامه

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

عیادت ناتمام

وقتی عباس، عموی پیامبر(ص) برای عیادت فاطمه(س) به منزل علی(ع) آمد، به دلیل کسالت شدید آن حضرت و ممنوع الملاقات بودن ایشان، موفق به عیادت آن عزیز نشد. به منزل خود بازگشت و پیکی روانه منزل حضرت علی(ع) کرد، تا به حضرت این پیغام را برساند: «آن گونه که من احساس می کنم، فاطمه(س) روزهای پایان عمر خود را می گذراند و اول کسی است که به پیامبر(ص) ملحق می شود. من پیشنهاد می کنم در صورت رحلت ایشان، مهاجرین و انصار را خبر کنید تا در مراسم نماز و دفن آن حضرت شرکت کنند، که این کار، هم باعث فیض معنوی و ثواب حاضران است، و هم باعث تقویت شعائر دینی.»

امام(ع) در پاسخ به پیشنهاد عمویش، عباس بن عبد المطلب، فرستاده ای به نزد او روانه کرد تا این پیام را برساند: «أَبْلِغْ عَمِّیَ السَّلَامَ وَ قُلْ لَا عَدِمْتُ إِشْفَاقَکَ وَ تَحِیَّتَکَ وَ قَدْ عَرَفْتُ مَشُورَتَکَ وَ لِرَأْیِکَ فَضْلُهُ إِنَّ فَاطِمَهَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ(ص) لَمْ تَزَلْ مَظْلُومَهً مِنْ حَقِّهَا مَمْنُوعَهً وَ عَنْ مِیرَاثِهَا مَدْفُوعَهً لَمْ تُحْفَظْ فِیهَا وَصِیَّهُ رَسُولِ اللَّهِ(ص) وَ لَا رُعِیَ فِیهَا حَقُّهُ وَ لَا حَقُّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ کَفَی بِاللَّهِ حَاکِماً وَ مِنَ الظَّالِمِینَ مُنْتَقِماً وَ أَنَا أَسْأَلُکَ یَا عَمِّ أَنْ تَسْمَحَ لِی بِتَرْکِ مَا أَشَرْتَ بِهِ فَإِنَّهَا وَصَّتْنِی بِسَتْرِ أَمْرِهَا؛ سلام مرا به عمویم برسان و بگو: خیر خواهی شما را فراموش نمی کنم. نظر شما را به خوبی دریافتم و البته احترام آن - در جای خود - محفوظ است. فاطمه(س) همیشه مظلوم واقع شده، و از حق خود بازداشته شده و از ارث خود بی بهره گردیده است. سفارش رسول خدا(ص) در مورد او عمل نشد و حقی که خدا و رسول او در مورد فاطمه(س) داشتند، رعایت نگردید و خداوند برای حکمرانی و انتقام از ظالمین `ما را` بس است.

ص: 454

عموی گرامی! از شما می خواهم به من رخصت دهید که به نظر شما عمل نکنم؛ چرا که فاطمه(س) خودش به من وصیت کرده است که امر `کفن و دفن` او مخفی باشد.»

وقتی که فرستاده عباس با این پیام به سوی او بازگشت، عباس گفت: غفران الهی نثار فرزند برادرم که البته او آمرزیده است. به راستی که نظر او بدون اشکال و صحیح است. برای عبد المطلب فرزندی با برکت تر از علی(ع) زاده نشد؛ مگر پیامبر(ص).... )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_455_1)(

ص: 455

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 210 و 211.

آهنگ جدایی

فصل ششم: سوگنامه

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

آهنگ جدایی

آن گاه که فاطمه زهرا(س) احساس کرد زمان رحلتش فرا رسیده است، در حالی که در بستر بیماری آرمیده بود، خطاب به علی(ع) فرمود: «یَا ابْنَ عَمِّ! إِنَّهُ قَدْ نُعِیَتْ إِلَیَّ نَفْسِی وَ إِنِّی لَا أَرَی مَا بِی إِلَّا أَنَّنِی لَاحِقٌ بِأَبِی سَاعَهً بَعْدَ سَاعَهٍ وَ أَنَا أُوصِیکَ بِأَشْیَاءَ فِی قَلْبِی؛ ای پسر عمو! زمان مرگ به من فرا رسیده و آن گونه که درمی یابم، پس از اندک زمانی، به پدرم ملحق می شوم. آنچه را در دل دارم به تو وصیت می کنم.»

علی(ع) به فاطمه(س) فرمود: «أَوْصِینِی بِمَا أَحْبَبْتِ یَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّه؛ ای دخت رسول خدا! آنچه دوست داری وصیت کن.»

ص: 456

آن گاه علی(ع) کنار سر فاطمه(س) نشست و به آنان که در اتاق بودند فرمود بیرون روند. سپس فاطمه(س) به علی(ع) عرض کرد: «یَا ابْنَ عَمِّ! مَا عَهِدْتَنِی کَاذِبَهً وَ لَا خَائِنَهً وَ لَا خَالَفْتُکَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِی؛ ای پسر عمو! از روزی که با من زندگی کردی، از من دروغ و خیانت ندیدی و هیچ گاه با تو مخالفت ننمودم.»

و علی(ع) در پاسخش چنین گفت: «مَعَاذَ اللَّهِ! أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبَرُّ وَ أَتْقَی وَ أَکْرَمُ وَ أَشَدُّ خَوْفاً مِنْ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوَبِّخَکِ بِمُخَالَفَتِی قَدْ عَزَّ عَلَیَّ مُفَارَقَتُکِ وَ تَفَقُّدُکِ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ اللَّهِ جَدِّدْتِ عَلَیَّ مُصِیبَهَ رَسُولِ اللَّهِ(ص) وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُکِ وَ فَقْدُکِ فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ مِنْ مُصِیبَهٍ مَا أَفْجَعَهَا وَ آلَمَهَا وَ أَمَضَّهَا وَ أَحْزَنَهَا هَذِهِ وَ اللَّهِ مُصِیبَهٌ لَا عَزَاءَ لَهَا وَ رَزِیَّهٌ لَا خَلَفَ لَهَا؛ پناه می برم به خدا! هرگز! تو نسبت به خداوند آگاه تر، نیکوکارتر، پرهیزگارتر، گرامی تر، و خائف تر از آن هستی که تو را به عنوان مخالفت با من سرزنش کنم. جدایی و فقدان تو برای من بسیار سخت است؛ ولی چه باید کرد که چاره ای برای مرگ نیست. سوگند به خدا! مصیبت رسول خدا برای من تازه شد و وفات و فقدان تو، `برای من` بسیار بزرگ `و دشوار` است. پس (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُون) از مصیبتی که بسیار دلخراش، دردناک، دشوار و اندوه آور است. به خدا قسم! این مصیبتی است که تسلیت `و آرامش` ندارد و حادثه جانسوزی است که جبران ناپذیر است. »

سپس مدتی با هم گریستند و علی(ع) سر فاطمه(س) را به سینه چسبانید و فرمود: «أُوصِینِی بِمَا شِئْتِ فَإِنَّکِ تجدنی `تَجِدِینِی` فِیهَا أَمْضِی کَمَا اَمَرْتَنِی بِهِ وَ أَخْتَارُ أَمْرَکِ عَلَی أَمْرِی؛ آنچه می خواهی وصیت کن، همانا مرا آن گونه خواهی یافت که به وصیت تو بخوبی عمل می کنم و امر تو را بر امر خودم مقدم می دارم.» سپس فاطمه(س) به بیان وصایای خود پرداخت. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_457_1)(

ص: 457

1- . بیت الاحزان، ص 241؛ بحار الانوار، ج 43، ص 191.

آغاز جدایی

فصل ششم: سوگنامه

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

آغاز جدایی

پس از شهادت حضرت زهرا(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) از شهادت مادر خود با خبر شدند، اسماء به حسنین(ع) گفت: به نزد پدرتان علی(ع) روید و خبر شهادت فاطمه(س) را به او رسانید. حسنین(ع) از خانه بیرون آمدند و در حالی که فریاد می زدند: «یَا مُحَمَّدَاهُ! یَا اَحمَدَاهُ! الیَومَ جَدِّد لَنَا مَوتِکَ اِذ مَاتَت اُمِّنَا»، وارد مسجد شدند و علی(ع) را که در مسجد بود، از شهادت فاطمه(س) آگاه نمودند. علی(ع) با شنیدن این خبر، آنچنان دگرگون شد که بی حال افتاد. آب به صورتش پاشیدند و به حال آمد. با سوز و گداز فرمود: «بِمَنِ الْعَزَاءُ یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ کُنْتُ بِکِ أَتَعَزَّی فَفِیمَ الْعَزَاءُ مِنْ بَعْدِک؛ ای دختر محمد(ص)! به چه کسی خود را تسلیت دهم؟ `تا زنده بودی` مصیبتم را به تو تسلیت می دادم، اکنون پس از تو چگونه آرام و قرار گیرم؟» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_458_1)(

ص: 458

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 249.

در سوگ یار

فصل ششم: سوگنامه

رنجهای فاطمه(س) از زبان امیرالمؤمنین(ع)

در سوگ یار

علی(ع) پس از به خاک سپاری یار دیرینه و همراه روزگار خوشیها و تلخیهای خود، در کنار تربت آن عزیز، با رسول خدا(ص) چنین درد دل کرد:

«السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّی وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ عَنِ ابْنَتِکَ وَ زَائِرَتِکَ وَ الْبَائِتَهِ فِی الثَّرَی بِبُقْعَتِکَ وَ الْمُخْتَارُ اللَّهُ لَهَا سُرْعَهَ اللَّحَاقِ بِکَ قَلَّ یَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِیَّتِکَ صَبْرِی وَ عَفَا عَنْ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ تَجَلُّدِی إِلَّا أَنَّ فِی التَّأَسِّی لِی بِسُنَّتِکَ فِی فُرْقَتِکَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ فَلَقَدْ وَسَّدْتُکَ فِی مَلْحُودَهِ قَبْرِکَ وَ فَاضَتْ نَفْسُکَ بَیْنَ نَحْرِی وَ صَدْرِی بَلَی وَ فِی کِتَابِ اللَّهِ لِی أَنْعَمُ الْقَبُولِ (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ) قَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِیعَهُ وَ أُخِذَتِ الرَّهِینَهُ وَ أُخْلِسَتِ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءَ وَ الْغَبْرَاءَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا حُزْنِی فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَیْلِی فَمُسَهَّدٌ وَ هَمٌّ لَا یَبْرَحُ مِنْ قَلْبِی أَوْ یَخْتَارَ اللَّهُ لِی دَارَکَ الَّتِی أَنْتَ فِیهَا مُقِیمٌ کَمَدٌ مُقَیِّحٌ وَ هَمٌّ مُهَیِّجٌ سَرْعَانَ مَا فَرَّقَ بَیْنَنَا وَ إِلَی اللَّهِ أَشْکُو وَ سَتُنْبِئُکَ ابْنَتُکَ بِتَظَافُرِ أُمَّتِکَ عَلَی هَضْمِهَا فَأَحْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ فَکَمْ مِنْ غَلِیلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَی بَثِّهِ سَبِیلًا وَ سَتَقُولُ وَ یَحْکُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَیْرُ الْحاکِمِین. وَ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا سَلَامَ مُوَدِّعٍ لَا قَالٍ وَ لَا سَئِمٍ فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلَا عَنْ مَلَالَهٍ وَ إِنْ أُقِمْ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِینَ وَاهاً وَاهاً وَ الصَّبْرُ أَیْمَنُ وَ أَجْمَلُ.

وَ لَوْ لَا غَلَبَهُ الْمُسْتَوْلِینَ لَجَعَلْتُ الْمُقَامَ وَ اللَّبْثَ لِزَاماً مَعْکُوفاً وَ لَأَعْوَلْتُ إِعْوَالَ الثَّکْلَی عَلَی جَلِیلِ الرَّزِیَّهِ فَبِعَیْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُکَ سِرّاً وَ تُهْضَمُ حَقُّهَا وَ یُمْنَعُ إِرْثُهَا وَ لَمْ یَتَبَاعَدِ الْعَهْدُ وَ لَمْ یَخْلُقْ مِنْکَ الذِّکْرُ وَ إِلَی اللَّهِ یَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَکَی وَ فِیکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْسَنُ الْعَزَاء؛

ص: 459

ای پیغمبر خدا! از من و از دخترت که به دیدن تو آمده و در کنار تو زیر خاک خفته است، بر تو درود باد! همان که خداوند سرعت ملحق شدنش به تو را اختیار کرد. ای رسول خدا! پس از دختر برگزیده ات شکیبایی من به پایان رسیده و خویشتن داری من به خاطر سیده زنان جهان از دست رفته است؛ اما برای من پیروی از سنت تو `که همان صبر باشد` در جدایی تو موجب تسلیت است `ای پیامبر خدا!` تو را به دست خود در دل خاک سپردم! و تو بر روی سینه من جان دادی! آری، قرآن خبر داده است که «همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم.» اکنون امانت به صاحبش رسید، و آنچه در گرو بود، گرفته شد و زهرا(س) از دست رفت. `پس از او` آسمان و زمین زشت می نماید و هیچ گاه اندوه دلم نمی گشاید و شبم بی خواب است و غم از دلم نمی رود، تا خدا مرا در جوار تو ساکن گرداند.

`مرگ زهرا` ضربتی بود که دل را خسته و غصه را پیوسته گردانید. چه زود جمع ما به پریشانی کشیده شد. شکایت `خود را` به خدا می برم و دخترت خواهد گفت که امتت پس از تو با وی چه ستمها کردند. آنچه خواهی از او بپرس و احوال را از او جویا شو. تا سرّ دل بر تو گشاید و خونی که خورده است، بیرون آید. او به زودی خواهد گفت و خدا که بهترین داور است `میان او و ستمکاران داوری` نماید.

ص: 460

`سلامی که به تو می دهم` سلام وداع کننده است، نه از روی ملالت و کسالت. اگر می ورم، ملول `و خسته جان` نیستم و اگر می مانم، به وعده خدا بد گمان نیستم. به خاطر وعده ای که خداوند به شکیبایان داده است، در انتظار پاداش می مانم که شکیبایی نیکوتر است.

اگر بیم چیرگی ستمکاران نبود، برای همیشه در کنار قبرت می ماندم و در این مصیبت بزرگ چون فرزندمرده جوی اشک از دیدگانم می راندم.

خدا گواه است که دخترت پنهانی به خاک می رود و در حالی که هنوز روزی چند از مرگ تو نگذشته، و نام تو از زبانها نرفته، حق او برده می شود و از میراث منع می شود.

ای رسول خدا! شکایت را به سوی خدا می برم و دل را به یاد تو خوش می دارم، که درود خدا بر تو باد و سلام و رضوان خدا بر فاطمه(س).» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_461_1)(

ص: 461

1- . اصول کافی، ج 1، ص 458و459؛ بحار الانوار، ج 43، صص 194 و 193.

وقتی آن حضرت از دفن فاطمه(س) فراغت یافت، بر سر قبر او ایستاد و این دو بیت را انشاء کرد:

لِکُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِیلَیْنِ فُرْقَهٌ

"

وَ کُلُّ الَّذِی دُونَ الْمَمَاتِ قَلِیلٌ

"

وَ إِنَّ افْتِقَادِی وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ دَلِیلٌ

"

عَلَی أَنْ لَا یَدُومَ خَلِیل )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_462_1)(

"

«جمع هر دو دوست را پریشانی است و هر چیز جز مرگ ناچیز است. اینکه من یکی را پس از دیگری از دست می دهم، نشان آن است که هیچ دوستی جاوید نمی ماند.»

\*\*\*

ص: 462

1- . الاخبار الموفقیات، زبیر ابن بکار، ص 194.

مرا شفاعت این پنج تن بسنده بود

"

که روز محشر بدین پنج تن رسانم تن

"

بهین خلق و برادرش و دختر و دو پسر

"

محمد و علی و فاطمه حسین و حسن )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_463_1)(

"

\*\*\*

آن روز در آن هول و فزع بر سر آن جمع

"

پیش شهدا دست من و دامن زهرا

"

تا داد من از دشمن اولاد پیمبر

"

بدهد بتمام ایزد دادار تعالی )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_463_2)(

"

ص: 463

1- . غضائری رازی.

2- . ناصر خسرو.

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

مقدمه

ایزد یکتا به طاق عرش اعلی برنگاشت

"

نام پاک و عزت و شأن و وقار فاطمه

"

ام سبطین است و جفت مرتضی سلطان دین

"

زهره برج رسالت مَه عِذار فاطمه

"

پیش سرو قامتش شرمنده طوبای بهشت

"

عرشیان تکبیرگویان بر شعار فاطمه

"

طاهر طُهر مطهّر، ظِلّ نور لم یزل

"

آیت تطهیر نازل شد به دار فاطمه )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_464_1)(

"

ص: 464

1- . دیوان حکیم آیه اللّه الهی قمشه ای، ص352.

چه دشوار است سخن گفتن از بانویی که لباس هستی بر اندامش تنگی می نمود، و آیینه آفرینش از نمایاندن چهره کامل او ناتوان بود.

زمین، تنها هجده سال حضور او را گرامی داشت و به او بالید، و تو گویی، بیش از آن تحمل چنان بار سنگین و گرانبهایی را نداشت.

چه کسی می تواند قصه غم زهرا(س) را آن گونه که هست بازگو کند؟ و اینکه چرا، تنها دختر رسول خاتم(ص) که دستش بوسه گاه پدر بود، و خاطرش نزد پدر از همگان عزیزتر، در اوج جوانی و شکوفایی، پنهان و به دور از چشم آدمیان دو رو و بی وفا، و در دل شب، برای همیشه در آغوش خاک جای می گیرد، و بدین گونه برگی خونین از دفتر تاریخ ورق می خورد؟

باری:

ص: 465

زمین به پشت خود الوند و بیستون دارد

"

غبار ماست که بر دوش او گران بوده است )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_466_1)(

"

در این نوشتار، ضمن ارائه نُه سخنرانی کوتاه، برخی از جلوه های رفتاری حضرت فاطمه زهرا(س) را بیان نموده و نام و یاد مبارک و مقدس او را گرامی می داریم.

ص: 466

1- . دیوان اقبال لاهوری، ص142.

بلندهمّتی به هنگام دعا

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

بلندهمّتی به هنگام دعا

گر مخیّر بکنندم به قیامت که چه خواهی

"

دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_467_1)(

"

انسانها در آرزو و درخواست از خداوند، گوناگون اند. همّت و آرزوی برخی از آدمیان در همین دنیای زودگذر و ناچیز خلاصه می شود. آنها جز دنیا نمی خواهند و جز برای دنیا، در چیز دیگری سعی و تلاش نمی کنند. به فرموده زیبای حضرت علی(ع): «وَاِنَّمَا الدُّنْیَا مُنْتَهَی بَصَرِ الْاَعْمَی لاَ یُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَیْئاً وَالْبَصِیرُ یَنْفُذُهَا بَصَرُهُ وَیَعْلَمُ اَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا فَالْبَصِیرُ مِنْهَا شَاخِصٌ وَالْاَعْمَی اِلَیْهَا شَاخِصٌ وَالْبَصِیرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَالْاعْمَی لَهَا مُتَزَوِّدٌ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_467_2)( همانا دنیا نهایت دیدگاه کسی است که دیده اش کور است، و از دیدنِ جز دنیا مهجور. و آنکه بیناست، نگاهش از دنیا بگذرد و بداند در پَس آن، خانه `آخرت ` است. پس بینا از دنیا رخت بردارد و نابینا رخت خویش در آن گذارد. بینا از دنیا توشه گیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم آرد.»

و امّا گروه دوم از آدمیان، کسانی هستند که همّت خویش را فراتر از جهان مادی قرار داده اند، و اگر هم برای دنیای خویش تکاپو دارند، به انگیزه توشه برداشتن برای جهان دیگر، حفظ آبرو و مانند آن است. آنها دنیا را محلّ گذر و پل رسیدن به جهان دیگر می دانند و تمام تلاش خود را بکار می گیرند تا در جهان دیگر رستگار شده، در بهشت ابدی پروردگار جای گیرند.

ص: 467

1- . سعدی.

2- . نهج البلاغه، خطبه 133.

سرانجام، اندکی از آدمیان نیز هستند که نه تنها از دام جاذبه های فریبنده دنیوی رها می شوند؛ بلکه از نعمتهای انبوه بهشت نیز می گذرند و از خداوند، تنها دیدار جمال او را می طلبند و به جای بهشت، بهشت آفرین را تمنّا می کنند، همان گونه که سعدی شیرازی سروده است:

ما از تو به غیر از تو نداریم تمنّا

"

حلوا به کسی ده که محبّت نچشیدست )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_468_1)(

"

در ضمن حکایتی، درباره حضرت فاطمه(س) چنین می خوانیم: «روزی پیامبر اسلام(ص) از دخترش زهرا(س) پرسید: دخترم! چه درخواست و حاجتی داری؟ هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است که هر چه بخواهی، تحقق می پذیرد. حضرت فاطمه(س) پاسخ داد: «شَغَلَنِی عَنْ مَسْئَلَتِهِ لَذَّهُ خِدْمَتِهِ لاَ حَاجَهَ لِی غَیْرُ النَّظَرِ اِلَی وَجْهِهِ الْکَرِیمِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_468_2)( لذتی که از خدمت حضرت حق می برم، مرا از هر خواهشی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.»

غوغای عارفان و تمنّای عاشقان

"

ص: 468

1- . کلیات سعدی، ص383.

2- . نهج الحیاه، ص91.

حرص بهشت نیست که شوق لقای توست

"

قومی هوای نعمت دنیا همی پزند

"

قومی هوای عُقبی و ما را هوای توست

"

قُوت روان شیفتگان التفات تو

"

آرام جان زنده دلان مرحبای توست )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_469_1)(

"

ص: 469

1- . کلیات سعدی، ص723.

شرم و حیا

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

شرم و حیا

یکی بیم و آزرم و شرم خدای

"

که باشد ترا یاور و رهنمای )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_470_1)(

"

حیا؛ حالتی همراه با احساس شرم، ملاحظه و فروتنی در مواجهه با دیگران، به ویژه در مقابل بزرگ تران، یا در مواجهه با امور را می گویند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_470_2)(

امام صادق(ع) درباره ارزشمندی حیا و آثار آن می فرماید: «لَوْلاَهُ (الْحَیَاءُ) لَمْ یُقَر ضَیْفٌ وَلَمْ یُوفَ بِالْعِدَاتِ وَلَمْ تُقْضَ الْحَوَائِجُ وَلَمْ یُتَحَرَّ الْجَمِیلُ وَلَمْ یُتَنَکَّبُ الْقَبِیحُ فِی شَی ءٍ مِنَ الْاَشْیَاءِ حَتَّی اِنَّ کَثِیراً مِنَ الْاُمُورِ الْمُفْتَرَضَهِ اِیضاً اِنَّمَا یُفْعَلُ لِلْحَیَاءِ فَاِنَّ کَثَیِراً مِنَ النَّاسِ مَنْ لَوْلاَ الْحَیَاءُ لَمْ یَرْعَ حَقَّ وَالِدَیْهِ وَلَمْ یَصِلْ ذَارَحِمٍ وَلَمْ یُؤَدِّ اَمَانَهً وَلَمْ یَعِفَّ عَنْ فَاحِشَهٍ اَفَلاَ تَرَی کَیْفَ وَفَّی لِلْاِنْسَانِ جَمِیعَ الْخِلاَلِ الَّتِی فِیهَا صَلاَحُهُ وَتَمَامُ اَمْرِه؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_470_3)( اگر حیا نبود، حرمت مهمان نگاه داشته نمی شد، و به وعده ها عمل نمی گردید، و حاجتها برآورده نمی شد، زیبایی `و هنجارها` انجام نمی گردید، و از زشت `و ناهنجاریها` پرهیز نمی شد؛ حتّی بسیاری از کارهای واجب نیز تنها به دلیل حیا انجام می شود. همانا اگر حیا نبود، بسیاری از مردم حقوق پدر و مادر خویش را رعایت نمی کردند، صله رحم انجام نمی دادند، امانت را `به صاحبش` برنمی گرداندند، و نسبت به فحشا عفّت نمی ورزیدند. پس آیا نمی بینی که چگونه `خداوند` به انسان خصلتی را عطا فرمود که صلاح `دنیا و آخرتش ` و کامل کننده امورش در آن است.»

«ویل دورانت» درباره حیا می نویسد: «شرم، نوعی عقب نشینی مدبّرانه است که از ترس و پاکی می زاید. در اقوام متمدّن، حیا یکی از بهترین صوَر تعالی روح عشق است و تا شکوه و درخشندگی بی مانندی بالا می رود، و گاهی بر عمیق ترین دواعی نفسانی غالب می شود. این رفتار ظریفانه، از لطف و رقّتی عالی خبر می دهد. حیا پاداشهای خود را پس انداز می کند.» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_470_4)(

ص: 470

1- . شاهنامه فردوسی، براساس چاپ مسکو، به کوشش: دکتر سعید حمیدیان، ج 7، ص183.

2- . فرهنگ فشرده سخن، ج 1، ص881.

3- . سفینه البحار، ج 1، ص828.

4- . لذّات فلسفه، ص128 و 129.

یکی از ویژگیهای آشکار حضرت زهرا(س)، حیا و آزرم بوده است. در حقیقت، اهتمام فوق العاده ایشان به پوشش و حجاب در برابر نامحرمان، ریشه در حیامندی آن حضرت داشت، تا آنجا که در این باره نقل می کنند:

«مردی نابینا پس از اجازه گرفتن، وارد منزل امام علی(ع) شد. پیامبر(ص) مشاهده فرمود که حضرت زهرا(س) برخاست و خود را پوشاند. فرمود: دخترم! این مرد نابینا است! فاطمه(س) پاسخ داد: «اِنْ لَمْ یَکُنْ یَرَانِی فَاِنِّی اَرَاهُ وَهُوَ یَشُمُّ الرِّیحَ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_471_1)( اگر او مرا نمی بیند، من او را می نگرم! `اگرچه او نمی بیند` و او بو`ی زن ` را استشمام می کند.» رسول خدا(ص) پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی.

«اسماء بنت عمیس» می گوید: روزهای آخر زندگانی حضرت زهرا(س) با او بودم. روزی مرا به یاد چگونگی حمل جنازه توسط مردم انداخت و ابراز نگرانی کرد که: چرا جنازه زن را روی تخته ای می گذارند و بالای دست مردان حمل می کنند؟!

ص: 471

1- . بحار الانوار، ج 43، ص91.

آن گاه فرمود: «اِنِّی قَدِ اسْتَقْبَحْتُ مَا یُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ اَنَّهُ یُطْرَحُ عَلَی الْمَرْأَهِ الثَّوْبُ فَیَصِفُهَا لِمَنْ رَأی فَلاَ تَحْمِلِینِی عَلَی سَرِیرٍ ظَاهِرٍ اُسْتُرْنِی سَتَرَکَ اللّهُ مِنَ النَّارِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_472_1)( من بسیار زشت می دانم که `جنازه ` زنان را `پس از مرگ ` بر روی تابوت رو باز گذاشته و بر روی آن پارچه ای می افکنند که حجم بدن را برای بینندگان آشکار می سازد. مرا بر روی تابوتی آن چنانی مگذار و بدن مرا بپوشان! خداوند تو را از آتش جهنم محفوظ بدارد.»

نمونه ای دیگر از حیاورزی حضرت زهرا(س) را در این حکایت می خوانیم: «روزی آن حضرت به پدرش گفت: آیا اهل دنیا روز قیامت برهنه اند؟ فرمود: بلی ای دخترم! گفت: آیا من هم برهنه ام؟ فرمود: بلی، شما هم؛ ولی آنجا کسی به کسی توجه ندارد.

حضرت زهرا(س) به پدر گفت: چقدر جای خجالت است آن روز، مقابل خدای متعال. در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! به فاطمه سلام برسان و بگو: به جهت حیا و شرمش از خدا، خدا وعده فرموده که او را روز قیامت به دو حلّه از نور بپوشاند.

ص: 472

1- . نهج الحیاه، ص84 و 85.

آن گاه که حضرت فاطمه(س) نزد حضرت علی(ع) برگشت، به فاطمه گفت: آیا درباره پسرعمویت نپرسیدی؟ فرمود: چرا، پرسیدم. رسول خدا(ص) فرمود: علی(ع) در پیشگاه خداوند بالاتر از این است که روز قیامت او را برهنه محشور کند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_473_1)(

حکیم ابوالقاسم فردوسی، در ستایش حیامندی بانوان چنین می سراید:

به سه چیز باشد زنان را بهی

"

که باشند زیبای تخت مهی

"

یکی آنکه با شرم و با خواست ست

"

که جفتش بدو خانه آراست ست

"

سوم آنکه بالا و رویش بوَد

"

ص: 473

1- . بحار الانوار، ج 43، ص55.

به پوشیدگی نیز مویش بوَد )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_474_1)(

"

ص: 474

1- . شاهنامه فردوسی، ج 9، ص287.

ادب

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

ادب

مولوی در بیان اهمیت و آثار ادب می گوید:

از خدا جوییم توفیق ادب

"

بی ادب محروم گشت از فیض رب

"

بی ادب تنها نه خود را داشت بد

"

بلکه آتش در همه آفاق زد )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_475_1)(

"

در معنای ادب گفته اند:

«نگاهداشتن و رعایت شرایط هر چیز؛ و در اصطلاح، ملکه ای است در شخص که او را از کارهای زشت باز می دارد. همچنین رعایت کردن حدود هر کسی عبارت است از ادب نسبت بدان کس.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_475_2)(

حضرت علی(ع) درباره ادب می فرمایند: «اَشْرَفُ حَسَبٍ حُسْنُ اَدَبٍ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_475_3)( بهترین شرافت `و افتخار خانوادگی `، ادب نیکوست.»

ص: 475

1- . مثنوی معنوی، دفتر اوّل، بیتهای 88 و 89.

2- . فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص68.

3- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص248.

همچنین فرمود: «کُلُّ شَیْ ءٍ یَحْتاجُ اِلَی الْعَقْلِ وَالْعَقْلُ یَحْتاجُ اِلَی الْاَدَبِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_476_1)( هر چیزی نیازمند خرد است و خرد نیازمند ادب.»

اشرف مخلوقات رسول اکرم(ص) نیز با افتخار می فرمایند: «اَدَّبَنِی رَبِّی فَاَحْسَنَ تَأْدِیبِی؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_476_2)( خداوند مؤدّبم کرد و نیکو مؤدّبم ساخت.»

امام صادق(ع) در این باره می فرمایند: «اِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اَدَّبَ نَبِیَّهُ فَاَحْسَنَ اَدَبَهُ فَلَمَّا اَکْمَلَ لَهُ الْاَدَبَ قالَ: (وَاِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ) ثُمَّ فَوَّضَ اِلَیْهِ اَمْرَ الدِّینِ وَالْاُمَّهِ لِیَسُوسَ عِبادَهُ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_476_3)( خدای بزرگ پیامبر خود را ادب آموخت و نیکو ادب آموخت، و چون ادب را در او به حدّ کمال رساند، فرمود: «همانا تو دارای خلق عظیم هستی.» آن گاه کار دین و امّت را به او سپرد تا بندگان را اداره کند.»

بی گمان یکی از برجسته ترین ویژگیهای حضرت زهرا(س) نیز ادب آن حضرت بوده است. آن حضرت به عنوان دختر رسول خدا(ص) و یک معصوم، ادب را در خویش به حدّ کمال رساند، و آن را در تمام مراحل زندگی مراعات می نمود.

ص: 476

1- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص248

2- . تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص392.

3- . میزان الحکمه، ج 1، ص104.

در تاریخ آمده است که یکی از آداب و رسوم زمان آن حضرت این بود که یکدیگر را به اسم صدا می کردند؛ حتی رسول اکرم(ص) را به نام آن حضرت صدا می زدند، در حالی که این امر خلاف ادب و به دور از شأن آن حضرت بود. تا اینکه خداوند برای مؤدّب ساختن این افراد در پیشگاه رسول خدا(ص)، این آیه شریفه را نازل فرمود: (لَّا تَجْعَلُواْ دُعَآءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعَآءِ بَعْضِکُم بَعْضًا)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_477_1)( «خطاب کردن پیامبر(ص) را در میان خود، مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی `دیگر` قرار مدهید.»

از امام صادق(ع) چنین روایت شده است که حضرت فاطمه(س) فرمود: «وقتی که آیه (لَّا تَجْعَلُواْ دُعَآءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعَآءِ بَعْضِکُم بَعْضًا) بر رسول خدا(ص) نازل شد، من هم تصمیم گرفتم از آن پس، آن حضرت را به جای پدر، «رسول خدا» خطاب نمایم؛ لذا آن حضرت را «یا رسول اللّه» گفتم. رسول خدا(ص) به من فرمودند: ای فاطمه! این آیه درباره تو و خانواده ات نازل نشده است، تو از منی و من از تو هستم. این آیه درباره درشت خویان از قریش و اهل کبر و غرور نازل شده است. شما مرا پدر صدا کن که قلبم را زنده و خدا را خشنود می کند!» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_477_2)(

حافظا! علم و ادب ورز که در مجلس شاه

"

ص: 477

1- . نور/63.

2- . بحار الانوار، ج 34، ص31، به نقل از: فی سیره النبی وآله الاطهار(ع)، ص127.

هر که را نیست ادب لایق صحبت نبوَد )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_478_1)(

"

ص: 478

1- . دیوان حافظ، ص199.

زهد و ساده زیستی

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

زهد و ساده زیستی

تکلّف گر نباشد خوش توان زیست

"

تعلّق گر نباشد خوش توان مرد

"

زهد و ساده زیستی، شرطی است که خداوند با پیامبران خویش مطرح نموده است، همان گونه که در دعای ندبه می خوانیم: «وَ شَرَطْتَ عَلَیْهِمُ الزُّهْدَ فِی دَرَجاتِ هذِهِ الدُّنْیا الدَّنِیَّهِ؛ و با آنها در درجه های این دنیای پست زهد را شرط نمودی.»

ساده زیستی و بی رغبتی نسبت به جاذبه های دنیوی، افزون بر آنکه آدمی را از بسیاری از لغزشها و گناهان باز می دارد، رمز اصلی آرامش قلبی و شادابی روحی نیز می باشد.

به تعبیر زیبای سعدی:

ص: 479

آن کس از دزد بترسد که متاعی دارد

"

عارفان جمع نکردند و پریشانی نیست

"

وانکه را خیمه به صحرای فراغت زده اند

"

گر جهان زلزله گیرد غم ویرانی نیست )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_480_1)(

"

استاد شهید مطهری درباره آثار مثبت و سازنده ساده زیستی می گویند: «به هر اندازه که انسان بیش تر به اشیاء عادت داشته باشد، بیش تر به آنها بسته است و اسیر آنهاست. و به هر اندازه که انسان اسیر باشد، آزادی ندارد. انسانهایی که آرزو دارند آزاد زندگی کنند و به آزادی علاقمندند، همیشه کوشش می کنند زنجیرها را تا آنجا که ممکن است از دست و پای خودشان برگیرند. ... و لهذا زندگی پیامبران عظام و رهبران بزرگ اجتماع، همواره زندگی ساده ای بود. ما در شرح حال رسول اکرم(ص) می خوانیم: «کانَ رَسُولُ اللَّه خَفِیفَ الْمَؤُونَهِ» اوّلین چیزی که در سیره پیغمبر اکرم(ص) به چشم می خورد این است که مردی بود سبک خرج. لباس و خوراکش و همچنین در نشست و برخاست و مسافرت، بسیار ساده بود... .

گاندی، این مرد هندو، وقتی می خواهد هند را رهبری کند و جمعیت هندوستان را از چنگال استعمار رها کند، چاره ای ندارد جز اینکه راه پیامبران را در پیش گیرد، یک زندگی ساده برای خودش انتخاب کند، پارچه ساده ای روی دوشش بیندازد و تمام دارایی اش یک بز باشد و بگوید: من با همین می توانم زندگی کنم.

ص: 480

1- . کلیات سعدی، ص653.

روزی پیغمبر اکرم(ص) به خانه دخترش زهرا(س) وارد می شود و می بیند که او یک دستبند نقره در دست دارد و پرده الوانی را بر در آویخته است. به علامت اعتراض برمی گردد. حضرت زهرا که از خلق و خوی پدر بزرگوارش آگاه بود، فوراً دستبند را از دست درآورد و پرده را کند و آنها را خدمت پدر بزرگوارش فرستاد و پیغام داد که در هر راه که خودتان صلاح می دانید، مصرف فرمایید. پیامبر اکرم(ص) نیز فوراً تمام آنها را به اصحاب صفّه بخشید.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_481_1)(

مقام معظم رهبری از وانهادن ساده زیستی و روی آوردن به مصرف گرایی با عنوان «بلای جامعه» یاد کرده و می فرماید: «برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف روز به روز در آن زیاد شود، و همه به بیش تر مصرف کردن، بیش تر خوردن، متنوّع خوردن، متنوّع پوشیدن و دنبال نشانه های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق بشوند.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_481_2)(

باید اذعان داشت که در عصر حاضر، نقش الگویی حضرت زهرا(س) درباره زهد و ساده زیستی بیش از هر زمان دیگر آشکارتر است و ما بیش از پیش به تأثیرپذیری از این الگوی مبارک نیازمندیم؛ چرا که در هیچ روزگاری به اندازه روزگار ما، انسانها در برابر انواع جاذبه های رنگارنگ دنیا و انبوه کالاهای مصرفی آن قرار نگرفته اند، در نتیجه، در هیچ زمانی همانند این عصر و زمان، دلهای آدمیان - به واسطه تعلّق به این دستاوردهای تمدّن مادّی و تکنولوژی - گرفتار اضطراب، دلهره و تشویش نشده است.

ص: 481

1- . احیای تفکر اسلامی، برگرفته از صفحات: 90، 91، 95، 97 و 98.

2- . خطبه های عید فطر، 15 آذر 1381، به نقل از باربی، ص114 و 115.

پیام ساده زیستی حضرت زهرا(س)، پیام آسودگی خاطر، آرامش و صفای روحی است که امروزه می تواند به عنوان یکی از عوامل نجات آدمیان از این گرداب دل بستگیها به شمار آید.

از سلمان فارسی چنین نقل شده است که می گوید: «روزی حضرت فاطمه(س) را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر داشت. در شگفتی ماندم و گفتم: عجبا! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر تختهای طلا می نشینند و پارچه های زربافت به تن می کنند. وه! که این دختر رسول خداست! نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباسهای زیبا!

فاطمه(س) پاسخ داد: ای سلمان! خداوند بزرگ، لباسهای زینتی وتختهای طلا را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.

سپس حضرت زهرا(س) خدمت پدر رفت و شگفتی سلمان را مطرح کرد و فرمود: «ای رسول خدا! سلمان از سادگی لباس من تعجب نمود. سوگند به خدایی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می خورد و شبها بر روی آن می خوابیم، و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_482_1)(

ص: 482

1- . بحار الانوار، ج 8، ص303؛ به نقل از: نهج الحیاه، ص144 و 145.

ناگفته نماند که گرچه در عصر حاضر نمی توان همانند حضرت زهرا(س) زندگی کرد و ساختار ساده زیستی را براساس زهد ایشان پی ریزی نمود؛ اما در این زمان نیز می توان این کار را متناسب با مقتضیات روز تبیین نمود و براساس آن، زندگی پاکیزه ای بنا کرد. زندگی ای که در آن از زیاده روی در مصرف و انباشتن کالاهای غیر ضروری و پرورش نیازهای کاذب خبری نیست و تنها براساس نیازمندیهای راستین انسان استوار است.

ص: 483

عبادت و اخلاص فاطمه(س)

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

عبادت و اخلاص فاطمه(س)

«حسن بصری» می گفت: «ما کان فی هذه الامه اعبد من فاطمه کانت تقوم حتّی تورّم قدماها؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_484_1)( عابدتر از فاطمه(س) در میان امّت نمی توان یافت؛ چرا که به حدّی به عبادت می ایستاد که پاهایش ورم می کرد.»

حتی نقل شده است که در شب ازدواج آن حضرت علی(ع) همسرش را نگران دید. علّت را پرسید، فاطمه فرمود: درباره حال و وضع خود فکر کردم و پایان عمر و قبر را به یاد آوردم، و انتقال از خانه پدر به منزل خودم، مرا به یاد ورود به قبر انداخت، تو را به خدا قسم! بیا در آغاز زندگی مشترک، به نماز برخیزیم و امشب را به عبادت خدا بپردازیم. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_484_2)(

روزی حضرت فاطمه(س) از پدر پیرامون کسانی که نماز خود را سبک می شمارند سؤال کرد، حضرت فرمود: فاطمه جان! هر کسی از مردان و زنان نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده بلا گرفتار می سازد، شش بلای دنیوی سه مورد در وقت مردن، سه بلا در قبر، و سه گرفتاری در قیامت، زمانی که از قبر خارج می شود.

ص: 484

1- . علل الشرایع، ص182، مناقب ابن شهرآشوب، ج 3، ص341.

2- . احقاق الحق، ج 6، ص33.

شش بلای دنیوی عبارتند از: خداوند برکت را از عمرش برمی دارد. از روزی او برکت را دور می کند. سیمای صالحین را از چهره اش محو می کند. به اعمالش پاداش نمی دهد. دعایش به آسمان نمی رود. بهره ای از صالحین ندارد.

سه بلای وقت مرگ: ذلیل از دنیا می رود. گرسنه می میرد، تشنه از دنیا می رود؛ هرچند آب نهرهای دنیا را به او بدهند.

سه بلای قبر: خداوند فرشته ای در قبر می گمارد که او را عذاب دهند. قبرش را تنگ می کند. گرفتار ظلمت قبر می شود.

سه بلای روز قیامت: خداوند ملکی را موکّل می سازد تا او را با صورت بر زمین بکشد، در حالی که خلایق تماشا می کنند. محاسبه اعمالش به سختی انجام می شود. خدا به نظر لطف به او نمی نگرد و برای اوست عذاب همیشگی. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_485_1)(

رسول خدا(ص) درباره عبادت حضرت فاطمه(س) می فرمود: «وقتی زهرا در محراب عبادت می ایستد، همچون ستاره ای برای ملائکه آسمان می درخشد، خدا به ملائکه می گوید: ای ملائکه! بنگرید به بهترین بندۀ من فاطمه(س). او در مقابل من ایستاده و از خوف من تمام وجودش می لرزد و با تمام حضور قلب خود، به عبادت من روی آورده است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_485_2)(

ص: 485

1- . نماز و عبادت زهرا(س)، صص 81 و 82.

2- . بحار الانوار، ج 43 ص172.

امام صادق(ع) فرمود: «کَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِی مِحْرَابِهَا زَهَرَ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ کَمَا یَزْهَرُ نُورُ الْکَوَاکِبِ لِأَهْلِ الْأَرْض؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_486_1)( هرگاه فاطمه(س) در محراب عبادتش می ایستاد، نور او برای اهل آسمان می درخشید، آن گونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند.»

امام حسن(ع) فرمود: «مَا کَانَ فِی الدُّنْیَا أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَهَ(س) کَانَتْ تَقُومُ حَتَّی تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا؛ عابدتر از فاطمه در دنیا نبود، `آنقدر عبادت کرد` که پاهای `مبارکش` ورم کرد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_486_2)(

از «حسین بن روح» سؤال شد: پیامبر اسلام(ص) چند دختر داشت؟ گفت: چهار دختر. سؤال شد: کدام یک برتر بود؟ گفت: فاطمه؛ به خاطر اینکه وارث `علم` نبی بود و نسل پیامبر(ص) از طریق او انتشار یافت، و خداوند این دو خصلت را به خاطر اخلاص او عنایت فرمود. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_486_3)(

سوره «هل اتی» هم که پاداش اخلاص و عطای اهل بیت(ع) است، بر اوج اخلاص فاطمه(س) به عنوان یکی از اهل بیت(ع) دلالت دارد.

ص: 486

1- . بحار الانوار، ج 43 ، ص 12.

2- . بحار الانوار، ج 43 ، ص 49.

3- . بحار الانوار، ج 43 ، ص 37.

توجّه به همسایگان

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

توجّه به همسایگان

از نگاه اسلام، همسایه جایگاه والایی دارد و لازم است همواره در حفظ حرمت او کوشید و از آزار وی پرهیز نمود.

در حقیقت، رضامندی همسایه ها به واسطه نیکی در حق آنان، بر زندگی فرد تأثیر خوبی به جا می گذارد. چه بسا برای آدمی حوادث و مشکلاتی پیش آید و نیازمند یاری شود. در چنین احوالی، این همسایگان هستند که می توانند زودتر از دیگران به کمک شخص بشتابند. در واقع، ضرب المثل معروف «همسایه از همسایه ارث می برد»، افزون بر آنکه همسایه ها را مدیون همدیگر معرفی می کند، آنها را در حلقه بستگان و فامیل نیز قرار می دهد.

از «عبداللّه بن مسعود» روایت شده است که گفت: مردی حضور حضرت فاطمه(س) شرفیاب شد و عرض کرد: ای دختر رسول خدا(ص)! آیا از پیامبر گرامی اسلام(ص) نزد شما چیزی مانده است که به من مرحمت فرمایید؟

ص: 487

حضرت فاطمه(س) به خدمتکار خانه خود فرمود: آن نوشته را نزد من بیاور. خدمتکار به جستجو برآمد و آن را پیدا نکرد.

حضرت فاطمه(س) فرمود: وای بر تو! آن نوشته نزد من مساوی است با حسن و حسین، آن را پیدا کن!

خادمه دوباره پی گیری کرد و معلوم شد که آن را جارو کرده و در سطل خاکروبه انداخته بود. آن را برداشت و به خدمت حضرت زهرا(س) آورد. نوشته این بود: «قال محمد النبی(س): لَیْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ مَنْ لَمْ یَأْمَنْ جارُهُ بَوائِقَهُ وَمَنْ کانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ فَلا یُؤْذِی جارَه؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_488_1)( از مؤمنین نیست کسی که همسایه از بلای او در امان نباشد، و هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه اش را آزار نمی دهد.»

حق همسایه را در دفتر عشق

"

ص: 488

1- . ر.ک: سفینه البحار، ج 1، ص555، (ماده حدث).

سفارشها نموده دلبر عشق

"

به احسان کوش با همسایه و خویش

"

ز آزار دل آنان بیندیش

"

دل همسایه گر شاد از تو باشد

"

بسی به تا به فریاد از تو باشد )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_489_1)(

"

شهید مطهری در کتاب «داستان راستان» در رابطه با توجّه حضرت فاطمه(س) به همسایگان این گونه می نویسد: «در آن شب، همه اش به کلمات مادرش - که در گوشه ای از اطاق رو به طرف قبله کرده بود - گوش می داد.

رکوع و سجود و قیام و قعود مادر را در آن شب که شب جمعه بود، تحت نظر داشت. با اینکه هنوز کودک بود، مراقب بود ببیند مادرش که این همه درباره مردان و زنان مسلمان دعای خیر می کند و یک یک را نام می برد و از خدای بزرگ برای هر یک از آنها سعادت و رحمت و خیر و برکت می خواهد، برای شخص خود از خداوند چه چیزی مسئلت می کند؟

امام حسن(ع) آن شب را تا صبح نخوابید و مراقب کار مادرش، صدیقه مرضیّه(س) بود و همه اش منتظر بود که ببیند مادرش درباره خود چگونه دعا می کند و از خداوند برای خود چه خیر و سعادتی می خواهد!

ص: 489

1- . شکوفه های عرفان، ص57.

شب صبح شد و به عبادت و دعا درباره دیگران گذشت و امام حسن(ع) حتی یک کلمه نشنید که مادرش برای خود دعا کند. صبح به مادر گفت: مادر جان! چرا هر چه گوش کردم، تو درباره دیگران دعای خیر کردی؛ ولی درباره خودت یک کلمه دعا نکردی؟

مادر مهربان جواب داد: پسرک عزیزم! «الْجارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_490_1)( اوّل همسایه، بعد خانه خود.»

ص: 490

1- . داستان راستان، ص87 و 88.

ایثار

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

ایثار

«ایثار به معنی برتر داشتن و مقدم داشتن دیگران نسبت به خود و کرم کردن به آنها است. این اصطلاح در مقابل خودخواهی قرار دارد. به جای لفظ ایثار، غیرخواهی نیز به کار می رود، که ناشی از خودفراموشی و دوستی و احترام به دیگران و صفای طبع است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_491_1)(

در روایتی از حضرت علی(ع) می خوانیم: «خَیْرُ الْمَکارِمِ الْاِیثار؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_491_2)( بهترین مکارم `اخلاق `، ایثار است.»

و باز از آن حضرت است که فرمود: «الْاِیثارُ اَعْلی مَراتِبِ الْکَرَمِ وَاَفْضَلُ الشِّیَمِ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_491_3)( ایثار، والاترین درجه کرامت و برترین خصلتهاست.»

در کتاب «عوارف المعارف» آمده است: یکی از عرفا گفت: هیچ کس بر من چنان غلبه نکرد که جوانی از بلخ. از حج می آمد، مرا گفت: حدّ زهد نزد شما چیست؟ من گفتم: چون بیابیم، بخوریم و چون نیابیم، صبر کنیم.

ص: 491

1- . فرهنگ فلسفی، ص180 و 181.

2- . غرر الحکم و درر الکلم، ج 3، ص421، ح 4953.

3- . غرر الحکم و درر الکلم، ج 1، ص372، ح 1419.

گفت: سگان بلخ همین صفت دارند. پس من او را گفتم: حدّ زهد نزد شما چیست؟ گفت: ما چون نیابیم، صبر کنیم و چون بیابیم، ایثار کنیم. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_492_1)(

در حکایت است که عرب تازه مسلمان نیازمندی در مسجد پیامبر(ص) اظهار نیاز کرد. سلمان فارسی که خود هیچ نداشت، او را به در خانه سرچشمه نیکیها، فاطمه زهرا(س) برد. حضرت فرمود: ای سلمان! به خدا سوگند سه روز است غذا نخورده ایم و فرزندانم گرسنه اند؛ ولی نیکی و نیکوکاری را که درِ خانه مرا کوبیده است، رد نمی کنم. آن گاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه شمعون یهودی گرو بگذارد و مقداری خرما و جو قرض بگیرد. وقتی سلمان این کار را کرد، مقداری از همان خرما و جو را به منزل فاطمه(س) برد؛ ولی آن حضرت فرمود: ای سلمان! این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام داده ام و هرگز چیزی از این غذاها برنمی دارم. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_492_2)(

همچنین درباره ایثار آن حضرت چنین نقل می کنند که: مرد گرسنه ای در مسجد مدینه به پا خاست و گفت: ای مسلمانان! از گرسنگی به تنگ آمده ام، مرا مهمان کنید!

ص: 492

1- . عوارف المعارف، ص112.

2- . نهج الحیاه، ص119 و 120.

پیامبر اسلام(س) فرمود: چه کسی این مرد را امشب مهمان می کند؟ حضرت علی(ع) فرمود: من، یا رسول اللّه!

حضرت، اندکی بعد وارد منزل شد و از فاطمه زهرا(س) پرسید: آیا غذایی در منزل داریم؟ مهمان گرسنه آورده ام. حضرت زهرا(س) ایثارگرانه فرمود: «ما عِنْدَنا اِلَّا قُوت الصَّبِیَّهِ وَلکِنَّا نُؤْثِرُ بِهِ ضَیْفَنا؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_493_1)( در خانه ما غذایی نیست؛ مگر به اندازه خوراک دختر بچه ای؛ اما `امشب ایثار می نماییم و گرسنگی را تحمل می کنیم، و` همین مقدار غذا را به مهمان می بخشیم.»

به خلق آسایش آرد، خویش را رنج

"

که جوید در خراب خویشتن گنج

"

ص: 493

1- . نهج الحیاه ، ص119.

همه راحت بوَد بر خلق، بی رنج

"

وجودش خلق را شادیست چون گنج

"

بکوش ای جان که بر بیگانه و خویش

"

وجودت نوش شاید بود بی نیش

"

چو بتوان شد دوای دردمندان

"

نشاید گشت درد مستمندان )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_494_1)(

"

ص: 494

1- . شکوفه های عرفان، ص60.

کار در خانه

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

کار در خانه

یکی از عوامل شادابی، نشاط و تکامل خانواده ها، تعیین حدود مسئولیتها در خانواده است، و اینکه هر کدام از زن و مرد، کارهایی را که با ویژگیهای جسمی و روحی آنان هماهنگ است به عهده گیرند و از کارهایی که با ساختار وجودی شان ناهماهنگ است، پرهیز نمایند. در این باره بهترین الگو، زندگی حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س) می باشند.

از امام باقر(ع) نقل شده است که: حضرت فاطمه(س) کارهای منزل را این گونه با حضرت علی(ع) تقسیم کرد: خمیر کردن آرد، نان پختن، تمیز کردن و جارو زدن خانه، به عهده فاطمه(س) باشد و کارهای بیرون خانه، مانند: جمع آوری هیزم و تهیه مواد اولیه غذایی به عهده علی(ع) باشد. که این تقسیم کار، با رهنمود رسول خدا(ص) انجام گرفت. آن گاه که رسول خدا(ص) فرمود: کارهای داخل خانه را فاطمه(س) و کارهای بیرون منزل را علی(ع) انجام دهد، حضرت زهرا(س) با خوشحالی فرمود: «فَلا یَعْلَمُ ما داخَلَنِی مِنَ السُّرُورِ اِلَّا اللَّهُ بِاِکْفائِی رَسُولُ اللَّهِ تَحَمُّلَ رِقابِ الرِّجالِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_495_1)( جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا(ص) مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، باز داشت.»

باری، حضرت زهرا(س) مانند دیگر زنان جامعه کار می کرد، گندم را با آسیاب دستی آرد می نمود، نان می پخت، کار روزانه را انجام می داد، تا آنجا که دستهای مبارکش زخمی شد و روزی این گونه با پدر به درد دل نشست: «قَدْ مَجِلَتْ یَدایَ مِنَ الرَّحی؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_495_2)( هر دو دستم `به علت آرد کردن گندم ` با آسیاب دستی ورم کرده و زخم شده است.»

ص: 495

1- . بحار الانوار، ج 43، ص81.

2- . احقاق الحق، ج 10، ص266؛ به نقل از: نهج الحیاه، ص146.

مقام معظم رهبری درباره اهمیت کار زن در منزل می فرماید: «وظایف داخل خانه زنان، نه اهمیّتش کم تر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کم تر است. خیلی کار پرزحمتی است، خیلی کار ظریفی است. برخی فکر می کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کارِ خانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست؛ بلکه مهم ترین کار برای زن این است که زندگی را سرپا نگه دارد.»

ص: 496

با فرزندان

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

با فرزندان

الف) بچه داری

هنر بزرگ زن و میزان شخصیت او را می توان از چگونگی بچه داری کردن او تشخیص داد؛ چراکه سلامت روحی و جسمی فرزند، در گرو بچه داری درست مادر است. این مهم و اینکه آنان در این باره در چه وضعیتی می باشند، نموداری است که اندازه تلاش، زحمت، دلسوزی، فرهنگ و اندیشه مادر را آشکار می سازد.

در حقیقت، خوشبختی واقعی مادران در پرورش فرزندانی سالم و صالح می باشد. پرواضح است که رساندن فرزندان به چنین فرجامی، کاری دشوار و طاقت فرسا است که تنها زن می تواند از عهده آن برآید. به تعبیر مقام معظم رهبری:

«بعضی از کارهای خانه خیلی سخت است. شما هر کاری را در نظر بگیرید که خیلی دشوار باشد، در مقابل بچه داری در واقع آسان است. بچه داری هنر خیلی بزرگی است. مردها یک روز هم نمی توانند این کار را انجام دهند. زنها با دقت، با حوصله و با ظرافت این کار بزرگ را انجام می دهند. خدای متعال در غریزه آنها این توان را قرار داده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_497_1)(

ص: 497

1- . مطلع عشق، ص82 و 83.

روزی از روزها حضرت رسول اکرم(ص) در مسجد به انتظار بلال به سر می بردند که بیاید و اذان بگوید. بلال با اندکی تأخیر به مسجد آمد. حضرت رسول اکرم(ص) فرمود: چرا دیر کردی؟

عرض کرد: هنگام آمدن به مسجد خدمت حضرت فاطمه(س) رفتم، او مشغول آرد کردن بود و فرزندش حضرت حسن(ع) نزد آسیاب روی زمین قرار داشت. گفتم: یا فاطمه! کدام یک از پیشنهادهای مرا قبول داری؟ یا من بچه را نگاه دارم و شما آسیاب کنید و یا بر عکس.

فرمود: من به فرزند مهربان ترم و بهتر می توانم کار بچه داری را انجام دهم. آن گاه آسیاب را گرفتم و آرد کردم. و این بود علت تأخیر من. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_498_1)(

ب) بازی با فرزندان

ص: 498

1- . بحار الانوار، ج 43، ص76؛ به نقل از: اخلاق حضرت فاطمه(، ص32 و 33.

هم بازی شدن پدر و مادر با کودک، افزون بر اینکه او را غرق لذّت و شادی می کند و بر صمیمیت میانشان می افزاید، اعتماد به نفس و احساس ارزش مندی را در کودک تقویت می کند. همچنین هنگام بازی، بسیاری از نکته های اخلاقی را می توان به طور مستقیم و غیر مستقیم به کودک آموخت و این فرصت مناسبی است که نباید آن را از دست داد.

در شرح حال حضرت زهرا(س) آمده است که آن حضرت با کودکان خود بازی می کرد. و البته در این هنگام فرصت آموزش نکات اخلاقی را از دست نمی داد و در کنار پرورش جسمی آنان، از تربیت روحی شان باز نمی ماند.

به عنوان نمونه، آن حضرت هنگام بازی با امام حسن(ع) این اشعار ادیبانه را می خواند:

ص: 499

اَشْبِهْ اَباکَ یا حَسَنُ

"

وَاخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنَ

"

وَاعْبُدْ اِلهاً ذَا الْمِنَنِ

"

وَلا تُوالِ ذَا الْاِحَنِ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_500_1)(

"

«حسن جان! مانند پدرت علی(ع) باش و ریسمان را از گردن حق بردار! خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد کینه توز دوستی مکن!»

یکی از دانشمندان درباره آثار سازنده بازی پدر و مادر با کودک خویش می نویسد: «رمز و کلید تربیت کودک در این است که پدر و مادر از نو بتوانند مانند کودکان بشوند و از مقام و درجه ای که دارند پایین بیایند و با برابری خالصانه با کودک خود بازی کنند. شاید با این صمیمیتی که از روی فروتنی است، بتوانیم اطمینان و محبّت کامل کودک را که سنگ بنای تربیت است، به دست آوریم.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_500_2)(

چونکه با کودک سر و کارت فتاد

"

ص: 500

1- . نهج الحیاه، ص156.

2- . لذّات فلسفه، ص188.

هم زبان کودکان باید گشاد )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_501_1)(

"

ص: 501

1- . مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیت 2577.

رعایت عدالت میان فرزندان

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

سخنرانیهای کوتاه به مناسبت دهه فاطمیه(س)

رعایت عدالت میان فرزندان

هر جا عدالت رعایت شود، پی آمدهای نیکی به دست می آید. و در مقابل، هر وقت در حق کسی ستم شود، آثار ویران گری به جای خواهد گذاشت.

رعایت عدالت در محبت ورزی، توجه به فرزندان و پرهیز از تبعیض در حق آنان، نمونه های والای عدالت به شمار می رود که در حفظ تعادل روحی فرزندان، و جلوگیری از کینه توزی و احساس حقارت در آنان اثر بسیار سازنده ای دارد.

رسول گرامی اسلام(ص) در این باره می فرمایند: «اِعْدِلُوا بَیْنَ اَوْلادِکُمْ بِالنُّحْلِ کَما تُحِبُّونَ اَنْ یَعْدِلُوا بَیْنَکُمْ فِی الْبِرِّ وَاللُّطْفِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_502_1)( میان فرزندانتان در بخشش به عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید در نیکی و محبت با شما به عدالت رفتار کنند.»

باز از آن حضرت است که: «اِتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا بَیْنَ اَوْلادِکُمْ کَما تُحِبُّونَ اَنْ یَبَرُّوکُمْ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_502_2)( از خدا بترسید و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید، همان طور که می خواهید با شما به نیکی رفتار کنند.»

ص: 502

1- . نهج الفصاحه، ص447.

2- . نهج الفصاحه، ص447.

نقل شده است که: روزی حضرت رسول(ص) مردی را دید که یکی از دو کودک خود را بوسید و دیگری را نبوسید. حضرت فرمود: «فَهَلَّا ساوَیْتَ بَیْنَهُما؛ چرا میان دو کودک خود مساوات برقرار نکردی؟» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_503_1)(

استاد شهید مرتضی مطهری درباره پیامدهای ناگوار تبعیض و بی عدالتی میان فرزندان می گوید: «پدر و مادری در میان فرزندانشان هستند. در آن خانه غذا و میوه و شیرینی و لباس میان اهل خانه تقسیم می شود. فکر و قضاوت بچه ها و تأثیراتی که در این گونه موارد پیدا می شود، با فکر و قضاوت پدر و مادر و نوع تأثری که به آنها دست می دهد، فرق دارد. آن احساسی که بچه ها نسبت به یکدیگر دارند این است که از آنها، هر کدام ببیند سهم او از میوه یا غذا یا شیرینی یا لباس از سهم دیگری کم تر است، ناراحت می شود، قهر می کند، گریه می کند و چون احساس مظلومیت و محرومیت می کند، در صدد انتقام برمی آید؛ بنابراین، لازم است پدران و مادرانی که به سعادت فرزندانشان علاقمند هستند و میل دارند بچه هایشان از کودکی روحیه سالم داشته باشند، از اوّل هیچ گونه تبعیضی میان آنها قائل نشوند.

تبعیض، تخم اختلاف کاشتن است، تخم حسادت کاشتن است، تخم انتقام کاشتن است. تبعیض موجب می شود هم روح آن بچه محروم، فشرده و آزرده و ناراحت بشود و هم آن بچه عزیز کرده متّکی به غیر، ضعیف النفس، زودرنج، لوس و نُنُر بار بیاید.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_503_2)(

ص: 503

1- . مکارم الاخلاق، ج 1، ص432.

2- . بیست گفتار، شهید مطهری، ص102.

در سیره تربیتی حضرت زهرا(س) نیز می خوانیم که آن حضرت نسبت به رعایت عدالت میان فرزندان و پرهیز از تبعیض در بین آنان اهتمام ویژه ای می ورزیدند، و در این باره حتی ظریف ترین رفتارها را از خود نشان می دادند. حکایت زیبای زیر در این باره شنیدنی است:

«روزی `امام ` حسن(ع) و `امام` حسین(ع) هر کدام به طور جداگانه چیزی را بر صفحه ای نوشتند و آن گاه آن را برای داوری نزد مادرشان حضرت فاطمه(س) آوردند.

حضرت زهرا(س) که دوست نداشت یکی از آنها را برنجاند، فرمود: بروید از پدرتان داوری بخواهید. حضرت علی(ع) نیز آنها را برای داوری نزد رسول خدا(ص) فرستاد. رسول خدا(ص) هم فرمود: من بین شما قضاوت نمی کنم تا آنکه خداوند متعال داوری نماید. و خداوند نیز از طریق وحی، داوری بین آن دو را به مادرشان فاطمه(س) ارجاع داد. در این هنگام حضرت زهرا(س) گفت: خدایا! اینک داوری می کنم. و آنگاه گردن بندی برداشت و فرمود: بچه های من! من دانه های این گردن بند را بر روی زمین می ریزم، هر کس که بیش ترین دانه ها را جمع کند، خط او بهتر است. حضرت چنین کرد، و آنها نیز شروع به جمع نمودن دانه های گردن بند نمودند، و سرانجام معلوم شد که هر دو به یک اندازه آن دانه ها را جمع کرده اند.»

ص: 504

مجالس حضرت زهرا(س) (1)

مقدمه

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (1)

مقدمه

سخنان یگانه دخت نبی مکرم اسلام(ص)، حضرت فاطمه زهرا(س)، همانند سایر معصومین( برای عموم مردم، به ویژه نسل جدید مطالبی آموزنده و درسهای تربیتی و اخلاقی به همراه دارد؛ چراکه جهان بینی متعالی، پیوند با سرچشمه هستی، تبلور ارزشهای الهی، انسانی، جامعیت و کمال، از مهم ترین شاخصه های این کلمات نورانی است. ما نیز در این فرصت با شرح فرازهایی کوتاه از خطبه فدکیه حضرت فاطمه(س)، سعی می کنیم اندکی از وظیفه خود را نسبت به گسترش فرهنگ وحیانی آن گرامی به انجام برسانیم. انشاء الله!

«زید بن علی» از عمه اش زینب کبرا(س) در مورد آن خطبه ارزشمند نقل می کند که: حضرت زینب(س) فرمود: «لَمَّا بَلَغَ فَاطِمَهَ(س) إِجْمَاعُ أَبِی بَکْرٍ عَلَی مَنْعِهَا فَدَکَ لَاثَتْ خِمَارَهَا وَ خَرَجَتْ فِی حَشَدَهِ نِسَائِهَا وَ لُمَهٍ مِنْ قَوْمِهَا، تَجُرُّ أَدْرَاعَهَا، مَا تَخْرِمُ مِنْ مِشْیَهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ `وَ آلِهِ ` شَیْئاً، حَتَّی وَقَفَتْ عَلَی أَبِی بَکْر؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_505_1)( هنگامی که به `مادرم،` فاطمه(س) خبر رسید که ابوبکر قصد دارد او را `از ارث پدری محروم نماید و` از فدک منع کند، آن حضرت مقنعه اش را بر سر گذاشت و در میان بانوان و گروهی از قومش خارج شد، در حالی که دستهایش را می کشید. چیزی از راه رفتن رسول خدا(ص) کم نگذاشت تا در مقابل ابی بکر `ایستاد و آن خطبه غرّا را ایراد نمود`.»

ص: 505

1- . مواقف الشیعه، ج1، ص480؛ دلائل الامامه، ص31؛ بلاغات النساء، ص26؛ بحار الانوار، ج29، ص239.

ایمان و نماز

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (1)

ایمان و نماز

حضرت صدیقه طاهره(س) در خطبه معروف خود، بعد از آنکه حمد و ثنای حضرت حق را به جای آورد و از زحمات پدر ارجمندش، حضرت ختمی مرتبت(ص) به نحو شایسته ای قدردانی نمود، به اهمیت و فلسفه برخی از دستورات مهم اسلامی پرداخته و فرمود: «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِیمَانَ تَطْهِیراً لَکُمْ مِنَ الشِّرْکِ، وَ الصَّلَاهَ تَنْزِیهاً لَکُمْ عَنِ الْکِبْر؛ خداوند متعال ایمان را وسیله پاکی شما از شرک و نماز را برای دوری از کبر و غرور شما قرار داده است.»

در این کلام حکیمانه، بانوی بزرگوار اسلام بعد از ذکر ایمان، نماز را بیان می کند که این دو از هم جدایی ناپذیرند. در حقیقت نماز ثمره ایمان به خداست و بدون نماز ایمان معنا ندارد.

همچنین این سخن ناظر به کلام وحیانی قرآن است که در مورد صفات پرهیزگاران به دو شاخصه مهم ایمان و نماز اشاره کرده است و می فرماید: (الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_506_1)( «پرهیزکاران، کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند.»

ص: 506

1- . بقره/3.

ایمان به خدا

خداوند در قرآن، ایمان را پاک کننده از آلودگیهای فکری و معنوی معرفی کرده است و در مورد کسانی که طاغوت را پرستش و اطاعت می کنند، می فرماید: (وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُمات)؛ «آنهایی که کافر شدند، طاغوتها را سرپرست خود قرار داده اند، `طواغیت` آنان را از نور `فطرت خداپرستی` به تاریکیها سوق می دهند.» آری، انسان دور از ایمان حقیقی به خداوند، گرفتار ظلمتها و تاریکیهاست و با ایمان به خدا افکارش پاکیزه و زلال می شود.

امام علی(ع) به نقل از رسول خدا(ص)، در توضیح معنای ایمان می فرماید: «الْإِیمَانُ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ مَعْرِفَهٌ بِالْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْکَانِ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_507_1)( ؛ ایمان اعتراف به زبان و معرفت به دل و عمل با اعضا و جوارح است.»

از منظر حضرت زهرا(س) ظهور این ایمان در عملی همچون نماز می باشد.

ص: 507

1- . امالی صدوق، ص268، مجلس 45.

نماز در کلام نبوی

بر هر مسلمان وظیفه شناس و عاشق الهی شایسته است که این گفتار نبوی(ص) را نصب العین خود قرار دهد که آن حضرت شدّت علاقه خود به نماز را این گونه توصیف کرده است: «یَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُرَّهَ عَیْنِی فِی الصَّلَاهِ وَ حَبَّبَهَا إِلَیَّ کَمَا حَبَّبَ إِلَی الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَی الظَّمْآنِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَکَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ وَ الظَّمْآنَ إِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِیَ وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاهِ؛ ای اباذر! خداوند نور دیده مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من گردانید، همچنان که غذا را محبوب گرسنه و آب را محبوب انسان تشنه قرار داده است `امّا با این تفاوت` که گرسنه هرگاه غذا بخورد، سیر می شود و تشنه هرگاه آب بنوشد، سیراب می شود؛ امّا من از نماز سیر نمی شوم.»

خاطره ای آموزنده

ص: 508

حضرت امام خمینی(ره) در این زمینه گوی سبقت را از بسیاری پیروان و شیعیان حضرت زهرا(س) ربوده بود. روزی که شاه از ایران فرار کرد، امام در پاریس، در «نوفل لوشاتو» مورد توجه تمام خبرنگاران کشورهای مختلف از آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکا قرار گرفته بود و حدود 150 دوربین فقط صحبت امام را مستقیم پخش می کردند. آنان تلاش می کردند خبر بزرگ ترین حادثه سال را مخابره کنند.

شاه رفته بود و می خواستند ببینند که امام چه تصمیمی دارد؟ امام روی صندلی ایستاده و کنار خیابان، تمام دوربینها روی او متمرکز شده بود. امام چند دقیقه صحبت کردند. دقیقاً در همان لحظه که امام کانون توجه جهانیان قرار گرفته بود، او متوجه خدای جهانیان شد و از فرزندش احمد که در کنارش ایستاده بود، پرسید: «احمد! ظهر شده؟» گفت: بله، الآن ظهر است. بی درنگ امام گفتند: «و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» امام درست در لحظه ای حساس، صحبتهایشان را رها کردند تا نمازشان را اول وقت بخوانند؛ یعنی جایی که تلویزیونهای سراسری که هر کدام میلیونها بیننده دارد: C.N.N و B.B.C بود، تمام تلویزیونها، چه در آمریکا و چه در اروپا بودند، خبرگزاریها همه بودند: آسوشیتیدپرس، یونایتدپرس، رویتر و تمام خبرنگاران روزنامه ها، مجلات، رادیو، تلویزیون. در چنین موقعیت حساسی، امام حرفشان را قطع کردند و سراغ نماز رفتند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_509_1)(

آداب نماز

ص: 509

1- . روزنامه کیهان، شماره 3659.

امام رضا(ع) در مورد آداب نماز فرمود: «اگر برای نماز ایستادی، تلاش کن با حالت کسالت، خواب آلودگی، سستی و تنبلی نباشد؛ بلکه با آرامش و وقار نماز را بجای آور و بر تو باد که در نماز خاشع و خاضع باشی و برای خدا تواضع کنی و خشوع و خوف را بر خود هموار سازی، در آن حال که بین بیم و امید ایستاده ای و پیوسته با طمأنینه و نگران باشی، همانند بنده گریخته و گنهکار که در محضر مولایش ایستاده، در پیشگاه خدای عالمیان بایست. پاهای خود را کنار هم بگذار و قامتت را راست نگهدار و به راست و چپ توجه نکن! و چنان باش که گویی خدا را می بینی، که اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند». )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_510_1)( آری:

مرا غرض ز نماز آن بود که یک ساعت

"

ص: 510

1- . فقه الرضا(ع)، نشر کنگره امام رضا(ع)، مشهد مقدس، ص101.

حدیث درد فراق تو با تو بگزارم

"

وگرنه این چه نمازی بود که من بی تو

"

نشسته روی به محراب و دل به بازارم

"

عواقب سبک شمردن نماز

روزی حضرت زهرا(س) از پدر بزرگوارش پرسید: پدر جان! جزای هر مرد و زنی که نمازش را سبک بشمارد، چیست؟ حضرت فرمود: یا فاطمه! هر مرد و زنی که نمازش را سبک بشمارد، خداوند به پانزده بلا گرفتارش می کند: شش بلا در دنیا و سه تا هنگام مرگ و سه تا در قبر و سه تا هنگام بیرون آمدن از قبر و در قیامت.

اما آنهایی که در دنیا به او می رسد: خداوند برکت را از عمرش برمی دارد و برکت از روزی او می رود. چهره بندگان شایسته را از صورت او محو می کند. هر عملی که انجام دهد، به او اجر داده نمی شود. دعایش به آسمان بالا نمی رود. بهره و نصیبی در دعای صالحین ندارد.

آنچه هنگام مرگ به او می رسد: ذلیل و خوار می میرد. گرسنه می میرد. تشنه می میرد که اگر نهرهای دنیا را بنوشد، سیراب نمی شود.

ص: 511

آنچه در قبر به او می رسد: خداوند ملکی را بر او موکل می کند که او را در قبرش آزار دهد. قبرش بر او تنگ می شود. قبرش تاریک می شود.

اما آنچه روز قیامت، وقتی که از قبر خارج می شود، به او می رسد: خداوند ملکی را بر او مسلط می کند که به صورت او می زند و خلایق به او می نگرند. با سختی از او حساب کشیده می شود. خداوند به او نظر رحمت نمی کند و او را پاک نمی گرداند و عذاب دردناک برای اوست. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_512_1)(

توسل

حضرت زهرا(س) هنگام شهادت وصیت فرمود: «علی جان! وقتی من وفات کردم تو غسل و کفن مرا به عهده گیر و بر من نماز بگزار و مرا درون قبر گذاشته، دفنم کن و خاک را بر روی قبر من ریخته، مساوی کن و بر بالینم رو به روی من بنشین و زیاد قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه هایی میت به انسان گرفتن با زندگان محتاج است. من تو را به خدا می سپارم و درباره فرزندانم به نیکوکاری سفارش دارم.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_512_2)(

دست من و عنایت و لطف و عطای فاطمه

"

ص: 512

1- . فلاح السائل، فصل اول، ص59.

2- . بیت الاحزان، ص176.

قلب من و محبت و مهر و ولای فاطمه

"

طبع من و قصیده و مدح و ثنای فاطمه

"

جرم من و شفاعت روز جزای فاطمه

"

ببذل دست فاطمه! بخاک پای فاطمه

"

منم گدای فاطمه، منم گدای فاطمه )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_513_1)(

"

ص: 513

1- . غلامرضا سازگار (میثم).

فلسفه و اهمیت زکات

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (1)

فلسفه و اهمیت زکات

حضرت در فراز دیگری از خطبه اش به اهمیت و فلسفه زکات اشاره کرده و فرمود: «وَ الزَّکَاهَ تَزْکِیَهً لِلنَّفْسِ، وَ نَمَاءً فِی الرِّزْق؛ خداوند متعال زکات را برای پاکی نفس و فزونی روزی قرار داد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_514_1)(

پرداخت زکات که یکی از دستورات واجب الهی است، برای اهل ایمان دست آوردهای مهمی دارد که تزکیه نفس و افزایش اموال در رأس آنهاست. به همین جهت، در موارد متعددی قرآن شریف زکات را کنار نماز آورده است که حاکی از اهمیت و ارزش زکات می باشد.

زکات مال به در کن که فضله رَز را

"

ص: 514

1- . الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 1، ص99.

چون باغبان بِبُرد، بیش تر دهد انگور

"

فرجام دنیا طلبی

«ثعلبه بن حاطبِ انصاری» از کسانی بود که در جنگ بدر از جبهه اسلام دفاع کرده و همواره در محضر رسول خدا(ص) بود؛ امّا این امتیازات، او را نتوانست حفظ کند و سرنوشت خوبی برای خود انتخاب نکرد. ماجرای عبرت آموز وی را که هم موضوع زکات را دربردارد و هم درسها و پیامهای مهمی برای عصر ما و نسل جدید، با هم می خوانیم:

روزی وی خدمت پیغمبر(ص) آمد، عرض کرد: یا رسول الله! دعا کن خداوند به من ثروتی عنایت کند. فرمود: ثعلبه! مقدار کمی که سپاسگزاری آن را بکنی، بهتر از ثروت زیاد است که توان سپاس آن را نداشته باشی. ثعلبه رفت، باز مراجعه نمود و تقاضای خود را تکرار کرد. این بار حضرت به او فرمود: تو را پیروی و اقتدا به من نیست؟ به خدا سوگند! اگر بخواهم کوهها برایم طلا شود و در اختیارم باشد، خواهد شد. باز رفت، سومین بار مراجعه نموده، عرض کرد: برایم دعا فرما! «لَئِنْ رَزَقَنِیَ اللَّهُ مَالًا لَأُعْطِیَنَّ کُلَّ ذِی حَقٍّ حَقَّه؛ اگر خدا مرا ثروتی بدهد، هر که را حقی در آن مال باشد، حقش را خواهم داد.» آن جناب دعا کرد: خدایا! به ثعلبه مالی عنایت کن! بعد از آن، ثعلبه چند گوسفند تهیه کرد. کم کم گوسفندان او رشد کرده و رو به افزایش گذاشتند.

ابتدا ثعلبه تمام نمازهای خود را پشت سر پیغمبر(ص) بجا می آورد. بعد که گرفتاریش زیاد شد، فقط ظهر و عصر را به مسجد می آمد و بقیه نمازها را در محل دامداری خود می خواند. اشتغال ثعلبه از زیادی گوسفندان کار را به جایی رساند که روز جمعه به مدینه می آمد و نماز جمعه را می خواند. آن هم بعد از مدتی ترک شد و روز جمعه نیز دیگر نمی آمد. بعضی روزها بر سر راه می آمد و از عابرین اخبار مدینه را می پرسید. روزی پیغمبر اکرم(ص) جویای حال ثعلبه شد، گفتند: گوسفندان او به اندازه ای زیاد شده که در این نزدیکی، محلی که گنجایش آنها را داشته باشد، نیست. حضرت سه بار فرمود: وای بر ثعلبه!

ص: 515

آیه زکات نازل شد. پیغمبر(ص) دو نفر؛ یکی از بنی سلیم و دیگری از جهنیه انتخاب نمود و دستور گرفتن زکات را برای آنها نوشت و فرمود: پیش ثعلبه و مرد دیگری از بنی سلیم بروید و زکات مال آنها را بگیرید. پیش ثعلبه آمدند. نامه پیغمبر(ص) را برایش خواندند و درخواست زکات کردند. ثعلبه فکری کرده، گفت: این جزیه یا شبیه جزیه است. فعلاً بروید از دیگران که گرفتید، برگردید.

نزد مرد سلیمی رفتند، از جریان مطلع شد. از بهترین شترهای خود انتخاب نمود و سهمیه زکات را داد. به او گفتند: تو را امر نکرده اند شترهای ممتاز را انتخاب کنی. گفت: من خود مایلم این کار را بکنم. به دیگران نیز رجوع کرده، زکات را گرفتند، آنگاه نزد ثعلبه برگشتند. گفت: نامه را بدهید ببینم. پس از خواندن، باز پاسخ داد: این جزیه یا شبیه آن است. بروید تا من در این باره فکر کنم. فرستادگان، خدمت پیغمبر(ص)آمدند، بعد از نقل جریان، آن جناب فرمود: وای بر ثعلبه! و برای سلیمی دعا کرد و این آیه در مورد ثعلبه بر پیغمبر(ص) نازل شد: (وَ مِنْهُمْ مَنْ عاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتانا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَکُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِینَ فَلَمَّا آتاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ فَأَعْقَبَهُمْ نِفاقاً فِی قُلُوبِهِمْ إِلی یَوْمِ یَلْقَوْنَهُ بِما أَخْلَفُوا اللَّهَ ما وَعَدُوهُ وَ بِما کانُوا یَکْذِبُون)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_516_1)( «بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه (زکات) خواهیم داد و از صالحان `و شاکران` خواهیم بود؛ امّا هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند! این عمل، `روح` نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دلهایشان برقرار ساخت. این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلّف جستند و چون دروغ گفتند.»

یکی از خویشاوندان ثعلبه هنگام نزول آیه حضور داشت. جریان را شنیده، نزد ثعلبه رفت، و او را از نزول آیه آگاه کرد. ثعلبه خدمت پیغمبر(ص) شرفیاب شد، تقاضا کرد زکاتش را قبول فرماید. آن جناب فرمود: خدا امر کرده زکات تو را نپذیرم. ثعلبه از آشفتگی و ناراحتی خاک بر سر می ریخت. پیغمبر(ص) فرمود: این کیفر عمل توست؛ زیرا تو را امری کردم، نپذیرفتی. ثعلبه به جایگاه گوسفندان برگشت.

ص: 516

1- . توبه/75 تا 77.

پیغمبر(ص) تا زمانی که از دنیا رفت، زکات او را قبول نکرد. بعد از درگذشت آن حضرت، به ابوبکر مراجعه نمود. او نیز گفت: چون پیغمبر نپذیرفته، من هم نخواهم گرفت. در زمان عمر آمادگی خود را برای پرداخت زکات اعلام کرد. عمر هم نپذیرفت. خلافت به عثمان رسید، به او نیز مراجعه کرد، از گرفتن امتناع ورزید. سرانجام او در زمان عثمان از دنیا رفت. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_517_1)(

انواع زکات

زکات، گذشته از معنای اخص فقهی، معنای عامی نیز دارد که فراتر از موضوع اقتصادی آن می باشد و پیامهای تربیتی و اخلاقی به همراه دارد. حضرت علی(ع) در روایتی به انواع زکات اشاره کرده، می فرماید: «زَکَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ زَکَاهُ الْجَاهِ بَذْلُهُ زَکَاهُ الْحِلْمِ الِاحْتِمَالُ زَکَاهُ الْمَالِ الْإِفْضَالُ زَکَاهُ الْقُدْرَهِ الْإِنْصَافُ زَکَاهُ الْجَمَالِ الْعَفَافُ زَکَاهُ الظَّفَرِ الْإِحْسَانُ زَکَاهُ الْبَدَنِ الْجِهَادُ وَ الصِّیَامُ زَکَاهُ الْیَسَارِ بِرُّ الْجِیرَانِ وَ صِلَهُ الْأَرْحَامِ زَکَاهُ الصِّحَّهِ السَّعْیُ فِی طَاعَهِ اللَّهِ زَکَاهُ الشَّجَاعَهِ الْجِهَادُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ زَکَاهُ السُّلْطَانِ إِغَاثَهُ الْمَلْهُوفِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_517_2)( زکات دانش، نشر آن `و تعلیم به دیگران` است. زکات پست و مقام، آن را در خدمت دیگران گذاشتن است. زکات حلم و بردباری، تحمّل و چشم پوشی است. زکات مال، بخشیدن است. زکات قدرت و توانایی، انصاف است. زکات زیبایی، عفّت و پاکدامنی است. زکات پیروزی، احسان است. زکات بدن، تلاش و روزه داری است. زکات رفاه و آسایش، نیکی به همسایگان و صله رحم می باشد. زکات تندرستی، کوشیدن در راه طاعت خداست. زکات شجاعت، جهاد کردن در راه خداست. زکات ریاست، دادرسی از بیچاره گان و بی پناهان است.»

فواید پرداخت زکات

ص: 517

1- . تفسیر نورالثقلین، ج2، ص246.

2- . مستدرک الوسائل، ج7، ص46.

شخصی خدمت حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی; آمد و گفت: آقا! یک سری ملخ آمده اند و محصول مزرعه مرا می خورند.

آقا فرمود: تو حق فقرا (زکات) را نمی دهی و ملخها حق فقرا را می خورند؛ چون زکات نمی دهی، آنها برمی دارند، آیا قول می دهی زکات بدهی؟ گفت: بله آقا.

آقا برایش دعا نوشت و فرمود: برو این دعا را در آن زمین چال کن و از قول من به آن ملخها بگو: ملخها! شیخ حسنعلی گفته: بروید پای این ساقه های گندم و علفهای هرزه زمین را بخورید! من زکات می دهم.

آن مرد می گوید: من آمدم دعا را در زمین چال کردم و حرف شیخ حسنعلی را برای ملخها گفتم. ملخها از روی خوشه های گندم برخاستند و پای ساقه های گندم شروع کردند علفهای هرزه را خوردن. کم کم گندمها رشد کردند و مزرعه ما آن سال محصول بسیار عالی داد و ما هم به قول خودمان عمل کردیم. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_518_1)(

توسّل

ص: 518

1- . داستانهایی از مردان خدا، ملخ.

حضرت زهرا(س) ماجرای مظلومیت خود را این گونه بیان فرموده است:

«قنفذ را با عمر بن خطاب و خالد بن ولید به خانه ما فرستادند تا پسر عمویم علی(ع) را برای بیعت زیانبار خود به سقیفه بنی ساعده بیرون برند. علی که مشغول انجام وصیت رسول خدا(ص) و تألیف قرآن بود، با آنان بیرون نرفت. آنان نیز برای عقده گشایی، هیزم زیادی در مقابل درِ خانه ما جمع کردند و آتش آوردند تا خانه و ما را به آتش کشند. من در پشت در ایستادم و آنان را به خدا و پدرم قسم دادم که دست از ما بردارند و ما را یاری کنند.

عمر، تازیانه را از دست قنفذ، غلام ابوبکر گرفت و با آن به بازویم زد؛ چنانکه تازیانه همچون بازوبند به دور بازویم حلقه زد. سپس وی لگدی به در کوبید و آن را به طرف من فشار داد و من که آبستن بودم، به صورت روی زمین افتادم. آتش شعله می کشید و صورتم را می گداخت. عمر چنان به صورتم سیلی زد که گوشواره ام بر زمین افتاد و درد زایمان به سراغم آمد. پس محسنم کشته شد. این است امّتی که می خواهد بر من نماز بخواند؟! در حالی که خدا و رسول(ص) از آنان بیزاری جسته اند. من نیز از آنان برائت می جویم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_519_1)(

به وقت مرگ، پر کردم زخون، چشم تر خود را

"

ص: 519

1- . بحار الانوار، ج 30، صص 348 - 350.

که تنها می گذارم بین دشمن، همسر خود را

"

خدایا! اولین مظلوم عالم را تو یاری کن

"

که امشب می دهد از دست، تنها یاور خود را

"

دلم خواهد که برخیزم زجا و بازویش گیرم

"

دل شب چون نهم بر قبر پنهانم، سر خود را

"

اجل ای کاش در آن ماجرا می بست چشمم را

"

نمی دیدم نگاه دردناک دختر خود را!

"

شهادت می دهد فردا به محشر عضو عضو من

"

که کشتند این جماعت، دختر پیغمبر خود را!

"

ص: 520

علی جان! گریه کن تا عقده ای از سینه بگشایی

"

مکن حبس اینقدر آه دل غم پرور خود را

"

ص: 521

حج

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (1)

حج

حضرت زهرا (س) در مورد عظمت و اهمیت مراسم حج می فرماید: «وَ الْحَجَّ تَشْیِیداً لِلدِّین؛ `خداوند متعال` مراسم حج را برای برپایی دین قرار داد.» حضرت فاطمه(س) در این فراز به یکی دیگر از برنامه های حیاتبخش دین مبین اسلام اشاره دارد و حکمت آن را تفسیر می کند که مراسم سیاسی عبادی حج یکی از مهم ترین ارکان جاودانگی این مکتب متعالی است.

ضامن بقای اسلام

وجود مکانهای مقدس و مراکز عبادی، معنوی و زیارتی، همواره در تبلیغ و ثبات دین مبین اسلام نقش به سزایی داشته است. این کانونهای توحیدی و بندگی و معرفت، محور وحدت مسلمانان و ضامن بقای این آیین آسمانی بوده و هست. در این میان، نقش خانه خدا و مسجدالحرام از سایر مراکز اسلامی بیش تر است؛ چراکه همه گروههای اسلامی، بدون در نظر گرفتن گرایشهای خاص خویش، خود را به زیارت این کانون عبادت و مرکز اسلام موظف می دانند و همه ساله در ایام حج به شهر مکه برای زیارت خانه خدا می شتابند. امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «لَا یَزَالُ الدِّینُ قَائِماً مَا قَامَتِ الْکَعْبَهُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_522_1)( پیوسته دین استوار خواهد بود تا زمانی که کعبه استوار است.»

در سیره امامان معصوم( نیز اهتمام به زیارت خانه خدا از جایگاه والایی برخوردار است. آنان نه تنها خود برای شرکت در این مراسم می کوشیدند؛ بلکه به یاران خود نیز دستور می دادند تا دیگران را به مراسم عظیم حج ترغیب کنند. به عنوان نمونه «علی بن یقطین» یار وفادار امام کاظم(ع)، با اشاره آن حضرت هر ساله دویست و پنجاه الی سیصد نفر را با هزینه خود به حج اعزام می کرد و علاوه بر کسب ثواب اخروی، به آن مراسم معنوی رونق بیش تری می بخشید. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_522_2)(

ص: 522

1- . الکافی، ج4، ص271.

2- . وسائل الشیعۀ،ج11، ص21 و رجال کشی، ص434.

عظمت خانه خدا

«حسین بن علی»، یکی از دوستان امام ششم(ع) به آن حضرت عرض کرد: مردی به من وصیت کرده که اموالش را در راه خدا مصرف کنم، در چه راهی صرف نمایم؟ امام فرمود: در راه حج. عرض کردم: او تعیین نکرده و گفته در راه خدا.

امام فرمود: «اصْرِفْهُ فِی الْحَجِّ فَإِنِّی لَا أَعْلَمُ شَیْئاً مِنْ سَبِیلِهِ أَفْضَلَ مِنَ الْحَج؛ آن را در امور حج مصرف کن؛ چراکه من از راههای خدا چیزی را بهتر از حج نمی دانم.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_523_1)(

آری، مکه محور تمام مکاتب توحیدی از زمان حضرت آدم و ابراهیم( تا به امروز بوده است. این مکان مقدس حرم امن خداست و از سوی مسلمانان جهان محل اجتماع سالانه محسوب می شود.

پیامهای معنوی حج

ص: 523

1- . معانی الاخبار، ص167.

«شبلی»، از عرفای سرشناس، به حج رفته بود و پس از انجام اعمال حج به حضور حضرت سیدالساجدین(ع) مشرف شد. امام(ع) از وی پرسید: ای شبلی! حج گزاردی؟ شبلی عرض کرد: آری، یابن رسول الله!

امام(ع) فرمود: «فَحِینَ نَزَلْتَ الْمِیقَاتَ نَوَیْتَ أَنَّکَ خَلَعْتَ ثَوْبَ الْمَعْصِیَهِ وَ لَبِسْتَ ثَوْبَ الطَّاعَه؟!؛ زمانی که به میقات فرود آمدی، آیا نیّت کردی که جامه معصیت را از خود به درآوری و جامه طاعت بپوشی؟» شبلی عرض کرد: نه.

امام(ع) فرمود: زمانی که از جامه خود برهنه شدی، آیا نیّت کردی که از ریا و نفاق برهنه شوی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: زمانی که غسل کردی، آیا نیت کردی خویشتن را از بدیها و گناهان شستشو دهی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: آیا خویشتن را پاکیزه کردی و احرام بستی و عقد حج بستی؟ شبلی عرض کرد: آری.

امام(ع) فرمود: زمانی که خود را پاکیزه کردی و عقد بستی، آیا نیّت کردی که آنچه را خداوند متعال حرام کرده است، بر خویشتن حرام کنی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: زمانی که عقد حج بستی، آیا نیت کردی که هر عقدی را که برای غیر خداوند عزّوجلّ بسته ای، بگشایی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) عرض کرد: پس خویشتن را پاکیزه نکرده ای و احرام و عقد حج نبسته ای!

ص: 524

سپس امام(ع) فرمود: آیا داخل میقات شدی و تلبیه گفتی؟ شبلی عرض کرد: آری. امام(ع) فرمود: آنگاه که داخل میقات شدی، آیا نیت کردی که به نیت زیارت داخل شوی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: آن گاه که دو رکعت نماز گزاردی، نیّت کردی که با خداوند متعال به بهترین اعمال و بزرگ ترین حسنات عباد که نماز است، تقرب جویی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: آن گاه که تلبیه گفتی، آیا نیت کردی که برای خداوند به هر طاعتی گویا شوی و از معصیت او خود را بازداری؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: پس در میقات داخل نشده ای و نماز نخوانده ای و تلبیه نگفته ای!

سپس امام(ع) فرمود: آیا در حرم داخل شدی و کعبه را دیدی و نماز خواندی؟ شبلی عرض کرد: آری. امام(ع) فرمود: آنگاه که داخل حرم شدی، آیا نیت کردی که بر خود هرگونه عیب گویی اهل امت اسلام را حرام کنی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: آن گاه که به مکه رسیدی و کعبه را دیدی و دانستی که آن خانه خدا است، آیا قصد خداوند سبحان کردی و از غیر او بریدی؟ شبلی عرض کرد: نه.

ص: 525

امام(ع): پس نه داخل مکه شدی و نه داخل حرم. سپس امام(ع) فرمود: آیا طواف بیت را به جای آوردی و ارکان را مس کردی و عمل سعی را انجام دادی؟ شبلی عرض کرد: آری. امام(ع) فرمود: آن گاه که سعی کردی، آیا نیت کردی که از همه گریخته و به سوی خداوند فرار کنی و صدق این نیّت را علّام الغیوب شناخت؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع): پس نه طواف بیت کردی و نه سعی بجا آوردی.

سپس امام(ع) فرمود: آیا در مقام ابراهیم(ع) وقوف کردی و در آن مقام دو رکعت نماز گزاردی؟ شبلی عرض کرد: آری. امام(ع) در این هنگام صیحه ای برآورد که نزدیک بود از دنیا مفارقت کند، سپس فرمود: هر کس با حجرالاسود مصافحه کند، با خداوند متعال مصافحه کرده است. دقت کن! ای بنده مسکین! ضایع نکن حرمت کسی را که حرمتش بزرگ است و مصافحه و بیعت با او را با مخالفت و ارتکاب حرام، نقض نکن! پس از آن فرمود: آن گاه که در مقام ابراهیم ایستادی، آیا نیّت کردی که بر انجام هر طاعت بایستی و به هر معصیت پشت کنی؟ شبلی عرض کرد: نه.

امام(ع) فرمود: آن گاه که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزاردی، آیا نیّت کردی که چون نماز ابراهیم(ع) نماز گزاری و با نمازت بینی شیطان را به خاک بمالی؟ شبلی عرض کرد: نه.

ص: 526

امام(ع) فرمود: پس در مقام نایستاده ای و در آن نماز نخوانده ای. پس از آن فرمود: آیا بالای چاه زمزم برآمدی؟ شبلی عرض کرد: آری. امام(ع) فرمود: آن گاه که بر بالای چاه زمزم برآمدی، آیا نیّت کردی که بر طاعت برآیی و چشمت را از معصیت بپوشانی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: آیا سعی میان صفا و مروه را بجای آوردی و در میان آن دو، مشی و تردّد داشتی؟ شبلی عرض کرد: آری.

امام(ع) فرمود: در سعی میان صفا و مروه، آیا نیّت کردی که در میان خوف و رجا باشی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: پس نه سعی کردی و نه مشی و تردّد بین صفا و مروه. پس از آن فرمود: آیا از مکه خارج شدی و به منی رفتی؟ شبلی عرض کرد: آری.

امام(ع) فرمود: وقتی به منی رفتی، آیا نیت کردی که مردم را از زبان و دل و دست خود ایمن گردانی؟ شبلی عرض کرد: نه.

ص: 527

امام(ع): پس به منی نرفتی. بعد از آن امام(ع) فرمود: آیا در موقف عرفه وقوف کردی و بر جبل الرحمه برآمدی و خداوند متعال را در جبل الرحمه و جمرات با معرفت خواندی؟ شبلی عرض کرد: آری.

امام(ع) فرمود: در موقف عرفه، آیا معرفت حق سبحانه و تعالی و اطلاع او را بر سرایر و قلب خود شناختی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: وقتی از جبل الرحمه بالا رفتی، آیا نیّت کردی که خداوند هر مؤمن و مؤمنه ای را رحمت کند؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: آیا به مزدلفه (مشعر) رفتی و از آنجا سنگ ریزه ها را از زمین برکندی و بر مشعرالحرام مرور کردی؟ شبلی عرض کرد: آری. امام(ع) فرمود: آن گاه که در مزدلفه مشی می کردی و از آن سنگ ریزه ها بر می کندی، آیا نیّت کردی که هر معصیت و جهلی را از خود برکنی و هر علم و عملی را در خود بنشانی؟ شبلی عرض کرد: نه.

امام(ع) فرمود: وقتی به مشعرالحرام مرور کردی، آیا نیّت کردی که شعایر اهل تقوا و اهل خوف را شعار قلب خود قرار دهی؟ شبلی عرض کرد: نه.

ص: 528

امام(ع) فرمود: پس در مزدلفه مشی نکردی و آن سنگ ریزه ها را برنداشتی و به مشعرالحرام مرور نکردی.

پس از آن امام(ع) فرمود: آیا در منی نماز گزاردی و رمی جمره کردی و حلق رأس (سر تراشیدن) را انجام دادی و فدیه (قربانی) خود را ذبح کردی و در مسجد خیف نماز خواندی و به مکه بازگشتی و طواف افاضه بجای آوردی؟ شبلی عرض کرد: آری.

امام(ع) فرمود: آن گاه که به منَی رسیدی و رمی جمره کردی، آیا نیّت کردی که به مطلب خود برسی و هرگونه حاجت تو برآورده شود؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: آن گاه که سر تراشیدی، آیا نیّت کردی که از پلیدیها پاک شوی و از هر گناه و بد عاقبتی که بنی آدم را است به درآیی، مثل آن روزی که از مادر متولد شدی؟ شبلی عرض کرد: نه.

امام(ع) فرمود: آن گاه که در مسجد خیف نماز خواندی، آیا نیت کردی که نترسی؛ مگر از خداوند و امیدوار نباشی؛ مگر به رحمت او؟ شبلی عرض کرد: نه.

ص: 529

امام(ع) فرمود: آن گاه که قربانی خود را ذبح کردی، آیا نیّت کردی که طمع را سر بریده و به ابراهیم(ع) در ذبح فرزندش اقتدا کنی؟ شبلی عرض کرد: نه. امام(ع) فرمود: آن گاه که به مکه بازگشتی و طواف افاضه بجای آوردی، آیا نیّت کردی که افاضه (کوچ کردن) به رحمت خدا کنی و به طاعت او بازگشت کرده، به سوی او تقرّب بجویی؟ شبلی عرض کرد: نه.

امام(ع) فرمود: پس به منَی نرسیدی و رمی جمره نکردی و حلق رأس انجام ندادی و قربانیت را ذبح نکردی و در مسجد خیف نماز نگزاردی و طواف افاضه بجای نیاوردی و به سوی خداوند تقرّب نجستی؛ چه اینکه تو حج نکردی.

پس شبلی از غفلتهای حجّش به ندبه و زاری افتاد و پیوسته آداب حج می آموخت تا سال دیگر از روی معرفت و یقین حج بگزارد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_530_1)(

ص: 530

1- . مستدرک الوسائل، ج 10، ص172؛ هزار و یک کلمه، ج2، ص428 422.

حج، آزمونی بزرگ

حضرت علی(ع) در مورد مراسم اسرارآمیز حج می فرماید: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِینَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ(ع) إِلَی الْآخِرِینَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَ لَا تَنْفَعُ وَ لَا تُبْصِرُ وَ لَا تَسْمَعُ فَجَعَلَهَا بَیْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِی جَعَلَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ قِیَاماً؛ آیا مشاهده نمی کنید که همانا خداوند سبحان انسانهای پیشین از آدم(ع) تا آیندگان این جهان را با سنگهایی `در مکّه` آزمایش کرد که نه زیان می رسانند و نه نفعی دارند، نه می بینند و نه می نشوند؟ این سنگها را خانه محترم خود قرار داده و آن را عامل پایداری مردم گردانید.»

آن حضرت در ادامه می فرماید: «سپس کعبه را در سنگلاخ ترین مکانها، بی گیاه ترین زمینها و کم فاصله ترین درّه ها، در میان کوه های خشن، سنگریزه های فراوان و چشمه های کم آب و آبادیهای از هم دور قرار داد که نه شتر، نه اسب و گاو و گوسفند، هیچ کدام در آن سرزمین آسایش ندارند.

ص: 531

سپس آدم(ع) و فرزندانش را فرمان داد که به سوی کعبه برگردند و آن را مرکز اجتماع و سرمنزل مقصود و باراندازشان گردانند، تا مردم با عشق و علاقه و از صمیم قلب به سرعت از میان فلات و دشتهای دور و از درون شهرها، روستاها، درّه های عمیق و جزایر از هم پراکنده دریاها به مکّه روی آورند، شانه های خود را بجنبانند و گرداگرد کعبه «لا اله الا الله» بر زبان جاری سازند و در اطراف خانه طواف کنند و با موهای آشفته و بدنهای پرگرد و غبار در حرکت باشند. لباسهای خود را که نشانه شخصیّت هر فرد است، درآورند و با اصلاح نکردن موهای سر، چهره خود را تغییر دهند که آزمونی بزرگ و امتحانی سخت و آزمایشی آشکار است برای پاکسازی و خالص شدن که خداوند آن را سبب رحمت و رسیدن به بهشت قرار داد.

اگر خداوند خانه محترمش و مکانهای انجام مراسم حج را در میان باغها، نهرها و سرزمینهای سبز و هموار و پردرخت و میوه، مناطقی آباد و دارای خانه ها و کاخهای بسیار و آبادیهای به هم پیوسته، در میان گندم زارها و باغات خرّم و پر از گل و گیاه، دارای مناظری زیبا و پر آب، در وسط باغستانی شادی آفرین و جادّه های آباد قرار می داد، به همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش نیز سبک تر می شد. اگر پایه ها و بنیان کعبه و سنگهایی که در ساختمان آن به کار رفته، از زمرّد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود، دلها دیرتر به شک و تردید می رسیدند و تلاش شیطان بر قلبها کم تر اثر می گذاشت و وسوسه های پنهانی او در مردم کارگر نبود.

ص: 532

در صورتی که خداوند بندگان خود را با انواع سختیها می آزماید و با مشکلات زیاد به عبادت می خواند و به اقسام گرفتاریها مبتلا می سازد، تا کبر و خودپسندی را از دلهایشان خارج کند و به جای آن فروتنی آورد و درهای فضل و رحمتش را به روی شان بگشاید و وسائل عفو و بخشش را به آسانی در اختیارشان گذارد.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_533_1)(

حاجیان حقیقی

ابوبصیر می گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: «مَا أَکْثَرَ الْحَجِیجَ وَ أَعْظَمَ الضَّجِیج؛ چقدر حاجی زیاد است و صدای داد و فریاد همه جا را گرفته.» امام(ع) فرمود: نه، داد و فریاد چقدر زیاد است؛ ولی حاجی چقدر کم. «أَتُحِبُّ أَنْ تَعْلَمَ صِدْقَ مَا أَقُولُهُ وَ تَرَاهُ عِیَاناً؛ علاقه داری راستی سخن مرا با چشم خود ببینی؟». در این موقع با دست روی دو چشمم کشید و دعایی خواند، بینا شدم. فرمود: اکنون به حاجیها نگاه کن. نگاه کردم، دیدم بیش تر مردم به شکل بوزینه و خوک هستند و مؤمن چون ستاره درخشان در شب تار در میان آنها از دور دیده می شود. عرض کردم: «مَا أَقَلَّ الْحَجِیجَ وَ أَکْثَرَ الضَّجِیج؛ آری، حاجی کم است و سر و صدا زیاد است.» باز دعایی خواند، دو باره نابینا شدم.

ابوبصیر در مورد چشم خود التماس نمود. امام(ع) فرمود: ما از بینایی چشم تو مضایقه نداریم؛ امّا بدان! خدا نیز به تو ستم روا نداشته است، آنچه صلاحت بوده، انتخاب کرده. می ترسیم مردم نیز فریفته ما شوند و فضل و عنایت خداوند را نسبت به ما فراموش کنند و ما را در مقابل خدا بپرستند، با اینکه بنده او هستیم و از عبادتش سرپیچی نداریم و از فرمانبرداری او خسته نمی شویم و تسلیم او هستیم. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_533_2)(

ص: 533

1- . نهج البلاغه، خطبه 192.

2- . بحارالانوار، ج46، ص261.

کنیز حضرت زهرا(س) و برکات حج

ام ایمن از زنان بسیار بلندمرتبه و عالی قدر صدر اسلام است که همواره در خدمت خاندان نبوت بود. پس از آنکه حضرت فاطمه(س) از دنیا رفت، ام ایمن آنچنان ناراحت بود که دیگر نمی توانست در مدینه بماند؛ بنابراین عازم مکه شد. بین راه در بیابان جحفه، تشنگی بر او غلبه کرد و آبی نیز به همراه نداشت و تشنگی او آنچنان شدید شد که به حد خطر مرگ رسید. در این لحظه متوجه خدا گردید و با چشمانی اشکبار عرض کرد: «یَا رَبِّ! أَ تُعْطِشُنِی وَ أَنَا خَادِمَهُ بِنْتِ نَبِیِّکَ؛ پروردگار من! آیا مرا تشنه می گذاری با اینکه من کنیز دختر پیامبرت (فاطمه) هستم؟» پس از دعا، دلوی پر از آب بهشت بر او نازل شد، از آن آب آشامید و تا هفت سال دیگر تشنه و گرسنه نشد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_534_1)(

روضه از زبان حضرت علی(ع)

ص: 534

1- . بحارالانوار، ج43، ص44.

«سلیم بن قیس هلالی» می گوید: در حلقه ای در مسجد رسول خدا(ص) حاضر شدم که به غیر از سلمان، ابوذر، مقداد، محمّد بن ابی بکر، عمر بن ابی سلمه، قیس بن سعد بن عباده، همه از بنی هاشم بودند. عباس به حضرت علی(ع) عرض کرد: به نظر شما، چرا عمر قنفذ را مانند دیگر کارمندانش وادار به پرداخت غرامت نکرد؟

حضرت علی(ع) نگاهی به اطراف انداخت. چشمانش پر از اشک شد، پس فرمود: این پاداش ضربه تازیانه ای بود که به حضرت فاطمه(س) زد، وقتی او از دنیا رفت، اثر این ضربه همچون بازوبندی روی بازوی او بود... )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_535_1)( .

آنکه قدش، فلک از غصه دو تا کرد، منم

"

آنکه با قامت خم، ناله به پا کرد، منم

"

ص: 535

1- . بحارالانوار، ج 30، صص 302 303.

آنکه بین در و دیوار، زبی یاری خویش

"

فضه را از پی امداد صدا کرد، منم

"

آنکه از سوز دل خویش، به ایام شباب

"

طلب مرگ زدرگاه خدا کرد، منم!

"

آنکه جز محنت و آزار زهمسایه ندید

"

در عوض باز به همسایه دعا کرد، منم!

"

آنکه هنگام فداکاری خود در ره دوست

"

زودتر محسن شش ماهه فدا کرد، منم!

"

آنکه با گمشده قبر و بدن مخفی خویش

"

ص: 536

ظلم را یکسره انگشت نما کرد، منم! )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_537_1)(

"

ص: 537

1- . غلامرضا سازگار( میثم).

امامت و رهبری

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (1)

امامت و رهبری

حضرت زهرا(س) در فراز دیگری از کلام گهربار خویش می فرماید: «وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّهِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَه؛ خداوند متعال اطاعت از ما (اهل بیت() را برای ایجاد نظم در میان ملت و امامت ما را برای ایمنی از تفرقه و تشتت `در جامعه` قرار داد.»

مقام امامت

منصب امامت همانند نبوت با گزینش و نصب خداوند متعال و با راهنمایی و اعلام رسول خدا(ص) و یا از طریق امامی که با نص رسول خدا(ص) منصوب به امامت گردیده است، معین می شود؛ چه اینکه مردم توانایی تشخیص و انتخاب امام دارای شرایط ویژه امامت و رهبر جهانی را ندارند؛ زیرا انفاس قدسی انسانهای والا که به مقام خطیر امامت برگزیده می شوند و دارای شرایط ویژه امامت می باشند، فقط از سوی خداوند قابل شناسایی و درک است.

بجز خدای نداند امام عالم کیست

"

ص: 538

که قدر گوهر یک دانه گوهری داند

"

مقام راهبری گر به حق بود، نیکوست

"

وگرنه هر که تو بینی ستمگری داند

"

به همین جهت از روزی که رسول خدا(ص) مأموریت یافت تا جانشین خود را معین کند و تداوم بخش وظیفه رسالت باشد، در فرصتهای مناسب به معرفی جانشینان دوازده گانه خود که برگزیده الهی بودند، پرداخته و بر امامت امیرمؤمنان علی(ع) تا امامت حضرت مهدی(ع) به طور مکرر و به صورت تصریحی و تلویحی تأکید نمود.

«خواجه نصیر الدین طوسی»، نظریه پرداز بزرگ جهان تشیع در موضوعات کلامی و ... در این زمینه می نویسد: «اَلْاِمَامُ لُطْفٌ فَیَجِبُ نَصَبُهُ عَلَی اللهِ تَعَالَی تَحْصِیلاً لِلْغَرَضِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_539_1)( وجود امام لطف `بر امت` است، پس لازم است که خداوند امام را بر `امت` نصب و معین نماید تا غرض حاصل شود.»

آری! با وجود امام، مردم به اطاعت نزدیک و از معصیت دور می شوند و اگر امام نباشد، فتنه و فساد برمی خیزد و در صورت نصب امام از سوی خداوند، سعادت دین و دنیای انسانها تأمین خواهد شد و این هدف متعالی خداوند و همان معنای سخن حضرت فاطمه(س) است که خداوند اطاعت از رهبری اهل بیت( را موجب نظم، و امامت معصومین( را سرچشمه امنیت و وحدت قرار داده است.

ص: 539

1- . کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص284.

تمثیلی روشن برای امامت

روزی جمعی از اصحاب و یاران امام صادق(ع) جمع بودند که امام(ع) به هشام بن حکم که تازه جوانی بود رو کرده، فرمود: ای هشام! او پاسخ داد: لبّیک، ای زاده رسول خدا(ص)! امام فرمود: آیا گزارش نمی دهی که با عمرو بن عبید (یکی از علمای بزرگ اهل سنت) چگونه مناظره نمودی؟ عرض کرد: جلالت شما مرا می گیرد و شرم می دارم و زبانم نزد شما به کار نمی افتد که از خود تعریفی کرده باشم! امام(ع) فرمود: «إِذَا أَمَرْتُکُمْ بِشَیْ ءٍ فَافْعَلُوا؛ چون به شما امری نمودم، بجای آورید.»

هشام عرض کرد: وقتی خبر مجلس مسجدِ بصره عمرو بن عبید به من رسید، بر من گران آمد. به سویش رفته و روز جمعه ای وارد مسجد بصره شدم. جماعت بسیاری را دیدم که در اطراف او گرد آمده بودند. او جامه پشمینه سیاهی به کمر بسته و عبایی به دوش انداخته بود و مردم از او سؤال می کردند، من هم از مردم راه خواستم، به من راه دادند تا در مقابل او نشستم، آن گاه گفتم:

ای مرد دانشمند! من مردی غریبم، اجازه دارم مسئله بپرسم؟ گفت: بپرس! گفتم: شما چشم دارید؟ گفت: پسر جانم! این چه سؤالی است؟ چیزی را که می بینی، چگونه از آن می پرسی؟! گفتم: سؤال من همین طور است. گفت: بپرس پسر جانم! اگر چه پرسشت احمقانه است. گفتم: شما جواب همان را بفرمایید. گفت: بپرس.

ص: 540

گفتم: شما چشم دارید؟ گفت: آری، گفتم: با آن چه کار می کنید؟ گفت: با آن رنگها و اشخاص را می بینم. گفتم: بینی دارید؟ گفت: آری، گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: می بویم. گفتم: دهان دارید؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنید؟ گفت: مزه را می چشم. گفتم: گوش دارید؟ گفت: آری، گفتم: با آن چه می کنید؟ گفت: با آن صدا را می شنوم، گفتم: شما دل دارید؟ گفت: آری، گفتم: با آن چه می کنید؟ گفت: با آن هر چه بر اعضا و حواسم درآید، تشخیص می دهم.

گفتم: مگر با وجود این اعضا، از دل بی نیازی نیست؟ گفت: نه، گفتم: چگونه با آنکه اعضا صحیح و سالم باشد (دیگر چه حاجت به دل داری)؟

گفت: پسر جانم! هر گاه اعضای بدن در چیزی که ببوید یا ببیند یا بچشد یا بشنود تردید کنند، آن را به دل ارجاع دهند تا تردیدش برود و یقین حاصل کند. من گفتم: پس خدا دل را برای رفع تردید اعضا گذاشته است؟ گفت: آری، گفتم: دل لازم است، وگرنه اعضا را یقینی نباشد؟ گفت: آری. گفتم: ای عمرو بن عبید! خدای تبارک و تعالی که اعضایت را بدون امامی که صحیح را تشخیص دهد و تردید را متیقّن کند وانگذاشته، چگونه این همه مخلوق را در سرگردانی و تردید و اختلاف واگذارد و برای ایشان امامی که در تردید و سرگردانی خود به او رجوع کنند قرار نداده؟

ص: 541

او ساکت شد و جوابی نداد، سپس متوجّه شده وگفت: اهل کجایی؟ گفتم: اهل کوفه. گفت: پس تو همان هشام بن حکم هستی. سپس مرا در آغوش گرفته و بجای خود نشانید و خودش از آنجا برخاست و تا من آنجا بودم، سخن نگفت. در اینجا حضرت صادق(ع) خندید، و فرمود: این را چه کسی به تو آموخت؟ عرض کردم: ای زاده رسول خدا! بر زبانم جاری شد. حضرت فرمود: به خدا سوگند! این مطالب در صحف ابراهیم و موسی(ع) مکتوب است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_542_1)(

دفاع از امامت

«محمد بن ابی حذیفه» پسر دایی معاویه بود؛ ولی یکی از یاوران و طرفداران پایدار امام علی(ع) به شمار می رفت. معاویه به واسطه علاقه ای که او به علی(ع) داشت، دستگیرش نموده، مدتی او را به زندان انداخت. روزی با اطرافیان خود مشورت کرد که اگر صلاح می دانید، این نادان (محمد بن ابی حذیفه) را از زندان خارج کنیم، به سوی خود راهنمایی کرده، امر نماییم علی را سبّ کند و در ضمن از گرفتاری زندان راحت گردد.

همه موافقت کردند. دستور داد او را از زندان بیاورند. وقتی حاضر شد، معاویه گفت: محمد! هنوز وقت آن نرسیده که دست از محبت و پشتیبانی علی برداری و از این گمراهی برگردی؟ نمی دانی که عثمان کشته شد، عایشه و طلحه و زبیر به خونخواهی او قیام کردند؛ چون علی پنهانی مردم را به ریختن خون عثمان وادار کرده بود. ما انتقام خون او را می خواهیم بگیریم. محمد بن ابی حذیفه پاسخ داد:

ص: 542

1- . الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج2، ص367.

معاویه! می دانی من از همه خویشان تو به تو نزدیک ترم و بهتر از همه به حال تو آشنایی دارم؟ معاویه جواب داد: بله! همین طور است. محمد گفت: پس با این خصوصیات، سوگند به خدا کشنده عثمان را جز تو نمی دانم؛ زیرا هنگامی که عثمان تو و امثال تو (افراد ستمگر) را به حکومت منصوب کرد، مهاجر و انصار پیوسته پیشنهاد می کردند که شماها را از حکومت عزل نماید و ریشه ظلم را براندازد. او نیز از برکنار کردن شما امتناع می ورزید. از این رو، آنچه به او رسید، به واسطه کردار تو و امثال تو بود.

طلحه و زبیر نیز از کسانی بودند که مردم را بر کشتن عثمان تحریص می نمودند. ای معاویه! خدا را گواه می گیرم، از هنگامی که در جاهلیت و اسلام تو را می شناسم، هیچ گونه تغییری نکرده ای و از اسلام و فضائل اخلاقی آن کم ترین بهره ای نبرده ای و ذره ای از کردار ناپسندت کاسته نشده است. دلیل گفتارم همین است که مرا به واسطه حب و دوستی علی(ع) سرزنش می کنی، با اینکه سپاهیان و هواداران امیرالمؤمنین علی(ع) همه از مردمان شب زنده دار و پیوسته روزه گیر و از مهاجرین و انصارند؛ اما اطرافیان تو را مردمانی منافق و دو رو تشکیل داده اند. آزادشدگانی که از ترس اسلام آورده اند و بندگانی که از قید بردگی رهایی یافته اند. آنها را تو در دینشان فریب دادی، گوهر ایمانشان را گرفتی، ایشان نیز دنیای تو را پسندیده، از آن راه تو را فریب می دهند. آنچه انجام داده ای، خودت خوب می دانی و آنها نیز آنچه کرده اند، خبر دارند!

سوگند به خدا! که برای همیشه علی(ع) را به خاطر رضای خدا و پیامبرش دوست می دارم و تو را به خاطر خدا و پیامبرش دشمن، و تا جان در بدن دارم، در این عقیده استوار و ثابت خواهم ماند.

ص: 543

معاویه که از شدت خشم و غضب به خود می پیچید، دستور داد او را به زندان برگردانند و آنقدر در زندان نگاه داشتند تا از دنیا رفت. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_544_1)(

توسّل

در ایام بیماری حضرت خدیجه(س) که به مرگ وی انجامید، روزی «اسماء بنت عمیس» به عیادتش آمد. او خدیجه را گریان و ناراحت مشاهده کرد و به او دلداری داده و گفت: تو از بهترین زنان عالم محسوب می شوی؛ زیرا تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی. تو همسر رسول گرامی اسلام(ص) هستی و ایشان بارها تو را به بهشت بشارت داده است. با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

خدیجه(س) فرمود: اسماء! من در این فکرم که دخترم هنگام زفاف به مادر نیاز دارد تا نگرانیها و اسرارش را به مادر بگوید و خواسته هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، فاطمه من کوچک است، می ترسم بعد از مرگ من کسی نباشد که هنگام عروسی متکفل کارهای وی شود و برایش مادری کند.

اسماء بنت عمیس گفت: ای بانوی من! نگران نباش. من با تو عهد می کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم، به جای تو برای فاطمه مادری کنم و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم. بعد از وفات خدیجه(س) هنگامی که شب زفاف حضرت فاطمه(س) فرا رسید، پیامبر اکرم(ص) فرمود: همه زنها از اتاق عروس خارج شوند و کسی در آنجا باقی نماند. همه رفتند؛ اما پیامبر اکرم(ص) متوجه شد که هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق باقی مانده است. فرمود: آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟ اسماء گفت: چرا یا رسول الله! من شنیدم و قصد مخالفت با فرمایش شما را نداشتم؛ ولی عهد من با خدیجه مرا بر آن داشت که در اینجا بمانم؛ چون با خدیجه پیمان بسته ام که در چنین شبی برای فاطمه مادری کنم.

ص: 544

1- . منتهی الامال، ج1، ص214.

حضرت رسول خدا(ص) با شنیدن این سخن به گریه درآمد و فرمود: تو را به خدا سوگند برای این کار ایستاده ای؟ اسماء عرض کرد: آری. پیامبر(ص) دست به دعا برداشته و برای اسماء بنت عمیس دعا کرد.

همچنین حضرت خدیجه(س) در مورد آینده دختر خردسال خویش خطاب به پیامبر اکرم(ص) دغدغه هایی را به این ترتیب بیان نمود: یا رسول الله! این دختر من با اشاره به حضرت فاطمه(س) بعد از من غریب و تنها خواهد شد. مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند. مبادا کسی به صورتش سیلی بزند. مبادا کسی صدای خود را بر او بلند کند. مبادا کسی با او رفتاری تند و خشن داشته باشد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_545_1)(

امّا نگرانیهای حضرت خدیجه(س) به واقعیت پیوست و حضرت فاطمه(س) غریب و تنها ماند و از منافقان بسیار اذیت کشید و سرانجام در آستانه شهادت قرار گرفت. در آن حال اسماء بنت عمیس طبق عهدی که داشت، در کنارش بود: )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_545_2)(

ص: 545

1- . اعیان الشیعه، ج1، ص380. شجره طوبی، ج2، ص334.

2- . وسائل الشیعۀ، ج2، ص534.

بیا بنشین به غمخواری، کنار بسترم اَسما!

"

که می دانم بود این شام، شام آخرم اَسما!

"

تو می دانی که من از کودکی بی مادرم اَسما!

"

گهی بر کودکان و گه به حال همسرم اَسما!

"

چو یک دست مرا قنفذ زکار انداخت، بی پروا

"

حمایت کردم از مولا به دست دیگرم، اَسما!

"

مرا کشتند مظلومانه نااهلان و می دانم

"

شود از خون سر چون لاله فرق شوهرم اَسما

"

پس از من جمع کن این بستر و پیراهن خونین

"

ص: 546

که آثاری نبیند دیگر از من، دخترم اَسما! )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_547_1)(

"

ص: 547

1- . سید تقی قریشی (فراز).

جهاد و صبر

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (1)

جهاد و صبر

حضرت زهرا(س) در ادامه سخن شریفش می فرماید: «وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَهً عَلَی اسْتِیجَابِ الْأَجْر؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_548_1)( خدای بزرگ جهاد را مایه عزت اسلام و صبر و پایداری `در برابر مشکلات` را وسیله نیل به اجر الهی قرار داده است.»

اهمیت جهاد

امام علی(ع) در مورد اهمیت جهاد در راه خدا می فرماید: «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّهِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّهِ أَوْلِیَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَی وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِینَهُ وَ جُنَّتُهُ الْوَثِیقَهُ فَمَنْ تَرَکَهُ رَغْبَهً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ وَ شَمِلَهُ الْبَلَاءُ وَ دُیِّثَ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءَهِ وَ ضُرِبَ عَلَی قَلْبِهِ بِالْأَسْهَابِ وَ أُدِیلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْیِیعِ الْجِهَادِ وَ سِیمَ الْخَسْفَ وَ مُنِعَ النَّصَف )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_548_2)( ؛ جهاد، دری است از درهای بهشت که خدا به روی گزیده دوستان خود گشوده و جامه تقوا و زره الهی است که حفظ کننده می باشد و سپر محکم اوست. هر که جهاد را واگذارد و ناخوشایند داند، خدا جامه خواری بر تن او پوشاند و فوج بلا بر سرش کشاند و در زبونی و فرومایگی بماند. دل او در پرده های گمراهی نهان و حقّ از او روی گردان شود. به جهت ترک جهاد به خواری محکوم و از عدالت محروم خواهد شد.»

ستایش قرآن از جهادگران

ص: 548

1- . بحارالانوار، ج29، ص223.

2- . نهج البلاغه، خطبه 27.

قرآن مجید از مجاهدان در راه حق به طور شایسته ای ستایش کرده و بارها به مصادیق آن پرداخته است. در شأن نزول آیه 23 احزاب آمده است:

یکی از مسلمانان به نام «انس بن نضر» در جنگ بدر حاضر نبود. بعداً که آگاه گردید، خیلی ناراحت شد که چرا نبوده و در آن جنگ شرکت نکرده است. با خدا عهد و پیمان بست که اگر جنگ دیگری رخ داد، حتماً شرکت کند و تا سرحد شهادت جانبازی نماید، تا اینکه جنگ احد پیش آمد و او به عهد خود وفا کرده، در آن جنگ شرکت نمود و هنگامی که گروهی فرار کردند، او همچنان ایستادگی کرد و جنگید تا به شهادت رسید. آن گاه در ارزش کار این شخص فداکار این آیه معروف نازل گردید: (مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدِیلًا)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_549_1)( «در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند، صادقانه ایستادند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.»

به این ترتیب انس بن نضر، مطابق این آیه به عنوان منتظران برای ادای پیمان از طرف خدا به شمار آمد. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_549_2)(

ص: 549

1- . احزاب/23.

2- . تفسیر نمونه، ج17، ص246.

فضیلت جهاد و شهادت

امام رضا(ع) فرمود: روزی امیرالمؤمنین(ع) برای مردم خطبه می خواند و آنها را به جهاد در راه خدا برمی انگیخت. جوانی از میان مردم برخاست و عرض کرد: یا علی! مرا از فضیلت جهادکنندگان در راه خدا با خبر کن. پس علی(ع) در پاسخ او فرمود: من و رسول خدا(ص) در حالی که ایشان بر ناقه غضبای خود سوار بود، در یک ردیف قرار داشتیم و از غزوه ذات السلاسل باز می گشتیم، پس من از آن حضرت آنچه را که تو از من سؤال کردی، پرسیدم، پیامبر(ص) فرمود:

«إِنَّ الْغُزَاهَ إِذَا هَمُّوا بِالْغَزْوِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ بَرَاءَهً مِنَ النَّارِ فَإِذَا تَجَهَّزُوا لِغَزْوِهِمْ بَاهَی اللَّهُ بِهِمُ الْمَلَائِکَهَ فَإِذَا وَدَّعَهُمْ أَهْلُوهُمْ بَکَتْ عَلَیْهِمُ الْحِیطَانُ وَ الْبُیُوتُ وَ یَخْرُجُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ کَمَا تَخْرُجُ الْحَیَّهُ مِنْ سِلْخِهَا وَ یُوَکِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِمْ بِکُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَرْبَعِینَ مَلَکاً یَحْفَظُونَهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِه... وَ یُنَادِی مُنَادِی الْجَنَّهُ تَحْتَ ظِلَالِ السُّیُوفِ فَتَکُونُ الضَّرْبَهُ وَ الطَّعْنَهُ عَلَی الشَّهِیدِ أَهْوَنَ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ الْبَارِدِ فِی الْیَوْمِ الصَّائِفِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_550_1)( هنگامی که رزمندگان `در راه خدا` اراده جنگ می کنند، خدای دوری از آتش را برای ایشان مقرّر می فرماید و هنگامی که برای جهاد `در راه خدا` آماده می شوند، خدا به وجود آنها به فرشتگان مباهات و افتخار می کند و زمانی که با خانواده خود وداع می کنند، دیوارها و خانه ها برایشان می گریند و در این حال از گناهان خود بیرون می آیند، به مانند ماری که از پوست خود بیرون می شود و خدا بر هر یک از این مردان مجاهد چهل فرشته می گمارد تا او را از روبه رو، پشت سر، سمت راست و سمت چپ حفاظت و نگهداری کنند ... در این هنگام منادی فریاد می زند: بهشت در سایه شمشیرهاست، پس فرود آمدن هر نیزه و ضربت شمشیری بر پیکر شهید آسان تر و دلنشین تر از نوشیدن آب سرد در روز تابستان می باشد.»

با توجه به مطالب فوق، شرح سخن حضرت زهرا(س) در مورد جهاد کاملاً واضح و روشن می شود.

ص: 550

1- . صحیفه الرضا(ع)، ص93.

در فراق فاطمه(س)

رسول خدا(ص) به دختر دلبندش بیش از حد علاقه داشت و آن حضرت، فاطمه(س) را آنچنان مورد مهر و محبت قرار می داد که موجب شگفتی دیگران می شد؛ چراکه فاطمه(س) خلاصه وجود پیامبر(ص)، نسیم آرام بخش پدر، کوثر قرآن، سرور بانوان جهان، ریحانه بهشتی، یادگار خدیجه(س)، همسر علی و مادر حسنین8 بود. وقتی به پیامبر(ص) گفته شد: شما فاطمه را در آغوش می گیری، بسیار می بوسی و این همه عطوفت و مهربانی برای او ابراز می داری، در حالی که به سایر دخترانت این همه اظهار محبت نمی کنی؟ رسول خدا(ص) فرمود: «نطفه فاطمه(س) از غذاهای بهشتی است. من بوی بهشت را از وجود او استشمام می کنم.

وقتی عایشه در مورد علاقه زیاد پیامبر(ص) به دخترش فاطمه(س) اعتراض کرد، حضرت خاتم الانبیاء(ص) فرمود: ای عایشه! هنگامی که در شب معراج مرا به آسمانها بردند، داخل بهشت شدم. جبرئیل مرا نزد درخت طوبی برد و از میوه های آن درخت خوردم و خداوند متعال از همان میوه های درخت طوبی وجود فاطمه را خلق کرد. هر وقت او را می بوسم و می بویم، بوی دلپذیر درخت طوبی و عطرهای بهشتی به مشامم می رسد.

ص: 551

رسول خدا(ص) همواره به حضرت زهرا(س) می فرمود: «یَا فَاطِمَه! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَیَغْضَبُ لِغَضَبِکِ وَ یَرْضَی لِرِضَاک؛ فاطمه جان! به راستی که خدای تبارک و تعالی به خاطر خشم تو خشم می گیرد و به خاطر خشنودی تو خشنود می شود.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_552_1)(

اما با این شخصیت چه کردند که حضرت علی(ع) او را شبانه دفن کرد؟ امام حسین(ع) می فرماید: وقتی حضرت فاطمه زهرا (س) قبض روح شد، امیرالمؤمنین مخفیانه دفنش کرد و موضع قبرش را محو نمود، سپس برخاست و صورتش را به طرف قبر رسول خدا(ص) برگرداند و گفت: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّی! وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ عَنِ ابْنَتِکَ وَ زَائِرَتِکَ وَ الْبَائِتَهِ فِی الثَّرَی بِبُقْعَتِکَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَهَ اللِّحَاقِ بِکَ؛ یا رسول الله! سلام من و سلام دخترت فاطمه(س) بر تو باد، همان دخترت که به زیارت تو آمده و در بقعه تو خوابیده و خدا خواست به سریع به تو ملحق شود.»

و ادامه داد: یا رسول الله! از فراق دختر برگزیده تو صبر و شکیبایی من قلیل و اندک شده است، قدرت من از دوری بزرگ ترین زنان؛ یعنی فاطمه اطهر(س) ضعیف گردید؛ ولی برای مفارقت تو تأسی نمودن موجب تسلیت من خواهد شد. من تو را به دست خود به خاک سپردم، در صورتی که جان مقدس تو در گلو و سینه من بود. آری، آنچه که در قرآن است، می پذیرم و می گویم: (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُون) یا رسول الله! آن امانتی را که به من دادی، پس گرفته شد! سپرده باز گرفته شد! فاطمه زهرا(س) را بردی یا رسول الله! چقدر این آسمان سبز و زمین غبارآلود در نظر من تیره و تار است!! غم و اندوه من همیشگی گردیده! شب من با بی خوابی می گذرد! این غم از قلب من خارج نمی شود تا آن موقعی که خدا مرا در آن خانه ای که تو در آن هستی وارد نماید! در دلم دردی است که آن را جریحه دار می کند و هم غمی است تحریک کننده! چه زود بود که بین ما جدایی افتاد! من درد دل خود را برای خدا می گویم.

ص: 552

1- . علل الشرایع، ج1، ص183. و تفسیر عیاشی، ج2، ص212. و دلائل الامامۀ، ص52.

دخترت به زودی تو را از اینکه امت تو متحد شدند و حق او را پایمال نمودند، آگاه خواهد کرد! جریان را از فاطمه ات جویا شو و شرح حال را از وی بخواه! چه غم و غصه هایی که در دل او جایگزین شدند و نمی توانست برای کسی درد دل کند. وی همه آنها را برای تو خواهد گفت. خدا که بهترین حکم کنندگان است، حکم خواهد کرد. سلام من بر شما باد! سلامی که به منزله وداع من باشد، نه آن سلامی که شما را ترک نمایم. اگر باز گردم، از ملالت و خستگی نیست، و اگر نزد قبر تو اقامت گزینم، به علت بدگمانی نیست، که خدا به صابرین وعده ثواب داده است.

صبر و شکیبایی مبارک تر و نیکوتر است. اگر برای غلبه بر افرادی که بر او مستولی شدند نبود، بر خود لازم می دانستم که نزد قبر تو اقامت گزینم و معتکف گردم و برای این مصیبت بزرگ نظیر زن جوانمرده ناله و فریاد می کنم. خدا می بیند که دختر تو مخفیانه دفن می شود! حق وی غصب شد! از گرفتن ارث ممنوع گردید! در صورتی که از زمان تو تا به حال چندان مدتی نگذشته و ذکر تو متروک نشده است! یا رسول الله! من به خدا شکایت می کنم و پیمودن راهی که تو رفتی، برای من بهترین تسلیت است. یا رسول الله! صلوات خدا بر تو و سلام و خوشنودی خدا بر فاطمه اطهر(س) باد.

ص: 553

مجالس حضرت زهرا(س) (2)

مقدمه

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (2)

مقدمه

از حضرت فاطمه زهرا(س) پنج خطبه نقل شده است: نخستین خطبه، سخنرانی ایشان است که پس از غصب خلافت امیرمؤمنان(ع) و غصب فدک ایراد شد؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_554_1)(

خطبه دوم، سخنرانی آن حضرت در جمع زنان مهاجر و انصار است؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_554_2)(

خطبه سوّم، زمانی بیان شده است که کودتاگران به خانه ولایت هجوم بردند؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_554_3)(

خطبه چهارم در نکوهش پیمان شکنان و انسانهای بی تفاوت است؛

خطبه پنجم در مقابل مهاجمان به بیت وحی بیان شده است.

مقصود از خطبه آن حضرت در این مقاله، همان خطبه اوّل و خطبه معروف آن بانوی مکرّمه است که بخشهای مختلفی دارد.

در شماره پیشین مجلّه، از این عناوین بحث شد: ایمان و نماز، زکات، حج، امامت، رهبری و جهاد.

ص: 554

1- . بحارالانوار، ج43، ص158.

2- . بحارالانوار، ج28، ص205.

3- . احتجاج، ص106.

در این مقاله عناوین ذیل بررسی شده است: عدالت اجتماعی، صبر، احسان به پدر و مادر و صله رحم.

ص: 555

عدالت

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (2)

عدالت

حضرت زهرا(س) با توجه به اهمیت عدالت، مهم ترین فلسفه آن را آرامش دلها می داند، از این رو فرمود: «جَعَلَ اللهُ ... و الْعَدلَ تَنْسیقاً لِلْقُلُوب؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_556_1)( عدل را برای استواری (و آرامش) دلها قرار داد.»

بحث عدالت، به ویژه عدالت اجتماعی، در اسلام جایگاه مهم و ویژه ای دارد. یکی از مهم ترین اهداف بعثت پیامبران و تلاش معصومان، اقامه عدل و قسط بوده است.

همچنین بر مؤمنان و متدینان سفارش شده است که برای برپایی عدالت اجتماعی تلاش کنند. روایات نیز به اهمیت، آثار و برکات عدالت اجتماعی پرداخته اند.

استاد مطهری; می گوید: `عدالت` رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی حق، حق او را و ظلم عبارت است از: پامال کردن حقوق و تجاوز به حقوق افراد دیگر و تصرف در حقوق دیگران. معنای حقیقی عدالت بشری؛ یعنی عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محترم بشمارند، همین معنا است. این عدالت، متکی بر دو چیز است: یکی حقوق و اولویتها؛ یعنی افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا می کنند.

ص: 556

1- . بحارالانوار، ج 43، ص158.

و دیگر، خصوصیّت ذاتی بشر است که طوری آفریده شده که در کارهای خود الزاماً نوعی اندیشه که آنها را اندیشه اعتباری می نامیم استخدام و با استفاده از آن به عنوان «آلت فعل» به مقاصد طبیعی خود نایل می شود. آن اندیشه ها یک سلسله اندیشه های «انشایی» است که با «باید»ها مشخص می شود. از آن جمله این است که برای اینکه افراد جامعه بهتر به سعادت خود برسند، «باید» حقوق و اولویتها رعایت شود و این است، مفهوم عدالت بشری که وجدان هر فرد آن را تأیید می کند و نقطه مقابلش را که ظلم نامیده می شود، محکوم می سازد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_557_1)(

مولوی می گوید:

ص: 557

1- . عدل الهی، ص62.

عدل چه بود؟ وضع اندر موضعش

"

ظلم چه بود؟ وضع در ناموضعش

"

عدل چه بود؟ آب ده اشجار را

"

ظلم چه بود؟ آب دادن خار را

"

به نمونه هایی از آیات و روایات درباره عدالت اجتماعی توجّه کنید:

در قرآن کریم می خوانیم: (وَ لِکُلِّ أُمَّهٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا یُظْلَمُون)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_558_1)( «برای هر امتی، رسولی است. هنگامی که رسولشان `به سوی آنان` بیاید، به عدالت در میان آنها داوری می شود و ستمی به آنها نخواهد شد.»

در آیه دیگر می فرماید: (یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا قَوَّامِینَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا یجْرِمَنَّکُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَی أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَی وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی با جمعیّتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک است و از `معصیت` خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می دهید با خبر است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_558_2)(

ص: 558

1- . یونس/47.

2- . مائده/8.

در روایات نیز از عدالت تعبیرات بسیار حیاتی شده است که به چند نمونه اشاره می شود:

1. حضرت علی(ع) فرمودند: «جَعَلَ اللَّهُ الْعَدْلَ قِوَاماً لِلْأَنَام؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_559_1)( خداوند عدل را برای قوام و استواری مخلوقات قرار داد.»

2. آن حضرت در سخن دیگری می فرماید: «الْعَدْلُ أَحْلَی مِنَ الْمَاءِ یُصِیبُهُ الظَّمْآنُ؛ عدالت شیرین تر از آب برای تشنه ای است که به آن دست یابد.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_559_2)(

3. رسول خدا(ص) فرمود: «عَدْلُ سَاعَهٍ خَیْرٌ مِنْ عِبَادَهِ سِتّینَ سَنَهً قِیَامٌ لَیْلُهَا وَ صِیَامٌ نَهَارُهَا وَ جَوْرُ سَاعَهٍ فِی حُکْمٍ أَشَدُّ وَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَعَاصِی سِتِّینَ سَنَهً؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_559_3)( یک ساعت رعایت عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبهای آن عبادت کنند و روزهای آن روزه باشند، و یک ساعت حکم و قضاوت ستمکارانه `نزد خدا` از شصت سال گناه شدیدتر و بزرگ تر است.»

علی(ع) و عدالت

ص: 559

1- غرر الحکم، ج1، ص37،

2- . کافی، دار الصعب، ج2، ص146، ح11.

3- . جامع الاخبار، ج1، ص154 و بحارالانوار، ج72، ص352.

یکی از دختران امیرمؤمنان(ع) گردنبندی را به عنوان عاریه به مدّت سه روز برای استفاده کردن در روز عید قربان از ابن رافع، خزانه دار بیت المال امام علی(ع) گرفت. وقتی خبر به امام علی(ع) رسید، به شدّت غضبناک شد، وی را احضار کرد و فرمود: آیا برای همه زنان مسلمانان ممکن است که از بیت المال عاریه بگیرند؟ سرانجام حضرت گردنبند را در اسرع وقت به بیت المال برگرداند و فرمود: اگر به عنوان عاریه نبود، دست دخترم را قطع می کردم. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_560_1)(

عدالت در بین فرزندان

از جمله اموری که باید در آن به عدالت رفتار شود، مسائل مربوط به خانواده و فرزندان متعدد در یک خانواده است. اگر چه ممکن است بعضی از آنها مورد علاقه بیش تر باشند؛ ولی باید دقت کرد که اظهار علاقه منجر به عدم رعایت عدالت و تبعیض در بین آنان نگردد، که در این صورت مرتکب ظلم شده و باید منتظر عواقب ناگوار آن باشد.

«نعمان بن شبیر» می گوید: روزی پدرم به من هدیه ای داد؛ ولی به دیگر برادران و خواهرانم چیزی نداد. مادرم «عمره بنت رواحه» به پدرم گفت: من به این تبعیض راضی نمی شوم؛ مگر آنکه رسول خدا(ص) درستی عمل تو را گواهی کند. سپس پدرم به محضر پیامبر اکرم(ص) شرفیاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا(ص)! من به فرزندم هدیه ای داده ام و همسرم مرا واداشته است که شما را بر صحت آن گواه بگیرم. پیامبر پرسید: آیا به همه فرزندانت چنین هدیه ای داده ای؟ وی گفت: نه! حضرت فرمود: پس از خدا بترس و بین فرزندانت به عدالت رفتار کن! من بر کار ظالمانه گواهی نمی دهم. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_560_2)(

ص: 560

1- . وسائل الشیعۀ، ج28، ص262.

2- . میزان الحکمه، ج10، ص707

دیوار عدالت

هیچ عمران و آبادی، و ساخت و سازی مانند عدالت، یک شهر را آباد نمی کند. در حالی که اگر یک شهر و مملکت از حیث ظاهر و ساختمانها با شکوه گردد؛ ولی این شکوه بر اساس ظلم باشد، در واقع آباد و پایدار نیست. امام علی(ع) می فرماید: «ما عُمِرَتِ الْبُلْدانُ بِمِثلِ الْعَدْلِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_561_1)( هیچ چیز مانند عدل سبب آبادی شهرها نمی شود.»

فرماندار حمص به عمر بن عبدالعزیز در نامه ای نوشت: دیوارهای شهر در حال خراب شدن است. برای تعمیر آن چه دستور می فرمایید؟ خلیفه در پاسخ نوشت: شهر حمص را از عدالت دیوار بکش و راهها را از ظلم و ستم نسبت به مردم، پاکسازی کن. در این صورت به دیوار خشت و سنگ و گچ نیازی نیست. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_561_2)(

توسل

ص: 561

1- . غرر الحکم، ج1، ص 339.

2- . هزار و یک حکایت تاریخی، ص 196.

بر اساس همین عدالت بود که حضرت فاطمه(س) علیه ابابکر چنین احتجاج و استدلال کرد: آیا از عدل است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟ از این رو فرمود: «... یَا ابْنَ أَبِی قُحَافَهَ! أَفِی کِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاکَ وَ لَا أَرِثَ أَبِی؟ لَقَدْ جِئْتَ شَیْئاً فَرِیّاً؛ ای پسر ابی قحافه! آیا در کتاب خدا آمده است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟! براستی بدعت تازه و زشتی آورده ای.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_562_1)(

راستی این از عدالت بود که خانه ولی خدا را در مدینه آتش زدند و به ناموس خدا اهانت کردند؟ راستی با این اهانتها و بی حرمتیها به دنبال چه چیزی بودند؟!

شیطان به بیت وحی تعالی چه می کند؟

"

ص: 562

1- . دلائل الامامه، ص30؛ عوالم العلوم، ج11، ص467 و احتجاج، ج1، ص108.

آتش به گرد جَنّت اعلی چه می کند؟

"

دار الزیاره نبی و آستان وحی

"

ای وای من مغیره در آنجا چه می کند؟

"

رویش سیاه گردد و دستش بریده باد

"

قنفذ، کنار خانه مولا چه می کند؟

"

باید زتازیانه، بپرسم که در بهشت

"

آثار خون به قامت طوبی چه می کند؟

"

گیرم رواست سوختن خانه، میخ در

"

بر سینه شکسته زهرا چه می کند؟

"

آری، این بی عدالتی همچنان ادامه یافت و این آتش همچنان شعله ور ماند تا عصر عاشورا، خیمه گاه آل الله را به آتش کشید و نوامیس خدا و آل بیت(ع) را به اسارت برد. اینجا فریاد دختر زهرا(س) بلند شد که: «أَمِنَ الْعَدْلِ یَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَخْدِیرُکَ حَرَائِرَکَ وَ إِمَاءَکَ وَ سَوْقُکَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَایَا قَدْ هُتِکَتْ سُتُورهُنَّ وَ أُبْدِیَتْ وُجُوهُنَّ تَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَی بَلَدٍ وَ یَسْتَشْرِفُهُنَّ؟ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَ الْمَنَاقِلِ وَ یَتَصَفَّحُ وُجُوهَهُنَّ الْقَرِیبُ وَ الْبَعِیدُ وَ الدَّنِیُّ وَ الشَّرِیفُ لَیْسَ مَعَهُنَّ مِنْ رِجَالِهِنَّ وَلِیٌّ وَ لَا مِنْ حُمَاتِهِنَّ حَمِی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_563_1)( ای پسر آزاد شده `جدّ ما`! آیا از عدل است که تو زنان و کنیزان خود را در پرده بنشانی و دختران رسول خدا را اسیر کنی و از شهری به شهر دیگر ببری؟! پرده آبروی آنها را هتک کنی و صورت آنان را آشکار سازی که مردم بدانها چشم دوزند، و نزدیک و دور و فرومایه و شریف چهره آنها را بنگرند؟ از مردان آنان کسی به همراهشان نیست، نه یار و نه نگه دار و نه مددکاری.»

ص: 563

1- . بحارالانوار، ج45، ص133، باب 39.

صبر

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (2)

صبر

از لوازم انفکاک ناپذیر زندگی اجتماعی و فردی دنیا، این است که زحمات، گرفتاریها، بیماریها، بلاها و ... دامن گیر انسان می شود و همین طور در مقابل وسوسه های نفسانی و شیطانی قرار می گیرد و عبادتهایی چون: نماز، روزه و حج و امثال آن را باید انجام دهد. تمامی این موارد سخت، نیاز به استقامت و صبر دارد. صبر، آثار بسیار سازنده و محصولات بسیار شیرینی برای انسان به ارمغان می آورد. تمامی کسانی که به مقامات عالیه راه یافته اند، از انبیا گرفته تا امامان و اولیای الهی، عامل اصلی و رمز حقیقی این راهیابی، بردباری بوده است.

حضرت زهرا(س) یکی از آثار و حکمتهای صبر را پاداش عظیم آن معرفی می کند و می فرماید: «وَ الصَّبْرَ مَعُونَهً عَلَی اسْتِیجَابِ الْأَجْر؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_564_1)( و `خداوند` صبر را برای به دست آوردن پاداش قرار داده است.»

ص: 564

1- . بحار الانوار، ج43، ص158.

در قرآن کریم درباره صبر تعبیرات بسیار بزرگ و پرمعنایی شده است که باعث تشویق و دلگرمی انسان می شود. همچنین در روایات، آثار گرانبها و مهمّی برای بردباری بیان شده است که به اهمّ آیات و روایات در این زمینه اشاره می شود:

1. صابران، محبوب خداوند

(وَ اللَّهُ یُحِبُّ الصَّابِرِینَ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_565_1)( «خداوند بردباران را دوست دارد.»

2. خداوند، یاور صابران

(وَ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیحُکُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِین)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_565_2)( «خدا و رسولش را اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و قدرت (و شوکت) شما از میان برود و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است.»

این معیّت، معیّت خاص و ویژه است؛ غیر از معیّتی است که خداوند با همه دارد؛ (اِنَّ اللهَ مَعَکُمْ) و (نَحْنُ اَقْرَبُ اِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَریدِ).

ص: 565

1- . آل عمران/146.

2- . انفال /46.

3. تسلط بر زمین، پاداش صبر

در قرآن کریم می خوانیم: سرانجام از فرعونیان انتقام گرفتیم... و مشرقها و مغربهای پربرکت زمین را به آن قومِ به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ستم) واگذار کردیم: (وَ تَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ الْحُسْنی عَلی بَنِی إِسْرائِیلَ بِما صَبَرُوا)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_566_1)( «وعده نیک پرورگارت بر بنی اسرائیل، به سبب صبری که به خرج دادند، تحقق یافت.»

گرت چو نوح نبی صبر هست در غم طوفان

"

بلا بگردد و کام هزار ساله برآید )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_566_2)(

"

4. امامت و هدایت، پاداش شکیبایی

(وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّهً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمَّا صَبَرُوا وَ کانُوا بِآیاتِنا یُوقِنُون)؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_566_3)( «و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما `مردم را` هدایت می کردند؛ چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند.»

ص: 566

1- . اعراف/136 و 137.

2- . حافظ.

3- . سجده/24.

صبر تلخ آمد ولیکن عاقبتمیوه شیرین دهد پرمنفعت )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_567_1)(

5. درود و رحمت خدا

در قرآن به پاداش دیگری برای صابران اشاره کرده، می فرماید: (.... وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ الَّذِینَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصِیبَهٌ قالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ أُولئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَهٌ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُون)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_567_2)( «به بردباران بشارت بده، آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: ما از آن خداییم، و به سوی خدا برمی گردیم. اینها همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده است، و آنها هدایت یافتگان هستند.»

در این آیه به سه پاداش صابران اشاره شده است: 1. درود خدا (در واقع، همان الطاف ویژه الهی) 2. رحمت خاص الهی 3. هدایت خاص الهی.

ص: 567

1- . مولوی.

2- . بقره/155 157.

6. اساس ایمان

حضرت صادق(ع) فرمود: «الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِیمَانِ؛ بردباری سرِ ایمان است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_568_1)(

7. راه رسیدن به اهداف

از حضرت مسیح(ع) نقل شده است که فرمود: «إِنَّکُمْ لَا تُدْرِکُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِکُمْ عَلَی مَا تَکْرَهُون؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_568_2)( براستی به آنچه دوست دارید نمی رسید؛ مگر با صبر بر آنچه بد می دانید.»

امام علی(ع) فرمود: «بِالصَّبْرِ تُدْرَکُ مَعالِی الأُمُورِ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_568_3)( با صبر است که به امور عالیه می توان رسید.»

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر آری شود؛ ولیک به خون جگر شود )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_568_4)(

حتی راه رسیدن به خداوند، صبر در مقابل معاصی و بلاها، بردباری بر طاعت و بندگی است. امیرمؤمنان(ع) می فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَی اللَّهِ وَصَلَ إِلَیْهِ؛ )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_568_5)( کسی که بر `اطاعت و ترک معاصی` خدا صبر کند، به او خواهد رسید.»

ص: 568

1- . کافی، ج2، ص87، ح1.

2- . بحار الانوار، ج79، ص137، باب 18 و مستدرک، ج2، ص425.

3- . غرر الحکم، ص283، ش6317 و منتخب میزان الحکمه، ص287.

4- . حافظ.

5- . بحارالانوار، همان، ج71، ص95، ح60.

8. صبر و ظفر

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «بِالصَّبْرِ یُتَوَقَّعُ الْفَرَجُ وَ مَنْ یُدْمِنْ قَرْعَ الْبَابِ یَلِجْ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_569_1)( با صبر انتظار گشایش می رود و کسی که بر کوبیدن دری مداومت کند، وارد می شود.»

در حدیثی دیگر فرمود: «أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْکَرْب؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_569_2)( پیروزی با صبر و گشایش با سختی است.»

9. راحتی دایمی

حضرت علی(ع) درباره صفات متقین می فرماید: «صَبَرُوا أَیَّاماً قَصِیرَهً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَهً طَوِیلَه؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_569_3)( مدت کوتاهی را صبر کردند، به دنبال آن به راحت طولانی مدّت دست یافتند.»

صبر کن حافظ به سختی روز و شب عاقبت روزی بیابی کام را

ص: 569

1- . بحارالانوار، ج71، ص96، ح61.

2- . بحارالانوار، ج77، ص88، ح2.

3- . نهج البلاغه، ترجمه دشتی، 193، ص402.

10. پاداش هزار شهید

حضرت صادق(ع) فرمود: «مَنِ ابْتُلِیَ مِنْ شِیعَتِنا فَصَبَرَ عَلَیْهِ کَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ أَلْفِ شَهِیدٍ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_570_1)( کسی از شیعیان که گرفتار شود، پس بر آن گرفتاری صبر کند، برای او اجر `و پاداش` هزار شهید خواهد بود.»

حکایت

«امّ عقیل» زن مسلمان و بادیه نشینی بود. روزی دو میهمان بر او وارد شدند. فرزند آن زن همراه شتران در بادیه بود. در همان لحظه به او خبر دادند که شتر خشمگین فرزندش را در چاهی انداخته و کشته است. زن با ایمان به کسی که خبر مرگ فرزند او را آورده بود، گفت: از مرکب پیاده شو و در پذیرایی از میهمانان کمک کن! گوسفند را به او داد تا آن را ذبح کند و سرانجام، غذا آماده شد.

«ام عقیل» غذا را نزد میهمانان گذاشت. پس از صرف غذا نزد آنان رفت و گفت: آیا در میان شما کسی هست که از قرآن به خوبی آگاهی داشته باشد؟ یکی از حاضران گفت: بله! من آگاهم. زن گفت: آیاتی از قرآن را برایم بخوان تا در برابر مرگِ فرزندم مایه تسلّی خاطر من شود. او می گوید: من این آیات را برایِ آن زن خواندم: (وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِین...)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_570_2)( «و به تحقیق شما را با ترس و گرسنگی و کمبود در اموال و جانها و فرزندانتان می آزماییم و صبر کنندگان را بشارت بده...»

ص: 570

1- . التمحیص، ص59، ح125 به نقل از منتخب میزان الحکمۀ، ص288 و کافی، ج1، ص352.

2- . ادامه آیه و ترجمه آن، پیش تر گذشت.

زن خداحافظی کرد، سپس رو به قبله ایستاد و چند رکعت نماز گزارد. بعد عرض کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّی قَدْ فَعَلْتُ مَا أَمَرْتَنِی بِهِ فَاَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی؛ خداوندا! اوامرت را انجام دادم `و رشته شکیبایی را رها نساختم`، تو هم آنچه را `از رحمت و صلوات` به من وعده داده ای بر من ارزانی دار!» سپس اضافه کرد: اگر بنا بود در این جهان کسی برای کسی بماند... . یکی از حاضران می گوید: من فکر کردم می خواهد بگوید که فرزندم برای من باقی می ماند؛ اما چنین ادامه داد که: پیامبر اسلام، محمد(ص) برای امّتش باقی می ماند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_571_1)(

توسل

ص: 571

1- . تفسیر نمونه، ج1، ص534 و 535.

بر اثر لطمات و ضربات وارده بر بدن حضرت زهرا(س) در جریان هجوم به خانه وحی، آن بانوی مکرّمه در بستر بیماری افتاد. در روزهای سخت بیماری آن بانو، زنان مهاجر و انصار به عیادتش آمدند و عرض کردند: «ای دختر پیامبر خدا(ص)! چگونه صبح کردی؟ با بیماری چه می کنی؟» حضرت زهرا(س) پس از حمد خدا و درود بر پدرش فرمود: «أَصْبَحْتُ وَ اللَّهِ عَائِفَهً لِدُنْیَاکُنَّ قَالِیَهً لِرِجَالِکُنَّ لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ شَنَأْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحاً لِفُلُولِ الْحَدِّ وَ اللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ وَ قَرْعِ الصَّفَاهِ وَ صَدْعِ الْقَنَاهِ وَ خَطَلِ الْآرَاءِ وَ زَلَلِ الْأَهْوَاء...؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_572_1)( صبح کردم، در حالی که به خدا سوگند دنیای شما را دوست نمی دارم و از مردان شما خشمناک و بیزارم. درون و بیرونشان را آزمودم و نامشان را از دهان خویش به دور افکندمو از آنچه کرده اند، ناخشنودم. چه زشت است کندی شمشیرها و سستی و بازیچه بودن `مردانتان` پس از آن همه تلاشها. چه زشت است سر بر سنگ خارا زدن، و شکاف برداشتن نیزه ها، فساد آرا و اندیشه ها، انحراف آرمان و انگیزه ها....»

زبان حال

ص: 572

1- . بحارالأنوار، همان، ج43، ص159؛ احتجاج، ج1، ص108 و امالی صدوق، ج1، ص384.

جز غم کسی به خانه من سر نمی زند

"

اینجا که مرغ شوق دگر پر نمی زند

"

در شهر خود غریبم و با درد آشنا

"

در خانه غریب کسی سر نمی زند

"

من دختر پیامبر و زان همه یکی

"

دم از سفارشات پیمبر نمی زند

"

می زد مرا مغیره و یک کس به او نگفت

"

زن را کسی مقابل شوهر نمی زند

"

بیش از خودم به حالت زینب دلم بسوخت

"

(آخر)، مادر، کسی مقابل دختر نمی زند

"

ص: 573

آری، اینجا مادر را مقابل فرزندان زدند و در کربلا فرزندان و دختران را کنار جنازه بابا تازیانه زدند.

ص: 574

نیکی به پدر و مادر

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (2)

نیکی به پدر و مادر

احسان به پدر و مادر از حقوق انسانی است، نه فقط اسلامی؛ اما در اسلام، بهترین و بیش ترین تأکید بر آن شده است و در قرآن در کنار توحید، احسان به والدین مطرح است، تا آنجا که حتی اگر آنان مسلمان هم نباشند، باید به آنها احسان و احترام کرد. مقام و پست نباید انسان را از احترام به والدین غافل کند. انسان در هر مقامی باشد باید پدر و مادر خویش را برتر از خود بداند و در مقابل آنها کرنش و تواضع کند. سفارش در احسانِ به پدر و مادر، متوجه فرزندان است؛ ولی به آنها توصیه نشده است که به فرزندان نیکی کنید. گویا عاطفه پدر و مادری برای این امر کافی است.

در احسان به والدین حدّ و مرزی وجود ندارد، و همچون فقیر نیست که کمک تا زمان سیر شدن باشد و همچون جهاد نیست که تا رفع فتنه ادامه یابد یا مثل روزه نیست که تا افطار باشد؛ بلکه حتی بعد از مرگ آنان نیز نباید آنها را فراموش کرد و تا زنده هستیم باید به والدین احسان کنیم.

ص: 575

حضرت زهرا(س) فرمود: «... بِرَّ الْوالِدَیْن وِقَایَهً مِنَ السَّخَط؛ `خداوند` نیکی به پدر و مادر را برای دوری از عذابش قرار داده است.»

قرآن مجید، رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع)، درباره احسان به ایشان دستورهایی دارند که در هیچ کتاب و مذهبی همانند آن را نمی توان یافت. اکنون به برخی از این آیات و روایات اشاره می شود:

1. بزرگ ترین توصیه

(وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً حَتَّی إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِینَ سَنَهً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاه وَ أَصْلِحْ لِی فِی ذُرِّیتِی إِنِّی تُبْتُ إِلَیکَ وَإِنِّی مِنَ الْمُسْلِمِینَ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_576_1)( «به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند. مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد. دوران حمل و از شیر گرفتنش سی ماه است، تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی برسد، می گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح قرار ده. من به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم، و من از مسلمانانم.»

2. کم ترین اهانت ممنوع

ص: 576

1- . احقاف/15.

(وَ قَضی رَبُّکَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِیَّاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً إِمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ کِلاهُما فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ وَ لا تَنْهَرْهُما وَ قُلْ لَهُما قَوْلًا کَرِیماً وَ اخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَهِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیَانِی صَغِیراً)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_577_1)( «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید. هر گاه یکی از آنها یا هر دوی آنها نزد تو به سن پیری رسند، (کم ترین اهانتی به آنها روا مدار) و به آنها «اف» هم نگو و بر سر آنها فریاد مزن! و گفتار `لطیف و سنجیده و` بزرگوارانه به آنها بگو! و بالهای تواضع خویش را از محبّت و لطف در برابر آنان فرود آر! و بگو: پرورگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، آنان را مشمول رحمت قرار ده.»

در آیه فوق 7 دستور حیاتی و گره گشا به فرزندان نسبت به والدین داده شده است که اگر فرزندان مراعات کنند، مشکل سالمندان و والدین حل خواهد شد.

ص: 577

1- . اسراء / 23 و 24.

«ابی ولّاد حنّاط» می گوید: از امام صادق(ع) درباره این آیه (وَ بِالْوَالِدَیْنِ اِحْسَاناً) پرسیدم و گفتم: این نیکی چیست؟ حضرت فرمود: نیکی این است که با آنان خوشرفتاری کنی و ایشان را وانداری که آنچه را به آن نیازمندند از تو درخواست کنند، اگرچه بی نیاز هم باشند؛ مگر خداوند عزوجل نمی فرماید: هرگز به نیکی نمی رسید؛ مگر از آنچه دوست می دارید، ببخشید. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_578_1)( سپس فرمود: و امّا این آیه که فرمود: (إِمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ کِلاهُما...)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_578_2)( یعنی اگر تو را زدند، بگو: خدا شما را بیامرزد! که این سخن بزرگوارانه از سوی توست و سخن کریمانه است که قرآن بدان امر می کند. و فرمود: معنای (وَ اخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّل...) این است که نگاهت را جز به مهر و دلسوزی به آنان ندوز، صدایت را بالا نبر، دستت را بالاتر از دستشان نبر و از آنان پیش نیفت. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_578_3)(

خدا را پرست و پدر را ستای ولی جان به قربان مادر نمای )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_578_4)(

ص: 578

1- . آل عمران/92.

2- . اسراء/23.

3- . کافی، ج2، ص158، ح1.

4- . ملک الشعرای بهار.

3. احسان در کنار توحید

در آیات متعددی از قرآن، در کنار امر به توحید و نهی از شرک، به احسان بر والدین امر شده است، از جمله آیه ای که گذشت )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_579_1)( و آیات ذیل:

الف) (قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّکُمْ عَلَیْکُمْ أَلَّا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً) )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_579_2)( ؛ «بگو: بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید.»

ب) (وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً)؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_579_3)( «و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر، نیکی کنید.»

ج) (وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَ بَنِی إِسْرائِیلَ لا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً)؛ )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_579_4)( «و `به یاد آورید` زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید، و به پدر و مادر `و نزدیکان` احسان کنید.»

ص: 579

1- . اسراء/23.

2- . انعام/ 151.

3- . نساء/36.

4- . بقره/83.

4. غضب خدا در غضب پدر

رسول خدا(ص) فرمود: «رضا اللهِ فی رِضا الْوالِدِ وَ سَخَطُ الله فی سَخَطِهِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_580_1)( رضای خدا در رضای پدر است و غضب خدا در خشم او.»

نبایست کردن خلاف پدرکه آخر پشیمانی آرد به بر )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_580_2)(

5. ذلت و خواری

امام هادی(ع) فرمود: «الْعُقُوقُ یُعَقِّبُ الْقِلَّهَ وَ یُؤَدِّی إِلَی الذِّلَّهِ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_580_3)( ترک احسان به پدر و مادر، سبب تنهایی و منتهی به خواری می شود.»

6. شقاوت عاق والدین

حضرت صادق(ع): «عُقُوقُ الْوَالِدَیْنِ مِنَ الْکَبَائِرِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْعَاقَّ عَصِیّاً شَقِیّاً؛ ترک احسان به پدر و مادر از گناهان کبیره است؛ چون خداوند عاق والدین را معصیّت کار و شقی قرار داده است.»

نیکی در بیش تر به مادر

ص: 580

1- . مستدرک الوسائل، ج15، ص176 و الترغیب و الترهیب، ج3، ص314، ح1، به نقل از: منتخب میزان الحکمه، ص551.

2- . فردوسی.

3- . مستدرک الوسائل، ج15، ص195 و بحار الانوار، ج74، ص84، ح95.

نکته پایانی در این باب این است که باید به مادر بیش تر نیکی کرد. امام صادق(ع) فرمود: «مردی نزد پیامبر اکرم(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به چه کسی نیکی کنم؟ `حضرت` «قَالَ: أُمَّکَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمَّکَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمَّکَ، قَالَ ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ أَبَاک؛ فرمود: به مادرت. گفت: سپس به چه کسی؟ فرمود: مادرت. `باز` گفت: آن گاه به چه کسی؟ فرمود: مادرت. `باز` گفت: سپس به چه کسی؟ فرمود: پدرت.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_581_1)(

سر ز مادر مکش که تاج شرف

"

گردی از راه مادران باشد

"

خاک شو زیر پای او که بهشت

"

ص: 581

1- . اصول کافی، ج2، ص159، ح9.

در قدمگاه مادران باشد )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_582_1)(

"

حق مادر

مردی مشغول طواف خانه خدا بود و مادرش را نیز بر دوش گرفته و طواف می داد. در همان حال، پیامبر اکرم(ص) را دید. از آن حضرت پرسید: آیا با این کار حق مادرم را ادا کرده ام؟ آن حضرت فرمود: خیر، تو حتّی با این کار جبران یکی از ناله های او را (به هنگام وضع حمل) نکرده ای. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_582_2)(

توسل

حضرت زهرا(س) به امام علی(ع) وصیت کرد: «یَا عَلِی! ... أَنْتَ أَوْلَی بِی مِنْ غَیْرِی، حَنِّطْنِی وَ غَسِّلْنِی وَ کَفِّنِّی بِاللَّیْلِ وَ صَلِّ عَلَیَّ وَ ادْفِنِّی بِاللَّیْلِ وَ لَا تُعْلِمْ أَحَداً وَ أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَی وُلْدِیَ السَّلَامَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَه؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_582_3)( ای علی! ... تو از دیگران بر من سزاوارتری. حنوط و غسل و کفن مرا در شب انجام بده و شب بر من نماز بگزار و شب مرا دفن کن و به هیچ کس اطلاع مده. تو را به خدا می سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می فرستم.»

دل غریب من از گردش زمانه گرفت

"

ص: 582

1- . جامی.

2- . تفسیر نمونه، ج 12، ص78.

3- . بحار الانوار، ج43، ص214؛ وسائل الشیعۀ، ج13، ص311 و دلائل الامامه، ص42.

به یاد غربت زهرا شبی بهانه گرفت

"

شبانه بغض گلوگیر من کنار بقیع

"

شکست و چشم زدل اشک دانه دانه گرفت

"

کنار پنجره ها چشم پراشکم

"

سراغ قبر بی نام و بی نشانه گرفت

"

نشان شعله و دودِ سرای زهرا را

"

توان هنوز زدیوار و بام خانه گرفت؟

"

مصیبتی است علی را پیش چشمان

"

عدو امید دلش را به تازیانه گرفت

"

فراق فاطمه بوتراب باور کرد

"

ص: 583

شبی که چوبه تابوت او به شانه گرفت

"

امام علی(ع) طبق وصیّت حضرت زهرا(س) شبانه بدن او را غسل داد و کفن کرد و در محل نامعلومی )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_584_1)( به خاک سپرد. در لحظه دفن، دو دست، شبیه دستهای پیامبر(ص) از قبر بیرون آمد و جنازه را تحویل گرفت. آن گاه علی(ع) به قبر پیامبر(ص) رو کرد و عرضه داشت: «... سلام بر تو و دخترت! سلام وداع. اگر بازگردم، نه از روی ملال و خسته شدن است و اگر بمانم، نه از بدگمانی به وعده های الهی به صابران می باشد که شکیبایی زیباتر است.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_584_2)( آن گاه این اشعار را انشاء فرمود:

لِکُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِیلَیْنِ فُرْقَهٌ

"

ص: 584

1- . خانه خود حضرت علی(ع)، روضه پیامبر(ص) و یا بقیع.

2- . اصول کافی، ص458، ح3.

و کُلُّ الذی دُونَ الْمَماتِ قَلیلٌ

"

وَ إِنَّ افْتِقَادِی فَاطِماً بَعْدَ أَحْمَدُ

"

دَلِیلٌ عَلَی أَنْ لَا یَدُومَ خَلِیلٌ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_585_1)(

"

«برای اجتماع هر دو دوستی جدایی است و تمام جداییها غیر از مرگ کم (و قابل تحمل) است و به راستی از دست دادن فاطمه بعد از احمد، دلیلی است بر اینکه دوستی دوام ندارد.»

خدا حافظ، همه بود و نبودم

"

خدا حافظ، گل یاس کبودم

"

ببوس از جانب من روی محسن

"

رسان بر خدمت بابا درودم

"

ص: 585

1- . امالی صدوق، ص580، مجلس 74، ح797 و الموفقیات، 193، ح106.

صله ارحام

فصل هفتم: مجالس فاطمیه

مجالس حضرت زهرا(س) (2)

صله ارحام

حقوق، دارای مراتبی است: اوّل، حق خداوند و سپس والدین و بعد، خویشاوندان که باید با آنها رابطه داشت؛ اگرچه در حدّ نوشاندن آب و رساندن سلام. صله رحم آثار بسیاری دارد؛ همچون زیاد شدن عمر، آسان شدن حساب و روز قیامت، تزکیه عمل و ... و ترک آن نیز آثار زیانباری دارد؛ همچون: ملعون شدن نزد خداوند و استشمام نکردن بوی بهشت.

زخویشان هر کسی ببرید پیوند

"

به تیشه ریشه و پیوند خود کند

"

به مال خویش باید مرد عاقل

"

نماید قوم و خویش خویش خوشدل

"

ص: 586

از آنان خوش نماید میهمانی

"

کند از جان و از دل میزبانی

"

که آنها هم زجان گردند یارش

"

به هر پیش آمدی تیمار خوارش

"

باید با خویشان ارتباط داشت؛ هر چند از نیکان نباشد. در این باره آیات فراوانی آمده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

1. نشانه عاقبت به خیری

(الَّذِینَ یُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا یَنْقُضُونَ الْمِیثاقَ وَ الَّذِینَ یَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ یَخافُونَ سُوءَ الْحِساب ... أُولئِکَ لَهُمْ عُقْبَی الدَّار)؛ «آنها که به عهد الهی وفا می کنند و پیمان را نمی شکنند و آنها که پیوندهایی را برقرار می دارند که خدا به برقراری آن، دستور داده است؛ و از پروردگارشان می ترسند و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند ...، پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست.»

2. ملعون در سه جای قرآن

ص: 587

امام صادق(ع) از پدرش نقل کرده است که فرمود: «پدرم علی بن الحسین(ع) به من فرمود که به پنج کس توجّه نکن و با آنان رفیق مشو: دروغگو، فاسق، بخیل، احمق و کسی که قطع رحم می کند که او را در کتاب خداوند در سه جا لعن شده یافتم. خداوند فرمود: (فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَکُمْ أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمی أَبْصارَهُم)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_588_1)( وَ قالَ اللهُ عَزَوَجَلَّ: (الَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_588_2)( وَ قَالَ فِی الْبَقَرَهِ: (الَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ)؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_588_3)( «پس `ای منافقان!` آیا امید بستید که چون از خدا برگشتید `و یا سرپرست مردم شدید` در روی زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید؟ اینان همان کسانی هستند که خدا آنان را لعنت کرده و گوش `دل` ایشان را ناشنوا و چشمهایشان را نابینا کرده است» و خدای عزیز و جلیل فرمود: `فاسقان،` کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع، و در روی زمین فساد می کنند. برای اینان است لَعنَت `خدا و دوری از رحمت او` و برای آنان، جایگاه بدی است.» و در سوره بقره فرمود: «`فاسقان،` کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع، و در روی زمین فساد می کنند. اینها زیانکارانند.» )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_588_4)(

در روایات نیز آثار نیک صله رحم و زیانهای قطع رحم بیان شده است:

ص: 588

1- . محمد/22.

2- . بقره/25.

3- . بقره/ 27.

4- . کافی، ج2، ص641.

حضرت زهرا(س) از بین این آثار، به دو نمونه اشاره کرده، فرموده است:

«... وَ صِلَهَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَهً فِی الْعُمْرِ وَ مَنْمَاهً لِلْعَدَدِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_589_1)( `خداوند` صله رحم را، باعث تأخیر مرگ و فزونی عددی `خویشاوندان` قرار داده است.»

در روایات بسیاری اشاره شده است که صله رحم عامل تأخیر مرگ و مردن است؛ امام حسین(ع) فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ یُنْسَأَ فِی أَجَلِهِ وَ یَزْدادَ فِی رِزْقِهِ فَلْیَصِلْ رَحِمَهُ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_589_2)( کسی که دوست دارد مرگش به تأخیر افتد و رزقش افزوده شود، پس با رحمش ارتباط داشته باشد.»

گاه، همین معنا به صورت افزایش عمر بیان شده است که تعبیر روشن تر از تأخیر مرگ است؛ حضرت صادق(ع) فرمود: «مَا نَعْلَمُ شَیْئاً یَزِیدُ فِی الْعُمُرِ إِلَّا صِلَهَ الرَّحِمِ حَتَّی إِنَّ الرَّجُلَ یَکُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثَ سِنِینَ فَیَکُونُ وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَیَزِیدُ اللَّهُ فِی عُمُرِهِ ثَلَاثِینَ سَنَهً وَیَکوُنُ اَجَلُهُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِینَ سَنَهً فَیَکُونُ قَاطِعاً لِلرَّحِمِ فَیَنْقُصُهُ اللَّهُ ثَلَاثِینَ سَنَهً وَ یَجْعَلُ أَجَلَهُ إِلَی ثَلَاثِ سِنِینَ؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_589_3)( چیزی سراغ نداریم که به مانند صله رحم عمر را افزونی بخشد، تا آنجا که اجل شخص سه سال دیگر است، پس بسیار صله رحم می کند و خداوند بر عمر او سی سال می افزاید و اجلش می شود سی و سه سال بعد. و اگر قطع رابطه با رحم کند، خداوند سی سال عمر او را کم می کند و اجل او را در `ظرف` سه سال قرار می دهد.»

ص: 589

1- . بحارالانوار، ج74، ص94، ح23.

2- . بحارالانوار،جلد74، ص91، ح15.

3- . کافی، ج2، ص152.

توسل

فردای آن شب که حضرت فاطمه(س) دفن شد، چهل قبر جدید در بقیع به چشم می خورد. وقتی مسلمانان این صحنه را دیدند و قبر آن بانو در میان آن قبور مشخص نبود، ضجّه سر دادند. آنان، یکدیگر را ملامت کردند و گفتند: فقط یک دختر از پیامبر(ص) باقی مانده بود که از دنیا رفت و دفن شد و ما در مراسم تشییع و نماز او حضور نیافتیم. سلطه گران گفتند: از زنان مسلمان، عدّه ای بیایند و این قبور را نبش کنند تا بدن فاطمه را بیابند که بر آن نماز گزاریم و قبر او را زیارت کنیم.

این خبر به امیرمؤمنان(ع) رسید. او غضبناک بیرون آمد. چشمانش سرخ و رگهای گردنش برآمده بود و قبایی زرد رنگ که در مواقع سختی می پوشید، بر تن داشت و بر شمشیر خود (ذوالفقار) تکیه زنان به سمت بقیع آمد. شخصی به سوی مردم رفت و گفت: این علی(ع) است که می آید و سوگند می خورد که اگر سنگی از این قبور برداشته شود، با شمشیر پاسخ خواهد داد. عمر و تعدادی از اصحابش گفتند: یا ابا الحسن! سوگند به خدا! قبر فاطمه(س) را نبش می کنیم و بر او نماز می گزاریم.

علی(ع) لباس او را گرفت و وی را بر زمین زد و فرمود: «یَا ابْنَ السَّوْدَاءِ أَمَّا حَقِّی فَقَدْ تَرَکْتُهُ مَخَافَهَ أَنْ یَرْتَدَّ النَّاسُ عَنْ دِینِهِمْ وَ أَمَّا قَبْرُ فَاطِمَهَ فَوَ الَّذِی نَفْسُ عَلِیٍّ بِیَدِهِ لَئِنْ رُمْتَ وَ أَصْحَابُکَ شَیْئاً مِنْ ذَلِکَ لَأَسْقِیَنَّ الْأَرْضَ مِنْ دِمَائِکُمْ فَإِنْ شِئْتَ فَاعْرِضْ یَا عُمَرُ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_590_1)( یابن السوداء (زن سیاه) ! امّا حق خودم، از بیم ارتداد مردم از آن گذشتم؛ امّا قبر فاطمه(س)، سوگند به آن کس که جانم به دست اوست! اگر تو و اصحابت متعرض این قبور شوید، زمین را از خونتان سیراب می کنم، ای عمر! اگر می خواهی اقدام کن.»

ص: 590

1- . دلائل الامامۀ، ص47 و شبیه آن در: بحار الانوار، ج43، ص205؛ ر.ک: قصّه هجرت، ص283 و 284.

ابوبکر جلو آمد و گفت: ای اباالحسن! به حق رسول خدا و به حقّ کسی که روی عرش است! از او دست بردار که ما هرگز کاری انجام ندهیم که تو را ناخوش آید. علی(ع) او را رها کرد و مردم متفرق شدند و دیگر باز نگشتند. جمله «یَتَوَکَّأُ عَلَی سَیْفِه...؛ بر عصایش تکیه می کرد» نشان می دهد که داغ زهرا آن قدر اثر گذاشته بود که حضرت بسان انسان سالخورده ای تکیه زنان به شمشیر می آمد.

زبان حال حضرت علی(ع)

مدینه گریه کن با من که زهرا رفته از دستم

"غریب و بی کس و تنها درون خانه بنشستم

"غریبی مرا مردم همه با چشم خود دیدند

" میان شعله آتش گُلم را با لگد چیدند

"

ص: 591

صدای ناله زهرا زپشت در شنیدم من

" خدا داند که از زینب خجالت می کشیدم من

"

ص: 592

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

مقدمه

(بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ \* اِنّا اَعطَیناکَ الکَوثَر \* فَصَلِ ّ لِرَبِّکَ وانحَر \* اِنَّ شانِئَکَ هُوَ الاَبتَر)

این نوشتار، مرکب از چهار بخش مهم است:

1. اثبات اینکه مناسب ترین معنای کوثر حضرت زهرا(س) و نسل پاک او است، و آن وجود گرامی از بارزترین و ملموس ترین جلوه های اعجاز قرآن می باشد.

2. طبق وعده قطعی قرآن، نسل آن حضرت – بر خلاف اندیشه شوم مخالفان - همواره رو به افزایش و مایه خیر و برکت در جامعه اسلامی بوده است.

3. نگاهی به فضایل حضرت فاطمه(س) و فرزندانش.

ص: 593

4. احترام به فرزندان حضرت زهرا(س) مشروط به این است که آنان خود را به گناه نیالایند و همیشه در احیای معارف اسلامی و تحقق منویات اجداد پاک و مطهرشان کوشیده و دنباله رو راستین خط فکری آنان باشند؛ و گرنه، نه تنها محترم نبوده؛ بلکه طبق دستور قرآن و سنت از جامعه اسلامی طرد خواهند شد.

ص: 594

حضرت زهرا(س) مصداق اتم سوره کوثر

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

حضرت زهرا(س) مصداق اتم سوره کوثر

ای فاطمه، ای عزیز داور

"

ای معنی جاودان کوثر

"

ای گنج هزار گونه گوهر

"

وی خوانده تو را خدای، کوثر

"

نسل تو، نگاهبان دین است

"

بر تاج تو، یازده نگین است

"

خداوند سبحان در این سوره از اعطای کوثر به حضرت محمد(ص) سخن می گوید. بسیاری از مفسران قرآن، در تفسیر سوره کوثر، یکی از معانی آن را نسل پربرکت و ماندگار فاطمه(س) دانسته اند که علاوه بر امامان معصوم(ع)، شامل رهبران شایسته، علمای فرزانه و شخصیتهای ممتاز از نسلِ پاکِ فاطمی می شود و در طول تاریخ، جوامع مختلف از آنها بهره ها برده اند. سوره کوثر درباره حضرت زهرا(س) دو خبر غیبی بیان می کند که هر دو ملازم هم و از معجزات مهم کلام وحی هستند که در پاسداری از حریم فرهنگ قرآن نقش بزرگی ایفا کرده اند: 1. فراوانی و بقای نسل رسول الله(ص) از طریق فاطمه(س).

2. ابتر بودن نسل مخالفان پیامبر(ص) در مقابل نسل حضرت زهرا(س). به این سبب می توان وجود مقدس حضرت زهرا(س) را یکی از بارزترین جلوه های اعجاز قرآن قلمداد کرد.

ص: 595

از منظر مفسران شیعی

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

از منظر مفسران شیعی

گرچه برای کوثر معانی مختلفی گفته اند؛ از جمله اینکه «کوثر» حوضی معروف در رستاخیز یا سرای آخرت است و یا نهر مشهوری در بهشت یا به معنای شفاعت، قرآن، نبوت، خیر کثیر، خیر دنیا و آخرت و غیر اینهاست؛ اما قراین )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_596_1)( نشان می دهد که «کوثر» بر وزن «فوعل» به مفهوم سرمایه ای ارزشمند و پایان ناپذیر، یا خیر و برکت بسیار است، که از منظر مفسران معروف اسلامی می تواند وجود حضرت فاطمه(س) و فرزندان آن گرامی، مصداق اتم کوثر باشد. برخی از نظریات مفسران را در این باره می خوانیم:

1. «شیخ طبرسی» مشهورترین مفسر عالم تشیع در «مجمع البیان» شأن نزول سوره کوثر را این گونه آورده است: مفسّران از «ابن عباس» نقل کرده اند که سوره کوثر در باره «عاص بن وائل سهمی» نازل شده و این موقعی بود که رسول خدا(ص) از مسجد بیرون می آید که عاص حضرت را در نزدیکی درِ بنی سهم دید و با آن گرامی ملاقات و گفتگو کرد. این در حالی بود که عدّه ای از بزرگان قریش در مسجد نشسته بودند. چون عاص به جمع آنها پیوست، پرسیدند: «چه کسی صحبت می کردی؟ گفت: با این ابتر.

ص: 596

1- . این قراین در کلمات مفسران خواهد آمد.

این ماجرا بعد از فوت عبداللَّه، فرزند رسول خدا(ص) و خدیجه(س) بود و طبق رسم و عادت عربِ جاهلی، کسی را که پسر نداشت ابتر می نامیدند. قریش هم در موقع مرگ عبداللَّه، آن بزرگوار را ابتر و صنبور نامیدند (و صنبور نیز به شخصی می گویند که برادر و فرزندی نداشته باشد). )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_597_1)(

آن گاه «طبرسی» دربارۀ واژه «کوثر» می نویسد: برخی برآن اند که کوثر به مفهوم خیر و نیکی بسیار است و برخی دیگر بر این باورند که به معنای زیادی و فراوانی نسل و فرزند است. این معنا در نسل پاک پیامبر(ص) و فرزندان فاطمه(س) آشکار شده است، به گونه ای که امروزه، شمارش آنان امکان پذیر نیست و این برکت تا روز رستاخیز ادامه خواهد داشت. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_597_2)(

2. «شیخ ابوالفتوح رازی» مفسر بزرگ شیعی و از متکلمان امامیه بر این باور است که از مهم ترین معانی کوثر، فرزندان پیامبر(ص) از نسل حضرت فاطمه(س) هستند. او در معنای سوره کوثر می گوید: یعنی دل تنگ مکن از آنچه تو را أبتر می خوانند، که ما تو را کثرتی دهیم در عقب و نسل و فرزندان، که بر زمین هیچ بقعه ای و خطه ای نماند؛ الا آنجا جماعتی از فرزندان تو باشند. نبینی که روز طفِّ کربلا که آن جماعت اهل البیت(ع) را بکشتند، از فرزندان حسین(ع)، جز علی اکبر، زین العابدین(ع) )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_597_3)( نماند. خدای تعالی تنها از نسل او عالم را پرکرد. اکنون تو شکر کن خدای را و نماز بخوان و روز عید شتر بکش، که دشمنان و عَیّابان تو، ابتر و دنبال بریده خواهند بودن، تا از آنان که این گفتند، در جهان ایشان را و اعقاب ایشان را اثر نماند. )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_597_4)(

ص: 597

1- . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص836 در ذیل آیه.

2- . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص836 در ذیل آیه.

3- . و وجود مقدس امام محمد باقر(ع) که کودکی بیش نبود.

4- . رَوْضُ الجِنَان و رَوْحُ الجَنَان فی تفسیرالقرآن، ج 20، ص 428.

3. «علامه طباطبایی» نیز می فرماید: عبارات این سوره و قراین و دلالات آن روشن می کند که مقصود از کوثر، فرزندان و ذریّه های حضرت زهرا(س) است. و این سوره، یکی از معجزات قرآن در عرصه پیشگویی و آگاهیهای غیبی است؛ زیرا اگر به دقت بنگریم، متوجه خواهیم شد که هیچ نسلی به اندازه نسل فاطمه(س) در طول تاریخ اصیل، ریشه دار، ماندگار و فراوان نبوده است. با آن همه، مشکلاتی که برایشان پیش آوردند و اعمال فشار و اختناق و سرکوب که درباره فرزندان حضرت فاطمه به دست خلفای ستمگر انجام شد، باز هم آمار فرزندان حضرت زهرا(س) از همه نسلهای بشر در عالم بیش تر است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_598_1)(

اینکه در آخر سوره فرمود: (إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ) با در نظر گرفتن اینکه کلمه «ابتر» در ظاهر به معنای «اجاق کور» است و نیز با در نظر گرفتن اینکه جمله مذکور از باب قصر قلب است، چنین به دست می آید که منظور از کوثر، تنها و تنها کثرت ذریه ای است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته، (و برکتی است که در نسل آن جناب قرار داده)، و یا مراد، هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه. چیزی که هست، کثرت ذریه، یکی از مصادیق خیر کثیر است. و اگر مراد، مسئله ذریه به استقلال و یا به طور ضمنی نبود، آوردن کلمه «انّ» در جمله «اِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ» فایده ای نداشت؛ زیرا کلمه «انّ» علاوه بر تحقیق، تعلیل را هم می رساند و معنا ندارد، بفرماید: ما به تو حوض دادیم؛ زیرا بدگوی تو اجاق کور و یا بی خبر است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_598_2)(

ص: 598

1- . المیزان فی تفسیر القرآن ، ج 20، ص 371.

2- . المیزان فی تفسیر القرآن ، ج 20، ص 371.در تفسیر آیه.

و چون جمله (إِنَّا أَعْطَیْناکَ) در مقام منت نهادن است و با لفظ متکلم مع الغیر آمده، که بر عظمت دلالت می کند و چون منظور از آن، خوشدل ساختن رسول خدا(ص) است، مطلب را با واژه اعطا که ظاهر در تملیک است، بیان کرد و فرمود: ما به تو کوثر عطا کردیم. و این جمله از این دلالت خالی نیست که فرزندان فاطمه(س) ذریه رسول خدا(ص) هستند، و این خود یکی از خبرهای غیبی قرآن کریم است؛ چون همان گونه که می بینیم، خدای تعالی بعد از درگذشت آن حضرت، برکتی در نسل آن جناب قرار داد، به طوری که در همه عالم، هیچ نسلی معادل آن دیده نمی شود. آن هم با آن همه بلاها که بر سر ذریه آن جناب آوردند و گروه گروه از ایشان را کشتند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_599_1)(

ص: 599

1- . المیزان فی تفسیر القرآن ، ج 20، ص 371.

معنای «کوثر» از دیدگاه مفسران اهل سنت

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

معنای «کوثر» از دیدگاه مفسران اهل سنت

1. «فخر رازی» مفسر بزرگ اهل سنت نیز درباره یکی از معانی کوثر می گوید: منظور از کوثر، فرزندان پیامبر(ص) (از طریق حضرت فاطمه(س)) است؛ زیرا این سوره در ردّ کسانی نازل شده است که پیامبر(ص) را به دلیل نداشتن فرزند مورد طعن و شماتت قرار می دادند. به این سبب معنای آیه این است که خداوند برای تو فرزندان و نسلی عنایت می کند که در طول تاریخ جاویدان خواهند ماند. وقتی به تاریخ پرفراز و نشیب اسلام نگاه می کنیم، می بینیم افراد زیادی از نسل خاتم انبیا(ص) به شهادت رسیده اند؛ اما جهان، همچنان شاهد افزایش نسل پیامبر از طریق حضرت فاطمه(س) است. و چه تعداد از آنان از بزرگان و متفکران جهان بشریت هستند. کسانی همانند: امام باقر، امام صادق ، امام کاظم، امام رضا(ع) و محمد نفس زکیه در میان آنان هستند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_600_1)(

2. «سید محمود آلوسی بغدادی» از مفسران نامدار اهل سنت، در تفسیر اجتهادی و عرفانی خود می نویسد: می توان یکی از معانی کوثر را زیادی فرزندان رسول گرامی اسلام(ص) دانست؛ زیرا عیبجویی دشمنان به دلیلِ فقدان فرزند آن حضرت بوده است. او در معنای آیه می گوید: ای رسول ما! دشمن تو، هر که باشد، ابتر و دم بریده خواهد بود و نسل و یادش تداوم نخواهد داشت؛ امّا نسل و ذریه و یاد و نام و فضایل تو توسط فرزندانت تا روز قیامت باقی خواهد ماند. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_600_2)(

ص: 600

1- . «القول الثالث: الکوثر أولاده قالوا: لأن هذه السوره إنما نزلت ردا علی من عابه علیه السلام بعدم الأولاد، فالمعنی أنه یعطیه نسلا یبقون علی مر الزمان، فانظر کم قتل من أهل البیت، ثم العالم ممتلئ منهم، و لم یبق من بنی أمیه فی الدنیا أحد یعبأ به، ثم انظر کم کان فیهم من الأکابر من العلماء کالباقر و الصادق و الکاظم و الرضا(ع) و النفس الزکیه و أمثالهم، القول.» (مفاتیح الغیب، تفسیر کبیر، ج 32، ص 313.)

2- . روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج 15، ص 481 و 482.

3. «قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی» از دیگر مفسران برجسته اهل سنت )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_601_1)( ، در تفسیر خود به نام «أنوار التنزیل و أسرار التأویل» که معروف به «تفسیر بیضاوی» است، به این معنای کوثر اشاره کرده و زیادیِ فرزندان و پیروان حضرت رسول(ص) را در شمار معانی کوثر ذکر کرده است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_601_2)(

با توجه به سخنان فوق، پیام این سوره شریفه خیلی روشن است که خداوند به پیامبرش نسل سرفرازی ارزانی خواهد فرمود که در طول قرون و اعصار به یادگار بمانند و همچنان که در تاریخ مشاهده می کنیم، با وجود اینکه چقدر از خاندان وحی و رسالت را برای دفاع از ارزشهای انسانی و اسلام به خاک و خون کشیدند؛ اما همچنان جهان از نسل پیامبر(ص) آکنده است و در آسمان اسلام و جهان می درخشند، در حالی که از دشمنان کینه توز و بداندیش پیامبر(ص) همچون «امویان» کسی باقی نمانده است که شایسته نام بردن باشد.

همچنان که مفسرین بزرگ گفته اند: آیه (إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ) صریح ترین قرینه است که مراد از کوثر، حضرت فاطمه زهرا(س) است؛ زیرا در مقابل ابتر، بهترین معنا برای کوثر فرزندان بی شمار است که در طول تاریخ، مصداق کامل خیر کثیرند که رسالت رسول(ص) از طریق فرزندان فاطمه و اوصیا(ع) در جهان بشریت باقی مانده و خواهد ماند.

ص: 601

1- . عبدالله بن عمر بن محمد بیضاوی شیرازی ، از دانشمندان و اساتید بزرگ آذربایجان و قاضی القضاه شیراز، وی در تبریز به سال 685 ه. ق وفات کرد. گروهی وفات وی را 691. ق دانسته اند. وی در تبریز مدفون است.

2- . أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج 5، ص342.

بسیجِ دشمن برای نابودی نسل کوثر

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

بسیجِ دشمن برای نابودی نسل کوثر

بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص)، هنگامی که دخترش صدیقه طاهره(س)، سر در بستر شهادت نهاد، تنها دو پسر به نام «حسن» و «حسین» و دو دختر به نام «زینب» و «ام کلثوم» از او به یادگار ماند. پس از مدتی هم رخداد غمبار عاشورا رخ داد و همه فرزندان حسین(ع)، جز امام چهارم و پنجم(ع) و از فرزندان امام «حسن»(ع) نیز - طبق برخی روایات - هفت تن و از «زینب» نیز دو فرزندش به شهادت و از دختر دیگر آن حضرت هم – طبق قول مشهور - فرزندی به یادگار نماند.

پس از حادثه دردناک و غمبار عاشورا، رخدادهای ناگوار دیگری پدید آمد و کشتارها و خونریزیها از نسل پاک پیامبر ادامه یافت. رخداد سهمگین «حرّه» تا شهادت «زید شهید» و یارانش، و حادثه «فخ» تا تار و مار و آواره ساختن «علویان» یکی از پی دیگری به وقوع پیوست؛ اما با همه این جنایتها و سفاکیهای سیاهکاران اموی، نسل پاک و سرفراز پیامبر(ص) به حیات افتخارآفرین خویش ادامه داد.

ص: 602

پس از امویان نوبت به عباسیان رسید. آنان نیز در بیداد و شقاوت و پیکار بی رحمانه با فرزندان حضرت زهرای اطهر(س) و تلاش در ریشه کن ساختن آنان چیزی کم نگذاشتند. مبارزه آنها با خاندان وحی و رسالت به ظالمانه ترین ابعاد و بدترین و بی رحمانه ترین اشکال، به مدت دو قرن ادامه یافت. آنها جنایات هولناک خود را با شهادت حضرت عسکری(ع) به اوج رساندند؛ اما با تمام شقاوتهای امویان و عباسیان، نسل پاک پیامبر(ص) از طریق حضرت فاطمه(س) رو به فزونی نهاد و بسان مشعل درخشانی نورافشانی کرد.

پس از عباسیان، «صلاح الدین ایوبی» و دار و دسته اش آمدند و آنان نیز در کشتار خاندان پیامبر و نابود ساختن راه و رسم شیعیان آنان، سیاست شوم امویان و عباسیان را پی گرفتند. برای نمونه، در مغرب عربی به چنان کشتارهای دسته جمعی دست یازدیدند که انسان از شنیدن گزارش آن جنایتها در حق پیروان و بستگان اهل بیت(ع) به خود می لرزد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_603_1)(

ص: 603

1- . فاطمه الزهراء(س) از ولادت تا شهادت، ص116.

حضرت فاطمه(س)، چشمه سار برکات الهی

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

حضرت فاطمه(س)، چشمه سار برکات الهی

بزمی به حریم کبریا برپا شد

"

کوثر ز خدا به مصطفی اعطا شد

"

هر قطره ز آب کوثر افتاد به خاک

"

صد شاخه گل محمدی پیدا شد

"

با وجود قلع و قمع بی رحمانه فرزندان حضرت زهرا(س)، خدای جهان آفرین، همچنان که در وجود گرانمایه سرور بانوان عالم انواع برکات را قرار داد و نسل پرافتخار پیامبر را از او آفرید و خیر بسیاری در نسل او قرار داد، در حفظ و نگهداری یاد و نام و تبار پاک آن بانوی گرامی به وعده اش عمل کرد و همانند آیات وحی آن را روز به روز درخشان تر و پایدارتر حفظ کرد و این، همان خصوصیت ممتاز حضرت فاطمه(س) که دارا بودن صفت کوثر( خیر کثیر) و لقب مبارکه ( دارای نسل پر برکت) است.

ص: 604

آماری از فرزندان حضرت زهرا(س)

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

آماری از فرزندان حضرت زهرا(س)

طبق همین نوید آسمانی قرآن، با نگرشی کوتاه متوجه می شویم که نسل پاک سرور بانوان که همان نسل جاودانه پیامبر است، در سراسر جهان حضور دارد و همه جا منتشر شده است.

به گواهی محققان، شمار این نسل سرفراز در عراق به یک میلیون، در ایران به سه میلیون، در مصر به حدود پنج میلیون، در مراکش و مغرب عربی به پنج میلیون، در الجزایر و تونس و لیبی نیز همین گونه، در اردن، سوریه، لبنان، سودان، کشورهای خلیج و عربستان به میلیون ها نفر، و در یمن، هند، پاکستان، افغانستان و جزایر اندونزی به حدود 20 میلیون انسان می رسد و کم تر کشور اسلامی ای است که در آن از این نسل سرفراز حضور نداشته باشد و امروزه شمار آنان بیش از چهل میلیون نفر است. و این، همان معجزه قرآن است که در ضمن الهام غیبی و وعده ای حتمی، خبر از الطاف خفیه خداوند به پیامبر(ص) و حضرت زهرا(س) داده است؛ البته اگر سرشماری دقیق و آمارگیری صحیح بین المللی در سرتاسر گیتی انجام پذیرد، بی تردید شمار آنان از این هم افزون تر خواهد بود.

آری، این شمار عظیم، همه از نسل سرفراز پیامبر(ص)، از طرف امیرمؤمنان(ع) و دخت فرزانه پیامبر، فاطمه(س) است که در میان آنان شخصیتهای برجسته ای از رهبران بزرگ سیاسی، دانشمندان بزرگ، نویسندگان، زمامداران و وزیران، نوابغ و چهره های برجسته در میدانهای گوناگون وجود دارند. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_605_1)(

ص: 605

1- . فاطمه الزهراء(س) از ولادت تا شهادت، ص116

جایگاه و نقش امام زادگان

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

جایگاه و نقش امام زادگان

در کشورهای اسلامی به ویژه کشور ایران که از صدر اسلام مأمن و پناهگاه فرزندان فاطمه(س) در عصرهای خفقان بوده است. در هر نقطه ای یکی از نوادگان حضرت فاطمه(س) آرمیده است که محل آرامش و کانون اجتماع شیفتگان آل محمد(ص) است. این امام زادگان چنان عظمت و ابهت دارند که بهترین و پاک ترین نقطه هر شهر و دیاری محسوب می شوند. گرفتاران، افسرده دلان، بیماران و حاجت مندان با هزاران امید و آرزو به این مکانهای مقدس گام می فهمند و روح و جان خود را صفا می بخشند و این تفسیر کوثر است که خداوند متعال فاطمه(س) و نسل او را برای پیامبر(ص) و امت او خیر کثیر و منشأ برکات قرار داده و هدیه کرده است.

در مقابل، تمام کسانی که به فرزندان حضرت فاطمه(س) آزار رسانده و به قتل و کشتار آنان پرداخته اند، نابود کردیده، هیچ گونه اثری از آنان دیده نمی شود و این همان تفسیر(اِنَّ شانِئَکَ هُوَ الاَبتَر) است.

ص: 606

در اینجا به برخی از بزرگان و شخصیتهای والا مقامی اشاره می کنیم که مصداق کوثر و نسل فاطمه زهرا(س) هستند و در طول تاریخ، همانند آفتاب درخشان به محافل تاریک و ظلمانی، روشنایی بخشیده اند و امروزه نیز ما از نتایج زحمات و برکات وجودشان بهره می بریم: افزون بر وجود یازده امام معصوم که افتخار جهان بشریت و مایه هدایت انسانهای جهان هستی می باشند، به ویژه وجود حضرت مهدی(ع) که همواره به مادرش فاطمه زهرا(س) افتخار کرده است و می فرماید: «فِی ابْنَهِ رَسُولِ اللَّهِ(ص) لِی أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_607_1)( دختر رسول خدا(ص) برای من، الگوی نیکو و شایسته است.» و جهان هستی، مدیون وجود آن گرامی بوده و خواهد بود.

همچنین فرزندان و نوادگان ائمه اطهار(ع) چه در زمان خود و چه بعد از عصر ائمه(ع) و چه در حال زنده بودن و یا بعد از مرگشان، همه و همه افتخار جهان اسلام و مایه خیر و برکت برای عالمیان بوده اند. ستارگانی همچون: سیدرضی، سید مرتضی، سید بن طاوس، سید نعمت الله جزایری، سید محمد مجاهد، سید علی خان کبیر، سید بحر العلوم، سید جواد عاملی، سید عبدالله شُبَّر، سید محمد کاظم یزدی، سید محمد حسن شیرازی، معروف به «میرزای شیرازی»، سید جمال الدین اسدآبادی، سید حسن مدرس، سید شرف الدین عاملی، آیت الله بروجردی، سید محسن امین، سیدابوالحسن اصفهانی، شهید نواب صفوی، علامه طباطبائی، آیت الله خوئی، سید محمد باقر صدر، آیت الله مرعشی نجفی، حضرت امام خمینی، حضرت آیت الله خامنه ای، سید حسن نصرالله و صدها عالم، دانشمند، فقیه، شاعر، حاکم و سیاستمدار اندیشمند از سادات، همه از برکات وجودی حضرت زهرا(س) هستند که عالم هستی از وجودشان بهره مند بوده و هست.

ص: 607

1- . الغیبه، ص 285و بحارالأنوار، ج 53، ص 178.

فضایل فرزندان فاطمه(س)

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

فضایل فرزندان فاطمه(س)

درباره عظمت نسل پیامبر(ص) که از طریق حضرت فاطمه(س) تداوم یافته است، روایات فراوانی به چشم می خورد و علاوه بر وجود مقدس رسول خدا(ص) امامان معصوم(ع) نیز به فضایل نسل حضرت فاطمه(س) در مناسبتهای مختلف پرداخته اند.

خداوند متعال به احترام رسول خدا(ص) و فاطمه زهرا(س) برای فرزندان آن حضرت مقام ویژه ای قرار داده است که از جمله آن تخصیص نصف خمس به سادات است. همچنین رسول خدا(ص) نسبت به اکرام فرزندان فاطمه فرمود: «أَکْرِمُوا أَوْلَادِی وَ حَسِّنُوا آدَابِی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_608_1)( فرزندان مرا گرامی بدارید و آداب و سنتهایم را خوب یاد بگیرید.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_608_2)( و در روایتی دیگر فرمود: «أَحِبُّوا أَوْلَادِی الصَّالِحُونَ لِلَّهِ وَ الطَّالِحُونَ لِی؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_608_3)( فرزندانم را دوست بدارید، نیکان و صالحین را برای خدا و بدانشان را نیز به خاطر من.»

درباره فضایل فرزندان حضرت فاطمه(س) روایات فراوانی وجود دارد که ما فقط به نقل چند روایت دیگر اکتفا می کنیم:

ص: 608

1- . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج 12، ص 376.

2- . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج 12، ص 376.

3- . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج 12، ص 376.

الف) پیامبر اکرم(ص) فرمود: «مَنْ أَکْرَمَ أَوْلَادِی فَقَدْ أَکْرَمَنِی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_609_1)( هر کس فرزندان مرا اکرام کند، همانا خودم را مورد تکریم قرار داده است (و احترام فرزندانم همانند احترام من است).»

ب) آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «حَقَّتْ شَفَاعَتِی لِمَنْ أَعَانَ ذُرِّیَّتِی بِیَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ مَالِهِ؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_609_2)( شفاعت من شایسته کسانی است که ذریه و فرزندانم را با دست و زبان و اموال یاری کنند.»

ج) رسول اعظم اسلام(ص) در توضیح و تبیین آیه: (قُل لا اَسَلُکُم عَلَیهِ اَجرًا اِلَّا المَوَدَّهَ فِی القُربی)؛ )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_609_3)( «ای پیامبر! بگو: من هیچ پاداشی از شما درباره رسالت نمی خواهم؛ جز دوست داشتن اهل بیتم.» می فرماید: خداوند متعال ذریّه هر پیامبری را از نسل و صلب خود او قرار داد؛ اما ذریّه مرا از صلب من و صلب علی بن ابی طالب مقرر فرمود. در میان مردم، فرزندان هر دختری را به پدرشان منتسب می کنند؛ ولی فرزندان فاطمه(س) منسوب به من هستند. )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_609_4)(

د) آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «إِنَّ فَاطِمَهَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّیَّتَهَا عَلَی النَّارِ؛ )[(5)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_609_5)( فاطمه پاکدامن است و خدا نیز آتش جهنم را بر فرزندان او حرام کرده است.»

ص: 609

1- . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج 12، ص 376.

2- . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج 12، ص 376.

3- . شوری/ 23.

4- . میزان الاعتدال، ج 2، ص 586؛ مناقب آل ابی طالب(ع)، ج 3، ص 158.

5- . بحارالأنوار ،ج 43، ص20، باب مناقبها و فضائلها. البته در برخی روایات این سخن ادامه دارد که: «وَ اللَّهِ مَا ذَلِکَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ وُلْدِ بَطْنِهَا خَاصَّه.» (همان، ص23).

ه.) امام سجاد(ع) می فرماید: در همان سالی که امام حسن(ع) به شهادت رسید، من کودک بودم و به دنبال عمویم امام حسن(ع) و پدرم امام حسین(ع) در کوچه های مدینه می رفتیم. جابر بن عبدالله انصاری و انس بن مالک انصاری در میان جمعی از مهاجر و انصار با آن بزرگوار برخورد کردند. جابر بی اختیار خود را به دست و پای آن دو فرزند فاطمه(س) انداخت و غرق بوسه ساخت. مردی از بنی مروان به جابر اعتراض کرد که تو با این کهنسالی و مصاحبت پیامبر(ص) این گونه عمل می کنی؟!

جابر گفت: اگر آن اندازه که من از فضیلت و موقعیت آنان می دانم تو نیز می دانستی بر خاک قدمهایشان بوسه می زدی! بعد از رفتن حَسَنین(ع)، جابر به جمع حاضر گفت: روزی نزد پیامبر(ص) سخن از عظمت این فرزندان فاطمه به میان آمد، و رسول خدا(ص) فرمود:

وقتی که خداوند بزرگ، خواست مرا بیافریند، نطفه مرا در صلب پدرم آدم قرار داد و دائماً آن را از صلبی پاک به رحمی پاکیزه منتقل کرد تا نوح و ابراهیم و عبدالمطلب. هرگز از آلودگیهای جاهلیت چیزی به من نرسید. در نهایت، آن نطفه دو بخش شد: یک قسمت در صلب عبدالله(پدرم) و قسمتی دیگر در صلب ابوطالب (عمویم) نهاده شد. از آن نطفه پاک و نورانی عبدالله، مرا به وجود آورد که خاتم پیامبرانم و از ابوطالب، علی(ع) به وجود آمد که وصی آخرین پیامبر(ص) است. نطفه من و علی جمع شدند و حسن و حسین(ع) پدید آمدند که آخرین سبط پیامبران هستند و خداوند، نسل مرا از آن دو (از طریق علی(ع) و فاطمه(س)) تداوم بخشید.

ص: 610

از نسل حسین(ع) نیز در آخر الزمان مهدی(ع) به پاخیزد که شهرها و سرزمینهای کفار را فتح کند و زمین را بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد پر کند. حسن و حسین، پاک و مطهر و سرور جوانان اهل بهشت اند. خوشا به حال کسی که آن دو و پدر و مادرش را دوست بدارد و بَدا به حال کسی که با آنان دشمنی و کینه ورزی کند.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_611_1)(

با توجه به این روایات، فرزندان حضرت رسول(ص) که همه از نسل فاطمه زهرا(س) هستند مورد توجه و عنایت خدا و رسول خدا(ص) هستند؛ البته به شرط اینکه مقام خود را حفظ کرده و مایه افتخار آن حضرت باشند.

ص: 611

1- . امالی، شیخ طوسی، ص 499، بحارالانوار، ج 37، ص 46.

مهم ترین شرط احترام به سادات

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

مهم ترین شرط احترام به سادات

آری، مهم تر از احترام به سادات، شرطی است که امام رضا(ع) در ملاقات «حسین بن خالد» به او یاد آور شده و با بیان اهمیت دوستی واحترام به سادات، فرمود: نگاه کردن به فرزندان و ذریّه های ما عبادت است. از امام سؤال شد: ای پسر رسول خدا(ص)! آیا نگاه به امامان اهل بیت(ع) که از شما خانواده هستند، عبادت است یا نگاه به تمام کسانی که از نسل رسول خدا(ص) به وجود آمده اند؟! امام رضا(ع) در ادامه فرمود: «بَلِ النَّظَرُ إِلَی جَمِیعِ ذُرِّیَّهِ النَّبِیِّ(ص) عِبَادَهٌ مَا لَمْ یُفَارِقُوا مِنْهَاجَهُ وَ لَمْ یَتَلَوَّثُوا بِالْمَعَاصِی؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_612_1)( بلکه نگاه به تمامی ذریّه های پیامبر اکرم(ص) عبادت محسوب می شود؛ تا زمانی که خود را به گناه نیالایند و از راه پیامبر جدا نشوند.»

ص: 612

1- . «قَالَ النَّظَرُ إِلَی ذُرِّیَّتِنَا عِبَادَهٌ فَقِیلَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّظَرُ إِلَی الْأَئِمَّهِ مِنْکُمْ عِبَادَهٌ أَوِ النَّظَرُ إِلَی جَمِیعِ ذُرِّیَّهِ النَّبِیِّ(ص) قَالَ بَلِ النَّظَرُ إِلَی جَمِیعِ ذُرِّیَّهِ النَّبِیِّ(ص) عِبَادَهٌ مَا لَمْ یُفَارِقُوا مِنْهَاجَهُ وَ لَمْ یَتَلَوَّثُوا بِالْمَعَاصِی.» (عیون أخبار الرضا(ع)، ج 2 ، 51، باب فیما جاء عن الرضا(ع) من الأخبار المجموعه).

محوریت تقوا یا فامیل؟

فصل هشتم: گوناگون

حضرت زهرا(س) و فرزندانش، جلوه ای از اعجاز قرآن

محوریت تقوا یا فامیل؟

بعضی چنین می پندارند که وقتی آقازاده و یا امام زاده باشند، به سبب عظمت و موقعیت ویژه خانواده هایشان رتبه خاصی در اجتماع مسلمانان دارند و دیگر نیازی به رعایت قوانین جامعه ندارند و اگر مرتکب خلاف شدند، باید در حاشیه امن قرار گیرند و مصونیت ویژه ای داشته باشند. و همچنین ضرورتی برای کسب فضایل و داشتن امتیازات معنوی و اجتماعی ندارند و عموم مردم موظف اند که آنان را تکریم کنند و به آنان به دیده احترام بنگرند؛ گر چه در راه صحیح هم نباشند.

در اینجا این موضوع را با توجه به کتاب و سنت به طور اجمال بررسی می کنیم:

ص: 613

الف) در قرآن

اعتقاد ما طبق آیات قرآنی بر این است که در تکریم شخصیت جایگاه افراد در جامعه اسلامی، فقط فرزند حضرت فاطمه(س) و سید بودن کافی نیست؛ بلکه باید از نظر فکری، اعتقادی و عملی نیز تابع حضرت زهرا(س) بود؛ زیرا این آیه، مهم ترین چراغ راه است که می فرماید: (إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهیمَ لَلَّذینَ اتَّبَعُوهُ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_614_1)( «در حقیقت، نزدیک ترین مردم به ابراهیم(ع) `نه فرزندان نسبی؛ بلکه`، همان کسانی هستند که او را `در اندیشه و عمل` پیروی کرده اند.» و همچنین در گفت و شنودی که خداوند متعال با حضرت نوح(ع) دارد باز به این حقیقت تأکید می شود که پیامبر زاده بودن ملاک افضلیت نیست؛ بلکه عمل و کردار صالح مهم است. خداوند می فرماید: (وَ نَادَی نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبّ ِ إِنَّ ابْنیِ مِنْ أَهْلیِ وَ إِنَّ وَعْدَکَ الْحَقُّ وَ أَنتَ أَحْکَمُ الحْاکِمِینَ \* قَالَ یَا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَیرْ صَالِحٍ)؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_614_2)( «و نوح پروردگار خود را ندا داد و گفت: پروردگارا! پسرم از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی. خداوند فرمود: ای نوح! او در حقیقت از کسان تو نیست، او `دارای ` کرداری ناشایسته است.»

سرزنش قرآن از همسران دو پیامبر بزرگ الهی(هود و لوط(ع))، ابولهب و همسر وی که از بستگان نزدیک پیامبر اسلام(ص) بودند و تجلیل از بلال حبشی، سلمان فارسی و اویس قرنی که حتی هم وطن پیامبر(ص) هم نبودند، این حقیقت را می رساند که ارتباط نسبی و یا سببی با پیامبران الهی و خاندان رسول(ص) و حضرت زهرا(س) نمی تواند به تنهایی باعث رفعت انسانها به سوی کمال بشود؛ بلکه آنان نیز باید مثل دیگران در پیمودن راه حق و حقیقت تلاش کنند و حتی بیش تر از دیگران.

ص: 614

1- . آل عمران/ 68.

2- . هود/45 و 46.

خداوند متعال چنان بر این موضوع تأکید می ورزد که حتی وجود مقدس رسول اکرم(ص) را نیز تهدید کرده است و هشدار می دهد که اگر از صراط مستقیم الهی منحرف شود از مجازات خداوندی در امان نخواهد بود، و در سوره حاقه می فرماید: (وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَیْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِیلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْیَمِینِ \* ثمُ َّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِینَ \* فَمَا مِنکمُ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِینَ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_615_1)( «اگر پیامبر اسلام(ص) سخنی دروغ بر ما می بست، ما او را با قدرت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می کردیم، و هیچ کس از شما نمی توانست از `مجازات` او مانع شود!»

ب) در سیره اهل بیت(ع)

ص: 615

1- . حاقه/44 – 47.

امّا سیره اهل بیت(ع) در این زمینه که بر گرفته از معارف قرآنی است، دقیقاً بر خلاف آن پندار باطل است. آن گرامیان هرگز جامعه اسلامی و مصالح نظام اسلامی را فدای فرد نمی کردند؛ حتی اگر آن فرد از نزدیک ترین یاران و محبوب ترین عضو خانواده شان باشد. به مواردی در این باره توجه کنید:

1. در روایتی آمده است: هنگامی که رسول اکرم(ص) دست دزدی را قطع کرد، برخی گفتند: یا رسول الله! ما از شما انتظار نداشتیم که به این شدت عمل کنید! رسول خدا(ص) با قاطعیت تمام فرمود: «لَو سَرقَت فاطمهُ لَقَطعتُها؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_616_1)( اگر دخترم فاطمه هم دست به سرقت بزند، دستش را قطع می کنم.»

2. همچنین هنگامی که «فاطمه مخزومیه» زنی از اشراف قریش از قبیله بنی مخزوم دست به دزدی زد، قرار شد که بر او حد الهی جاری شود. افرادی از قریش به تکاپو افتادند و اسامه بن زید – از یاران نزدیک پیامبر(ص) – را واسطه قرار دادند تا پیامبر(ص) این اشراف زاده را در حاشیه امن قرار دهد. وقتی اسامه در این زمینه با حضرت سخن گفت: پیامبرِ رحمت، چنان بر آشفت و ناراحت شد که به اسامه نهیب زد: «أَتَشفَع فی حَدٍّ من حدودِ اللّه؛ آیا درباره حدّی از حدود الهی `با من چانه می زنی و` شفاعت می کنی؟!

ص: 616

1- . لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج 2، ص40؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج 20، ص 19؛ قاموس الرجال، ج 2، 312 و السنن الکبری، ج 8، ص73.

بعد رسول خدا(ص) بالای منبر رفت و خطبه خواند و در ضمن سخنانش فرمود: اقوام پیشین که هلاک شدند برای این بود که خلافکاری و دزدی اشراف و اشراف زادگان را نادیده می گرفتند و خلافکاران ضعیف و بیچاره `و آفتابه دزدان` را مجازات می کردند. بعد حضرت با قاطعیت تمام فرمود: «ایمُ اللّهِ! لَو أَنَّ فاطمه بنت محمد سَرقَت لَقَطعتُ یَدَها؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_617_1)( به خدا سوگند! اگر فاطمه دختر محمد هم دست به سرقت بزند، دستش را قطع می کنم.»

3. امیرمؤمنان(ع) در این زمینه با عتاب به «عبیدالله بن عباس» یکی از مدیران حکومت علوی، می فرماید: «وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِی فَعَلْتَ، مَا کَانَتْ لَهُمَا عِنْدِی هَوَادَهٌ وَ لَا ظَفِرَا مِنِّی بِإِرَادَهٍ حَتَّی آخُذَ الْحَقَّ مِنْهُمَا وَ أُزِیحَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتِهِمَا؛ )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_617_2)( به خدا قسم! اگر حسن و حسین چنان بکنند که تو کردی( به بیت المال خیانت کنند) از من، روی خوش نمی بینند و به آرزو نمی رسند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که از ظلمشان پدید آمده نابود سازم.»

4. «علی بن ابی رافع» مسئول بیت المال امیرالمؤمنین(ع) می گوید: دخترِ حضرت، )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_617_3)( یک گردنبند مروارید در روزهای عید قربان به امانت تضمین شده از من گرفت که پس از سه روز آن را بازگرداند. وقتی علی(ع) آن را برگردن وی دید، برداشت و به من گفت: در مال مسلمانان خیانت می کنی؟ داستان را برای او نقل کردم و گفتم که من آن را از مال خود تضمین کرده ام. گفت: همین امروز آن را باز گردان و اگر بار دیگر چنین کنی، به کیفر من گرفتار خواهی شد. سپس فرمود: «لَوْ کَانَتْ أَخَذَتِ الْعِقْدَ عَلَی غَیْرِ عَارِیَّهٍ مَضْمُونَهٍ مَرْدُودَهٍ لَکَانَتْ إِذَنْ أَوَّلَ هَاشِمِیَّهٍ قُطِعَتْ یَدُهَا فِی سَرِقَهٍ؛ اگر دخترم این گردنبند را جز به صورت امانت تضمین شده گرفته بود، نخستین زن از بنی هاشم بود که دستش به جرم سرقت بریده می شد.» دخترش در این باره سخنی گفت، علی(ع) به او فرمود: ای دختر علی بن ابی طالب! از قبول حق سر باز مزن! آیا همه زنان مهاجر در این عید از چنین گردنبندی استفاده می کنند؟ )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_617_4)(

ص: 617

1- . لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج 2، ص40؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج 20، ص 19؛ قاموس الرجال، ج 2، 312 و السنن الکبری، ج 8، ص73.

2- . نهج البلاغه، نامه 41، و من کتاب له(ع) إلی بعض عُمَّاله.

3- . ناگفته نماند که مراد در این روایت، قطعاً غیر از حضرت زینب(س) و ام کلثوم(س) (دو دختر حضرت زهرا(س) و امام علی(ع)) است. که مقامات معنوی آنان اجل از این رفتارهاست؛ چرا که امام(ع) در دوران حکومت خود، دختران دیگری به نامهای: ام الحسن، رمله، رقیه، نفیسه، جمانه، ام هانی، امّ کرام، و ... از دیگر همسران خود داشته، که ممکن است یکی از آنان باشد. ( الإرشاد، ج 1، ص354)

4- . تهذیب الأحکام، ج10، ص 151، باب من الزیادات.

5. سخن امام صادق(ع) به «شقرانی» نیز مؤید این مدعاست. آن حضرت به سبب نسبتی که شقرانی با اهل بیت(ع) داشت، به وی این گونه هشدار داد: «یَا شَقْرَانِیُّ إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ کُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَ إِنَّهُ مِنْکَ أَحْسَنُ، لِمَکَانِکَ مِنَّا، وَ إِنَّ الْقَبِیحَ مِنْ کُلِّ أَحَدٍ قَبِیحٌ، وَ إِنَّهُ مِنْکَ أَقْبَح؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_618_1)( ای شقرانی! خوبی از هر کسی خوب است و از تو بهتر، با توجه به اینکه در نزد ما منزلتی داری، و بدی از هر کس بد است و از تو بدتر.»

6. این موضوع از نظر امام رضا(ع) هم – با توجه به روایات - کاملاً روشن است. در منظر آن حضرت، اشراف زاده بر فقیر زاده هیچ گونه برتری ندارد؛ مگر با تقوا و عمل صالح. امام زاده همچنان محاسبه خواهد شد که یک جوان از سایر خانواده ها. به این قطعه تاریخی در این باره توجه کنید:

روزی امام رضا(ع) در مجلس مأمون با عده ای از حاضران گفتگو می کرد. برادرش زید بن موسی نیز در گوشه ای از مجلس عده ای را دور خود جمع کرد و برای آنان در فضیلت سادات و اولاد پیغمبر صحبت می کرد و افتخار می فرمود و مرتب می گفت: ما خانواده چنین هستیم، ما خانواده چنان هستیم! هنگامی که امام رضا(ع) متوجه وی شد و گفته های او را شنید، با صدای بلند او را صدا کرده و همه اهل مجلس را متوجه خود کرد، سپس به زید فرمود:

ص: 618

1- . بحار الأنوار، ج 47، ص350.

«یَا زَیْدُ أَ غَرَّکَ قَوْلُ نَاقِلِی الْکُوفَهِ إِنَّ فَاطِمَهَ(س) أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّیَّتَهَا عَلَی النَّارِ فَوَ اللَّهِ مَا ذَلِکَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ وُلْدِ بَطْنِهَا خَاصَّهً وَ أَمَّا أَنْ یَکُونَ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ(ع) یُطِیعُ اللَّهَ وَ یَصُومُ نَهَارَهُ وَ یَقُومُ لَیْلَهُ وَ تَعْصِیهِ أَنْتَ ثُمَّ تَجِیئَانِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ سَوَاءً لَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ إِنَّ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ کَانَ یَقُولُ لِمُحْسِنِنَا کِفْلَانِ مِنَ الْأَجْرِ وَ لِمُسِیئِنَا ضِعْفَانِ مِنَ الْعَذَابِ؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_619_1)( ای زید! سخن نقالان کوفه تو را مغرور کرده که می گویند: خداوند ذریه فاطمه(س) را از آتش جهنم مصونیت بخشیده است؟! به خدا قسم آنچه شنیده ای، مقصود فرزندان بی واسطه فاطمه(س) یعنی حسن و حسین(ع) و دو خواهر ایشان است. `اگر گفته تو درست باشد که همه اولاد فاطمه(س) مصونیت دارند، آن وقت تو از پدرت موسی بن جعفر(ع) نزد خداوند عزیزتر و گرامی تر خواهی بود؛ چرا که` او خدا را اطاعت می کرد، روزها روزه می گرفت، شبها به عبادت می پرداخت و تو هم از فرمان خدا سر پیچی می کنی، با این حال هر دوی شما اهل سعادت و بهشت خواهید شد، `او با عمل به مقام سعادت رسیده و تو بی عمل به آنجا خواهی رسید؟` علی بن حسین(ع) می گفت: نیکوکار ما اهل بیت پیامبر، دو برابر اجر دارد و بدکار ما دو برابر عذاب خواهد داشت. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_619_2)(

7. برخورد شدید حضرت امام زمان(ع) با جعفر کذاب – پسر حضرت هادی و برادر امام عسکری(ع) - هم که بر همگان روشن و واضح است. گرچه جعفر از کرده های خود پشیمان شد و توبه کرد.

ص: 619

1- . بحار الأنوار،ج 49، ص218.

2- . بحار الانوار، ج52، ص42.

با توجه به مطالب پیشین در قرآن و سنت، روشن است که فرزندان بانوی دو عالم، اگر راه و روش آن گرامی و اجداد طاهرینشان را ادامه دهند، همه فضایل گفته شده در روایات را دارا هستند؛ وگرنه در وادی گمراهی و ضلالت ابدی خواهند بود؛ به عبارت دیگر، روایات تکریم، عام و مطلق اند و این روایاتِ دسته دوم، آنها را مشروط و مقید می کند؛ یعنی احترام سادات به شرط رعایت حدود الهی و حقوق مردم بر همه لازم است؛ وگرنه، نه. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_620_1)(

مثلاً برخی از علویان در «اندونزی» از بقایای فرقه های بداندیش و گمراه خوارج و نواصب هستند! )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_620_2)( ودیده شده است که متأسفانه برخی از سادات منسوب به اهل بیت(ع)، در گذشته و حال در جوامع اسلامی به کج راهه رفته و از موقعیت خود سوءاستفاده کرده اند.

عبدالرحمن جامی چه نیک گفته است:

ص: 620

1- . لازم به توضیح است که روایتی در کتاب تاریخ قم ص 306 آمده و مشهور شده است که امام عسکری(ع) درباره سید حسین، از نوادگان امام صادق(ع) – که در ملا عام شراب می نوشید – به احمد بن اسحاق قمی فرمود: که او را به هر حال احترام کن؛ وگرنه گرفتار خواهی شد. اولاً: سندش ضعیف است؛ زیرا این منبع به تنهایی قابل اعتماد نیست و مؤلفش در کتابهای رجالی متقدم ناشناخته است، و ثانیاً: محتوایش هم با عقل و منطق سازگار نیست؛ ثالثاً: با آیات قرآن در تضاد است؛ زیرا خداوند که درباره اشرف مخلوقات، چنان سختگیری می کند که جمله ]لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْیَمِینِ \* ثمُ َّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِینَ[ به کار می برد، آیا درباره فرزندانش مسامحه می کند؟! رابعاً: سیره اهل بیت(ع) این گونه نبوده و آن بزرگواران در عدالت، نمونه تاریخ بودند. آیا می شود نسبت به خطای فرزندان خود چشم پوشی و این همه مسامحه کنند؛ امّا در باره دیگران سختگیری تمام بکنند؟ خامساً: با روایات بسیاری در حال تعارض است که تأکید در مجازات و سختگیری و عدم رعایت حرمت مطلق خطاکاران دارد که به برخی در متن اشاره شده است. اساساً فرهنگ قرآن و اهل بیت(ع) بر تقوا محوری بنا شده است، نه بر فامیل و نسب محوری. از اینجا پاسخ سایر روایات از این دست نیز معلوم می شود.

2- . فاطمه الزهراء(س) از ولادت تا شهادت، ص 117- 119.

هر پسر کو از پدر لافد، نه از فضل و هنر

"

فی المثل گردیده را مردم بود، نامردم است

"

شاخ بی بر، گر چه باشد از درخت میوه دار

"

چون نیارد میوه و بَر، در شمار هیزم است

"

در اینجا یک نمونه از وقایع معروف را از صفحات تاریخ مرور می کنیم:

پاسخ لطیف علامه حلّی(ره) به سیّد موصلی

روزی علامه حلی(ره) در مجلس سلطان محمد خدا بنده، با علمای مذاهب اهل تسنن بحث و مناظره می کرد. در پایان بحث و مناظره و بیان حقیقت مذهب شیعه امامیه، علامه خطبه بلیغی مشتمل بر ستایش خداوند و درود بر پیغمبر خاتم و ائمه طاهرین(ع) ایراد کرد؛ چون به نام ائمه اطهار(ع) رسید، بر آن ذوات مقدس درود فرستاد. سیدی از علمای موصل که پیرو مذهب تسنن و مردی ناصبی و دشمن خاندان پیغمبر(ص) بود، نیز در مجلس شاه حضور داشت. و ساکت نشسته بود و به سخنان علامه حلی(ره)، پیشوای دانشمندان شیعه گوش می داد.

همین که علامه به نام ائمه اطهار(ع) رسید و بر آنان صلوات فرستاد، سید موصلی برآشفت و چون بهانه خوبی به دست آورده بود، به علامه رو کرد و گفت: شما شیعیان چه دلیلی دارید که بر غیر پیغمبران الهی هم صلوات و درود می فرستید؟ علامه بدون درنگ فرمود: دلیل ما این آیه قرآن است که می فرماید: (الَّذِینَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِیبَهٌ قَالُواْ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ \* أُوْلَئکَ عَلَیهْمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَهٌ وَ أُوْلَئکَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_621_1)( «کسانی که هر گاه مصیبتی به آنها می رسد می گویند: ما از آن خداییم و به سوی او بازگشت می کنیم \* درود و رحمت خداوند بر آنان باد، و آنها راه یافتگان هستند.»

ص: 621

1- . بقره/ 156 و 157.

سید موصلی با عصبانیت گفت: کدام مصیبت به خاندان پیغمبر(ص) و امامان(ع) شما رسیده است که طبق این آیه، شایسته درود الهی باشند؟ علامه فرمود: آیا مصیبتی سخت تر و دردناک تر از این است که مانند تو فرزند نا اهلی از میان آنها پیدا شود که بیگانگان را بر آنها مقدم دارد و برتر بداند تا جایی که حاضر نباشد فضایل پدران پاکزاد خود را بشنود؟! حاضران مجلس همگی از پاسخ به موقع علامه خندیدند و به حاضر جوابی و هوشمندیِ علامه حلّی(ره) آفرین گفتند و به ریشخند سید موصلی پرداختند. یکی از دانشمندان مجلس، شعر زیر را به این مناسبت سرود:

اِذا العَلَویُّ تَابَع نَاصِبیّاً

"

ص: 622

بِمَذهَبِهِ، فَما هُوَ مِن اَبیهِ

"

وَ کان الکَلبُ خَیراً مِنهُ حَقّاً

"

لِأَنَّ الکَلبَ طَبعُ اَبیهِ فیهِ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_623_1)(

"

سعدی هم در این باره گفته است:

پسر نوح با بدان بنشست

"

خاندان نبوتش گم شد

"

سگ اصحاب کهف روزی چند

"

پی نیکان گرفت و مردم شد

"

ص: 623

1- . روضات الجنات، ج 2، ص 284 و داستانهای ما، ج 3، ص 63. اگر سیّد علوی از لحاظ مذهب، پیرو شخصی ناصبی باشد، فرزند پدرش نیست. سگ از او بهتر است؛ زیرا سگ، حالت پدرش را حفظ می کند.

نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

13 نکته

فصل هشتم: گوناگون

نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

13 نکته

1. سوره کوثر که در شأن و منزلت حضرت زهرا(س) نازل شده، دارای ویژگی ژرف و شگرفی است، به گونه ای که تمام کلمات کلیدی آن؛ یعنی «أعطینا»، «کوثر»، «فصلّ»، «انحر»، «شانی ء» و «أبتر»، فقط یک بار در کل قرآن به کار رفته اند.

2. در زبان عربی هنگامی که گفته می شود: «قامَ لَها»، یعنی این مرد به احترام آن زن از جای خود برخاست؛ ولی هنگامی که گفته می شود: «قامَ اِلَیها»، یعنی این مرد به احترام آن زن از جای خود برخاست و به جهت احترام ویژه ای که برای آن زن قائل بود، چند قدمی نیز به طرف او حرکت کرد. در بحار الانوار گفته شده است که هرگاه حضرت زهرا(س) نزد پیامبر خدا(ص) می آمدند «قامَ اِلَیها»، )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_624_1)( یعنی پیامبر(ص) نه فقط به احترام حضرت زهرا(س) از جای خود برمی خاستند؛ بلکه به جهت احترام ویژه ای که برای حضرت زهرا(س) قایل بودند، چند قدمی نیز به طرف او حرکت می کردند و سپس حضرت زهرا(س) را در جای خود می نشاندند.

3. گاهی حضرت امیرمؤمنان علی(ع) برای تبیین سخنان خود به دیگران، به گفتار و رفتار حضرت فاطمه زهرا(س) استناد و استشهاد می کردند. شاید این کار حضرت بدین سبب بوده است که به مخاطبان خود بگویند: دختر رسول خدا(ص) که در دامان وحی پرورش یافته اند نیز این سخن را گفته و این کار را کرده اند.

ص: 624

1- . بحار الانوار، ج 37، ص 71.

4. هرگاه امام باقر(ع) دچار تب می شدند، از پارچه ای که با آب سرد مرطوب شده بود استفاده می کردند و برای شفای خویش به مادرشان حضرت فاطمه زهرا(س) توسل می جستند و با صدای بلند می گفتند: «یا فاطمه بنت محمّد!».

5. امام صادق(ع) به شخصی که نام دخترش را فاطمه گذاشته بود، فرمودند: حالا که نام او را فاطمه گذاشته ای، مبادا که دشنامش دهی یا نفرینش کنی و یا کتکش بزنی!.

البته این سخن بدین معنی نیست که کارهای ناپسند مذکور را نسبت به دختران دیگر روا بدانیم؛ بلکه نشان دهنده احترام ویژه برای دخترانی است که نامشان همسانِ نام حضرت فاطمه(س) است.

6. هنگامی که امام جواد(ع) همسری برای خویش برگُزیدند، مَهر حضرت زهرا(س) را مَهر همسرشان قرار دادند. شایان توجه است که مَهر حضرت زهرا(س) پانصد درهم نقره و حدوداً معادل یک کیلو و دویست و پنجاه گرم نقره است.

ص: 625

7. پس از رحلت حضرت رسول(ص) نخستین شهید از خاندان رسالت، حضرت محسن(ع)، فرزند حضرت زهرا(س) بود که هنگام هجوم به خانه حضرت زهرا(س) و بر اثر فشار در از سوی ظالمان و در شش ماهگی سِقط شد. شهید کردن حضرت محسن(ع) در حقیقت باعث به شهادت رسیدن 31 سادات جهان؛ یعنی سادات محسنی شد. توجه دادنی است که انتخاب نام محسن از سوی شخص رسول خدا(ص) و پیش از تولد حضرت محسن(ع) صورت پذیرفته است.

8. از فرزند محدّث قمی; پرسیدند: چه چیز باعث شد که مردم این همه از کتاب پدرتان «مفاتیحُ الجِنان» استقبال کنند و آن را در خانه خود داشته باشند؟ وی در پاسخ گفت: یکی اخلاص پدرم و دیگر اینکه ایشان ثواب همه این کتاب را به حضرت فاطمه زهرا(س) هدیه کرده بود.

9. عالِم ربّانی و عارف صمدانی، مرحوم آیت اللّه ملاعلی معصومی همدانی، فرموده بودند که برای برآورده شدن حاجات و توسل به حضرت فاطمه زهرا(س)، 530 بار بگویید: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی فاطِمَهَ و أَبیها و بَعلِها و بَنیها بِعَدَدِ ما أَحاطَ بِهِ عِلمُکَ؛ خدایا! به تعداد آنچه دانش تو بر آن احاطه دارد، بر فاطمه و پدر و همسر و فرزندانش درود فرست.» یا 530 بار بگویید: «إِلهی بِحَقِّ فاطِمَهَ و أَبیها وبَعلِها وبَنیها والسِّرِّ الْمُسْتَودَعِ فیها؛ خدای من! به حق فاطمه و پدر و همسر و فرزندانش و آن راز به ودیعه نهاده شده در وجود او، `حاجاتم را برآورده کن`.» شایان توجه است نام مبارک فاطمه که حرف پایانی آن تاء گِرد عربی است، طبق حساب حروف اَبجَد با عدد 530 برابر است. همچنین طبق همین حساب، نام «زهراء» با عدد 214 و «یا زهراء» با عدد 225 برابر است.

ص: 626

10. شماری از حدیث پژوهان عقیده دارند اینکه گفته می شود: عبارتِ «لَولاکَ لَما خَلَقتُ الأَفلاکَ و لَولا عَلِیٌّ لَما خَلَقْتُکَ ولَولا فاطِمَهُ لَما خَلَقْتُکُما؛ اگر تو نبودی، هستی را نمی آفریدم و اگر علی(ع) نبود، تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه(س) نبود، تو و علی(ع) را نمی آفریدم»، حدیث قدسی و از سوی خداوند بزرگ و خطاب به پیامبر اکرم(ص) بوده، در کتابهای معتبر حدیثی و جوامع مستند روایی دیده نشده است. از این رو، هم معنی و دلالت این حدیث را باید دوباره پژوهید و هم سند و مدرک آن را؛ به ویژه نباید این حدیث را به گونه ای معنی و تبیین کنیم که از آن، برتری مقام و منزلت حضرت امیرمؤمنان علی(ع) نسبت به پیامبر اکرم(ص) و برتری مقام و منزلت حضرت زهرا(س) نسبت به آن دو برداشت شود.

11. شنیده و یا خوانده اید هنگامی که حضرت زهرا(س) را میان کفن گذاشته و فرزندانشان کنار ایشان بودند، ناگهان حضرت ناله ای کردند و دستان خود را از میان کفن بیرون آوردند و امام حسن و امام حسین(ع) را در آغوش گرفتند و.... گفتنی است مرحوم علامه مجلسی; هنگام نقل این حدیث می فرمایند: این حدیث را در برخی از کتابهایی دیدم که معتبر نیستند و نمی توان به آنها استناد کرد؛ ولی دوست داشتم که این حدیث رابیان کنم. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_627_1)(

ص: 627

1- . بحار الانوار، ج 43، ص 174.

از این رو، همه ما و به ویژه سخنوران و مداحان اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، در نقل و بیان این گونه احادیث، خصوصاً برای مخاطبانی که پذیرش فرا عقلی و ماورای طبیعی شان کم تر است، دقت و تحقیق بیش تری کنیم و سپس با دلیلهای معتبر علمی و استنادهای صحیح حدیثی، به نقل و بیان آن بپردازیم؛ زیرا: «رُبَّ مَشهورٍ لاأَصلَ لَهُ؛ چه بسا چیزهای مشهوری که بی پایه و ریشه اند.»

12. یکی از القاب حضرت زهرا(س) حانیه (با حرف حاء) است، نه هانیه (با حرف هاء). شایان توجه است که حانیه به معنای زن دلسوز و مهربان (نسبت به همسر و فرزندان) و اما هانیه به معنای زن خدمتکار است. از این رو، هنگام نامگذاری دختران و گرفتن شناسنامه برای آنان، به تلفظ و املای درست این کلمه توجه داشته باشیم.

13. میان برخی از مردم، معروف است صدقه دادن به فقیرهایی که سید و از فرزندان حضرت زهرا(س) هستند حرام است و بدین جهت نباید به آنها صدقه داد. گفتنی است که صدقه بر دو نوع است: یکی صدقه واجب، مانند زکات مال و زکات فطره و دیگری صدقه مستحب، مانند کمک کردن و پول دادن به فقیران. آنچه از نظر شرعی و فقهی حرام است، فقط دادن زکات مال و زکات فطره از سوی افراد غیرسید به سید است. پس دادن زکات واجب از سوی سید به سید و نیز دادن صدقه مستحب از سوی غیرسید به سید اشکالی ندارد.

ص: 628

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

احترام نام فاطمه(س)

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

احترام نام فاطمه(س)

احترام حضرت فاطمه(س) و قداست آن بانوی بزرگوار برای تمام مسلمانان بدیهی و مسلم است.

«سکونی» می گوید: خدمت امام صادق(ع) رسیدم، در حالی که غمگین بودم. آن حضرت به من فرمودند: ای سکونی! چرا غمگین هستی؟ عرض کردم: خداوند به من دختری داده است. فرمودند: ای سکونی! سنگینی آن دختر بر زمین است و روزی اش با خدا و عمرش جداگانه. سپس فرمودند: چه نامی برای او انتخاب کرده ای؟ عرض کردم: فاطمه. فرمودند: آه، آه، آه. و دست خود را بر پیشانی نهادند و آن گاه فرمودند: «إِذَا سَمَّیْتَهَا فَاطِمَهَ فَلَا تَسُبَّهَا وَ لَا تَلْعَنْهَا وَ لَا تَضْرِبْهَا )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_629_1)( ؛ اگر نام او را فاطمه نهادی، به او بد مگو و لعن مکن و او را مزن.»

ص: 629

1- . وسائل الشیعۀ، ج 15، ص 200.

دو مسئله

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

دو مسئله

1. برای فرد بی وضو حرام است که نام خداوند متعال را مس نماید و همچنین است بنا بر احتیاط واجب مس اسامی مبارک پیغمبر(ص) و ائمه(ع) و حضرت زهرا(س). )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_630_1)(

2. یکی از محرمات بر شخص جنب، رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا - به هر لغت که باشد - و بنا بر احتیاط اسم پیامبران، امامان و حضرت زهرا(س) است. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_630_2)(

ص: 630

1- . توضیح المسائل مراجع، ج 1، ص 199، مسئله 319؛ آیات عظام فاضل، سیستانی، تبریزی، زنجانی: بهتر آن است که اسم مبارک پیامبر و ائمه معصومین(ع) و حضرت زهرا(س) را مس ننماید. آیت الله العظمی مکارم: مس اسم مبارک پیامبر(ص) و ائمه هدی(ع) و حضرت زهرا(س) اگر هتک حرمت و بی احترامی باشد حرام است.

2- . توضیح المسائل مراجع، ج 1، ص226؛ آیات عظام صافی، سیستانی، بهجت.

کیفر بی حرمتی

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

کیفر بی حرمتی

کیفر دشنام گفتن به فاطمه(س) قتل است، و بر اساس فقه اسلامی، فردی که نسبت به آن بانوی مقدس هتک حرمت کند و به فحاشی و دشنام گویی زبان بگشاید، مستوجب مرگ است و باید به قتل رسانده شود. این شدت عمل و سخت گیری شاید بدین جهت باشد که حرمت و منزلت آن بانوی بزرگوار، هم پایه احترام ائمه و پیشوایان معصوم(ع) است و بازگشت به فحاشی و هتک حرمت و سبّ رسول الله(ص) دارد. از این رو کسی که به آن بانوی مطهره سب کند، حکم کسی را دارد که به رسول الله(ص) سب نماید و باید به قتل برسد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_631_1)(

امام خمینی; می فرماید: الحاق صدیقه طاهره به ائمه اطهار خالی از وجه نیست؛ بلی اگر دشنام به صدیقه طاهره(س) بازگشت به سب رسول الله(ص) نماید، بدون شبهه دشنام دهنده کشته می شود. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_631_2)(

ص: 631

1- . صدیقه طاهره، ص 203، به نقل از علامه در «تحریر الاحکام» و شهید در «لمعه.»

2- . تحریر الوسیله، ج 2، ص 477.

امام خمینی(ره) طی حکمی در سال 1367 به آقای محمد هاشمی، مدیر عامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی نوشتند: با کمال تأسف از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می گردد و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهینی در کار بوده است، بلاشک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از این گونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد؛ البته در تمامی زمینه ها قوه قضائیه اقدام می نماید. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_632_1)(

ص: 632

1- . صحیفه نور، ج 21، ص 76.

تسبیحات زهرا(س)

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

تسبیحات زهرا(س)

یکی از تعقیبات نماز، گفتن تسبیحات حضرت زهرا(س) است که بسیار فضیلت دارد؛ بلکه برتر از سایر تعقیبات نماز محسوب می شود.

از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: «تسبیح حضرت فاطمه(س) بعد از هر نماز نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز محبوب تر است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_633_1)(

همچنین امام صادق(ع) درباره تسبیح فاطمه زهرا(س) فرمودند: «چون به خوابگاه خود رفتی، سی و چهار بار «الله اکبر»، سی و سه بار «الحمد لله» و سی و سه بار «سبحان الله» بگو و آیه الکرسی و دو سوره معوذتین را با ده آیه اول سوره صافات و ده آیه از آخرش بخوان.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_633_2)(

و نیز آن امام بزرگوار به یکی از یاران خود به نام ابو هارون فرمودند: «ما خردسالان خود را به تسبیح حضرت زهرا فرمان می دهیم، همچنان که آنان را مأمور به برگزاری نماز می نماییم.» )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_633_3)(

ص: 633

1- . العروه الوثقی، ج 1، ص 703.

2- . فروع کافی، ج 6، ص 207.

3- . امالی صدوق، ص 579.

چند مسئله

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

چند مسئله

1. در تسبیحات حضرت زهرا(س) ابتدا 34 مرتبه «الله اکبر»، سپس 33 مرتبه «الحمد لله» و پس از آن 33 مرتبه «سبحان الله» گفته می شود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_634_1)(

2. جایز است ذکر «سبحان الله» جلوتر از ذکر «الحمد لله» گفته می شود؛ ولی بهتر آن است که ذکر «الحمد لله» جلوتر گفته شود. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_634_2)(

3. تسبیحات حضرت زهرا(س) بعد از هر نماز مستحب است؛ چه نماز واجب و چه نماز مستحب؛ ولی در نماز واجب، خصوصاً در نماز صبح مستحب مؤکد است. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_634_3)(

4. مستحب است ذکر تسبیحات حضرت زهرا(س) با تسبیح تربت امام حسین(ع) باشد.

5. اگر تسبیح گوینده در تعداد تکبیرات یا تسبیحات شک کند، در صورتی که از محل آن تجاوز نکرده باشد، باید بنا را بر مقدار کم تر بگذارد؛ و الا باید بنا بر این بگذارد که به طور کامل انجام شده است و اگر زیادتر هم گفته باشد، مانعی ندارد. )[(4)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_634_4)(

ص: 634

1- . امالی صدوق، ص 579.

2- . امالی صدوق، ص 579.

3- . تحریر الوسیله، ج 1، ص184.

4- . العروه الوثقی، ج 1، ص 704.

دروغ بستن به حضرت زهرا(س)

اگر روزه دار با گفتن، نوشتن، اشاره و مانند اینها به خدا و پیامبر(ص) و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد، روزه اش باطل می شود و احتیاط واجب آن است که نام حضرت زهرا(س) و سایر پیامبران(ع) و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارد. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_635_1)(

ص: 635

1- . توضیح المسائل مراجع، ج 1، ص 934؛ عروه الوثقی، ج 2، ص 242.

صلوات بر فاطمه(س)

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

صلوات بر فاطمه(س)

یکی از عبادتهای دینی درود و صلوات فرستادن بر حضرت ختمی مرتبت و اهل بیت معصوم(ع) آن حضرت است. این عبادت ریشه قرآنی دارد و خداوند متعال در قرآن به آن دستور داده است: (إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً)؛ )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_636_1)(

در روایتی از پیامبر(ص) آمده است که درود فرستادن بر فاطمه زهرا(س) آثار معنوی بالایی دارد و در قیامت شایستگی الحاق به پیامبر اکرم(ص) را برای انسان فراهم می کند. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «یا فاطمه! مَنْ صَلَّی عَلَیْکِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ أَلْحَقَهُ بِی حَیْثُ کُنْتُ مِنَ الْجَنَّه؛ ای فاطمه! هر کس بر تو صلوات بفرستد، خداوند او را می آمرزد و در هر جای بهشت که باشم، وی را به من ملحق می سازد.»

کیفیت صلوات بر حضرت زهرا(س) چنین است:

ص: 636

1- . احزاب/56.

«اللهم صل علی فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها والسر المستودع فیها بعدد ما احاط به علمک.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_637_1)(

ص: 637

1- . معجم صحیفه الزهراء.(س)

عقد و عروسی

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

عقد و عروسی

برپایی مجلس عقد و عروسی در روزها و شبهای شهادت ائمه معصومین(ع) اگر موجب توهین و هتک باشد، اجتناب از آن لازم است. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_638_1)(

سؤال: برخی برای اینکه برنامه های موسیقی و لهو و لعب در مجالس عروسی خود را توجیه کنند، می گویند: این برنامه ها در شب عروسی حضرت زهرا(س) نیز وجود داشته است. آیا این نسبتها صحیح است؟

پاسخ: چنین نسبتی صحیح نیست. )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_638_2)(

ص: 638

1- . الف: آیت الله العظمی خامنه ای: اگر موجب توهین و هتک باشد اجتناب لازم است. ب: آیت الله العظمی مکارم: در فرض مسئله حرام است. ج: آیت الله العظمی سیستانی: جایز نیست. د: آیت الله العظمی صافی: این گونه حرکات مناسب دوستان اهل بیت نیست و باید مؤمنین از آن بپرهیزند. ه : آیت الله العظمی بهجت: در صورت صدق عنوان هتک، حکم آن نزد متشرعه واضح است. (مسائل جدید، ج 2، ص 49).

2- . مسائل جدید، ج 2، ص 75، به نقل از آیات عظام صافی، فاضل، تبریزی و مکارم.

نماز حضرت زهرا(س)

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

نماز حضرت زهرا(س)

نماز حضرت زهرا(س) دو رکعت است؛ بدین صورت که در رکعت اول بعد از حمد 100 مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم بعد از حمد 100 مرتبه سوره توحید خوانده می شود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_639_1)(

ص: 639

1- . مفاتیح الجنان، انتشارات فاطمه الزهرا(س)، ص 67.

نماز استغاثه به حضرت زهرا(س)

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

نماز استغاثه به حضرت زهرا(س)

در مفاتیح الجنان روایت شده است که: هر گاه حاجتی داری دو رکعت نماز به جای آور و پس از سلام سه مرتبه تکبیر بگو و پس از آن تسبیحات حضرت فاطمه(س) را بگو، آنگاه به سجده برو و صد مرتبه بگو: «یَا مَولَاتِی! یَا فَاطِمَهُ! اَغِیثِینِی؛ ای مولای من! یا فاطمه! کمکم کن.»، سپس جانب راست صورت را بر زمین بگذار و همان ذکر را صد مرتبه بگو، سپس جانب چپ صورت را بر زمین بگذار و صد مرتبه همان ذکر را بگو و حاجت خود را بخواه، به خواست خداوند حاجتت برآورده می شود. )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_640_1)(

ص: 640

1- . مفاتیح الجنان، انتشارات فاطمه الزهرا(س)، ص 423.

زیارت حضرت فاطمه(س)

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

زیارت حضرت فاطمه(س)

«قال رسول الله(ص): مَنْ زَارَ فَاطِمَهَ فَکَأَنَّمَا زَارَنِی وَ مَنْ زَارَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ فَکَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَهَ؛ هر که فاطمه را زیارت کند، مثل این است که مرا زیارت کرده و هر کس علی بن ابی طالب را زیارت کند، مانند آن است که فاطمه را زیارت کرده است.» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_641_1)(

همچنین راوی نقل می کند که: «قَالَتْ فَاطِمَهُ: قَالَ أَبِی وَ هُوَ ذَا حَیٌّ إِنَّ مَنْ سَلَّمَ عَلَیَّ وَ عَلَیْکِ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ فَلَهُ الْجَنَّهُ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهَا: هَذَا فِی حَیَاتِهِ وَ حَیَاتِکِ أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ مَوْتِکِ قَالَتْ فِی حَیَاتِنَا وَ بَعْدَ مَوْتَنَا؛ فاطمه(س) فرمودند: پدرم آن زمان که در قید حیات بود `به من` فرمود: هر که سه روز بر من و تو سلام کند، بهشت برای اوست. به حضرت `زهرا(س)` گفتم: این مسئله در زمان حیات پیامبر(ص) و شما یا بعد از مرگتان است؟ حضرت زهرا(س) فرمودند: در حیات و ممات ما.» )[(2)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_641_2)(

امام جواد(ع) هر روز هنگام زوال به مسجد رسول الله(ص) رفته و پس از سلام و صلوات بر رسول خدا(ص)، به سراغ خانه مادرش زهرا(س) که در همان نزدیکی قبر پیامبر(ص) است می رفت و کفشها را در آورده و با نهایت ادب و خضوع، داخل خانه شده و در آنجا نماز و دعا می خواند و دقایقی طولانی به عبادت مشغول می شد و هرگز دیده نشد به زیارت رسول(ص) برود و سراغ مادرش را نگیرد. )[(3)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_641_3)(

ص: 641

1- . بحارا الانوار، ج 43، ص 58.

2- . کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین(ع)، ص354.

3- . کشف الیقین، ص 354.

روز زیارتی مخصوص حضرت زهرا(س)

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

روز زیارتی مخصوص حضرت زهرا(س)

در روایات، هر یک از روزهای هفته و ساعات شبانه روز به نام یکی از معصومین(ع) نامگذاری شده و برای هر روز و هر هفته با توجه به همین نامگذاریها، ادعیه و اعمالی بیان شده است.

از بین روزهای هفته، روز یکشنبه متعلق به امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا(ع) می باشد و از بین ساعات شبانه روز، ساعت آخر شب، نزدیک اذان صبح، متعلق به فاطمه زهرا(س) می باشد. زیارت مخصوص حضرت زهرا(س) در روز یکشنبه چنین است:

«یَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنَکِ الَّذِی خَلَقَکِ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَکِ فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ صَابِرَهً وَ زَعَمْنَا أَنَّا لَکِ أَوْلِیَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِکُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوکِ(ص) وَ أَتَی بِهِ وَصِیُّهُ(ع) فَإِنَّا نَسْأَلُکِ إِنْ کُنَّا صَدَّقْنَاکِ إِلَّا أَلْحَقْتِنَا بِتَصْدِیقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهُرْنَا بِوَلَایَتِکَ)» )[(1)](file:///C:\Users\ahad\Downloads\12095-f-13941226-hazratzahra.htm#content_note_642_1)(

ص: 642

1- . مفاتیح الجنان، ص 91.

فهرست منابع و مأخذ:

فصل هشتم: گوناگون

احکام و نکته هایی درباره حضرت زهرا(س)

فهرست منابع و مأخذ:

قرآن کریم.

اثبات الوصیه، علی بن علی مسعودی.

"الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، امین الاسلام.

"احقاق الحق، قاضی نور الله حسینی.

"احقاق الحق، قاضی نور الله حسینی.

"احیای تفکر اسلامی، شهید مرتضی مطهری.

"الاخبار الموفقیات، زبیر ابن بکار.

"الاختصاص، شیخ مفید.

"اخلاف حضرت فاطمه(س)، مهدی تاج لنگرودی.

"الارشاد، شیخ مفید.

"أسد الغابه فی تمییز الصحابه.

"اعلام النساء، عمر رضاکحاله.

"اعلموا إنّی فاطمه.

"اعیان الشیعه، سید محسن عاملی.

" اعیان الشیعه، محسن امین.

"

ص: 643

امالی، شیخ صدوق.

"الامالی، شیخ طوسی.

"الامالی، شیخ مفید.

"امام علی بن ابی طالب، عبد الفتاح عبد المقصود.

"الامامه والخلافه، مقاتل بن عطیه.

"الامامه والسیاسه، عبد الله بن مسلم بن قتیبه دینوری.

"امامت و رهبری، مرتضی مطهری.

"انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری.

"انشراح نور.

"انوار التنزیل و اسرار التأویل، عبد الله بن محمد بن علی بیضاوی شیرازی.

"بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی.

"بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی.

"بدایه المعارف، محمد رضا مظفر.

"البرهان فی تفسیر القرآن، علامه سید هاشم حسینی بحرانی.

" بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، عماد الدین طبری آملی.

"

ص: 644

بلاغات النساء، ابن طیفور.

"بیت الاحزان، شیخ عباس قمی.

"بیست گفتار، شهید مرتضی مطهری.

"تاریخ أبی الفداء، عماد الدین اسماعیل ابو الفداء.

"تاریخ الامم والملوک، محمد بن جریر طبری.

"تاریخ الخلفاء، جلال الدین سیوطی، تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید.

"تاریخ المدینه المنوره، ابو زید عمر بن شبّه النمیری، تحقیق: فهیم محمد شلتوت.

"تاریخ خلفا، رسول جعفریان.

"تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق: علی یثربی.

"تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح.

"تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، سید شرف الدین علی حسینی استرآبادی.

" تحریر الوسیله ، روح الله الموسوی الخمینی.

"

ص: 645

تذکره الشعراء، سمرقندی.

"ترجمه الفخری فی الاداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، محمد بن علی بن طباطبا.

"تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مصطفی درایتی و حسین درایتی.

"تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی.

"تفسیر الکبیر، فخر الدین رازی.

"تفسیر الکشاف، جار الله زمخشری.

"تفسیر عیاشی، ابو نصر محمد بن مسعود بن عباش سمرقندی.

"تفسیر فرات کوفی، فرات بن ابراهیم کوفی.

"تفسیر مجمع البیان، امین الاسلام طبرسی.

"تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان.

"تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی.

"تفیسر القرآن الکریم، محی الدین عربی.

" تلخیص الشافی، سید مرتضی علم الهدی، تلخیص: شیخ طوسی.

"

ص: 646

التوحید، شیخ صدوق.

"توضیح المسائل مراجع.

"تهذیب الاحکام، شیخ طوسی.

"تهذیب الکمال، مذی.

"جامع الاخبار، تاج الدین الشعیری.

"جامع البیان العلم و فضله، ابن عبد البر قرطبی.

"الجامع الصحیح (سنن ترمذی)، عیسی بن محمد بن عیسی ابن سوره ترمذی.

"جلاء العیون، علامه محمد باقر مجلسی.

"الجنه العاصمه، صاحل بن عبد الوهاب.

"جواهر المطالب، باعونی.

"چهل حدیث در فضائل محمد(ص).

"حق الیقین فی معرفه اصول الدین، سید عبد الله شبّر.

"حلیه الاولیاء و طبقات الأصفیاء، احمد بن عبد الله ابو نعیم اصفهانی.

"حیاه الحیوان، کمال الدین دمیری.

" حیاه الصحابه، الکاند هلوی.

"

ص: 647

الحیاه.

"حیوه القلوب، محمد باقر مجلسی، تحقیق: سید علی امامیان.

"الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی.

"الخصال، شیخ صدوق.

"الخصال، شیخ صدوق.

"داستان راستان، شهید مرتضی مطهری.

"داستان ها و پندها.

"داستانهای ما، علی دوانی.

"در المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی.

"الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، سید علی خان مدنی.

"دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی.

"دلائل الامامه، امین الاسلام طبرسی.

"دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری.

"دلائل النبوه، ابو بکر احمد بن حسین بیهقی، برگردان: محمود مهدوی دامغانی.

"دیوان اقبال لاهوری.

" دیوان الهی قمشه ای.

"

ص: 648

دیوان حافظ، تصحیح: غنی قزوینی.

"ذخائر العقبی، محب الدین طبرسی.

"ذخائر العقبی، محب الدین طبرسی.

"الذریه الطاهره النبویه، محمد بن احمد الدولابی، تحقیق: سعد المبارک الحسن.

"ربیع الابرار ونصوص الاخبار، ابو القاسم محمود بن عمر زمخشری.

"الرحله الحجازیه.

"رنج ها و فریادهای فاطمه(س).

"روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، سید محمود آلوسی.

"روزگار رهایی، کامل سلیمان ترجمه: علی اکبر مهدی پور.

"روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابو الفتوح حسین بن علی رازی.

"روض الفائق، شعیب بن سعد مصری.

"روضات الجنات، سید محمد باقر خوانساری.

" روضه الواعظین.

"

ص: 649

ریاحین الشریعه،

"زندگانی حضرت فاطمه زهرا(س)، مکارم شیرازی.

"زندگانی حضرت فاطمه و دختران آن حضرت، سید هاشم رسولی محلاتی.

"زندگانی فاطمه زهرا(س)، جعفر شهیدی.

"زندگی فاطمه زهرا(س)، حسین عمادزاده.

"سفینه البحار، شیخ عباس قمی.

"سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی.

"السقیفه، ابو بکر جوهری.

"السنه، ابو بکر احمد بن محمد بن هارون بن یزید خلال.

"سند حدیث شریف کساء.

"السنن الکبری، احمد بن شعیب نسائی.

"سوگنامه آل محمد(ص) محمدی اشتهاردی.

"سیر اعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، تحقیق: ابراهیم الزییق.

"سیره النبی وآله الاطهار، عبا حسن موسوی

" السیره.

"

ص: 650

سیره نبوی، ابن هشام.

"شاهنامه فردوسی، به کوشش: دکتر سعید حمیدیان.

"شبهای پیشاور، سلطان الواعظین شیرازی.

"شجره طوبی، محمد مهدی حائری.

"شرح نهج البلاغه، ابو حامد عبد الحمید بن هبه الله المدائنی (ابن ابی الحدید).

"شکوفه های عرفان، حکیم الهی قمشه ای.

"شواهد التنزیل لقواعد التذلیل فی آیات المنازله فی اهل البیت(ع)، عبید الله بن احمد حاکم حسکانی.

"شواهد التنزیل، حاکم حسکانی.

"صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری.

"صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری.

"صحیفه الرضا(ع).

"صحیفه نور، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی.

" صدیقه طاهره، عقیقی بخشایشی.

"

ص: 651

الصراط المستقیم، علی بن یونس عاملی.

"طبقات الکبری، ابن سعد.

"طبقات الکبری، محمد بن سعد.

"عدل الهی، شهید مرتضی مطهری.

"العروه الوثقی، سید محمد کاظم یزدی.

"العقد الفرید، ابو عمر احمد بن محمد بن عبد ربه.

"علل الشرایع، شیخ صدوق.

"علم الیقین، فیض کاشانی.

"عوارف المعارف، شهاب الدین سهروردی.

"عوالم العلوم، عبد الله بحرانی اصفهانی.

"عوامل المعارف.

"عیون المعجزات، سید مرتضی علم الهدی.

"عیون اخبار الرضا(ع)، شیخ صدوق.

"عیون الاخبار، ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبه دینوری.

"الغدیر، عبد الحسین امینی.

"الغدیر، علامه عبد الحسین امینی.

" غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد آمدی.

"

ص: 652

الغیبه، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم نعمانی.

"الغیبه، شیخ طوسی.

"فاطمه الزهرا(س)، علی محمد علی دخیل.

"فاطمه الزهراء از ولادت تا شهادت، سید محمد کاظم قزوینی.

"فاطمه الگوی زن مسلمان، احمد صادقی اردستانی.

"فاطمه تجلی گاه انوار آفرینش، سید مجتبی برهانی.

"فاطمه در آیینه کتاب، اسماعیل انصاری زنجانی.

"فاطمه زهرا(س) المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی.

"فاطمه زهرا(س)، شادمانی دل پیامبر،

"الفتوح، ابو محمد احمد بن اعثم کوفی.

"فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی.

"الفرق بین الفرق، عبد القاهر اسفرائینی.

" فروغ ولایت، جعفر سبحانی.

"

ص: 653

فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سید جعفر سبحانی.

"فرهنگ جدید.

"فرهنگ فشرده سخن، حسن انوری.

"فرهنگ فلسفی، جمیل صلیبا، ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی.

"الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی.

"فضائل الزهراء.

"فقه الرضا(ع)، کنگره امام رضا(ع).

"فلاح السائل، سید بن طاووس.

"قاموس الرجال، شیخ محمد تقی تستری.

"قرب الاسناد.

"قصد هجرت، نظری منفرد.

"الکافی، یعقوب بن اسحاق کلینی.

"کامل الزیارات، ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه.

"الکامل فی التاریخ، ابن اثیر جزری.

"الکامل، عبد الله بن عدی، تحقیق: یحیی مختار غزلویی

" کتاب سلیم بن قیس.

"

ص: 654

کشف الغمه فی معرفه الأئمه، علی بن عیسی اربلی.

"کشف الغمه فی معرفه الأئمه، علی بن عیسی أربلی.

"کشف اللآلی، رحمانی همدانی.

"کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، یوسف بن مطهر حلی.

"کشف المراد، علامه یوسف بن مطهر حلی.

"کشف الیقین، یوسف بن مطهر حلی.

"کفایه الاثر، علی بن محمد فرازی قمی.

"کفایه الطالب، گنجی شافعی.

"کلیات سعدی.

"کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق.

"کنز الدقائق.

"کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، اعلاء الدین علی تقی بن حسام الدین هندی.

"کوکب درّی.

"لباب التأویل فی معانی التنزیل، علاء الدین علی بن محمد بغدادی.

" لذت فلسفه، ویل دورانت، ترجمه: عباس زریاب.

"

ص: 655

لسان العرب، ابن منظور.

"لسان المیزان، محمد بن مجر عسقلانی شافعی.

"ماساه الزهرا(س)، جعفر مرتضی عاملی.

"مآساه الزهراء، سید جعفر مرتضی عاملی.

"مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی (مولوی).

"مجمع البحرین، فخر الدین طریحی.

"مجمع البیان فی تفسیر القرآن، امین الاسلام طبرسی.

"مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابو بکر میثمی.

"مجموعه الرسائل.

"مجموعه مقالات برگزیده پیرامون حضرت زهرا(س).

"المحاسن، احمد بن محمد برقی.

"محجه البیضاء، محسن فیض کاشانی.

"مدینه شناسی، سید محمد باقر نجفی.

"المراجعات، سید عبد الحسین شرف الدین.

" مروج الذهب، علی بن حسین مسعود.

"

ص: 656

مسائل جدید، سید محسن محمودی.

"مستدرک الوسائل، محدث نوری.

"مستدرک الوسائل، محدث نوری.

"مستدرک علی الصحیحین، عبد الله حاکم نیشابوری.

"المسند، ابو یعلی موصلی.

"المسند، احمد بن حنبل.

"المصنف فی الاحادیث والآثار، ابن ابی شیبه.

"المصنف، عبد الرزاق بن همام صنعانی، تحقیق: حبیب الرحمن اعظمی.

"معانی الاخبارف شیخ صدوق.

"معجم البلدان.

"معجم صحیفه الزهراء، شیخ جواد قیومی.

"معجم فنون اللغویه، ابن هلال عسکری.

"المعرفه والتاریخ، ابو یوسف یعقوب بن سفیان البسوی، تحقیق: اکرم ضیاء العمدی.

"المعیار والموازنه، ابو جعفر اسکافی، تحقیق: محمد باقر محمودی.

" المغازی، واقدی.

"

ص: 657

المغنی، عبد الجبار معتزلی، تحقیق: محمد قاسم و ابراهیم مدکور.

"مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی.

"مقتل الحسین، خطیب خوارزمی.

"مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ترجمه: سید ابراهیم میرباقری.

"ملتقی البحرین، علامه مرندی.

"الملل والنحل، محمد بن عبد الکریم شهرستانی، تحقیق: محمد سید کیلانی.

"من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق.

"مناقب آل ابی طالب، ابن شهرآشوب.

"المناقب، خطیب خوارزمی.

"منتخب المیزان الحکمه، محمدی ری شهری.

"منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، تحقیق: باقری بیدهندی.

"مواقف الشیعه، علی احمدی میانجی.

"موده القربی.

" مؤتمر علماء بغداد، ابو الهجاء حنفی.

"

ص: 658

میزان الاعتدال، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی.

"میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری.

"المیزان فی تفسیر القرآن، علامه محمد حسین طباطبایی

"ناسخ التواریخ، محمدتقی سپهری.

"نبرد جمل، شیخ مفید، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی.

"نثر الدر، ابو سعید آبی.

"نزهه المجالس، صفوری شافعی.

"نزهه المجالس، عبد الرحمن شافعی.

"نسب قریش، مصعب زبیری، تحقیق: لیغی یوفنسال.

"النص والاجتهاد، سید عبد الحسین شرف الدین.

"نماز و عبادت زهرا(س).

"نوائب الدهور، میر جهانی.

"نهج الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه(س)، محمد دشتی.

" نهج الفصاحه، گردآورنده: مرتضی فرید تنکابنی.

"

الوافی بالوفیات، صلاح الدین خلیلی صفدی.

"وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی.

"وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی.

"ولایت و امامت، مهدی نجفی.

"هزار و یک حکایت تاریخی.

"هزار و یک کلمه، حسن حسن زاده آملی.

"ینابیع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی.

پایان

ص: 659